کتاب ارشاد جابر مغربی و کتاب تعبیر اسماعیل بن اشعث و کتاب کنز الرؤیا مأمونی و کتاب بیان التعبیر
عبدوس و کتاب تعبیر حافظ بن اسحق و کتاب جمل الدلائل والمنامات و کتاب مساوی التعبیر و کتاب تاج
التعبیر فخری و کتاب کافی الرؤیا و کتاب تعبیر طاوس و کتاب مفرح الرؤیا و کتاب تحفة الملوک و کتاب منهاج التعبیر
ابا اصفهانی و کتاب مقدمة التعبیر و کتاب حقایق الرؤیا و کتاب وجیز محمد بن شاهویه و کتاب متفرق از کلمات
هر کس که درین علم تصنیف کرده اند پس اختیار کلام این گروه باز کرده شد و ترتیب دل هر خوابی بنسق حروف
اول و حروف دوم و سوم مشروح درین کتاب یاد کردیم و نامش کامل التعبیر نهادیم زیرا که ازین علم کتابی ازین تمام
بپارسی نساخته اند و آنچه انصاف است همه کس را بااین کتاب احتیاج باشد و هر که قول این تعبیر در نظر دارد و از
تعبیر ابی نیاز باشد و از قول استادان این ضعیف اقوال شش کس یاد کرد که هر یک در عصر خویش یگانه و حکیم وقت
بوده اند اول دانیال حکیم که در روزگار نجیب النسب بود دوم جعفر صادق سوم محمد بن سیرین چهارم جابر مغربی
پنجم ابراهیم کرمانی ششم اسماعیل بن اشعث رضی الله عنهم نخست چیزها که پیغامبر از دانستن آن ناگزیر
است در پانزده فصل یاد کردیم و هر چیز در موضع خویش بترتیب فرا نهادیم تا بر خواننده و آموزنده
آسان گردد و هیچ از دقایق مدد پوشیده نماند انشاء الله تعالی وحده والله اعلم بالصواب **فصل اول**
در شناختن مزاج خواب **فصل دوم** در دانستن منتهای خواب **فصل سوم** در یاد نفس و روح **فصل**
چهارم در معرفت درستی خوابها **فصل پنجم** در معرفت خواب راست و دروغ **فصل ششم** در دانستن تفاوت
خوابها **فصل هفتم** در معرفت فرق میان خوابها **فصل هشتم** در دانستن علم زجر و فال **فصل نهم** در معرفت
خواب فراموش شده **فصل دهم** در گذاردن خواب بقول جاهلان **فصل یازدهم** در معرفت از حال گشتن خواب **فصل دوازدهم**
در معرفت شرط و ادب تاویل **فصل سیزدهم** در نگاهداشتن معبر و سایل و اصناف **فصل چهاردهم** در معرفت آنکه
تعبیر از چند روی است **فصل پانزدهم** در دانستن مسایل که تعبیر آن مقلوب بود و دیدار **فصل شانزدهم** تا دیدن دیدار حق
سبحانه و تعالی عز و جل و دیدن فرشتگان و پیغمبران بترتیب یاد کردیم پس علم تعبیر خوابها بنسق و نظام هر خوابی را در اول
این تا و کردیم یعنی اگر آن خواب الف و یا بود آنرا در حرف الف و یا بجوید و اگر حرف اول الف و تا بود در حرف الف و تا
طلب کند و اگر اولش الف و یا بود یا الف و میم بود این ترتیب از اول حروف دوم نگاه دارد تا استخراج خوابها بر روشنی
بسیح و انا این طریق پوشیده نماند چون درین کتاب بتاویل نگاه کنند و از حق سبحانه و تعالی توفیق یاری خواهیم تمام کردن
این کتاب و ثواب دو جهانی چشم داریم از رب الارباب والله اعلم اندر فضیلت این علم بدانکه علم تعبیر علمی بزرگ
و شریف است که حق سبحانه و تعالی عز و جل این علم را بیوسف صدیق علیه السلام داد و بروی نهاد چنانکه در کلام مجید فرموده
وَكَذٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ و عبدالله بن عباس رضی الله

گفت اول چیزی که حضرت حق سبحانه و تعالی جل وعلا بحضرت مصطفی صلی الله علیه وسلم داد آن بود که فرشته بفرستاد
در خواب دید گفت ای محمد بشارت باد که حق سبحانه و تعالی جل وعلا ترا از جمله انبیا گردانید و برگزیده کرد و خاتم
انبیا گردانید ولکن رسول الله وخاتم النبیین گفت پس چون رسول علیه السلام بیدار گشت خواب نبوت خبر قبال
است و بعد از معراج خوابی دیگر دید چنانچه ایزد تعالی فرمود لَقَدْ صَدَقَ اللهُ رَسُولَهُ الرُّؤْيَا بِالْحَقِّ
لَتَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللهُ آمِنِينَ تا آنجا که فرمود فَتْحًا قَرِيبًا در قصه ابراهیم علیه السلام
گفت إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى تا آنجا که صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا إِنَّا كَذَلِكَ
نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ و در خبر چنین آمده است که این معجزه یوسف علیه السلام بود و علمی که معجزه پیغامبری بود تعبیر
بس علمی شریف و بزرگ بود و بعضی از انبیا علیهم السلام که مرسل نبوده اند ایشان را بخواب کرامت گشت و بشارت
[illegible] عروه از پدر خویش روایت میکند که او گفت که در تعبیر این آیت که حق تعالی جل وعلا فرمود لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ
الدُّنْيَا حق تعالی عز وجل بدین بشری خواب صالحان خواسته است که مردم صالح خویش را خوابی بیند یا کسی او را خوابی بیند
و در تصدیق خواب آیات و اخبار بسیار است از آنکه بجمله را یاد کنیم کتاب دراز گردد و در خبر است از انس که رسول
صلی الله علیه وسلم گفت الرُّؤْيَا جُزْءٌ مِنْ سِتَّةٍ وَأَرْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ النُّبُوَّةِ یعنی دیدن خواب مرد صالح
جزویست از چهل و شش جزو پیغامبری و این خبر از بهر آن گفت که چهل سال بود که بروی وحی آمد و شصت سال بود که
از دنیا رحلت کرد میان وحی و رحلت از دنیا بیست و سه سال بود و آنچه خواسته بود در خواب میدید ماند مدت شش
ماه از بیست و سه سال یک بهر از چهل و شش بهر بود پس رسول علیه السلام بدین معنی گفت الرُّؤْيَا جُزْءٌ مِنْ سِتَّةٍ وَ
أَرْبَعِينَ جُزْءًا مِنَ النُّبُوَّةِ و پیغامبران دیگر همچنین بودند هرچه خواسته بودند حق تعالی جل وعلا ایشان را از خواب باز
نمودی و در خبر است از عبدالله بن عباس رضی الله عنه که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که خواب راست حق است
که حق تعالی جل وعلا مر بنده را از خیر و شر بوی رسد تا در دنیا مغرور نشود و از امر کردگار غافل نباشد و ابو هریره
رضی الله عنه گفت چون رسول علیه السلام بیمار شد یاران غمناک چیزی می آمدند و گفتند تو ما را از کار خیر خبر میدادی
اکنون عیاذا بالله منها تا اجل برسد ما را که خبر دهد در اختیار کار دین و تدبیر آن چگونه خبر داریم رسول علیه السلام
گفت بَعْدِي وَفَاتِي يَنْقَطِعُ الْوَحْيُ وَلَا يَنْقَطِعُ الْمُبَشِّرَاتُ بعد از وفات من وحی بریده شود اما مبشرات
بریده نشود گفتند مبشرات چیست گفت الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ الَّتِي يَرَاهَا الْمَرْءُ الصَّالِحُ أَوْ يُرَى لَهُ
یعنی دیدن خوابهای صالح که مرد نیک بیند یا کسی دیگر از بهر او بیند و در خبر است از ابو سعید خدری که از رسول
علیه السلام شنیدم که با یاران میگفت که چون کسی از شما خوابی پسندیده و نیک بیند باید که شکر حق تعالی گوید و آن
با برادران مؤمن و دوستان بگوید و اگر ناپسندیده بیند و مرد صالح بود چند بار اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

از شر وی بپناه حق جل و علا رود و آن خواب با هیچکس نگوید تا مضرتی و گزندی بوی نرسد و در خبر است از امیر المؤمنین
علی ابن ابیطالب کرم الله وجهه که او گفت چون مؤمنی خوابی بیند یا دیگری بخواب بیند واجبست دانستن تعبیر آن خواب
تا از خواب نیک بهره شادی برگیرد و از خواب بد حذر کند یعنی بدعا و عبادت و صدقات مشغول شود ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید که مرتبه این علم و علمهای دیگر چنانست که هر که علمی طلب کند از اصلش نگردد و قیاس تعبیر نپذیرد
و طریق آن معلوم نکند مگر این علم از اصل نگردد از احوال مردم بهیات و صفت و قدر و دیانت و همت و ارادت
و نیز باختلاف وقتها میگردد و نیز که وقتی تعبیر مثل با اصل باید کرد و وقتی ابه گاه از بهر مردمان باشد و گاه از بهر مردمان
گاه از بهر اضغاث و احلام یعنی خوابهای نشوریده و بدانکه هر عالمی که علمی دارد و مستغنی باشد از علم دیگر الا معبر باید که تفسیر
علم تفسیر قرآن و اخبار مصطفی علیه السلام و امثال اشعار عرب و عجم و نوادر و اشتقاق لغت و الفاظ متداوله یعنی که انگیخته
کرده و باید که بزرگ و لطیف و ادیب باشد و شمایل و احوال مردم نیک شناسد بقیاس و علم و دل نیک داند و دایم
توفیق از حق تعالی جل و علا خواهد تا او را بکرم خویش راه نماید و بر زبانش صلاح و صواب راند و اینچنین از حق سبحانه و تعالی بخواهد
و طبع او پاک باشد از همه به لقمه حرام خوردن و از سخنهای نابکار دور باشد و از معاصی احتراز نماید تا در سلک اَلْعُلَمَاءُ
وَرَثَةُ الْاَنْبِيَاءِ درج گردد و وارث پیغمبران باشد پس بر خردمندان واجب باشد دانستن علم تعبیر و شناختن خوابها
زیرا که چه خاص و عام عالم و جاهل را بدین علم حاجتست مگر آن قوم را که حق جل و علا در شان ایشان گفت اُولٰٓئِكَ
كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْغَافِلُوْنَ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِالصَّوَابِ **فصل اول** در شناختن مزاج خوابها
در این فصل بیان کنیم که حد خواب و مزاج وی چیست بدانکه حکما گفته اند که سبب وجود خواب از بخارهای تر متصاعد است
که از تن بسوی دماغ بالا شود بدانکه جمله حواس و قوی بیارامند و آسایش یابند و طعامهای خورده منهضم شود و اثر شهوت
تن پخته گردد و اینچنین خواب را پزشکان طبیعی گویند و بعضی گویند که خواب گذاشتن روح است استعمال حواس را
و بعضی گویند که خواب فعلیست از فعلهای دماغ و آن فعل طبیعی است زیرا که از وی راحتها بقوی میرسد خصوصا قوت
تخیل و قوت فکر و این قوتها که یاد کرده شد حرکات روح نفسانی اند و موضع ایشان دماغ بود و آسایش بخواب است
روح نفسانی آرمیده گردد و دلیل بر این آنست که چون کسی بتحصیل علم مشغول گردد و بشب گرمی و خشکی بر مزاج او
غالب شود و روح نفسانی از بسیاری حرکت سست و ضعیف گردد و از آن تباریح و بیماری تولد کند و علاج این تر باسر
باشد چون روغن بنفشه و روغن نیلوفر و آنچه بدین ماند و حکما گفته اند خواب بر دو گونه است یکی طبیعی و دیگر
غیر طبیعی اما طبیعی حرارت غریزی بترد یعنی گرمی اصلی اندرون را از اندرون نگهدارد و چون بسیار خسبد قوای نفسانی
سست گردد و بسبب آنچه تری بروی چیره گردد ولیکن باید که رنج زایل کند و فضلها که در تن جمع شده جمله بعرق
از اندامها دفع کند و خوابیکه غیر طبیعی است برسته گونه باشد یکی از فساد مزاج تن دوم از زیاده شدن بعضی مشامها

تن وسی یعنی خون و صفرا و سودا و سوم از خوردن غذاهای غلیظ و یا بکار مزاج سرد و تر است و مایه آن از سردی و تری
دماغ ظاهر شود و از آنجاست که دماغ گرم و خشک را خواب کمتر آید و دماغ گرم و تر خواب بسیار کند و اگر کسی اعتراض
کند و گوید که چه دانستی که خواب فعلیست از افعال سرد و تر و راحت و قوت متخیله و تفکره است جواب آنست که این
از طریق عقل معلوم میشود که نشستن راحت ایستادنست باحلال راحت بیداری و آسایش قوتهای دماغ پس یقین
است که خواب فعلیست از افعال مغز سرد و شرح خواب طبیعی و غیر طبیعی و ضعف قوت تخیل و قوت ذکر و قوت فکر بحث و برای
از قول حکماء قدیم در کتاب کفایت الطلب نهاده ایم و جمله در آن بیان کردیم **فصل دوم** در دانستن قسمهای خواب
دانیال علیه السلام گوید که خواب در اصل دو چیز است یکی آگاه کردن از حقیقت حالها دوم بیدار کردن از سر
کارها و این دو فصل از چهار قسم است یکی خواب امر است یعنی فرماینده دوم خواب زاجر یعنی بازدارنده سوم
منذر یعنی بیم کننده و ترساننده چهارم خواب مبشر یعنی مژده دهنده و عبد الله بن مسعود گوید که رسول علیه السلام گفت
الرؤيا ثلاثة اقسام من الله تعالى وبشرى المؤمنين في حيوتهم قسم دوم من الشيطان ليحزن الذين
آمنوا قسم سوم اضغاث واحلام یعنی خواب بر سه قسم است یکی از حق تعالی جل و علا بشارت مؤمنان
در زندگانی با ایشان و دوم قسم آنست که مردمان را اندوهگین گرداند سوم قسم آنست که خوابهای آشفته باشد جعفر
صادق رضی الله عنه گوید در اصل خواب بر سه قسم است یکی را محکم خوانند دوم را قسم متشابه خوانند و سوم قسم
اضغاث واحلام خوانند و اضغاث واحلام چهار گروه بینند گروهی که طبع ایشان بفساد مایل است و گروهی
که مخمور باشند و گروهی که غذای سوداانگیز خورند چون بادنجان و عدس و گوشت نمکسود و آنچه بدان ماند و گروهی
کودکان نابالغ محمد بن سیرین رحمة الله علیه گوید خواب بر دو قسم است اول خواب محکم که آن درست بود دوم
اضغاث واحلام و آن خواب پریشان و پراکنده بود و اضغاث دستهای گیاه باشد یعنی چنانکه گیاههای
هرگونه در بستانها و اضغاث نیز مختلف است و آن نیز بر سه نوع است بعضی از غلبه طبع و هوا و بعضی از نمایش دیو
و بعضی از حدیث نفس و این هر سه نوع درست نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید خواب بر سه قسم است قسمی از
حق سبحانه و تعالی عز و جل و قسمی وسوسه از شیطان و قسمی از سخنی که با خود گوید و از هوس آن سخن در خواب بیند
و آن راست صورت فرشته بود که از لوح محفوظ بشارت دهد بچیزی که کرده باشد یا بنده بحضرت حق تعالی
بود و از شر آن ایمن گرداند که بوی رسد از این سبب چون کسی خواب بیند و فراموش کند معبر گوید توبه کن
گناهان و فراموش کردن خواب از معصیت باشد زیرا که نماینده خواب فرشته است از لوح محفوظ مغربی رحمة الله
علیه گوید خواب بر دو قسم است قسمی خواب راست و قسمی خواب دروغ و خواب راست بر سه قسم است قسم
اول را تبشیر خوانند و قسم دوم را تحذیر و قسم سوم را الهام قسم تبشیر آنست که حق تعالی جل و علا فرشته بر لوح محفوظ

موکل فرموده است تا هرچه از خیر و شر بر سر فرزندان آدم خواهد گذشت از لوح محفوظ بوی رساند و بنماید و را در
خواب و آن فرشته را ملک الرؤیا خوانند پس چون کسی را بشارتی خواهد رسانید ملک الرؤیا او را در خواب باز نماید
و خواب تحذیر آنست که ملک الرؤیا او را خبر رساند و آگاهی دهد از چیزی که بوی خواهد رسیدن تا بیننده خواب بطاعت
گراید و از گناه بپرهیزد و بسبب آن عبادت و فرمان داری کند و از شری که بوی خواهد رسید ایمن گردد قوله تعالی وَتُوبُوا
إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ و خواب الهام آنست که خدای تعالی الهام دهد آن فرشته را تا در
خواب بنماید بنده را که صدقه باید دادن و جهاد کردن و بحق سبحانه و تعالی بازگشتن و از سر گناه درگذشتن و عدل و احسان
با خلایق کردن و خواب دروغ بر سه وجه است یکی را خواب همت گویند دوم خواب علت سوم خواب شیطانی یعنی خواب
آشفته و مختلف خواب همت آنست که مردم به بیداری چیزی اندیشند چون بخواب روند همان بینند و آن خواب را اصلی نباشد
و تاویل وی راست نیاید و خواب علت آنست که مردم از بیماری از درد اندامی ناله چون بخسپد اندر وی غالب شود چیزها
منکر و سهمگین بخواب بیند و سبب آن خواب از درد باشد و آن خواب را اصلی نباشد و خواب شیطانی آنست که او را
غسل واجب کند یا چیزی ناممکن بخواب بیند و آن را تعبیر و تاویل نباشد قوله تعالی وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ
بِعَالِمِينَ و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که از عجایبهای که حق سبحانه و تعالی عز و جل آفریده یکی خوابست و آنچه در
خواب همی بینیم از خیر و شر که بعد از آن حکم ایزد تعالی جل و علا برسد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید از عجایبهای خواب یکی آنست
که شخص در خواب بیند خیری و منفعتی و راحتی بیند یا شری و آفتی همچنان آن خیر و راحت یا شر و آفت بعینه به بیداری بوی
رسد و یکی دیگر آنکه بسیار مردمان کند فهم و کند زبان باشند چنانکه در بیداری بیتی دراز و یا شعری که یاد نتوانند گرفتن در
خواب خوانند و یاد گیرند و در بیداری درست باز خوانند و بسیار مردمان جاهل باشند که سخنان حکمت آمیز و لفظهای نیکو گویند
چنانکه هیچ حکیم و عالم نتواند گفت و چون بیدار شوند آن سخنان باز گویند جابر مغربی رحمة الله علیه گوید از عجایبهای خواب
یکی آنست که در خواب چیزی بیند که افترا باشد و تاویل آن چنانست که آنچه در خواب بیند فرزند یا برادر روا باشد چنانکه محمد
مصطفی صلی الله علیه و سلم یکی بخواب دید که بوجهل مسلمان شدی آنحضرت از پس بعکرمه بازگشت هم مردی و یکی بخواب دید
امیر که مسلمان شد آن خواب به پسران عباس بن اسد بازگشت که چون کودکی بخواب بیند تاویلش مادر را دلیل
بود یا بنده بیند تاویلش خواجه او را باشد از این عجایبها در خواب بسیار است اگر جمله یاد کنیم
کتاب دراز گردد **فصل سوم** در یاد کردن نفس و روح بدانکه حق سبحانه و تعالی جل علا در قرآن مجید فرماید
اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي قَضَى عَلَيْهَا الْمَوْتَ
وَيُرْسِلُ الْأُخْرَى إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى ایزد تعالی عز اسمه خبر کرده است ما را که نفس با خویشتن گیرند در خواب بیداری
باز گذارد و اما مرده را باز نگذارد و معنی یتوفی اینجا استیفا بود یعنی بستدن و میان علما و حکما در نفس و روح خلافست

بعضی گفته‌اند و دلیل اندر معنی نفس و روح جانست و دلیل ایشان آنست که گویند در کلام عرب هشت معنی دارد جان و
و آب و تن و براز و رحمت و جبرئیل و عیسی و وحی را گویند و بازده معنی در جان و باد و کلام و روح القدس یعنی
و این دو معنی در عیسی مریم و زندگانی و فرشته و رحمت حق جل و علا و قرآن گویند که جان ببیند در خواب از تن بیرون آید
و آنچه ببیند راست و بشنود و یا ببیند و چون بیدار شود باز جان در تن او در آید و دلیل ایشان آنست که پیغمبر
صلی الله علیه وسلم گفت بنده که با طهارت بخسپد و ذکر حق سبحانه و تعالی بر زبان راند جان او را به آسمان برند و
معبران این آیت خبر را منع کنند و گویند این نه قول رسول است اگر خفته را جان از تن بیرون شدی حرکات دوم از وی
ببرد چنان حال خفته چون مرده است دلیل کند که جان همچنان در تن خفته است و بعضی در میان جان و روان
فرق نهند و گویند که چون خفته در خواب شود روان او از تنش بر آید و گرد عالم بگردد و باز در تن در آید و آنچه دیده
باشد خبر باز دهد و دلیل گویند که مثل جان چون قرص آفتاب است و مثل روان چون روشنائی آفتاب چنانکه قرص
آفتاب در فلک چهارم است و روشنائی او در جهان و جمعی از فلاسفه گویند جان و روان خود یکیست و هیچ
فرقی نیست میان ایشان زیرا که صفت ایشان بقیاس عقلی چون یخ از آبست و آب از یخ و نزدیک ارسطاطالیس
نفس مبدا اول است و او شریف و بزرگوارتر از روح است و ماهیت نفس و روح از قول حکما پیش از این یاد کردیم در
کتابیکه نام او معیار المسایل است و آنجا بیان کرده ایم اما نزدیک اهل سنت و جماعت روح امریست از امرهای ربی
سبحانه و تعالی عز و جل قوله تعالی وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي یعنی ای محمد سوال میکنند ترا
از جان بگو که جان از امر و کار منست و اعتماد بر قول باری تعالی است و حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم و
از یاد کردن اقاویل حکما درین باب این بود تا این کتاب از ذکر ایشان و برهان خالی نباشد ایزد جل و علا ما را
برین مذهب و سنت پیغمبر نگاه دارد و توفیق خیر کرامت کند. فصل چهارم در درستی خوابها بعلامتها کرمانی
رحمة الله علیه گوید هرکه خواهد تا درستی خواب بیند بعلامتها و دلیل نیک باید که تا با طهارت بخسپد و
راست بخسپد و خدایرا یاد کند و طعام بسیار نخورد زیرا که آنکس که طعام بسیار خورد و خدایرا یاد نکند معده او پر گردد و
بخارهای طعام بدماغ او رسد و عقل از آن متخیل گردد و ازین سبب خوابهای آشفته و مختلف بسیار بیند و طعام اندک
هم نخورد زیرا که چون معده از طعام خالی باشد و گرسنه خسپد هم خواب آشفته بیند بر که طبیعت غذا نیابد سست و ضعیف شود و از
نیز و چون در خواب رود خواب آشفته بیند و مردم در وقت خواب باید که نه سیر باشند و نه گرسنه تا خوابی که بینند را
و نیز خواب را فراموش نکنند و در خبر است از عبدالله بن مسعود که مرد اعرابی نزدیک رسول آمد و گفت یا رسول الله
خوابی دیدم و خوابی آشفته آغاز کرد و گفت رسول علیه السلام فرمود که چه خورده بودی گفت خرمای پخته خورده بودم
علیه السلام فرمود که این خواب را تاویل نیست و درست نباشد و از آنچه است که مردان بسیار خواب تعبیر میکنند

معبر باید که از دانستن این تعبیرها غافل نباشد و چنین چیزها از سایل بپرسد بعد از آن تاویل خواب بکند تا آنچه گوید راست
و درست آید و علامتهای درستی خواب که چنین باشد که یاد کرده شد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که بسیار خوابست که کسی
بیند چون آن کس سزاوار آن نباشد تاویلش بکسی از خویشان او باز گردد یعنی بفرزند یا برادر یا پدر و بسیار بود که تاویل خواب
از مرگ او تاثیر کند و ما درین باب پیش ازین تقریر عکرمه بن ابو جهل کرده ایم که در پدر خواب دیدند و تاویل آن بر پسر شد
چنانکه کودک نابالغ چون خواب بیند بر پدر باز گردد و پس چون معبر اصول این چیزها دانسته باشد بر وی هیچ مشکل نبود و جعفر صادق
رضی الله عنه گوید بسیار خوابست که بیند و راه صعب و سهمگین نماید و لیکن بخلاف آن باشد چنانکه اندوه و بیم نماید و لیکن
شادی و خرمی باشد قوله تعالی وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا و گریختن از بیم پادشاه و دشمن و دوان
بگه بدین ماند دلیل کند که خداوند خواب در امان و زینهار خدای تعالی باشد قوله تعالی فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ
نَذِيرٌ مُبِينٌ و اشکال این دلالات بسیار است و ما هر یکی را بموضع خود بیان کنیم ان شاء الله تعالی فصل پنجم در معرفت خواب
است و دروغ دانیال علیه السلام گوید که مردمان باشند در شکل و صورت و طبایع و بالا و سخن گفتن و خواب هر کس چون
طبع مردم و هوا و شهر هر کس مختلف باشند و بر یکدیگر نماند چون بر طبع مردم خون غالب شود از بسیار خوردن گوشت و حلوا
و شراب و چیزهای دیگر که ازوی خون بیفزاید در خواب رگ زدن و حجامت کردن و لب باختن و عشرت کردن و آواز
چنگ و چغانه شنودن و آنچه بدین ماند بسیار چون معبر در وی نگاه کند گونه وی سرخ بیند و تن فربه و در روی نشاط و شادی
بیند بوقت بهنگام خویش بداند که آن از علت غالب شدن خون است و آن خواب را اصلی نباشد و چون بر طبع مردم
صفرا غالب باشد از خوردن چیزهای صفرائی چون پنیر و پیاز و بلبل و چیزهای گرم و خشک در خواب آتش و چراغ و شمع
و قندیل و گرما و چیزی بسیار بیند چون معبر او را زردگونه و لاغر بیند و در وی تیزی و حرکت بیند و سخن بسیار گوید داند که صفرا
بروی غالب است و خواب او را اصلی نیست و چون بر طبع وی بلغم غالب شود از خوردن چیزهای بلغم افزا چون دوغ
و ماست و شیر و آنچه بدین ماند در خواب برف و باران و آنچه بدان ماند بسیار بیند چون معبر گونه او سفید و تن فربه بیند
و در سخن او گرانی باشد داند که بر مزاج او بلغم غالبست و داند که خواب او را اصلی نیست و چون بر طبع سودا غالب شود از خوردن
چیزهای سودا انگیز چون گوشت نمکسود و پرشیها و بادنجان و آنچه بدین ماند خوابهای با بیم و ترس و بلا و گژدم و تاریکی و
چیزهای سهمگین و سیاهی بسیار بیند و چون بیند که رنگ در روی او زرد و اندیشه متفکر است و بی سببی بر روی و ریش
دست مالد معبر بداند که سودا بر وی غالب است و خواب او را اصلی نیست پس از راه خود واجبست که معبر درین چیزها
نیکو تامل نگاه کند و خواب هر کس را نیک بپرسد و بر آن واقف گردد تا تاویل خواب بر وفق صواب آید ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید خواب آن کسانیکه اصحاب همت باشند چون عاشق معشوق را بخواب بیند یا ارباب حرفت
پیشه وی بخواب بیند مثلا جولاه کرباس را یا آهنگر آهن را بیند بر معبر واجبست که خواب باز پرسد که دوش چه خورده

بودی و در چه اندیشه خفتی تا بیان تعبیر کند با کسی که بخواب درمیان برف و باران و یخ و سرما گرفتار است چون
شود جامهٔ خواب از وی دور شده باشد آن سرما بخواب دیدن بسبب برهنگی باشد و بی جای او بود و آن خواب
را اصلی نباشد و اگر بخواب بیند که اندر گرما بود یا آفتاب و حرارتی در خود بیند چون بیدار شود جامه بسیار بر خود
پیچیده باشد و آن گرمی یافتن بسبب جامه بسیار بود که بر خود پیچیده باشد و اگر کسی بیند که از علتی می نالید و درد رگی
در اندام وی افتاده بود و ورا رنجور میداشت و همان درد دارد و آنچه در خواب بیند که بول میکرد چون بیدار شود ببیند
که در جامهٔ خواب بول انداخته بود و یا بول بر وی غالب شده باشد این چنین خوابها را اصلی نباشد فصل ششم
در دانستن تفاوت میان خوابها و تفصیل خواب هر کسی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که خداوند خواب از
دو حال بیرون نیست یا مومن است یا کافر و این اصل را چهارده نوع است نوع اول خواب پادشاهان
دوم خواب قاضیان سوم خواب مفتیان چهارم خواب عالمان پنجم خواب آزادگان ششم خواب بندگان
هفتم خواب مردان هشتم خواب زنان نهم خواب صالحان دهم خواب فاسقان یازدهم خواب توانگران
دوازدهم خواب درویشان سیزدهم خواب بالغان چهاردهم خواب کودکان نابالغ و ازین جمله خوابها
پادشاهان راست تر و درست تر است و گفته اند که خواب پادشاهان را بر دیگران چندان فضیلت است
که پادشاهان را بر رعیت چه ایزد سبحانه و تعالی جل و علا پادشاهان را برگزیده و سروری داده و خلق را فرموده تا اطاعت
وی بجا آورند قوله تعالی يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللّٰهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ
و رسول صلی الله علیه و سلم فرمود مَنْ أَطَاعَ الْأَمِيرَ فَقَدْ أَطَاعَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ پس هر
خوابیکه پادشاه عادل مصلح بیند آن خواب مقرون پادشاه را نزدیک بود و بخواب پادشاه نزدیک تر
و درست تر است و خواب قاضی را فضیلت است بر خواب دیگران زیرا که عدل و انصاف و تفکر
در کارهای خاص و عام بستن و گشادن امور خلایق همه از قاضیان بود و خواب فقها را فضیلت است
بر خواب عوام چه ایشان دانااند باصول فقه و حدود مسلمانی و فرایض و سنن و حلال و حرام از قول ایشان
بتوان دانست و خواب آزادگان را فضیلت است بر خواب بندگان از برای آنکه حق سبحانه و تعالی جل و علا
و نسب داده است ایشان را بر بندگان و خواب علما افضل از برای آنست که حق سبحانه و تعالی ایشان را
توفیق داده است تا خلق را براه راست آرند و بخیرات و طاعات رغبت نمایند و خواب بنده خدا
را منفعت دهد که بنده را از آن نصیب باشد و خواب مردان را بر زنان فضیلت است از برای آنکه باری
سبحانه و تعالی ایشان را برگزید بر زنان و بچند چیز رجحان داده تفضیل نهاد قوله تعالی اَلرِّجَالُ قَوَّامُونَ
عَلَى النِّسَاءِ و پیغامبران علیهم السلام فرستاده همه مردان بودند و جای دیگر فرمود فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّ

تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَآءِ و بدیهه عقل است صبر و جود و رای و شجاعت و سخاوت و ملامت و خدم و مثال آن همه و جبلت مردان مذکور گردانید و خواب زنان نزدیک بخواب بندگان و خواب صالحان را فضلست بر خواب فاسقان از بهر آنکه خواب اهل صلاح بطاعت میل می کنند و از معصیت دور باشند و خواب فاسقان که روز قیامت بر ایشان حجت باشد چنانکه بر کافران زیرا که فاسق بر معاصی دلیری کند و خواب توانگر بهتر از خواب درویش فضل دارد زیرا که توانگر زکوة و صدقه دهد و حج و غزا کند و رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که يَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنْ يَدِ السُّفْلَى یعنی دست بخشنده به از دست ستاننده است و گروهی از معبران گویند که خواب درویشان را اصلی نباشد زیرا که همواره دل ایشان را پریشان باشد از غم کسب و عیال چون درویش خواب نیکو بیند اثر آن دیر پدید آید و چون بد بیند اثر آن زود ظاهر گردد و خواب توانگران خلاف این باشد و خواب اهل طوع معتبر باشد زیرا که شهوت بر ایشان غالب باشد و نابالغ ادب و عقل ندارد و بعضی از معبران گویند که خواب کودک نابالغ چون نیک باشد نیکی آن به پدر و مادر رسد و بدی آن زیان دارد و خواب کودک نابالغ را دوستر قول آنست که خواب ایشان راست و درست تر باشد حکمش پدید آید زیرا که دل کودک از گناه و صافی باشد و از معصیت و شغل دنیا فارغ باشد و قولی دیگر خواب مرد کار را عقل و تمیز چنانچه باید نباشد و خواب مست و جنب و زن حایض درست باشد چنانچه صفیه بنت حیی در خواب دید که ماه و آفتاب از آسمان هر دو بکنار وی افتادند چون بیدار شد امیر خیبر را از این خواب آگاه کرد امیر خیبر طپانچه بر روی وی زد و گفت اگر این خواب راست میگوئی محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم خیبر بستاند و ترا بزنی کند و رسول الله علیه وسلم خیبر بگرفت و لشکر اسلام صفیه را پیش بردند رسول صلی الله علیه وسلم از صفیه پرسید که این کبودی که بر روی تست چیست صفیه این صورت خواب باز گفت همچنان بود که دیده بود و تاویل خواب او راست آمد والله اعلم بالصواب **فصل هفتم** در معرفت فرق میان خوابها کرمانی رحمة الله علیه گوید که خواب مسلمانان راست تر از خواب کافران باشد و خواب دانا بهتر از خواب نادان و خواب صالح بهتر از خواب فاسق قوله تعالی اَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ اَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَآءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَآءَ مَا يَحْكُمُونَ و خواب پیران بهتر و راست تر از خواب کودکان و خواب زن آزاد بهتر از خواب کنیزک بود و در بیان خواب هر کس معبر را باید که در وقت گذاردن خواب مراتب نیکو نگاه دارد و چون از خداوند خواب سوال کند و الفاظ خواب گوید که بشنود و همه را بالقیاس عقل راست کند چنانکه لفظ اول با آخر بود و از آن آخر باول آرد آنگاه تعبیر کند و هر کدام که لفظ قوی تر بیند با صول همان لفظ تعبیر کند تا چون میزان کلام نگاه داشته باشد در او غلط نیفتد و آنچه گوید صواب بود زیرا که علمای قدیم قیاس چنین کرده اند و صواب و راست آمدی **حکایت** چنین گویند مردی از ابن سیرین رحمة الله علیه سوال کرد که بخواب دیدم که بانگ نماز کنم ابن سیرین گفت حج اسلام بگذاری هم در آن وقت مردی بیامد

و گفت که بخواب دیده ام که بانگ نمازی گفتم گفت ترا بدزدی بشهر کشند شاگردان گفتند که این دو خواب بیک صورت
داشت تو با هم گفت نماز می گفتند چگونه تعبیر این مخالفت کن گفت ترا سیمای صلاح دیدم گفتم حج کنی قوله تعالی
وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا و در آن دیگر سیمای اهل فساد دیدم بمخالفت در تعبیر گفتم که ترا بدزدی بگیرند
قوله تعالی فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ جعفر صادق رضی الله عنه گوید که وقتی باشد که خواب
بیند و تأویل آن هم در آن روز باشد و خوابی باشد که در شب بیند و تأویل آن یکسان باشد و خوابی در شب بیند و تأویل آن
تا سی روز باشد و وقتی باشد که خوابی بیند که بیست سال درست شود و باشد که تا چهل سال کشد چنانچه در کشتن امیر
المؤمنین حسین رضی الله عنه و آن چنان بود که رسول صلی الله علیه و سلم بخواب دید که سگی خون وی بخوردی و
بعد از چهل سال درستی آن خواب پدید آمد که او را شهید کردند جابر مغربی رحمة الله علیه گوید که تأویل خواب شب نزدیکتر
از خواب روز باشد و خوابی که اول شب بیند درست نباشد اکثر از کثرت اندیشه و اشغال خوابی که در نیم شب بینند هم
از قسم اضغاث و احلام بود پس درست تر خواب سحرگاه بود زیرا که خواب سحرگاه و فرشته مقرب از لوح محفوظ برادم
نماید از این سبب تأویلش درست و راست بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوابیکه در اول شب بیند تأویلش
بپنج سال پیدا شود و اگر میانه شب بیند تأویلش به پنجاه روز پیدا شود و اگر در سحرگاه بیند تأویلش تا ده روز پیدا
شود علی الجمله هر چند که شب بروز نزدیکتر بود خواب درست تر و زود تر بود تأویل آن فصل هشتم در دانستن خواب
بحروف بر معبر راست آید دانیال علیه السلام گوید هر که خواهد که تعبیر خواب کند ناچار است از آنکه علم حروف فال بداند
استادان قدیم را بود و نیک بداند چنانکه اگر کسی از وی تعبیر خواب پرسد باید که معبر نام سائل بپرسد اگر نامش نیک
باشد دلیل بر نیکی کند چنانکه محمد و احمد و حسین و فضل و سعید و بشیر و حبیب و محبوب و آنچه بدین ماند که این جمله
را دلالت بر خیر و فرح بود بر آنکس که رسید و اگر نام بخلاف این بود دلیل کند بر شر و اندوه که بر وی رسد و چون سائلی از وی
تعبیر خواب پرسد معبر در آن زمان پیش اسپ یا استر یا خر بیند بداند که خوابش پسندیده و نیک باشد و نیز بیننده
خواب سفر کند خاصه که اسپ و استر با زین و لگام بیند قوله تعالی وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا
وَزِينَةً و اگر سائلی از وی تعبیر خواب بپرسد و از آن کلاغ سه بار بانگ کند دلیل بر خیر و نیکی کند و اگر کلاغ دو بار
بانگ کند دلیل بر بدی بود که بوی رسد جابر مغربی رحمة الله علیه گوید شخصی خوابی می پرسید از عبدالله ابن عباس
رضی الله عنهما در آن حال کلاغی بیامد و بر دیوار خانه نشست و دو بانگ کرد عبدالله بن عباس گفت دلیل که ترا
ستورمند هم در آن شب دزدی بخانه وی رفت و ستور لختی کرد و هر چه داشت ببرد عبدالله گفت که من با یاران گفتم
که اگر کسی تعبیر خواب پرسد و کلاغ دو بار بانگ کند دلیل بر مضرت و زیان بود و اگر چهار بار بانگ کند دلیل بر خیر
و نیکوئی و اگر پنج بار کند بد باشد و اگر شش بار بانگ کند نیک باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که بانگ خروس

طاق باشد دلیل بر خیر باشد و چون جفت باشد دلیل بر تباهی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر مردی بخسبد
به نیت آنکه خوابی ببیند و از آن خواب احوال نیک و بد باز داند اگر در خواب گوسپند یا بره یا گاو یا اسپ و نبیند
این باشد که گوشت همی چیزی خورند دلیل بر تباهی کار او باشد اگر ببیند در بسته از بهر او گشاده‌اند و با طعامی شیرین
یافت و خورد دلیل بر نیکی کند فصل نهم در خوابیکه فراموش کرده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید چون کسی
خوابی دیده باشد و فراموش کند و معبر خواهد که خواب او بداند طریق آنست که نامش بپرسد و حرفهای نامش
بشمارد و بحساب ابجد نه نه از وی بیندازد و نگاه کند که چند مانده است مثلاً اگر نه مانده باشد شهرها بخواب دیده باشد
دلیل بر فساد کند قوله تعالی وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ
و اگر هشت مانده باشد سفر یا تزویج دیده باشد قوله تعالی ثَمَانِيَ حِجَجٍ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ
و اگر هفت مانده باشد روان با سگان دیده باشد قوله تعالی يَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ
و اگر شش مانده باشد و خداوند خواب مستور باشد دلیل کند که فرشتگان و اهل صلاح را بخواب دیده باشد تا بیش
تمامی اشغال وی باشد و اگر خداوند خواب مفسد بود دلیل کند که دیوان و اهل فساد بخواب دیده باشد دلیل بر تباهی حال
او کند قوله تعالی خَلَقَ السَّمٰوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ و اگر پنج مانده باشد جان
و سلاحها بخواب دیده باشد و اگر چهار مانده باشد آسمان و ستارگان بخواب دیده باشد فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً
لِلسَّائِلِينَ و اگر سه مانده باشد دلیل که با کسی کاری گفته باشد مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَىٰ ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ
و دیگر گفت ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا اگر دو مانده باشد یاری دلیل که در دین و دنیا منفعت کند ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا
فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ تاویلش آنست که آنچه میسر شد ایمن گردد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید چون
کسی خوابی دیده باشد و فراموش کرده بود و معبر خواهد که خواب بداند خداوند خواب را گوید دست بر عضوی نهد از اعضای
خویش اگر بر سر نهد کوه در خواب دیده باشد و اگر بر چشم نهد چشمه آب شور دیده باشد و اگر بر بینی نهد دامن کوه دیده باشد
و اگر بر رخسار نهد مرغزار دیده باشد و اگر بر دهان نهد چشمه آب خوش دیده باشد و اگر بر گوش نهد شکاف و مغاکها دیده
باشد و اگر بر ریش نهد گیاهها در خواب دیده باشد و اگر بر شکم نهد رود و خانه در خواب دیده باشد و اگر بر عورت نهد
خرابات در خواب دیده باشد و اگر بر دوش نهد کوشک و منظر دیده باشد و اگر بر بازو نهد درخت میوه دار دیده باشد
و اگر بر انگشتان نهد شاخهای خورد درخت دیده باشد و اگر بر مقعد نهد مزبله دیده باشد و اگر زانو نهد گریوه دیده باشد و
اگر بر ساق نهد درخت بی بر دیده باشد و دانیال علیه السلام گوید که چون کسی خواب ببیند و فراموش کند از چهار چیز بود
باشد یکی از بسیاری گناه دوم از کردار مختلف سوم از ضعف نیت چهارم اختلاف طبع که چون از حال بگردد لاجرم خواب
فراموش کند فصل دهم در گزاردن خواب بقول جابلان کرمانی رحمة الله علیه گوید اهل علم و حکمت جایز نداشته‌اند که

[illegible] خواب [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] قال تعالی قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ

تَسْتَفْتِيَانِ [illegible] (وَقَالَ الْمَلِكُ) [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] قَالُوا

أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعَالِمِينَ [illegible] خواب [illegible]

[illegible] يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي رُؤْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّؤْيَا تَعْبُرُونَ [illegible]

[illegible] خواب [illegible] یوسف [illegible]

[illegible] [illegible]

[illegible] خواب [illegible] اگر کسی [illegible] خواب بیند که [illegible]

[illegible] اگر این خواب [illegible] بیند [illegible]

[illegible] بیند [illegible] و اگر [illegible] بیند [illegible]

[illegible] رضی الله عنه [illegible] خواب [illegible]

[illegible] قوله تعالی [illegible] آیاتهم [illegible] ب مردی [illegible] دست [illegible]

[illegible] محمد بن عبد العزیز روایت کند باسناد درست از عبد الرحمن سلمی که پیغمبر صلی الله علیه و سلم

[illegible] ابوبکر [illegible] سلمان [illegible] رضی الله عنه [illegible]

[illegible] ابوبکر رضی الله عنه گفت [illegible] سلمان رضی الله عنه [illegible]

[illegible] ابوبکر رضی الله عنه گفته بود و ابو سلمه رضی الله عنه روایت کرد

از [illegible] محمد بن سیرین رحمة الله علیه [illegible] خواب کسی که بر منبر [illegible] اگر از اهل صلاح [illegible]

[illegible] روایت کرد [illegible]

که نبی [illegible] مصطفی صلی الله علیه [illegible] خواب دیدم که ستون سقف [illegible] من شکسته بود گفت که شوهرت از سفر

باز آید [illegible] همین خواب [illegible] پیش ابوبکر رضی الله عنه رفت [illegible] گفت شوهرت [illegible] خواب [illegible]

[illegible] روایت کند از اصمعی که شعری پرسید که بخواب [illegible]

[illegible] گفت [illegible] اگر کسی همین خواب بیند باشد که [illegible]

سمعی حدیث کرود کرمانی رحمة الله علیه گوید هر خواب که در فصل بهار بیند امیدوار باشد و نیکو اما در حکم تأویلش تأخیر بود و خوابیکه در فصل تابستان بیند حکم تأویلش زودتر و قوی‌تر باشد و هر خواب که در فصل خزان بیند تأویلش درست نیاید و بر درستی این سخن دلیل آنست که مردی از ابوبکر صدیق رضی الله عنه پرسید که بخواب هفتاد برگ شمرده و از درختی بمن داد و ابوبکر گفت هفتاد چوب بر تو زنند در آن هفته هفتاد چوب بروی بزدند پس همین سال دیگر همین خواب دید همان هفتاد برگ از ابوبکر صدیق رضی الله عنه پرسید گفت هفتاد هزار درم بتو دهند گفت یا امیر المؤمنین پارسال همین خواب دیدم تأویل آن هفتاد چوب بود امسال هفتاد هزار درم مرا گفتی از فضل این خبر کن گفت پارسال در فصل خزان دیده بودی در آنوقت درختان همه خشک می‌شدند و برگ میریخت تأویل آن آن بود و امسال بهار است و درختان روی باقبال دارند تأویلش امنیت آمد و هفتاد هزار درم یافت و دانیال علیه السلام گوید که چون کسی در اقبال خواب بیند یعنی از بامداد تا نیمروز حکم تأویلش بر اقبال و نیکوئی باشد و بعد از زوال تا شبنگاه دلیل بر شر و فساد بود و تعبیر آن خواب ابر و باد و برف و باران و بوقت آمدن و فرو شدن آفتاب نشاید پرسید جابر مغربی رحمة الله علیه گوید راست ترین خوابها آنست که بوقت سحر تا آفتاب برآمدن بیند یا استوا آفتاب خواب نیکو و درست و راست باشد و تأویل خواب شکفتن درختان و رسیدن میوه با خوابهای عظیم نیکو بود و تأویل آن درست آید و خوابیکه روز زمستان بیند حکم تأویلش ضعیف باشد که در زمستان باد و باران دارد و در بهار جهان خوش و خرم است

فصل دوازدهم

در معرفت شرایط آداب با اهل خواب دانیال علیه السلام گوید معبر باید که دانا و پارسا باشد و ساکت و علیم و از عصیان دور باشد و بوقت آنکه از وی تعبیر پرسند حاضر و بیدار بود و خواب از سایل باحتیاط تمام بشنود و بداند که سایل پادشاه است یا رعیت کهتر است یا مهتر عالم است یا جاهل آزاد است یا بنده غریب است یا شهری توانگر است یا درویش مرد است یا زن فارغ دل است یا مشغول در تابستان دیده است آن خواب یا در زمستان چون اینها جمله بداند هر یکی را بمیزان عقل چنانکه استادان این علم گفته‌اند تأویل کند و از خود نگوید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید با وجود آنکه درین علم امام یگانه بود با اینهمه فضل خوابهای که تعبیر آن ندانستی نگفتی و ابو حاتم روایت میکند از اسمعی از ابو المقدم که ابن سیرین از سی تا چهل که پرسیدندی یک جواب گفتی و باقی را تعبیر نگفتی پس معبر باید که اول سخن بشنود و خواب نیکو بشنود و آنرا تعبیر نیک بداند و در آن تأمل کند و اگر سخنی درست باشد و معنی آن صحیح باشد چنانکه احتمال تأویل کند آنگاه تعبیر کند و اگر حشوی در میانه سخن باشد آن حشو از وی جدا بیفکند و بر اصل تأویل کند و اگر همه سخن مختلف باشد هیچ بیکدیگر نماند اضغاث و احلام است و تأویل آن نکند و اگر تأویل آن پوشیده بود از آن معنی بپرسد از سایل که تنگ دل است یا خوشدل و آنچه از و بشنود بنای تعبیر خواب بر آن نهد و اگر نتواند گفتن و معبر آن خواب نتواند دانستن بنام تعبیر کند بالطبع عبارت و گفتار درشتی و نیکوئی و دروغ و راست و اگر تأویل خوابش هر چیزی بد بود نگوید و بر وی پوشیده دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید اصل خواب سه

... و اگر بیند که درست و درخت و میوه بسیار داشت و تعبیر آن باشد ...

... که درست ... درخت درست ... و اگر بیند که ...

... که ... بیند که ... و اگر ... بیند که ... باشد ...

... بیند که ... در خواب ... گرفت ...

... و مضاف ... و اگر بیند که ... باشد ...

... کثیرة ملتفة اسلم آیات ...

... اگر بیند که ... باشد که ...

... و اگر ... درست و ... باشد ...

... و اگر کسی خواب ... آیة الکرسی بخواند ...

اعوذ برب موسی وابراهیم الذی وفی من شر ما رأیت فی منامی ان یلعب بی

فی دینی ودنیای ومعیشتی ... جل ثناؤک ولا اله غیرک ...

... خواب ... اللعنة ...

... و آسمان و آفتاب و ماه ...

... خواب ...

... که ...

... جعفر صادق رضی الله عنه ...

... مصطفی صلی الله علیه وسلم ...

... علیه السلام ... حق تعالی عز وجل ...

...

...

که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اصدقکم رؤیا اصدقکم حدیثا ...

... جعفر صادق رضی الله عنه ...

... اللهم انی اسلمت نفسی الیک ووجهت وجهی

الیک وفوضت امری الیک والجأت ظهری الیک لا ملجأ ولا منجا منک الا الیک تبارکت ربنا

وتعالیت انت الذی ... استغفرک واتوب الیک اللهم ارنی الرؤیا صادقة

غَارِيَة صَالِحَةً غَيْرَ فَاسِدَةٍ خَيْرَ مُجَرَّبَةٍ رَافِعَة غَيْرَ وَاضِعَةٍ و چون بخسپد بر دست راست بخسپد
و چون بیدار شود همچنین حق سبحانه و تعالی را یاد کند اگر خواب نیک دیده باشد شکر کند و صدقه دهد و اگر خواب شوریده
دیده باشد اعوذ بالله من الشیطان الرجیم گوید و قل هو الله احد تمام بخواند و باد بر سوی دست چپ خویش دمد و گوید
یا رب تو دانی و من ندانم که اگر خیر است خیر این خواب بمن رسان و اگر شر است شر این خواب از من و از جمله مسلمانان
دور دار یا مُجِيبَ دَعْوَتِ الْمُضْطَرِّينَ يَا اِلٰهَ الْعَالَمِينَ وَيَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ و بوقت خفتن و برخواستن
و ابتداء کار یکه کند این دعا بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْاَرْضِ
وَلَا فِي السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ و بامداد چون از نماز فارغ شود و در دخویش از قرآن و دعوات بخواند آنگاه بر خیزد
و نزدیک معبر رود باید که وقتی نیک باشد و چون خواب گوید زیادت و نقصان نگوید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شرط
معبر آنست که چون خواب شنود با طهارت باشد و اگر کسی دشمن او باشد از بهر دشمنی خلاف نگوید و شر شخصی که داند با دیگران
نگوید مغربی رحمة الله علیه گوید هر که خوابی بیند باید که زیادت و نقصان نگوید و از دروغ احتراز کند که در خبر است که خواب
راست وحی می باشد از حق سبحانه و تعالی و هر که وحی کم و بیش کند دروغ بر حق سبحانه و تعالی بسته باشد و خواب امتی
است میان خدای تعالی و بنده و رسول صلی الله علیه وسلم فرموده هر که بر من که رسولم دروغ میگوید بر نسبت فساد میکند و گواهی
نا حق بر خود میدهد پس هر که خواب دروغ افترا میکند بقول رسول الله صلی الله علیه وسلم عاصی میشود و این دلیل است
بر تعظیم و بزرگی خواب و شرط ادب نگاهداشتن بر معبر و سایل واجب است

فصل چهارم در معرفت انکه تعبیر از چند
نوع باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید معبر باید که نخستین نام و مقدار و مرتبت و مذهب و سیرت و عقل و فهم سایل معلوم
کند و وقت دیدن خواب که در روز دیده یا در شب معلوم کند و نگاه کند که سایل در وقت سوال چه حرکت میکند و خواب
بر چه نسق میگذارد و فصل ماه پارسی و روز ماه تازی بداند آنگاه آنچه بصواب نزدیکتر باشد تاویل کند دانیال گوید چون
کسی از معبر خواب پرسد اگر نام وی یا نام پدر وی از نامهای پیغمبران بود او را در جز فال دلیل کند بر خیر و بشارت و خورمی
و اگر نام وی نامی بد باشد دلیل بر شر و فساد کند و دانیال علیه السلام گوید خواب در اول روز یکشنبه نیکو بود که تعلق با آفتاب دارد
در اول روز دوشنبه تعلق بماه دارد و نیکو باشد و در اول روز سه شنبه تعلق بمریخ دارد برسیدن خواب نشاید و در اول روز چهار شنبه
تعلق بعطارد دارد و قوم هود و اصحاب الرس هلاک شدند هم نشاید برسیدن و در روز پنجشنبه مشتری را باشد اول روز خواب
دلیل بر سعادت و عشرت بود و در اول روز آدینه زهره را بود دلیل بر طرب و نشاط و خوشی و عیش و جمعیت خاطر باشد
مغربی رحمة الله علیه گوید معبر باید که اورا تجربه بسیار می باشد در گزاردن خواب چنانکه طبیب را تجربه به بیمار و معالجت او
حکایت امیر المؤمنین مهدی شبی بخواب دید که روی او سیاه گشته بود چون بیدار شد بترسید و معبران را جمع کرد و خواب
بگفت در تاویل معبران درماندند تاویل آن ندانستند ابراهیم کرمانی رحمة الله علیه که استاد معبران بود حاضر آوردند خواب

بشنید گفت ترا دختری آید معبران گفتند تأویل برین صحبت گفت وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ
مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ پس امیرالمؤمنین هزار درم بکرمانی داد وهم در آن روز او را دختری آمد و هزار درم دیگر با براهیم کرمانی
بخشید **حکایت** مردی بخواب دید که او را خصی کردند نزدیک معبر آمد و پرسید گروهی گفتند این مرد بمیرد دیگری
گفت از فرزندان جدا گردد و دیگری گفت مال او نقصان کند و دیگری گفت نسل او بریده شود و دیگری گفت زن او طلاق
دهد پس روزگاری بر نیامد که زن را طلاق داد و فرزندان برگرفت و عزم سفر کرد و در دریا در کشتی نشست بادی مخالف
برخاست و کشتی غرق شد و در میانه دریا ماهی ذکر و خصیتین او بخورد و مال و فرزندان او جمله هلاک شدند و تعبیر خواب
چنان آمد که معبران گفته بودند کرمانی رحمة الله علیه گوید باید که معبر در گزاردن تعبیر خواب تعجیل نکند و سایل در وقت سؤال راست
گوید که در زندان یوسف علیه السلام گفت قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ هر دو فال که پرسیدند راست آمد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از چهار گروه خواب پرسیدن روا نباشد یکی از بیدینان دوم از زنان سوم از جاهلان
چهارم از دشمنان **فصل یازدهم** در دانستن مسایل که تعبیر آن مقلوب باشد بدانکه بسیار مسایل بود که از مسایل خواب
که تعبیر آن مقلوب بود چنانکه ما بعضی از آن درین فصل بیان کنیم تا بر معلم پوشیده نماند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که جنگ
در خواب دیدن کارزار باشد در بیداری و گریستن در خواب شادی بود به بیداری و حجامت کردن در خواب قباله نوشتن
بود و دندان مجهول دیدن خود را دلیل کند که در گورش کنند و در خواب خود را در گور دیدن دلیل کند که در زندانش کنند
به بیداری و در خواب خانه خراب شدن دختران زادن بود و دختران زادن در خواب کشته شدن بود لقوله تعالی نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا
حَرْثَكُمْ أَنَّىٰ شِئْتُمْ نیکی در خواب کرباس تنیدن بود و کرباس تنیدن در خواب نیکی کردن بود و انجیر خوردن غم
خوردن بود و سیل بجای آمدن دشمنی بود در بیداری و آمدن همه چیز که نو آنرا نیک باشد کهنه آنرا بد باشد و هر چیز که
در خواب کهن آن بد باشد نو آن نیک باشد چنانکه موزهٔ نو اگر کسی بی سلاح پوشد بد بود و غم و اندوه باشد و اگر کسی با
سلاح موزهٔ کهنه پوشید و بود در خواب و در بیداری خرمی و شادی بود و اگر در خواب غلامی خرید بد باشد و اگر بفروخت
نیک باشد و اگر کنیزک بخرید نیک باشد و اگر بفروخت بد باشد از این جنس معکوسات بسیار است اگر جمله را یاد کنیم
کتاب دراز گردد ولیکن شرح هر یکی در موضع خویش بگوئیم انشاء الله تعالی **فصل شانزدهم** در دیدن خدای تعالی
و فرشتگان و پیغمبران علیهم السلام میگوید مصنف این کتاب رحمة الله علیه که استاد این ضعیف بود تاویل دیدن
خداوند تبارک و تعالی و فرشتگان و پیغمبران در اول کتاب یاد کرده اند بنا برین مقدمه ما نیز صواب چنان دیدیم
که در اول کتاب یاد کنیم تا دلیل بناء خوابهای دیگر بر نسق حروف معجم بترتیب چنانکه در دیباچه ذکر کردیم باز نمائیم تا
آن بر خوانندگان و مومنان آسان گردد تاویل دیدن خداوند تبارک و تعالی دانیال علیه السلام گوید هر بنده مومن که
الله عز و جل را در خواب بیند بیچون و بیچگون چنانکه در اخبار آمده است دلیل کند که او را دیدار خویش روزی گرداند و

و حاجتهای او روا کند و اگر چنان بود که ایستاده بود و خدای عزوجل ورا مسید دلیل بر صلاح کار و سلامتی نفس باشد و بمغفرت مخصوص گردد و اگر گناهکار بود توبه کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی با وی راز گفت دلیل کند که آنکس نزدیک حق سبحانه و تعالی گرامی گردد قوله تعالی وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا اگر بیند که از پس حجاب با وی سخن گفت دلیل که او را در دین خللی یا خطائی باشد قوله تعالی وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ و اگر بیند که او را مقرب و عزیز و گرامی گردانید و با وی حساب کرد و او را بیامرزید دلیل کند که او را بیامرزد و آنا در دنیا بلا بوی گمارد و اگر بیند که خداوند عزوجل ورا پند مسیداد دلیل کند که رضای خدای عزوجل در آن بود لقوله تعالی يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ اگر بیند که حق تعالی او را مژده داد به نیکی دلالت کند بر خوشنودی خدایتعالی و اگر بیند که او را بیم کرد دلیل کند بر غضب خدای عزوجل اگر بیند که خداوند تبارک و تعالی ایستاده بود و سر در پیش افکنده دلیل که غم و اندوه رسد قوله تعالی وَلَوْ تَرَى إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ کرمانی رحمة الله علیه گوید که اگر بیند که خدایتعالی او را چیزی داد دلیل کند که در دنیا بلا و محنت بر وی گمارد و اگر بیند که بنظر لطف در وی بدید دلیل کند که بهشت و لقای خود او را روزی کند و اگر بیند که او را از متاع دنیا چیزی داد دلیل که بیماری سخت کشد و از آن اجر و ثواب یابد بعضی از معبران گفته اند که مستوجب عقوبت گردد اگر خدای را عزوجل بیند اگر کسی او را گوید که این خدای عزوجل است دلیل که او را بپادشاهی حاجت افتد و اگر بیند که خدای عزوجل بزمین فرود آمد یا در موضعی دلیل کند که اهل آن موضع مظلوم باشند و حق تعالی اهل آن موضع را نصرت دهد و اگر در آن موضع قحط و تنگی بود بفراخی مبدل گردد و اگر اهل آن موضع گناهکار و عاصی باشند حق سبحانه و تعالی ایشان را توبه دهد و اگر بیند که حق سبحانه و تعالی در خانهٔ فرود می آید و بلطف دستی بر سر وی مالید یا او را خلعتی پوشانید یا بر گرفت یا بر نجانید این همه کرم حق سبحانه و تعالی است که او در دنیا رنج و بیماری بکشد و اگر خدایتعالی را بر مثال نوری بیند چنانکه وصف آن نتواند کرد آنرا دلیل بر غم و اندوه کنند و اگر بیند که خدایتعالی او را نامی دیگر نهاد دلیل که شرف و بزرگی کند و اگر بیند که بروی خشم گرفت دلیل که زهد و پارسائی یابد و اگر بیند که خدایتعالی او را نزدیک خود خواند دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خدای را عزوجل در شهری یا در دهی بیند دلیل کند که آن موضع آنانکه مصلح اند عز و شرف و مرتبت یابند و دست ظلم از آن موضع دور شود قوله تعالی اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ و اگر بیند که خدای عزوجل بر اهل آن موضع خشم گرفت دلیل کند که قاضی آن شهر میل بمداهنت کند یا امیر آن شهر بر رعیت ظلم کند یا عام آن شهر بد دین باشند و اگر این خواب در دهی بیند دلیل کند که دست و پای وی ببرند و در آن شهر فتنه و بلا افتد و قتل واقع گردد قوله تعالی وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ عبدالله بن عباس رضی الله عنهما گوید

اگر کسی خدای عزوجل را بیچون و بیچگون در خواب بیند از ترس و بیم ایمن گردد و اگر کافر باشد مسلمان شود و اگر مسلمان
بود در آخرت دیدار حق تعالی بیند قوله تعالی لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ معبران تعبیر در لقای حق
سبحانه و تعالی گفته اند که اگر او را بصورتی بیند که مثل آن صورت دیده باشد دلیل کند بر فضل و کرم خداوند تعالی و اگر
بر صورت مردی بیند دلیل کند که آن مرد قاهر و نامدار گردد و اگر خداوند تبارک و تعالی را در نماز و تسبیح بیند دلیل کند
بر رحمت و آمرزش آنکس که دیده باشد و اگر خدای تعالی را غازیان در غزا بیند دلیل که آن غازیان را نصرت باشد
و اگر خدای تعالی را بر سر تربت مردگان بیند دلیل کند که آمرزگار ایشان بود و اگر بیند که خدای عزوجل را دشنام
میداد دلیل کند که آنکس کافر گردد و اگر بیند که خدای تعالی بر تختی نشسته بود و یا خفته یا بصفات ناسزا است
دلیل کند که بیننده این خواب بد دین و عاصی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خدای تعالی بر
وجه بود اول عفو و مغفرت دوم ایمنی از بلا و محنت سوم نور و هدایت و قوت در دین چهارم نظر بر اهل عالم پنجم
ایمنی از بلا و عقوبت و عذاب آخرت ششم دران دیار آبادانی و عدل پادشاه هفتم عز و شرف و بلندی در دنیا و
آخرت چون برحمت نظر کند و اگر نعوذ بالله منها بنظر قهر نگاه کند بر خلاف آن باشد و اگر قاضی بیند که خداوند تعالی
عزوجل با وی بخشم بود دلیل که از شرع تجاوز کند و داد مظلوم ندهد و اگر پادشاه بود دلیل بر بیدادی کند و اگر عالم بود
در دین و اعتقاد او خلل بود فی الجمله اگر بنظر رحمت و غفران بود و هر گرا بنظر قهر بیند زحمت و عذاب بود و حجت
با آنست که گوئیم خدای عزوجل موجود است دیدن او در اعتقاد واجب شد پس باید که بخواب دیدن خدای تعالی عزوجل
منکر نباشد ابو حاتم از محمد بن سیرین شنید که گفت از خوابها هیچ درست تر از آن نباشد که حق تعالی را بخواب بیند
بیچون و بیچگونه برویة الملائکة اول دیدن فرشتگان دلیل کند بر پادشاه کامکار با دین و دیانت و یا عالمی پرهیزکار
و بزرگترین ملایکه چهار اند جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل علیهم السلام ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
که اگر کسی جبرئیل علیه السلام را در خواب بیند خوش طبع و گشاده روی دلیل که بر دشمن ظفر یابد و بمراد برسد و اگر بخواب
این بیند دلیل بر غم و اندوه و بود و اگر بخواب بیند که او را جبرئیل مژده داد یا وعده نیکو یا از کاری باز داشت دولت
و عزت و جمعیت یابد و اگر بیند که جبرئیل او را چیزی داد دلیل که از پادشاه قهر یابد بعضی از معبران گفته اند که اگر جبرئیل
او را چیزی داد دلیل بر ترس و بیم عظیم بود که بوی رسد و اگر بخواب بیند که مردم بدو گویند که تو جبرئیل دلیل کند که
فصیح گردد و مراد بیابد و با امانت و دیانت مشهور گردد و اگر کسی میکائیل علیه السلام در خواب بیند چنانکه صورت
اوست دلیل که بر خیر و بشارت بدو رسد زیرا که جبرائیل بعذاب آمده و میکائیل آمده بشارت و خیر و نعمت
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر در خواب بیند که میکائیل او را چیزی داد دلیل که خیر و نعمت یابد و اگر بخواب بیند
که گوید تو میکائیل دلیل که از وی خیر و بشارت بمردم رسد و بچشم مردم عزت و منزلت یابد و دیدن اسرافیل را اگر

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اسرافیل را بخواب دیدن چنانکه صورتش هست دلیل بر قوت و بزرگی و جاه و مال و علم و دانش
بود و در هر دیاری که او را ببیند دلیل بر ایمنی و آبادانی آن دیار بود و اگر ببیند که صور در دست داشت و بدمید دلیل بر بلا و فتنه کند
زیرا که او را امر خدای تعالی بدمیدن صور است و هرجا که دمیدن صور پیدا شود سبب تشویش و فتنه و بلا باشد قوله تعالی
وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمٰوٰاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ و اگر ببیند که اسرافیل علیه السلام صور در دست
داشت و بشنید بدمید دلیل که در آن شهر فتنه و بلا و بیم و ترس افتد و اگر ببیند که اسرافیل در خانه او آمد و او خفته بود و زود بیدار
شود دلیل که پادشاه آن شهر بروی خشم گیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید که اگر اسرافیل را بخواب بیند که اندوهگین بود و صور بدمید
و او بتنها آواز صور بشنید دلیل که در آن دیار و زمین مرگ بسیار بود و ظالمان هلاک شوند و اگر ببیند که اسرافیل تازه روی بود
و شادمان بدو می نگاه میکرد دلیل که او را از پادشاه خیر و ایمنی رسد و اگر ببیند که اسرافیل بر نامه مهر کرد و بدو داد دلیل که اجلش
نزدیک باشد و اگر ببیند که اسرافیل بروی بانگ زد و ناپدید شد دلیل که او را از پادشاه زیان رسد و دیدن عزرائیل را
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر کسی ملک الموت را بر آسمان بیند و خود را بر زمین دلیل بر کاری که بود معزول شود و اگر ملک الموت
را نزدیک خود ببیند دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر ملک الموت را شادمان بیند دلیل که شهید گردد و اگر ببیند که
با ملک الموت کشتی گرفت و افتاد دلیل که از دنیا زود ببرود و اگر ببیند که ملک الموت را بینداخت بعضی از معبران گفته اند که بیمار شود و شفا
یابد مغربی رحمة الله علیه گوید که هر که ملک الموت را بخواب بیند خرم و شادمان دلیل که زندگانی او دراز باشد و اگر ببیند که ملک
الموت بروی سلام کرد دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و خاتمه کار وی بر شهادت بود و اگر ببیند که ملک الموت
بوی چیزی شیرین داد دلیل که جان کندن بروی آسان بود و اگر ببیند که ملک الموت بروی بخشم نگریست دلیل که با خجلت
مرگ او باشد و اگر ببیند که ملک الموت بوی چیزی تلخ داد دلیل که جان کندن بروی دشوار باشد و اگر ببیند که او را خبر داد
که ملک الموت ایشان جاست و او از دور نگاه کرد دلیل که او را با پادشاه کار افتد و اگر ببیند که ملک الموت را بکشت
دلیل کند که او دشمن خلق گردد و دیدن حملة العرش آن فرشتگان اند که عرش را بامر حق جل و علا برداشته اند اگر کسی
ایشان را بخواب بیند دلیل که با سلطان کار افتد و مراد یابد و اگر ببیند که با ایشان پیوستگی داشت دلیل که او را با پادشاه
بزرگ کار افتد و خیر و منفعت بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید دلیل که با کسانیکه اهل دین باشند پیوستگی کند و حج گزارد
قوله تعالی وَتَرَى الْمَلٰئِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ و اگر فرشتگان او را بخواب
و به بندگی خویش باز داشتند دلیل که اجلش فرا رسیده باشد کراماً کاتبین موکلانند که کردار و گفتار خلایق از نیک و بد
مینویسند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر کسی کراماً کاتبین را بخواب بیند اگر مصلح باشد خیر و صلاح و جهان خاصش
شود و اگر مفسد بود غم و اندوه بسیار کشد قوله تعالی يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ببیند
که فرشتگان باهم جنگ و نبرد میکردند دلیل که گنهکار و عاصی بود و مستوجب عذاب حق تعالی باشد قوله تعالی

إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى و اگر بیند که فرشتگان منتظر ایستاده بودند و چیزی از وی بستانند دلیل نعمت او و زوال نعمت. اگر بیند که فرشتگان
در یک موضع ستاده و او بوده در آن موضع نبی باشد و اگر بیند که فرشتگان در حرب مشغول اند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که فرشتگان در رکوع اند و اگر
دلیل کند که احوال او نیاورد بیابد مستقیم گردد و اگر بیند که فرشتگان بصورت زنانند دلیل که بیننده خواب بر خداوند عزوجل دروغ گوید قوله تعالی أَفَأَصْفَاكُمْ
رَبُّكُمْ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا و اگر بیند که بر دوش با فرشتگان
می پرید اجلش نزدیک بود یا توبه از دنیا برود و اگر بیند که از دور فرشتگان را می دید و پیش ایشان نتوانست رفت دلیل
که او را مصیبتی رسد قوله تعالی يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ و اگر بیند که فرشتگان او را طاعت
خود فرمودند دلیل که او از اهل خیر و صلاح باشد شادی و خرمی بیند و از اهل فساد باشد رنج و اندوه بوی رسد قوله تعالی
اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا اگر بیند که فرشتگان بر وی سلام کردند بحرمت دلیل که بر دشمن
ظفر یابد و عاقبت کارش محمود گردد و اگر بیند که ملایکه در یک مقام فرود آمدند دلیل که اهل آن مقام از غم وا رهند و فرج یابند
و اگر فرشتگان پیوسته بنصرت پیغمبران آمده اند کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن فرشتگان پند و موعظت باشد خداوند خواب
را و اگر بیند که فرشته او را وصیت کرد و پند داد از دنیا شهید برود و اگر فرشتگان مقرب را در جایی بیند که آنجا اهل اسلام
باشند و با کافران جنگ میکنند اهل اسلام را ظفر باشد و اگر در آنجا رنج و قحط و سختی بود حق سبحانه و تعالی اهل آن موضع را از سختی
و تنگی خلاصی دهد و اگر بیند که فرشته گشت و به آسمان رفت دلیل که در دنیا زهد و ورع اختیار کند و دست از دنیا بردارد و بر او حرمت
جوید و اگر بیند که با فرشتگان به آسمان رفت و باز نیامد از دنیا برود و نامش در جهان به نیکی بماند جابر مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که فرشته مقرب در روی بچشم حرمت نگاه کرد دلیل کند که از بیماری زود شفا یابد و بعد از آن حج کند و غزا و خیرات بسیار
کند و اگر خود را بصورت فرشته بیند دلیل کند که از غم فرج یابد و اگر وام دار است وامش گزارده شود و اگر مالدار است
شود و اگر درویش باشد توانگر گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که فرشته او را بکاری مژده داد دلیل که بزرگی او را
بشغل باز دارد و اگر بیند که فرشته او را عطا داد عطا و بزرگی یابد و اگر بیند که گروهی فرشته او را استقبال کردند دلیل که دولت
و جاهی یابد و اگر بیند که فرشتگان به دیدن او آمدند و شمعها و چراغها داشتند دلیل که او را فرزندی عالم و دانا آید و اگر بیند
که فرشتگان او را جامه سفید یا سبز دادند دلیل که کسی از خویشان او بمیرد یا اجلش برسد و اگر بیند که در روی بحرمت نگاه کردند عاقبت
کارش بسعادت بود و اگر بیند که فرشته او را جامع قرآن داد یا خطی نبشته دلیل که کسی بر وی داوری کند و بر وی غالب گردد

باب در رؤیة پیغمبران علیهم السلام

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که مراتب پیغمبران علیهم السلام بر سه گونه است اول اولو العزم
دوم مرسلند سوم نبی و پیغمبران اولو العزم شش اند اول آدم دوم نوح سوم ابراهیم چهارم موسی پنجم عیسی ششم محمد مصطفی
صلی الله علیه وسلم و مرسل آنها اند که جبرئیل بر ایشان وحی آورد و ایشان سیصد و سیزده اند و انبیا آن پیغمبرانند که جبرئیل
علیه السلام با ایشان نیامده و هر که اولو العزم را بخواب بیند دلیل که عز و جلالت یابد و اگر مرسل را بخواب بیند بر دشمنان ظفر یابد

باکراهل آنموضع درغم واندوه وسختی ولاست باشند بشارت بود بخیر وصلاح وآبادانی کاردین ودنیا واگر بیند که پیغمبران
ازجایی نقل میکردند وبراهل آنموضع دعای بد میکردند دلیل که خدا تعالی بلای عظیم براهل آنموضع فرستد مگر توبه کنند

خدا تعالی باز کرمانی رحمة الله علیه گوید هر بنده مومن که پیغامبری را درجای خود تازه روی وشادمان بیند دلیل
عز وجاه ونصرت یابد واگر ازچیزی خشمگین بود دلیل بد حالی ورنج وسختی بود واگر بخواب ازپیغمبران چیزی شنود دلیل
ازعلم آن پیغامبران بهره یابد وشادمان شود واگر بیند که پیغامبر را بکشت دلیل که خیانت کرده باشد لقوله تعالی فَبِمَا
نَقْضِهِم مِّيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِم بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ جعفر صادق رضی الله عنه
گوید که اگر آدم علیه السلام را بخواب بیند بزرگی وولایت یابد بقوله تعالی وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ ثُمَّ اجْتَبَاهُ
رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ واگر بخواب بیند که آدم علیه السلام باوی سخن گفت دلیل که علم آموزد وَعَلَّمَ آدَمَ
الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا واگر بیند که آدم دست او بگرفت بزرگی وملکت یابد واگر بخواب بیند که آدم را طاعت نبرد دلیل
که عاصی وبدبخت شود حوا علیها السلام اگر بخواب بیند دلیل که دولت واقبال یابد وعیش وخوشی ونعمت فراوان عمر
دراز گردد نوح علیه السلام را اگر بخواب بیند عمرش دراز گردد ولیکن ازدشمن رنج وسختی بیند وعاقبت بمراد رسد
ادریس علیه السلام را اگر بخواب بیند کارش نیکو شود وعاقبت محمود گردد هود علیه السلام را اگر بخواب بیند دشمنان
بروی افسوس کنند وعاقبت برایشان ظفر یابد لوط علیه السلام را اگر بخواب بیند کارش بصلاح بازآید ومراد دل بیند
صالح علیه السلام را اگر بخواب بیند ازجای بجای تحویل کند ودرخیر بروی گشاده شود ابراهیم علیه السلام را اگر بخواب
بیند حج اسلام بگذارد وبعضی ازمعبران گویند که ازسلطان ظالم بروی ستم رسد ونیز گویند که بدخوئی کند با مادر وپدر اسمعیل
علیه السلام را اگر بخواب بیند بشارت فتح وغنیمت یابد بقوله تعالی وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ
یعقوب علیه السلام را اگر بخواب بیند ازقبل فرزندان غم واندوه خورد وعاقبت ازغم فرج یابد یوسف علیه السلام
را اگر بخواب بیند خویشان بروی بهتان نهند وعاقبت بزرگی یابد شعیب ع را اگر بخواب بیند خصم بروی غلبه کند وبعد ازان
بروی ظفر یابد موسی ع را اگر بخواب بیند مبتلا گردد باهل وعیال وبعد ازان حالش نیکو گردد وبردشمن ظفر یابد لقوله عز وجل وَوَهَبْنَا
لَهُ مِن رَّحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا بعضی معبران گویند که موسی ع بخواب دیدن دلیل که پادشاه وران دیار هلاک شود داود ع را اگر بخواب
بیند حق تعالی اورا بزرگی وپادشاهی ونعمت ومال وجاهش زیادت گرداند زکریا علیه السلام را اگر بخواب بیند حق تعالی
ورا توفیق دهد در طاعت یحیی علیه السلام را اگر بخواب بیند حق تعالی اورا توفیق دهد در خیر خضر علیه السلام را اگر بخواب
بیند سفری دراز کند با ایمنی ورزق وعمر دراز یونس علیه السلام را اگر بخواب بیند ازغمها فرج یابد ودر تاریکی روشنائی
یابد انشاء الله تعالی ایوب علیه السلام را اگر بخواب بیند کارهای مرده بروی زنده گردد وتوفیق طاعت وخیرات یابد
حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم را بخواب بیند ازهمه غمها فرج یابد واگر وامدار باشد وامش گذارده شود واگر

بیند در زندان بود رهائی یابد و اگر ترس باشد ایمنی یابد و اگر در قحط و تنگی بود فراخی یابد و بعضی گفته اند که هر کس که ترا اگر او
درویش شود و ابو هریره رضی الله عنه گفت از رسول الله صلی الله علیه و سلم شنیده ام هر که مرا در خواب ادید حق دیده باشد
لِمَنْ رَآنِي فَقَدْ رَأَى الْحَقَّ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتَمَثَّلُ بِي بدرستی و راستی که شیطان بصورت من متمثل نشود و اگر
کسی مرا در خواب بیند غم و اندوه بوی نرسد عجب مدار که تاویل دیدار من بر سعادت آخرت بیشتر باشد اما اگر محمد مصطفی را ترش روی
بخواب بیند دلیل بر سستی دین و آشکارا شدن بدعت در آن دیار بود و اگر رسول الله صلی الله علیه و سلم را در خواب بیند که در
جای بانگ میکرد دلیل که اگر آن دیار خراب بود آبادان گردد و اگر او را دید که چیزی میخورد دلیل که صدقه و زکوة باید داد
و اگر وی را در جائی بیند که در آنجا هیچ بلا و محنت بود و اهل آن موضع را نعمت زیاده گردد خاصه که اگر او را در مسجد بیند و اگر او را غمگین
یا بیمار بیند دین او ضعیف بود کرمانی رحمة الله علیه گوید که اگر محمد مصطفی را صلی الله علیه و سلم در شهری یا جائی بیند دلیل
در آن موضع نعمت فراخ شود و مردم را جمعیت پدید آید و اهل آن موضع بر دشمن ظفر یابند و اگر بیند که اندامی از اندامهای آنحضرت
صلی الله علیه و سلم کم بود دلیل که مردم آنجا در راه شریعت سست باشند زیرا که نقصان اندام وی نقصان دین او باشد
و اگر بیند که مصطفی صلی الله علیه و سلم از موی های تر یا خشک بوی داد او را در دین و دیار رسائی مرتبت حاصل شود و ابن سیرین
رحمة الله گوید که اگر کسی رسول را صلی الله علیه و سلم ناقص بیند نقصان آن به بیننده باز گردد زیرا که رسول الله صلی الله علیه و سلم
را مردم نیک بخواب بیند و مردم نیک را مژده دهنده بود و بچیزی که بوی خواهد رسید و مردم بد را عذر فرماید از معصیت
کردن تا از عقوبت رسته گردد زیرا که رسول الله صلی الله علیه و سلم بشیر و نذیر بود بشیر مومنان و نذیر کافران و اگر او را خشمگین
بیند بد باشد عبد الله بن عباس رضی الله عنه گوید که اگر کسی جنازه رسول را صلی الله علیه بخواب بیند در آن دیار رنج و مصیبت
بسیار بود و اگر دید که از پی جنازه رسول الله صلی الله علیه و سلم میرفت دلیل بر هوا و بدعت باشد و اگر بیند که او را زیارت میکرد
دلیل که مال و نعمت و ولایت یابد و اگر بیند که رسول الله صلی الله و سلم بر روی او افسوس میکرد دلیل که کافر شود لقوله تعالی
قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ جعفر صادق رضی الله
عنه گوید که زیارت پیغمبران در خواب بر ده وجه بود یکی رحمت دوم نعمت سوم عزت چهارم بزرگی پنجم دولت ششم
ظفر هفتم سعادت هشتم جمعیت نهم قوت دهم خیر و صلاح و نیکوئی مردم آن موضع که انجا بیند تاویل رویت
الراشدین اول امیر المومنین ابو بکر صدیق رضی الله عنه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر کسی ابو بکر را رضی الله عنه در خواب
بیند دلیل شادی و کرامت بود کرمانی رحمة الله علیه گوید که اگر کسی ابو بکر را رضی الله عنه زنده در شهری بیند دلیل کند که مردم
آن دیار و آن شهر زکوة و صدقه بسیار دهند چون او را گشاده روی و خوش طبع بیند و اگر ترش روی بیند و خوش طبع بیند
این دیدار امیر المومنین عمر بن الخطاب رضی الله عنه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر کسی امیر المومنین عمر خطاب را رضی الله
عنه بخواب بیند دلیل که داد گر و با انصاف بود و اگر او را در شهری گشاده روی و خوش طبع بیند دلیل که در آن شهر عدل

بانصاف بود و اگر او را در شهری گشاده روی و خوش طبع بیند دلیل که در آنشهر عدل و انصاف پدید آید امیر المؤمنین
عثمان ابن عفان رضی الله عنه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر کسی امیر المؤمنین عثمان ابن عفان را رضی الله عنه در خواب
بیند دلیل که ورع و زهد و پرهیزکاری اختیار کند و اگر او را در شهری خوش طبع و گشاده روی بیند دلیل که مردمان آن شهر
بقرآن و علم آموختن رغبت نمایند امیر المؤمنین علی مرتضی رضی الله عنه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی امیر المؤمنین
علی را رضی الله عنه بخواب بیند خندان و خوش طبع دلیل که کرامت و شجاعت و سروری یابد و اگر در شهری بیند آنشهر بعدل
و انصاف موصوف گردد ولیکن گاه گاه میان ایشان خصومت بود تاویل صحابه رضوان الله علیهم اجمعین ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید که اگر کسی صحابه را بخواب بیند دلیل که در راه دین و اسلام یگانه باشد و در میان مسلمانان صادق
القول گردد و بدیانت موصوف گردد لقوله علیه السلام اَصْحَابِي كَالنُّجُومِ بِأَيِّهِمْ اِقْتَدَيْتُمْ اِهْتَدَيْتُمْ پیغمبر گفت صلی الله
علیه و سلم یاران من ستاره مانند هر که اقتدای آنها کند راه یابد امیر المؤمنین حسن و حسین رضی الله عنهما را بخواب بیند
خیر و راحت برسد و عاقبت درجه شهدا یابد جعفر طیار رضی الله عنه را اگر بخواب بیند دلیل که حج و غزا کند ابو هریره
و انس بن مالک رضی الله عنهما اگر بخواب بیند دلیل که بسنتها راغب بود و علم و شریعت دوست دارد سلمان
فارسی را رضی الله عنه بخواب بیند دلیل که حق جل و علا او را علم و قرآن روزی گرداند و عاقبتش محمود گردد عبد الله
بن عباس و ابن مسعود رضی الله عنهما را بخواب بیند دلیل که بکار دین مجتهد باشد بلال حبشی رضی الله عنه را بخواب بیند
دلیل که معروف گردد و ثواب مؤذنان یابد و براه سنت و جماعت رود فی الجمله دیدن یاران رسول الله صلی الله
علیه و سلم دلیل بر خیر و منفعت دنیا و آخرت وی باشد و اگر کسی را از علما و حکما و زهاد بخواب بیند دلیل که بر کار
خیر و طاعت توفیق یابد و علم حاصل کند زیرا که علما وارثان مصطفی اند صلی الله علیه و سلم و راه نمایان مسلمانان و اگر
بیند که در شهری و یا در محلتی گروه علما و حکما جمع آمده بودند دلیل که مردم آنشهر را نصرت باشد بر جاهلان بگفتن و کردار
امر و نهی منکر تمام سخن در باب رویت حق جل و علا و فرشتگان و پیغامبران و صحابه تابعین بعد از این تعبیر چیزهای دیگر که بیند
بحروف معجم بیان کنیم بعون الله تعالی حرف الالف من کتاب کامل التعبیر آبادانی ابن سیرین گوید
اگر بیند که جایگاه خراب را آبادان همی کرد چون مسجد و مدرسه و خانقاه و آنچه بدین ماند دلیل کند بر صلاح دین و خیر و کار
آخرت که وی را حاصل گردد و اگر بیند که زمینی خراب از خود آبادان همی کرد چون سرا و دکان و مانند این دلیل کند که خیر و فایده
اینجهان یابد و اگر بیند که جایگاه آبادان بفتاد و خراب شد دلیل کند که اهل آنجایگاه را بلا و مصیبت رسد جابر مغربی گوید که
اگر کسی خویشتن بخواب در جایگاهی آبادان مقیم بیند دلیل کند که خیر و منفعت یابد لیکن آبادانی که دیده بود و اگر بخلاف بیند
دلیل بر شر و فساد و مضرت وی کند حضرت صادق میفرماید که دیدن آبادانی بخواب بر چهار وجه بود اول بر صلاح کار
اینجهانی دویم خیر و منفعت سیم بر داد و کامرانی چهارم برگشایش کارهای بسته آب ما که زندگانی همه چیز با

قوله تعالى وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ ابن سیرین گوید که بخواب دیدن آب دریا در رود و خانه و آنچه در آن بود
دلیل کند بر قوت ایمان و اعتقاد پاک وی و اگر بیند که آب صاف خوشگوار بسیار بخورد دلیل کند که عمرش دراز بود و معیشت
وی خوش بود و اگر بیند که آب تیره یا شور همی خورد تاویل بخلاف این بود و اگر بیند که از دریا آب صاف خوش همی خورد دلیل
کند که بقدر آن از پادشاه مال و نعمت یابد و اگر بیند که جمله آب دریا بخورد دلیل کند که پادشاهی همه جهان را بگیرد و بعضی
گویند که بقدر آن از آب دریا خورده بود بزرگی و مال و نعمت حاصل کرد و چون آب روشن و صافی بود اما اگر تیره بود
آنچه بدو رسد با رنج و سختی و بیم و ترس بود کرمانی گوید که اگر بیند که آب گرم همی خورد دلیل بود که بیماری و رنج گشت اگر بیند
بر وی آب گرم همی ریختند چنانکه او را خبر نباشد دلیل کند که بیمار گردد یا غمی سخت بدو رسد و اگر بیند که در آب سیاه دلیل
کند که در رنج و غم گرفتار گردد و اگر بیند که آب بجام یا برداشت دلیل کند که بر مال و زندگانی فریفته گردد و اگر بیند که در کاسه
آبگینه بزن خویش داد و کاسه آبگینه را نسبت بحو بزنان کرده اند و آب که در کاسه آبگینه بود فرزند طفل بود که در شکم مادر
باشد اگر بیند کاسه بشکست و آب بریخت دلیل کند که جفت او بمیرد و فرزندش بماند و اگر بیند که آب بریخت و کاسه درست
ماند دلیل کند که فرزندش بمیرد و زن او بماند و اگر بیند که بی بها آب بمردم همی داد دلیل کند که در دنیا و آخرت خیر او بمردم برسد
و جایگاه خراب را آبادانی کند و اگر بیند که در خانه که اندر آن آب ریخته بود داخل شد دلیل کند که غمگین و متفکر گردد و اگر
بیند که آب صافی بپیاله مانند سگ خورد دلیل کند که زندگانی بعیش و عشرت کند اما اندام کاری کند که بلا و فتنه بدو رسد که مال
جمع را اندک اندک بر دیوان بخشد و بخیرات خرج کند جابر مغربی گوید که آبها که بوقت زیاده شود دلیل کند که در آن سال فراخی
و نعمت بود و اگر آبهای بسیار دید که بزمین فرو رود دلیل کند که مردمان عامه را سلامت و عافیت بود قوله تعالى وَقِيلَ
يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءُ و اگر بیند که آبها از سر مردمان فرو می آید دلیل کند که در آن سال
نعمت و فراخی بود و در آن دیار قوله تعالى أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا و اگر بیند که در خانه او آب صافی بود دلیل کند نعمت و عمر
و معیشت یابد و اگر بیند که در خانه وی آب تیره ایستاده باشد تاویلش بخلاف این بود دانیال گوید که آب دادن باغ و کشت
از جویبار و دریا دلیل کند بر مال و رستگاری از غم و اندوه و آب دادن مرد مارا دلیل کند بر دین و دیانت و کردارهای
نیک و پسندیده و بود و اگر بیند که با آب اندر همی رفت و اندران وقت تن او قوی بود دلیل کند که بشغل صاحب مشغول گردد
از قبل فسق و قول و اندران مشغول بود خاصه کاری اندران کار ظاهر گردد و اگر بیند که در آب صافی رفت و تن او پوشیده بود
دلیل بر قوت دین بود و توکل کردن بر ایزد تعالى و استقامت کار وی و اگر بیند که آب بباغ همی برد دلیل کند که زن خواهد
یا کنیزک خرد و اگر بیند که آب پاک بروی ریخت دلیل کند که از آن کس خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که آب تیره بروی بریخت
تاویلش بخلاف این بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آب خوردن بخواب معبران بر پنج وجه تعبیر کنند اول یقین
دوم قوت سیم کار دشوار چهارم فرجی پنجم عمل زجته رئیس شهر مالکه او را باران و حرف بی بیان کنیم و اما آب

چشمه و آب چاه و آب جوی را بحرف جیم و آب دریا بحرف دال و آب رود بحرف را و آب کاریز بحرف کاف و هم چنین
خوابهای دیگر را بترتیب بر حیزی بموضعش باز نمائیم تا معلوم بود **آب بینی** دانیال گوید که آب بینی دلیل بر فرزند کند و اگر بیند
آب از بینی وی همی آید دلیل کند که وی را فرزند آید و اگر بیند که از بینی او خلق بیرون آمد همان دلیل کند کرمانی گوید اگر بیند که از بینی او آب
فرو می آمد دلیل کند که وامش گذارده شود و از رنج و سختی و غم برهد و اگر بیمار بود شفا یابد ابن سیرین گوید که آب بینی در خواب
فرزند بود و لیکن اگر بیند که آب بینی را انداخت و افتاد دلیل کند که وی را پسر آید و اگر بیند که بر زمین افتاد دلیل کند که دختر آید و اگر بیند
که آب بینی بر زن خویش افتاد دلیل کند که زن او آبستن گردد و لیکن فرزند را بیفکند و اگر بیند که زن بر روی آب بینی افکند دلیل
کند که او را پسری آید و اگر بیند که آب بینی در سرای همسایه افکند دلیل کند که زن همسایه خیانت کند و اگر بیند که آب بینی خود
را در بستر مردی افکند همین دلیل کند ابن سیرین گوید اگر بیند که آب بینی خود را همی خورد دلیل کند که مال خود را بر عیال خود بذل
کند اگر بیند که آب بینی زن خویش را همی خورد دلیل کند که او را فرزند شود و اگر بیند که آب بینی او سیاه و تیره بود دلیل کند که فرزند
او را اندوه و مصیبت رسد و اگر بیند که آب بینی او زرد بود دلیل کند که فرزندش بیمار گردد **آب تاختن** ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که آب تاختن کند بجایگاهی که موضع آن نباشد اگر خداوند خواب غمگین و وامدار بود دلیل کند که از غم فرج
یابد و وامش گذارده گردد و اگر بیند در خواب توانگر بود دلیل کند که مالش نقصان آید بر قدم آب تاختن دانیال گوید اگر بیند
که در جایگاهی مجهول آب تاختن کند دلیل بود که از اهل آن موضع زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که بجای آب تاختن خون همی رفت
دلیل کند که او را نقص آید و اگر بیند که بجای آب تاختن ریم میرفت دلیل کند که او را فرزندی آید معلول و بعضی معبران گفته اند که آب تاختن مال حرام
بود و اگر بیند که آب تاختن همی خورد دلیل کند که مال حرام خورد کرمانی گوید اگر بیند که اندر چاهی آب تاختن کرد دلیل کند که از کسی مال حلال حاصل کند و
اگر بیند که آب تاختن همی کرد دلیل کند که او را فرزندی که قرآن ظاهر خواند و عالم و دانا گردد و اگر بیند که برخی از آب تاختن بجست برخی
خود داشت دلیل کند که برخی از مال وی برود و برخی اندوه و غم از وی جدا گردد و اگر بیند که مردمان از آب تاختن وی
مسح همی کردند دلیل کند که او را فرزندی آید که عالم و دانا گردد و مردمان متابع او گردند جابر مغربی گوید اگر بیند که در مسجد آب
تاختن همی کرد دلیل کند که مال خویش هزینه کند بر وجه خویش و اگر بیند که جامه وی با آب تاختن آلوده گشت دلیل کند
که مال خویش بر فرزند خویش هزینه کند حضرت صادق علیه السلام میفرماید که آب تاختن در خواب بموضع خویش نه مردم توانگر
رسد اما آنکه درویش باشند و بنده را آزادی بود و بیمار را شفا بود و محبوس را فرج بود و مسافر را باز آمدن بود و عامل را
معزولی بود و خلیفه را مرگ بود و قاضی را عزل و بازرگانان را زیان بود در تجارت اسمعیل اشعث گوید که اگر بیند که در
خانه خویش بموضعش آب تاختن همی کرد دلیل کند که مال خویش بر عیال خویش هزینه کند لکن عوض آن باز آید قوله تعالی وَمَا أَنْفَقْتُمْ
مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ **آبخانه** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که آبخانه همی ساخت
دلیل کند که بجمع کردن مال دنیا حریص گردد و راغب گردد و نخواهد که از مال خود چیزی خرج کند و بعضی از معبران گفته اند

دلیل کند که زن جادو به وی را حاصل کرده و آن زن حرام خوار و بی دیانت بود و اگر بیند که در آب خانه بول و غایط همی کرد
دلیل کند که مال خویش را هزینه کند و اگر بیند که در آبخانه بنشست و یا در جای آبخانه افتاد دلیل کند که در جمع مال رنج بود و اگر بیند
از کسی در جای آبخانه فرو افتد دلیل کند که مال کسی بتغصب ستاند و اگر بیند که چون بنشیند دست و پای او بشکست دلیل
کند که بلای سخت بدو رسد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن آبخانه در خواب بر پنج وجه بود اول مال حرام دوم
عیش دنیا سیم خزینه چهارم شروع در حرام پنجم زن فاجره و حرام خوار **آبدستان** ابن سیرین گوید که آبدستان خادم
خزینه دار و صاحب تدبیر بود که خرج و دخل در دست او بود و اگر بیند که پادشاهی آبدستان بوی داد دلیل کند که وزیر
و مدبر پادشاه بود و اگر او کسی دیگر بود هم بر این قیاس بود کرمانی گوید که آبدستان در خواب خادم بود بقول خدای عز و جل
قوله تعالی یَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقَ و اگر بیند که آبدستان او بشکست یا ضایع
شد دلیل کند که زن از وی جدا گردد یا بمیرد و اگر بیند که از آبدستان آب همی خورد دلیل کند که وی را فرزندی
حاصل گردد خاصه که آب را صافی بیند و خوش طعم حضرت صادق علیه السلام گوید که دیدن آبدستان در خواب بر پنج
وجه بود اول خادم دوم خزینه سیم مدبر کار چهارم فرزند پنجم روزی اندک از جائی که امید ندارد **آبستنی**
ابن سیرین گوید اگر بیند که شکم او بزرگ شده بود و چون زن آبستن دلیل کند که او را مال و نعمت دنیا حاصل گردد
و هر چند که شکم بزرگ تر بیند مال دنیا بیشتر بود کرمانی گوید اگر فرزند نابالغ خود را آبستن بیند دلیل که اگر پسر بود بدو
نعمت و مال حاصل گردد و اگر بیند و خواب دختر بود مادرش را نعمت و مال حاصل گردد **آبکامه** ابن سیرین گوید
که خوردن ابکامه در خواب دلیل که بر رنج و بیماری تن کند اگر بیند که ابکامه همی خورد دلیل کند که بقدر آن وی را
بیماری بود کرمانی گوید اگر بیند که ابکامه بریخت یا از وی هیچ نخورد دلیل کند که از غم و اندوه فرج یابد و اگر بیمار
بود شفا یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که خوردن ابکامه بر پنج وجه گفته اند اول بیماری دوم غم سیم خسران
چهارم حاجت پنجم ناسازگاری با اهل و عیال **آبگینه** دانیال گوید که آبگینه در خواب زن بود و اگر بیند که در
آبگینه آب همی خورد دلیل کند که زن خواهد و مال یابد و اگر بیند در آبگینه کسی شراب داد دلیل کند که از هر کسی زن خواهد
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که آبگینه سفید داشت و نامش بر آنجا نوشته بود دلیل کند که دولت دینی و دنیائی یابد
و حاجت او روا گردد و اگر بیند که بر آن آبگینه نام پادشاه نوشته بود دلیل کند که بر اجلش نزدیک بود و اگر بیند که خود
پادشاه باشد و اگر نباشد دلیل کند که بر قدر و اندازه آن خیر و خرمی یابد جابر مغربی گوید اگر بیند که آبگینه داشت بیفتاد
و بشکست دلیل کند اگر زن دارد طلاق دهد و اگر زن ندارد زنی از خویشان وی رحلت کند و بدانکه آبگینه که
تباه و باطل بنزد خداوند کار بود و بعضی از معبران گفته اند که آبگینه کسی بود که کارهای زنان کند و پیوسته او را
با زنان مخالطت بود **آبله** ابن سیرین گوید که آبله در خواب زیان مال بود اگر بیند که بر تن او آبله بود که بقدر آن

خواسته مال او را حاصل کرده شود کرمانی گوید اگر بیند که بر تن او آبله بود دلیل بود که بقدر آن از مال حرام حاصل شود حضرت
صادق علیه السلام فرماید که آبله بر تن دیدن بر پنج وجه بود اول زیادتی مال دوم زن خواستن سیم پسر خوش آید چهارم
حاجت روا شدن پنجم از ترس و بیم ایمن گردد چون آبله سفید. **آبنوس** ابن سیرین گوید که دیدن آبنوس در خواب
مردی بود در کار خویش سخت و محکم بود اما توانگر و بخیل بود و از وی چیزی بکس نرسد کرمانی گوید که آبنوس در خواب
زنی بود و هم برین صنعت که یاد کرده شد حضرت صادق میفرماید که آبنوس در خواب کسی باشد هم برین صنعت
که گفته گردید **آتش** دانیال گوید اگر کسی آتش بیند در خواب بیند دلیل که بپادشاهی نزدیک گردد و کار بسته او
گشاده گردد و اگر بیند که کسی وی را در آتش فکند و آتش وی را بسوخت دلیل که پادشاه بر وی ستم کند لیکن زود خلاصی
یابد و بشارت نیکوئی یابد چنانکه ایزد تعالی در کلام مجید فرموده قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ
إِبْرَاهِيمَ و اگر بیند که آتش وی را نسوخت دلیل کند که روی بکراهیت سفری کند و اگر آتش را با نفت و موز و سوز بیند
دلیل کند که از علت تب بیمار گردد و اگر بیند که آتش اندام وی را بسوخت دلیل کند که بقدر آن سوختگی وی را رنج و مشقت
رسد و اگر کسی بیند که آتش در خانه وی افتاده همه اندام او را بسوخت و زبانه همی زد و آواز و سهم و ترس در دل او بنیاد
دلیل کند که از محنت و مصیبت که بدو رسد سبب بیماری و ضعف بود چون سرما و طاعون و آبله و سرخه و آنچه بدین
ماند و اگر بیند که از آن آتش فرا گرفت دلیل کند بقدر آن از پادشاه مال حرام بوی رسد و اگر بیند که آتش را دود بود
دلیل کند که مال حرام وی را برنج و تیمار حاصل گردد با جنگ و خصومت و اگر بیند که از آتش گرمی و تپش بوی میرسید
دلیل کند که کسی وی را از دور غیبت کند کرمانی گوید اگر بیند که شعله آتش بمردمان همی انداخت دلیل کند که درمیان مردم
عداوت و دشمنی افکند و اگر بازرگانی بیند که آتش در دکان و کالای او افتاد دلیل کند که کالائی که دارد بر باد دهد یا
بدرم ارزان و بسه درم فروشد و بر کسی شفقت نبرد و اگر بیند که آتش در خانه کسی افتاد دلیل که آنکس در جنگ و فتنه
و جور سلطان افتد و اگر بیند که آتش جامه او را بسوخت دلیل کند که با خویشان جنگ و خصومت کند و از سبب مالی
اندوهگین گردد و اگر کسی آتشی عظیم در زمینی بیند دلیل کند که در آن موضع فتنه و جنگ افتد و اگر چیزی سوخته بیند دلیل
کند که از جهت زنان وی را با کسی خصومت کند و اگر بیند در شهری یا در محله یا در سرائی آتش افتاد چنانکه هر چه بود همه را بسوخت
آن آتش زبانه میزد و آواز سهمگین همی داد دلیل کند که در آن موضع جنگ و کارزار بود یا بیماری و سبب افتد و اگر بیند که آتش
برخی چیزها را بسوخت و برخی رها کرد و آواز سهمگین نداشت دلیل بود بر جنگ و کارزار در آن موضع و اگر زبانه و فروغ
نداشت دلیل بر بیماری صعب کند و اگر آتش را با دود بیند دلیل کند بر ترس و بیم اندر کارها و اگر بیند که آتش از آسمان
بیفتاد شهری یا محله یا سرائی بسوخت دلیل کند که آن بلا و فتنه که گفته شد بر اهل آن موضع شهر بود و اگر بیند که آواز سهمگین داشت
و زبانه همی زد و در جائی افتاد لیکن کرنه و زبانه نمیکرد دلیل بود که درمیان اهل آن موضع گفتگوی و خصومت افتد بزبان و اگر بیند

و از زیر زمین آتشی سهمگین برآمد و سوی آسمان شد دلیل بود که آن موضع دوستان با حق تعالی حرب کنند به دروغ و بهتان گفتن [illegible]
بقدر و قوت آن آتش که دیده بود و اگر بیند آتشی از جایی بجایی همی رفت و آن آتش هیچ گزند نمیکرد بلکه دلیل بود که در آن منفعت
یابد و اگر درویش بود توانگر گردد و اسمعیل اشعث گوید که اگر کسی بیند که از آسمان مانند باران آتش میبارید دلیل بر بلا و خون ریختن
بود و از جهت پادشاهان در آن موضع و اگر بیند که آتشی از آسمان بیامد و چیزهای خوردنی که از آن او بود بسوخت دلیل کند که [illegible]
وی نزد حقتعالی پذیرفته گردد قوله تعالی بقربان یأکله النار و اگر بیند که از آسمان آتش همی آمد و کسی را بسوخت بیم [illegible]
حقتعالی باشد قوله تعالی عذاب النار التی کنتم بها تکذبون و باشد که از پادشاه و را بیم بود و اگر بیند که بر سر آتشی بزرگ
گرم میشد دلیل کند که به پادشاهی بزرگ نزدیک گردد و اگر بیند که بر آتشی چیزی همی پخت که شغل دنیا و دنیاوی تمام گردد [illegible]
که آتشی از آسمان فرود آمد و نبات زمین را بسوخت دلیل بود که در آن دیار قحط و تنگی و مرگ مفاجات بسیار بود و اگر بیند که [illegible]
قبه یا منار بسوخت دلیل کند که پادشاه آن موضع هلاک گردد و بعضی از معبران گویند که اگر کسی بیند که آتشی از زمین برآمد [illegible]
سید او دلیل کند که در آن موضع گنج بود و حضرت صادق علیه السلام میفرماید اگر بیند پاره ای آتش میخورد دلیل کند که مال یتیمان خورد
قوله تعالی الذین یأکلون اموال الیتامی ظلما انما یأکلون فی بطونهم نارا و سیصلون سعیرا
و اگر بیند که از دهان وی آتش بیرون می آید دلیل کند که سخن دروغ و بهتان گوید و اگر بیند که هر جایی آتشها می سوزند و میگرفت دلیل کند که
هر جایی میانجی کند میان رعیت و مردمان پادشاه و اگر بیند که در سرای او آتشی افروخته بود و او را زیان نداشت دلیل کند که به
خیر و نیکی رسد قوله تعالی افرأیتم النار التی تورون و اگر بیند هیزم آتش خشم میسوخت دلیل بر جنگ و فتنه کند [illegible] قوله
تعالی کلما اوقدوا نارا للحرب و اگر بیند که آتش در مردم میزد دلیل نصرت بود او را بر دشمنان و اگر بیند که آتش وی [illegible]
بسوخت و آن آتش نور نداشت دلیل کند که از علت سرسام بیماری کشد و اگر بیند آن آتش را نور بود دلیل بود که کسی را از خویشان
و فرزندان وی فرزندی آید که مردمان بر وی ثنا گویند و مال و بزرگی یابد بقدر نور آن آتش و اگر در رزمگاه آتش بیند دلیل کند
بر بیماریهای صعب چون آبله و طاعون و سرسام و مرگ مفاجات نعوذ بالله و اگر آن آتش را دود بیند دلیل کند که او را [illegible]
او را ترس و بیم بود و اگر آتش را در بازار بیند دلیل کند بر [illegible] اهل بازار و اهل بازار در تجارت انصاف ندهند و بر خرید و فروش [illegible]
گویند و اگر در دیاری آتشی افتاده بیند دلیل کند که در مردم آنجا استعداد [illegible] بود از پادشاه و ولات و بر رعیت ظلم رسد و گرد [illegible]
آتش بیند دلیل بر روشنی بود و اگر آتش در جامه کسی افتاده بیند دلیل کند که آن کس را مصیبت و ترس و بیم بود و اگر خویشتن را بر آتش
ایستاده بیند دلیل که او را رنج رسد آتش افروختن ابن سیرین گوید که آتش افروختن بخواب پادشاه و ولایت بود و آتش بیند
فروغ قوت بود و خواسته و آتش باد و پادشاه ستمگر و ظالم و اندوه و زیان بود و اگر بیند که آتش برافروخت تا گرم گردد یا کسی
دیگر بدان گرم شود دلیل کند که چیزی طلب کند که از آن منفعت یابد و اگر بیند که بیفایده آتشی برافروخت دلیل کند که با کسی
جنگ و خصومت کند و اگر بیند که آتشی برافروخت تا چیزی بریان کند دلیل کند که کاری پیش گیرد بسبب غیبت [illegible]

آتش افروختن

باب الالف

تا طلب حال کسی کند واگر بیند که از آن بریان بخورد دلیل کند که بقدر آن روزی بوی رسد با غم و اندوه واگر بیند که بر دیگ
آتش می افروخت و در دیگ گوشت بود یا چیزی دیگر دلیل کند که کاری بسازد که از آن کار کدبانوی خانه را منفعت رسد
واگر بیند که در آن دیگ هیچ طعام نبود دلیل کند که از آن کار او را غم و اندوه بود واگر بیند که آتشی برافروخت حلال یزد دلیل کند
که او راسخنی نیکو بیند واگر بیند که آتشی برافروخت از برای روشنائی دلیل کند که کار برا بجهت و برهان روشن گرداند کرمانی گوید اگر
بیند در جایگاهی آتشی برافروخت تا اهل آن جایگاه را بسوزاند دلیل بود که اهل آن موضع را غیبت کند بدی گوید واگر بیند آتش را
در تنور یا در آتشدان همی افروخت بی آنکه طعام پزد دلیل کند که با مردی از خویشان و با اهل بیت او در جنگ و خصومت
افتد واگر بیند که خواست تا آتش برافروزد واز بهر منفعت خویش و آن آتش برهمی افروخت و روشنائی بنیاد دلیل کند که از
علم خویش برخورداری یابد واگر این کس پادشاه بود عز و جاه و دولتش افزون گردد واگر بیند که آن آتش که افروخت بمرد
دلیل کند که هلاک گردد جابر گوید اگر بیند که در بیابان آتش می افروخت که مردمان از نور آن آتش راه می یافتند و هر کس موضع
و مقام خویش میرفتند دلیل کند که مردم از علم و حکمت او بهره یابند و راه راست گیرند واگر بیند که آن آتش فرو میرد و نور او
زایل میگردد دلیل کند که احوالش متغیر و باشد که از دنیا رحلت کند واگر بیند که آن آتش در بیابان افروخت و نیز زار است
همی درخشید دلیل کند که علم او مردمان را از راه ضلالت ببرد واگر بیند که آتشی در موضعی برافروخت تا آن موضع را بسوزد و آن آتش
آنرا بسوخت و آن بازرگان بود دلیل که خرید و فروخت بنفاق کند و مالش حرام بود واگر بیند که از خانه همسایه آتش
همی برد دلیل کند که مالی حرام بدو رسد روشنائی آتش ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب روشنائی آتش بیند چنانکه
بدان روشنائی راه توان رفت دلیل کند که زاهدی یابد واگر روشنائی آتش را ایستاده بیند دلیل کند که سبب دولت
و جاه بجا بود واگر اخگر افروخته دلیل کند که در آن دیار رویت سلطان پدید آید واگر در خانه خود اخگر دید چنانکه از نور آن خانه
روشن بود دلیل کند که کارش بالا گیرد و دولتش زیاده گردد واگر بیند که آن اخگر را کشت دلیل که در خاندان او
خصومت رود و داوری بود آتش پرستیدن دانیال گوید اگر بیند که آتش را میپرستید و سجده میکرد دلیل که پادشاه ستمکر را
سجده کند و بخدمت او مشغول گردد چنانکه او را نشکیبد اگر بیند که تنور یا آتش یا چراغ را سجده میکرد دلیل که بخدمت زنان
مشغول گردد واگر بیند که آتش را بوسه همی داد و می پرستید دلیل کند که صاحب خبر پادشاه گردد واگر بیند که در میان
آتش را فروهمی کرد دلیل که پادشاه بطوع و رغبت بازرگانی کند ولیکن عاقبت کارش بخطر بود خاصه که از آتش برتن
او گزندی رسد واگر از آتش تن او را هیچ گزندی نرسد دلیل کند بر همه رسالت سلامت تن و جمعیت بار و زر کار او از پادشاه
واگر بیند که در میان آتش رفت دلیل کند که بقدر آن از پادشاه منفعت یابد واگر بیند که آتش از روی یا از جامه یا از دست او
روشنائی میداد چنانکه خلق از نور او متحیر بودند دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد و مراد دو جهانی حاصل گردد قوله تعالی وَادْخِلْ
يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ و این معجزه حضرت موسی بود با فرعون اسمعیل اشعث

افروختن آتش

آتش پرستیدن

گوید که اگر کسی در خواب بیند که آتش سپید دلیل کند که با زداری و عوانی کند و آن آتش که سپید اگر شکل اخگر
غرض و از وی جمع کردن مال بود و مال حرام بسیار حاصل کند شراره آتش ابن سیرین گوید که شراره آتش در خواب
باشد که بوی رسد و اگر بقیاس شراره آتش در وی می افتاد دلیل کند که در محنت و بلائی سخت گرفتار گردد و گرباز اگر
اگر بیند که در شهری یا کوچه شراره آتش می افتاد دلیل کند جنگ و فتنه در آن موضع پیدا آید و اگر بیند که شرارهای
سخت بزرگ بودند دلیل بود که عذاب خدای عز و جل بدو رسد یا بدان موضع رسد قوله تعالی اِنَّهَا تَرۡمِیۡ بِشَرَرٍ
كَالۡقَصۡرِ كَاَنَّهٗ جِمٰلَتٌ صُفۡرٌ و اگر بیند که شراره آتش در میان مردمان افتد دلیل کند که مردمان آن موضع با
جنگ و خصومت افتد و آتش انداختن و بازی کردن با آتش سخن زشت گفتن بود جابر مغربی گوید اگر بیند که پاره آتش
در دست داشت دلیل کند که بکار پادشاه مشغول گردد و اگر بیند که با آن آتش دود بود دلیل کند که در آن کار او را
بیم و ترس بود و اگر بیند که آن آتش در دست وی فرو مرد دلیل کند که در خدمت پادشاه مالی حرام بدست آورد و اگر
که از آن آتش پاره مردم راهی داد دلیل کند که از کردار وی مردمان را رنج و مضرت رسد و مردمان دشمن او شوند و اگر بیند
که چیزی از خوردنی بر وی همی پخت و میخورد دلیل کند که سخنهای خوش شنود حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتش
در خواب بر بیست و پنج وجه بود اول فتنه بود دویم کارزار سیم فساد چهارم مرتبه پنجم خصومت ششم سخنهای
هفتم منع از کام و مراد هشتم خشم پادشاه نهم عقوبت دهم نفاق یازدهم بیراهی دوازدهم علم و حکمت سیزدهم
راه هدی چهاردهم مصیبت پانزدهم ترس و بیم شانزدهم سوختن هفدهم خدمت پادشاه هیجدهم طاعون نوزدهم
برسام بیستم آبله بیست و یکم گشایش کارها بیست و دویم فضیلت بیست و سوم مال حرام بیست و چهارم روزی
بیست و پنجم منفعت آتشدان ابن سیرین گوید که آتشدان بخواب زنی بود که خدمت خانه کند اما اگر آن آتشدان
آهنین بود دلیل کند که آن زن از خویشان اهل آن خانه بود و اگر آتشدان چوبین بود دلیل کند که آن زن از خویشان
اهل آن خانه بود و از اهل نفاق بود و اگر آتشدان از گل بود دلیل بود که آن زن اهل کردن کتمان باشد و از مشرکان نیز
بود حضرت صادق علیه السلام میفرماید که دیدن آتشدان بخواب بر دو وجه بود اول زن خادمه دویم کنیزک آتش زنه ابن
سیرین گوید که آتش زنه و سنگ آتش زنه این هر دو انبار باشند که از ایشان یکی قوی و دلیر بود و دوم سخت دل بود و این هر دو مردمان
با شرف و کارهای بزرگ را آورند کرمانی گوید اگر بیند که از آتش زنه آتش بیرون می آورد و از او شمع یا چراغ برافروخت اگر بیننده
پادشاه بود دلیل کند که رعیت از عدل و انصاف او آسایش یابند و اگر بیننده خواب عالم بود دلیل که مردم از علم و دانش او
یابند و اگر بازرگان بود دلیل کند بر آنکه با مردمان خیر و جود و احسان کند و اگر درویش بود دلیل کند که مردمان از سیرت و کردار وی
منفعت یابند حضرت صادق میفرماید که اگر بیند که از آتش زنه بیرون آورد دلیل کند که مال حرام از جهة پادشاه حاصل کند یا بکار
او مشغول گردد و از رشوت مال بدست آورد و اگر بیند که از آتش زنه نتوانست افروختن دلیل کند که مال طلب کند و نیابد و اجابه

باب الالف — **آتشکده**

ابن سیرین گوید که آتشکده بخواب جایگاه مکر و بود کرمانی گوید که آتشکده جایگاه مردم احمق و جاهل بود و اگر بیند که در آتشکده رفت
و از آنجا چیزی بوی رسید دلیل کند که آن مقدار مذلت و خواری بوی رسد لیکن از وی بر بد و سرانجام پشیمانی خورد **آرد گون** باشد

آرد گون شکوفه ایست و دیدنش در خواب دلیل بر رنج و بیماری بود **آرد** دلیل بود بر مال و نعمت حلال که بی رنج بدو رسد دانیال
گوید اگر بیند که آرد چون برف از هوا می آمد دلیل کند که بقدر آن مال و نعمت حلال او را حاصل گردد و از آنجا که امید ندارد ابن سیرین گوید آرد
جو بتاویل درستی دین بود و آرد گندم مالی بود از تجارت که بسیار فایده بود و آرد کاورس مال اندک بود که حاصل گردد جابر مغربی گوید آرد

آرد بیز

فروش بخواب دیدن مردی باشد که دین خود را بدنیا آورده بود آرد بیز کرمانی گوید که آرد بیز بخواب مردی باشد که درمیان دوستان
و خویشان همی گردد ابن سیرین گوید که آرد بیز بخواب زنی بود فضول یا خادمی بود اگر بیند که آرد بیز بزرگ نو فرا گرفت یا کسی
بوی داد دلیل کند که زنی یا خادمی چنانکه گفتیم خدمتکار و دوست وی گردد و بعضی از معبران گویند که مردی مصلح که در خدمت او مقیم
و دوست وی شود حضرت صادق گوید آرد بیز در خواب بر چهار وجه بود اول مردی مصلح دویم زنی فضول سیم خادم چهارم منفعت

آروغ

اندک آروغ کرمانی گوید که اگر بیند که در خواب آروغ برمی آورد دلیل بود که سخنی گوید که او را از آن حرمتی بود و اگر بیند که با آروغ طعامی
بود و از گلویش بیرون آمد دلیل کند که اجلش نزدیک بود محمد بن سیرین گوید اگر بیند که آروغ ترش و ناخوش بر آورد دلیل کند که سخنی گوید
که از آن مضرت و خطر بیند و اگر بیند که آروغ همچون دود بر آورد دلیل کند که بی هنگام سخنی گوید که از آن او را عیب کنند و ملامت کنند

آزاد شدن

و سرانجام از آن پشیمانی خورد آزاد شدن دانیال گوید اگر کسی بیند که آزاد شد یا کسی او را آزاد کرد دلیل کند که اگر بیمار بود شفا یابد
اگر وام دار بود وامش گزارده گردد و اگر حج نکرده باشد گزارده گردد و اگر بنده بود آزاد گردد و اگر گناه کار بود توبه کند و اگر غمگین بود شادمان

آستانه

گردد و از غم فرج یابد و اگر محبوس بود خلاص یابد و علی الجمله آزادی در خواب بغایت نیکو و پسندیده است آستانه کرمانی گوید آستانه
بالایین در خواب کدخدای خانه بود و آستانه زیرین کدبانوی خانه و اگر بیند که آستانه بالایین بدر و بیفتاد و خراب شد دلیل کند که کدخدای خانه بمیرد و اگر
خانه بیند که آستانه زیرین خانه بیفتاد و یا بسوخت دلیل کند که کدبانوی خانه بمیرد ابن سیرین گوید اگر بیند که نهادند آستانه زیرین با آستانه بالایین نو بدیل
گردد دلیل کند زن را طلاق دهد و زن دیگر بخواهد و اگر بیند که آستانه بالایین را بکند دلیل که خود را هلاک کند و اگر بیند که بر در آستانه خونریز بکند و خراب کند دلیل

آسمان

کند که کدبانو و کدخدا هر دو هلاک گردند آسمان دانیال گوید که اگر کسی خویش را در آسمان اول بیند دلیل کند که اجلش نزدیک
آمده بود و اگر خود را بر آسمان دویم بیند دلیل که علم و دانش حاصل کند و اگر بر آسمان سوم بیند دلیل کند که عز و اقبال اینجهانی یابد
و اگر بر آسمان چهارم بیند دلیل که پادشاه او را دوست و مقرب گرداند و اگر بر آسمان پنجم بیند دلیل کند که هیبت و ترس و بیم یابد و اگر
بر آسمان ششم بیند دلیل کند که بخت و دولت و نیکویی یابد و اگر بیند که بر آسمان نخستین بر شد ولیکن در راسته دید دلیل کند که
کارهای وی بسبب مردی بزرگ بسته گردد و اگر بیند که در آسمان بنیار است نگاه کردن و سر را فرو افکنده بود دلیل که از دیدار مردی
بزرگ جدا گردد و اگر بیند که فرشتگان از آسمان فرود آمدند و بر وی بگذشتند دلیل کند که درهای علم و حکمت بر وی گشاده گردد ابن
سیرین گوید اگر کسی خود را بر آسمان بیند دلیل که او را سفری پیدا شود و در آن سفر او را مرتبت دنیا و دین حاصل گردد و اگر بیند که بر آسمان

باب سیوم

آسمان بیند دلیل سفری بود با نعمت و برکت و اگر بیند که بر آسمان بست بپرید تا به آسمان رسید دلیل کند که مضرت و رنج بیند
بیند که به آسمان رفت و آن بیت که بزمین باز نیامد دلیل کند که نیکی و پادشاهی یابد و کار وی بزرگ طلب کند و بیابد و اگر بیند که از
آسمان بانگ و ندای شنود دلیل کند بر خیر و سلامت و اگر بیند که مرغ از آسمان بر وی سخن گفت دلیل بود که شادمانی وی را رسد
گوید اگر بیند که او بر آسمان همی شد بی نردبان و بست چنانکه مرد از زمین بنیاد بود دلیل که اجلش نزدیک بود و اگر بیند که فرو
زمین بیاید و دنیا را فتنه و گل و رنج و آخر ادلیس بود که خداوند خواب به دنیا مغرور گردد و اگر بیند که از آسمان انگبین می بارید دلیل کند
مردمان را خیر و نعمت و غنیمت بود و اگر بیند که از آسمان ریگ یا خاک می بارید و اگر اندک بارید دلیل کند که نیک بود و اگر بسیار
بود دلیل آن بد بود و اگر بیند که از آسمان گندم یا جو یا سنگ می بارید دلیل بود بر عذاب خدای عزوجل بدان دیار و اگر بیند که خود را
آسمان فرود آویخت دلیل کند که کار او بلند گردد و جابر مغربی گوید اگر بیند که بر بالای هفتم آسمان رفت بجائی که وهم آنجا نرسد و فرود آید
دلیل کند که اجل وی نزدیک آمده بود و وفاتش به راستی پسندیده بود و اگر خداوند خواب مستور بود و صلح و بیند که در آنجا فرود آمد دلیل که دنیا
و دین را به کرد و اگر خداوند خواب صلح و مستور نباشد دلیل بود که توبه کند یا هلاک گردد و اگر بیند که از آسمان بر زمین آمد دلیل کند که
و بیماری بسر حد هلاک رسد و بعد از آن شفا یابد و اگر بیند که در میان آسمان و زمین معلق می بود چون قبه یا کرسی که از سنگ و گچ
بود دلیل بود که خداوند خواب را اصل عمل مغرور گشته بود و اگر بیند که درهای آسمان گشاده شد دلیل کند که دعا و آمال مستجاب گردد
و باران بسیار بارد و آبها فراوان بود قوله تعالی فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ

منهمر

عَلَىٰ أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ و اگر بیند که در آسمان دری از بهر وی یا از بهر مردم آن دیار گشاده کرده دلیل کند که خیر و نعمت بر مردمان آن دیار رسد
که بگشادن آن در اثر خیر ظاهر گردد و اگر بیند که آسمان بگشاد دلیل کند که ایزد تعالی با وی بخشش بود امام جعفر صادق ع میفرماید اگر بیند
که آسمان بگونه سبز بود دلیل بود که در آن دیار خیر و صلاح و ایمنی بود و اگر بیند که بگونه سفید بود دلیل که در آن موضع رنج و بیماری بود و اگر
بیند که آسمان سرخ بود دلیل کند که در آن دیار جنگ و خون ریختن بود و اگر بیند که آسمان سیاه بود دلیل که در آن دیار بلا و فتنه عظیم بود
و اگر بیند که آسمان روشن تر از آن بود که بود دلیل کند که او را از حق تعالی روشنی تمام در دین حاصل گردد و اگر بیند که برابر او در آسمان گشاده
شد دلیل کند بر خیر و روزی بر او گشاده گردد و عالم و حکیم گردد و از وی روزی بسیار بمردم رسد و اگر بیند که در آسمان علامتهای سرخ
پیدا شود دلیل کند که بدان سامان آن موضع را علامت نصرت بود و اگر بیند که آسمان را بی ستون دید دلیل کند که بیدین و گمراه گردد و دانیال
اشعث گوید اگر کسی بیند که از آسمان سنگ چون باران می آید دلیل کند که بلای سخت و عذاب با اهل آن موضع رسد قوله تعالی وَأَمْطَرْنَا
عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ سِجِّيلٍ و اگر بیند که از آسمان گندم و جو میبارید دلیل کند که اندران دیار نعمتهای الوان بیقیاس بود و خلق را

آستانه

ایمنی و کسب و معیشت بود آستانه ابن سیرین گوید اگر بیند که آستانه خانه وی بلند گردید دلیل کند که بر قدر آن مال و نعمت یابد
و شرف و منزلت و اگر بیند که آستانه خانه او بیفتاد دلیل که از شرف و منزلت بیفتد و نزد مردمان خوار گردد و اگر بیند که از آستانه
خانه وی آب صافی چون باران همی بارید دلیل که بقدر آن مال و نعمت باشد و اگر بیند که از آستانه خانه وی مار و کژدم همی افتاد دلیل کند

پادشاه و یا از بزرگی ورا غم و اندوه رسد کرمانی گوید اگر بیند که آستانهٔ خانه بروی بیفتاد و در زیر آن گرفتار گردید دلیل کند که او را هم
هلاک برود قوله تعالی فَخَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ و اگر بیند که آستانهٔ خانهٔ او بر کهای متون و منقش بود دلیل کند که در
آرایش دنیا مشغول گردد **باب آسیاب** دانیال گوید اگر بیند که در آسیاب غله برد و آرد همی کرد دلیل کند که از خداوند آسیاب وی را
خیر و منفعت رسد اگر بیند که سنگ آسیاب بشکست و از کار بیفتاد دلیل که خداوند آسیاب هلاک گردد و اگر بیند که سنگ آسیاب
بتکلف آهستگی در وی پدید آمد دلیل که در معیشت خداوند آسیاب سستی و کاهلی پدید آید اگر بیند که سنگ آسیاب از کسی بیند
دلیل که خداوند آسیاب را منفعت و مضرت شود ابن سیرین گوید که دیدن آسیاب بخواب جنگ و خصومت بود و اگر کسی در
آسیاب بیند دلیل کند که او را با کسی جنگ و خصومت افتد اما اگر داند که آسیاب ملک وی بود آسان تر بود و اگر در آسیاب غله دانست
آسیاب بجای خود میگردد دلیل که بسفر شود و اگر بیند که سنگ آسیاب از مس یا از برنج یا از آهن بود این جمله دلیل بر جنگ و کارزار بود و اگر
بیند که سنگ آسیاب از آبگینه بود دلیل کند که خصومت با زنان بود و اگر بیند که آسیاب سنگ یا آهن بجای غله آرد میکرد دلیل
کند که او را با کسی جنگ و خصومت سخت افتد و لیکن چند که آسیاب را بدست میگرداند دلیل کند که او را انبازی سخت دل بود
و بواسطه او کارش بنظام نباشد حضرت صادق فرماید که آسیاب در خواب دیدن دلیلش بر پنج وجه بود اول پادشاه دوم رئیس
سیم توانگر چهارم مرد دلیر پنجم خداوند سالار پادشاه و دیدن جایگاه آسیا جای رئیس بزرگ بود و اگر بیند که آسیا را خراب کرد دلیل
که اندران چیزی که آب آسیا منسوبست خراب گردد **آسیابان** در خواب کسی بود که روزی اهل خانه بسبب آن بود که میگردد و چیزی
بدست می آورد و نان اهل آن خانه بدان تعیش کنند ابن سیرین گوید که دیدن آسیابان در خواب بتاویل مردی بود که مردم را در وی سبب
روزی بود و چون آسیابان جوان بود بتاویل نیکو باشد و اگر بیند که آسیا بجز میگردید یا باشتر و آرد
نیکو فرو می آمد دلیل بود که آسیابان را دولت و اقبال بود و اگر بوقت گردیدن آسیابان بانگ سنگ آسیاب میشنود دلیل کند که
کار وی نیکو گردد **آشتی کردن** ابن سیرین گوید اگر بیند که با کسی آشتی کرد دلیل که عمرش دراز گردد و اگر بیند که در آشتی کسی را
بفساد دین خواند دلیل که وی را بصلاح خیر و راه دین خواند اگر بیند که در خشم کسی را بصلاح دین میخواند دلیل که وی را بفساد دراه
خواند حضرت صادق فرماید که آشتی کردن در خواب دلیل کند بر سه وجه اول بر درازی عمر دوم بر قوت سیم بر سیرت اعتقاد
پسندیده **آغوش گرفتن** کرمانی گوید اگر کسی بیند که معروفی در آغوش گرفت دلیل کند که اگر آنکس مستور بود و مصلح از وی خیر
دین یابد و اگر بیند که کودکی را در آغوش گرفت دلیل بود که خواستگار و محب فرزند بود و اگر بیند که شیر را در آغوش گرفت دلیل بود
که با دشمن صلح کند **آفتاب** دانیال گوید که آفتاب در خواب پادشاه بود یا خلیفه بزرگوار اگر بیند که آفتاب را از آسمان
فرا گرفت یا وی را بملک خویش گرفت دلیل که پادشاهی و بزرگی یابد یا دوست و مقرب پادشاه گردد و اگر بیند که خود آفتاب شد
دلیل کند که پادشاه گردد بر قدر روشنائی آفتاب اگر از اهل آن نباشد بر قدر همت و اهل خویش بزرگی و حشمت یابد
و اگر بیند که با آفتاب بجنگ بود دلیل که با پادشاه جنگ و خصومت کند و اگر بیند که جایگاه آفتاب با جایگاه ماه مقیم

باب الالف

شد دلیل که پادشاه گردد و مملکت بروی متغیر گردد و قرار گیرد و اگر بیند که نور آفتاب بسته دلیل که حکمت ازو دستش کوتاه شود
و اگر بیند که آفتاب را او گرفت لیکن نه از آسمان و نور و شعاع نداشت و نیز تاریک و تیره هم نبود دلیل کند که از
نفع یابد و اگر بیند که آفتاب تیره و تاریک بود و بجای خویش نبود دلیل که پادشاه محتاج کار رای وی شود ابن سیرین گوید
که آفتاب در خواب پادشاه بزرگوار بود و ماه وزیر او و زهره زن پادشاه و عطارد دبیر پادشاه و مریخ پهلوان پادشاه و ستارگان
دیگر لشکر او بود و جابر مغربی گوید آفتاب در خواب پدر بود و ماه مادر بود و ستارگان دیگر لشکر پادشاه بود چنانکه حق تعالی در قصه
یوسف یاد کرده است قوله تعالی إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ
و هر زیادت و نقصان که در آفتاب و ماه بیند دلیل بر پدر و مادر و برادران بود و اگر بیند که آفتاب روشن و پاکیزه برآمد و بخانه
وی تافت دلیل کند که از خویشان خود زن خواهد اگر بیند که ابر یا چیزی دیگر نور آفتاب را بپوشاند دلیل که حال بر پادشاه متغیر گردد
و احوالش به شود خاصه وقتی که بیند آفتاب منکسف گردید و اگر بیند که آفتاب بی تیرگی روشن شد دلیل کند که پادشاه بیمار گردد و لیکن
به شود و اگر بیند که بر جرم آفتاب رسنی یا رشته فرو هشته بود و او دست بر آن رسن زد دلیل که از پادشاه او را قوت و دیری بود
و اگر بیند که آن رسن بگسست و او بیفتاد دلیل که از بزرگی و منزلت بیفتد و اگر بیند که آفتاب یا ماه را سجده کرد دلیل که گناه عظیم کند و بعضی گویند
و اگر بیند که آفتاب با ماه و یا جمله ستارگان در یکجا جمع شدند و جمله را گرفت و نور ایشان بستد دلیل که پادشاهی جهان بگیرد و پادشاهان
جهان همه مطیع او شوند و اگر بیند که آفتاب و ماه و ستارگان را گرفت همه تیره و سیاه بودند دلیل کند که بیننده خواب جنگ کند و خصم
که ظالم و ستمگر بود گرفتار گردد و اگر بیند که در میان آفتاب نقطه سیاهی بود دلیل کند که پادشاه از جهت ملک دل مشغول بود و اگر بیند که دو
پادشاه را با هم جنگ و خصومت بود دلیل که دو پادشاه را با هم جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که آفتاب بر زمین و بیخ
دلیل بود که پادشاه آنجا معزول گردد و از مملکت بی بهره ماند و اگر آفتاب را بدست خویش دید سیاه گردیده دلیل که پادشاه را غمی پیش
رسد و اهل آن بهره بود و اگر بیند که آفتاب در سوراخی فرو شد و ناپدید گردید دلیل که پادشاه را زن و بیمار علت کند و مردم
رسد و اگر بیند که ابر آفتاب را و ستاره را از جهت پوشانید دلیل که پادشاه و لشکرش را پیش دشمن هزیمت شوند و اگر بیند که آفتاب را
پرستید دلیل که با پادشاهی بزرگ متقرب گردد و اسمعیل اشعث گوید اگر کسی دید بر تخت نشست و روی با آفتاب کرد و پس بگرداند
روی از آفتاب بگردانید دلیل که از کس بخت کافر بود و پس مسلمان گردد و بعاقبت کافر گردد و اگر بیند که آفتاب بازوید دلیل بود که
آمده را از جهت چیزی جز از رنجی رسد از جایی که امید ندارد و اگر بیند که آفتاب با وی سخن گفت دلیل کند که از پادشاه جاه و حشمت
و بزرگی یابد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن آفتاب بر هشت وجه بود اول خلیفه دوم سلطان بزرگ سیم رئیس چهارم عالم
بزرگ پنجم عمل پادشاه ششم منفعت هفتم رتبت هشتم مرد و زن و بعضی است که زر و سیم و اگر بیند که آفتاب را سجده
کرد دلیل که سلطان او را از مغرب روی عدل و انصاف و امیران
آفتاب بخواب دیدن آن بود که گفتم آفتاب ابن سیرین گوید که آفتاب در خواب زن

تسلیم کنند و بعضی از معبران گفته اند که آفتاب بخادم قومی بود که آن قوم بطاعت او گرد آیند و از معصیت پرهیز کنند و اگر بیند که آفتاب بخود
داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که ویرا خادمه یا کنیزکی حاصل گردد بدین صفت که گفتیم و اگر بیند که آفتاب بشکست دلیل که خادمه یا
کنیزک بیمار گردد و یا بمیرد و اگر بیند که آفتاب او ضایع گردید دلیل که خادمه یا کنیزک او بگریزد یا از او جدا گردد حضرت صادق فرمایند
که آفتابه در خواب بر نه وجه بود اوّل زن دوّم خادم سیّم کنیزک چهارم توانگری پنجم تن ششم عمر و راز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت
نهم راحت از جهة زنان الج بدانکه الج یا بتازی رغرور گویند اگر کسی در خواب بیند که الج همی خورد دلیل که او را رنج و بیماری رسد بقدر آن
کرمانی گوید اگر بیند که الج داشت یا کسی داد یا آنرا از خانه بیرون ریخت و از او نخورد دلیل که از رنج و بیماری ایمن گردد و علی الجمله خوردن
الج در خواب در او هیچ خیر و منفعت نباشد آماس ابن سیرین که دیدن آماس در خواب مال بود اگر بیند که بر تن او آماس پدید آمده
بود دلیل کند که بقدر آن او را مال حاصل گردد خاصه چون که در آن آماس ریم بیند که بسیار بود کرمانی گوید اگر بیند که بر تن او آماس بود
چنانکه او را رنج نماید دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر آماس چنان نباشد که بدو رنج نماید دلیل بر مال حرام کند حضرت صادق فرماید
که دیدن آماس بر تن پنج وجه بود اوّل مالش زیاده گردد دوّم زن یا منفعت خواهد سیّم پسر آورد چهارم حاجتش روا گردد پنجم
ایمن گردد از غمها و اگر همه تن خود را آماس بیند دلیل که این پنج چیز که یاد کردیم او را حاصل گردد آب تاب دانیال گوید که اگر کسی
بیند که با آبک موی از تن بستر دلیل که اگر مال دارد بقدر آن موی که بسترده بود او را مال حاصل گردد و اگر غمگین بود از غم فرج
یابد و اگر وام دارد وامش گذارده گردد و ابن سیرین گوید آبک کردن در خواب توانگر را زیادتی مال بود و درویش را گذاردن وام
و کافر را از ایشان مسلمانی باشد حضرت صادق فرماید که آبک در خواب بر سه وجه بود اوّل خیر بود دوّم سختهای رشتنا خوشا
سیّم کارهای دشوار و عمارت کردن با آبک در ما دیل بد بود آهن ابن سیرین گوید که آهن معمول بخواب دیدن خادم بود و اگر
نه معمول بود چیزی از متاع دنیا بدو رسد بقدر آهن و اگر بیند کسی بیند که آهن بوی داد دلیل که از متاع دنیا بقدر آن آهن کسی چیزی بدو بخشد گوید
گوید که هر آهن که کسی بخواب بیند که آن سبب صلاح دارد از منسوب پادشاه بود چنانکه خدای عزّ و جلّ در کلام مجید خود فرموده است قوله تعالی و انزلنا
الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ و اگر بیند که آهن از سنگ بیرون می آورد دلیل کند که او را سختی رسد و قوله
قوله تعالی قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا أَوْ خَلْقًا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ جابر مغربی گوید اگر کسی بخواب بیند که آهنگری
میکرد و نزد اهل آنکار بود دلیل که او را با کسی خصومت افتد و اگر آهنگر بود دلیل کند بر خیر و منفعت و بعضی از معبران گفته اند که آهنگر
بنا دلیل پادشاه بزرگ بود و او کرا ابن سیرین گوید که دیدن آهنگر بخواب چون معروف بود دلیل بر پادشاه بود و اگر معروف نبود دلیل
نیک و بد آنچه دیده بود با آهنگر باز گردد و اگر بیند که آهن یا مس همی گداخت دلیل کند که این کس مردمان را غیبت کند و درشتی
و حضرت صادق فرماید هر چیز که از آهن بخواب بیند که از سوزن بود آن هم منفعت و قوّة و ولایت و توانایی و ظفر یافتن بر دشمن بود آهو میل کرمانی
گوید اگر بیند که آهو را از گرفت دلیل که کنیزک خوبروی او را حاصل گردد و اگر بیند که گاوی آهو را بمرید دلیل که دوشیزگی دختری را ببرد و اگر بیند که آهو را قفا
الفوبرید دلیل که با کنیزکی بخلاف شریعت مجامعت کند و اگر بیند که پوست آهو را بکند دلیل که با زنی غریب زنا کند

آهو

اگر بیند که پوست آهو را همی خورد دلیل که او را از زنی خوب و حلال نصیب گردد و اگر بیند که پوست آهو یا گوشت آهو بیابد
دید شود دلیل که او را از زن مال رسد و اگر بیند که آهو را بکشت دلیل که اقبال زن را ند گمین کرد و ابن سیرین گوید اگر بیند که بچه
آهو را ببرد و بیفکند دلیل که کنیزکی یا زنی را او بشیرینی ببرد و اگر بیند که آهو را وقت شکار بیفکند دلیل که غنیمت یابد و اگر بیند که آهو
در خانهٔ او بمرد دلیل که از جهت زن غم و اندوه بدو رسد و اگر بیند که آهو را سنگ یا تیر زد دلیل که سختی نا سزا گوید بنا بجای زنی
گوید اگر بیند بچهٔ آهو را گرفت یا کسی بدو داد دلیل که وی را از کنیزکی فرزند آید حضرت صادق فرماید که دیدن آهو در خواب بر چهار وجه
بود اوّل زن دوّم کنیزک سیّم فرزند چهارم منفعت از زنان

آواز

ابن سیرین گوید که آواز مرد در خواب چون بلند بود دلیل
است که در میان مردم بزرگی یابد اگر کسی بیند که آوازش بلند گشته بود دلیل کند بر قدر بلندی آواز و نام و بانگش بلند گردد و اگر بیند که
آوازش ضعیف گشته بود دلیل که بانگ و نامش ضعیف گردد و چنانکه کسی یاد او بکند کرمانی گوید بلندی آواز مردان اولیتر
و بلندی نام کند امّا بلندی آواز زنان در خواب نیکو نباشد و بخلاف آواز مردان بود

آویختن

بسیاری آویختن دانیال گوید اگر کسی
بیند که پادشاه فرمود تا او را بیاویزند دلیل که از پادشاه حشمت و جاه و بزرگی یابد لیکن دلیل که در دینش خلل افتد و اگر بیند
که بهنگام آویختن مردمان نظر وی میکردند دلیل که بر جمعی آنقوم مهتری و فرمان روائی یابد و اگر بیند که گروهی جمع و وی را بیاویختند
دلیل که بر آنقوم مهتری و فرمان روا گردد و اگر بیند که پیری مجهول وی را بیاویخت و مردمان بنظاره او همی بودند دلیل که بر خلق
جهان فرمان روا گردد و چون بیند که خویشان بنظاره او همی بودند و اگر بیند که خویشتن را بیاویخت و هیچکس ندید بنظاره او
بلکه خود را آویخته همی دید دلیل کند که خواهد بر خویشان خود مهتری کند ولیکن کسی مطیع او نگردد و جابر مغربی گوید چون وی را آویخته
بود دیدند و لیکن پیر دید و بیفتاد دلیل که از بزرگی و جاه و حرمت بیفتد

آینه

ابن سیرین گوید که آینه در خواب جاه و ولایت
بود و اگر بیند که آینه داشت یا کسی آینه بوی داد دلیل کند که بقدر بزرگی آینه جاه و منزلت و ولایت و نعمت یابد و اگر
بیند که آینه بکسی داد دلیل که مال و متاع خویش پیش کسی بنهد و اگر بیند که در آینه سیمین نگاه میکرد دلیل که از حرمت و جاه پیش
کاسته بیند زیرا که معبران آینهٔ سیمین را کرده بینند و اندکی بالا گویند که اگر مردی در آینهٔ آهنین همی نگریست دلیل که اگر زن
وی حامله بود پسر آورد که همه چیزها مانند پدر بود و اگر زن بیند که در آینه می نگریست و آبستن بود دلیل که دختری آید که چهره
مانند مادر بود و اگر زن آبستن نباشد دلیل که شوهرش او را طلاق دهد و زن دیگر بخواهد و آن زن شوهری دیگر کند و اگر پسر بیند
که در آینه نظر میکرد دلیل که او را برادری آید و اگر دختری نگاه کند وی را خواهری آید و اگر پادشاه یا عاملی نگاه کند معزول
گردد و ولایت از دست او برود و کسی دیگر بجای او نشیند جابر مغربی گوید که روی نیکو در خواب در آینه دیدن معروف
در پادشاه بود و اگر معروف نباشد تاویل نیک و بد هر چه دیده باشد با آینه باز گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که
دیدن آینه بخواب شش وجه بود اوّل زن دوّم پسر سیّم جاه و فرمان چهارم یار و دوست پنجم انباز ششم کار
مهم او گوید اگر مردی غریب آینه در خواب بیند دلیل که زن خواهد و بزرگی یابد و اگر دختر بیند دلیل که شوهر خواهد و بر شوهر غرض

وگرامی بود و اگر بیند که مردی مجهول آیینه بدو داد و در روی نگریست دلیل که بدیدن دوستی غایب شادمان گردد
ابر دیدن در خواب دانیال گوید که ابر بخواب دیدن بر شش نوع بود اول ابر سفید و سیاه و زرد و سرخ و ابر بارنده و نابارنده
و هر یکی را تعبیر مخصوص است و اگر کسی خویشتن را در زیر ابر سفید بارنده دید دلیل که خدای عز و جل ورا علم و حکمت ارزانی داد
و مردمان را از علم و حکمت او منفعت رسد و اگر بیند که در زیر ابر زرد بود دلیل که بیمار گردد و بعضی از معبران گفته اند که زن خواهد
و از وی رنج و غم و اندوه کشد اگر بیند که در زیر ابر سرخ بود دلیل که بمحنت و بلا گرفتار گردد زیرا که خدای عز و جل بهر قومی که عذاب
فرستادی بصفت ابر سرخ بر فراز آن ظاهر شدی و اگر بیند که بر فراز ابر بر سر راست بایستاد دلیل که بقدر آن فرمان روائی یابد و اگر
بیند که ابر بر سر وی میگذشت دلیل که او را با کسی نیکو جاه و نیکو عهد صحبت افتد و مرادش از وی حاصل گردد و ابن سیرین گوید
اگر بیند که ابر را در هوا همی راند دلیل که او را با علما و حکما صحبت افتد و اگر این خواب را پادشاه بیند دلیل که به ولایت خویش
رسولان و صاحب خبران فرستد و اگر بیند که ابر را از هوا گرفت و بزمین آورد دلیل که کارش نیکو گردد و بزرگی یابد و علم و حکمت
و اگر بیند که ابر بر سر وی سایه همی کرد دلیل که در آن سال خیر و نعمت بسیار یابد قوله تعالی وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا
عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى کلوا اگر بیند که ابر جامه در درخت بود و در پوشید دلیل کند که چندان علم حاصل کند که کس را
نبود و اگر بیند که ابر همه جهان را بپوشید و هیچ باران نبود دلیل که بد بود کرمانی گوید که اگر بیند که ابر را جمع کرد یا برداشت یا بخورد
دلیل که در میان حکیمان ممتاز شود و در دانش یگانه گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که ابر را میخورد دلیل کند که معیشتش از
حکمت بود و اگر بیند که ابر سیاه بر فراز موضع جائی گسترده بود دلیل بر خشم و عذاب حق تعالی بود و آنچه از پس آن گرا اندران ابر نزدیک تر بیند در عذاب
حق تعالی نزدیک تر بود و اگر با ابر باران بیند دلیل بر رحمت و خیرات کند اگر بیند که از ابر باران همی خورد دلیل که بقدر آن وی را رحمت و نیکوئی رسد و اگر
با ابر باران و رعد سخت بود دلیل کند بر ترس از دعای مادر و پدر یا از دعای مسلمانان و اگر با رعد برق بیند این عذابها سخت تر و قوی تر بود و اگر ابر با
صاعقه را عذاب صعب تر بود و اگر بیند که در خانه وی در جایگاه نشستن ابر گسترده شده است دلیل کند که فرزند وی صاحب
حکمت بود و دانش نیز حاصل کند بر قدر تنگی و تاریکی حضرت صادق ع فرماید که ابر بخواب دیدن بر نه وجه بود اول حکمت
دوم ریاست سیم پادشاهی چهارم رحمت پنجم پرهیزکاری ششم عذاب هفتم قحط هشتم بلا نهم فتنه اسمعیل اشعث
گوید که ابر سیاه بخواب دلیل بیم و ترس و سختی بود و ابر باران برکت و خیر و فراخی بود و نیز غم و اندوه بود و اما آن ابر که از کنار
دریا آرند که بتازی آنرا سفیح خوانند دیدن وی در خواب غنیمت بود بر قدر آنچه دیده بود ابرو یا ابن سیرین گوید ابرو
دیدن بخواب دین بود و اگر بیند که ابروانش تمام بود و هیچ نقصان در آن نبود دلیل کند که زینت وی تمام و کمال بود و اگر بیند
که ابروانش فرو ریخت تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که ابرو نداشت یا موی ابروش فرو ریخت دلیل که آهنگ
چیزی کند که از آن چیز وی را بدنامی و فساد دین حاصل گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که قصد چیزی کند که در آن نیکنامی و صلاح
دین حاصل آید و اگر بیند که ابروانش سفید گشته بود دلیل که علم و آهستگی وی زیاده گردد و لیکن مالش را نقصان بود جابر مغربی گوید

ابریشم

اگر بیند بروی بستر ابریشم بگستره و پیده یک دیگر افکند دلیل کند که در مال و جاه وی نقصان افتد و بعضی گفته اند که دلیل
بر نقصان زینت دین وی کند ابریشم دانیال گوید دیدن ابریشم بخواب دلیل مال بود و در حرف تاء گفته میشود و خواهد شد ابلیس ابن سیرین

ابلیس

و دانیال گوید که دیدن ابلیس بخواب دلیل بر دشمنی بود بد دین و دروغ زن و فریبنده و بی شرم و نومید از نیکی مردمان را همه بدی آموزد
و شر و فساد اگر بیند که با ابلیس در جنگ و نبرد بود و او را قهر کرد دلیل که وی را بخیر و صلاح میل بود و اگر بیند که ابلیس وی را غلبه کرد دلیل
که بر او شر و فساد و بال بود و اگر بیند که ابلیس با وی سخن میگفت دلیل کند که او را از راه ببرد و او را از طاعت باز دارد و اگر بیند که ابلیس
او را نصیحت میکرد وی را خوش می آمد دلیل که او را هم بمال و هم بتن مضرت رسد و اگر بیند که ابلیس دست او گرفت و بجایی میبرد
و او گفت لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم دلیل که بکار بزرگ مبتلا گردد و بعد از آن بنصیحت کسی از آن کار و بال باز
و اگر بیند که ابلیس را بگردن غل نهاده دلیل که اهل دین و صلاح را شادی رسد و اگر بیند که ابلیس ضعیف و درمانده بود دلیل که
دین و دیانت مصلح را قوت بود کرمانی گوید اگر بیند که ابلیس را مطیع شد دلیل که بهوای نفس مبتلا گردد و اگر بیند که ابلیس چیزی بدو داد
و او را اگر آن چیز نیک بود دلیل که مال حرام یابد و اگر آن چیز بد بود دلیل بر فساد و دین کند و اگر بیند که ابلیس شاد و خرم بود دلیل که
مردمان بفساد و تموی کردن و اگر بیند که ابلیس را خواست که بشمشیر زند و هلاک کند و بگریخت دلیل کند که والی دست آورد و عدل

ارزیز

و انصاف کند اگر بیند که ابلیس را بکشت دلیل که نفس خود را قهر کند و راه صلاح ورزد ارزیز ابن سیرین گوید اگر بیند که ارزیز
داشت دلیل که بر قدر آن وی را چیزی از متاع دنیا حاصل گردد که در زیر آنها بود چون کاسه و طبق و مانند این و اندک ارزیز
دلیل که بقدر آن وی را خدمتکار و چاکر بود کرمانی گوید اگر بیند که ارزیز همی گداخت دلیل بود که در زبان مردم افتد بدی تعریض

ارش

زیاده که دیدن ارزیز در خواب سه وجه بود اول منفعت دویم خدمتکار سیم متاع خانه ارش ابن سیرین گوید اگر بیند که با ارش
یا چیزی دیگر با ارش همی پیمود اورا سود و منفعت بود جابر گوید اگر بیند که رسن یا جامه ارشین بود دلیل که در سفر بقدر آن مال حرام بدست

اره

اره ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند که با اره درختی را ببرید دلیل کند که از صحبت مردی که تعلق بدان درخت دارد مفارقت جوید و او را
دانیال گوید بریدن درختی در حرف دال بیان کنیم و اگر بیند که فرزند یا برادر یا خواهر خویش را با اره دو پاره ببرید دلیل که مانند آن وی را فرزندی
دیگر بیاید یا برادر یا خواهر کرمانی گوید اگر بیند که اره و ارف یا اجزء بدیکسی بدو داد دلیل که اگر پسر دارد وی را پسری دیگر آید
و اگر دختر دارد وی را دختری دیگر آید و اگر فرزند ندارد چهارپای دارد دلیل که چهارپای مثل آن وی را حاصل گردد حضرت صادق فرماید که اره

ازار

در خواب دیدن بر سه وجه بود اول فرزند دویم خواهر یا برادر سیم آشنا ازار ابن سیرین گوید که ازار در خواب زن بود و اگر بیند
که ازار در میان بست دلیل که زن خواهد یا کنیزکی خرد و اگر بیند که ازار وی ضایع شد دلیل که از زن جدا گردد و اگر بیند که ازار وی
دریده دلیل نقصان و عیب زن بود اگر بیند که ازار وی بآتش سوخت دلیل آفت و بیماری زن بود جابر مغربی گوید اگر بیند که ازار
پشمین یا پنبه بود دلیل که زن او ستیزه و دین دار بود و اگر بیند که ازار کسی دیگر کهن داشت تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که ازار

پیغمبری

زرین یا بریشمین داشت دلیل که وی را از نعمت شوهر یا شکر بود پیغمبری دانیال ع گوید اگر بیند که او پیغمبری شد از جمله پیغمبران اولو العزم

بجا می‌نهاد و را و توحید همی گوید دلیل که بمحنت و بلا گرفتار گردد و بعد از آن بر دشمنان ظفر یابد و اگر بیند که زاهد و مصلح و
همین دلیل کند لکن محنت و بلای وی در دنیا کمتر از آن بود و اگر بیند که او محتشم و توانگر گردید نعمت دنیا بر وی فراخ گردد اما دین او
تباه گردد و کرمانی گوید اگر بیند که نام وی متغیر شد چنانکه او را بنام نیک خوانند چون محمد و محمود و سعد و سعید و صالح و علی
و مثل این دلیل بود که او را بذکر خیر و نیکی یاد سازند و اگر بخلاف این بیند مردمان وی را بشر و بدی یاد کنند و اگر بیند که او پادشاه و امام
یا قاضی شد دلیل که در شغل خویش عدل و انصاف نگاه دارد و اگر بخلاف این بیند دلیل شر و بدی بود جابر مغربی گوید اگر بیند که بحلال
صلاح بفساد مبدل شد دلیل کند بر بخیلی و ادباری وی و اگر بخلاف این بیند دلیل بود بر سعد و اقبال و دین و دنیای وی اژدها
ابن سیرین گوید اژدها را بخواب دیدن دشمن بزرگ و اندر دشمنی قوی بود و اگر بیند که اژدهائی داشت دلیل که با بزرگان صحبت
اگر بیند که با اژدها جنگ و نبرد میکرد و بر او چیره شد دلیل که بر دشمن او را جنگ و خصومت افتد و سرانجام دشمن را قهر کند اگر بیند
که اژدها را بکشت و گوشت وی بخورد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و مال بستاند و هزینه کند جابر مغربی گوید اگر بیند که اژدها او را فرو برد
دلیل که بیم از دشمن بود که دشمن وی را هلاک کند اگر بیند که بر پشت اژدها نشسته بود و اژدها مطیع و فرمان بر او بود دلیل که بمهمی
بزرگ وی را مطیع و فرمان بر گردد و کارهای او منتظم گردد اسپندان کرمانی گوید اگر اسپندان بیند دلیل غم بود و اگر بیند که اسپند
همی خورد دلیل که بقدر آن وی را غم و اندوه رسد اگر بیند که کسی اسپندان بوی داد دلیل که غمی از آن کس بر دل وی حاصل گردد و اگر بیند که
اسپندان بکسی داد غمی از وی بر دل او حاصل گردد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که اسپندان داشت لکن نخورد یا بکسی داد
یا از خانه بیرون افکند دلیل که او را غم و اندوه کمتر بود اسپ دانیال ع گوید که اسب تازی را بخواب دیدن دلیل بزرگی
و عز و جاه بود و اگر بیند که بر اسب تازی نشسته بود و آن اسب مطیع و فرمان او بود دلیل که عز و بزرگی و دولت یابد بر قدر
نیکوئی و قیمت اسپ اگر بیند که اسپ را فرا گرفت و نه تازی بود یا کسی بدو داد و بر وی نشست دلیل که شرف و بزرگی یابد
لیکن کمتر از آن که در اسپ تازی گفتم و اگر بیند که از آن اسپ چیزی کم بود یا زین یا نمدزین یا لگام دلیل که بر قدر آن نقصان
در بزرگی او بود و اگر بیند که اسب وی را دنب نبود و دراز بود دلیل که بر قدر آن وی را خادمان باشند و چاکران و اگر بیند که دنب
اسپ وی بریده بود دلیل که وی را خادمان و چاکران نباشند اگر بیند چیزی از اندام اسپ وی ناقص بود دلیل که بقدر آن از عز و شرف
او نقصان بود و اگر بیند که با اسپ جنگ و نبرد همی کرد و اسب غالب بود و فرمان بر وی نبود دلیل که معصیت و گناه کند محتشم
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر اسب برهنه نشسته بود دلیل که معصیت و گناه او بیشتر بود اگر آن اسپ از کسی دیگر بود آنچه گفتیم
خداوند اسپ را بود و اگر بیند که اسپ برهنه بود لکن مطیع او شد دلیل بر بزرگی و شرف او بود و اگر بیند که بر اسپی نشسته بود و آن
اسپ بر بام خانه یا بر دیوار ایستاده بود دلیل آنچه گفتیم از گناه بیشتر و صعب تر کند و اگر بیند بر اسپی نشسته بود و آن اسپ در هوا
می پرید یا بیند که آن اسپ را پرها بود چون مرغ همی پرید دلیل که وی را شرف و بزرگی بود در دین و دنیا و باشد که خداوندش سفر کند
کرمانی گوید اگر بیند که بر اسب ابلق نشسته بود دلیل که کاری کند که بر وی گواهی دهند و اگر بیند که بر اسپ سیاه نشسته بود دلیل که کا

ابدال الف

اژدها

اسپندان

اسپ

آن که بیرا مال و مهتری حاصل گردد و اگر بیند که بر اسب کمیت نشسته بود دلیل که از پادشاه قوت و بزرگی یابد و اگر بیند ابلق
اشقر بود دلیل کند بر صلاح دین و حرمت او از پادشاه و اگر بیند که بر اسب زرد بود دلیل که از آنکه بیماری یابد و بود.
دلیل بود و اگر بیند که بر اسب سیاه بود دلیل کند بر تیره و صلح و اگر بیند که بر اسب سیاه بس جو دلیل که زن خواهد و اگر بیند که از اسب فرود آمد
دلیل که از شرف و بزرگی بیفتد و اگر بیند که از اسب برهنه فرود آمد دلیل که از کار و مصیبت باز ایستد اگر بیند که بر اسب نشسته بود تمام
نام و رشید بود دلیل که شرف و بزرگی یابد چنانکه کس را از آن مانع نباشد و دشمن بر او ظفر نیابد و اگر بیند که اسب با وی آهنگ
جنگ کند دلیل که از وی گناهی در وجود آید یا ترس و وهمی بدو رسد بر قدر تاختن اسب و اگر بیند که بر اسب نشسته بود
و اسب را در مسجد برد دلیل که هیچ خیر اندر این نبود و اگر بیند که اسب را از آنجا بیرون آورد و اگر بیند که اسب او را او
همی کرد دلیل که مال و دولت یابد و اگر بیند که اسب با وی سخن گفت دلیل بود که کاری کند که مردمان را از آن شگفت آید
و اگر بیند که اسب بیگانه در سرای وی درآمد یا در کوچه وی دلیل که مردی شریف نام دار در سرا یا در کوچه وی درآید به قدر
و قیمت اسب و در آنجا مقام سازد و اگر بیند که اسبی از کوچه او بیرون رفت دلیل کند که مردی شریف نامدار در کوچه
او غایب گردد یا بمیرد جابر گوید اگر بیند که اسب مادیان فرا گرفت یا کسی بدو داد و بر وی نشست دلیل کند که زنی
خواهد و بر وی مبارک بود و اگر بیند که آن مادیان بگونه سیاه بود دلیل کند که آن زن شریف و نامدار باشد و اگر بیند که آن
مادیان ابلق بود دلیل کند که زن را مادر و پدر از یک نسل نباشند و اگر آن مادیان جرمه باشد دلیل کند که آن زن خوب
روی و با جمال بود و اگر آن مادیان سبز رنگ باشد دلیل که آن زن دین دار و پرهیزکار باشد و اگر اشقر بود دلیل که آن زن
عزیز و خداوند جاه بود و اگر کمیت بود دلیل که آن زن معاشر و طرب دوست بود و اگر بیند که آن مادیان کره داشت
دلیل کند که زن را فرزند بود چنانکه اگر کره او نر بود دلیل که آن زن را پسر بود و اگر ماده بود دلیل کند که فرزند زن دختر بود
اگر بیند که گوشت اسب همی خورد دلیل که پادشاه او را خواستار گردد و به خویشتن نزدیک کند و اگر بیند که در پس کسی
بر اسب نشسته بود دلیل کند که آن مرد که در پس وی نشسته بود تابع او گردد و اگر بیند که اسبان بسیار پیرامن سرا یا کوچه او بودند
دلیل که در آن موضع باران بارد یا سیلاب روان گردد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که بر اسب رهوار نشسته بود دلیل که
توانگر با صلاح زنی بخواهد و اگر اهل آن نباشد زیرا که با چنین زنی مصاحبت افتد و از او منفعت و نیکویی یابد و اگر بیند که گوش
اسب او بریده بود دلیل کند که پیغام مهتران از وی بریده گردد و اگر بیند که اسب بسر درآمد و زود برخاست دلیل کند که
جنبی از شغل وی خلل افتد و دیگر بار به صلاح باز آید و اگر بیند که اسبی خرد بی دم و بر او نشست دلیل کند که زنی بی اصل را
بخواهد و اگر بیند که با اسب به هوا بر شد و بعد از آن از هوا فرود آمد دلیل کند که بر دست پادشاه هلاک گردد و اگر بیند که اسب
او را لگد زد یا بگزید دلیل که عیالش بهانه مشغول گردد و اگر بیند که کسی اسب او را بدزدید بیم بود که عیالش هلاک گردد و اگر بیند
که اسب وی گم شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که اسب خویش را بفروخت دلیل که عز و جاه او کم گردد یا عیال از وی جدا

اگر بود و اگر بیند که بر اسب بازگونه نشسته بود دلیل کند که از وی بقصد کاری منکر پیدا آید که وران وی را مضرت و ملامت بود جابر
گوید که اسب در خواب هوای بیننده و نفس خواب بود و اگر اسب خویش را سرکش بیند دلیل کند که هوای نفس او سرکش باشد و اگر بیند
که اسب خویش مطیع و فرمان بر بود دلیل که هوای نفس او مطیع تر بود بدی و بدانکه هر اندامی از اندامهای اسب را نشانی
بود از پادشاه و اگر زن پادشاه را بر اسب بیند عز و رفعت او بود و مردم عامه را اسب بخواب دیدن عز و بخت بود و اگر
بیند که اسپی مجهول از محلتی بیرون آمد دلیل که یکی از بزرگان محله از دنیا برود اما خالد اصفهانی گوید که اسب پالانی بخواب
بخت مرد بود و هر چند پالانی فرمان بردارتر باشد بخت او مطیع تر و فرمان بردارتر بود و اگر بیند پالانی در شهری یا در دهی یا در سرا گشت دلیل که مردی
عجمی در انجا پدید آید و اگر بیند که بر اسپی دراز دم نشسته بود دلیل کند که وی را تبع زیاده گردد بقدر درازی دم اسپ و اگر بخلاف
این بیند دلیل که حال بر وی بد گردد و عیش بر وی تنگ گردد و حضرت صادق ع فرماید دیدن اسب در خواب بر پنج وجه
بود اول عز دوم مرتبت سیم فرمان روائی چهارم بزرگی پنجم خیر و برکت چنانکه رسول خدا فرمود الحدیث الخیر معقود بنواصی
الخیل و البرکة الی یوم القیمة و الذل فی ادبار البقر و اگر بیند که بوزینه بر اسپ او نشسته بود دلیل که جهودی با زن وی
فساد کند و اگر بیند که سگی بر اسپ او نشسته بود دلیل کند که مغی با زن وی فساد کند استر ابن سیرین گوید که چون استر در
خواب بیند اگر مطیع نبود مردی بدخوی و چون مطیع بود نیک بود و اگر بیند که بر استری بی زین نشسته بود و ندانست که استر از آن
کیست دلیل کند که بسفر رود و اگر بیند که بر استر خویش نشسته بود و چون سفر کند با سود و منفعت آید و اگر بیند که بر استر زین یا پالان یا
عماری نهاده بود دلیل کند که زن او نازاینده بود خاصه که داند استر ملک او بود یا کسی بوی بخشیده بود کرمانی گوید اگر بیند که بر
استر ماده سیاه نشسته بود و بلند بالا بود دلیل که زنی خواهد که خداوند حرمت بود و اگر استر را بگونه سفید بیند آن زن که خواهد با جمال
و خوب روی بود و اگر استر بگونه سبز بیند دلیل که آن زن دین دار و پرهیزگار بود و اگر استر بگونه سرخ بیند دلیل که آن زن مطرب و معاشرت
دوست بود و اگر استر بگونه زرد یا اشقر بیند دلیل که آن زن بیمار گون و زرد روی بود و اگر استر را برهنه و رام کرده بیند دلیل
کند بر مردی ضعیف جابر مغربی گوید که استر ماده در خواب مولازاده بود و اگر استر نر بود سفر بود و بعضی از استادان این
صناعت گفته اند که استر نر مرد بود و استر ماده زن و اگر بیند که از کسی استر ماده بخرید دلیل که از کسی کنیزک بخرد و اگر بیند که استر ماده
بفروخت دلیل که کنیزک بفروشد یا از کنیزک جدا گردد و اگر بیند که بر استر ماده نشسته بود دلیل که زنی کند که هرگز وی را فرزند نیاید و اگر بیند که بر استر نشسته
بود دلیل که عمر وی دراز بود و مراد خویش حاصل کند و اگر بیند که استر از پس وی میدوید دلیل که وی را غمی رسد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند استر زیر بار گران
دلیل کند بر زیادتی مال از جهت زنان و اگر بیند که استر وی سخن گفت دلیل کند که کاری عجب بر وی پیش آید که مردمان از آن شگفت آید اگر بیند که استر
دلیل کند که مال یابد و اگر بیند که استر وی بمرد یا ضایع شد دلیل کند یا از زن یا از کنیزک جدا گردد و اگر استر نر بود دلیل که از صحبت مردی
جدا گردد و بدانکه گوشت و پوست استر مال بود و بعضی از معبران گفته اند که گوشت استر بیماری بود و اگر بیند که شیر استر همی خورد دلیل
کند بر دشواری و ترس و بیم وی بقدر شیر که خورده بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن استر در خواب بر پنج وجه بود اول سفر باشد

دوم غم بند کافی زنان سیم غمخوار دشمن چهارم جمال و آرایش پنجم مردانگی بود و اشتر ماده زن آراینده بود و اشتر گربه
و باغبین مراد بود استخوان ابن سیرین گوید که استخوان در خواب مالی بود که مردم بدان معیشت کنند و اگر بیند که استخوان
در آن استخوان گوشت بود دلیل کند بر قدر آن گوشت خیر و مال یابد و اگر بیند که بی گوشت بود دلیل کند که از کی خیر بدو رسد و اگر
گرد و بکسی استخوان داد دلیل که از او بدان کس خیر رسد کرمانی گوید اگر بیند که استخوان کسی را شکسته بود دلیل کند که بزدن
و ناکردن با ید و کردار نیک کند و بعضی از معبران گفته اند که کار بیوالی از او نیز اگر دو جعفر صادق گفته است که دیدن استخوان
بهفت وجه بود اول اهل و مال دوم خویشان سیم فرزندان چهارم قیم خانه پنجم مال ششم برادران هفتم یار و انباز بود استغفار
بدانکه استغفار کردن استغفرالله بود و بمعنی آمرزش خواستن از خدای عزوجل ابن سیرین گوید اگر بیند که در خواب استغفار میکرد
خداوند تعالی برا و مال و فرزند روزی دارد چنانکه در کلام مجید فرموده است قوله تعالی وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ
السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ جعفر صادق گفته است که استغفار کردن در خواب بر چهار وجه بود اول
مال دوم فرزند سیم آمرزش از حق تعالی چهارم توبه کردن از گناه اسطرلاب کرمانی گوید اسطرلاب در خواب بتاویل اصحاب
بود و مهتر بزرگ اگر بیند که اسطرلاب داشت یا از کسی بخرید یا کسی بدو داد دلیل که از اصحاب سلطان گردد و مهتر قومی گردد و اگر
اسطرلاب وی ضایع گردید یا بشکست دلیل کند که جاه و منزلتش نقصان یابد جابر مغربی گوید اگر بیند که در اسطرلاب آفتاب
میکرد دلیل که بشغل سلطان یا بشغل امیران وی مشغول گردد و از ایشان خیر و منفعت بیند و بعضی از معبران گفته اند که اسطرلاب
در خواب مردی بود که وی را ثبات نباشد در کار اسفاناج ابن سیرین گوید دیدن اسفاناج در خواب دلیل غم و اندوه
بود و خوردن وی دلیل مضرت و نقصان مال بود اما اگر بیند که بگوشت پخته بود در روغن و از او همی خورد دلیل بر خیر و منفعت
کند بر قدر آنچه خورده بود اشتر ابن سیرین گوید اگر کسی خود را بر اشتری مجهول بیند که بشتاب همی رفت دلیل کند که سفر
و اگر بیند که بر اشتری جوان همی گردد دلیل که غمگین و متحیر گردد و اگر بیند که بر اشتری نشسته بود و راه گم کرده بود
که راه راست کجاست دلیل که در راه خویش فرو ماند و هیچ تدبیر آن نتواند ساخت و اگر بیند که ماده شتری یافت دلیل کند که زن
خواهد و اگر اشتر با بچه بود آن زن که خواهد با فرزند بود و اگر بیند که اشتر از پس او همی دوید دلیل که غمگین گردد و اگر بیند که اشتر از وی
مطیع او نشد دلیل که اندوهگین گردد دانیال گوید اگر بیند که بر اشتر مست خشم آلود نشسته بود دلیل که مردی بزرگ غلبه کند و اگر بیند
که با اشتر جنگ و نبرد میکرد دلیل که با مردی عجمی که با او دشمن بود مراد را با وی خصومت افتد و اگر بیند که بر اشتران راهی همی
دانست که از ملک او بود دلیل کند که وی را ولایتی بود و بر مردم آن ولایت فرمان روا گردد و اگر بیند که اشتر را همی دوشید دلیل
از یاد شاه مال یابد بر قدر آن شیر که دوشیده بود و اگر بیند که بجای شیر از پستان اشتر خون آمد دلیل که آن مال که بدو رسد حرام بود و اگر
که ماده شتری کسی بدو بخشید یا از کسی او بخرید دلیل که زن خواهد یا کنیزک بخرد و اگر بیند که ماده شتری کز آن او بود بجخت یا وی ببرد دلیل که
جدا شود یا در میان ایشان خصومت افتد و اگر بیند که ماده شتر او بمرد دلیل که زنش بمیرد و اگر بیند که شتر بچه آورد دلیل که زنش بچه آورد و اگر

بیند که وی شتری دید بامیدی که دارد برسد اگر بیند که گوشت شتر بخورد دلیل که بیمار گردد کرمانی گوید اگر بیند که کسی گوشت شتر بسیار بداد
دلیل که مال یابد بقدر گوشت شتر و اگر بیند که اشتر را قربانی میکرد و گوشت او را بهر کسی داد دلیل که مردی بزرگ در آنجا قربان گردد یا بمیرد
و اگر بیند که اشتری مجهول در پس او همی آمد دلیل که سرگشته و متفکر گردد و اگر بیند که اشتر را قهر در زبون خویش کرد دلیل که دشمن را مقهور و زبون
خویش کند و اگر بیند که رمه اشتران جنبیدی یا در جای جمع میکرد دید دلیل که در آنجا دشمن جمع شود یا سیل در آنجا خرابی کند یا بیماری در
مردم آن موضع مستولی گردد و اگر بیند که اشتران بار گندم و جو داشتند دلیل که از آن دشمن در آنجا خیر و برکت بود و جابر گوید اگر بیند که
بر شتر یکباره نشسته بود دلیل که اندوهگین گردد و اگر بیند که از اندام شتر وی خون زایل شد دلیل که سعادت و نعمت دنیا یابد بقدر
آن خون و اگر بیند که مهار اشتری میکشید دلیل که با مردی فرمان بردار او را خصومت افتد اگر بیند که در بیابان اشتر بسیار یافت دلیل
که بزرگی و فرمان روائی یابد بر جماعت بیابان گرد و اگر بیند که وی شتر بیافت دلیل که مال یابد و اگر بیند که کسی وی را شتری داد
دلیل که بقدر و قیمت آن منفعت یابد از کسی اگر بیند که قومی شتری بکشتند و گوشت آن را قسمت کردند دلیل کند که در آن موضع مردی
بزرگ بمیرد و مال وی را قسمت کنند بمیراث اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که اشتران بسیار داشت و دانست که آن جمله ملک وی
بود اشتران اعرابی بودند دلیل که در دیار عرب پادشاه گردد و اگر اشتران عجمی بودند دلیل که در دیار عجم پادشاه گردد و اگر زنی بیند که اشتر را
بخورد دلیل که از پادشاه مال و نعمت یابد و بدانکه پوست شتر نیز همین دلیل دارد و بعضی از معبران گفته اند که میراث یابد اگر بیند که اشتر
با او سخن گفت دلیل که خیر و نیکی بدو رسد حضرت صادق ع فرماید دیدن اشتر در خواب بر ده وجه بود اول پادشاه عجمی دویم مردی مهتر
سیم مرد مومن چهارم سیل پنجم فتنه ششم آبادانی هفتم زن هشتم حج نهم نعمت دهم مال و شتر عربی دلیل بر مردم عرب کند
و شتر عجمی دلیل بر مردم عجمی و بدانکه شتربانی بتاویل خداوند تدبیر و ولایت بود در دست کنند که بابود و همچنین ست اشترمرغ

شترمرغ

ابن سیرین گوید که اشترمرغ در خواب مرد بیابانی بود و اگر اشترمرغ ماده بود زن بیابانی بود و اگر بیند که اشترمرغ ماده گرفت یا کسی بدو
داد دلیل که زنی بدین صفت که گفتیم بخواهد یا کنیزک بخرد و اگر بیند که بر اشترمرغ نشسته بود دلیل کند که بسفر بیابان رود و بعضی از معبران
گفته اند که بر مردی بیابان نشین غالب گردد و بکاری بزرگ رسد کرمانی گوید اگر بیند که اشترمرغ را بکشت دلیل که بر مردی بیابانی
دست یابد و او را قهر کند و اگر بیند که خایه اشترمرغ یا پر یا استخوان او داشت دلیل که از مردی بیابانی وی را مال حاصل گردد اگر بیند که
شترمرغ وی داشت دلیل کند که فرزند مرد بیابانی او را حاصل گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که با اشترمرغ نشست و آن اشترمرغ او را بطبع لو
او را در هوا برد و دیگر باره از هوا بزمین آورد دلیل که با مرد بیابانی بسفر رود و باز آید با سود و منفعت بسیار و اگر بخلاف این بیند

شترغاز

بود اشترغاز ابن سیرین گوید که دیدن اشترغاز بخواب دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که اشترغاز فرا گرفت یا کسی بدو داد و از او همی خورد د
لیل کند و بقدر آن غم و اندوه خورد و اگر بیند که وی آن را بکسی داد یا بفروخت دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که اشترغاز داشت
بجز رو اشتر همی داد دلیل که آنکس از بهر آن اشتر اندوهگین گردد

اشک

اشک کرمانی گوید اگر بیند که اشک سرد از چشم او همی بارید دلیل کند
شادی و خرمی یابد اگر بیند که اشک بارید دلیل که غمگین و دردمند گردد و اگر بیند که بی گریستن اشک بروی او بدوید دلیل که ویرا

[illegible] اگر بیند [illegible] دلیل که [illegible]

[illegible]

[illegible] دلیل [illegible] ابن سیرین گوید [illegible]

[illegible] اگر بیند [illegible] دلیل [illegible]

[illegible]

[illegible] پادشاه [illegible]

[illegible] اگر بیند [illegible]

[illegible] دلیل کند [illegible]

[illegible] اگر بیند [illegible] دلیل که [illegible] حاصل [illegible]

[illegible] دلیل [illegible]

[illegible] اگر بیند [illegible] دلیل [illegible]

[illegible] اگر [illegible]

[illegible] خواب دلیل کند [illegible] افسون ابن سیرین گوید [illegible]

همه خواب [illegible] افسون که بنامهای خدای عزوجل و آیات قرآن بود [illegible] افسون کردن در خواب بیند [illegible]

[illegible] کسی دیگر [illegible] راحت [illegible] دلیل که از غم و اندوه [illegible] کام دل رسد و اگر [illegible] بیند دلیل بر غم و اندوه [illegible]

کردن بخواب [illegible] چون [illegible] افسون [illegible] خدای عزوجل [illegible] و اگر افسون بقرآن و نامهای حقتعالی کند دلیل که [illegible]

[illegible] ابن سیرین گوید که [illegible] دلیل کند بر غم و اندوه [illegible]

[illegible] دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند [illegible] دانیال گوید [illegible] خواب پادشاه [illegible] با هیبت و شکوه [illegible]

[illegible] اگر بیند [illegible] دلیل که [illegible] پادشاه [illegible] مقرر گردد و اگر بیند

[illegible] دلیل که بفرمان پادشاه سفری کند [illegible] ابن سیرین گوید [illegible]

[illegible] دلیل [illegible] پادشاه [illegible] اگر بیند [illegible] از مملکت معزول گردد [illegible]

[illegible] اگر بیند که [illegible] دلیل کند [illegible] پادشاه شود و اگر بیند که [illegible] چیزی [illegible]

[illegible] و اگر بیند که [illegible] دست [illegible] دلیل [illegible] پادشاه [illegible]

[illegible] دلیل که مال [illegible] پادشاه

[illegible] اگر بیند که [illegible] پادشاه [illegible]

جنگ و نبرد همی کرد دلیل که او را با پادشاه جنگ و خصومت بود و اگر بیند که الو بخورد یا پر او را بکند دلیل کند که بقدر آن از پادشاه مال و نعمت یابد و اگر بیند که الو بر سر و روی وی نشسته بود دلیل کند که وی را اسیری آید و پادشاه وی گردد حضرت صادق ع فرماید که الو در خواب دو وجه بود اول پادشاه ظالم و ستمگر و خونخوار دوم عالم بی دیانت و حیلتی بود و بعضی گفته اند اگر کسی بیند که الو داشت دلیل که عمر او دراز بود

آلوی سرخ ابن سیرین گوید اگر در خواب آلوی سرخ و سیاه را بوقت خود بیند دلیل بر مال و خواسته بود و آلوی زرد دلیل بیماری کند اگر بیند که آلوی زرد یا سرخ و سیاه که بطعم شیرین بود فرا گرفت یا کسی بدو داد و بخورد دلیل کند که بقدر آن مال و خواسته بیابد اگر بیند که آلوی زرد خورد و وقت آن نبود دلیل کند بر غم و اندوه و مصیبت و خصومت و اگر بطعم ترش بود بهتر بود ابن سیرین گوید امامت کردن اگر بیند که در پیش قومی امامی کرد و امام نبود دلیل کند که در آنقوم مهتر گردد و جمله تابع او شوند چنانکه ماموم تابع امام باشد و اگر بیند که جماعتی ایستاده در نماز بودند وی را گفتند که ما را امامی کن و پادشاه فرمود با وی که امامی کن و او در پیش رفت و امامت کرد دلیل کند که در آید میر و فرمان روا گردد و با ایشان عدل و راستی کند بقدر راستی قبله و تمام کردن نماز برکوع و سجود و اگر بیند که از نماز چیزی نقصان کرد دلیل کند که بر ایشان جور و ظلم کند بقدر آنچه در نماز نقصان کرده بود و ابن سیرین گوید اگر بیند که امامی میکرد و لیکن نشسته بود دلیل که بیمار گردد و اگر بر پهلو نشسته بود و در نماز چیزی بخواند دلیل کند که زود بمیرد و آنقوم بر وی نماز کنند و اگر امامی را بخواب دید دلیل که شرف و منزلت یابد بر قدر شرف و منزلت امام و اگر بیند که امام را ولایتی همی داد یا با امام در خانه رفت یا امام او را چیزی بخشید یا با امام طعام خورد دلیل که بر قدر آن غم و اندوه بدو رسد جابر مغربی گوید اگر بیند که با امام بر جهاد بود دلیل کند که با دولت و ولایت با وی شریک بود یا در مسجدی یا در رهی یا در شهری اسمعیل اشعث گوید هر چیز که در امام در خویشتن زیادت بیند در دولت و بزرگی او زیاده گردد و هر چه در آن نقصان بیند در مال و نعمت او نقصان گردد حضرت صادق ع فرماید که امامی کردن در خواب بر شش وجه بود اول فرمان روائی دوم پادشاهی بعدل و انصاف سیم علم چهارم قصد کردن بکار خیر پنجم منفعت ششم ایمنی از دشمن و اگر بیند که امامی زنان کرد دلیل کند بر گروه ضعیفان والی گردد و اگر بیند که امامی از آسمان فرود آمد و قومی را امامت کرد دلیل کند که رحمت بود بر اهل آن زمین و اگر بیند که بر مرده نماز میکرد دلیل که از پادشاه فرمان روائی یابد

امرود ابن سیرین گوید که خوردن امرود بوقت خود چون سبز و شیرین بود دلیل که مال حلال یابد و اگر بگونه زرد بود بیماری بود اگر بیند که امرود میخورد و زرد بود دلیل کند که بیمار گردد که نه هنگام او بود و اگر امرود بگونه سبز بود یا سرخ چون بطعم شیرین بود مال بود و اگر ترش و ناخوش بود اندوه بود کرمانی گوید امرود سبز و شیرین بوقت خود دیدن یافتن مراد بود و اگر بیند که امرود را همی خورد دلیل بر منفعت بود حضرت صادق ع فرماید که خوردن امرود در خواب بر پنج وجه بود اول مال حلال دوم توانگری سیم زن چهارم یافتن مراد پنجم منفعت و اگر بیند که پادشاه امرود بدو داد دلیل کند که از مردی بزرگوار منفعت یابد بقدر آنکه خورده بود

انار دانیال گوید که اصل انار بخواب مال بود و لیکن بقدر بیست عدد درم که بوقت خود بود و اگر نه بوقت خود بود بد بود و اگر بیند که انار از درخت ببرید و بخورد دلیل کند که از زنی با جمال منفعت یابد ابن سیرین گوید اگر انار شیرین بخواب بیند مال جمع کرده بود و بعضی از معبران گفته اند که یک انار شیرین خوردن بخواب هزار درم بود که بیابد و انار

آلوی سرخ

امامت کردن

امرود

انار

باب الالف

انارش غم و اندوه بود و اناری که مزه انارش با شیرین بود تعبیرش هم چون انار شیرین بود جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که انار شیرین بوقت انار
خورد دلیل کند که هزار درم بیابد یا اینکه گر ترش بود پنجاه دینار بود که بیابد و باشد که آنچه دینار گفتیم درم بیابد و پس معتبر باید که بعدد حبّت (؟) ترشه
سرودم تاویل کند و اگر بیند که انار بوستان همی خورد دلیل که بعهده و هر دانه انار او را چون بزرشند و هر چیز از انار ترش خوردن در وقت و بی وقت
بد بود و حکم انار شیرین مانند بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که انار شیرین بوقت خود میخورد اگر بازرگان بود فوائدش و متاع او رواج گردد و اگر
مسافر بود دلیل که سفرش مبارک بود و با سود و منفعت بود اگر بیند که دانه های انار یافت یا کسی بدو داد دلیل که بوقت آن درنگی
رسد اگر بوقت بود و اگر بیوقت و اگر انار شیرین با پوست و میوه آن میخورد دلیل که از همه چیز بر خورداری یابد جعفر صادق ع فرماید که خوردن
انار شیرین در خواب بر سه وجه بود اول مال جمع کرده بود دوم زن پارسا سیم شهر آبادان ولیکن انارش غم بود اسمعیل اشعث گوید
اگر پادشاه بیند که اناری داشت ولایت یا شهری بدو دهند یا دری بود و باید که انار ده هزار درم و یا زیادتر برابر هزار درم و مردم درویش را
ده درم یا یک درم بود **انجیر** ابن سیرین گوید که خوردن انجیر بخواب اگر در وقتش بود و اگر بیوقت بد بود و اگر بیند که انجیر همی خورد و جمع
میکرد یا کسی بدو بخشید دلیل بود که غم و اندوه بدو رسد و باشد که کاری کند که از آن پشیمانی خورد کرمانی گوید که انجیر تر بخواب دیدن
و خوردن دلیل بیماری کند و انجیر سیاه دلیل بر غم و اندوه و انجیر سبز خوردن بوقت چون بطعم شیرین بود زیانی ندارد **انجیل** ابن سیرین
گوید اگر بیند که انجیل همی خواند دلیل بود که از حق باطل فریفته گردد و خود رای شود ابن سیرین گوید اگر بیند اهل کتاب انجیل همی خواند دلیل که بدو
رساند از آن قبیل باشد خبر ... در صد گران عیب از دلیل که از حق باطل کرده و بر مسند از سار ایشان شود **انداختن** جابر مغربی
گوید اگر کسی بیند کسی را بینداخت دلیل که بر خصم ظفر یابد و اگر بیند که کسی او را بینداخت دلیل که خصم بروی چیره گردد و اگر بیند که تیری
یا سنگ انداخت دلیل کند که سخنی سخت بکسی گوید و بعضی از معتبران گفته اند که دلیل اگر او را بزند یا بجایی متهم گرداند و اگر کسی بیند که چیزی
انداخت هم سخن درشت بود که بکسی گوید و معتبران گویند اگر کسی بیند که شکار یا دام یا قصد بیند انداخت اگر کسی معروف بود دلیل که از او بقصد
عطا یابد و اگر مجهول بود هم این معنی دارد که بکسی انداخت منفعت و عطا یابد و اگر کسی بیند از بن خورد شد یا گفتند سوی جهان بپرید انداخت دلیل
اندام ... مال خویش بر جاهلان بخش کند اندام اعضا ابن سیرین گوید که اندام اعضای قوم اند اگر بیند که اندام او افزون شد دلیل کند که خویشان و اهل بیت او
زیاد و گرد شد و دو سوتیع خویش مقیم بود و اگر بیند که اندام های او بریده و شد بلا ازتن جدا شد دلیل کند که بسفر برود و خویشان او پراکنده
گردند و اگر بیند که اندام خویش میبرید و پراکنده میکرد دلیل کند که اهل بیت و خویشان خود را در شهرها پراکنده کند کرمانی گوید اگر کسی بیند
که پاره گوشت از اندامش ببرید دلیل کند که از کسی خبر و منفعت رسد و اگر بیند که اندامی از تن وی جدا شد دلیل که کسی از اهل او چیزی
بستاند و برد و اگر بیند که گوشت از اندام خویش میبرید و پیش مرغی می افکند دلیل که از مال خود چیزی بکسی بخشد جابر مغربی گوید اگر بیند که اندامها
از تن وی با او سخن گفت دلیل بود که در میان خلق رسوا گردد قوله تعالی قَالُوا أَنطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنطَقَ كُلَّ شَيْءٍ و اگر بیند که اندام های
خویش برای همی خورد دلیل که کاری کند که بر آن اعتماد ندارد و اگر بیند که اندامی از تن وی جدا شد دلیل کند که کسی از خویشان و اقربا بمیرد
و اگر بیند که اندام هایش آزرده و بریده بود دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که مرغی از اندام وی پاره گوشت ببرد دلیل که مال وی چیزی بزور بستاند

اندام

بیند که گوشت از اندام خویش همی برید و پیش مردم می افکند دلیل کند که از مال خویش چیزی بکسی بخشد جابر مغربی گوید که اندامی از اندامهای
تنا و کشت دلیل کند که بر راست شود و ام فضل گوید که برسول خدا عرض کردم یا رسول الله خوابی منکر دیده ام فرمود چه دیده عرض
کردم بخواب دیدم که پاره از اندام تو ببریدند و برکنار من نهادند رسول خدا فرمود که فاطمه را پسر آید که در کنار تو بزرگ شود و بعد از آن از فاطمه

انگبین

حسین بوجود آمد و در کنار او بزرگ شد و او را می پرورید انگبین کرمانی گوید که انگبین در خواب غنیمت بود از هر اندازه و نیکی بود از آنکه از
زیراکه در وی شفای دردها است و شهد روزی بسیار بود چنانکه حقتعالی در کلام مجید خویش فرموده است قوله تعالی فیه شفاء
للناس حضرت صادق ع فرماید که خوردن انگبین در خواب بر سه وجه بود اول روزی حلال دوم منفعت سیم کام دل یافتن و تمکین

انگشتان

روزی بود که بی منت بدو رسد قوله تعالی وَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَىٰ انگشتان ابن سیرین گوید پنج انگشت دست راست
در تاویل پنج نماز بود و پنج انگشتان دست چپ فرزندان برادر بود و بعضی از معبران گفته اند که انگشت مهین دلیل نماز بامداد و انگشت سبابه دلیل نماز
دلیل بر نماز پیشین کند و انگشت میان دلیل بر نماز دیگر و انگشت بنصر دلیل بر نماز شام و انگشت خنصر دلیل بر نماز خفتن و صلاح در نماز
بود و اگر بیند که انگشت دست راست نداشت دلیل که فرزند یا برادرش بمیرد و بعضی گویند فرزند برادرش را مصیبت رسد کرمانی گوید
اگر بیند که انگشتان او بهم گذشته داشت دلیل که سکت دست گردد و اگر بیند که انگشتان را باهم جمع کرد دلیل که کار برادران و فرزندان
را بصلاح آورد و اگر بیند که انگشتان را یکدیگر در هم بسته بود دلیل کند که کارها بر وی بسته گردد و هم بر اهل بیت او جابر مغربی گوید
که اگر بیند که انگشت مهین او بریده است دلیل که قدرة مالش بود و اگر بیند که انگشت سبابه او بریده است دلیل که در فریضه نماز تقصیر کند
و اگر بیند که انگشت میان او بریده است دلیل که در شهری پادشاهی یا بزرگی بمیرد و اگر بیند که انگشت بعد از میان او بریده است
دلیل کند که وی را در مال زیان افتد و اگر بیند که انگشت کوچک او بریده است دلیل کند که فرزند زاده او بمیرد و اسمعیل اشعث گوید که انگشتان
پای بخواب دیدن دلیل بود زینت و آرایش و اگر انگشتان پای درست و قوی بیند دلیل کند که کار خدائی او ساخته گردد و اگر بخلاف این بیند کار وی ناساخته گردد
اگر بیند که انگشت پای او را آفتی رسید چنانکه رفتن نتوانست دلیل کند که وی را غمی سخت رسد بسبب رفتن مال اگر انگشتان دست و پای را
شکسته بیند دلیل کند که کار وی بازگونه شود حضرت صادق ع فرماید که دیدن انگشتان در خواب بر شش وجه بود اول فرزند دوم برادر
سیم خادمان چهارم یاران پنجم قوة ششم پنج نماز و اگر بیند که انگشتان وی جفتا و یا بریده شد دلیل کند که از انگشتان که گفتیم او را
مفارقت افتد و اگر بیند که انگشت او بشکست دلیل کند که یکی از اهل بیت او بمیرد خلف اصفهانی گوید اگر بیند که از انگشت مهین
او شیری آمد یا از انگشت سبابه او خون همی آمد دلیل که انگس با مادر زن خویش فساد کند و اگر بیند که از انگشت او آواز برآمد دلیل کند

انگشتری

که در میان خویشان او گفتگو رود انگشتری دانیال گوید که چون بیند نقش و صفت انگشتری دلیل که از خداوندش بد و خیر رسد سلطنت
و اگر بیند که انگشتری کسی بوی داد تا چیزی بدان مهر کند دلیل که از آنچه لایق او باشد برخی بیابد یعنی اگر لایق پادشاهی باشد
پادشاهی بیابد و اگر توانگر بود مال یابد بقدر و بقیمت انگشتر اگر بیند که در مسجدی یا در نماز یا در غزا کسی انگشتری بوی داد و اگر کسب
زاهد و جاه بود و اگر بازرگان بود نصیبها و نفع تجارت بود و جمله هم بر این قیاس بود و اگر بیند که انگشتری سلطان بوی داد

دلیل کند که از حکمی سلطان نوری و مال دلیل که از ملک سلطان وی بدو رسد یا از بزرگان وی ابن سیرین گوید اگر کسی
که انگشتری او ضایع شد یا بشکند دلیل بود که در کار او آفت و دشواری پدید آید و اگر بیند که انگشتری او بشکست و نگین
بماند دلیل که بزرگی او و جاه او برشود و آبرو و حشمتش بر جای بود و اگر بیند که انگشتری نگینش بشکست دلیل کند که آبرو و حشمتش
برشود و جاه او بر جا باشد و اگر بیند که انگشتری خود با کسی بخشید دلیل که از آنچه دارد از مال و ملک برخی از آن ببخشد و اگر بیند که
انگشتری خویش را بفروخت و بها بستد دلیل کند که از آنچه دارد جمله بفروشد و هزینه کند و اگر بیند که آنچه دارد و برخی از آن
بفروشد کرمانی گوید اگر بیند که صناعت انگشتری ناپسندیده است دلیل کند که از مالی که دارد چیزی بشود و پادشاه
بر وی خشم گیرد و اگر بیند که انگشتری او از سیم بود دلیل کند که آنچه دارد پسندیده و حلال بود و اگر انگشتری از ... بیند دلیل کند
و از آنچه دارد از مال مکروه و حرام حاصل کند و اگر انگشتری از آهن بیند آنچه دارد اندک و حقیر بود و اگر بیند که انگشتری از شبه یا از
سیم روی بود دلیل بد بر آنچه در آهن گفتیم اگر بیند که انگشتری او از زر بود بتر بود و حقیرتر از آن مهلک بود که گفتیم جابر مغربی گوید
اگر بیند که در انگشت وی انگشتری آهن بود دلیل کند که قوت و توانائی یابد و اگر بیند که از بریخ یا از مس بود دلیل کند که از
مردمان بی اصل منفعت یابد و اگر بیند که بلور است دلیل کند که از مردم عامه چیزی بدو رسد و اگر بیند که از سیم است از عامه
چیزی بدو رسد و اگر بیند که انگشتری خویش نزد کسی بامانت نهاد یا وی را بخشید آنکس هم انگشتری بدو ... دلیل کند
که زنی بنکاح بخواهد و اجابتش کنند و زن بدو دهند و اگر بیند که انگشتری خویش را بشکست دلیل کند که در میان او و ...
جدائی افتد و اگر بیند که انگشتری او دو نگین داشت یا کسی بدو داد که آن هر دو نگین موافق یکدیگراند دلیل که خدای تعالی
تمام تر او بود و اگر بیند که از آن دو نگین یکی بیفتاد دلیل کند که از دو کار او یکی را تباه کند و اگر بیند که نامه نوشته بود و بانگشتری
خویش مهر کرد دلیل کند که چیزی پنهان بدو رسد و اگر بیند که نامه کشاده را مهر کرد دلیل کند که چیزی آشکار بدو رسد حضرت
صادق علیه السلام فرماید که انگشتری سیمین در خواب بر چهار وجه بود اول ملکت دوم زن سیم فرزند چهارم مال و انگشتری زرین
نیک بود و اگر زنی بیند که انگشتری با نگین از او ضایع شد دلیل کند که حشمت و جاه او بشود و یا فرزندش بمیرد یا مالش تلف گردد و ...
بود و زوال گردد و اگر زن بیند که شوهرش بمیرد یا فرزندش انگور دانیال علیه السلام گوید که خوردن انگور سیاه بوقت خود غم و اندوه بود و
ترس و بیم بود و معبران گفته اند بعضی هر دانه انگور که خورده بود زخم چوب یا تازیانه بر او زنند و خوردن انگور سفید بوقت خود نعمت
و خیر دنیا بود و بیش یا آنکه امیدوار بود و بغیر وقت دلیل کند که از دهان خداوند خواب سخن چیزی بیرون آید و دلیلش بر حرف مال ...
و اگر انگور سرخ بیند همین دلیل کند ابن سیرین گوید که انگور سفید بوقت خود خوردن دلیل بر مالی کند که بدشواری بدست آید و انگور سیاه
خود خوردن دلیل بر منفعت اندک بود و هر انگوری که پوست او سخت بود دلیل که مالی بدشواری بدست آید و هر انگوری که درست
نه شکن بود دلیل بر مال حلال کند و هر انگوری که آب و شیره بود دلیل بر مال حرام بود و هر انگوری که بدان سرخ نماید دلیل بر ...
کند و هر انگوری که بدان سیاه نماید دلیل بر غم و اندوه کند و هر انگوری که شیرین تر و لذیذتر بود دلیل بر مال و جاه نماید و ...

انگشتری

انگور

اگر دو جا بر کوه اگر کسی بیند که انگور بر معصره چوبین همی فشرد دلیل که خدمت پادشاه ستمگر کند و اگر بیند که آن معصره از خشت و گل بود دلیل که
خدمت پادشاه با دیانت کند و اگر معصره از خشت پخته یا از گچ و سنگ و آهک بود دلیل که خدمت پادشاه با سیاست و با هیبت کند و اگر بیند
که انگور در طشت همی فشرد دلیل که خدمت زنی بزرگ کند و اگر بیند که انگور در کاسه همی فشرد دلیل که خدمت شخصی خسیس کند و اگر بیند که انگور همی فشرد و شیره
آن در جایی همی جمع کرد دلیل که از جهت خود مال بسیار بسبب پادشاه حاصل کند و اگر بیند که انگور در معصره با اهل عیال می فشرد دلیل که او را و عیال او را از خدمت
پادشاه منفعت رسد و اگر بیننده خواب عصر در خدمت پادشاه نباشد دلیل که کاری از سبب مردی حاصل کند و حضرت صادق علیه السلام فرماید که انگور سیاه در
وقت خود و بیوقت بر سه وجه بود اول فرزند نیک دوم علم فراخ سیم مال حلال فشردن انگور در خواب بر آنحضرت گوید که بر سه وجه بود اول مال با خیر و برکت
دوم فراخی نعمت سیم از رعیت ان یاتی من بعد ذلک عام فیه یغاث الناس وفیه یعصرون افتادن ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند
که بروی جدا افتاد دلیل تشویش او بود خاصه در جنگ و خصومت و اگر بیند که از جایگاهی بزیر افتاد چنانکه از کوهی یا از بامی یا از
بارهٔ دلیل کند که آرزویی که در دل وی بود تمام بسر نشود و مرادش حاصل نگردد کرمانی گوید اگر کسی بیند که از جایگاهی بزیر افتاد دلیل بود که امیدی دارد بر نیاید و نا امید گردد
اگر بیند که از کوه بزیر افتاد دلیل که حالش بگردد و بعد افتادن بر تن او رنج رسد و اگر بیند که چیزی سخت بوی رسید و خون از آن عضو روان شد دلیل که بقدر آن
ضرر و زیانی رسد و اگر بیند که پایش بلغزید و بیفتاد دلیل کند که رنجی و المی بوی رسد و اگر بیند که بیفتاد و رنجی بوی نرسید
دلیل کند که سهل و آسان بود و اگر بیند که آستانهٔ خانه او مار و کژدم و گزندگان بیفتاد دلیل کند که او را از پادشاه یا از کسی بزرگ
غم و اندوه رسد و اگر بیند که بام خانه یا دیوار بر او افتاد دلیل کند که مال بسیار بدو رسد از آنجا که امید ندارد و بدان سبب خرم و
شادمان گردد و کارش گشاده شود والله اعلم بالصواب

حرف الباء من کتاب کامل التعبیر

❁ **بادام** ابن سیرین گوید که بادام در خواب دیدن نعمت و روزی بود لکن بخصومت بدست آید اگر بیند که بادام فرا گرفت دلیل بود که بقدر
آن ویرا نعمت و روزی بود و دشوار بدست آید و معبران گویند که تاویل بادام در خواب علم بود و شفا از رنج و چون مغز او
بیند بهتر بود کرمانی گوید اگر بیند که بادام با پوست داشت یا کسی بوی داد دلیل که از مرد بخیل چیزی یا بسختی اگر بیند که از مغز بادام
تلخ روغن بیرون آورد دلیل کند که از مردی بخیل ویرا بقدر آن روغن منفعت رسد جابر مغربی گوید که دیدن بادام در خواب مال
و نعمت بود اما اگر بادام با پوست بیند دلیل کند که از مال قدری برنج و سختی بدست آورد و چون بادام بی پوست بیند دلیل که
مال بآسانی بدست آورد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن بادام در خواب بر دو وجه بود اول مال بنهانی حاصل گردد دوم
از بیماری شفا یابد **بادشاه** ابن سیرین گوید که دوازده چیز است که بینندهٔ خواب را دلیل بر پادشاهی بود اول آنکه بیند که پیغمبر
او را امام کرد دوم آنکه بیند که علم شریعت ورزد سیم آنکه گوشت پیغمبر پیش خود بیند یعنی مشغول اقامت نماز بود چهارم آنکه بر منبر
او خطبه کرد پنجم آنکه جامهٔ رسول پوشید ششم آنکه انگشتری بیند که در انگشت دارد هفتم آنکه بیند که او آفتاب یا ماهتاب خدا فرمود
هشتم آنکه بیند که تن او در دخانه شده است نهم آنکه بیند که چشم او دیوار شهر گشته است دهم آنکه بیند که حق تعالی فرماید که خوردن او در کین
شده است یازدهم آنکه پادشاه مرده او را انگشتری دهد دوازدهم آنکه بیند که چشم او مانند گاه ... پادشاه شهره و ... بود کرمانی گوید

اگر در خواب بیند دلیل بود بر یافتن سلطنت و پادشاهی دانیال گوید اگر بیند که پادشاه او را جامه داد دلیل که در
خویش بر کسی ولایت کرده و اگر بیند که بر سر پادشاه کلاه بود یا بر کلاه کرده دلیل بود بر شرف و اقبال و صلاح کار و درازی عمر او و اگر بیند
پادشاه کلاه بر کند و بدرید دلیل کند بر بدی حال پادشاه و اگر بیند که بر سر پادشاه دستاری بود چنانکه بدو روزگار رسول [illegible]
بود دلیل بود که پادشاه را صلاح و انصاف برسد و اگر بیند که پادشاه را باز گرفت و بفرمان او شد دلیل که مملکت جهان بگیرد و بر
قرار کند و اگر بیند که پادشاه [illegible] دلیل که بیننده خواب توانگر گردد و اگر بیند که پادشاه در کوچه یا در سرای او درآمد چنانکه [illegible]
او بزاری و انکار بود دلیل کند که اهل آن موضع را غم و اندوه رسد از سبب پادشاه و قوله تعالی إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً
أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً و اگر بیند که در آمدن او انجا چیزی منکر بود دلیل بود که هیچ مضرت و زیان باهل
آن موضع نرسد کرمانی گوید اگر بیند که پادشاهی بمرد و نعش بگردند و بروی گریستند و کفن ساختند و جنازه او بیرون نشستند دلیل
که بعضی از سرای او خراب گردد و باشد که متفکر دل و رنجور گردد و اگر پادشاه بخواب بیند که کعبه سرای او بود یا سرای او کعبه بود دلیل
بود که هرگز مملکت او را زوال نباشد و از دشمن ایمن بود و اگر بیند که بکسی سلام میکرد و یا کسی سلام بدو کرد دلیل ایمنی بود از غم و اندوه
و خلود مراد چنانکه حق تعالی فرمود سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ و اگر پادشاه بیند که رسن بدست داشت
یا دست در رسن زده بود دلیل بود که براه راست رود بر جاده عدل و انصاف استقامت نماید قوله تعالی وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ
جَمِيعًا جابر مغربی گوید اگر بیند که در نزد پادشاه بزرگ بودی دلیل بود که از پادشاه بهره و نصیب یابد و اگر پادشاه را در لباسی نیکو
بیند در سرائی یا در کوچه که منسوب باو بود دلیل کند بر زیادتی و بزرگی پادشاه و ولایت و حرمت و جاه وی و خدم و حشم و مال و [illegible]
او و اگر بیند که در پادشاه نقصانی بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که پادشاه بر روی خفته بود دلیل که پادشاهی [illegible]
و اگر پادشاه بیند که بر زمین فرو شد دلیل که از مردمی پادشاه او را حرمت و منزلت بیفزاید جعفر صادق فرماید اگر کسی پادشاه را
روی خرم بیند دلیل بود که کار او گشاده گردد و اگر کسی وزیر پادشاه را بخواب بیند دلیل کند که کاری کند که زود بصلاح باز آید اگر صاحب [illegible]
کار سختی فرو ماند بعاقبت بمراد برسد و اگر ندیم پادشاه را بیند دلیل که او را اگر کسی حاجت رسد و اگر دربان پادشاه را بیند دلیل که شغل [illegible]
و ندیمان پادشاه را بیند دلیل که کار او گشاده گردد و اگر وزیر پادشاه را بیند دلیل کند که کسی او را خدمت کند و چیزی که از دست او [illegible]
بدست او باز آید و اگر چاکران و کنیزکان [illegible] دلیل کند که کسی او را ملامت کند که از شغل و دون عاجز گردد و اگر بر در باز پادشاه را بیند دلیل
که کار بسته او گشاده گردد و اگر [illegible] پادشاه را بیند دلیل که کسی او را وعده دهد بدروغ و اگر زندانیان پادشاه را بیند دلیل بود
[illegible] مستمند گردد و اگر جلاد پادشاه را بیند دلیل کند که مراد او زود حاصل گردد و اگر دبیر پادشاه را بیند دلیل کند که انچه بجوید بیابد
و خوردن پادشاه را بیند دلیل کند که از زنی منفعت یابد و اگر رکابدار پادشاه را بیند دلیل کند که سخنی دروغ و بیحاصل شنود و اگر
[illegible] بود دلیل بر مال و غم [illegible] و اگر جامه دار پادشاه را بیند دلیل که کار او نیکو گردد و اگر دوات دار پادشاه را بیند
[illegible] و هر اگر کسی که [illegible] خانسالار پادشاه را بیند دلیل که خرم گردد و مال حاصل کند اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که [illegible]

بشهری در آمده و بر پادشاه آنشهر غلبه کرد دلیل کند که کار آنشهر نقصان و آفت پذیر بود و اگر بیند که پادشاه در شهر او یعنی خانه او گشت دلیل کند که پادشاه او را بدان حاجت افتد و شغل و عملش فرماید باتیله ابن سیرین گوید که باتیله در خواب دیدن کد بانوی خانه بود و اگر بیند که باتیله نو بخرید یا کسی بوی داد دلیل کند که کد بانوی خانه را آفت رسد کرمانی گوید اگر بیند که در باتیله چیزی بود از خوردنی دلیل بود که او را از کد بانوی خانه خیر و منفعت رسد و اگر بیند که در باتیله چیزی ناخوش بود از طعامها دلیل بود که او را از کد بانوی خانه ضرر رسد ابن سیرین گوید که این باتیله در خواب چیزی زیاده نبود باد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که باد سخت همی جست دلیل بود که مردم آن دیار را بیم و ترس بود و اگر بیند که باد چنان سخت بود که درختان را همی کند و خرابی همی کرد دلیل کند که اهل آن دیار را بلا و مصیبت از علت طاعون و سرخچه و مانند این کرمانی گوید که باد سموم در خواب دلیل بر بیماریهای سرد کند و باد معتدل سرد دیدن در خواب دلیل بیماریهای شوریده بود و در آن دیار و باد معتدل دیدن دلیل بر تن درستی بود از مردم آن دیار و موجب نیکوئی و کسب آن دیار کند و اگر بیند که باد او را از جائی بجائی میبرد دلیل کند که سفری دور رکند و در آن سفر جاه و بزرگی یابد بقدر آنکه او را باد و بر زمین برده باشد و اگر بیند که باد با گرد و تاریکی بود دلیل کند بر ترس و بیم و اندیشه آن قوم جابر مغربی گوید اگر بیند که او را بادی سخت بسوی آسمانها برد دلیل کند اجل او نزدیک بود و اگر بیند که او را باد از آسمان بزمین آورد دلیل بود که بیمار گردد و عاقبت شفا یابد حضرت صادق ع فرماید که دیدن باد در خواب بر نُه وجه بود اوّل بشارت دوّم فرمان روائی سیّم مال چهارم مرگ پنجم عذاب ششم کشتن هفتم بیماری هشتم شفا نهم راحت اگر بیند که بر باد نشسته بود دلیل بود که بزرگی و فرمان روائی یابد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که باد مغرب نرم جست دلیل که مردم آن دیار را مال نعمت زیاده گردد و اگر بیند که باد شمال نرم همی جست دلیل کند بر شفا و راحت آن دیار و اگر بخلاف این بود دلیل خیر نباشد و اگر بیند که آواز باد همی شنید دلیل که خبر پادشاه بزرگ در آن دیار گستره گردد و اگر بیند که باد مردم آن دیار را برگرفت و بهوا برد دلیل بود که آن مردمان شرف و بزرگی یابند **باد رها کردن** ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که در میان مجمع مردمان باد رها کرد چنانکه مردمان آواز آنرا بشنیدند دلیل که سخنی زشت گوید که مردم بروی افسوس کنند و بسبب آن در میان مردمان رسوا گردد و اگر بیند که باد نرم رها کرد و آواز آنرا نشنیدند تاویلش بخلاف این بود و اگر این خواب مردی بیند و بیند دلیل که او را خرّمی رسد کرمانی گوید اگر بیند که بادی رها کرد و آواز بلندی و بوی ناخوش داشت دلیل کند که کاری کند که مردم برا و تشنیع کنند و او را ملامت کنند و بدی با و گویند و اگر بیند که آواز و شت و بوی ناخوش نداشت دلیل کند که آن کاری بنماید و جدا گردد و خیرش در آن بود و اگر بیند که بر قصد بادی رها کرد و مردمان برا و بخندیدند و او شرم میداشت دلیل بود که از کاری بی شغل معیشت او ساخته گردد حضرت صادق ع فرماید که باد رها کردن در خواب بر چهار وجه بود اوّل سخن زشت دوّم تشنیع سیّم کاری بلامت چهارم رسوائی اگر بیند که باد را قصداً رها کرد دلیل بود که آنکس بدین و به مذهب بود باد روک نوعی است از ترنج ابن سیرین گوید اگر بیند که بادروک همی خورد دلیل بود که حاجت او روا گردد و مراد بیابد زیراکه رسول خدا فرمود الحدیث مَا اَطْيَبَكَ وَمَا اَطْيَبَ رِيحَكَ یعنی بوی خوش و چه خوش بوئی تو حضرت صادق ع فرماید که خوردن بادروک در خواب سه وجه بود اوّل حاجت روائی دوّم کام یافتن سیّم دیدار غایب دیدن **باد ریسه** بدانکه باد ریسه مهره دوک بود کرمانی گوید

اگر بیند زنی که با در نیسه یافت با کسی بود و دلیل بود که او را مردی بچیزی حاصل گردد و اگر بیند زنی که با در نیسه از وی کشاده بیفتد
مهر او از شوهر بریده گردد

بادنجان — ابن سیرین گوید که بادنجان خوردن در خواب اگر بوقت بود و اگر بی وقت و اگر پخته بود و در فصل
بر غم و اندوه بود بقدر آنکه خورده بود و دلیل تر و خشک یکسان بود کرمانی گوید اگر بیند که بادنجان بسیار داشت لیکن جمله را بخت
یا بفروخت یا از منزل خود بیرون انداخت و از آن نخورد دلیل بود که از غم و اندوه رسته گردد

بار کشیدن — ابن سیرین گوید اگر بیند که
پشت با سبک داشت دلیل که بقدر جنس آن بار وی را منفعت رسد و اگر بیند که بر پشت بار گران داشت دلیل که گناه و مظالم
بسیار کرده لقوله تعالی لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ کرمانی گوید اگر بیند که بار بسیار داشت و دانست
ملک او است دلیل بقدر جنس بار بروی خیر و منفعت رسد یا مضرت و بدی و اگر بیند که آن بار ملک آن نبود خیر و شر آن بخداوند

باران — دانیال گوید که باران در خواب رحمت و برکت بود از خدای تعالی بر بیننده چون باران عام بود و حجت باید
وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ و خواب دیدن باران بوقت خویش نیکوتر بود و قومی
باران خواهند بهتر باشد اما اگر آن باران خاص بود چنانکه بسر آن کو چه آن باران سخت ببارید و جز آنجا جای دیگر نبارید چنین
بر رنج و بیماری برا آن موضع و سختی که بایشان رسد و اگر بیند که باران آهسته می بارید دلیل کند بر خیر و منفعت آن موضع و اگر بیند که
در سال اول ماه باران بارید دلیل کند که در آن سال باران و فراخی و نعمت زیاده گردد و اگر بیند که باران تیره و سخت بود که ببارید دلیل
بر بیماری که در آن جایگاه ابن سیرین گوید اگر بیند که باران سخت نه بوقت خویش ببارید دلیل بود که آن دیار از لشکر رنج و بلا رسد
و اگر بیند که با آب باران مسح میکرد دلیل کند که از ترس و بیم ایمن گردد و اگر بیند که باران بر سر وی ببارید دلیل بود که بسفر رود و او را
منفعت باز آید و اگر بیند که باران بر سر مردمان چون طوفان ببارید دلیل بود که مردمان و اهل آن دیار را مرگ فاجات فتوا باشد و اگر
بیند که از هر قطره باران آواز همی آمد دلیل کند که آوازه عزت وی زیاده گردد و اگر بیند که آب باران مسح همی کرد دلیل بود که از ترس
ایمن گردد و اگر بیند که باران عظیم می بارید چنانکه جویها از آن روان بود و زیانی بدو نرسید دلیل که پادشاه منصب کند و شر و
از خود دفع دارد و اگر بیند که از آن جویها متواتر گذشت دلیل که شر پادشاه از خود دفع سازد و اگر بیند که آب از هوا می آمد
باران دلیل کند که عذاب حقتعالی و بیماری در آن موضع بدید آید کرمانی گوید اگر بیند که بجای باران انگبین می بارید دلیل که نعمت
باران و یا بسیار باشد و هر چیز که بیند که از آسمان می بارد تاویلش از جنس آن چیز بود و اگر بیند که آب باران همی خورد و آب آن صافی
بود دلیل کند که بقدر آن خیر و راحت بدو رسد و اگر بیند که آب باران تیره و ناخوش بود دلیل که بر قدر آن رنج و بیماری کشد حضرت
می فرماید که دیدن باران در خواب بر دوازده وجه بود اول رحمت دوم برکت سیم فریاد خواستن چهارم رنج و بیماری پنجم
خون ریختن ششم فتنه هفتم قحط و هشتم امان یافتن نهم کفر و دهم دروغ

بارانی — ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر تن
وی بارانی پادشاه بود دلیل بود که نام نیک او و مدح و ثنای او در میان مردمان فاش گردد و اگر بارانی او از جهت جامه
است کار او را قوی زینت و دنیا حاصل گردد کرمانی گوید اگر بیند که بارانی او از پشم بود یا کتان یا از پنبه و بگونه سبز بود دلیل

بود اما باره اگر زرد دلیل بر رنج و بیماری بود و اگر باره کبود بود دلیل بر گناه و مصیبت بود و اگر باره را سفید بیند دلیل بود بر خیر و منفعت
که از جائی بوی رسد باروی ابن سیرین گوید که باروی شهر و قلعه و ده دلیل بر پادشاه کند یا بر والی و معتبران گویند که باروی شهر دلیل بر پادشاه
بود و باروی ده دلیل بر خداوند ده کند اگر بیند که باروی شهر نوی و بلند بود دلیل بر قوت و نیکی حال پادشاه و اگر بیند که باروی شهر
بیفتاد و خراب شد اگر جمله بیفتاد دلیل بر هلاک پادشاه کند و اگر برجی از آن بیفتاد دلیل بر هلاک والی بود و اگر بیند که باروی گرد
دلیل بود که پادشاه و نور آن شهر معتبر گردد و اگر بعضی از باروی شهر را گرد ببیند دلیل کند که والی نور در آنجا مقیم گردد کرمانی گوید که باروی
شهر و آنچه نزدیک دروازه شهر بود تاویلش عیش و ایمنی بود و آنچه در پس آن شهر بود و باشد و هر نیک و بد و زیاده و نقصان که در باروی
بیند دلیل بر این هیچ گونه بود باز ابن سیرین گوید اگر بیند که بازی بگرفت یا کسی بوی داد و آن باز مطیع او بود یعنی بر دست وی نشست
دلیل کند بر بزرگی قدر و افزونی جاه و منزلت او و اگر بیند بازی سفید بر دست او نشست دلیل که از پادشاه قدر و منزلت یابد
و اگر بیند که باز از دست او بیفتاد و بمرد دلیل بود که از منزلت بدرویشی و بیچارگی افتد کرمانی گوید اگر بیند که بازی سفید بیافت اگر از
مردان پادشاه بود دلیل که از پادشاه ولایت و حرمت یابد و اگر از رعیت بود مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که بازی کسی بوی بخشید
دلیل که او را فرزندی آید صاحب حسن و جاه و اگر بیند که بازی بر بام او نشست دلیل که او را با پادشاه صحبت افتد و از او خیر و منفعت
یابد و اگر بیند که باز بگریخت و در خانه شد یا در زیر دامن زنی پنهان گردید دلیل که آن زن را پسری خوب روی بوجود آید و اگر بیند که بر
پای او باز بسلسله زرین یا سیمین بود دلیل که آن زن را دختری آید جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که بازی بیافت و او را بکشت دلیل که اگر
آنکس از مردم پادشاه بود معزول گردد از عمل و اگر مردم پادشاه نبود او را رنج و غمی رسد از جهت اهل بیت و اگر بیند که باز از دست
او بپرید و باز نیامد و اگر این خواب را پادشاه دیده بود دلیل که مملکت از دست او برود و اگر باز بیامد و بر دست او نشست تاویلش
آنکه مملکت و قدرت یابد حضرت صادق ع فرماید که چون بیند که باز مطیع او بود تاویلش بر پنج وجه بود اول امارت دوم شادی
سیم بشارت چهارم فرمان روائی پنجم یافتن مراد و مال بقدر و قیمت از ده هزار درم خاصه چون باز سفید و مطیع او بود
و چون باز مطیع نباشد تاویلش بر چهار وجه بود اول پادشاه ستمکر دوم حاکمی که میل کند سیم فقیه نابین چهارم فرزند که فرمان پدر و مادر
نبرد بازوی ابن سیرین گوید که بازوی در خواب برادر بود یا فرزند یا دوست معتمد یا انباز اگر بیند که بازوی قوی بود دلیل بود که او را
از ایشان منفعت و قوت رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل که او را هیچ فایده و قوت از ایشان نباشد و اگر بیند که بازوی او افتاد یا اگر کسی
بازوی او را ببرید دلیل کند که برادر یا دوست یا انباز او از دنیا رحلت کند یا از وی مفارقت جوید حضرت صادق ع فرماید که دیدن بازو
بخواب بر شش وجه بود اول برادر دوم فرزند سیم انباز چهارم دوست پنجم پسر عم ششم همسایه بازوبند کرمانی گوید بازوبند
زرین اگر بیند که در بازو داشت دلیل کند که از برادران یا از کسی دیگر او را غم و کراهت رسد و اگر بازوبند سیمین داشت دلیل کند که دختر
خود را یا دختر خواهر خود را بشوهر دهد و اگر این خواب زنی بیند دلیل که او را مال و نعمت و آرایش بود و اگر بیند که بازوبند سیمین یا آهنین
داشت دلیل بود که او را از برادر قوت و یاری بود و اگر بیند که بازوبند بشکست یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود پاس داشتن

پاسبان

ابن سیرین گوید که پاسبان داشتن در خواب بد و نیک بود اگر بیند که پاسبان اهل صلاح میداشت دلیل بود بر خیر و منفعت دو جهانی اگر
که در سرای پادشاه پاسبانی میکرد دلیل کند که از پادشاه خیر و منفعت یابد و اگر بازرگانی این خواب بیند در تجارت سود بسیار کند و اگر
بیند که پاسبان اهل صلاح و ورع میداشت دلیل که از ایشان خیر و منفعت دینی بیند و پاسبان در خواب دین خداوند تعالی است و گفته‌اند مهتر
ولایت بود و تیمارگار او بود و مردم را بنام او باشند

پاشنه پای

پاشنه پای ابن سیرین گوید پاشنه پای در خواب دلیل بر
مردم کند و اگر بیند که پاشنه پای او بشکست دلیل بود که بکاری مشغول گردد کاری که از آن پشیمانی حاصل کند و اگر بیند که پاشنه
او بشکافت یا مجروح شد همین تاویل دارد و اگر ناخن از آن بکشد و بسته جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که پاشنه پای خود سیاه بود
یا سبز و سیاه و درزمه و سپید دلیل کند که آنچه کسب حاصل کرده بود بخورد و بدشمنان دهد و اگر بیند که پاشنه پای وی بشکافت دلیل
کند او را کار و کسب بشکسته و بیش و پیش بیچاره گردد

باغ و بستان

باغ و دیدن دانیال گوید که دیدن باغ بخواب زن بود و اگر بیند که باغ
آب میداد دلیل که با زن خویش مجامعت کند و اگر بیند که باغ را آب میداد و تر نشد دلیل کند که زن او از شوهر حامله
و اگر بیند که در باغ گل و ریحان میکشت دلیل کند که فرزند صالح بیاورد و اگر بیند که در باغ شفتالو میکشت دلیل که
او را فرزندی آید که خود علم و ادب بیاموزد و اگر بیند که در باغ او ریحان دسته بود و بالا کشیده و بوی او در باغ میرفت دلیل بجهت او
فرزندی بود دلیر و دانا و خردمند و بوی ریحان دلیل بر مهر فرزند کند. اگر باغ خود را سبز و آبادان و آب روان و درختان چند
و از میوه درختان می‌خورد و از میوه او راست و با زن خود در تماشا بود دلیل که ایشان از اهل بیت باشند و اگر بیند که در باغ آبادان
بود و از میوه درختان میخورد دلیل بود که زنی توانگر بخواهد و از او مال و نعمت یابد و اگر بیند که در فصل خزان در باغی مجهول شد و از درختان
برگها میریخت دلیل کند که غم و اندوه بدو رسد و اگر بیند که در باغ کوشکها بود و سبزها و آب روان و درختان زنی با حسن و جمال
او را بخواند دلیل بود که بهشت و حور العین در آخرت بیابد و دلیل کند که درجه شهیدان حاصل کند و اگر بیند که باغی داشت
یا کسی بدو داد و میوه آن باغ میخورد دلیل کند که زنی مالدار بخواهد و مال او را بخورد و اگر بیند که در باغ بود و میوه از درخت
بروی همی افتاد دلیل بود که با مردی شریف او را خصومت افتد و بروی غالب گردد و اگر بیند که در باغ بر سر درخت خفته
دلیل بود که نسل و فرزندان او بسیار باشند کرمانی گوید که باغ در خواب مردی بود بزرگوار با مال و جمال و اگر بیند که در وقت
بهار یا تابستان باغ خرم گشته بود و درو میوه‌ها رسته بود و گل و ریاحین شکفته و آب روان و او در میان باغ نشسته دلیل او را
که مرگ او بر شهادت بود زیرا که جمله صفات بهشت است و اگر در تابستان باغی بیند معروف یا مجهول و میوه‌های آن باغ پخته
بود و برگهای درختان ریخته بود دلیل که او را با پادشاه صحبت افتد در حالی که پادشاه از خدم و حشم باز مانده باشد و اگر
که باغی در تابستان سبز و پر میوه و آب روان بیابد و باغ را از اصل بر کند و خراب کند دلیل که پادشاه آن دیار را هلاک کند
یا بسبب سلطانی بزرگ از پادشاهی معزول گردد و اگر بیند که آتشی بیامد و درختان آن باغ را بسوخت دلیل که پادشاه
را مرگ مفاجات رسد و اگر در خواب ببیند که در باغ شتران بودند دلیل بود که پادشاه آن ملک را دشمنان مظفر

در باغ گوسفندان دید دلیل که از پادشاه مال و نعمت حاصل کند و هیبت نسیم پادشاه را بود و اگر در آن باغ پرندگان بیند دلیل که
لشکر پادشاه بر عهد و وفا باشند اما بر ایشان اعتماد نبود و اگر بیند که از آن باغ میوه جمع میکرد و بخانه میبرد دلیل بود که بقدر آن ویرا
خیر و منفعت رسد و اگر بیند که در باغ همه جمع میکرد دلیل منفعت بود از پادشاه ولیکن بسختی و رنج بیابد جابر مغربی گوید که اهل باغ در
خواب شغل مردم بود بقدر همت و اگر در باغ سبزه بیند دلیل بود که کارش نیکو گردد و شغل وی آراسته شود و اگر باغ از سبزه و میوه
خالی بیند دلیل کند که کار او نیکو گردد و اگر باغ را خرم و آراسته دید کسی بدو گفت که این باغ از آن تست و او میوه از آن باغ میخورد
دلیل که بقدر آن از خداوند باغ منفعت یابد و اگر در وقت بهار یا تابستان باغی خراب دید چنانکه در وی هیچ سبزه و درختان نبود
دلیل بود که پادشاه بر رعیت جور و ستم کند و اگر بیند که بدست خود باغی نو ساخت و درخت نشاند و میوه بر آمد دلیل بود که زنی
توانگر بزنی خواهد و مال و نعمت و فرزندان حاصل کند و اگر در آن باغ بوقت خویش انگور دید دلیل بود که مال و منزلت یابد بقدر همت
خویش **حکایت** آورده اند که مردی پیش سلیمان آمد و گفت که ای پیغمبر خدا بخواب دیدم باغی آراسته و در وی میوه های بسیار بود
و در آن باغ دیدم که خوکی بزرگ نشسته بود و مرا گفتند که این باغ ملک این خوکست من از آن حال متحیر گردیدم و در باغ خوکان بسیار
دیدم که میوه میخوردند و گفتند که این خوکان میوه بفرمان این خوک بزرگ میخورند سلیمان گفت که این خوک بزرگ پادشاه ظالم و ستمگر
است و خوکان دیگر دانشمندان حرام خواره که مطیع و فرمان بر پادشاه ظالم اند و دین را بدنیا فروشند و از عذاب حق تعالی نترسند حضرت
صادق ع فرماید که دیدن باغ در خواب بر هفت وجه بود اول زن خوب دوم فرزند نیک سیم عیش خوش چهارم مال پنجم بلندی ششم
شادی هفتم کنیزک و باغ در خواب دیدن قیم زن بود و اگر کسی بیند که باغبانی میکرد دلیل کند که زنی توانگر کند و بشغل او مشغول شود
و با ایشان سازگاری و مدارا کند و بعضی از معبران گویند دیدن باغ بر سه وجه بود اول کدخدای سرای دوم قیم زن سیم فرزند و فره بعضی
بافتن جامه‌ها ابن سیرین گوید که بافتن جامه‌ها در خواب سفر بود و بافنده مسافر بود و اگر بیند که جامه یا چیزی می بافت دلیل بود
که بسفر رود و آورده اند که بافتن جامه‌ها در خواب خصومت بود و اگر بیند که جامه بافته برید دلیل بود که از کار یا خصومت امر حق شود
و بریدن آن هم از سبب سفر بود و اگر رسن یا ریسمان تاب میداد دلیل کند که بسفر شود و کرمانی گوید اگر بیند که بجای ابریشم ریسمان یا کتان
می بافت دلیل بود که بد بود زیرا که نشان خیانت بود و اگر بیند که جامه را تمام ببافت و ببرید دلیل بود که بسفر شود و کار وی تمام گردد
و اگر بیند که تمام نبافته بود دلیل بود که کار او تمام نگردد جابر مغربی گوید اگر بیند که بافندگی می کرد دلیل بود که او را با مردم خصومت افتد
در حالش نیکو گردد اما از مردمان او را سرزنش و ملامت رسد **باقلا** ابن سیرین گوید که دیدن باقلا در خواب وقت خوردن
و بیوقت خوردن اگر پخته باشد یا خام دلیل بر غم کند و حکم تاویل آن در تر و خشک یکسانست و اگر بیند که بخورد غم و اندوه کمتر بود
کرمانی گوید اگر کسی بیند که کسی باقلا بدو داد و بخورد دلیل بود که اندوهگین گردد و باشد که آنکس خصومت کند و معبران گویند اگر بیند
که باقلا داشت یا کسی بدو داد یا از خانه بیرون ریخت و از آن هیچ نخورد دلیل که او را زیان ندارد خاصه چون بوقت خویش دیده باشد
بالا رفتن محمد بن سیرین گوید اگر بیند که بر بالای کوهی نشسته بود یا بر بام یا بر کره‌ای یا بر کوشک و بر بلندیها بالا رفتن دلیل

بافتن جامه

باقلا

بالا رفتن

نردبان

که هر آنچه جوید بیابد و حاجتش روا گردد و بعضی از معبران گویند اگر بیند که بدشواری بر بالا همی رفت دلیل که آنچه میجوید برنج و دشوار
و اگر بیند که بر نردبان بالا میشد دلیل بود که در دین شرف و منزلت یابد خاصه که نردبان او از گل بود و اگر بیند که نردبان از گچ و سنگ
دلیل بود که در دین وی خلل باشد کرمانی گوید که از نردبان بر بالا رفتن از گچ و سنگ دلیل که شرف و بزرگی یابد در این جهان و اگر بیند که از چوب
خام و گل بود دلیل بود که قدر و منزلت یابد در آنجهان و اگر بیند که بر آسمان بالا رفت و باز نیامد دلیل بود که اجل او نزدیک باشد
و اگر بیند که بر آسمان شد و باز آمد دلیل بود که سخت بیمار گردد و سرانجام شفا یابد حضرت صادق ع فرماید که دیدن نردبان بالا شدن بر پنج

پالان

وجه بود اوّل روائی حاجت دوم زن خواستن سیم قرب و بزرگی چهارم مراد یافتن پنجم بالا رفتن کار پالان ابن سیرین گوید که پالان
دیدن در خواب زن بود و اگر بیند که پالان داشت یا از کسی به بها بخرید دلیل که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که پالان بر پشت
داشت دلیل که مطیع و فرمان بردار زن گردد و بر وی مستولی گردد و اگر بیند که پالان از وی ضایع شد دلیل بود که زن از وی جدا
گردد یا طلاقش دهد جابر مغربی گوید اگر بیند که پالان پاکیزه و نو داشت دلیل بود که زن مستور سازکار بخواهد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند

بالش

که پالان درشت و چرکن داشت دلیل بود که زنی خواهد ستیزه روی و ناسازکار و از وی مضرت بیند بالش ابن سیرین گوید که بالش
در خواب خادم بود بیننده خواب را اگر بیند که بالشی نو فرا گرفت و آن بالش سبز بود یا کسی بوی داد دلیل که او را خادم یا خدمتکار
مصلح پارسا پدید گردد و اگر بیند که بالش او کهن و چرکن و زرد و سیاه بود تأویلش بخلاف این بود و اگر بیند که بالش او بدرید
یا بسوخت یا از وی ضایع شد دلیل بود که خدمتکاران وی ضایع گردد یا بگریزد یا رنج و بلائی بدو رسد و بسبب آن از وی جدا
گردد کرمانی گوید اگر بیند که کسی از خانه او بالش بدزدید دلیل بود که کسی از بی زن او میگردد که او را بفریبد یا از پی کنیزک وی و معبران
گویند که دیدن بالش در خانه دلیل بود که کسی از آنخانه بمیرد و اگر مردی بیند که بالش بسیار یافت دلیل بود که بقدر آن بالشها او را
خادمان و کنیزان حاصل گردد و اگر بیند که آتش در افتاد و بالش او بسوخت دلیل بود که خادمان و کنیزان او برونیا بگریزند حضرت صادق ع فرماید که دیدن
بالش در خواب بر پنج وجه است اوّل خادم دوم کنیزک سیم ریاست چهارم دین نیکو پنجم پرهیزکاری و عدل بام و اگر بیند که بر بام خانه مجهول بود دلیل که از
خواهر بقدر بلندی بام بقصد و رفعت اگر بیند که بام آنخانه معروف بود دلیل کند که شرف و بزرگی یابد و کارش بنظام گردد جابر مغربی گوید که اگر بیند که بر بام

بانگ جانوران

پادشاه بود دلیل بود که بزرگی و منزلت یابد و اگر بیند که از بام بیفتاد از جاه و منزلت بیفتد و او را اندوه رسد بانگ داشتن
جانوران محمد بن سیرین گوید که بانگ داشتن جانوران و مردم بجواب دلیل بود بر غم و مصیبت در آنموضع و اگر بیند که او را بانگ
میکردند از جائی دور و اگر جواب داد دلیل بود که زود بمیرد و اگر بیند که جواب نمیدهد دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که آواز گریستن آید
دلیل بود که شادمان گردد و اگر بیند که او ناله می شنید دلیل بود که چیز ناخوش شنود اگر بیند که بانگ زاری می شنید دلیل بود که
حاجت او روا گردد و بر دشمن ظفر یابد و اگر بانگ و دشنام شنود کراهتی بوی رسد و زود زایل گردد کرمانی گوید اگر بیند که اسپی
میکرد دلیل بود که او را بشارتی رسد و بعضی از معبران گویند که البته مکروهی بوی رسد از بهر آنکه بهایم دروغ نگویند و اگر بیند که خر
بانگ میکرد از دشمنی و جاهلی فریاد و شناعت شنود و قوله تعالی اِنَّ اَنْکَرَ الْاَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِیْرِ و اگر بیند که شتر بانگ

دلیل کند که گنج رود یا به تجارت رود و از آن وی را سود و منفعت یابد و اگر بیند که گوسفندی بانگ میکرد دلیل که از بزرگی بوی خیر و منفعت رسد
و اگر بیند که از بزغاله بانگ شنید دلیل بر خرمی و شادی و نعمت کند و اگر بیند که آهو بانگ میکرد دلیل بود که او را کنیزکی حاصل گردد و اگر بیند
که شیر بانگ میکرد دلیل بود که بیم و ترس یابد از پادشاه و اگر بیند که پلنگ بانگ میکرد دلیل بود که او را جنگ و خصومت افتد و اگر بیند
که یوز بانگ میکرد دلیل که کسی بروی خشم گیرد و بروی کبر کند و اگر بیند که گرگ بانگ میکرد بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که شغال بانگ میکرد دلیل
بر غم و اندیشه کند از سبب زنان و اگر بیند که روباهی بانگ میکرد دلیل بود که مردی دروغ زن با وی مکر و حیله کند و اگر بیند که گربه بانگ میکرد دلیل بود
که او را از دزد بیم بود و اگر بیند که شترمرغ بانگ میکرد دلیل کند که خادم دلیر باید و اگر بیند که کرکس بانگ میکرد دلیل بود که از خبر مردی ترک سخن
گردد و اگر زاله بانگ میکرد دلیل که خبر پادشاه شنود و اگر بیند که کبوتر بانگ میکرد دلیل بود که خبر سرهنگان پادشاه شنود و اگر بیند که خروس بانگ
میکرد دلیل بود که خبر مردی جوانمرد شنود و اگر بیند که کلاغ و بانگ میکرد دلیل بود که خبر مردی پوشیده شنود و اگر بیند که جغد بانگ میکرد دلیل که غم
و اندوه و مصیبت شنود و اگر بیند که بوم بانگ میکرد دلیل همین بود و اگر بیند که فاخته بانگ میکرد دلیل که خبر دروغ شنود و اگر بیند که تمدرو بانگ
میکرد دلیل که خبر زنی باجمال شنود و اگر بیند که طاوس بانگ میکرد دلیل که خبر پادشاه عجمی شنود و اگر بیند که کلنگ بانگ میکرد دلیل که خبر
درویش شنود و اگر بیند که لکلک بانگ میکرد دلیل که خبر مردی دهقانی شنود و از آن خرم گردد و اگر بیند که کبک بانگ میکرد دلیل که خبر
زنی نیکو شنود و اگر بیند که بانگ کبکان میشنود دلیل کند که خبر زنی مستوره شنود و اگر بیند که بانگ کلاغ میشنود دلیل که خبر مردی حرام
خوار شنود و اگر بیند که گنجشک بانگ میکرد خبر خوش شنود و اگر بیند که بلبل یا هزاردستان بانگ میکرد خبر مطربی یا نوحه گری شنود و اگر بیند
که سار بانگ میکرد دلیل همین بود و اگر بیند که مرغ آبی بانگ میکرد دلیل که غم و اندوه بوی رسد و اگر بیند که بط بانگ میکرد خبر مصیبت
از اهل شنود و اگر بانگ یکبارگی مرغ شنود ماتم و مصیبت است حضرت صادق فرماید که بانگ همه مرغان در خواب شنیدن نیکو بود مگر مرغی که او را لقلق آن
بانگ و اندوه و مصیبت بود و بانگ مار ترس و بیم بود از دشمن اما بانگ زنبور و ملخ دلیل بر ترس و بیم بود و بانگ وزغ دلیل کند که در موضعی فرود آید
جابر مغربی گوید اگر بیند که از آسمان یا از زمین یا از هوا بانگ سهمگین می آید دلیل بر غم و اندوه و مصیبت پادشاه کند و هر چند عظیم‌تر
تغیر و شر بود حکایت آورده اند که مردی پیش ابن سیرین آمد و گفت که بخواب دیدم که دوابه جنبنده با من سخن میکند ابن سیرین
گفت که ترا اجل نزدیک آمده است قوله تعالی وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ
و چون یک هفته برآمد آنمرد از دنیا رحلت کرد بانگ نماز ابن سیرین گوید که هر بنده که مصلح و مؤمن و مستور چون بیند که در جایگاهی
معروف بانگ نماز شنود یا بانگ نماز دهد دلیل کند که حج بیت الله بگذارد قوله تعالی وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا
و اگر بانگ نماز در جایگاهی مجهول بود گروهی ناپسندیده بد رسد و اگر این خواب را مردی فاسق بیند دلیل که او را بدروی بگیرند
و اگر بیند بانگ نماز را از مسجد یا از مناره دهد دلیل بود که مردمان را بخدا میخواند و اگر بیند که در بستر خفته بانگ نماز میداد دلیل بود که با
زن خود الفت دارد و اگر بیند که بانگ نماز در خانه خود میداد دلیل بود که مفلس و درویش گردد و گویند کسی از اهل بیت وی هلاک گردد
و اگر بیند که بانگ در چاه یا در سرداب میداد دلیل بود که آنکس زندیق یا منافق بود و اگر بیند که بانگ نماز در کوچه میداد دلیل جاسوسی

ستکردن اگر دیگری را بیند که بانگ نماز گوید بانگ نماز میداد دلیل بود که از دنیا رحلت کند بزودی و اگر بیند که در کلیسا بانگ نماز میداد
و نصارا را دلیل بود که بر ایشان ستم و بیداد کند و اگر بیند که کودکی بانگ نماز میداد دلیل بود که پدر و مادر او دروغ گو بود و اگر بیند که بانگ
نماز [illegible] میداد دلیل بر حال او بود در دین و دنیا و اگر بیند که بانگ نماز در قافله یا در لشکر میداد [illegible] و اگر بیند که
بر جوی در زندان بانگ نماز میداد و از [illegible] زندان رهائی یابد و اگر بیند که بانگ نماز [illegible] میداد دلیل که [illegible]
و اگر بیند که بر سر کوهی بانگ نماز میداد دلیل بود که پادشاه [illegible] است که [illegible] خواند و اگر بیند که در مناره بانگ نماز
میداد دلیل بود که [illegible] فرمان روائی یابد و اگر بیند که در کنج خانه بانگ نماز داد دلیل که در کار حق خیانت کند و اگر بیند که در سرای
بانگ نماز داد دلیل بود که بسفر رود و در آن سفر رنج و [illegible] و دیر بماند و اگر بیند که در میان کوی بانگ نماز کرد دلیل بود که در
میان قومی ستمگر گرفتار آید و با وی خیانت کنند و اگر بیند که بر کرسی یا بر تختی نشسته بود یا ایستاده بود و بانگ نماز میکرد دلیل
که [illegible] و اگر بیند که دیگری بانگ نماز کرد و او بشنید دلیل بود که بکار عبادت و طاعت کاهل بود و کسی او را بجماعت
خواند و اگر بیند که بانگ قامت شنود دلیل بود که در کار [illegible] توفیق یابد جعفر صادق فرماید که بانگ نماز در خواب دوازده
وجه بود اول حج دویم سخن سوم فرمان روائی چهارم بزرگی پنجم دست ششم سفر هفتم دین هشتم مفلسی نهم خیانت
دهم جاسوسی یازدهم منافقی دوازدهم بریدن دست. پای ابن سیرین گوید که [illegible]
ولطیف بود [illegible] نفقه زن و عیال [illegible] و اگر پای بسیار بیند نعمت و روزی حلال بود [illegible]
بیند که [illegible] پای بود و بخشید دلیل بود که مال و نعمت دنیا بیابد و بقدر آن [illegible] و اگر بیند که پای بسیار
داشت و جمله را بخشید یا ازوی ضایع شد دلیل است که اگر نعمت دارد جمله را نفقه کند یا ازوی ضایع گردد. پای دانیال
گوید اگر کسی بیند که پای او بریده بود یا شکسته دلیل بود که نیمه مال ازوی ضایع گردد و اگر هر دو پای بریده یا شکسته بیند دلیل
بود که جمله مالش برود یا خود بمیرد و معبران گویند که اگر کسی هر دو پای خود را بریده یا شکسته دلیل بود که بسفر شود و اگر بیند
که پای او آهنین یا مسین بود دلیل که عمرش دراز بود و مالش باقی ماند و اگر بیند که پایش آبگینه بود دلیل بود که عمرش [illegible]
و مالش [illegible] زیرا که آبگینه را بقا و قوت نبود و اگر بیند که پایش شل یا مبتلا شده بود دلیل بود بر سستی و ضعف حال او [illegible]
[illegible] ابن سیرین گوید که اگر صالحی بیند که پایش شل شده بود دلیل بود بر زیادتی دین او قوله تعالی ولا علی الاعرج حرج
بیند که پاهای او برسن بسته بود دلیل بود که از کسی منفعتی بوی رسد و اگر بیند که پایش چوبین بود [illegible] دلیل بود که
بر کسی کند و از آنکس [illegible] و اگر کسی حال پادشاه بیند که هر دو پای او بریده بود دلیل بود که از عمل معزول گردد و مالش تلف
شود و اگر بیند که پای او آهنین بود دلیل بود که مالش زیاده گردد و اگر بیند که پایش سیمین بود و کفش زرین [illegible] دلیل
بیند که پای او درد میکند دلیل که او را زیانی رسد و اگر بیند که پای او بستونی بسته بود [illegible] زیرا که درخت
بود و ستون چون مرده و اگر بیند که پای او در دامی گرفتار شده بود یا در چاهی فرو رفته بود دلیل بود که [illegible]

بیند آنکه پای وی در آن سخت شده بود و اگر بیند که پای در هایکا ... یا در گوری بلغزید دلیل بود که از کار دین و دنیا باز ماند پای
سخنی مد و گوید که از آن رنجور گردد و اگر بیند که پای بر ستوری همی جنبانید دلیل بود بر غایت طلب انکار که بجوید کرمانی گوید که هر دو
پای تباه و یا او و پیه باشد و بر ضعفی و نقصانی که در پا بیند همین دلیل بر پدر و مادر کند و اگر بیند که پای بسیار داشت دلیل که سفر
شود و اگر در دولتش بود تو انگر گردد و دیدن خش پای خود دلیل زینت مرد بود و حصول مال و طاعت که کرده بود جابر مغربی گوید که
اگر بیند که پای او چون پای شتر یا پای گاو بود دلیل بود که قوت و مالش زیادت گردد و اگر بیند که پای او چون پای اسپ بود یا پای
دلیل بود که قوت و جاه او افزون گردد و اگر پای خود چون پای درندگان یا ددگان بیند چیزی حرام حاصل کند و اگر پای خود را چون
چنگال مرغان بیند دلیل بر قوة و کسب معیشت و ... بود و بر دشمن ظفر یابد حضرت صادق ع فرماید که دیدن پای در خواب بر هفت وجه بود
اول عیش دوم عمر سیم سعی کردن چهارم طلب مال پنجم قوة ششم سفر هفتم زن و پای کوفتن در خواب غم و مصیبت بود پای
اورنجن ابن سیرین گوید که اگر مردی در خواب بیند که پای اورنجن در پای داشت دلیل بود که او را رنج بود و اگر بیند که سیمین بود
رنج و سختی او کمتر بود کرمانی گوید که پای اورنجن زنان زن را شوی بود و زنان را نیک بود و پیرایهای زرین زنان را نیک بود و مردان را حرام
و اگر بیند که اورنجن از پای بیرون کرد یا از وی ضایع شد دلیل بود که آنکس از وی برگردد بند نهادن ابن سیرین گوید که اگر
بند بر پای خود نهاده بیند دلیل بود که ترسان و هراسان گردد و اگر بیند که بر پای او دو بند نهاده بود و او در مسجد بود دلیل بود که
او را در دین ثبات بود یا در نماز یا در غزای یا در کاری که در آن صلاح دین بود کرمانی گوید اگر بیند در خواب بند را که در پای خویش بند بود
و او را عزم سفر افتاد دلیل که در آن سفر دیر بماند و در آنجا مقیم گردد و هر چند که بر پای بند قوی تر و محکم تر بیند دلیل که اقامتش
در آنجا بیشتر بود و اگر بند فراخ بود بهتر باشد که تنگ بود و اگر بیند که بندش از رسن بود همین دلیل کند و اگر بندش از آهن بود دلیل بر
بر آنچیز که گفته یاد کرده شد و اگر بیند که بندش از رسن بود مقیم شدن از بهر دین بود و اگر بیند که او چون چوب بود مقیم شدن از
بهر فساد دین بود جابر مغربی گوید اگر بیماری بیند که بر پای او بند بود دلیل بود که از آن زحمت خلاصی یابد و اگر پادشاه بیند که بر پای
او بند بود دلیل که پادشاهی بر وی پایدار بود حضرت صادق ع فرماید دیدن پای بند در خواب بر سه وجه بود اول ثبات در دین دوم
زن خواستن سیم از سفر باز آمدن و علی الجمله هر که در خواب بیند که در پای او بند بود اگر در نیکی بود نیکی در وی پایدار بود و اگر در بدی
بود همچنین پای تابه ابن سیرین گوید که پای تابه در خواب چون نهاده بیند مال بود و چون بر پای پیچیده بیند سفر بود و اگر بیند
که پای تابه بر پای پیچیده است چنانکه مسافران آهنگ بیابان کرده اند و با وی هیچ رفیق و توشه نبود دلیل بود که زود از
دنیا رحلت کند و اگر بیند که پای تابه خویش بفروخت یا بکسی بخشید دلیل بود که مال وی ضایع گردد حضرت صادق ع فرماید که پای تابه
در خواب بر سه وجه بود اول مال دوم خواسته سیم سفر مرگ بود کسیکه بر پای پیچیده و تنها عزم بیابان کرده پاچه
ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که پاچه گوسفند همی خورد دلیل بود که چیزی و نعمتی بدو رسد بقدر آنکه خورده بود و اگر بیند
پاچه گاو همی خورد دلیل بود که در آنسال او را فراخی و نعمت بود بر اندازه خوردن او جابر مغربی گوید که خوردن پاچه در خواب

پای اورنجن

بند نهادن

پای تابه

پاچه

دلیل بود بر خوردن مال یتیمان بقدر آنچه خورده بود خاصه چون بیند که خام بخورد **پابند انداختن** ابن سیرین گوید اگر در خواب بیند
را پابند انداخته بود دلیل بود که مال آن کس حقیر و پایدار بود و از او بهره گیرد و حضرت صادق ع فرماید که پابندی کردن در خواب بر سه وجه بود اول غم
شدن آن کس که پابند او کرده دوم عنایت کردن بوی سیم خیر و منفعت بوی رسد و اگر بیند که از پابندان کسی بیرون آمد دلیلش محنت
این بود ببر ابن سیرین گوید که ببر جانوریست درنده و از جمله سباع است و دشمن شریر است و دیدن وی در خواب دشمن قوی دلیر بود
بسیار کریم و مهربان بود و اگر بیند که با ببر در نبرد و جنگ بود و او را قهر کرد دلیل بود که بر دشمن ظفر کرد و اگر بیند که ببر وی را قهر کرد دشمن
بر وی ظفر یابد و اگر بیند که ببر از وی ترسان بود و میگریخت از دشمن ایمن گردد و کرمانی گوید که پوست و استخوان
و موی ببر در خواب دیدن مال و منفعت بود که از دشمن بوی رسد بقدر آنچه دیده بود و اگر بیند که ببر برنشسته
بود و او مطیع بود دلیل بود که دشمن مطیع او گردد **بت** ابن سیرین گوید اگر بیند که بت می‌پرستید دلیل بود که بر خدا تعالی دروغ
گوید و بر راه باطل بود و اگر بیند که بت از چوب بود که او را می‌پرستید دلیل بود که منافق بود در دین و اگر بیند که آن بت از سیم بود دلیل
بود که از بهر هوای نفس تقرب کند بزنی که با وی میل دارد و اگر بیند که آن بت از زر بود دلیل بود که سلطان بکار کرد و جمع مال بود و اگر
بیند که آن بت از آهن بود یا از مس یا ارزیز دلیل بود که غرضش از دین صلاح دنیا و طلب متاع او بود و کرمانی گوید که اگر آن بت
از جواهر بیند دلیل که غرضش از دین پادشاهی و خدم و حشم بود و اگر بیند که آن بت از جواهر و رشد دلیل بود که غرضش از دین جمع کردن
مال حرام بود و اگر بیند که بت در خانه بود از عقل و دانش خود فرو ماند و متحیر گردد و حضرت صادق ع فرماید که دیدن بت در خواب بر سه
وجه بود اول دروغ باطل دوم مکر منافق سیم زن مفسد فریبنده **بخشش کردن** ابن سیرین گوید اگر بیند که مال خود را بکسی
بخیر بخشش میکرد دلیل کند که فرزند خود را زن خواهد یا کسی را از خویشان خود بزن دهد و مال خود بر ایشان قسمت کند و اگر بیند که مال خود
را بر فساد بخشش میکرد دلیل کند که سوی فساد و حرام گراید و اگر بیند که مال خویش بر بیگانگان بخشش میکرد دلیل کند که مالش هم
او را بر بیگانگان پراکنده گردد و کرمانی گوید اگر بیند که مال کسی را بخشش میکرد برضای خداوند تعالی دلیل خیر و شر آن بخداوند تعالی باز
بخور کردن ابن سیرین گوید که بخور کردن بخواب مال بود از مردی بزرگوار و اگر بیند که از بوهای خوش چیزی بخور کرد دلیل بود که
از آن مردی مال حاصل کرد و جابر مغربی گوید که بخوری که آن خوشبوی تر بود بیند و را خیر و منفعت بیشتر بود و اگر بخور ناخوشبوی
خداوند خواب را تاویلش بخلاف این بود و حضرت صادق ع فرماید که تاویل بخور کردن بخواب بر سه وجه بود اول مال بسیار دوم بهتر
خوش سیم نام نیکو **پر** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که او را پر بود چون پر مرغ دلیل بود که او را توانگری و بزرگی بود و بیند
پرها و بعضی از معبران گویند که پر دیدن بخواب قوت و پناه بود و کرمانی گوید اگر بیند که پر داشت و می پرید دلیل بود که بسفر رود و کار
نیکو بود و اگر بیند که با خود پر مرغ داشت دلیل بود که بقدر آن وی را خیر و منفعت حاصل گردد و اگر بیند که پرهای وی بیفتاد دلیل بود که از
او جاه بیفتد و مالش نقصان گردد **پیراهن** ابن سیرین گوید که پیراهن دیدن بخواب دلیل بود بر اندیشه و غم و خوردنیش دلیل
بربط ابن سیرین گوید که بربط بخواب لهو باطل دنیا بود و سخن دروغ و محال گویند و اگر بیند که بربط میزد دلیل بود که سخن دروغ

کسی را در دروغ مدح و ستایش کند اگر بیند که کسی پیش او بربط میزد دلیل که سخن محال و باطل شنود و اگر بیند که با بربط چنگ و چغانه میزد
و نامی بود و اینجمله دلیل بر غم و مصیبت کند که با اهل آن موضع رسد اگر بیند که بربطها و بشکست یا بیفکند دلیل بود که از دروغ و اهل گفتن توبه
کند و اگر بیند که بیمار بود و بربط میزد دلیل بر مرگ او بود کرمانی گوید اگر بیند که بربط بشنود و استاد وار میزد و او بربط زدن نداند اگر بیند
خواب عالم بود دلیل کند که مردمان را علم و بیان نیکو گوید و باشد که این هر سه علما بدانند اول تفسیر دوم فقه سیم قصص و اگر بیند که کسی
جاهل بود کاری کند که او را ان شغل و را از مردم ملامت و سرزنش رسد و اگر بیند که او از بربط میشنید دلیل بود که خبر زن بزرگ شنود یا
از زمین و برادر و ستی فتد **جستن** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از جائی بجائی بجست دلیل بود که حال او بگردد و اگر بیند که بجائی
دوری جست دلیل بود که بسفر دور شود و اگر بیند که در وقت جستن عصا در دست داشت دلیل که اعتمادش بر مردی قوی بود کرمانی گوید
اگر بیند که از جائی بیرون جست دلیل است که از حال بد بحال نیک گردد و اگر بیند که بهر جائی که نجاست میجست دلیل بود بر قوت جابر
مغربی گوید اگر بیند که از جائی پاکیزه بجست دلیل بود که از حال فساد بحال صلاح آید و اگر بخلاف بیند از حال صلاح با فساد آید **بر دار کردن**
ابن سیرین گوید که روزی مردی نزد من آمد و گفت که بخواب دیدم که مرد را بر او دست ببریدند و دیگر را بر دار کردند گفتم که اگر این خواب
راست میگوئی امروز امیر شهر را معزول کنند و امیری دیگر بجای او بنشانند پس هم انروز چنان شد و دیگری بجای او بنشست کرمانی گوید
که اگر بیند که کسی را بر دار کردند و مردم در وی نظاره میکردند دلیل بود که بر چندین مردمان محتشم گردد و اگر بیند که کسی به نظاره او نبود شرف
و بزرگی یابد لیکن در را و دین مدبر و فاسق بود و اگر بیند که گوشت کسی را بر دار کرده بود میخورد دلیل کند که مال از کسی که بر مردم مسلط
بود بخورد خاصه که چون بیند که او را اثری بود و اگر بیند که او را بر دار کرده بودند و خون از وی روان شد دلیل که غیبت مردم کند و گناه بسیار
از او بوجود آید حضرت صادق ع گوید که بر دار کردن در خواب بر چهار وجه بود اول مهتری دوم مال سیم بزرگواری چهارم غیبت مردم
کردن **برد** و ابن سیرین گوید که بهترین جامها برد بود و اگر بخواب بیند که برد او زینبه بود و بگونه سبز و سفید بود یا جامه نو از برد پوشیده
بود دلیل بود که فراخی نعمت یابد و بقدر آنکه جامه نیک بود آنرا خیر و منفعت رسد و اگر بیند که جامه تنگ داشت و بگونه سیاه
و کبود بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی گوید که برد فروش مردی بود که دین را بدنیا اختیار کرده باشد خاصه چون برد ابریشمینه بود
و اگر بیند که در وی ابریشم بود دلیل بود که هم طالب دین بود و هم طالب دنیا **پرده** ابن سیرین گوید که هر که پرده بخواب بیند
که بر در او آویخته اگر تنگ بود و اگر ستبر غم و اندوه بود و ترس و بیم بود و در همه کارها ایمن گردد و اگر بیند که پرده بر در سرائی بزرگ
یا بر در مسجد یا در میان بازار غم و اندوه بود و ترس عظیم کرمانی گوید اگر بیند که پرده ضایع شد دلیل که خداوندش از غم و اندوه فرج
یابد و از ترس و بیم ایمن گردد و چون پرده بیند و معروف نبود غم و اندوه و صعبتر بود و اگر معروف بود آسان تر بود جابر
مغربی گوید که پرده نو پادشاه را نیکو بود و رعیت را بد بود . و پرده کهن بهمه حال نیکو نباشد **پرده داری** محمد بن سیرین گوید
اگر کسی بخواب بیند که پرده داری میکرد دلیل که حاجتی که دارد روا گردد و جاه و عزتش زیاده گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که
پرده داری پادشاه مصلح عادل میکرد دلیل کند که وی بصلاح و بخیر گراید و مال حلال یابد و اگر بیند که پرده داری پادشاه مفسد

پرستو

و تمام میکرد دلیل فساد و مال کردد و مال حرام یا بر پرستو ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که پرستو داشت یا کسی بوی داد دلیل
کند که از کسی که از او جدا شده بود موانست گیرد و در مقام او قرار گیرد و اگر بیند که پرستو را بکشت یا از دست بیفکند دلیل بود
بر مفارقت دار و جدائی جوید و دور شود کرمانی گوید که دیدن پرستو در خواب مردی توانگر با خرد بود و اگر پرستو ماده بیند
با خرد بود و اگر بیند که پرستو از وی بپرید دلیل بود که از مردی توانگر جدا گردد و اگر بیند که پرستو در دست وی بمرد دلیل بود که او
بمیرد و رنج و اندوه بیند جابر مغربی گوید اگر بیند که پرستوئی را فرا گرفت دلیل که از غمها فرج یابد و از ترس و بیم ایمن گردد

برف

ابن سیرین گوید که برف بخواب دیدن غم و اندوه و عذاب بود بر گرانگی دیده بود و اگر در زمستان برف بیند یا بجایگاهی که در
برف بود دلیل بود که اهل آن موضع را غم و اندوه رسد جابر مغربی گوید که دیدن برف بخواب لشکر سلطان بود خاصه که با برف بیند
صادق فرماید که دیدن برف بخواب بر شش وجه بود اول روزی دوم غنیمت سوم مال بسیار و ارزانی نرخها چهارم
پنجم بیماری ششم غم و اندوه و اگر بیند که بتابستان برف جمع میکرد دلیل که مال حلال جمع میکرد دلیل کند که بعیش خوش کند
و منفعت بسیار یابد کرمانی گوید که برف بخواب دیدن در سرد سیر دلیل بر خیر و نیکی کند و در گرمسیر دلیل بر غم و اندوه و
و اگر بیند که برف بوقت خود میبود بهتر از ان بود که بیوقت بود

برق

برق ابن سیرین گوید که برق در خواب خزانه دار
از معبران گفته اند که برق وعده کردن پادشاه بود و بیم مرد طالع را بطمع وی اگر بیند که برق ... یا از ابر فرا گرفت
کند که در ان خشکی خیر آن بود و اگر بیند که برق همی درخشید دلیل که در آن سال نعمت فراخ بود خاصه که با برق باد آهسته بود حضرت صادق
فرماید که برق در خواب بر پنج وجه بود اول خزانه دار پادشاه دوم بیم و وعده سوم عتاب چهارم رحمت پنجم باران

برگستوان

ابن سیرین گوید که برگستوان در خواب استواری و محکم کاری بود و اگر بیند که بر اسپی با برگستوان نشسته بود دلیل بود که کار وی محکم و بسته
گردد و بر دشمن ظفر یابد و خصم را قهر کند جابر مغربی گوید اگر بیند که اسپ وی با برگستوان در میان مردم میرود دلیل بود که کار بمراد
او و دولت مساعد او گردد و اگر بیند که برگستوان از اسپ در افتاد یا ضایع گردید دلیل بود که نامرادی یابد و در دست خصمان مغلوب

برنج

برنج ابن سیرین گوید که برنج دیدن بخواب مال بود که برنج حاصل گردد بقدر آنکه دیده بود کرمانی گوید اگر بیند که برنج پخته همی خورد دلیل
حاجت او روا گردد و خیر و نیکی بدو رسد و اگر بیند که برنج با گوشت پخته همی خورد بهتر و نیکوتر بود و برنج با شیر خوردن بغایت نیکو بود
بیند که برنج با دوغ پخته همی خورد دلیل بر غم و اندوه کند حضرت صادق فرماید که دیدن برنج در خواب بر سه وجه بود اول مال دوم
سوم خیر و منفعت که بدو رسد

پرنده

پرنده ابن سیرین گوید اگر بیند که پرنده داشت و از دست او بپرید و دیگر باز بدست او آمد دلیل بود
او ... و اگر بیند که بپرید دلیل بود که بعضی از مال او برود

برنشان

برنشان بدانکه برنشان در خواب چون ناودان باشد و شرح آن در حرف
دال بیان کرده شود

بره

بره ابن سیرین گوید که بره در خواب اگر نر بود و اگر ماده بود فرزند بود اگر بیند که بره فرا گرفت یا
او دلیل بود که او را فرزندی آید و آن فرزند بروی بود و اگر بیند که بره را بکشت دلیل بود که فرزند او بمیرد و اگر بیند که گوشت بره
را بخورد او را بسبب فرزند غم و اندوه رسد کرمانی گوید که دیدن بره در خواب خیر و منفعت بود و نیکوئی ...

ها کوچکی بود واگر بیند که بره داشت او را مال وغنیمت رسد بقدر آن واگر بیند که بره یا بزغاله را بکشت وآنرا بخورد و نه از بهر گوشت کشت
دلیل بود که او را مصیبتی رسد بسبب فرزند حضرت صادق ع فرماید که دیدن بره در خواب بر چهار وجه بود اول فرزند دوم مال حلال
سیم معیشت چهارم غم واندوه برهنگی محمد بن سیرین گوید اگر کسی در خواب خود را برهنه بیند چنانکه از مردم شرم دارد و پوشش طلب کند
دلیل بود که هیچ طلب کند واگر بیننده خواب مردی مستور صالح بود گناهش عفو کرده واگر خداوند خواب صالح نباشد دلیلش بد بود کرمانی گوید
اگر کسی خود را برهنه بیند و در طلب دنیا بود دلیل بر غم واندوه بود واگر بیند که ازاری بر میان بسته بود دلیل بود که در طاعت وعبادت مجتهد گردد
جابر مغربی گوید برهنگی در خواب دلیل محنت ورسوائی بود واما اگر عورت را پوشیده بیند مرد صالح را نیکو بود وفاسق را بد بود حضرت صادق ع
فرماید که برهنگی در خواب مرد صالح را خیر ونیکی بود ومرد مفسد را بدی ورسوائی وپیچ رستی پروانه ابن سیرین گوید پروانه در خواب دیدن
مردی ضعیف ونادان بود که خود را بنادانی در هلاک اندازد کرمانی گوید اگر بیند که پروانه از پس پشت او بپرید واینکس را فرزند دلیل
که بگنیزکی دوشیزه دراز کند وازوی پسری آید اگر بیند که پروانه را بکشت یا در دست او هلاک شد دلیل که فرزندش هلاک گردد
بروت در خواب دیدن دلیل بر هیبت مرد کند اگر بیند که کسی بروت او را بمقراض میبرد است بتاویل نیکو بود واو را بهضرت رسد
واگر بیند که بروت وی وقت پیراستن از تن بپرید یا بستر دلیل نقصان هیبت مرد بود کرمانی گوید اگر بیند که بروت وی دراز شده بود دلیل
بر آنکه تو انگری بود واگر بیند که کسی بروت او را برکند دلیل که با کسی خصومت کند واگر بیند که بروتش سفید گردیده بود دلیل که از کار نا کردنی
باز ایستد واگر بیند که او را بروت بود واگر دراز بود دلیل بر غم واندوه بود واگر اندک بود دلیل بر عز وجاه ومراد کند بروج دانیال گوید
دیدن حمل واسد وقوس لشکر پادشاه بود ودیدن ثور وسنبله وجدی پسر پادشاه ودیدن جوزا ومیزان ودلو قاضی وصاحب
پادشاه بود ودیدن سرطان وعقرب وحوت دیدار صاحب شرطه وشراب دار پادشاه بود ابن سیرین گوید اگر کسی حمل را بخواب بیند با مرد
منشور با کار می افتد وحاجت او روا کند واگر ثور را بیند با مردی جاهل نادان او را کاری افتد وحاجت روا گردد واگر جوزا را بیند او را با مردی فصیح
زبان ودانا کاری افتد وحاجتش روا گردد واگر سرطان بیند او را با مردی بی اصل کاری افتد حاجتش روا گردد وبزرگی وجاه یابد واگر سنبله را بیند او را با
مردی کشاورز بیوفا کاری افتد ومرادش بر نیاید واگر میزان را بیند او را با مردی قاضی کار افتد وبر وعده که دهد وفا کند واگر عقرب را بیند با مردی زشت خلق
مفسد بدکار می افتد واو را زحمت رسد وغمگین گردد واگر قوس را بیند او را با مردی سالار ومهتر کاری افتد وحاجت او روا گردد واگر دلو
ورا دوست دارند واگر حوت را بیند او را با مردی غریب ساده دل ونیکرای مهربان کم سخن کاری افتد وحاجت او روا گردد پری
بدانکه معبران را درین خلاف است بعضی گفته اند که دشمن بود وبعضی گفته اند بخت است وکامروائی دلیل آنکه روایت ابو هریره که گوید از رسول خدا
شنیدست که دیدار پری در خواب دولت وبزرگی بود و دست در دست او نهادن ویا او سخن گفتن دلیل خرمی بود محمد بن سیرین گوید
پری بخواب دیدن که خوشخوی وشادمان وخوب روی بود دلیل که عز ودولت یابد واگر او را زشت وغمگین بیند دلیل بر غم واندوه
بود واگر پری خویش را مرده بیند کار او شوریده گردد واگر با پری جنگ میکرد دلیل که کار او آشفته گردد کرمانی گوید پریان بعضی مسلمانند
در خواب دیدار دوست وبخت ودولت بود وآنچه کافر باشند دیدار ایشان دیدار دشمن واو بار واندوه بود دانیال گوید اگر کسی بخواب

برهنگی
پروانه
بروت
بروج
پری

پریان

بیند که در میان پریان بود دلیل بود که بسفر شود و آن سفر او را مبارک بود و اگر بیند که پری او را در گردن گرفت و میرفت دلیل بر قوت و
بزرگی بود و اگر بیند که پری او را از گردن بیفکند آفت از جاه و بزرگی بیند و اگر بیند که پریان معنی سخن میگفتند دلیل بود که کارش نیکو گردد
و اگر پری او را در جامه نیکو بیند حالش نیکو گردد و اگر پری او را در جامه بد بیند حالش بد گردد و اگر بیند که پری او را چیزی داد از درم و سیم و آنچه بدین
ماند دلیل بود که دولت و اقبالش زیادت گردد جابر مغربی گوید که اگر پری او را با مرد و بیند دلیل بود که حال او بد گردد و اگر بیند که
پریان او را بنواخت دلیل بود که دولت و اقبال یابد و مقرب پادشاه گردد و اگر بیند که پری جایگاه خویش بدو نمود و خود را بدو
عرضه کرد و گاه خود را پنهان دلیل بود که زنی با وی مکر و خیانت سازد و اگر بیند که در خانه پریان شد و ایشان را می شناخت و دید
دلیل بود که بغربت افتد و شهرها بیند و اگر بیند که پری او را می برد دلیل بود که حاجت او روا گردد از جائیکه امید ندارد حضرت
صادق ع فرماید که دیدن پری در خواب بر پنج وجه بود اول دوستی عزیز دوم بخت و دولت سیم کاری که دارد و از آن کار مراد یابد

پریدن

چهارم بزرگی و حشمت بود پنجم خبر دروغ و کارهای باطل بود پریدن و از گردن دانیال گوید اگر بیند که چون مرغ از جائی بجائی میپرید دلیل
که بسفر رود و بقدر بلندی و پریدن وی از زمین بلندی و شرف یابد و اگر بیند که راست بآسمان می رفت دلیل بود که او را مضرت رسد
و اگر بیند که چندان پرواز میکرد در هوا که بآسمان رسید و در آسمان ناپدید شد و از آنجا باز پدید شد و بزمین نیامد دلیل کند که زود از دنیا رحلت
کند محمد بن سیرین گوید که اگر کسی بیند که از جانب قبله بپرید و باز بجای خویش آمد دلیل کند که از سفر زود باز آید با منفعت بسیار و اگر
بیند که پرها داشت و اگر بیند که بی پر همی پرید دلیل بود که از حال خود بگردد و اگر بیند که از بام خویش بام دیگری پرید دلیل کند که زن
طلاق دهد و زنی دیگر خواهد یا کنیزکی خرد کرمانی گوید اگر بیند که بعنان آسمان بپرید دلیل کند که حج کند و اگر بیند که از سرای خود بسرای
بپرید دلیل کند که اجل او نزدیک آمده باشد و باید از گناه توبه کند اگر بیند که پر داشت لیکن بجانب مرغان دلیل کند که بیمار گردد و لکن
بهلاکت رسد و عاقبت شفا یابد و اگر بیند که از جائی بجائی بپرید از بیم دلیل کند که سفر نزدیک کند حضرت صادق ع فرماید که پریدن بخواب بر پنج

بریان

وجه بود اول سفر دوم حج سیم بزرگی چهارم تغیر حال پنجم بیماری و مرگ نعوذ بالله بریان محمد بن سیرین گوید که بریان در خواب منفعت
سختی بود و در فراخی طلب روزی و گوشت پخته بتاویل بهتر از گوشت خام بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که بریان از گوشت گوسفند خورد
دلیل کند که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آورد و اگر بیند که بریان از گوشت گاو خورد دلیل بود که از ترس و بیم ایمن گردد و اگر بیند که
بریان ماهی خورد دلیل بود که او را مالی اندک حاصل گردد و بعضی از معبران گفته اند که خوردن بره پخته در خواب دلیل آمدن پیری کند جابر مغربی
گوید اگر بیند که سر بریان میخورد دلیل بود که او را از مهتری منفعت رسد و اگر بیند که مرغ بریان میخورد دلیل بود که مالی از جهت زنی بهره
بدست آورد و اگر بیند که ماهی بریان کرده میخورد دلیل بود که بسفر شود و بطلب علم یا بصحبت مردی بزرگ بپیوندد اگر خرد از خواب
بود و اگر معتمد بود دلیل برنج و غم و اندوه بود و دشمن و ماهی بریان کرده چون تازه بود بهتر از شور بود و ماهی بزرگ بهتر از خرد بود

بریان فروش

و دیدن بریان فروش در خواب مردی بود که بسبب وی دیگران فراخ روزی گردند بهتر از عباسی جامه فروش بود و دیدن مردی
عظیم خطرناک زیرا که بهای جامه درم و دینار بود که بستانند و تاویل درم و دینار مکروه و اندیشه بود اما این تعبیر ثابت گشت

بهای جامه خرد و درم و دینار چیزی دیگر ستاند نیک و بد وی دلیل بر نوع آنچه خرید کند که ستاده بود و کرمانی گوید اگر کسی بخواب بیند که بزازی همی کرد
و بهای کالا درم و دینار می ستد دلیل کند که او را اندوهی و زیانی رسد و اگر بیند که کالای دیگر بعوض کالای خویش بستد دلیل کند که مراد حاصل کرد
حضرت صادق ؑ فرماید که دیدن بزاز در خواب نیت دنیا بود و بز ابن سیرین گوید که بز در خواب مرده بود و بز بزرگ و ماده بز زنی بود و در خواب
هم بدامیشان اگر بیند بزی مجهول را بکشت دلیل بود که بر مردی بزرگ ظفر یابد و اگر بیند که پوست بز را بکند دلیل کند که مال بسیار بستاند و بهره
کند و اگر بیند که از گوشت او بخورد دلیل کند که مال بخورد و اگر بیند که بر وی نشست و از هر جانب بیراند دلیل بود که با مردی بزرگ مکر و حیله کند
و بهر حال که خواهد او را گرداند و اگر بیند که بز او را از پشت خود بیفکند دلیل کند که آن مرد او را از جاه و حرمت بیفکند و اگر بیند که مر دو سروی بز را آن شکست
دلیل کند که آن مرد را از عمل منع کند و اگر بیند که سرونهای بز دراز و قوی شده بود یا در عدد زیاده گردیده بود دلیل بود که در عمل خود مهتر و قوی
گردد و بر ایشان ظفر یابد و اگر بیند که موی او زیاده شده بود دلیل بود که مالش زیاده گردد و اگر بیند که پشم او بستد دلیل کند که بقدر آن
مال از فرزند بستاند و اگر بیند که ماده بزی را بیافت یا کسی بدو بخشید دلیل که زنی بخواهد کرمانی گوید اگر بیند که ماده بز را بدوشید و شیر او را
بخورد دلیل که از زنی مال یابد و اگر بیند که ماده بز را بکشت و گوشت او را بخورد دلیل که از آن زن حاجت او روا گردد و اگر بیند که ماده بز را
نه از بهر گوشت دلیل کند که زنی بنکاح بخواهد و از او فایده نه بیند و اگر بیند که ماده بز از خانهٔ او بیرون شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که
رمهٔ بز در خانه داشت یا بجای دیگر و دانست که ملک وست دلیل که بقدر آن وی را مال و نعمت و غنیمت بدست آید و اگر بیند که رمهٔ بز
و گوسفند در صحرا می چرانید و بهر جا که میخواست میبرد دلیل بود که بولایتی از عرب یا از عجم حاکم گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که از گوشت بز
بریان خورد دلیل کند که بیمار گردد و زود شفا یابد و پوست و پشم و شیر بز در خواب خیر و برکت و مال بود که بدو رسد و اگر بیند که بزغاله بدو دادند
یا بیافت یا بخرید دلیل کند که وی را فرزندی مبارک آید و اگر بزغاله را بکشت دلیل که فرزند او هلاک گردد و اگر بیند که گوشت بزغاله بخورد
دلیل که از مال فرزند چیزی بخورد حضرت صادق ؑ فرماید که نر بز در خواب مقدم لشکر بود و اگر بیند که نر بز بیافت و بر وی نشست دلیل بود که او
بر مقدم لشکر گردد و اگر از مردم عامه بود دلیل که او را با مقدم لشکر صحبت افتد و اگر گردد حضرت صادق ؑ فرماید که از پیغمبر شنیدم که فرمود
هر که بز را بخواب بیند که بخورد یا بخرد فی الحال روشنائی از وی دور گردد و دیدن بز فروش در خواب مردی بود که مردان و زنان را جمع کند کرمانی
گوید که بزماوه در خواب دیدن و گوشت او خوردن مالی جمع کردن بود و بعضی از معبران گویند که مالی جمع کرده او را حاصل کرده جابر مغربی
گوید که بزماوه دیدن و خوردن دلیل خیر و منفعت کند چون بطعم خوش و نیکو بود و اگر بطعم ناخوش بود دلیل بر غم و اندوه کند بذر
قطونا ابن سیرین گوید که دیدن بذر قطونا در خواب دلیل بر غم و اندوه کند و خوردن وی دلیل بر نقصان مال بود بقدر آنکه خورده بود
بساط بدانکه بساط در خواب شادی و روان بود و اگر بیند که بساطی بگسترد و بر روی نشست دلیل بود که روزی بر وی فراخ گردد و عمرش
دراز بود جابر مغربی گوید اگر بیند که بساط پاکیزه و نو داشت و بزرگ و فراخ دلیل بود که نعمت و مال او بسیار گردد خاصه که گسترده بیند
و بساط خویش بفروخت یا بکسی بخشید دلیل بود که در مال وی نقصان شود و اگر بیند که بساط او بسوخت دلیل کند که روزی بر وی
تنگ گردد و حالش بد شود حضرت صادق ؑ فرماید که دیدن بساط در خواب بر پنج وجه بود اوّل عزّ و جاه

بزقطونا

بساط

فراش و بساط
بستر

دوم بزرگی و رفعت سیم مرتبت چهارم مال پنجم عمر دراز ششم شاید دیرینه کی بدانکه چون بساط و فروش چون بساط و
این بود بستر ابن سیرین گوید که بستر در خواب زن بود و نیک و بد آن تعلق بزن دارد و اگر بیند که بستری خرید یا بستر او بیانکند
بستر دیگر شد دلیل بود که زن دیگر خواهد و زن نخستین را طلاق دهد و اگر بیند که بستر از حال خود متغیر گردید دلیل بود که زن او
بحال دیگر گردد و اگر بیند که بستری بستر دیگر شد بهتر از آن یا کمتر از آن دلیل کند که زنی بخواهد و زن نخستین را طلاق دهد و اگر بیند که
او بستر از فرو خفت یا در نوشت دلیل بود که زن را طلاق دهد یا از او غایب گردد و یا از ایشان یکی بمیرد کرمانی گوید اگر کسی خود را بر بستر
مجهول بیند دلیل که بقدر قیمت آن او را زیانی رسد و اگر بیند که بستری بر تختی مجهول گسترده بود و بر وی نشسته بود دلیل بود که بر
منزلت یابد و دشمنان را قهر کند جابر مغربی گوید که بستر در خواب ولایت و تن آسانی بود قوله تعالی مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ فُرُشٍ
بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ و اگر بیند که بستر از خانه بیرون انداخت و بعد از آن بخانه آورد دلیل بود که میان او و زن طلاق
افتد و اگر خویشتن را بر سه بستر چهار بستر یکی افتاده بیند دلیل کند که بشمار و هر بستری زنی بخواهد یا کنیزک بخرد و اگر بستر خود را در
بیند یا در مغاک که از آنجا بیرون نتوانست آورد دلیل بود که زنش رنجور گردد و از آن رنج خلاصی نیابد و اگر خویش را بر بستر
گسترده بیند که خفته بود دلیل بود که آن سال بروی مبارک گردد اگر بیند که بستر او از پشم اکنده بود دلیل بود که زن توانگر خواهد
و بستر او دریده بود یا سوخته بود دلیل بود که اجل او نزدیک آمده باشد و عیالش را دین و دیانت و شرم نباشد اگر بیند که بستر او
بود یا بستر کرباسین بدل کرد دلیل بود که زن فاسق را دست بدارد و زن مستوره بخواهد و اگر بیند که بستر او موش سوراخ کرده بود دلیل
بود که میان زن او و کسی نامحرم معاملتی اتفاق افتد و بفساد رضا دهد و اگر بسترش در هوا معلق بود دلیل بود که بستر او در جایگاهی بلند
گسترده گردد شغل و بالا گیرد و دولت یابد و اگر بیند که بستری از هوا بزمین افتاد دلیل کند که زنش بیمار گردد و بعاقبت شفا
یابد کرمانی گوید اگر بستر خود را سبز بیند دلیل بود که زنی خواهد دیندار و پارسا و اگر بستر خود را سرخ بیند دلیل بود که زن او بدخو
و ناسازگار گردد و اگر بیند که بسترش کهنه بود و نو شد دلیل بود که زنش از خلق بد بخلق نیک باز گردد و اگر بیند که کهنه شد همچنین دلیل
کند که از خلق نیک بخلق بد باز گردد و اگر بیند که بستر او سبز بود سرخ شد دلیل بود که زن وی از صلاح بفساد مایل گردد و اگر بخلاف
این بود از فساد بصلاح باز آید اگر بیند که بستر او سرخ بود سفید گردید یا زرد شد دلیل بود که زنش از گناه توبه کند و بیمار گردد و
بیم مرگ بود و اگر بیند که بستر او نو بود و در زیر خود گسترده بود و بالشها نهاده بود دلیل بود که زن کند یا کنیزکان و خادمان خرد و اگر
بر بستر خویش بالشها دید نهاده دلیل بر خادمان کند قوله تعالی وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ اگر بیند که بستر بجایی مجهول دلیل بود که
بگذرد و در آن کشاورزی کند و معبران گویند که میراث یابد و اگر بیند که بر بستر خفته بود دلیل که راحت و آسانی یابد و اگر بیند که
داشته و بر هوا بروی او خفته بود دلیل است که بسبب زن جاه و بزرگی یابد و اگر بیند که بسترش دریده بود دلیل که زنش
بود و معبران گویند که زنش بمیرد و اگر بیند که آتش در بستر او افتاد و بسوخت دلیل بود که زن را طلاق دهد یا بمیرد حضرت امام صادق
فرماید دیدن بستر در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم کنیزک سیم ولایت چهارم معیشت و منفعت و تن آسانی بسب

بستر

گوید اگر بخواب بیند که بست میسر د یا بست دارد دلیل بود که بقدر آن غم و اندوه خورد و اگر بیند که بست بکسی داد یا بفروخت دلیل بود
که از وی بدانکه غم و اندوه در سد جابر مغربی گوید اگر بیند که بست داشت و از خانه بیرون ریخت یا بکسی بخشید و هیچ از آن نخورد دلیل بود که از
غم رسته گردد و از رنج خلاصی یابد **بستان افروز** ابن سیرین گوید که بستان افروز در خواب دیدن شادی بود و لکن بدین بدبود و اگر بیند که
بستان افروز فرا گرفت یا کسی بدو داد دلیل بر خرم و شادی بود که خرم گردد و اگر بیند که بستان افروز بکسی داد دلیل بود که او را از غم گرداند
کرمانی گوید که بستان افروز چون بوقت خود بیند بهتری بود و بعضی از معبران گویند که زن بازرگان توانگر بود با جمال و خوش طبع و اگر
بیند که بستان افروز در خواب در جایگاه خویش میکرد دلیل که دیرا بازرگانی دوست و مصاحب افتد و اگر بیند که از زمین بکند دلیل که از
صحبت مردی جدا گردد **پستان** در خواب دختر بود و آنچه در پستان بیند از زیادت و نقصان صلاح و فساد آن جمله بر دختران کند و اگر بیند
که از پستانش شیر روان گردید دلیل که بر دخترش نعمت و روزی فراخ گردد و مال حلال یابد و اگر بیند که بدل شیر از پستانش خون روان شده
بود دلیل بود که مال حرام یابد و اگر بیند که پستان وی بیش از اندازه فرود آویخته بود دلیل بود که او را دختری آید و اگر مردی بیند که در پستان او
شیر جمع گردیده بود و اگر زن ندارد زن خواهد و فرزندش آید و اگر زن دارد توانگر گردد و اگر این خواب را عجوزه بیند دلیل بود بر درویشی وی
و اگر زن جوان این خواب را بیند دلیل بود که عمرش دراز بود و اگر دختری بیند دلیل بود که هم در خوردی بمیرد کرمانی گوید اگر مردی بیند که پستان
مردی بمکید دلیل بود که بیمار گردد و اگر زنش آبستن بود پسر آورد و اگر زن بیند که از پستان میچوزد دلیل بود که کار دنیا بروی بسته گردد
جابر مغربی گوید پستان در خواب زن او بود و پستان زن دختری و اگر زنی بیند که پستانهای وی بریده بود دلیل بود که دخترش
بمیرد و اگر مردی بیند که پستانش بریده بود دلیل بود که زنش بمیرد و اگر زنی بیند که در زیر پستان پستانی دیگر برآمد دلیل بود که دختر آورد
و اگر بیند که هر دو پستانش بزرگ شده بود دلیل بود که احوال فرزندانش نیکو گردد یا دختر را شوهر دهد و اگر بیند که از هر دو پستان
خود شیر میچوزد دلیل بود که او را عز و سلامت رسد و اگر بیند که از پستان وی شیر بشکم او میشد دلیل که او را زیانی رسد و اگر بیند که
یک پستانش بآتش بسوخت دلیل بود که دخترش را شغلی افتد از پادشاهی و اگر بیند که بر همه تنش پستانها بود دلیل بود که اهل و فرزندش
بسیار گردد و اگر فرزند ندارد و از مالش زیادت گردد و لیکن با مردمان ملامت بود و اگر زنی بیند که او را از پستان آویخته بودند دلیل بود که
حرام پسری آورد حضرت صادق ع فرماید که دیدن پستان در خواب بر پنج وجه بود اول فرزندان خرد دوم دختران سیم خادمان
چهارم دوستان پنجم برادران **پستان بند** ابن سیرین گوید که پستان بند دیدن در خواب عز و مرتبت و کامرانی بود و مرد از
زحمت آزاد شود و غم و اندیشه بود و اگر زنی بیند که پستان بند نو و تازه داشت دلیل بود که عز و مرتبت یابد و بکام رسد و اگر زنی بیند
که پستان بند داشت دلیل بود که مال و نعمت یابد و شادمان گردد و اگر مردی بیند دلیل بود بر خذلان و نامرادی از همگنان
پشت ابن سیرین گوید که پشت در خواب دیدن مردی بود که از او قوه و پناه و یاری طلبد و اگر بیند که پشت او بشکست دلیل
بود که آنکس که پشت و پناه او بود از دنیا رحلت کند و اگر بیند که زخمی بر پشت او رسید دلیل بود که رنجی و آفتی بدو رسد که پشت و استظهار
او بود کرمانی گوید مهرهای پشت قوه و فرزند بود و هر صلاح و فساد که در مهرهای پشت بود تاویلش بر قوه فرزندان بیننده خواب

رسد و اگر بیند که پشت او درشت و با قوت بود دلیل بود که او را فرزندی بخت و قوی بود و عاقل بود و اگر بیند که چیزی بر پشت گرفت دلیل
که بقدر آن گرانی غم و اندوه بوی رسد و اگر بیند که مرده بر پشت گرفت دلیل بود که مؤنت کسان مرده بوی رسد و اگر بیند که پشت او
برگشت دلیل بود که حال او بد گردد و جابر مغربی گوید که پشت دشمن بخواب دیدن ایمنی بود از شر دشمن و دیدن پشت زن دلیل گشتن
دنیا بود و اسمعیل اشعث گوید پشت بخواب دیدن برادر بود و اگر بیند که پشت او بشکست دلیل که برادرش بمیرد و اگر بیند که پشت
او در دنبال گردد دلیل بود که [illegible] و اگر بیند که بسبب حقی پشت او داغ کردند دلیل بود که بر صلح دین
و دنیای وی و اگر بیند که پشت بدیوار باز داد دلیل بود که بسفر شود و مال حاصل کند حضرت صادق فرماید که پشت بخواب دیدن
بر دوازده وجه بود اول قوت دوم یار سوم برادر چهارم یار پنجم پادشاه ششم وزیر هفتم حجت هشتم پدر نهم برادر دهم پسر یازدهم
یاری دادن دوازدهم جد یعنی پدر پدر و معبران گفته اند که دیدن پشت که از زنان بود دلیل بر [illegible] بود
اخلاص پشم ابن سیرین گوید که اگر کسی بیند که پشم داشت یا بر پشمه گوئی دلیل بود که بر مردی بزرگ شرف و منزلت
یابد که شرف و منزلت وی بقدر فراخی آن بود که بر آن نشست و اگر بیند که بر سر آن پشمه ایستاده بود دلیل که بنزدیک مردی بزرگ
شود و از وی مال و حرمت یابد و اگر بیند که آن پشمه تنگ موضع او بود دلیل بود که مردی بزرگ او را قهر کند و نعمت و مال
وی بر او مقیم گردد و اگر بیند که بعضی از آن پشمه ملک او است دلیل بود که بقدر آن نعمت و بزرگی یابد و اگر بیند که از آن
یا کسی او را بزیر انداخت دلیل بود که بسبب مردی بزرگ از حرمت کرده و منزلت بیند و اگر بیند که بر آن پشمه نشسته بود رحمت
بیمی رفت دلیل بود که غم و اندوه بوی رسد حضرت صادق فرماید که پشم دیدن بخواب بر چهار وجه بود اول بلندی دوم
نعمت چهارم تنومندی پشم ابن سیرین گوید که پشم در خواب دیدن از جهت مال حلال و روزی بود و پشمی که بافته باشد
و نیکوتر و اگر بیند که پشم داشت یا کسی بوی داد یا بخرید یا موضع خویش بود دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل گردد قوله تعالی وَمِنْ
أَصْوَافِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ کرمانی گوید که پشم از خویشتن دور کرد یا بر انداخت دلیل بود که
مال خود را تلف کند و اگر بیند که پشم بسوخت دلیل بود که مال خود را بزیان کند و اگر بیند که پشم بر بافت دلیل بود که
از آن مال حاصل کرده و اگر بیند که جامه پشمین یا پیرهن پشمین پوشیده دلیل کند که زنی توانگر بخواهد جابر مغربی گوید
پشم در خواب مال بود از قبل پادشاه و معبران گویند که میراث بود پشه ابن سیرین گوید که پشه مردی ضعیف و خوار
بود و کار اندک و حقیر کند و اگر بیند که با پشه جنگ میکرد دلیل بود که با مردی ضعیف خصومت کند و اگر بیند که پشه بگلوی او فرو شد
دلیل بود که با مردی حقیر کاری حقیر مشغول گردد و از وی چیزی بوی رسد و اگر بیند که پشه بسیار بر تن او جمع شد ... دلیل
بود که در زبان مردم عوام افتد و از ایشان بوی مضرت رسد و باشد که او را زیان رسد و اگر پشه خون مرا بمکد و اگر بیند که پشه
از تن او بیرون شد و از او رنج و گزند دفع شد دلیل بود که از مردم ضعیف رنج و گزند بوی رسد و اگر بیند که پشه بسیار بمرد دلیل
که غم و اندوه رسد و اگر بیند که پشه بر او غلبه کردند و در خانه او جمع شدند دلیل بود که بر دشمن ضعیف ظفر یابد و اگر بیند که پشه در چشم او شد دیگر

شیاید دلیل بود که در محنت و بلا گرفتار گردد و **بطه** ابن سیرین گوید که بط در خواب دیدن مال و نعمت بود که بدو رسد بقدر آنکه دیده و بود تمام
که در خانه و ملک خود دیده و بود اگر بیند که بطان بسیار در سرای او در کوچها جمع شده و بودند و بانگ همی داشتند دلیل بود که در آن موضع
مصیبت افتد اگر بیند که با وی سخن گفتند دلیل بود که بسبب زنی توانگر سفر کند و در آن سفر حرمت و منفعت یابد کرمانی گوید بط در خواب
مردی بود بزرگ از اهل بیت با مال و حشم بسیار اگر بیند که از اندام چیزی یافت دلیل بود که از مردم بدین صفت که گفته شد چیزی یابد
حضرت صادق ع فرماید که بط سفید در خواب مال بود یا زن توانگر و بط سیاه در خواب کنیزک بود اگر بیند که بط را بکشت و از گوشت وی بخورد
دلیل بود که مال زن بمیراث ستاند و هزینه کند **بغل** ابن سیرین گوید که بغل دیدن بخواب دلیل بر امانت و زشتی بود که بدو رسد و موی
بغل دلیل کند بر یافتن مراد و غالب شدن دشمن بروی کرمانی گوید اگر بیند که از بغل وی بوی ناخوش می آمد دلیل بود که مال حرام
جابر مغربی گوید اگر بیند که از بغل وی بوی ناخوش می آمد هم مال حرام یابد و اگر کسی بیند که دستها در زیر بغل داشت دلیل بود بر یافتن
مراد و قهر دشمن قوله تعالی وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ و بعضی از معبران گویند که دلیل بود بر داشتن ترس
و جوانمردی و هر که بیند که در بغل او نقصانی بیشتر بود که نامرادی کشد و دشمن بروی غالب گردد و اگر بیند که از بغل وی بوی ناخوش
می آمد دلیل بود که مال او بوی رسد اما بدشواری و اگر بیند که از زیر بغل عرق روان شد دلیل بود که بقدر آن عرق از مال او چیزی نقصان
گردد **بقالی کردن** ابن سیرین گوید که بقالی کردن در خواب جهد کردن بود در کارها و چیزی حاصل کردن بجهة معیشت اگر بیند
که بقالی همی کرد دلیل بود که بکار و کسب دنیا مشغول گردد و بقدر آنچه داشت ترا از متاع دنیا حاصل گردد کرمانی گوید اگر بیند که متاعهای
بقالی را بزر و درم میفروخت دلیل کند بر غم و اندوه زیرا که زر و درم بتاویل غم و اندوه بود حضرت صادق ع فرماید که بقالی کردن در خواب
بر سه وجه بود اول کسب کردن دوم منفعت یافتن سیم غم و اندوه و چون بیند که متاعها را میفروخت بزر و درم **بلانکینی** ابن سیرین
گوید که بلانکینی در دست داشتن بخواب دلیل بود که او را از کسی مدد و قوت باشد و اگر بیند که بلانکینی از چوب نرم جسته بود تا ولیش
این بود که گفته شد **پلاس** در خواب دیدن درویشی بود مصلح و پارسا و دین دار از اقوال و افعال با امانت اگر بیند که پلاسی تر
داشت دلیل بود که او را با چنین مردی صحبت افتد و از او خیر و منفعت آخرت یابد و اگر بیند که پلاس بسیار داشت دلیل بود که بقدر آن
او را مال و نعمت حاصل گردد و معبران گویند که پلاس مالی حلال بود و اگر بخواب بیند که پلاس نو یافت دلیل بود که زنی پارسای توانگر
بخواهد و از او خیر و منفعت بیند و اگر مردی بیند که پلاس نو بخرید دلیل بود که کنیزک پارسا بخرد و از او خیر و منفعت یابد **بلبل** دیدن کرمانی
گوید بلبل در خواب دیدن فرزند کوچک و غلام بود و از او در خواب کلام خوش و سخن لطیف بود اگر بیند که بلبلی بپرید دلیل بود که فرزند یا غلام
او ضایع گردد و اگر بیند که بلبل در دست او بمرد دلیل بود که فرزند یا غلامش بمیرد جابر مغربی گوید اگر بیند که بلبلان بسیار داشت دلیل بود
که بقدر آن غلامان بخرد و اگر بیند که بلبلان را بکشت و از گوشت آنها بخورد دلیل بود که غلام او بمیراث یابد **بلبله** کرمانی گوید که بلبله در خواب
دیدن کنیزک بود و ابن سیرین گوید بد زن او بود اگر بیند که بلبله خرید یا کسی بوی داد دلیل بود که کنیزک خرد یا زن خواهد و اگر بیند که از آن بلبله
آب همی خورد دلیل بود که با زن مجامعت کند و اگر بیند که آن بلبله بشکست دلیل بود که زن یا کنیزک وی بمیرد **حکایت**

کنند از ابو هریره که او گفت که پیش محمد بن سیرین بودم مردی بیامد و گفت بخواب دیدم که از بلبله آب میخوردم و آن بلبله را دو در بود از
یکی آب شیرین خوش میخوردم و از یکی آب شور و تلخ ابن سیرین گفت تو زنی داری و خواهر زنی و هر دو را بکار رسیده‌ای توبه کن و از خدا بترس
بترس مرد گفت چنین است که تو گفتی توبه کردم و بخدا باز گردیدم **بلغم** دیدن ابن سیرین گوید که بلغم در خواب مالی بود که بوجه صلاح
تمام نفقه کند اگر کسی بخواب بیند که بلغم بجای گاهی جرگ انداخت دلیلش بخلاف این بود اگر بیند که بلغم سفید از گلو بر انداخت بجای
پاکیزه دلیل کند که مال بوجه صلاح نفقه کند کرمانی گوید اگر بیماری بیند که بلغم را بیفکند دلیل بود که از بیماری شفا یابد و اگر بیند که بلغم سیاه
بیفکند دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بیند که بلغم خون آلود بود دلیل بود که از مال وی چیزی نقصان گردد و اگر بیند که بلغم بر روی جامه
خود انداخت دلیل بود که مال بر بیگانگان نفقه کند و اگر بیند که بلغم در مسجد بیفکند دلیل بود که مال نه بوجه صلاح بر بیگانگان نفقه کند
برگ ابن سیرین گوید که در خواب دیدن برگ درخت بر درخت خلق و خوی بیننده خواب بود خاصه بهنگام وی اگر بیند
که برگ سبز از درخت پاره فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل بیننده خواب را خلق و خوی خوش بود و نیکو کرمانی گوید اگر
بیند که از درخت برگ تازه فرا گرفت دلیل بود که او را بقدر آن درم حاصل گردد جابر مغربی گوید که برگ درختان میوه
شیرین دلیل بر خصلتهای نیکو بود و برگ درختان میوه ترش دلیل بر خلق بد بود و برگ درختانیکه بار نیاورند دلیل بر درم و دینار
بود و معبران گویند که برگ درختانیکه میوه دارند دلیل بر درم و دینار کنند **پلنگ** ابن سیرین گوید که پلنگ در خواب
دشمنی قوی و توانا بود و اگر بیند که با پلنگ جنگ میکرد دلیل بود که با دشمن خود خصومت کند و خصم را ظفر و غلبه بود یعنی اگر
پلنگ بر وی غالب گردد دشمن بر وی غالب گردد و اگر او بر پلنگ غالب شد او بر دشمن غالب گردد و اگر بیند که گوشت
پلنگ همی خورد دلیل بود که در جنگ و خصومت افتد لیکن مظفر گردد و شرف و بزرگی یابد کرمانی گوید اگر بیند که پلنگ
نشست دلیل بود که بر عز و جاه وی بود و دشمن را قهر کند و اگر بیند که با پلنگ جنگ میکرد و هیچکدام بر یکدیگر ظفر نیافتند
دلیل بود که از پادشاه ترسی عظیم بدو رسد یا بیماری صعب یابد و بعد از آن شفا یابد و اگر بیند که شیر پلنگ را همی خورد
دلیل بود که از دشمن ترسی بدو رسد و سرانجام ایمن گردد و اگر بیند که پوست پلنگ یا استخوان یا موی او را فرا گرفت
یا کسی بدو داد دلیل بود که از مال دشمن بقدر آن چیزی بیابد و اگر بیند که پلنگی را بکشت دلیل بود که از اسلام روی بگرداند و ورا
هیچ خیر نباشد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن پلنگ در خواب بر سه وجه بود اول دشمنی قوی دوم مال یافتن از دشمن سیوم
ترس از پادشاه **بلور** بدانکه بلور در خواب زنی بی اصل بود اگر بیند که بلور داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که زنی بی اصل
بزنی بخواهد و اگر بیند که بلور داشت یا ضایع شد دلیل بود که زنی را طلاق دهد یا از او غایب گردد و اگر بیند که بلور بسیار داشت
دلیل بود که او را بسبب زنان مال حاصل گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که بلور میفروخت دلیل بود که دلالگی زنان بی اصل کند
و اگر بیند که بعضی از آن بلور که میفروخت بعضی سوراخ نداشت و بعضی سوراخ داشت دلیل بود که دلالگی دختران و زنان
بیوه بی اصل کند **بلوط** ابن سیرین گوید که دیدن بلوط در خواب روزی حلال بود بقدر آنکه خورده بود و اگر بیند که در خانه وی

انبانهای بلوط بود دلیل بود که مال و نعمت بسیار او را از آن سال حاصل گردد و چون داند که آن بلوط ملک وی است و اگر بلوط و خار
دیگران بود دلیل که مردمان پیش او را منت نهند حضرت صادق ع فرماید که دیدن بلوط در خواب بر سه وجه بود اول روزی حلال دویم
منفعت سیم معیشت نیکو پلپیته کرمانی گوید که پلپیته افروخته در خواب کارفرمائی بود که دیگر مردمان بود و پیرامن وی گردند و منفعت
رسانند اگر پلپیته افروخته نباشد تاویلش بخلاف این بود **بناگوش** در خواب دیدن پسری خوب روی مبارک بود و مرد و بناگوش
ده پسر بود کرمانی گوید که دیدن بناگوش در خواب دلیل بر قدر و جاه او بود و زیادت و نقصان دیدن در بناگوش دلیل بر قدر و جاه صاحب
خواب بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن بناگوش در خواب بر چهار وجه بود اول پسری نیکوروی دویم قدر و جاه سیم دین و دست
چهارم منفعت از سبب فرزند **پنبه** ابن سیرین گوید که پنبه در خواب مال حلال بود بقدر آنکه دیده بود از اندک و بسیار و پنبه دانه
بخواب دیدن دلیل بر مال بود که او را آسان بدست آید بی رنج و تعب حضرت صادق ع فرماید که پنبه در خواب بر سه وجه بود اول مال
حلال دویم منفعت سیم ستر بودن **پنبه دانه** ابن سیرین گوید پنبه دانه در خواب مرد با خصومت و بیهوده گو بود **بنجشک** دانیال گوید که بنجشک
در خواب دیدن مردی با قدر و جاه بود اگر صاحب ستور بود و اگر ستور نبود و بیند که او را بدام یا بحیلتی بگرفت دلیل بود که با مردم بقدر مکر و حیلتی
سازد و او را قهر کند و اگر بیند که بنجشک ماده بگرفت دلیل بود که زنی با قدر بر وی ظفر یابد و اگر بیند که از گوشت وی بخورد دلیل بود که مال آن مرد بدو
رسد اگر گوشتی می خورد و ملول بود بدو رسد و اگر بیند که بنجشک از جایی بیرون آورد دلیل بود که بدو رنج و ملامت رسد کرمانی گوید ابن سیرین گوید اگر بیند که بنجشکان
شکار میکرد و گردن ایشان را فرو میشکست و در انبان می نهاد دلیل بود که معلم کودکان بود که اندام ایشان را بچوب خورد کند و اگر
بنجشک سرخ را صید کرد دلیل بود که زنی خوب روی خواهد یا کنیزکی با جمال بخرد و اگر بیند که بنجشکی زرد یافت دلیل بود که زنی بیمار گونه زرد رنگ
کند و معبران گویند که بنجشک یافتن در خواب فرزند بود یا غلام اگر بیند که بنجشکی کو داشت دلیل بود که با مردی مهتر او را بد فعلی دوستی
کند و گفته اند که یافتن بنجشک در خواب دلیل بود که اگر ده بیش بود ده درم بیابد و اگر صد بود صدش هزار درم بیابد و خانه بنجشک در
خواب دیدن دلیل بر خیر و خرمی و ایمنی بود اگر بیند که بچگان بنجشک را از خانه بیرون آورد دلیل بود که
او را فرزندان باشند از حلال و حرام و اگر بخواب که بنجشک آواز میکرد و آواز او را می شنید دلیل بود که
سخنان سست شنود که او را از آن شگفت آید و معبران گویند که آواز بنجشکان در خواب تسبیح کردن بود
اگر بیند که بنجشکان بسیار او را حاصل شدند دلیل بود که بر سر قومی سروری کند و مال بسیار یابد کرمانی گوید که بنجشک در خواب چون یکی ببیند
و زنه بود اگر بیند که بنجشکان بسیار بانگ میداشتند دلیل بود که او با مردمان غوغا کار می افتد و اگر بیند که بنجشک در دهان نهاد
و فرو برد دلیل بود که او را فرزندی آید اگر بیند که بنجشک بسیاری به بخشید دلیل بود که بقدر آن مال یابد اگر بیند که بنجشک از دست
یا در دست او بمرد دلیل کند که زیانی بدو رسد و فرزندش بمیرد و اگر بیند که خانه بنجشک را ویران کرد دلیل بود که او را عورتی آید و در جنگ
مدام حضرت صادق ع فرماید که دیدن بنجشکان در خواب بر نه وجه بود اول پادشاه دویم والی سیم مردی بزرگ قدر چهارم غم و حرب و روزی
پنجم قاضی ششم بازرگان هفتم مرد را و زن هشتم مرد با خصومت نهم مردی بجماع کردن مولع بود حکایت ابو خلعه حکایت کرد

بستان

پیش محمد بن سیرین بودم مردی بیامد و گفت که بخواب دیدم که در دستم انگشتری داشتم و یک گوهر از درون می‌آمد درم و مسکین
سنگین تر آن بود چه می‌باشد گفتم تاویل چگونه بود ابن سیرین گفت نه تاویل آن این گفت فرزند محمد و فرزند کرد ابن سیرین گفت
بنشین تا باز آیم پس برخواست و نزد پادشاه رفت و او را آگاه کرد که حال چنین است و در آن ملک مردمی هست
پادشاه را بر خانه او فرستاد و او را آنجا جست و جو کردند دیدند که قریب بیست هزار درم گشته و در آنجا انداخته که آن زر
بجمله به جای بسیار و انشا را بگرفتند و ایشان را بکشتند و خانه می‌ساختند و پادشاه را وقت بعز مردمانی که گفتند مردم از تعبیر ابن سیرین
مانده تعبیر خوابها که در خواب کودک خرد بود تا پیش از آنکه و به آن بکودک خرد.

بند دادن

دید **بند دادن** ابن سیرین گوید که اگر
بیند که کسی سینه را بند مینهاد که وی را بند داد اصلاح دین و رستگاری آخرت بود دلیل بود بر بشارتی که وی را خیر دین و دنیا او را
بجواب بیند دلیل بر فساد و تباهی دین و دنیای او بود جابر مغربی گوید که بند دادن در خواب کسی را که دارا صلاح دین بود نیک بود
و بنده و فرزند معتبر بود که بشارت و به صاحب خواب با خیرات که بدو خواهد رسید تا شکر آن بجای آرد و بند دادن که در او فساد دین
بند دهد و آن دیو رجیم بود که او را خبر دهد از تباهی و فساد کار او و را توبه باید کردن و بخدا بازگشتن تا او را از شر و فساد نگاه دارد
مداحت حق تعالی شکر کرد.

بند نهادن

بند نهادن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بند آهنین بر پای داشت دلیل بود که دین او محکم بود و او را و
کند مرد ورع و مردی بخیل بود و او را و چیزی بکسی نرسد و بعضی از معبران گویند که چون وی صلاح بر دست خود بند بیند دلیل بود که از آنچه
بد و ناسزا باز ماند و از دست بدارد و اگر بیند دستش از چوب بیند آنچه گفتیم کمتر و آسان تر بود کرمانی گوید اگر کسی در گردن خود بند از چوب بیند
دلیل که امانتی در گردن او بود و او امانت بگذارد و اگر بند چوبین بر پای خود بیند دلیل بود که از طاعت حق تعالی و اگر این کس در سفر
بسلامت باز آید و اگر بیند که بند گردنش از سیم بود دلیل بود که او را بسبب زن رنج و زحمت بود و اگر بیند که بندش از زر بود رنج و زحمتش از
مال بود و اگر بیند که بندش از مس بود دلیل بود که بسبب رنج او از کسب و معیشت دنیا بود و اگر بیند که بند او شکسته بیم خلل بود و ار دین
خاصه که بند او بر دست بود اگر بیند که بند از پای او برداشتند دلیل بود که از عمل پادشاه و غلامی یابد و اگر بر پای خود کند نهاده بیند دلیل
با مردم بهانی صحبت یافته و اگر پای خود را بر سر بسته بیند دلیل بود که از کسی بوی منفعت رسد دانیال گوید که اگر امیری بیند که برای خود
آهنین داشت دلیل کند الا یحتمل سفر شود و در آن سفر بماند و اگر بیند که بر هر دو پایش بند نهاده بود دلیل بود که بر ولایت پادشاه و اگر بیند که
بند بر پای راست دلیل بود که او را چهار پسر باید و اگر بیند که بند از پای او برداشته اند دلیل بود که از غمها فرج یابد و اگر امیری بیند که پای
در بند زنجیر بود دلیل بود که او را از ترسایان منفعت رسد و بعضی از معبران گویند که کار وی آسان گردد و اگر بیند که بند او آهنین
دلیل بود که نکاح خواهد با زنی عاشق گردد و اگر بیند که بند او زرین بود دلیل که بسفر شود و بیمار گردد و اگر بیند که بند او آهنین بود دلیل
دور کند جابر مغربی گوید که بند در خواب ثابت بود و بقول جناب پیغمبر که فرمود أُحِبُّ القَيْدَ فِي النَّوْمِ وَلَا أُحِبُّ الغُلَّ لِأَنَّ القَيْدَ
ثَبَاتٌ فِي الدِّينِ یعنی دوست دارم پای بند در خواب و غل را دوست ندارم زیرا که بند پای بند بود در دین حضرت دانیال فرماید
بند در خواب بر چهار وجه بود اول کفر دوم نفاق سیم بخل چهارم از معصیت دست برداشتن و بعضی از معبران گویند که

بنده
بنفشه
بنیاد نهادن

بخواب دیدن پادشاه و ظالم را که تا دوستی بود از ظلم ببیند و ابن سیرین گوید که هر که ببیند وا بالغ را بخواب ببیند که بالغ شده است دلیل بود که
کار او گردد و اگر کسی ببیند که بنده خود را آزاد کرد دلیل بود که زود از دنیا برود و اگر بنده را ببیند که خواجه او را بفروخت دلیل بود که غمگین
و مستمند گردد و اگر ببیند که بنده را بفروخت دلیل بود که شادمان گردد **بنفشه** محمد بن سیرین گوید که بنفشه در خواب دیدن بوقت
خود دلیل بود که از زنی یا کنیزکی چیزی بوی رسد یا او را فرزندی آید و اگر وی را از درخت خویش جدا ببیند دلیل بود که غم و اندوه خورد و اگر
اگر زنی ببیند که بنفشه از درخت بکند و بشوهر خویش داد دلیل بود که شوهر او را طلاق دهد و اگر ببیند که کسی دسته بنفشه بوی داد دلیل بود که میان
ایشان مفارقت افتد جابر مغربی گوید که درخت بنفشه در خواب کنیزکی بود بدخوی و ناسازگار **بنیاد نهادن** ابن سیرین گوید اگر کسی
که بنیاد نو نهاد فایده دنیای وی ببیند از خاص و عام بقدر آنکه دیده بود و اگر ببیند که بنیادی نهادی نهاد در جای مجهول و نداند که از آن
نیست دلیل کند که ضایع بود در کار دین و دنیا و اگر ببیند که بنیاد را بر زمین و ملک خود نهاد دلیل بود که فایده و روزی حلال یابد کرمانی
گوید اگر ببیند که بنیاد از خشت پخته و گچ نهاد دلیل بود که مال او از حرام حاصل گردد و اگر ببیند که بنیادی از خشت خام برهوا نهاد دلیل بود
که همه او بلند بود در کار دین و اگر ببیند که بنیاد دیوار از خشت پخته نهاد و برآورد دلیل بود که در اول و کارهای دنیا مغرور بود و اگر ببیند
خواب بنا کرده بود و فرو نشاند دلیل بود که منفعت یابد و اگر ببیند که بنیاد را از خشت پخته برآورد دلیل بود که منفعت یابد از پادشاه و
و اگر ببیند که بنیاد از خشت خام و گل برآورد دلیل بود که منفعت از مردم عام یابد حضرت صادق فرماید که اگر کسی ببیند که شهری بنا کرد دلیل بود
که جماعتی از مردمان او را بنا خود گیرد و اگر ببیند که قلعه بنا کرد دلیل بود که از شر دشمنان ایمن گردد و اگر ببیند که کوشکی بنا کرد دلیل بود که بکار
دنیا مشغول گردد و اگر ببیند که سرائی بنا کرد و در وی نشست دلیل بود که نفعها و خیرها بیند و اگر ببیند که مسجد را بنا کرد دلیل بود که
جمعی را بکار صلاح جمع آورد و اگر ببیند که بنای مناره نهاد دلیل بود که نام او بخیرات منتشر گردد و اگر ببیند که طرازی بنا کرد دلیل بود که زن
خواهد و اگر رباط بنا کرد دلیل که در غم و رنج افتد و اگر ببیند که باغی بنا کرد دلیل بود که زنی توانگر پارسا بخواهد و اگر ببیند که گورستانی را بنا کرد
دلیل بود که بکار آخرت مشغول گردد و اگر ببیند که قبه بنا کرد دلیل بود که قدر و منزلت جوید بدانکه هر بنیادی که بنهد و تمام کند دلیل بود
که کار دنیا و دین او تمام گردد و اگر ببیند که آن بنا تمام نکرد کارش ناتمام ماند **پنیر** محمد بن سیرین گوید که پنیر در خواب اگر خشک بود مال اندک بود که از سفر حاصل
گردد و بیننده در خواب پنیر تر مال بسیار بود که در حضر بدست آید جابر مغربی گوید که پنیر تر مال و نعمت بود که بآسانی بیاید و پنیر خشک سفری بود با
منفعت اگر کسی بخواب ببیند که نان با پنیر میخورد دلیل بود که در سفری او را مالی اندک با غم و اندوه حاصل گردد و بعضی از معبران
گویند که علتی بدو رسد لکن از آن زود خلاص گردد بدانکه استادان این فن در تاویل بر در خواب دیدن خلاف است بعضی گویند که
ستری بزرگ یابد و از آن خیر و منفعت بیند و ثنای نیکو و بعضی گویند که فرزند بود و بعضی گویند که بیماری بود و آنکه حکم بیماری کرد
چنین گوید که آن چون بکوبند زرد است دلیل بر بیماری کند و آنکه گوید که سفری دراز بود با رنج و تعب بدان معنی که گفت جبرئیل آدم را
وقت بیرون آمدن از بهشت بوی داد و حکم بر سفر دراز با غم و اندوه و رنج زیرا که سفر آدم از بهشت بدنیا بود با چندین غم و اند
که بوی رسید و آنانکه حکم بفرزند کرده اند بدان معنی که گفتند که چون آدم علیه السلام بدنیا آمد از خوردن آن منی وی زیاده شد

زمی بینند فرزندان در وجود آمده و اما که گفته اند معتبر بزرگ خیر و منفعت بیند با تمامی نیکو و ابن سیرین گفته که درخت
آن درخت یمین بود و ستانند و او آرام دهد و از بوی خوش تماشای نیکو بود و چنان دانسته که هر خوابی که همانان تعبیر آن کرده اند مرکب از گفته

بهار ابراهیم گوید که در خواب بهاری بود خواه بوقت و خواه بی وقت و هر چند که بگونه زرد و تر بود و بهاری مستحب‌تر بود حضرت صادق ع
فرموده که دیدن بخواب چون بوقت خود بود بگونه سبز بود دلیل فرزند بود و چون نه در وقت خود بیند که گونه زرد بود و بهاری بود و بهار
ابن سیرین گوید که بهار در وقت بهار پادشاه بود و اگر در خواب بیند که فصل بهار بود و هوا معتدل چنانکه از گرمی و سردی بود که
مضرت و رنج رسیدی دلیل بود که اهل آن دیار را از پادشاه رنج و مضرت رسد و چنین اگر بیند که هوا معتدل بود و جهان خرم گشته
از گل و شکوفه و مردم را هیچ رنج و مضرت نبود دلیل که مردم آن دیار را از پادشاه خیر و منفعت رسد و اگر بهار را بوقت خود با عدل بیند
دلیل که جاه و عز و رفعت بود و مردم عامه را از پادشاه قوت و نصرت بود و دلیل و انصاف پادشاه بود و تا در فصل [illegible]

بهشت یمین بود بهشت ابن سیرین گوید که بهشت بخواب دیدن دلیل خرمی و مژده بود از خدای تعالی قوله تعالی ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ
و اگر بیند که از میوه‌ای بهشت گرفت یا کسی بوی داد و بخورد دلیل بود که آنقدر که میوه بهشت خورده بود علم و دانش آموزد و سیرت
دین ما [illegible] لیکن بود و اگر بیند که با حوران بهشت بهم بود دلیل بود که رنج بر وی آسان گردد و اگر بیند که در بهشت مقیم شد لیکن در
نگذاشتند دلیل بود که در دنیا [illegible] فساد و عصیان بود و اگر بیند که در بهشت بر روی او بسته کردند دلیل بود که مادر و پدر از وی
ناخشنود باشند و اگر بیند که به نزدیک بهشت شد و باز گردید دلیل بود که بیمار گردد که آن مرگ لیکن از آن شفا یابد و اگر بیند که
فرشتگان دست وی گرفتند که در بهشت بردند و آنجا برفت و در زیر درخت طوبی نشست دلیل بود که مراد دو جهانی یابد قوله تعالی
طُوبَىٰ لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ و اگر بیند که وی را از خوردن شراب و شیر منع میکردند دلیل بود بر تباهی دین وی قوله تعالی
وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ و اگر بیند که از میوه‌ای بهشت کسی بوی داد دلیل بود که آنکس را از علم وی
بهره بود و اگر بیند که در بهشت آتش انداخت دلیل بود که از مال کسی بحرام چیزی خورد و اگر بیند که از حوض کوثر آب خورد دلیل بود که بر
دشمن ظفر یابد و اگر بیند که کوشکهای بهشت را یکی بوی دادند دلیل بود که دلارامی یا کنیزکی بزنی بخواهد [illegible] و اگر بیند که
[illegible] شادمان بود دلیل که از کسی محترم شادمان گردد و نعمت یابد قوله تعالی سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ
و اگر بیند که بر جایگاه بلند نیکو بود که صورت بهشت داشت و او پنداشت که بهشت است دلیل بود که با پادشاه عادل [illegible]
یا با توانگری یا با عالمی بزرگوار و اگر بیند که سوی بهشت میرفت دلیل بود که با راحتی پیوسته بود حضرت صادق ع فرماید که دیدن
بهشت در خواب بر نه وجه بود اول علم دوم زهد سیم سنت چهارم شادی پنجم بشارت ششم ایمنی هفتم خیر و برکت هشتم نعمت نهم
سعادت و اگر بخواب بیند که در بهشت بود دلیل مرادات دو جهانی بود و بدست آرد خیرات بسیار و اما چون صالح بیند دلیل بود که به
یا به بلائی مبتلا گردد چنانکه ثواب اهل بهشت بیابد و حاکم گردد و مرد بانی علم و منفعت یابد

پهلو ابن سیرین گوید که پهلو در خواب
زن بود و اگر بیند که پهلوی چپ او آماس کرده بود دلیل بود که زن و کنیزک او بزرگ و آبستن شوند و اگر بیند که پهلوی او سرخ شده بود

وپاره وگوشت خون آلود از پهلوی او بیفتاد دلیل بود که زن او بچه بهنگام بیفکند واگر بیند که هر دو دست بر پهلو نهاده بود دلیل بود که ویرا
غمی سخت رسد کرمانی گوید اگر کسی بخواب بیند که استخوان پهلوی او شکسته بود دلیل بود که از پدر یا مادر یا عیال غم و اندوه بدو رسد واگر
که پوست پهلوی چپ وی جدا شده و بیفتاد دلیل بود که مال عیالش ببرد و تلف کروند واگر بیند که هر دو پهلوی او زرد شده بود دلیل که
عیالش بیمار گردد واگر بیند که در پهلوی او سوراخ شده بود و از آن گوهری یا لؤلؤ بیفتاد دلیل بود که او را فرزندی عالم آید پارسا واگر
بیند که هر دو پهلوی او فراهم آمد دلیل بود که ویرا غم و اندوه رسد واگر بیند که پهلوی وی قوی و بزرگ شده بود دلیل بود بر درستی دین
وقوت عیال او واگر بیند که پهلوی وی کوچک و ضعیف بود تاویلش بخلاف این بود که گفتیم جابر مغربی گوید که پهلوها در خواب دلیل زنان
بود زیرا که زنان از پهلوی مردان آفریده شده اند پس هر خیر و شر که در پهلو بیند تاویل آن بر زنان باز گردد واگر بیند که او را پهلوهای
بسیار بود دلیل بود که بقدر آن زنان و کنیزان حاصل کند واگر بیند که از پهلوی او ماری بیرون آمد دلیل بود که او را فرزند آید حضرت
صادق ع فرماید که دیدن پهلو در خواب بر پنج وجه بود اول زن دوم دختر سیم کنیزک چهارم خادم پنجم پیرزنی که در خانه بود بوتیمار
ابن سیرین گوید که بوتیمار در خواب روزی بود و مال حلال که از زن بدو رسد واگر بیند که بوتیمار را بگرفت یا کسی بدو داد دلیل بود که بقدر آن
از زن مال بخورد کرمانی گوید واگر بیند که بوتیمار را بکشت و از گوشت وی بخورد دلیل بود که بقدر آن از مال زن بخورد کرمانی گوید که بوتیمار
دیدن در خواب دلیل بود بر بزرگی واگر بیند که بوتیمار را بگرفت و بخانه آورد دلیل بود که از خویشان خود زنی خواهد و از او مال و منفعت
حاصل کند بوریا ابن سیرین گوید اگر کسی بوریا کند دلیل کند بر مردی که سفله و خسیس بود و نیز دلیل بود بر آنکه زن خواهد بی اصل و ضعیف
حال و از مردم ملامت یابد واگر بیند که بوریا ببافت و سپری شد دلیل بود که شغل خویش را تمام کند واگر بیند که بوریا از سرای خانه بینداخت
دلیل کند که بکد خدائی خود مشغول گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که بوریا داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که او را از زنی منفعت رسد بقدر
کوچکی و بزرگی بوریا حضرت صادق ع فرماید که بوریا در خواب بر سه وجه بود اول منفعت دوم خواستن زن سیم بکد خدائی خود مشغول گردن
بوزینه ابن سیرین گوید که بوزینه در خواب دلیل بر دشمنی فریبنده و ملعون بود اگر بیند که با بوزینه نشسته بود و آن بوزینه مطیع او بود دلیل بود
که بر دشمن غالب گردد و او را قهر کند واگر بیند که با بوزینه نبرد میکرد و بر وی چیره شد دلیل بود که بیمار گردد و از آن شفا نیابد یا عیبی بر تن او
پدید آید که از آن خلاصی نیابد کرمانی گوید اگر بیند که بوزینه را بکشت دلیل بود که دشمن را قهر کند واگر بیند که گوشت او بخورد دلیل بود که
در رنج و عیبی گرفتار آید واگر بیند که کسی بوزینه بوی بخشید دلیل بود که کسی دشمنی او ظاهر کند جابر گوید اگر کسی بیند که بوزینه را بکشت
دلیل بود که بیمار گردد و زود شفا یابد واگر بیند که بوزینه بر اسپ نشسته بود دلیل بود که جهودی با زن او فساد کند و بوزینه ماده زنی مفسد
جادو بود واگر بیند که بوزینه بخانه درآمد دلیل بود که در آن خانه زنی او را جادو کند واگر بیند که بوزینه با وی سخن گفت دلیل بود که زن
با وی وران زبانی کند واگر بیند که بوزینه او را بگزید دلیل بود که بیمار گردد یا از عیال خود دشنام شنود واگر بیند بوزینه بوی چیزی داد یا بخورد دلیل بود
که مال خویش از این سبب برهنه کند پوست دانیال ع گوید که پوست تن مردم در خواب آرایش و کدخدائی مردم بود ابن سیرین گوید اگر
که پوست مردم ستر و مال و برکت بود واگر کسی پوست تن خود را برهنه بیند و افتاده دلیل بود که ستر او از حد بی کشاده گردد و مال او تلف

باب الباء
بوتیمار
بوریا
بوزینه
پوست

گردد و اگر پوست تن خود را کبود یا سیاه بیند دلیل بود که غم و اندوهی بوی رسد و اگر بیند که پوست تنش روشن بود دلیل بود که حاجت
حاجت روا گردد و کرمانی گوید که پوست سر چهارپایان بخواب دیدن مال بود و پوست شتر میراث بود از مردی بزرگ و پوست گوسفند
صاحب را نعمت بود و اگر پوست درخت سبز بیند خداوندش روزی داده بود و اگر بیند که پوست از سلخ باز کرد دلیل کند که آن کس که
بدان منسوب بود مالی بستاند و اگر بیند که سرای بنا کرد از بهر پوست باز کردن دلیل بود که اگر آن کس قصاب بود در سرای او دیوار
و اگر ستم بود بر گروهی کان ستم کند جابر مغربی گوید اگر بیند که پوست گوی باز میکرد دلیل بود که آن کس شغلهای کسی را که چیزهای تباه
شده را اصلاح باز آورد و از جهت پادشاه میانجی کند چون امیران و بزرگان لشکر پادشاه خلاف کنند در کارهای بسیار. پوستین

پوستین

ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که پوستین پوشیده بود و وقت زمستان بود دلیل بود که چیزی بوی رسد که وجه معیشت
او بود و اگر در وقت تابستان بود همین دلیل کند لیکن سرانجام غمناک گردد و کرمانی گوید اگر بیند که پوستین بره یا بزغاله داشت
دلیل بود که زنی توانگر خواهد و از آن مال یابد و اگر بیند که پوستین سمور پوشیده داشت دلیل بود که زنی بخواهد که توانگر و مالدار
بود و اگر بیند که پوستین روباه نو پوشیده داشت دلیل بود که زنی خواهد توانگر و پارسا لیکن فریبنده و حیله گر بود و اگر بیند که پوستین
خرگوش پوشیده داشت دلیل که زنی نابکار بدفعل بخواهد و از او رحمت بیند و اگر بیند که پوستین سنجاب پوشیده داشت دلیل بود
که زنی ناسازگار بزنی بخواهد و اگر بیند که پوستین گربه پوشیده بود دلیل بود که زنی بد خو بزنی بخواهد دزد و بی امانت بود و اگر
بیند که پوستین وحشی پوشیده بود دلیل بود که زنی اصیل دیندار بزنی کند و اگر بیند که پوستین موش پوشیده داشت دلیل بود
که زنی پلید بزنی بخواهد و اگر بیند که پوستین وی دریده یا سوخته یا ضایع شده بود دلیل بر غم و اندوه و نقصان مال بود. بوسه

بوسه دادن

دادن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کسی را بوسه داد دلیل بود که آن کس را دوست و خواستگار بود و اگر آن کس مجهول بود دلیل که
از جائی که طمع ندارد خیر و منفعت بیند و اگر بیند که معروفی او را بوسه میداد دلیل است که از آن کس خیر و منفعت بیند کرمانی گوید
اگر بیند که مردی را بشهوت بوسه میداد دلیل بود که از بهر مرده خیر کند او را دعای خیر یاد آرد و اگر بیند که مرده وی را بوسه میداد
دلیل بود که طالب و خواستگار وی بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که مراد و مقصود نیابد حضرت صادق (ع) فرماید که بوسه دادن در
خواب دلیل کند بر چهار وجه بود اول خیر و منفعت دوم حاجت روا سیم بر دشمن ظفر یافتن چهارم سخن خوش شنیدن. بوق زدن

بوق زدن

ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که بوق میزد و بوق زدن را نمیدانست دلیل بود که مردم را از سر خود آگاه کند و اگر بیند که بوق میزد
دلیل بود که در میان مهتران دروغ گوید و اندر دروغ را بسو کند راست کند و بعاقبت ظاهر گردد که آن دروغ بود جابر مغربی گوید که بوق
زدن بتاویل بر دو وجه است مصیبت بود و زنا و رسوائی و ظاهر شدن راز ایشان حضرت صادق (ع) فرماید که بوق زدن در خواب بر چهار
وجه بود اول خبر دروغ دوم سخن مکر و سیم ظاهر شدن راز چهارم مصیبت بود. پل ساختن ابن سیرین گوید که پل در خواب

پل ساختن

پادشاه بود یا مردی بزرگ که مردمان بسبب او بمراد برسند کرمانی گوید که پل در خواب تاویلش آن بود که نیکو باشد اگر بیند که از پل
بگذشت دلیل بود که از پادشاه او را عز و جاه رسد و از آن منفعت بیند و اگر بیند که بنا دی بر پل میساخت و عمارت میکرد دلیل بود که

ر پادشاهی یابد و مال بسیار او را جمع گردد قوله تعالی وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ حضرت صادق ع فرماید که **پل** در خواب بر چهار وجه بود اول مردی بود که همه مردمان را بکار آید و حاجت همه کس روا کند دوم پادشاه سیم نیکوئی و کامرانی چهارم مال بسیار حاصل کردن اگر بیند که پل بنیاد و خراب شد دلیل بود بر تباهی حال پادشاه و نقصان مال **بوم** بخواب دیدن مردی دزد نابکار مفسد بود و اگر بیند که با بوم جنگ میکرد دلیل بود که او را با مردی جنگ و خصومت افتد و دیگر همه حال دیدن بوم نیکو باشد جابر مغربی گوید اگر بیند که بومی داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که مردی دزد را قهر کند و اگر بیند که گوشت بوم میخورد دلیل بود که بقدر آن گوشت مال از مردی دزد بخورد و اگر بیند که بچه بوم داشت دلیل کند که غلام کوچک دزد یا شاگردی از دزد او را حاصل گردد **بوهای خوش** ابن سیرین گوید بوهای خوش و ناخوش ثنای نیک و مدح و ذم و سخن ناصواب بود اگر بیند که بوی خوش شنید دلیل بود که او را نکوهش کنند و اگر در خواب بوی خوش بسیار شنود دلیل بود بر مرگ زیرا که مرده را از بوی خوش و حنوط ناگزیر بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که او را خوشبوی کردند دلیل بود که او را ستایش کنند و ثنا گویند و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که او را پیش مردم عیب و نکوهش کنند و نام او بزشتی منتشر گردد **پی** ابن سیرین گوید که پی در خواب جمع کننده حال کار او بود و اگر بخواب بیند که پی بر اندام او خشک شد یا بگسست دلیل بود که دستی از جمع کننده کار و حال او بود از او غایب گردد یا از دنیا رحلت کند اگر بیند که پیها بر تن او خشک شدند دلیل بود که از دوستان مفارقت جوید کرمانی گوید که پیهای تن دلیل بر خویشان و اهل بیت بود و اگر بیند که پیهای او درشت و قوی بودند دلیل بود که خویشان و اهل بیت او بدحال و ضعیف گردند **بیابان** دانیال گوید که بیابان در خواب قسمت روزی بود بقدر بزرگی و فراخی آن اگر بیند در بیابان تنها بود دلیل کند که از کسب حلال مال فراوان حاصل کند اگر بیند که با گروهی در بیابان میگشت دلیل بود که مال و نعمت بسیار از سفر حاصل کند و روزی بروی گشاده گردد ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که از بیابان بیرون آمد دلیل بود که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که در بیابان شد دلیل بود که غمگین و مستمند گردد حضرت صادق ع فرماید که دیدن بیابان در خواب بر چهار وجه بود اول روزی و قسمت دوم حیرت و سرگشتگی سیم تنهائی و رنج چهارم بیم و خطر و هلاک مگر از وی زود بیرون آید **پیاز** کرمانی گوید که پیاز در خواب دیدن مال حرام بود و سخن ناخوش و زشت و اگر بیننده خواب مصلح و مستور بود و پخته خورد یا از خوردن آن دفع کنند و اگر بیننده خواب مصلح نباشد دلیل کند که مال حرام جمع کند و پیوسته در وی سخنان زشت گویند خاصه چون پیاز سرخ بود و اگر پیاز پخته خورد دلیل بود که سرانجام از حرام خوردن توبه کند و بخدای تعالی بازگردد حضرت صادق ع فرماید که پیاز در خواب خوردن بر سه وجه بود اول مال حرام دوم غیبت و سخن زشت سیم پشیمانی در کارها **پیاله** محمد بن سیرین گوید که پیاله در خواب کنیزک بود که با وی عشرت و طرب کند اگر بیند که از پیاله آب یا جلاب میخورد دلیل بود که با کنیزکی بحلال جمع شود و از وی فرزند مصلح بیاورد و اگر بیند که آن جلاب یا آن آب از پیاله بریخت دلیل بود که فرزند وی بمیرد حضرت صادق ع فرماید که پیاله در خواب بر دو وجه بود اول کنیزک دوم خادم **پیراهن** دانیال گوید که پیراهن سفید در خواب دین مرد بود و بعضی از معبران گویند که پیراهن زن بود و دلیل حال و کار او بود در کسب معیشت اگر بیند که پیراهن نو و فراخ پوشیده داد دلیل بود بر صلاح

پیراهن کار و نیکوئی احوال و اگر بیند که پاره از پیراهن او دریده بود تا ویش میانه بود در نیکی و بدی و اگر بیند که پیراهن وی کهن و چرکن بود
دلیل بود که درویشی و بیچارگی و رنج و غم بدو رسد و هر چند پیراهن را کهنه‌تر و دریده‌تر بیند بلا و مصیبت و غمش بیشتر بود که خدا از نه
خواب هلاک گردد و اگر کسی بیند که پادشاه او را پیراهن خود داد و بپوشید دلیل بود که پادشاهی از وی بستاند کرمانی گوید اگر کسی بیند
که پیراهن نو پوشیده بود دلیل بود که بظاهر نیکو بود و بباطن بد و اگر بیند که پیراهن و شلوارش جمله چرکن بود و کهن دلیل بود که اگر توانگر
بود درویش گردد و در غم و اندوه گرفتار گردد جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که پیراهن نو و فراخ پوشیده داشت دلیل بود که عیشش
فراخ گردد و اگر بیند که پیراهن تنگ بود دلیل بود که عیش بر وی تنگ گردد و اگر بیند که پیراهن او دریده بود دلیل بود که از شرع تنگ
گردد و اگر بیند که پیراهن بی گریبان بود و بی آستین و دیگر ریز بود و پوشیده دلیل بود که اجلش نزدیک آمده باشد و اگر بیند که پیراهن
دراز داشت دلیل که کارش به گردد و مرادش برآید و اگر بیند که گریبان پیراهن از سوی پس دریده بود دلیل بود که او را بدروغ تهمت
نهند قوله تعالی وَإِن كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِن دُبُرٍ فَكَذَبَتْ و اگر بیند که پیراهن بکسی داد و آنکس پیراهن را بروی فرو مالید
دلیل بود که بنعیم گردد و از جایگاهی او را بشارت رسد قوله تعالی اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَٰذَا فَأَلْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ أَبِي يَأْتِ
بَصِيرًا اگر بیند که پیراهن خون آلوده داشت دلیل بود که روزگار دراز در غم و اندوه بماند و اگر بیند که پیراهن دریده و پوشیده بود دلیل
بود که کارش بکاهد و گردد و رازش آشکارا شود حضرت صادق ع فرماید که دیدن پیراهن در خواب چون نو و فراخ بود دلیلش بر شش وجه
اول دیدن مردم دوم ستر سیم عیش خوش چهارم ریاست پنجم راحت و خرمی ششم بشارت **بیت المعمور** خانه‌ایست
در آسمان چهارم برابر کعبه و آن حج گاه فرشتگان بود ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که در بیت المعمور شد دلیل بود که در میان مردم با نیت
یا بعلم ظاهر گردد و حج کند و از شر دشمنان ایمن گردد و اگر بیت المعمور را بر زمین بیند دلیل بود که پادشاه عالم عادل پیوسته گردد
و اگر بیند که در بیت المعمور خانه ساخت یا بخفت دلیل بود که اجل وی نزدیک آمده باشد و اگر بیند که پیرامن بیت المعمور طواف میکرد
همین دلیل بود که از دنیا رحلت کند و اگر بیت المعمور را بکردار مسجدی دید و در وی نماز کرد دلیل بود که همه حاجات او روا گردد
کرمانی گوید اگر کسی بیند که از زمین تا بیت المعمور راه گشاده بود دلیل بود که مردمان در آن سال حج و عمره بسیار کنند و اگر بیند که
بیت المعمور آراسته است و فرشتگان بر وی طواف میکردند دلیل بود که علما و اهل دین بنظام شوند و عز و جاه یابند **پیرایه** ابن
سیرین گوید که پیرایه در خواب دلیل بر مال و زینت زنان و کنیزک کند بر قدر و قیمت پیرایه که دیده بود کرمانی گوید اگر بیند که پیرایه و
آراسته بود بجواهر و پوشیده بود دلیل بود که بقدر آن او را مال حلال حاصل گردد و اگر بیند که پیرایه او ضایع گردید دلیل بود که او را
غم و اندوه رسد و اگر مردی بیند که پیرایه زنان داشت دلیل بود که غمگین گردد **پیروزه** ابن سیرین گوید که پیروزه در خواب دلیل
ظفر و قوت و حال روائی بود و اگر بیند که پیروزه از وی ضایع گردید دلیل بود که مرادش بر نیاید جابر مغربی گوید اگر بیند که پیروزه
بکروار داشت دلیل بود که بقدر آن او را مال حاصل گردد و شرف و بزرگی یابد حضرت صادق ع فرماید که دیدن پیروزه در خواب
بر چهار وجه بود اول ظفر و نصرت دوم حاجت روائی سیم قوت چهارم ولایت پیر شدن ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند

پیر گردد و محاسن او سفید شد دلیل که عز و شرف یابد و اگر پیری مجهول را بیند که خرم و شادمان بود دلیل که از دوستی مرادهای دلی بر آید و از
غم رسته گردد و اگر پیری معروف را بیند که خرم و شادمان بود دلیل بود که از او چیزی بدو رسد و اگر او را ترش روی و غمگین بیند دلیلش
بخلاف این بود جابر مغربی گوید اگر پیر را بیند که جوان شد دلیل بود که در عز و بزرگی او نقصان باشد و در دنیا مغرور گردد و اگر جوانی
یا کودکی بیند که پیر شد دلیل بود که عز و بزرگی یابد و بکار آخرت مشغول گردد **پیسی** ابن سیرین گوید که پیسی در خواب مال و توانگری بود
و اگر بیند که تن او پیس گردید دلیل بود که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل گردد و بعضی از معبران گویند که پیسی در خواب صبر [؟]
حضرت جعفر صادق ع فرماید که پیسی در خواب بر چهار وجه بود اول مال دوم میراث سیم منفعت چهارم پدید آمدن کار مشکل جابر مغربی
گوید اگر بیند که با مردی پیس او را صحبت بود اگر آن مرد مصلح و مستور بود دلیل بود که او را منفعت آخرت بود و اگر آن مرد مفسد
بود دلیل بود که او را از حرام منفعتی رسد **پیشانی** ابن سیرین گوید که پیشانی در خواب قدر و جاه مردم بود زیرا که موضع سجده باری
تعالی است و بعضی گویند که پیشانی دلیل بر فرزند بود که از اهل بیت و توانگر گردد و اگر بیند که بر پیشانی او نشانی بود دلیل که خدای تعالی او را
به پاکدینی و پرهیزکاری مشهور گرداند و اگر بیند که کسی زخم بر پیشانی او زد و خون روان شد دلیل بود که قدر و جاهش زیاده گردد و اگر بیند
که پیشانی او کوچک گردید تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که پیشانی او از حال خود بگشت دلیل بود که زیانی بوی رسد و اگر بیند که بر پیشانی
او موی رسته است دلیل بود که وام دار گردد و اگر بیند که آن موی سرخ یا سفید بود دلیل بود که آن وامش از جهت عیال بود و اگر بیند که پیشانی
او آماس داشت دلیل بود که مالش زیاده گردد و اگر بیند که از پیشانی او مار یا کژدم یا چیزی دیگر بیرون آید دلیل بود که بقدر آن او را
الم و گزند از دشمنان رسد جابر گوید اگر کسی بیند که بر پیشانی یک چشم داشت دلیل بود که بکار کدخدائی او بیدار گردد و اگر بیند که او را
پیشانی چشمهای بسیار داشت همین دلیل کند که او در مصالح خود بیداری تمام بود و اگر بیند که بر پیشانی وی خطی سبز نوشته بود دلیل بود
که او را فرزندی آید عالم و پرهیزکار و اگر بیند که بر پیشانی وی آیت رحمت نوشته است دلیل بود که عاقبت را محمود کند و مرگ او بر شهادت
بود و اگر بیند که بر پیشانی او آیت عذاب نوشته است دلیل بود که عاقبتش محمود نباشد و تاویل بخلاف این بود حضرت جعفر صادق ع فرماید
که دیدن پیشانی در خواب بر شش وجه بود اول جاه و قدر دوم عز و بزرگی سیم فرزند تا [؟] چهارم معیشت پنجم ریاست ششم جود و نیکی
پیش گرفتن ابن سیرین گوید اگر بیند که در کاری پیشی گرفت یا بر کسی از کارهای دین پیشی جست چون حج و غزا و آنچه بدین ماند دلیل بود
که در آخرت رستگاری یابد و او را نزد خدای تعالی ثواب بود و اگر کسی بر کار دنیائی پیشی گرفت دلیل بود که عز و اقبال یابد حضرت
صادق ع فرماید که پیشی گرفتن در خواب در کارهای خیر و صلاح دلیل بر خیر و صلاح دو جهانی بود و اگر بیند که پیشی گرفت در کار شر و فساد
دلیل کند بر فساد دو جهانی **پیشه** ابن سیرین گوید که پیشه در خواب دیدن اگر بیند که پیشه خود را رها کرد و به پیشه از آن بهتر مشغول گردید
دلیل بود که کار و حالش بهتر گردد و در کسب و کار روی نیکی پدید آید و اگر بیند که پیشه های گوناگون همی کرد اگر آن پیشه ها نیکو بود دلیل
بر خیر و نیکوئی کار کند و اگر بد بود دلیل کند بر شر و بدی و اگر بیند که بعضی از پیشه ها بد بود و بعضی نیک هر کدام قوی تر بود حکم بدان کند
بیشه درختان ابن سیرین گوید که بیشه درختان در خواب زنی بود بیابانی اگر بیند که در بیشه شد و آن بیشه سبز بود و درختان میوه دار در آن بود

بیشه

در وقت آن و از میوهٔ آن بیشه همی خورد دلیل بود که زنی خواهد که اصل و نسب با بی بود یا کنیزکی خرد که در بیابان او را پرورده باشند اگر
زن او را خیر و منفعت رسد و اگر آن بیشه را خانی ایشان دلیل بر شر و مضرت کند و اگر بیند که در آن بیشه بجای درختان خار بود و از آن خار
او را گزند رسد دلیل کند که او را غم و انده و بجهت زنان رسد حضرت جابر مغربی گوید که دیدن بیشه در خواب بر چهار وجه بود اول زن بیابانی
دوم کنیزک سیم منفعت چهارم غم و انده بود **بیع** ابن سیرین گوید اگر بیند که مصحف بفروخت دلیل بود که
دین او نزد او حقیر بود و خوار و اگر بیند که بندهٔ خویش را بفروخت دلیل بود که کار بروی تنگ آید و ستمگر گردد و اگر بیند که زن خویش را
بفروخت دلیل بود که حرمت و بزرگی او را بروی زشت نام گردد و اگر بجز ازین زن که بفروخت او را زنی دیگر بود دلیل بود که کارش بصلاح
باز آید کرمانی گوید هر چیز که در دین عزیز بود فروختن آن بخواب در کار بد بود و خریدن آن نیکو بود **پیکان** در خواب دیدن مردی را
خطر بسیار بود و اگر بیند که پیکانی تیز یافت یا کسی بوی بخشید دلیل بود بر درستی کاری که بدو رسد جابر مغربی گوید که دیدن پیکان
قوة بود و سختی که بیننده خواب با خصم کوید خاصه که پیکان از پولاد و روشن بود و اگر شکسته یا زنگار گرفته بیند تاویلش بخلاف این بود
پیغمبر آنکه تاویل پیغامبران در فصل شانزدهم یاد کردیم از آنجا مطالعه باید کرد **پیکر** ابن سیرین گوید که پیکر بخواب زن بود و اگر بیند
که او را پیکری بود دلیل کند که زن خواهد و اگر بیند که پیکر از کسی بها بخرید دلیل بود که کنیزک خرد بخرد و اگر بیند که پیکری داشت و از وی
ضایع شد یا از دست او بیفتاد و بشکست دلیل بود که زن را طلاق دهد یا زنش از دنیا رحلت کند و اگر چهرهٔ پیکر خود را بصورت
دیگر بیند دلیل بود که احوالش دیگر گردد و هم بران هیات که آن چیز رسیده بود کرمانی گوید اگر پیکر خویش را بصورتی زشت مبدل کرده بیند
دلیل که حال او متغیر گردد و اگر بیند که بجمال و صورت خود گردید دلیل بود که بحال خود و بسوی خدا باز گردد و اگر پیکر خود پیش با شکوه بیند
دلیل بود که همه روی از وی بگردانند و بروی جفا کنند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که پیکر آدمی یا پیکر حیوانی بدل همی کرد دلیل
که آنکس بد مذهب و دروغ گو بود یا در صفات خدای تعالی چیزی گوید و اگر بیند که پیکر کسی بجوید دیگر که نه از جنس او بود سخت دلیل
که بیننده را کار صعب پدید آید و دران متحیر بماند و صورت در خواب دیدن مردی بود که بر خدای تعالی دروغ گوید **پیل** ابن سیرین گوید
که معبران گویند که فرق نیست هیچ وجه میان خواب شب و خواب روز الا در پیل اگر کسی در خواب بیند که بر پیل نشسته است دلیل بود
زنی خواهد نابکار و اگر این خواب را بروز بیند دلیل بود که زن را طلاق دهد یا کنیزک را بفروشد اگر بیند که پیل را بکشت دلیل کند که پادشاه
بر دست او کشته گردد یا حصاری محکم را بگشاید و اگر بیند که پیل پای بر سر وی نهاد و او را بکشت دلیل بود که بهلاک نزدیک گردد حال
به گردد و اگر بیند که بر سر پیل نشسته بود و آن پیل دیگری داشت دلیل بود که از خدمت پادشاه دور شود بخدمت پادشاه دیگر شود کرمانی
گوید اگر بیند که بر پیل نشسته بود و آن پیل صلاح داشت و نیک مطیع او بود دلیل کند که پادشاه عجم گردد یا پادشاه عجم را قهر کند و اگر بیند
که از گوشت پیل همی خورد دلیل بود که بقدر آن گوشت از پادشاه عجم مال و نعمت یابد و اگر بیند که از استخوان پیل یا از پوست او چیزی
داشت همین دلیل کند بر مال و نعمت که از پادشاه بدو رسد و اگر بیند که بهنگام رزم بروی نشسته بود دلیل بود که دشمنی بزرگ را قهر
کند چنانچه منقول است قصه اصحاب الفیل را دلیل آورده اند و اگر بیند که از پشت پیل بیفتاد دلیل بود که در ملامت افتد و اگر بیند که پیل در

بکت بیفتاد و بمیرد دلیل بود که پادشاه و اند یا ربمیرد حابر مغربی گوید اگر بیند که از بهر تماشا بر پیل نشسته بود و قادر بود دلیل بود که آن کار بخواهد

بکام خود بجاهد و آنرا بر وی قادر گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل بود که بر زن قادر گردد و اگر بیند که پیلی سلاح پوشیده بود و از

شهر بشهری دیگری میرفت دلیل بود که بر مملکت آید یا از پادشاه بپادشاهی دیگر افتد تا او را ملاک کند حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن

پیل در خواب بر شش وجه بود اول پادشاه عجمی دویم مرد غلام سیم مرد مکار چهارم مرد با قوت و هیبت پنجم جهود ششم ستمکاری خونریز

پیل گوش گیاهی است که برگ بزرگ پهن دارد و آنرا شکوفه زرد است دیدن آن در خواب زنی بود خادمه و بی اصل و زن پست

اگر کسی بخواب بیند که پیل گوش داشت با کسی بوی داد دلیل بود که او را با چنین زنی صحبت افتد و از او منفعت بیند **پیلو** ابن سیرین گوید

پیلو در خواب مانند طبیب بود و مانند فقیه زیرا که طبیب بیمار را معالجه کند و فقیه مردمان را راه دین نماید و اگر بیند که پیلو دارد او را از وی بیرون آید

و راحت رسد و بدین سبب دلیل بر خیر و سعادت کند **پیلبان** اگر کسی بیند که پیلبان همی کرد دلیل بود که از آنکس خیر و منفعت بهر کس برسد

و نامش به نیکی در ان و بار بستن کرد **پیل** ابن سیرین گوید که پیل در خواب خادمی بود که کار اکنه کرمانی گوید که پیل در خواب خادمی بود

که کار را بنفاق کند و بعضی گویند که پیل در خواب کاری بود که از رنج و عنا حاصل گردد و اگر کسی بیند که پیل دارد و از ان کاری کند پیل و کار

تمام کرد و اگر میان کار نکند دلیل بود که از ان کار بریده گردد **بیماری** ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که بیمار است دلیل بود که دین وی

بفساد بود و گفتار او با مردم بنفاق بود و بعضی گویند که در آن سال بمیرد و اگر بیند که از بیماری تن درست شده بود و در خانه بنود و با کسی

سخن نمیگفت دلیل کند که بیماری بسر وی دراز گردد و پر خطر بود و باشد که بمیرد و اگر بیند که با مردمان مجالست میکرد و سخن میگفت دلیل

کند که زود از بیماری شفا یابد کرمانی گوید اگر بیند از بیماری وی برهنه بود دلیل بود که زود بمیرد و معبران گفته اند که بیماری در خواب دلیل

بر فسق و فجور کند و غم و اندوه و که قبل سلطان یا از قبل عیال بدو رسد جابر مغربی گوید که بیماریهای گوناگون در خواب دلیل بود بر خوارزمین

فریضها و سنتها حضرت صادق علیه السلام فرماید اگر کسی بیند که بیمار بود و از علت خویش منالید دلیل بود که از غم ایمن گردد و اگر از بیماری قانع

و راضی و شاکر بود تاویلش نیکی و صحت بود و اگر بیند که بیمار و برهنه بود دلیل که اجلش نزدیک آمده باشد قوله تعالی لَقَدْ جِئْتُمُونَا

فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ **پیمانه** ابن سیرین گوید که پیمانه در خواب نظام کار بود و انصاف و راستی بود با مردمان خاصه چون پیمانه

در خواب میانجی بود و اگر بیند که پیمانه بستد با کسی بداد دلیل بود که راستی و انصاف کند در معامله و داد و ستد بحق کند و اگر بیند که پیمانه

او بشکست یا بسوخت دلیل بود که خداوندش را بیم مرگ بود و اگر بیند که از پیمانه چیزی می پیمود اگر اهل علم بود دلیل که قاضی گردد و اگر اهل

علم نباشد دلیل از بهر داوری بقاضی محتاج گردد و بقول دیگر پیمانه در خواب مردی بود راست گوی و منصف که داد مردمان دهد **بینی** دانیال علیه السلام

گوید که بینی در خواب دلیل بر جاه و منزلت بیننده بود و هر زیاده و نقصان که در وی بیند دلیل قدر و جاه بر بیننده بود و اگر بیند که بینی او کوتاه

شده بود دلیل بود بر نقصان قدر و منزلت آن و اگر بیند که بینی آن افتاده بود دلیل کند که از جاه و منزلت بیفتد و اگر بیند که سوراخ بینی او

فراخ شده بود دلیل بود که معیشت وی فراخ گردد و اگر تنگ شده بود دلیل که معیشت بر وی تنگ گردد ابن سیرین گوید اگر بیند که چیزی

از بینی او بیرون آمده بود دلیل بود که از شهری منفعت یابد و اگر بیند که جانوری از بینی وی بیرون آمد چون کرم و کسر و مانند این دلیل

پیل

پیلبان

پیل

بیماری

پیمانه

بینی

کہ او را فرزندی آید و اگر بیند کہ در بینی او سوراخ بود و بسیار در بینی او گرد آمده بود دلیل بود کہ مرد با زنان قواضع کند یا با زنی بزرگ جمع گردد
دارا و مال و نعمت یابد و اگر بیند کہ سر بینی او بستہ بود چنانکہ دم زدن نتوانست دلیل بود کہ کار بر وی بستہ گردد و اگر بیند کہ سخن در بینی
میگوید دلیل بود کہ دولتش زایل گردد و اگر بیند کہ پوست سر بینی او رفتہ بود دلیل بود کہ او را زیانی افتد جابر گوید اگر کسی در خواب بیند کہ از بینی
او خون می آمد معبر را گوید کہ بخواب دیدم کہ از بینی من خون می آمد دلیل کند مال بسیار یابد و اگر گوید کہ دیدم خون از بینی من میشد دلیل کند کہ
مالش برود باید کہ چون سائل سخن گوید معبر بر لفظ او تعبیر کند و حدیث لو انفال نکا وارد و اگر کسی بیند کہ هر دو سوراخ بینی او یکی شد
بود دلیل بود کہ با زن عاقلہ جمع گردد و اگر بیند کہ سر بینی او بریده بود دلیل کہ فرزند خویش را خستہ کند و بعضی گویند کہ در جاه و منزلت
او نقصان شود جابر گوید اگر کسی بیند کہ چیزی بکراهت در بینی او شد دلیل بر خشم و تنگی بود و اگر بیند کہ خون از بینی او بیرون آمد چنانکہ
جملہ تن او خون آلود گردید دلیل بود کہ مالی حرام بوی رسد و اگر بیند کہ خون بسیار اندک از بینی او بیرون آمد دلیل بود کہ او را فرزندی از کنیزک
یا در سینہ بقول معبران درویش گردد و اگر بیند کہ خون از بینی او بیرون آمد و خون آلود گشت دلیل بود کہ فرزند یا زن از خانہ بیرون
یا با ایشان کند رسد و اگر بیند کہ بینی او بر زمین افتاد دلیل بود کہ او را دختری رسد و اگر بیند کہ از بینی خود راهی شست دلیل بود کہ
مردی زن او را بفریبد و اگر بیند کہ از بینی وی مرغی بیرون آمد دلیل بود کہ چهارپای دارد و بچہ آورد و بقول بعضی از معبران خون
آمدن از بینی مال بود کہ از پادشاه آید یا بوی رسد اسمعیل اشعث گوید اگر بیند کہ بینی وی بر مثال خرطوم بزرگ شد و بود دلیل کہ
ازان دلیل بود کہ بقدر آن بر عز و جاه وی بیفزاید و از ان خویشان نیز زیاده گردد و اگر بیند کہ در بینی او بوی خوش رفت دلیل بود کہ
او را فرزندی مصلح بود و اگر بیند کہ در بینی او بوی ناخوش رفت و لیکن بخلاف این بود جابر گوید اگر بیند کہ بینی ندارد دلیل بود
کہ کسی از خویشان وی بمیرد و اگر بیند کہ او را دو بینی بود دلیل بود کہ در میان او و عیال خلاف افتد و اگر بیند کہ کسی بوی خوش فرا
بینی او داشت دلیل بود او را کہ از ان کس منفعتی رسد و اگر بیند کہ خواب زن بود دلیل بود کہ او را پسری مصلح آید و اگر بیند کہ شخصی
بوی ناخوش در بر بینی او داشت دلیل بود کہ از ان کس خشمی فرو خورد حضرت صادق فرماید کہ دیدن بینی در خواب بر پنج وجه بود اول
دوم مال سیم بزرگی چهارم فرزند پنجم معیشت خوش پیہ خوردن ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند کہ پیہ میخورد دلیل بود کہ خیر و نعمت
و فراخی یابد و اگر بیند کہ پیہ گوسفند داشت و میخورد دلیل بود کہ بقدر آن مال حلال یابد و اگر بیند کہ پیہ جانوری میخورد کہ گوشت او حلال
دلیل بود کہ مال حلال یابد حضرت صادق فرماید کہ دیدن پیہ در خواب بر سہ وجه بود اول نعمت و فراخی دوم مال و منفعت سیم کشایش
کارهای بستہ بیهوشی کرمانی گوید اگر کسی بیند کہ بیهوش گردید چنانکہ عقل او زایل گردید دلیل بود کہ او را کاری پیش آید کہ وی از آن
متحیر گردد لیکن سرانجام کارش نیکو گردد حضرت صادق فرماید کہ بیهوشی در خواب بر دو وجه بود اول دشواری کار دوم متحیر و سرگشتہ
در فرو ماندگی و بیچارگی حرف الثامن کتاب کامل التعبیر باب دال ابن سیرین گوید اگر کسی بیند کہ سر او را
سپید و با بسیار دلیل بود کہ بسفر شود و سفرش بلند مدتی بود کوتاهی رسن و ریسمان بود و اگر دراز بود سفر دراز کند و اگر کوتاه بود و سفر کرتاه بود و اگر
چیزی و ختن ریسمان را با سپید او دلیل بود کہ از بهر مسلمین کاری کند یا از بهر راحت نفس خویش نیت کند حضرت صادق فرماید کہ تاب

بینی

پیہ خوردن

بیهوشی

باب الدال

رسن و ریسمان بر سه وجه بود اوّل سفر و تحویل دوم ریاضت نفس سیم گشایش کارهای فروبسته **تابستان** ابن سیرین گوید که تابستان
بخواب دیدن پادشاه سخت بود و اگر گرمای سخت بود چنانکه مردم را از آن زیان بود دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه خیر و صلاح
بود تابستان را بوقت خویش بخواب دیدن بهتر بود کرمانی گوید اگر کسی تابستان را بخواب بیند بوقت خود چنانکه جهان خرم بود و درختان بربار
دلیل بود که عز و دولتش زیاده گردد و کارش بمراد رسد و مردم عام پادشاه را بخواب دیدن از پادشاه قوت و نصرت بود و اگر
تابستان را نه بوقت خویش بیند تاویلش بخلاف این بود **تاج** محمد بن سیرین گوید که تاج در خواب دیدن پادشاهان را ملک و ولایت
بود و زنان را شوهر و مردم عامه را نیکوئی حال اگر بیند که بر سر تاج داشت از زر و مرصع دلیل بود که قدری بلند و منزلتی عظیم یابد لکن
در دین و راه شریعت ضعیف بود و اگر این خواب را زنی بیند دلیل بود که شوهری کند صاحب حشمت و جاه و در شغل دنیا کرمانی
گوید اگر بیند که پادشاه بر مردی تاج نهاد دلیل بود که او را از پادشاه بزرگی و کام روائی بود و اگر بیند که پادشاه تاج بوی داد دلیل بود
و او بر سر نهاد دلیل بود که زنی توانگر خوب روی بخواهد و از او کام دل رواد یابد و اگر بیند که تاج از سر او بیفتاد و بشکست
دلیل بود که زن را طلاق دهد و اگر کسی بیند که تاج از سر وی برگرفته شد دلیل بود که زن از وی جدا گردد و اگر بیند که
تاج از سر وی بیفتاد و بشکست دلیل بود که زن او بمیرد یا کسی از اهل بیت او بمیرد و از دنیا رحلت کند حضرت صادق ع فرماید
اگر زنی بیند که تاج بر سر دارد و شوهر ندارد دلیل بود که شوهر کند و اگر شوهر دارد دلیل بود که بر زنان مهتر گردد و اگر زنی
بیند که تاج از سر او برگرفتند دلیل بود که شوهر او زنی خواهد یا شوهر او را طلاق دهد و اگر بیند که تاج مرصع بگوهر بر سر داشت
بود و جاه و حرمت حاصل کند و او را حرمت بیفزاید **تاراج** ابن سیرین گوید که اگر بیند که مال و نعمت کسی را بتاراج برد دلیل بود
که آنکس را غم و اندوه و زیان رسد بقدر آنکه از وی برده بود حضرت صادق ع فرماید که تاراج کردن دلیل بود بر چهار وجه اوّل
شغب دوم زیان سیم غم و اندوه چهارم ارزانی نرخ اگر که غنیمت بود **تاریکی** ابن سیرین گوید که تاریکی در خواب ضلالت
بود و در راه دین اگر بیند که تاریکی فرا گرفت یا کسی بود وا دلیل بود که بر قدر آن ضلالت و گمراهی یابد اگر بیند که در تاریکی
بود و آن تاریکی بروشنائی مبدل گردید دلیل بود که توبه کند و راه دین بر او گشاده گردد کرمانی گوید اگر بیند که در تاریکی بود
و آن تاریکی باز بروشنائی شد و دیگر بار بتاریکی شد دلیل بود که این منافق بود قوله تعالی وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا ولوانا
جابر گوید که تاریکی بخواب غم و اندوه بود و اگر بیند که هوا سخت تاریک گردید دلیل بود که مردم آن دیار را غم و اندوه رسد و کار
ایشان بسته گردد و اگر بیند که هوا روشن بود و تاریکی ابر ناگاه پدید آمد دلیل بود که در آن دیار مرگ مفاجات ظاهر گردد حضرت
صادق ع فرماید که تاریکی در خواب بر پنج وجه بود اوّل کفر دوم تحیر سیم فروبستن کار چهارم بدعت پنجم در ضلالت افتادن
اسمعیل اشعث گوید اگر بخواب بیند که از تاریکی بروشنائی آمد دلیل بود که از درویشی بتوانگری افتد و از غم فرج یابد و کار
بر وی گشاده گردد و از راه ضلالت دور بود **تازیانه** دانیال گوید اگر کسی بیند که تازیانه بخز ملا کرده داشت دلیل بود که کارش
نه بر مراد و نظام او بود و اگر بیند که تازیانه او محکم نکرده بود دلیل بر شرف و بزرگی بود بقدر آن تازیانه و بعضی گویند که تازیانه

تابستان
باب تاج
تاراج
تاریکی
تازیانه

در خواب دلیل بر مال اندک بود بدین سبب ببینند و خواب اگر بیند که دوال تازیانه او بگسست دلیل بود که مال و بزرگی از وی جدا گردد
ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که کسی را بتازیانه بزد دلیل بود که بکاری مشغول گردد و آنکس را کسب فایده بدو نرسد اگر بیند
که تازیانه از دست بینداخت دلیل بود که از کاری که در دست دارد بیندازد و اگر بیند که چون او را بتازیانه بزد خون از تن وی
روان شد دلیل بود که سخنهای ناخوش شنود و اگر بیند که خون از وی برفت دلیل بود که بهر تازیانه درمی یابد کرمانی گوید اگر
بیند که او را بتازیانه بزد دلیل بود که آنکس مال حرام یابد اگر بیند که زخم تازیانه خون از او روان شد دلیل بود که مال [illegible] اگر بیند
که زخم تازیانه بر تن او بماند دلیل بود که سخنهای ناخوش شنود و اگر بیند که او را بتازیانه بزد و ندانست که کسی بزد دلیل بود که
مال [illegible] جابر گوید اگر کسی بخواب بیند که در دست تازیانه نیکو داشت یا علاقه ابریشمین دلیل کند که او را فرزندی آید اگر
بیند که تازیانه از چوب بود دلیل بود بر قوت حال وی و اگر بیند که تازیانه او چرم یا از دوال بود دلیل بود که خیر و منفعت بدو رسد
و اگر بیند که تازیانه در دست او بشکست دلیل کند که فرزندش بمیرد یا از کار خود معزول گردد و اگر بیند که بر اسب نشسته بود و تازیانه
میزد دلیل کند که بجای کسی کاری کند و بدان کار بروی منت نهد و اگر بیند که بر پشت کسی تازیانه زد و از آنجا خون برآمد دلیل
کند آنکس مال حرام یابد بازستده او را متهم کند بجایی و اگر بر پشت خود زخم تازیانه بیند و ندانست که چه کس زد دلیل بود که [illegible]
دنیای او تمام گردد و اگر بیند که بر کسی تازیانه زد چنانکه پاره پاره گردید دلیل کند که اهل متفرق گردند و اگر کسی را بی اندازه
زد دلیل بود که وی را غم و اندوه رسد اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند که در خانه خود بدست خود تازیانه کوتاه بود دلیل آن بود
کرد بدو دلیل بود که زبان او در خصم دراز گردد و اگر بیند که دراز بود و کوتاه گشت دلیل بود که دشمن بروی غلبه کند حضرت صادق ع
فرماید که تازیانه در خواب بر پنج وجه بود اول شعت دویم جدل کردن سیم روشن شدن کاری مشکل چهارم سفر و مفارقت پنجم بزرگی
و مال تاوه ابن سیرین گوید که تاوه در خواب خدمتکار خانه بود که آنچه برگ خدای خانه بود جمله بر عیال خود و دیگران نفقه کند اگر
که تاوه نو داشت یا کسی بدو داد دلیل بود که خدمتکاری مصلح او را حاصل گردد یا از وی جدا گردد جابر مغربی گوید اگر بیند که در تاوه
چیزی می پخت دلیل کند که کار خدمتکار او نیکو گردد و اگر بیند که در تاوه چیز می سوزد دلیل بود که از آن خدمتکار خیر و منفعت بدو رسد
بشهد خوردنی و اگر بیند که آن خوردنی ترش و ناخوش بود دلیل بود بر غم و اندوه و دوی تب ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند
که او را تب پیوسته بود چنانکه زمانی رها نمیکرد دلیل کند که پیوسته بفساد و گناه مشغول بود توبه باید کرد تا از عقوبت نجات یابد
کرمانی گوید اگر کسی بیند که تبش دراز بود دلیل کند که تنش درست و عمرش دراز بود و اگر بیند که وی را تب اندک بود تا ولیکن نجات [illegible]
این بود دیت تبر ابن سیرین گوید که تبر در خواب خدمتکاری بود که بخواهد که کاری کند و اگر او را کاری فرماید خواهد که آنرا گسسته کرد
تا دیگر کار بش نفرمایند جابر گوید که تبر در خواب مردی ترسنده بود و اگر یاری خواهد از مرد منافق بود و در میان مردم جنگ و [illegible]
افکند و اگر بیند که تبری داشت یا کسی بدو داد دلیل کند که او را با مردی بدان صفت دوستی افتد اگر بیند که تبر او بشکست یا گم
گردید دلیل کند که آن مرد را اجل فرا رسد تبیره نقاره بپارسی طبل بود و دیدن آن در خواب خبر کرده و سخن دروغ بود و کاری بد

بود روشن و این جمله دلیل بر زنند و آن کند ابن سیرین گوید اگر بیند که با تبیره یا پای کوبد و رقص کند دلیل بود که بر غم و اندوه و مصیبت
اگر بیند که او تبیره و سفر و همی زند دلیل بود که سخن باطل گوید یا کاری ناصواب کند که بدان مشهور گردد و بعضی از معبران گویند که تبیره زدن
آواز خوش بود و لکن باطل بود و کرمانی گوید اگر کسی بیند که تبیره میزد دلیل کند که کارهای باطل کند با شفقت کند از آن هیچ اصل نباشد و با
مردمان هر وعده که دهد جمله دروغ باشد حضرت صادق ع فرماید که تبیره زدن در خواب کاری بود که بنادانی کرده شود و عاقبت آن کار
ظاهر گردد که با ملامت و تبیره زدن در خواب سروری بود که دروغ شیرین و آراسته گوید بظاهر و در باطن مردمان را غیبت کند و سخنان
زشت گوید تتماج ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که تتماج بگوشت بره یا با گوشت گوسفند و ماست شیرین همی خورد دلیل کند که بقدر آن
از مردم سپاهی منفعت و خیر رسد و اگر بیند که با گوشت گاو و یا با گوشت خرگوش کشک و ماست ترش همی خورد دلیل بود که منفعت
اندک از مردم سفله و دون بدو رسد جابر گوید که تتماج با گوشت خرگوش با چیزی ترش دلیل بر غم و اندوه بود تخت محمد بن سیرین گوید
اگر کسی بیند که بر تخت نشسته بود و بر آن تخت چیزی گسترده نبود دلیل کند که بسفر شود و اگر بیند که بر تخت خفته بود و بر آن چیزی گسترده
بود دلیل بود که بزرگی یابد و بقدر و قیمت تخت دشمنان را قهر کند اما از این غافل بود و اگر این کس از اهل فساد بود دلیل بود که بر دار کنند
خاصه که خود را بر تخت خفته بیند و اگر بیند که تخت بشکست و او بیفتاد دلیل کند که از جاه و بزرگی بیفتد و حالش بد گردد حضرت صادق ع
فرماید که دیدن تخت در خواب بر هفت وجه بود اول عز و جاه دوم سفر سیم مرتبه چهارم بلندی پنجم ولایت ششم قدر و جاه هفتم حالی
شدن کارها تخم کاشتن ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که تخم کاشت و باز جمع کرد دلیل بود که شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که از
انجا که کاشته بود همی خورد دلیلش از این نیکوتر بود و اگر بیند که از آنچه کشته بود چیزی حاصل نگردید و یا بدانست که باران چیست و نیز اندک
و بسیار آنرا ندانست دلیل بر غم و اندوه کند کرمانی گوید اگر بیند که گندم همی کاشت دلیل کند که او را خیر و نیکوئی رسد و اگر بیند که جو همی کشت
دلیل بود که او را مال جمع گردد و اگر بیند که گاورس همی کاشت دلیل بر مال اندک کند و اگر بیند که عدس و باقلی و لوبیا و مانند آن همی کاشت
دلیل بر غم و اندوه کند دانیال گوید اگر در زمین خویش تخم همی کاشت دلیل کند که زنی خواهد و کارش ساخته گردد و اگر زمین کشته خویش را
ناکشته بیند دلیل بود که او را با کسی خصومت افتد و اگر بیند که بجائی مجهول تخم همی کشت و بر آمد دلیل بود که غزا کند و غزا بروی آسان گردد
و خیرها کند و اگر بیند که در زمین خویش کشت میکرد دلیل بود که او را مال و نعمت حاصل گردد و اگر بیند که جو یا گندم یا درخت در زمین خود میکشت
دلیل که جاه و عز او زیاده گردد بقدر آنکه کشته بود حضرت صادق ع فرماید که تخم کشتن در خواب بر چهار وجه بود اول جاه و بزرگی دوم فساد
سیم مال حرام چهارم نفع در بازرگانی تخمه ابن سیرین گوید اگر بیند که او را تخمه بود دلیل بود که او مال ربا خورد و فساد کند باید که از این
گناه توبه کند تا از عقوبت حقتعالی نجات یابد و باتفاق معبران آنست که خواب تخمه دیدن در آن خیر نباشد حضرت صادق ع فرماید که تخمه در خواب
بر چهار وجه بود اول مال ربا دوم فساد سیم مال حرام چهارم متابعت هوای نفس کند تخمها کرمانی گوید که تخمها در خواب دیدن آنچه
ترش و تلخ و ناخوش بود جمله دلیل بر غم و اندیشه کند خاصه خوردن بد و صعبتر بود اما آنچه بطعم شیرین و خوش بود خوردن آن در خواب
منفعت اندک بود جابر مغربی گوید که تخمها در خواب دیدن و خوردن آن نیکو باشد اگر آن تخم که پوسیده یا کرم زده بود قدر و ا

ابن سیرین گوید که تندر و برق دست در خواب مردی بلند بود و تندر دوشی اگر بیند با وی مستوران گوید که تندر دانا عزم بود که کسب
دست آورد و اگر بیند که تندر دو ندر نیز بود دلیل بود که با کسی بعداوت و خصومت افتد و اگر بیند که تندر بود و دلیل بود وصل گردید
نه کند و نی خواهد کرد و با هیچ خیر شود و اگر خانه تندر بیند دلیلست که زنی خوب روی بنکاح خواهد چند سعیدی و کنیزک
کرمانی گوید که اگر بیند که تندر در خانه داشت و بخورد دلیل کند که زن او چون گردد یا بجهت زن او را حبسی افتد و اگر بیند که تندر را
او بپرید دلیل بود که برا لطف نیز به جای مغزی کرده که تندر در خواب زن پارسا بود با جمال و مال اگر بیند که تندر را یافت یا گرفت
بود که زنی خواهد بدین صفت که گفتیم و اگر بیند که تندر وی در کنار او فتاد و بگریخت دلیل بود که کسی با عیال او مکر و کاری دارد

می فرماید حضرت صادق علیه السلام که دیدن ترازو در خواب بر چهار وجه بود اول زن دوم مال حرام سیم معیشت چهارم کام مراد جستن ترازو
ابن سیرین گوید که ترازو در خواب قاضی بود اگر بیند که ترازوی نو داشت با کسی میزد او دلیل بود که او موضع قاضی بود و سختی
وزن و کفه ترازو و سمع قاضی بود و رسنها که در آن بود خصومت بود که ترازو قاضی کند و سنگهای ترازو عمل و داد بود که قاضی میان
نقصان کند بوقت حکومت و اگر بیند که ترازو او راست بود چنانکه هیچ میل نداشت دلیل که قاضی عدل کند و اگر بیند که ترازو راست
نبود دلیل که قاضی راست و منصف نبود و در حکومت میل کند کرمانی گوید اگر بیند که عمود ترازو بشکست دلیل بود که قاضی بمیرد
بمیرد و اگر بیند که ترازو زیاده و نقصان بود دلیل بود که در عدل و انصاف قاضی زیاده و نقصان بود جابر گوید ملکو بودن
در خواب رستن قاضی بود از عذاب دوزخ ترازو دیدن بخواب دیدن پادشاه عادل بود و ترازوی راست قاضی راست حکم بود
یا وزیر عادل حضرت صادق علیه السلام فرماید که ترازوی قیامت بخواب دیدن بر شش وجه بود اول قاضی دوم پادشاه سیم قطب دنیا
سیاهی پنجم حکم راست ششم حج اگر بیند که کردار نیک وی در ترازوی قیامت بیش از کردار بد وی بود دلیلست که بهشت یابد
و از عقوبت رسته گردد قوله تعالی فَمَن ثَقُلَت مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ المُفلِحُونَ و اگر بخلاف این بود دلیل بود که مستوجب
عقوبت دوزخ بود قوله تعالی وَمَن خَفَّت مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُم فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ترب
کرمانی گوید که ترب بخواب دیدن غم و اندوه بود خاصه که خورد اگر بیند که میخورد دلیل بود که بقدر آن غم و اندوه بدو رسد و اگر
بیند که کسی ترب بدو داد دلیل بود که از آنکس غم و اندوه بدل او رسد و اگر بیند که او ترب بکسی داد یا از خانه بیرون فکند و هیچ از آن
نخورد دلیل بود که از غم و اندوه رسته گردد ترید ابن سیرین گوید که ترید بخواب دیدن دلیل بر غم و اندیشه کند اگر بیند که خورد دلیل
بر زیان مال کند بقدر آنکه خورده بود ترخون ابن سیرین گوید که مردی به کوهر بدکردار بود زیرا که اصل وی سبز است
بسر که تیز با غازد و مردمان را کنند تا طبع و طعم وی از حال خود بگردد و بعد از آن وی را بکار برند چون برآید ترخون بود و اگر بیند که ترخون
داشت یا کسی بوی داد دلیل باشد که از آن مرد وی را مضرت و زیانی رسد و اگر بیند که ترخون بکسی داد یا از خانه بیرون انداخت
دلیل بود که از صحبت چنین مردی جدائی جوید و آزاد شود ترسا کرمانی گوید اگر بیند مسلمانی ترسا شد دلیل بود که او را
راهی بدعت و گمراهی پدید آید و اعتقاد در دین مسلمانی ندارد جابر گوید اگر کسی بیند که دشمنی دارد بروی نصرت یابد زیرا که ترسا شد

بود و از شفقت او نصرت است و اگر ترسائی بیند که مسلمان شد دلیل بود که مسلمان گردد یا بمیرد حضرت صادق ع فرماید اگر کسی بیند که ترسایان
صحبت داشت دلیل بود که دوستدار و هواخواه او بود و اعتقادش در دین اسلام ضعیف بود **ترسیدن** ابن سیرین گوید که
ترسیدن در خواب ایمنی بود و هر که در خواب بیند که می ترسد از کسی و نداند که ترس او از کیست دلیل بود که گروهی او را ترسانند و وی
رسد حضرت صادق ع فرماید که ترسیدن در خواب نصرت بود چنانکه رسول خدا فرموده النصرة بالرعب یعنی نصرت یافتم بترسانیدن و اگر
بیند که از دزدی یا از جانوری همی ترسید دلیل بود که از کسانی که بدو منسوب اند ویرا مضرت رسد **ترشیها** ابن سیرین گوید که ترشیها
خوردن در خواب بیم و اندیشه و غم بود خاصه میوهای ترش و اگر بیند کسی چیزی ترش بوی داد دلیل کند که از او بوی رنج و غم و اندوه
رسد و اگر بیند که او چیزی ترش بکسی داد دلیل بود که بسبب او غم و اندوه بوی رسد فی الجمله در خوردنی ترش هیچ خیر نباشد **ترف**
ابن سیرین گوید که ترف دیدن در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که ترف همی خورد دلیل بود که وام دار گردد و بسبب آن غمگین گردد
که ترف بطعم ترش و بدیدار تیره جابر گوید که دیدن ترف در خواب مال اندک بود و خوردن او غم و اندوه بود **ترنج** دانیال گوید که ترنج
اگر چه بگونه زرد است اما بوی خوش دارد و بطعم و بدیدار پاکیزه بود و گویند که از میوهای بهشت است و دیدن او بخواب نیکست دانیال
گوید اگر کسی یک ترنج یا دو یا سه در خواب بیند تاویلش فرزند بود و اگر بسیار بیند مال و نعمت حلال یابد و ترنج سبز دیدن در خواب
بهتر از ترنج زرد بود کرمانی گوید که ترنج در خواب مردی بود توانگر و با جمال و بمردان نزدیک چنانکه همه کس او را دوست دارند و اگر
کسی ترنجی داشت با کسی بداد دلیل بود که او را با چنین مردی صحبت افتد و اگر ترنج در کنار خود بیند دلیل بود که او را فرزندی خوبروی
آید و اگر بیند که ترنج را بخورد دلیل بود که او را از مال بزرگی بهره رسد و اگر بیند که ترنج را پنهان کرد و در پیچید دلیل بود که زر
هلاک کرد و اگر بیند که در خانه ترنج بسیار داشت و بکسی بخشید دلیل کند که در حق کسی نیکوئی کند و اگر بیند که ترنج در آستین نهاد دلیل بود که او
فرزندی از کنیزک آید و اگر بیند که از آستین او بیفتاد دلیل بود که او را فرزندی حاصل گردد حضرت صادق ع فرماید که دیدن ترنج در خواب
بر چهار وجه بود اول زن نیکوروی دوم کنیزک پاک دین سیم دوست توانگر چهارم فرزند شریف صالح **ترنگبین** ابن سیرین گوید
ترنگبین در خواب مال حلال بی منت بود قوله تعالی وَأَنزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ
و اگر بیند که ترانگبین بسیار داشت با کسی بداد دلیل کند که روزی بسیار یابد از آنجا که امید ندارد و کارهای او بنظام شود حضرت
صادق ع فرماید اگر ترانگبین در خواب دید یا خورد تاویلش بر سه وجه بود اول مال و روزی حلال بی منت خلق دوم معیشت و گشایش
کارها سیم کام دل یافتن **تره دوغ** ابن سیرین گوید که خوردن تره دوغ بخواب دلیل بر غم و اندوه کند **تره** ابن سیرین گوید که از تره ها
آنچه بطعم تلخ و ناخوش بود دلیل بر مضرت کند **تره فروش** اگر کسی بخواب بیند که تره فروشی کردی تاویلش نیکو بود زیرا که بدست او
کاری رود که خلق را بدان احتیاج بود و تره خوردن بخواب بیماری و مفلسی و غم و اندوه بود **تریاک** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که تریاک
از بهر بیماری خورد دلیل بود که از رنج برهد و کارها بروی گشاده گردد و اگر بخلاف این بود دلیل غم و اندوه کند و اندیشه و نقصان بود
تزویج ابن سیرین گوید اگر بیند که زن خواست دلیل بود که شرف و بزرگی یا   بد و اگر عزب بود دلیل بود که زنی توانگر خواهد و اگر

ترسیدن
ترشی
ترف
ترنج
ترنجبین
تره دوغ
تره فروش
تریاک
تزویج

[illegible] و تنگی دلیل بود و گروهی [illegible] دلیل کند [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] دلیل بود [illegible]

دلیل بود [illegible] و اگر زنی شوهری دارد بخواب بیند [illegible]

[illegible] عروسی خواست کردن [illegible]

[illegible] و اگر بیند [illegible] بجهول خواست [illegible]

[illegible] دلیل بود [illegible] و اگر بیند [illegible] جمع شد دلیل بود که [illegible]

[illegible] آسان [illegible] تسبیح کنیم [illegible] و اگر کسی بیند که دختری [illegible]

[illegible] و اگر بیند [illegible] دختری [illegible]

تسبیح

کمال [illegible] عصمت [illegible] خواب [illegible]

[illegible] تسبیح کردن ابن سیرین گوید که تسبیح کردن در خواب [illegible] بودن بر فرمان حق اگر بیند که تسبیح میکرد دلیل [illegible]

[illegible] بود [illegible] و اگر بیند که تسبیح بخواب [illegible]

اجر و ثواب بود و اگر بیند که با تسبیح شکر حق تعالی میکرد دلیل کند که [illegible] و مال یابد [illegible]

طشت

[illegible] ولایت [illegible] قوله تعالی لئن شکرتم لازیدنکم طشت کرمانی گوید که طشت در خواب [illegible]

ابن سیرین گوید طشت در خواب کنیزکی بود که [illegible] خانه [illegible] تسلیم کنند و اگر بیند که طشتی [illegible] گرفت [illegible]

دلیل بود که زنی خادمه [illegible] یا کنیزکی خرد و اگر بیند که طشت بشکست یا ضایع شد دلیل کند که آن کنیزک بمیرد [illegible]

کند کرمانی گوید اگر کسی بیند که طشتی [illegible] دلیل است که زنی خادمه [illegible] خواهد یا کنیزکی [illegible]

تشنگی

در خواب بر سه وجه بود اول زن خادمه دوم کنیزک سیم منفعت از زنان تشنگی ابن سیرین گوید که سیرابی در خواب

بهتر از تشنگی بود و اگر بیند که بغایت تشنه بود و آب نیافت دلیل کند که [illegible]

بیند که تشنه بود و آب [illegible] یافت یا کسی [illegible] دلیل کند که از رنج [illegible] رسته گردد و سرانجام بمراد رسد [illegible]

که تشنگی در خواب فساد [illegible] و اگر بیند که در تشنگی آب یافت و بخورد دلیل کند که [illegible] سرانجام توبه کند [illegible]

تعویذ

و پارسا گردد تعویذ ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که تعویذ با خود داشت از نامهای خدای تعالی دلیل کند که از سختی

و غم برهد و اگر وام دار بود وامش گذارده گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر زندانی بود رهائی یابد و اگر در سفر بود بسلامت

باز آید کرمانی گوید اگر کسی بیند که تعویذ مینوشت و بمردم میداد دلیل بود که از او بمردم منفعت رسد و اگر بیند که تعویذ

مینوشت و بمردم میداد و بها می بستد دلیل بود که اندوهگین گردد و متفکر **تغار** دیدن تغار زنی بود خمکسار و صالحه
که خانه او را بصلاح وا دارد و با خیر بمردم آموزد و از شر و فساد توبه کند کرمانی گوید اگر بیند که تغار او بشکست یا ضایع کرد
دلیل کند که آن زن از او جدا گردد یا از دنیا رحلت کند و بقول بعضی معبران تغار کنیزک بود و خادمه **تفشله** بدانکه تفشله آش
عدس پخته بود اگر کسی آن را بخواب بیند دلیل بر غم و اندوه کند ابن سیرین گوید اگر بیند که تفشله همی خورد دلیل کند که غم و اندوه خورد
یا او را با کسی خصومت افتد و بدان سبب بجزا گردد و علی الجمله در تفشله خوردن هیچ خیر و منفعت نباشد **تکبیر** کردن ابن
سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که تکبیر میکرد دلیل کند که از شر دشمنان ایمن گردد و در خیرات بروی گشاده گردد حضرت
صادق ع فرماید که دیدن تکبیر کردن در خواب بر چهار وجه بود اول ایمنی از دشمن دوم رستگاری از بلا و فتنه سیم خبر برکت
چهارم گشایش کارهای بسته **تگرگ** ابن سیرین گوید که تگرگ در خواب دیدن عذاب و تنگی و بلا بود و اگر اندک بود و بوقت
خود بود دلیل که اهل آن موضع فراخی و نعمت بود لکن تگرگ دیدن نه بوقت خود دلیل بر غم و اندوه بود اهل آن موضع را
حضرت صادق ع گوید که دیدن تگرگ در خواب بر پنج وجه بود اول بلا دوم خصومت سیم لشکر چهارم قحط پنجم بیماری **تل**
بفارسی پشته بود و شرح و تاویل آن در حرف با بیان کردیم **تمام شدن** کار ابن سیرین گوید که هر که بخواب بیند که کار
دنیای او بنظام گشت و کام کار شد دلیل کند که احوالش متغیر گردد قوله تعالی حَتّٰی اِذَا اَخَذَتِ الْاَرْضُ زُخْرُفَهَا
وَازَّیَّنَتْ و هر که بیند که کارش تمام نشد دلیل بر تغیر حال او بود و هم بیم بود که عمرش سپری گردد و هم بیم بود که از او نعمت
کشد **تن** مردم ابن سیرین گوید که تن مردم در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود که معیشت مردم بود و هر زیادت و نقصان
که در تن بیند دلیل بر عیش و معیشت کند و اگر بیند که تنش لاغر و نحیف بود دلیل بود بر درویشی و بستگی کارها و اگر تن را عظیم
بیند دلیل کند بر توانگری و گشایش کارها و اگر بیند که از تن او رشته بیرون آمد و دراز میگردید دلیل کند که زندگانی بعیش
و فراخی گذراند و مالش زیاده گردد و اگر بیند که آن رشته گسسته شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که تن او آهنین شد
یا سیمین دلیل بود که عمرش دراز بود و روزی و نعمت بروی فراخ گردد و اگر بیند که تن او آبگینه بود دلیل بود که اجلش نزدیک آمده
باشد کرمانی گوید اگر بیند که تن او قوی و درست بود دلیل بود که کارش بنظام شود و راز او پوشیده بماند و اگر بیند که تن او برهنه
است دلیل بود که درویش گردد و راز او آشکارا گردد حضرت صادق ع میفرماید که اگر بر تن خویش زیادتی بیند دلیل کند بر قوه و نیرو
و ظفر یافتن بر دشمن و اگر بر تن خویش نقصانی بیند دلیلش بخلاف این بود و اگر بیند که همه تن او آماس و پشت دلیل بود که
گردد **تندر** بلغت پارسی رعد بود و دیدن او در خواب ترس بود و از عاقبت امور ابن سیرین گوید اگر بیند که غریدن تندر را
با باران دلیل بود که مرد را ترس و بیم کمتر بود و نعمت و خیر فراوان و اگر بیند که باران سخت بارد و تندر سخت بارید دلیل بود بر
ترس کاری بیننده خواب از دعاء پدر و مادر کرمانی گوید که غریدن رعد اندک با باریدن باران اندک دلیل بر ترس کاری از اهل
از دعای زاهدان و صالحان حضرت صادق ع فرماید که دیدن تندر بر پنج وجه بود اول عذاب دوم حکمت سیم رحمت چهارم دولت

باران

هم خشم پادشاه و اگر بیند که آواز تندر بوقت باریدن می شنید دلیل بود که در آن دیار خیر و برکت پدید آید و اگر بیند که باران بوقت
بود دلیل بود که مردم آن دیار را از پادشاه ترس و بیم بود و اگر بیند که باران ژاله همی بارید دلیل بود که در آن دیار فتنه و عذاب پدید
پدید آید و اگر بیند که تندر سخت بغرید دلیل بود که بانگ و هیبت پادشاه در آن دیار گسترده گردد و اگر بیند که هم تندر بود و هم

تندیسها

هوا تاریک بود دلیل که پادشاه شکر پدید آید تندیسها ابن سیرین گوید که تندیسها که سایه آن بر زمین افتد چون بخواب بیند
غم و اندوه بود خاصه که بگونه سیاه بیند و آنچه در دیوار نگاشته بیند حضرت صادق فرماید که تندیسها در خواب بر سه وجه بود

تنگی

غم و اندوه دوم نقصان قدر و جاه سیم بی امانتی در کارها تنگی ابن سیرین گوید اگر بیند که از تنگی بفراخی آمد از جایگاهی
بجایگاهی ایمنی شد دلیل بود که کارهای او منتظم شود و از رنج براحت و آسانی شود و اگر بخلاف این بیند بد بود و اگر
بیند که در جایگاهی تنگ گرفتار شد دلیل کند که در کارهای دشوار افتد و خلاصی نیابد و اگر بیند که در جای

تنور

بر او تنگ گردد تنگی همه چیزها در خواب نیکو نباشد تنور ابن سیرین گوید که تنور در خواب مهتر بود و کدخدای خانه و بعضی
گویند که بانوی خانه بود و اگر بیند که تنور درست داشت دلیل کند بر تن درستی و نظام کار کدخدای خانه و اگر بیند که تنور
خراب شد دلیل کند بر رنج و آفت و بیماری و آفت کدخدای و بدی وی و اگر بیند که تنور نان می پخت دلیل کند که بقدر آن
روزی حلال بیابد و کار بر وی نیکو گردد و کرمانی گوید اگر بیند که در تنور لختی آتش هست پیر و شنائی و برنائی فزونی شعاع آتش
بود و نبود دلیل بود که بسفر بیت المقدس رود و یا حج کند قوله تعالی مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ
یعنی که در بیت المقدس و بعضی گفته اند که از آن خیر و منفعت رسد حضرت صادق فرماید که دیدن تنور در خواب بر دو وجه بود

توبره

خیر و منفعت بود خاصه که نو بود دوم مرد را هیبت پیدا شود و منفعت توبره ابن سیرین گوید که توبره در خواب خیر و منفعت
خاصه که نو بود و اگر بیند که توبره داشت یا کسی بوی داد دلیل کند که از کسی خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که توبره ای کهنه

توبه

بود یا دریده بخلاف این بود توبه کردن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که توبه کرد دلیل کند که از همه گناه و معصیت بیزار
گردد و از نیکوکاری خشنودی خدای تعالی بود و دوست از دنیا بدارد و طلب آخرت کند حضرت صادق فرماید که توبه کردن

توتیا

در خواب بر چهار وجه بود اول پشیمانی از گناه دوم رضای خدا سیم راه آخرت چهارم سعادت توتیا کرمانی گوید که توتیا
در خواب دیدن مالی بود و اگر کسی بیند که توتیا در چشم کشید و مقصود از توتیا روشنائی چشم بود دلیل بود که صلاح دین جوید و اگر
وی بخلاف این بود دلیل کند که خود را بنفاق دینداری بر مردم ظاهر کند تا او را ستایش کنند جابر مغربی گوید اگر کسی بیند که توتیا
دلیل کند که بقدر آن وی را مال حاصل گردد و اگر بیند که توتیا همی خورد دلیل کند که مستمند و غمگین گردد حضرت صادق فرماید اگر بیند که توتیا

توت

در زیر بغل داشت بهر رفع بوی ناخوش همی مالید دلیل کند که کاری کند که در آن راحت و شادی و نیکوئی گویند توت توت شیرین
در خواب روزی بود و خوردن توت ترش غم و اندوه بود ابن سیرین گوید که توت شیرین به هنگام خوردن دلیل کند که ابتدا آن بر
خویش روزی یابد و اگر این خواب بهنگام رسیدن توت بیند نیکوتر بود و اگر نه بوقت آن بود دلیل بر غم و اندوه کند کرمانی گوید

گردد شیرین شود دلیل بود که از مردی جوانمرد وصلت و عطا یابد اگر بیند که خرقوت همی خورد دلیل است که غمگین و متفکر گردد حضرت
صادق ع فرماید که توت در خواب بر سه وجه بود اوّل مال دوّیم منفعت از کسب خویش سیّم منازعه بهر زن **تورات** ابن سیرین گوید
اگر بیند که تورات همی خواند بغلط بر دلیل کند که دین او قوی بر بیاید از مردم محتشم و اگر بیند که تورات خواند بغلط بر دلیل کند که با کسی خصومت
کند و بروی ظفر یابد و مرادش حاصل گردد و اگر بیند که کسی را تعلیم تورات میکرد دلیل کند که از آن کس خبر بد و رسد **تیر** دانیال گوید
که تیر در خواب دیدن مرد پیست راست که از آن کس خبر بد و رسد بقول بعضی از معبران غیبت بود و اگر بیند که کسی تیر بوی می انداخت
دلیل کند که پیغامی بد و فرو رسد خاصه چون بیند که تیر بر هدف انداخت اگر بیند که تیر بغیر هدف انداخت دلیل بود که نام بد آن کس شایع شود والله اعلم
بالصواب

حرف الجیم من کتاب کامل التعبیر

چادر ابن سیرین گوید که چادر در خواب دیدن ستر پوشش زن بود اگر بیند
که چون زنان چادر پوشیده بود دلیل کرد ان کار خیر و ستر بود لکن انکار را از ان مکروه دارند و اگر کسی بیند که چادر را بدرید یا بسوخت
دلیل بود که دران وقت ستر وی دریده گردد کرمانی گوید که چادر شب در خواب دیدن زن بود اگر بیند که چادر شب نو اگرفت یا کسی
بدو داد دلیل کند که زن نو خواهد و اگر بیند که چادر نو بخرید دلیل کند که کنیزکی بخرد یا او را فرزند آید و اگر این خواب را زنی بیند دلیل کند
که او را شوهر آید و اگر زنی بیند که چادر شب او بسوخت دلیل بود که شوهرش بمیرد یا او را طلاق دهد حضرت صادق ع فرماید چادر در خواب
بر سه وجه بود اوّل قدر و جاه دوّیم مرد را زن و زن را شوهر سیّم کدخدای سرای **جادویی کردن** ابن سیرین گوید که جادویی
کردن در خواب کار باطل بود اگر بخواب بیند که جادویی میکرد دلیل کند که کاری کند بیهوده و باطل و بقول بعضی از معبران جادو
فتنه بود و آنکس را که از بهر او جادویی کنند جابر مغربی گوید که جادویی کردن در خواب از بهر کسی لتعهد بود بدروغ که مرد مانرا بد و خرید
و جادویی در خواب دشمن فریبنده بود حضرت صادق ع فرماید که جادویی کردن بخواب بر شش وجه بود اوّل فتنه دوّیم فریب
سیّم مکر چهارم سکالش پنجم باطل و دروغ ششم کاری که دران اصل نبود **چهارپای** ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که چهارپایی را
فرا گرفت و آن چهارپای مطیع و فرمان بردار بود دلیل بود که بقدر و قیمت آن چهارپای از مردی بیابانی او را منفعت رسد و اگر بیند
که در میان چهارپایان دشتی پیش او حاضر بودند و مطیع او شدند دلیل کند که گروهیکه مسکن ایشان در بیابان بود مطیع او شوند کرمانی گوید
اگر بیند که چهارپایان دشتی را بپیر ستید دلیل کند که مردمان دانا را خدمت کند جابر مغربی گوید اگر بیند که چهارپایی شده بود دلیل
کند که از او عقل زایل گردد و اگر بیند که چهارپایی با او سخن میگفت دلیل بود که بزرگی یابد و اگر بیند که از چهارپایی گوشت میخورد دلیل بود
که بقدر آن مال یابد **جاروب** ابن سیرین گوید که جاروب بخواب دیدن خادم خدمتکار بود و جاروب در شب خادمی بود
که تقاضای چیزها کند و اگر بیند که خانه را بجاروب میرفت دلیل کند که مالش ضایع گردد و اگر بیند که خانه کسی میرفت دلیل کند که از
کسی بدو رسد خاصه که بیند خاک رفته را بخانه خود آورد حضرت صادق ع فرماید که جاروب دیدن بخواب بر سه وجه بود اوّل خادم
دوّیم منفعت سیّم متقاضی چیزها که با مردم بود **جام** کرمانی گوید اگر بیند که جام پر آب یا جلاب فرا گرفت یا کسی بدو داد
و از آن بخورد دلیل کند که زن خواهد یا کنیزک خرد و او را فرزندی پارسا آید که از و راحت بیند و اگر بیند که آب از جام برگشت و جام بماند دلیل

فرزندش بمیرد و زنش بماند و اگر بیند که جامه اش بشکست و آب بماند دلیل کند که زنش بمیرد و فرزندش بماند و اگر جامه اش بشکست و آب بریزد
دلیل بود که فرزند بود و زن بمیرد و جامه مغربی گوید اگر بیند که در میان خانه آورده و بر او نشانده بود دلیل بود که به وی آن با مهابت
نیز و زنان بود و اگر جامه سفید یا سبز بیند دلیل بود که او را زنان مصلح پارسا باشد و اگر جامهای سرخ بیند دلیل کند که او را زنان
شوخ و عشوه بود و اگر جامه زرد بیند دلیل بود که زنان او بیمار بوند و کوتاه باشند اگر جامها سیاه بیند دلیل بود که او را زنان اندوهگین و مصیبت
باشد جامه و نیال گوید که جامه در خواب کسب کار مرد بود و اگر جامه خود پاکیزه بیند دلیل که کسب کار او نیکو گردد و اگر جامه را چرکین بیند دلیل کند
و کارش بد شود و اگر پادشاه در خواب جامه خود را سیاه بیند دلیل بر نیکوئی حال او بود و اگر رعیت جامه خود را سیاه بیند دلیل غم و اندوه و جامه زرد
بیماری بود و جامه سرخ در خواب خرمی بود و توفیق طاعت دلیل بر آنکه جامه سبز جامه بهشتیان نیز خوب بود قوله تعالی عالیهم ثیاب
سندس خضر و استبرق و جامه سفید شسته ساختگی کار مردم بود و جامه کبود دلیل بر مضرت بود و جامه سوخته دلیل زیان
بود از سبب پادشاه و جامه دریده دلیل بر آشکار شدن راز بود و جامه ابریشمین و پشمین و پلاس ابریشمین جمله دلیل بر مال و نعمت او
حاصل گردد و جامه مرقع دلیل بر درویشی و تنگدستی بود و جامه پرکن از هر نوع که باشد دلیل بر اندوه و غم بود و جامه کاغذی دلیل
بر ندامت و شناعت کند و جامه که از پوست چهارپایان بود دلیل بر خیر و منفعت بود که بدو رسد و جامه بیند بشکل کفن دلیل که
شغلهای وی در دین تمام گردد ولکن عمرش بآخر رسیده باشد و اگر بیند که پوست خز پوشیده بود دلیل بود که غزو و جهاد یا به بزرگی
گوید اگر بیند که جامه مهتری پوشیده است اگر از اهل آن جامه بود دلیل کند که کارش قوی گردد و اگر بیند که جامه وزیری پوشیده است
دلیل که مال بسیار یابد اما از خلق ملامتش بود و اگر بیند که جامه حاجبی پوشیده بود دلیل بود که از عطای بزرگان محروم ماند اگر بیند که
جوالی جامه عوانی پوشیده است دلیل کند که کسی او را یاری دهد و بعطار رسانیدن بوی و اگر بیند که جامه جلادی پوشیده است دلیلست که
از منفعت یابد و اگر بیند که جامه صاحب شرع پوشیده است دلیلست که با امانت و زبان آور گردد و مهمات ساختن خلق مشغول گردد
و اگر بیند که جامه صوفیان پوشیده است دلیل بود که دین او زیاده گردد و اگر بیند که جامه زاهدان پوشیده است دلیل بود که با ...
بود و اگر بیند که جامه بزرگان پوشیده است دلیل بود که کار و کسب دنیائی او نیکو گردد و اگر بیند که جامه اهل صلاح داشت دلیل بود که
کار دینش بصلاح آید و اگر بیند که جامه اهل فساد پوشیده است دلیل بود که او را از اهل فساد غم و اندوه رسد و اگر بیند که جامه مزدوری
کرده داشت دلیل بود که متفکر و رنجور گردد و اگر بیند که جامه طبیبان داشت دلیل بود که کارش نیکو گردد و در میان مردمان مشهور گردد و اگر
بیند که جامه جهودان داشت دلیل بود که بمکر و حیله کسی را هلاک کند و سرانجام کارش بد شود و اگر بیند که جامه ترسایان داشت دلیل کند
که کاری کند که بسبب آن از دوست و دشمن ایمن نباشد و اگر بیند که جامه کشیشی داشت دلیل بود که صاحب بدعت بود و میلش بکفر
و ضلالت بود و اگر بیند که جامه مغان داشت دلیل بود که میلش بجانب بددینان و جاهلان بود و اگر بیند که جامه سپاهیان پوشیده
است دلیل بود که او را با کسی عداوت افتد و اگر بیند که جامه مرتدی پوشیده داشت دلیل بود که کسی عطائی بدو دهد و باز ستاند
و اگر بیند که جامه بت پرستی داشت دلیل بود بخدمت پادشاه مشغول گردد یا خدمت مهتری و اگر بیند که جامه زنی پوشیده داشت دلیل

بود که از مهتر خویش دور گردد واگر بیند که جامهٔ مردان زندانی پوشیده داشت دلیل بود که بسبب کاری غمگین و مستمند گردد واگر بیند که
جامهٔ حمال پوشیده بود دلیل بود که امانت گذار شود و انگشت نمای گردد واگر بیند که جامهٔ کورکنی داشت دلیل کند که بخدمت مردی سفله
دون همت مشغول گردد واگر بیند که جامهٔ کشتیبانی پوشیده داشت دلیل بود که از کسی مصلح روزی حلال باو رسد واگر بیند که جامهٔ قصابی
داشت دلیل بود که ویرا از بلائی جانوری رسد واگر بیند که جامهٔ بانگوری پوشیده داشت دلیل بود که با زن صحبت دارد و نه براستی کرمانی
گوید اگر بیند جامهٔ نو داشت واو را اقتضا نکرده بود نیکو بود و جامهٔ تنگ و دون دیدن و جامه جام از جامهٔ گازری کرده بهتر بود و جامهٔ
نو ربفت زن خرد مند و کنیزک باشد و تنگ بود و جامهٔ بر دو مخطط خیر و منفعت بود و جامهٔ رسنی که مجهول بود زخم نا زیانه بود یا غمی سخت
که بدو رسد و جامهٔ معتبر دال و خواسته بود جابر گوید که تاویل دیدن جامه بر دو گونه است یک گونه بدین تعلق دارد و یک گونه بدنیا
و جامهٔ سفید دین است و جامهٔ نو تمامی دنیا اگر کسی بیند که جامهٔ سفید نو پاکیزه داشت هم دنیا و هم دین را نیکو بود واگر جامهٔ سبز
بیند هم دین را به بود و هم دنیا را چون جامه را چرکن و دریده بیند هم فساد دین و هم فساد دنیا بود و جامهٔ سرخ زنان را نیکو بود در دنیا
و مردان را هم نیکو بود و پیراهن و ازار و طیلسان و قبا و دستار از جمله مردان را غم و اندوه بود یا جنگ و خصومت و جامهٔ زرد مردان را بیماری
بود و بقول بعضی از معبران اگر بیند زنی که جامهٔ زرد پوشیده بود دلیل کند که او را شوهری آید واگر دارد و بیمار گردد و جامهٔ سبز زنان و
مردان را دین بود واگر بر زنده بیند صلاح دین بود واگر بر مرده بیند دلیل رستگاری آخرت بود و جامهٔ سیاه کسی را که پیوسته سیاه پوشد نیکو بود
اما اگر پیوسته سفید پوشد جامهٔ سیاه دیدن نیکو نباشد نه دین و نه دنیا را و جامهٔ سیاه بقول بعضی از معبران خطیب قاضی و پادشاه را
نیکو بود اما رعیت را غم و اندوه بود و جامهٔ کبود مهمان و غم و مصیبت بود اگر کسی بیند که جامهٔ ملون داشت یعنی سبز و سرخ و زرد دلیل بود
که از پادشاه یا والی آن ولایت سخنی سخت شنود که او را خوش نیاید اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بخواب بیند که جامهٔ داشت از رنگی
از رنگی دلیل بود که با اهل دین و دنیا بمنزلت زندگانی کند اگر بیند که از جامهٔ خویش همی خورد دلیل کند که از مال خود نفقه بسیار کند
واگر بیند که جامهٔ ریزه پوشیده داشت دلیل بود که در سفر بماند یا از بهر کاری در بازندان کشند واگر بیند که جامه او ضایع
گردید یا از وی بستدند و او برهنه ماند دلیل بود که قدر و جاهش کم گردد و حقیر و خوار گردد واگر بیند که جامهٔ خویش را بدرید دلیل
کرانده و غمگین گردد و با زن خویش خصومت کند واگر بیند که جامهٔ وی بدرید دلیل کند که از آنکس جدا شود واگر بیند که جامهٔ خود را
یا جامهٔ اهل خود را موی کرد دلیل کند که او را با خویش خود خصومت افتد یا از دوستی واگر بیند که جامهٔ او کسی ببرد و برهنه ماند دلیل
کند که از حرمت و منزلت بیفتد واگر بیند که جامه در نوشتهٔ از هم باز کرد دلیلست که بسفر شود واگر بیند که جامهٔ باز کرده را در نوشت
دلیل بود که غایبش از سفر باز آید واگر بیند که جامهٔ زنان پوشیده داشت دلیل که مالش زیاده گردد اما ترسی عظیم بدو رسد و
او را غم و اندوه رسد و بحرمت گردد واگر بیند که جامهٔ مردان پوشیده داشت دلیل کند که خیر و نعمت بدو رسد و جامه
در خواب سفر بود بقدر درازی و کوتاهی جامه در سفر بماند واگر بیند که جامه را تمام کرد دلیل بود که از غم باز رهد اصفهانی گوید
که بهترین جامها در خواب جامهٔ ایست که از پنبه بود و در وی قز یا ابریشم نباشد و جامهٔ عتابی از پنبه و ابریشم بود و جامهٔ خز

جامه پوشیدن

بود دلیل بر مال حرام و فساد کند، و دیدن جامه دیبای حریر و ابریشم مردان را بد بود و زنان را نیک و جامه کهن غم و اندوه بود
از قبل پادشاه، و اگر کسی بیند که جامه کهنه فروخت نیک بود، و اگر بیند که جامه کهن بخرید دلیل بد بود، و جامه کهن پوشیدن
بد است، و جامه کهن از تن بیرون کردن نیکست. جابر مغربی گوید اگر بیند که جامه شسته بود و بپوشید دلیل بود که تائب گردد،
و اگر بیند که جامه چرکن داشت درویش گردد، و اگر بیند که جامه رنگین داشت اگر زن بود یا سپاهی بود او را نیک بود،
و اگر بیند که جامه با شکوه داشت دلیل بود که او را منکری پدید آید. حضرت صادق ع فرماید که دیدن جامه خود در خواب بر چهار

جامه خواب

وجه بود: اول زن، دوم پادشاه، سیم مال، چهارم خیر و منفعت. ابراهیم گوید اگر کسی بیند که جامه خود را بفروخت دلیل است
که چیزی بد و رسد، و اگر بیند که دزدان جامه او را ببردند دلیل بود که فسادی در میان زنان می افتد. جامه خواب
ابن سیرین گوید که جامه خواب در خواب دیدن عیالان بود، و اگر بیند که جامه خواب سفید و پاکیزه بود دلیل که عیالش دین دار و پر
مستور بود، و اگر بیند که جامه خواب او سیاه بود دلیل بود که از عیالش اندوه و رنج بدو رسد. و بعضی از معبران گویند که جامه سیاه در خواب
پادشاه و بزرگ بود و رعیت را بد بود، و اگر جامه خواب را کبود بیند دلیل بود که او را بسبب عیال غم و اندوه و مصیبت رسد، و اگر بیند
که جامه خوابش چرکن و دریده بود دلیل بود که زن او چرکن و پلید و ناسازگار بود، و اگر بیند که جامه خوابش ضایع کرد یا بدزدید
دلیل بود که زن را طلاق دهد و مفارقت کند، و اگر بیند که جامه خوابش بسوخت دلیل کند که عیالش بمیرد. حضرت صادق ع فرماید

جان

که دیدن جامه خواب بر سه وجه بود: اول زنی نیک، دوم راحت و آسانی، سیم رنج و اندوه و مصیبت. جان: محمد بن سیرین
گوید که جان بخواب دیدن مغز زندگی بود یا مال یا عیال موافق، اگر بیند که جان از تن وی بیرون شد دلیل بود که فرزند یا عیالش بمیرد یا مالش
تلف گردد و بی جود لنگر دد، و اگر جان خویش بصورت مردی نیکو بیند دلیل بود که وی از فرزندی نیکو با یادها شادی نیکو گردد یا بدید
پادشاه خوش طبع جوانمرد پیوند و مالش نیکو گردد، و اگر جان خود را بصورتهای زشت بیند احوالش بخلاف این بود. و گفته اند حکایت
خبر آمده است که مردی پیش رسول خدا آمد و گفت یا رسول الله در خواب چنان دیدم که جانم از تن من بیرون آمد و مرا تکبار گرفت
از آن با آسمان رفت. رسول فرمود که وصیت کن که جان تو بمکان خویش رسید. پس هم بدان روز آن مرد از دنیا رحلت کرد، و کرمانی گوید اگر بیند
که جان خود را از کف خود دید دلیل بود که بکار محافره مشغول گردد که در آن دیر پایم جان بود، و اگر بیند که جان از کف او بآسمان شد دلیل است
که زود بمیرد، و اگر بیند که رنگ جان او زرد بود که در بیماری صعب بمیرد، و اگر جان را بگونه سرخ و یا سفید بیند عاقبتش نیکو بود و اگر سبز
یا سیاه بیند نیکو نباشد، و دلیلست که مستوجب عذاب حق تعالی بود. جابر مغربی گوید اگر بیند که مرده جان همی کند و خویشان او
بروی نوحه و زاری میکردند دلیل بود که از میت بر وی اغم و اندوه رسد، و اگر بیند که خویشان وی آب سبیل بستند دلیل که خویشان او را

جاه

از وی شادی و خرمی رسد. حضرت صادق ع فرماید چون بیند که مرده در خواب جان میکند دلیل بود که جانش در عقوبت بود. جاه: ابن
سیرین گوید که جاه در اصل فریب زن بود، اگر بیند که در جایی جاه میکند دلیل بود که زن خواهد، و اگر بیند که بکندن جاه و کسی او را مدد میکرد
دلیل کند که میان او و دختر کسی متوسط است و خواهد که بمکر و حیله آن زن را از آن وی ببرد، زیرا که کندن جاه مکر و حیله بود و در امثال گفته اند

افتادن چاه و برای فتن بکنند یعنی او بی بری مگر خواهد کرد و آب چاه در خواب مال زن بود اگر کسی بیند از چاهی آب بخورد دلیل بود که مال زن بخورد و اگر از چاهی خورد
که از خشت پخته برآورده بود هم دلیل بر مال زن کند و اگر بیند که کسی چاه کند و آب بر نیامد دلیل بود که زنی درویش خواهد کرد و اگر
بیند که آب چاه خوردن بالطبع خوش بود دلیل بود که مال زن بکراهیت بستاند و اگر بیند که آب چاه گرم همی خورد دلیل بود که گشته
مال زن جدا یابد و بقول بعضی از معبران بیمار گردد و اگر بیند که آب چاه خنک و خوش بود دلیل بود که از زن خیر و منفعت بیند
و اگر بیند که آب چاه بسیار بود که زن جوانمرد و سخی بود و اگر بیند که آب چاه اندک بود دلیل بود که زن سفله و دون بود و اگر بیند
که چاه بکند و آب زرد برآمد دلیل بود که زن بیمار گردد و مال خود در بیماری بخورد و اگر از چاه آب سیاه برآمد یا کبود دلیل بود که غم
و اندوه بدو رسد و اگر بیند که از چاه آب سفید برآمد دلیل بود که میراث یابد و اگر بیند که آب چاه بقعر فرو رفت و هیچ نماند دلیل بود
که زن هلاک گردد و مالش تلف شود و اگر بیند که چاه در زیر زمین فرو رفت هم دلیل بود بر هلاک زن کرمانی گوید اگر کسی بیند که دلو
در چاه کرد تا آب برآورد و دلو در چاه افتاد و در ریسمان گسسته شد دلیل بود که او را فرزندی آید ناتمام حکایت در خبر است که مردی
از عبدالله عباس پرسید که بخواب دیدم که دلو در چاه کردم تا آب برآرم ریسمان بدو پاره گشت و آن دو پاره را یکی برآوردم
و یکی در چاه بماند عبدالله گفت که تو از عیال خود غایب بودی و ترا فرزندی آمد شش ماهه که ویرا دفن کردند آن مرد گفت که مرا
از این سخن عجب آمد دانیال علیه السلام گوید اگر کسی بیند که در جایگاهی معروف چاهی میکند دلیل کند که با کسان خود مکر و حیله سازد
و بقول بعضی از معبران کندن چاه و برآمدن آب حکم نکاح دارد و اگر بیند که چاه از بهر کسی دیگر کند دلیل بود که او متوسط
بود و کسی را بنکاح کردن جابر گوید اگر بیند که آب از چاه میکشید دلیل بود که بمکر و حیله مال جمع کند خاصه که چاه خود کنده باشد اگر بیند که
بدلو آب همی کشید و در سبو میریخت دلیل بود که مال خود نیکو نگاه دارد و اگر بیند که آن آب را بر کشید و بر زمین ریخت دلیل بود که مال را
نفقه کند بخیر و اگر که در چاه افتاد دلیل کند که در مکر و حیله افتد و اگر بیند که باغ را آب همی داد دلیل کند که مالی که حاصل کرده است
زن خواهد یا کنیزک بخرد و اگر بیند که در آن باغ میوه بود دلیل بود که او را فرزندی آید و بعضی گویند که اگر بیند که باغ را آب همی داد دلیل
کند که با زن خود مجامعت کند و اگر بیند که آب بر سر چاه آمد و روان شد دلیل کند که زنی توانگر بزنی خواهد و از آن زن او را مال و نعمت
حاصل گردد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن چاه در خواب بر شش وجه بود اول زن دوم کنیزک سیم عالم چهارم توانگری پنجم
گرسنگی ششم مکر و حیله و مرد چاه کن در خواب مکر و حیله بود جبه ابن سیرین گوید که جبه در خواب زن بود اگر بیند که جبه فراخ و پاکیزه داشت دلیل
کند که زن او نیک رای و نیک سیرت بود و اگر بخلاف بیند دلیل کند که زن او بدخوی و ناسازگار بود و اگر بیند که جبه او بدرید یا بسوخت
دلیل که میان ایشان جدائی افتد حضرت صادق علیه السلام فرماید که دیدن جبه در خواب که بیند در زمستان در تن داشت نیکوتر بود و آن بر پنج
وجه بود اول زن دوم قوت سیم شادی چهارم منفعت و جبه کهن و چرکن غم و اندوه بود جابر گوید اگر بیند که جبه نو داشت یا کسی بوی
داد و برنگ سبز بود دلیل بود که زن پاک دین بخواهد و اگر بیند که جبه سفید نو داشت زنی پارسا و با امانت بود و اگر زرد بیند زنی بیمار گون
بود و اگر کبود بود زنی متفکر و غمگین بود و اگر سرخ بیند زنی معاشر بود و با او سازگاری کم کند چتر ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که بر بالا

سرای چنین بیند دلیل بود که اگر از ایوان بود پادشاهی یابد و اگر از ایوان نباشد دلیل که بزرگی یابد و اگر بیند که چراغ پادشاه در دست او
دلیل که مقرب حضرت پادشاه گردد حضرت صادق فرماید که دیدن چراغ در خواب بر هفت وجه بود اول سلطنت دوم عزت سوم
چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم صحبت بزرگان چراغ کرمانی گوید که چراغ در خواب خادم خانه بود و معبران گویند
کدبانوی خانه بود و اگر در خواب بیند که در خانه او چراغ پاکیزه و روشن بود دلیل که بانوی خانه زنی با صلاح و نیک سیرت بود
و اگر بیند که چراغ تاریک شد یا بسوخت دلیل در رنج که بانوی خانه یا زن یا خادم اگر بیند که چراغ فرو مرد دلیل بر کدخانه بانوی خانه
جابر گوید اگر بیند که از آتش خود چراغ بر افروخت دلیل که اگر زن دارد فرزندش آید و اگر غریب بود زن کند یا کنیزک خرد و اگر در سفر غایب بود
بسلامت باز آید و اگر بیند که در شهر چراغ بسیار است دلیل بود که پادشاه و والیان عادل بود و قاضی منصف و مردم شهر را معیشت
بسیار بود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که چراغ بسیار در دست داشت دلیل بود که او را فرزندی آید که عزت و دولت یابد و اگر
بیند در خواب فاسق بود دلیل که از گناه بازگردد و توبه کند و اگر مشرک بود هدایت یابد و اگر مسلمان بود توفیق طاعت یابد لقوله تعالی
وَسِرَاجًا مُنِيرًا وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا و اگر بیند که چراغ بمرد دلیل بود که فرزندش هلاک گردد یا
دولتش نقصان پذیرد و اگر بیند که در هر دو دست او چراغ روشن بود دلیل که مراد دینی و دنیایی او ساخته و اگر بیند که دست
داشت که در روی دو سوراخ و دو فتیله افروخته بود دلیل است که او را دو فرزند نیک بود که بیک شکم آیند حضرت صادق فرماید که دیدن
چراغ در خواب بر چهارده وجه بود اول پادشاه دوم قاضی سیم فرزند چهارم عروسی پنجم ولایت ششم سرای هفتم مهتر هشتم شادی
نهم علم دهم توانگری یازدهم عیش خوش دوازدهم کنیزک سیزدهم منفعت چهاردهم آنچه بیند مهمان بود چراغ پایه ابن سیرین گوید
که چراغ پایه در خواب خدمتکار خانه بود و اگر بیند که چراغ پایه داشت یا کسی بوی داد دلیل بود که خادمه او خوش طبع و مهربان بود و اگر
چراغ پایه زنگ گرفته بود دلیل بود که زن خادمه متکبر و خود بین بود و دینش ضعیف بود و اگر بیند که چراغ پایه چوبین بود زن خادم
منافق و دون بود و بر قول او اعتماد نبود چراغدان در خواب زن بود و معبران گویند که خدمتکار خانه بود و قبیله و چراغدان کارفرمای بود و اگر
بیند که چراغدان سیمین بود دلیل بود که اصل آن خدمتکار گبر بود و باشد و اگر سفالین بیند اصل آن خدمتکار مسلمان بود و دینی
اگر بیند که چراغدان از دست او بیفتاد و بشکست دلیل بود که زن یا خدمتکار او بمیرد چرغ ابن سیرین گوید که چرغ در خواب پادشاه
و اگر چرغ وحشی بیند دلیل فرزندی بود که بحد بلوغ و مردی رسد و اگر بیند که چرغ را بگرفت و بدو شکار میکرد دلیل بود که پادشاه
برادو ستم و بیداد کند و اگر بیند که پادشاه چرغ بدو داد و او شکار میکرد دلیل بود که از پادشاه حرمت و بزرگی یابد و بر دیگران
ستم کند و اگر بیند که چرغ شکار میکرد و او را بگرفت دلیل بود که او را فرزندی آید نازان اگر بیند که از گوشت آن چرغ چیزی میخورد
دلیل بود که از فرزند رنج و بدی بیند کرمانی گوید که چرغ بخواب دیدن دلیل مردی بزرگ بود که با هیبت و قوت بود و اگر بیند
که چرغ در خانه وی یکبار یا دو بار بانگ میکرد دلیل بود که او را زیانی رسد و اگر سه بار بانگ کرد هیچ زیانش نرسد و بعضی از
معبران گویند که چرغ مردی قد بود که نسب ندارد باکند چرک ابن سیرین گوید که هر که در خواب بیند که جامه چرکن داشت دلیل گند

چراغ
چراغ پایه
چراغدان
چرغ
چرک

فساد کار بود و اگر کسی بیند که جامه او چرک یا چیزی دیگر آلوده بود دلیل بود بر تباهی دین و دنیای او و اگر بیند که چرک جامه از بر
مردکان بود دلیل بر فساد دین و صلاح دنیا بود کرمانی گوید که چرک در خواب دیدن بر سر و تن غم و اندوه بود و دیدن چرک بر تن
خیر و منفعت نباشد جزع در خواب زنی بود مختلف حال پراکنده احوال و مولی زاده و اگر بیند که جزع داشت یا کسی بدو داد دلیل بود
که زنی بدین صفت که گفتیم بخواهد و اگر بیند که جزع او ضایع شد دلیل بود که زنش بمیرد یا طلاق دهد جابر مغربی گوید اگر بیند که جزع سفید روشن
بود دلیل بود که زنی مستوره با امانت و خوب روی بخواهد اگر بیند که جزع تیره و سیاه بود تاویلش بخلاف این بود جستن ابن سیرین گوید
اگر کسی بیند که از جایی بجست دلیل بود که از حالی که دارد بحالی دیگر شود و اگر جستن دور بود دلیل بود که سفری دور کند و اگر بیند که چوبی
یا نیزه در دست داشت و بدان از جایی بجایی بجست دلیل بود بر مردی قوی اعتماد کند تا او را مددی دهد در کاری تا انکار براد و کی
برآید و اگر بیند که از دیواری فرو جست و بر ستور نشست دلیل بود که هلاک گردد و اگر بیند که بر بامی جست و خانه در زیر پایش فرو رفت
و بمرد دلیل بود که زن با او جدا گردد و با پیشرم می آید و اگر بیند که از زمین بهوا بر جست و روی بقبله آورد و بعد از آن فرود در حرم و مدینه
یا در مکه یا در مدینه این جمله دلیل حج کردن بود و اگر بیند که از سرائی مجهول بسرائی مجهول جست دلیل بود که هلاک گردد و اگر بیند که با شکوه
همی جست و معلق همی زد دلیل بود که کار وی با شکوه نبود و عیش بر وی تباه گردد و اگر بیند که بهوا بر جست و مرغی را بگرفت دلیل کند
که زن خود را بگذارد و زن دیگر خواهد و اگر بیند که بچوبی یا بعصائی از جائی بجائی همی جست دلیل بود که از رنج و اندیشه برهد و کارش بنظام شود
چشم ابن سیرین گوید که چشم بخواب دیدن مرد بینائی بود که بدان راه هدی یابد و چشم ازرق بدعت بود و چشم شهلا فرزند بود
و اگر بیند که نابینا شده است دلیل بود که از راه هدی گشته بود یا فرزند وی بمیرد و اگر بیند که یک چشمش کور شد دلیل بود که یک نیمه دین
رفته بود یا گناهی بزرگ کرده بود یا یکدست یا یکپای یا یک اندام تن وی یا مصیبتی بوی رسد یا در کار وی از آن وی کرمانی گوید اگر
بیند که در چشم سرمه کشید دلیل بود که صلاح دین جوید اگر بیند که از سرمه مقصودش زینت و آرایش است دلیل بود که خویشتن را با امانت
و دین و داد بمردمان نماید تا عزیز گردد و اگر بیند که کسی سرمه بوی داد تا در چشم کشد دلیل بود که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که روشنائی
چشم او ضعیف بود بظاهر و باطن دو روی و منافق بود و اگر بیند که بر تن او چشم بسیار بود و همه چیز را بکمال میدید دلیل بود
بر زیادتی صلاح وی در دین و بجای آوردن سنت و فرایض شریعت و اگر کسی بیند که کسی چشم او بر کند دلیل بود که چیزی که چشم او
بدان روشن بود از زن و فرزند و سرای و باغ از نظر او غایب گردد چنانکه دیگر باز نه بیند جابر مغربی گوید اگر بیند که چشم از آهن داشت
دلیل بود که پرده او دریده گردد و اگر بیند که هر دو چشم او آماسیده بود چنانچه چشم باز نمیتوانست کرد دلیل بود که با مردی مخالف صحبت
کند و اگر نور چشم را ضعیف بیند دلیل بود که از اطاعت کردن زیان افتد و اگر هر دو چشم خود را کنده بیند دلیل بود که از دین شریعت
بی بهره گردد و اگر بیند که در میان روی او یک چشم است دلیل بود که بر زبان او سخن ناسزا رود در باب دین و اگر بیند که چشمهای او روشن
است و مردمان پندارند که او کور است یا شب کور دلیل بود که باطن او در دین بهتر از ظاهر او بود و اگر بیند که چشم کسی سیاه بود و ازرق
شد دلیل بدی و برگشتن حال او بود قوله تعالی وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا و اگر بیند که هر دو چشم او سفید شد و دیگر باره سیاه

گشت دلیل بود که بیمار گردد یا با کسی خصومت کند و اگر بیند که سپیدی چشم او سیاه گشت چنانکه سپیدی نماند دلیل بود که شغلی گردد
و اگر بیند که یک چشم او را آفت رسید دلیل بود که فرزندان او را آفت رسد و اگر بیند که کسی دست دراز کرد و یک چشم او بر کند دلیل کند
که فرزند او را از راه ببرد و اگر بیند که کسی چشم او بدست یا بپای بگرفت دلیل بود که فرزند او را زیانی رسد یا مالش ببرد و یا
کند و اگر بیند که از دیده او خون همی رفت دلیل بود که بجهت فرزند غمی بوی رسد یا نقصان مال شود و بعضی گفته اند که اگر
بیند که چشم او گوش گشت و گوش او چشم گشت دلیل بود که زنی خواهد که او را دختری بود و با مادر و دختر مجامعت کند و اگر بیند که چشم
کسی بستد دلیل بود که مال یابد و اگر بیند که در چشم او سپیدی بود دلیل بود که او را غم و اندوه رسد قوله تعالی وابیضت
عیناه من الحزن حکایت چنین گویند که مردی پیش ابراهیم آمد و گفت بخواب دیدم که چشم راست من [illegible]
بر چشم چپ من بدید گفت ای مرد از خدا بترس و توبه کن و بعد از این با زن همسایه خیانت مکن تا از عقوبت حق تعالی ایمن بود
مرد گفت که توبه کردم که بعد از این نکنم حضرت صادق فرماید که چشم در خواب بر هفت وجه بود اول روشنایی دوم دین
سوم هدایت چهارم فرزند پنجم مال ششم علم هفتم زیادتی در دین و مال چشمه ابن سیرین گوید که چشمه آب در خواب
جوانمرد بخشنده و چون آب خوش طعم و خوش بوی بود قوله تعالی فیها عینان تجریان و اگر آبش تیره و گنده بود
دلیل بود که انجام غم و بیماری مصیبت بود و اگر بیند که از آن چشمه [illegible] دلیل بود که از هر غم فرج یابد و اگر بیند که آب
چشمه زیاده شد دلیل بود که جاه و حرمت مردان یا جوانمردی زیاده گردد و اگر بیند که آب چشمه نقصان گرفت دلیل بر
این بود و اگر بیند که آب چشمه خشک گردید دلیل بود که مهتری جوانمرد از آن دیار رحلت کند [illegible] و اگر بیند که در خانه او یا
دکان او چشمه آب پدید آمد دلیل بود که او را غم و اندوه و گریستن بود بر قدر و قوت آن چشمه و اگر آب را تیره و ناخوش بیند
غم و اندوه بود و عیب است و اگر بیند که در آن چشمه دست و روی بشست دلیل بود که اگر بنده بود آزاد گردد و اگر [illegible]
از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گزارده شود و اگر گناهکار بود توبه کند و اگر حج نکرده باشد حج کند
جابر مغربی گوید که آب چشمه بخواب دلیل بر عمر صاحب خواب بود و اما اگر چشمه آب بیند خاصه که دست بدان آب [illegible]
بینا و بنا(؟) دل ضعیف ترا آب روان بود و بعضی از معبران گویند که چون آب چشمه بینا را بود بنا دلیل بر خیر و صلاح
دین کند چون روان بود دلیل بر غم و اندوه بود حضرت صادق فرماید که دیدن آب چشمه در خواب بر پنج وجه بود اول مهتر
جوانمرد دوم غم و اندوه سوم مصیبت چهارم بیماری پنجم مرد زندگانی یافتن چغانه ابن سیرین گوید که چغانه در خواب
سخن باطل و دروغ بود و اگر بیند که چغانه میزد دلیل که سخن باطل و دروغ گوید یا از غم و اندوه رسد و اگر بیند که پادشاه وی را
چغانه داد دلیل بود که از پادشاه وی را غم و اندوه رسد و اگر بیند که چغانه بشکست و بشکند دلیل بود که از دروغ و باطل
توبه کند و اگر بیند که چغانه بر سر میزد و چغانه نداند زد دلیل بود که اگر صاحب علم بود مردمان را تعلیم کند و از آن علم [illegible]
بمردمان رساند و باشد که از شکوه علم کرد تفسیر علم حدیث و فقه و اگر [illegible] بود دستش [illegible] پیش کند که از آن شغل [illegible]

کنند اگر بیند که با جغد در خانه جنگ و نای و رقص بود دلیل بر غم و اندوه و مصیبت کند جغد در خواب مردی بود ناکار جیبا
و حرام بود و اگر بیند که کسی جغد همی گیرد دلیل بود که او را با چنین مردی خصومت افتد و دیگر شبه حال و دیدن جغد در خواب مبارک
نباشد کرمانی گوید اگر کسی بیند که آواز جغد همی شنید دلیل بود که در آنجا نوحه و شیون بود بقدر بانگ جغد و اگر بیند که بچه جغد بود
دلیل که فرزند او شوم و ناخلف بود و اگر بیند که گوشت جغد همی خورد دلیل بود که از مال مردی دزد ناکار بقدر آن چیزی
بخورد چغندر ابن سیرین گوید که چغندر در خواب دلیل غم و اندوه بود و اگر کسی بیند که چغندر همی خورد دلیل کند که بقدر آن غم و اندوه
خورد و اگر بیند که چغندر از خانه بیرون انداخت دلیل بود که از غم فرج یابد ابن سیرین گوید که چغندر در خواب منفعت اندک بود و از جهت زنان چغندر
پخته هم از زنان منفعت یابد اندکی چاک محمد بن سیرین گوید که اگر بیند که چاک بهره بوی داد یا مهره کرد و بیافت دلیل بود که مال
و منفعت یابد اگر کسی بیند که بر و چاک یا خط و دفاله [illegible] دلیل بود که حجامت کند جابر مغربی گوید اگر بیند که چاک مردم
گرد با واشت مهار و برگرفت دلیلست که در مال و نقصان افتد اگر بیند که چاک از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل بود که وی
ضایع گردد چکاوک بفارسی قبره خوانند و تاویلش در خواب فرزند یا غلام بود اگر در خواب بیند که چکاوک نر گرفت یا کسی بوی
داد دلیلست که غلامش یا فرزندش آید چنانکه اگر چکاوک نر بود غلام بسر آید و اگر ماده بود غلام را دختری آید کرمانی گوید که چکاوک
در خواب مردی بود شیرین سخن خوب و کم از و چرب زبانی اگر کسی بیند که چکاوک وی را عطا داد یا گرفت دلیل بود که با چنین مردی
ورا صحبت افتد جگر ابن سیرین گوید که جگر در خواب مال نهان کرده بود اگر بیند که جگر مردم بود دلیل بود که مال نهان کرده بیابد
و بهره کند اگر بیند که بسیار جگر پخته یا بریان کرد و او را حاصل کرده یا خام دلیل کند که گنج بیابد و جگر گاو و گوسفند هم دلیل مال
و نعمت بود و بعضی از معبران گویند که جگر بخواب دیدن دلیل بر فرزندان بود چنانکه رسول صلعم فرمود اولادنا اکبادنا کرمانی گوید
که بیرون آمدن جگر پیدا شدن مال نهان بود که پیدا کرده و جگر بسیار اگر پخته یا خام بود دلیل کند بر یافتن گنج و بر علم غیب حضرت
صادق ع فرماید که دیدن جگر در خواب بر سه وجه بود اول فرزند دوم مال سوم دوست که بجای فرزند بود سیم علم و اگر بیند که از خانه
او جگر بیرون میکردند یا آتش جگر او را بسوخت دلیل بود که پادشاه گنج و مال وی بستاند و اگر این خواب را عالمی بیند دلیل بود که علم نهانی
بجمله فراموش کند مجامعت دانیال ع گوید که مجامعت کردن در خواب روا شدن حاجت بود خاصه چون بیند که منی از وی
جدا گردید اگر کسی بیند که با کسی جماع کرد دلیل بود که از آن کس نیکی یابد و حاجت وی روا گردد و اگر بیند که کسی با او جماع کرد دلیل بود که خائف
و ذلیل گردد و اگر بیند که با زن خود مجامعت کرد چنانکه زن از بالا بود و مرد از زیر دلیل کند که زنی دیگر خواهد و از وی خیر و منفعت
بیند ابن سیرین گوید اگر بیند که با زن خود یا زن دیگر از راهی دیگر مجامعت کرد دلیل که مردی مبتدع بود و بر طلب کار ناسزا رود و اگر کار او
مصلحت نباشد و سنت رسول ص را نگاه ندارد و اگر بیند که با مادر یا با خواهر یا با کسی دیگر که بر وی حرامست مجامعت کرد دلیل بود
که شفقت خویشی از وی بریده گردد و اگر زنده بود یا مرده دلیل بر غم و اندوه و بعضی از معبران گویند که اگر زنده بود و از وی خیر و نیکی
بیند و باشد که حج اسلام کند اگر بیند که با زنی که مرده بود مجامعت کرد دلیل بود که غمگین و مستمند گردد و اگر بیند که با زن مرده بیگانه

جغد

چغندر

چاک

چکاوک

جگر

مجامعت

جماع کرد دلیل بود که کاری کند که از ان نومید شده باشد بتمامی بیاید مرد که بیگانه بود اگر بیند که با جوان مجهول مجامعت کرد در میان ایشان خصومت بود دلیل بود که بجنگ انجامد و ازاو خیر و نیکی بیند و اگر آن مرد جوان معروف بود بر وی ظفر یابد اگر بیند که جماع با مردی پیر میکرد دلیل بود که خیر و نیکی از بخت خود بیند کرمانی گوید اگر بیند که دختری به دوشیزگی بستد دلیل بود که در آنسال زنی خواهد یا کنیزکی بخرد و اگر بیند که محرم پادشاه شد و مجامعت کرد دلیل بود که بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که با دیو جماع کرد همین دلیل کند که کارها بر او شود و بعضی گویند که از پادشاه ترس و بیم بوی رسد و اگر بیند که با مرغی مجامعت کرد دلیل کند که با کسی که بدان منسوب باشد ظفر یابد اگر بیند که با ترسائی یا جهودی یا گبری مجامعت کرد دلیل بود که کارهای دنیای او بنظام شود و اگر مردی پیر که بکلی شهوتش زایل شده بود در خواب بیند که شهوتش غالب گردیده است چنانکه در جوانی بود دلیل کند که در کار دین نیک رغبت کند و اگر بیند که با زنی ناپاک جماع کرد دلیل کند که طالب دنیا شود و مال حرام و اگر این خواب زنی بیند همین تاویل دارد جابر مغربی گوید اگر بیند که بر بستر جماع کرد دلیل بود که از سختی برهد و بر دشمن ظفر یابد و مالش بسیار و نامش بلند گردد و اگر بیند که با پادشاه جماع کرد دلیل است که محرم و نزدیک او گردد و اگر بیند که با زن پادشاه جماع کرد دلیل بود که ازاو منفعت یابد و اگر بیند که با زن جامع بعض مجامعت از زن کارش بد شود و اگر بیند که با زن مجامعت کرد که مرده بود دلیل که کارش بد گردد یا با خویشان او پیوند و وصلت کند و اگر آن زن زنده بود دلیل خویشان او مفارقت کند و بعضی از معبران گویند که با زن حایض مجامعت کردن آسایش کارهای دنیائی بود اسمعیل اشعث گوید اگر کسی بیند با زن او که کنیزک بود مجامعت کرد دلیل که از پادشاه خیر و منفعت بدو رسد اگر بیند که با مردی معروف جوان جماع کرد دلیل است که ازاو خیری بدو رسد اگر بیند که با مردی مجهول جوان جماع کرد دلیل بود که از پادشاه حاجت روا گردد و اگر بیند که با مردی مرده جماع کرد دلیل بود که از برای او دعای خیر کند اگر زنی بیند که با زنی دیگر جماع کرد دلیل بود که ازاو نیکی بیند و حاجتش روا گردد حضرت صادق فرماید که در خواب جماع کردن که از وی حاجت جنابت آید بر سه وجه است جنابت خوردن مال حلال و دین پاک بود اگر کسی بیند که او را جنابت داده بجز دلیل بود که او را بقدر آن مال حاصل گردد و دلیل است بر دین پاک و اعتقاد درست و اگر بیند که کسی او را جنابت داد دلیل بود که ازاو کسی خیر و منفعت یابد اگر بیند که جنابت بخورد و بر زمین ریخت تاویلش بخلاف این جنازه اگر کسی بیند که جنازه میبرند دلیل بود که خداوندش را بر چندان مردمان که از پس جنازه بود بدیشان فرمان روا گردد و لکن بر ایشان ظلم کند و اگر بیند که او مرده و او را بر جنازه نهادند و او را میبرند و مردمان از پس جنازه او میرفتند دلیل بود که شرف و بزرگی یابد لکن دینش تباه بود و با قومی که از پس او میرفتند او فرمان روا بود و اگر بیند که جنازه او مرده برداشتند و میبرد دلیل بود که بخدمت پادشاه پیوندد و ازاو خیر و نیکی بیند و اگر بیند که قومی از پس جنازه او میرفتند و بر هوا میشدند دلیل که مردی بزرگ از آن شهر در سفر بمیرد و اگر خویشتن را در جنازه بیند که آن جنازه بر زمین همی رفت دلیل کند که بسفر شود گرانی کند اگر بیند که مرده را بر جنازه میبردند و در پس جنازه او کسی نبود دلیل بر نقصان عز و جاه و کار وی کند و اگر بیند که مردمان در پس جنازه او بودند تاویلش بخلاف این بود اگر بیند که بر جنازه گران بود دلیل که ستم بر مردمان کند و اگر بیند که بر جنازه سبک بود دلیل بود که بر مردمان سبک بار بود و حالش نیکو گردد و اگر بیند که از جنازه بیفتاد و با کسان که او را میبردند از جنازه جدا افتد دلیل بود که از عز و جاه

جنابت

جنازه

ببیند و کار او بسته گردد حضرت صادق ع فرماید که جنازه در خواب دیدن بر سه وجه بود اول بزرگی دوم ولایت سیم عز و جاه و منفعت

جنب بودن اگر بیند که جنب بود دلیل بود که در مهم آشفته و سرگشته شده باشد و بعضی از معبران گویند که سفر کند و مراد و دنیا بیابد و کارش تباه گردد و اگر بیند که خود را از جنابت بشست و جامه بپوشید دلیل بود که سرانجام او را کار رسته گردد و کار بسته گردد و اگر بیند که خود را تمامی نشست دلیل بود که کارش بر تمام نگردد و بعضی که تمام بر نیاید کرمانی گوید اگر کسی در خواب جنب بیند خود را برهنه دلیل بود که در کار خود متحیر و عاجز گردد و اگر بیند که خود را در گرمابه بشست و بیرون آمد و جامهٔ پاکیزه در پوشید دلیل بود که چیزها بازگردد و توبه کند

چنگال اگر کسی خود را چون مرغان چنگال دار بیند دلیل کند که او را قوة بود در کسب معیشت و دشمنان را قهر کند و اگر بیند که چنگال مرغان در دست داشت دلیل بود که بقدر و قیمت آن مرغ خیر و منفعت بدو رسد حضرت صادق ع فرماید که چنگال در خواب بر سه وجه بود اول قوت دوم توانائی در کار سیم معیشت سیم کسب کردن

چنگاله در خواب مردی بود بدکردار و عذاب کننده و چنگاله را بفارسی معلاق خوانند اگر بیند که چنگاله داشت یا کسی بوی داد دلیل بود که با مردی بدین صفت او را صحبت و دوستی افتد و اگر بیند که چنگاله اندام او را بخست دلیل بود که او را از مردی بدکردار مضرتی و زیان رسد و اگر بیند که چنگاله از او ضایع گردید یا به بخشید دلیل بود که از صحبت مردی بدکردار جدا گردد

چنگ زدن ابن سیرین گوید که چنگ زدن در خواب سخن دروغ بود اگر بیند که چنگ میزد دلیل سخن باطل و دروغ بود و او را از آن غم و اندوه و زیان رسد و اگر بیند که پادشاه او را چنگ بداد دلیل بود که او را از پادشاه عطا و بزرگی رسد و اگر از اهل آن بود از غم فرج یابد و اگر بیند که چنگ بشکست یا بیفکند دلیل بود که از دروغ و باطل توبه کند و اگر بیند که کسی چنگ میزد و او سماع میکرد دلیل بود که شنونده دروغ و باطل بود و بعضی از معبران گویند که چنگ زدن در خواب دلیل بر عمر دراز بود کرمانی گوید اگر کسی بیند که چنگ میزد دلیل بود که بزرگی بزرگ از مهتران پیوسته گردد و از او عز و جاه یابد و با هم بجال رحیم بسخن روانی و آخر کار آن زن را بنکاح بخواهد و اگر بیند با چنگ و چغانه و نائی و رقص هم ایجمله دلیل بود بر غم و مصیبت جابر مغربی گوید اگر کسی در بیماری بیند که چنگ و چغانه میزد دلیل بود بر وفات او

جنگ کردن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که او جنگ کرد با مردمان یا حیوان دیگر چون هرد از یکی صعب باشد آنکه غالب بود بر دشمن ظفر یابد

جهود شدن ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب بیند که او جهود شد دلیل بود که بر راه بدعت بود و جهود از راه بازی و به دو تول است وارد و ابن سیرین گوید اگر بیند که او جهود شد یا ترسا یا مشرک یا بت پرست دلیل بود بر ضلالت و گمراهی او و بر خدا تعالی بهتان و دروغ گوید و اگر بیند که از آن کیش برگشت و مسلمان شد دلیل که گناهی بزرگ از او در وجود آید و سرانجام توبه کند و بسوی حق تعالی بازگردد و اگر بخواب بیند که نداند از کدام دین است یا از کدام قبله نماز می باید کرد دلیل بود که سرگشته و متحیر و سرگردان شود و فرو ماند حضرت صادق ع فرماید اگر کسی بیند که جهود شد دلیل بود که صاحب خواب را کاری مشکل پیدا گردد و بر مخالف شریعت سنت باید زیرا که یهود مشتق است از هدی و اگر مغی را بخواب بیند دلیل بود که صاحب خواب را بکارهای دنیا فریفته گردد و غافل بود از کار آخرت جابر گوید اگر جهودی بخواب بیند که مسلمان شد دلیل بود که زود بمیرد یا مسلمان گردد

جو کرمانی گوید اگر بیند که جو تر یا خشک یا پخته همی خورد دلیل بود که چیزی اندک بوی رسد و اگر کسی بیند که جو داشت یا کسی بوی بخشید دلیل بود که بقدر آن خیر و نیکوئی بدو رسد و دلیل بر تن درستی بود

(حاشیه: جنب بودن — چنگال — چنگاله — چنگ زدن — جنگ کردن — جهود شدن — جو)

و اگر بیند که جو در زمین میکشت دلیل بود که وی را مال جمع گردد و کاری کند که خدای تعالی از او خشنود گردد حضرت صادق ع
فرماید که جو در خواب دیدن مال بود که آسان بدست آید و جو فروش بخواب دیدن مردی بود که دنیا را بر دین اختیار کند
جوال و روز ابن سیرین گوید که جوال دوز در خواب مردی بود که کارهای مردم بهم پیوندد خاصه کارهای کوچک و اگر بیند
که جوال دوز فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل بود که او را با مردی بدین صفت که گفتیم صحبت افتد و اگر جوال دوز او گم
یا ضایع شد دلیل بود بر هلاک آن مرد جوان شدن ابن سیرین گوید اگر کسی بیند که جوان گردید و محاسن سفید و سیاه گردد
دلیل بود که فرومایه گردد و اگر جوان مجهول را بیند دلیل بود که او را دشمن خاری بیند و مرادش بنیاید و اگر بیند که جوانی پیر شد
دلیل بود که حرمتش زیاده گردد و زنان نیز در این معنی چون مردان باشند جابر مغربی گوید که اگر جوانی در خواب بیند که پیر گردد
بود دلیل بود که علم و ادب آموزد و شرح آن در حرف میم بیان کنیم چوب کرمانی گوید که چوب در خواب دیدن نفاق بود
و بعضی از معبران گویند که چون چوب بیند در خواب مردی بود که در نفاق بود و اگر بیکانه دهد آنکس با وی نفاق کند و چوب کج
در خواب دیدن تاویل آن چون تاویل چوب است بود و اگر چوب کج بود که سوختن را شاید مرد منافق بود و دروغزن بود
جوراب ابن سیرین گوید که جوراب در خواب خادمی بود و از شمار زنان اگر بیند که جوراب داشت از ابریشم یا از ریسمان پوشیده
دلیل بود که او را خادمی بود اصلی و از او برخوردار گردد و اگر بیند که جوراب چینی یا نقشین داشت دلیل بود که کنیزکی خوبروی
بجز دارایی با جمال بخواهد و اگر بیند که جوراب زرد داشت دلیل که او را خادمی بیمار گون پیدا گردد و اگر بیند که جوراب سرخ
بود دلیل بود که او را خادمی شوخ بیشرم بود و اگر بیند که جوراب او سیاه بود اگر بیننده مصلح بود نیکو بود و اگر مفسد بود بد بود
اگر بیند که جورابش کهن و چرکن بود دلیل بود که خادمش را بفسادی متهم کنند و اگر بیند که جورابش ضایع شد یا بسوخت دلیل بود
بر مرگ خادم و بعضی از معبران گویند که جوراب در خواب مال و خواسته بود و اگر جوراب بوی بد دلیل بود که زکوة مال بدهد
و اگر بوی جوراب ناخوش بود دلیل که زکوة مال نه دهد و زبان مردم بر وی دراز گردد کرمانی گوید اگر بیند که جوراب او از پوست
بود و بیند که از کدام پوست است اگر پوست شتر بود دلیل بود که خادم او بزرگ همت و اصل بزرگ بود و اگر از پوست گوسفند
بود دلیل بود که خادم او از مردم عامه بود و اگر از پوست اسب بود دلیل بود که خادمش از اصل معتبر و سپاهیان بود و اگر بیند
که از پوست نخجیر بود خادم او از مردم بیابانی بود جابر مغربی گوید اگر بیند که جوراب در پای داشت دلیل بود که مال نگاه دارد
اگر بیند که جوراب سفید پاکیزه در پای داشت دلیل بود که زکوة مال داده بود حضرت صادق ع فرماید که جوراب پاچی مال مرد بود و
دامال زکوة بود و اگر بیند که از جوراب او بوی خوش می آمد دلیل بود که در مرگ و زندگانی او را ثنا گویند و اگر بوی ناخوش کند
او را ملامت و نفرین کنند و اگر بیند که جوراب او ضایع شد دلیل بود که زکوة ندهد و مال او ضایع گردد جوشن محمد بن سیرین
گوید که پوشیدن جوشن در خواب پشت و پناه بود بقدر روشنی و پاکیزگی آن و اگر بیند که جوشن داشت دلیل است که او را
پشت و ایمن شود از دشمنان و اگر بیند که جوشن پوشیده داشت دلیل بود بر حصار تن او از شر دشمنان که بر وی ظفر نیابند

و اگر بیند که جوشن پوشیده داشت دلیل بود بر حصار تن او از شر دشمنان که بروی ظفر نیابند و اگر بیند که با جوشن بود که سلاح و شت
دلیل بود که از مکر منافق و از شر حاسد ایمن گردد و بعضی از معبران گویند که جوشن در خواب زیادتی دین او بود و هر که جوشن ساخته
که پوشیده و در حفظ خدای عزوجل بود حضرت صادق ع فرماید که جوشن در خواب بر شش وجه بود اول بزرگی دوم پناه سیم قوه چهارم
مال پنجم زندگانی ششم زیادتی در دین و جوشن در خواب دیدن مونس مردم بود **چوگان زدن** ابن سیرین گوید
اگر بیند که چوگان در دست داشت و گوی میزد دلیل که آنچه میجوید بیابد و قدر و منزلتش بیابد اگر در دین و طاعت سست بود
کرمانی گوید اگر چوگان زدن در خواب درست بادشاهی دید دلیل بود که بر دشمنان ظفر یابد و چوگان چون در دست مردم عامه بیند
دلیل بود که با مردم جنگ و خصومت کند و سخن زشت شنود از قبل زبان و معبران تشبیه کرده اند بدان وجه که از زبان **جولاه**
ابن سیرین گوید که جولاه در خواب مردی مسافر یا پیک بود که در عالم همی گردد و اگر بیند که جولاهی جامه همی بافت با کسی او را جنگ
و خصومت افتد زیرا که کرباس بافتن تاویل جنگ و جدل بود کرمانی گوید بافتن جامه در خواب در مرتبه بافتن چیزها بیان کردیم
اگر بیند که جامه را تمام ببافت دلیل کند که اندوهگین گردد و جوهر بفارسی گوهر فروش گویند ابن سیرین گوید اگر بیند که گوهر و مروارید
میفروخت و آن گوهر ملک او بود دلیل بود که خداوند علم و دین بود و با همه کس نیکی و احسان کند و اگر خداوند دین نباشد دلیل
که خداوند غلامان گردد و بقدر و قیمت گوهر او را مال حاصل گردد حضرت صادق ع فرماید اگر مصلح و مستور بود و دید که گوهر میفروخت
دلیل بود که او را علم و دین حاصل گردد **جوی آب** ابن سیرین گوید که جوی آب در خواب دیدن چون آب خوش طعم بود و پاکیزه
دلیل که زندگانی او خوش بود و اگر بیند که از جوی مجهول آب صافی میخورد و آنکس در سفر بود یا در جایگاهی بیگانه دلیل بود که در کاری
مجهول مشغول گردد و عمر خود را در از گذارد و بمقدار آن آب که در جوی خورده بود منفعت یابد و اگر آب جوی شور و تلخ و ناخوش بود
دلیل بود بر تلخی معیشت و زندگانی او ابن سیرین گوید که جوی در خواب دیدن اصل جوی وکیل بود که مقرب گردد و اگر کسی آب جوی
روان و صافی بیند دلیل که مقرب گردد و اگر کسی آب جوی را روان و صاف بیند دلیل بود که کار وی روان گردد و شود و اگر بیند
که آب جوی تیره بود دلیل بود که کارش تباه و بی نظام شود و هر جای که آب جوی بیند دلیلش بر وکیل ناحیه بود و هر زیاده و نقصان
که در جوی بود بوکیل باز گردد و اگر بیند که بر تختی نشسته بود و در زیر آن تخت آب روان بود دلیل بود که دولت و اقبال روی
بوی نهد و احوال دو جهانی او نیکو گردد و قوله تعالی تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاؤُونَ و اگر بیند که در
جوی آب صافی نشست دلیل بود که از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گذارده گردد و اگر در سفر بود
زود باز آید جابر گوید که جوی در تاویل مردی بود محتشم با منفعت اگر بیند که آب جوی برداشت دلیل است که بقدر آن از مردی
محتشم مال یابد و جوی خوردن زندگانی بود والله اعلم بالصواب **حرف الجاء من کتاب کامل التعبیر** **جبر**
ابن سیرین گوید که جبر در خواب طلب کردن معیشت و یافتن مال بود و اگر بیند که جبر بخرید یا کسی بوی داد دلیل بود که معیشت
بروی فراخ گردد و مرادش حاصل گردد و اگر بیند که جبر بریخت یا از وی ضایع شد او طیش بخلاف این بود کرمانی گوید اگر بیند که جبر

برجامه او ریخت دلیل بود که او را زیانی رسد و اگر پیر بود و او را زیان ندارد و اگر بیند که بحبر چیزی می‌نوشت اگر آنچه نوشت از قرآن
یا از نام خدای تعالی بود دلیل بر خیر و صلاح او کند و اگر بخلاف این بود که بیند دلیل بر شر و فساد او کند حب خوردن ابن
دید که حب خوردن در خواب اگر بیند که از برای بیماری خورد و دید که در خوردن او شفا و منفعت یافت دلیل بر خیر و منفعت کار او کند و اگر بیند که او را
در منفعت نبود تاویلش بخلاف این بود حج گذاردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که بحج رفت و مناسک حج گذارد
اگر بیماری این خواب بیند شفا یابد و اگر وام دار بیند وامش گذارده شود و اگر سفری بیند بسلامت بمقام خود برسد
و اگر بخواب بیند که بحج رفت و حج از وی فوت شد دلیل که عمرش دراز گردد و کارش بنظام بود کرمانی رحمة الله علیه گوید
بخواب بیند که بحج رفت و در حرم لبیک میزد دلیل که او را از دشمن بیم بود و اگر بیند که بحج میرود و احرام بست لیکن برفتن قصد نکند
دلیل که خیانت کند و اگر بیند که روز عرفه است دلیل که با کسی صلح کند و اگر بیند که در خانه کعبه نماز میگذارد دلیل که از بزرگان
منفعت یابد و کارش نیکو شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید حج گذاردن در خواب بر هفت وجه بود یکی تزویج کردن دوم
تبرک حرمین سوم زیارت پادشاه دادگر دیدن چهارم نیکوئی پنجم سعی نمودن در کار خیر ششم مزد و ثواب یافتن هفتم صحبت
علما رسیدن حجر الاسود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حجر اسود در دست داشت دلیل که از اهل حجاز او را منفعت رسد و اگر
که حجر الاسود را برکنده و داشت دلیل که بد مذهب باشد و بی اعتقاد و ناپاک بود و اگر بیند که حجر الاسود را باز بجای خود نهاد دلیل
از بر راه صلاح آید و اگر بیند که آب زمزم میخورد دلیل که چیزی که از وی گشته باشد باز بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که حجر الاسود را بوسه میداد و بروی روی میمالید دلیل که خیر و صلاح دین وی زیاده شود و با علما پیوندد حجامت کردن
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حجامت او حجامی بیگانه در حال بیکار کرد دلیل که امانتی در گردن خود کند و اگر بیند که حجام
سند و دوست بود دلیل که امانتی بدو سپارد و از شر دشمن ایمن شود و از غم فرج یابد اگر جوان این خواب بیند
و اگر پیری بیند بزرگی یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پیر او حجامت کرد دلیل که کارش نیکو شود و اگر بیند که پادشاه را
کرد دلیل که مقرب پادشاه شود و اگر بیند که چون حجامت کرد و خون از وی نیامد دلیل که زن از وی بناکام جدا گردد و اگر
بد یا پیر مغربی رحمة الله علیه گوید که حجام پیر بخت بیند در خواب بود و حجام جوان دشمن او باشد و اگر بیند در خواب
دلیل که مستوفی شود یا دبیر پادشاه گردد و اگر عامل بود و در قرض غرق شود جعفر صادق گوید حجامت کردن در خواب بر
وجه بود یکی امانت گذاردن دوم شروط خواندن سوم ولایت یافتن چهارم عز و بزرگی پنجم مرتبت ششم سنت پیغامبر
السلام هفتم آنکه اگر عامل بود از عمل معزول گردد و بعضی از معبران گویند اگر حجام جوان بود دلیل که محاسب خرج بود یا
کار بروم بدست وی گشاده گردد حد زدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حد زدن در خواب دلیل بر فراهم آمدن کار
باشد اگر بیند که او را حد میزدند دلیل که بقدر آن کار فراهم آورد و اگر بیند که او را کسی حد زد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله
گوید اگر بیند که کسی را از بهر گناهی حد زد و اگر بیند در خواب مصلح بود بشغل نیا مشغول شود و اگر بیند در خواب مفسد بود

وانده و بود حریر نیز کوتاه بود و اگر بخواب بیند که حریر داشت دلیل که او را فرزندی آید و اگر زن ندارد مال یابد و اگر بیند که با حریر سلاح تمام
تمام داشت دلیل که بزرگی و جاه یابد و اگر بیند که پادشاه حریر بدو داد دلیل که از پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که حریر خود بکسی داد
دلیل که از آنکس بدو چیزی رسد و اگر بیند که حریر بدست او بود بشکست دلیل که از دشمن نصرت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
حریر بخواب دیدن بر شش وجه باشد یکی عجب دوم ولایت سوم عمر دراز چهارم ظفر پنجم ریاست ششم منفعت حرم جای ایمنی بود
اگر بیند که در حرم کعبه بود دلیل که از آفات دنیا ایمن یابد و او را حج روزی شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در حرم پادشاه یا بزرگ
رفت دلیل که از همه شرها ایمن گردد و باشد که از پادشاه چیزی بدو رسد و بعضی معبران گویند که او را حاجتی با اهل آن حرم و اگر بیند که
پادشاه او را در حرم خود خواند و آنجا مقیم شد دلیل که در کار پادشاه شروع کند و کاری کند که او را از آن کار بدنامی حاصل آید و اگر
بیند که حرم پادشاه ظالم رفت همین تاویل دارد حریر و حرز و حیا در حرف دال بیان کنیم حساب ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که حساب میکرد دلیل که در محنت و عذاب افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حق سبحانه و تعالی در قیامت
حساب با وی آسان میکرد امید هست که رستگاری یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که در محنت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
حساب قیامت بخواب دیدن بر شش وجه بود یکی عذاب پادشاه دوم مشغولی سوم سختی و رنج چهارم بدحالی پنجم اندوه ششم
عمر کوتاه حصار اگر بیند که در حصاری شد دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و اگر بیند که از حصار بیرون آمد دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در حصاری محکم بود و آن حصار از آن او بود دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و اگر بیند که از حصار بیرون آمد بخلاف
این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در حصار بیند دلیل که نعمت و روزی بروی فراخ گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل بتباهی حال
او و فروبستگی کار باشد حصیر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که حصیر داشت با کسی بوی داد دلیل که بقدر آن حصیر منفعت یابد و اگر بیند
که حصیر میبافت دلیل که بزنی عاشق شود و اگر بیند که حصیر کم بها بود که میبافت دلیل که آن زن بی اصل و درویش بود و اگر بیند که حصیر
قیمتی و پاکیزه بود دلیل که زنی محتشم با اصل بخواهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حصیر میبافت و میفروخت دلیل که از زنی
نفعی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن حصیر در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم منفعت سوم خواستگاری که از زن
و در نعمت بود حقنه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حقنه در خواب درخشم شدن باشد و از جائی بجائی شدن چنانکه
شخص آن بیهوش شود و بعضی از معبران گویند حقنه در خواب بکاری بود که بر بیند و باز گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند
او را حقنه کردند و از آن رنج دید دلیل بر بدی احوال او بود و اگر بخلاف این بیند خیر و منفعت یابد حقه ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید حقه در خواب زن باشد یا کنیزک اگر بیند که حقه نو فرا گرفت یا بخرید یا کسی بوی داد دلیل که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که
حقه بشکست یا ضایع شد دلیل که زن از وی جدا شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حقه بزرگ منقش است دلیل که
زنی توانگر بخواهد و از وی منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که زنی زشت روی و درویش بخواهد حکمت ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که علم حکمت میخواند دلیل که قرآن خوان شود و اگر بیند که کتاب حکمت بسوخت دلیل بر تباهی دین وی بود

کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که اوراق کتاب حکمت میخورد دلیل که علم حکمت بسیار خواند و اگر می بیند که او آن میبیند دلیل که بیند بخواب نماز گذارد و اگر بیند که کتاب حکمت میخواند و او می شنید دلیل که علم خواند حلاج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که حلاج در خواب مردی قوی بود که کارهای مردم بر دست وی کشاده گردد و اگر بیند که حلاجی میکرد دلیل که با مردی چنین که گفتیم او را صحبت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید حلاجی در خواب بر دو وجه بود یکی منفعت دوم کشاش حلیت انگور بود در خواب دیدن وی بهمه حال غم و اندوه بود حلوا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حلوا در خواب مال بود که بر دست پادشاه گذشته بود و حرام گشته جعفر صادق رضی الله عنه گوید حلوا در خواب مال بسیار بود و دین خالص و یک لقمه از حلوا بوسه بود که بفرزند دهد و یک لقمه لوزینه نیکو بود و حلوائی که مغز بادام یا مغز جوز در و باشد منفعت بود که بوی رسد از مردی بخیل مغربی رحمة الله علیه گوید حلوا کردن در خواب دلیل که بقدر آن مال حلال و روزی حلال یابد و اگر بیند که در وی زعفران بود بهتر بود و حلوا فروش در خواب مردی شیرین سخن بود حمال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حمال در خواب خداوند جاه و خطر بود و اگر بیند که بر پشت باری سبک داشت و آن بار ملک او بود دلیل که بقدر آن بار او را راحت و خیر رسد و اگر بیند که آن بار بر پشت داشت چنان بود که او را از آن بار گزند میرسید دلیل که گناه کار و عاصی شود قوله تعالی لیحملوا اوزارهم کاملة یوم القیمة مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که حمالی از بهر دیگران میکرد بی اجرت دلیل که با خلق خدای خیر و احسان کند و اگر بیند که حمالی میکرد و مزد میگرفت تاویلش غم و اندوه بود حنا کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر دست و پای حنا نهاده دلیل که خویشتن را بیاراید و لیکن در دین کراهیت بود و بعضی معبران گویند که حال خویشتن از و پوشیده نماند و اگر این خواب کس دیگر بیند که او را حنا بستن نشاید دلیل که غم بوی رسد و زود فرج یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید حنا بستن در خواب بر سه وجه بود یکی آرایش خویشان دوم ستر اهل بیت سوم غم و اندوه حنوط بوی خوش باشد که بر مرده کنند ابن سیرین رح گوید اگر بیند که حنوط بر روی بپراکنند دلیل که تایب گردد و در دین او صلاح تعالی باشد و اگر اینخواب کسی مصلح بیند از غم و اندوه فرج یابد و از ترس ایمن گردد کرمانی رح گوید که حنوط خوشبوئیدن ستایش مردم بود با خطر بجهة آنکه بعضی از معبران گویند که نیکنامی بود بر اهل بیت بر اندازه حنوط حوض ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اصل حوض در خواب علم و دانش بود و اگر بیند که حوض آب پاک صافی خورد دلیل که بقدر آن از علم بهره یابد و اگر بیند که خود را با آب حوض میشست دلیل که توفیق طاعت یابد و از معصیت باز ایستد و اگر بیند که آب حوض همه خورد دلیل که عمر بسلامت گذراند و مالش زیاده شود کرمانی رح گوید اگر بیند که جامه خود را بشست دلیل که اهل بیت او توبه کنند و براه دین درآیند و اگر بیند که جامه در حوض میشست و پلیدی از آن بر آب ظاهر شد دلیل که بخندد و اگر بیند که بکناره حوض سبزه رسته بود دلیل که از علم خود منفعت برد و مردم از علم وی منفعت یابند خاصه که حوض پاک باشد و اگر بیند که آب حوض زیاده شد بی آنکه از جای دیگر در حوض آب آید دلیل که مال علم وی بقدر آن زیادت گردد و اگر بیند که آب حوض تلخ بود دلیل بر غم و اندوه بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آب حوض میخورد دلیل که مال یابد از مردی توانگر و صاحب جاه

از جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن حوض بخواب بر چهار وجه بود یکی مردی بامنفعت دویم مردی توانگر سوم مال جمع کردن چهارم
عالمی که مردم از علم وی نفع یابند حوض کوثر ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند که قیامت برخاسته و خلق را نزدیک حوض کوثر طلب
میکردند دلیل که پادشاهی پیدا شود که میان خلق عدل و داد پیدا کند و اگر بخواب بیند که از حوض کوثر یک جام آب خورد دلیل که مرگ
وی بر مسلمانی بود و اگر بیند که برابر حوض کوثر میگشت و آب میخواست و او را آب ندادند دلیل که دشمن یاران پیغمبر صلی الله علیه وسلم شد
و اگر بیند که پیغامبر صلعم او را از حوض کوثر آب داد و بخورد دلیل که از شفاعت پیغامبر صلی الله علیه وسلم بهره یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که مادر بر حوض کوثر نشسته بود و جامی بدست و آب میخورد دلیل که او را با عالمی صحبت افتد و از وی منفعت دو جهانی یابد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که از حوض کوثر آب میخورد و آب تیره بود دلیل که بیننده خواب منافق بود و او را از قرآن و اخبار نصیب نبود و اگر بخواب بیند
که حوض کوثر بدان صفت بود که در اخبار آمده است و او از چنان آب کوثر بخورد دلیل که او را نزد باری سبحانه و تعالی قدری و محلی باشد
و از جمله بزرگان دین گردد **حیض** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید حیض در خواب مرد را زن ابقا باشد در معیشت و زن را زیادتی مال اگر بیند
که حایض شد دلیل بر فساد و حرام باشد و معبران گویند اگر بخواب بیند که حایض شد دلیل بر اندوه و سختی بود و اگر زنی بیند که حایض
شد دلیل که بقدر خون حیض مال حرام حاصل کند و اگر مردی بیند که زنش حایض شد دلیل که کار دنیا بروی بسته شود و اگر بیند که صاحب
خواب مستور بود دلیل که در دین متحیر گردد و اگر بیند که زنش از حیض پاک شد و غسل کرد دلیل که کارهای دنیاوی بروی کشاده گردد والله
اعلم **حرف الخاء** **خاج** ابن سیرین رح گوید اگر بیند که خاج بخرید یا کسی بوی داد دلیل که در دین وی خلل باشد و میلش بکافران
بود و اگر بیند که خاج در گردن داشت دلیل که اعتقادش نادرست بود و اگر بیند که خاج میپرستید دلیل که در ذات خداوند تعالی شک
گردد و اگر بیند که خاج بدو دادند و او بشکست یا از خانه بیرون انداخت دلیل که دین اسلام در دل وی محکم و استوار گردد و کافر از دشمن
گردد و اگر بیند که خاج را بوسه داد و عزیز داشت بخلاف این بود **خار** در خواب وام بود اگر بیند که خاری در اندام او شد یا کسی خاری
بوی زد دلیل که از کسی وامی بستاند و بقدر رنج خار از وی سخن تلخ شنود و اگر بیند که او خار در اندام کسی زد دلیل که او کسی را وام دهد
و سخن تلخ آنکس را گوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خار بسیار داشت و پایش را از آن خارها گزند میرسید دلیل که وام دار شود
و عاقبت وام را بگذارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید خار در خواب بر سه وجه بود یکی وام دوم دشنام سوم دشواری کارها **خارپشت**
جابر مغربی رحمة الله علیه گوید خارپشت در خواب دشمنی زشت ابدار بود اگر بیند که خارپشت را بکشت دلیل که دشمن را قهر کند و اگر
بیند که گوشت خارپشت بخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن میخورد و اگر بیند که خارپشت او را بگزید دلیل که او را از دشمن مضرت رسد
خاصه چون بیند که از آن زخم خون میرفت **خارش تن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که خارش تن پدید آمد دلیل که
طلب خویشان کند و از بهر ایشان غم داند و خورد کرمانی رحمة الله علیه گوید خارش اندام دلیل بر جستن احوال خویشان و این بیننده
غم و رنج کشیدن از ایشان باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید خارش تن اگر زحمت دهد او را از خویشان مضرت رسد **خاشاک**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خاشاک بخواب دیدن مال و نعمت بود مردم عامه را اگر بیند که خاشاک در خانه ایشان بسیار بود

و درمیان خاشاک مقیم شد دلیل که بقدر آن او را مال و نعمت حاصل شود و اگر بیند که خاشاک او را باد ببرد یا آتش بسوخت دلیل که بآن
مال وی برباد شد و اگر بیند که خاشاک و نیز و دیگ بازیر تنور میسوخت دلیل که مال خود بر زینه کند و اگر بیند که خاشاک از صحرا می آورد و
بخانه میبرد دلیل که بقدر آن مال از سفر حاصل کند و اگر بیند که در شهری باد گردی با دو خاشاک می آورد دلیل که مردم آن شهر را بقدر آن
خیر و منفعت رسد **خاک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خاک در خواب دیدن اندک و بسیار درم بود و اگر بیند که در خانه او خاک
دلیل که بقدر آن خاک درم بار و دلی رنج بوی رسد و اگر بیند که بر خاک میرفت یا خاک میخورد یا خاک جمع میکرد یا خاک بر سر داشت دلیل
دلیل بر مال بود و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خاک از خانه بیرون کشید و بیرون خانه ریز کند میکرد دلیل که مال خود تلف کند و اگر بیند که خاک بر سر
می افشاند دلیل که بقدر آن مالش ضایع شود و معبران گویند که از مال تهی دست بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید خاک در خواب بر پنج وجه
اول مال دوم منفعت سوم شغل چهارم فایده از قبل پادشاه پنجم فایده از قبل جنس **خاکستر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خاکستر در خواب
مال باطل بود از قبل سلطان که بر کسی باقی نباشد و معبران گویند که علمی حاصل کند که از وی خیر و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید خاکستر در خواب بر نُه وجه بود یکی علم ناپذیرفته دوم مال حرام سوم کار باطل چهارم خصومت پنجم فسق ششم مکر و حیلت
هفتم حسرت هشتم پشیمانی نهم کاری که از آن خیر نبود قوله تعالی مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ
بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ **خامه** قلم باشد اگر بیند که قلمی و کاغذ بکسی بوی داد دلیل که علم حاصل کند و کار وی راست شود
و مراد وی بر آید اگر بیند که بقلم چیزی می نوشت اگر آن نبشته خیر بود دلیل بر نیکویی کند اگر شر بود دلیل بر فساد کند و اگر بیند که بی
قلم می نبشت دلیل که نایبی که در سفر دارد زود باز آید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بدست خود قلم نوشتن بیند اگر از اهل علم بود
دلیل که با علما و صلحا صحبت دارد و اگر بیند که بقلم چیزی می نبشت و میخواند دلیل بر برکت وی بود قوله تعالی اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَى
بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا و اگر آنچه نبشت موافق کتاب اهل سنت و جماعت بود دلیل که قوت و جاه یابد و اگر بیند که قلم در دست وی
بشکست اگر عالم بود دلیل که حرمتش کم شود و کار بی رونق گردد و اگر بیند که بقلم شکسته می نبشت و اگر آنچه نبشت اشعار و امثال
بود یا از شعله بیرون کان تاویلش نیکو بود و صورت طبع وی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قلم در خواب بر هفت وجه
بود یکی حکمت دوم فرمان سوم علم چهارم فرهنگ پنجم ولایت ششم راست گفتن چیزها هفتم کام و مراد **خانه** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید خانه مرد در خواب زن بود و اگر بخواب بیند که خانه و ستونها از جای برداشت دلیل که زنی خواهد با مروت و کرم بود و اگر بیند
خانه نو شد دلیل که زن نو اگر خواهد بود تو انگر شود و اگر بیند که خانه مفرد بیچ اندر ده بود و ندانست که آن خانه از آن کیست دلیل که
آن خانه از دنیا بر دو و اگر بیند که در خانه گریخته بود و در آن خانه غلق کرده بود و آن خانه بجا نهای دیگر میپیوسته دلیل که از رنج
رسته گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر بیند که در خانه خود بشکست دلیل که مال بهزینه کند و اگر بیند که خانه وی با آن بزرگ شد که
مال و نعمت بر وی فراخ گردد و اگر بخلاف این بود دلیل که مال و نعمت بر وی تنگ گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خانه
بیفتاد یا ویران شد دلیل که مالی بسیار بوی رسد و اگر بیند که خانه وی بی سببی خراب شد دلیل که مال از دستش حاصل شود و اگر بیند که

آهنین هست دلیل که توانگر گردد و اگر بیند که در خانهٔ او سیمین بود دلیل کند او را توبه باید کرد قوله تعالی لمن یکفر بالرحمن لبیوتهم
سقفا من فضة و اگر توانگر بود و نعمت وی زیادت شود و اگر بیند که پیرامن خانهٔ وی هیچ خانه نبود دلیل که حالش تباه گردد خرابی
ابن سیرین گوید خرابی در خواب دیدن غم و اندوه بود که در خرابی از بالا بزیر شد نشست اگر بیند که در خرابی فرو شد دلیل که غمگین گردد
اگر بیند که در خرابی غسل کرد دلیل که از غمها فرج یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر در سرائی یا در خانه خانهائی بسیار دید آمد دلیل که
آنجا غم و اندوه و مصیبت بود خایسک مطرقه بود دلیل بدین خایسک در خواب بر قومی مهتری کند اگر بیند که خایسکی بسیار
داشت یا کسی بوی داد دلیل که او را با مهتر قومی صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که بر خایسک کسی را بزد مهتر برا
مقهور کند و اگر بیند که خایسک او ضایع شد دلیل که از مهتری جدا افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی آهنگری نداند و بیند
که خایسک بر سندان میزد دلیل که میانهٔ دو مهتر سخن چینی کند و دشمنی افکند خایهٔ مرغ دانیال علیه السلام گوید خایهٔ مرغ در خواب
کنیزک بود و اگر بخواب بیند که ماکیان پیش او خایه کرد مجهول بیند و نداند که خایهٔ چیست دلیل که زنی خواهد و در روزگاری دراز آن
زن بماند و اگر بیند که خایهٔ مرغ پخته میخورد دلیل که مال حرام خورد و رنج و غم بوی رسد و اگر بیند که خایه با پوست خورد دلیل که
کفن مردگان بستاند کرمانی گوید اگر بیند که خایه همی کرد دلیل که زن بسیار بخواهد و بجماع حریص بود و اگر بیند که بر خایه نشست
چنانکه مرغان نشینند دلیل که با زنان نشیند و فایده یابد و اگر بیند که خایه در زیر مرغ نهاد و مرغ آن خایه بیرون افکند
دلیل که کار مردهٔ او زنده گردد و بعضی گویند او را فرزندی آید و مؤمن بود و اگر بیند که خایه بشکست دلیل که دختری او دوشیزگی
بستاند و اگر بیند که خایه بسیار داشت دلیل که او را فرزندان بسیار حاصل آید و خایه لطافت فرزند در و بیش و بیچاره بود و خایهٔ
گنجشک دلیل بر خورد میوه خایهٔ آدمی ابن سیرین گوید اگر بیند که خایهٔ او بزرگ شد دلیل که قوت و فرزند و مالش زیادت
شود و اگر بیند که هر دو خایهٔ او کوچک شد و ناقص شد دلیلش بخلاف این بود و اگر بیند که خایهٔ او بریده است دلیل که دشمنان بر وی
ظفر یابند و اگر بیند که خایهٔ خود بکسی داد و بخشید دلیل که او را فرزندی حرامزاده بود که نسب وی از کسی دیگر باشد و اگر بیند
که خایهاش آماسیده بود یا باد برشده بود دلیل که مال بسیار یابد و لیکن او را از دشمن بیم بود و اگر بیند که خایهاش دراز
چنانکه بر زمین میکشید دلیل که مال بسیار او را حاصل شود و اگر بیند که خایهای کسی بکشید دلیل که هر دو با زنان یکدیگر فساد میکنند
و اگر بیند که پوست خایهٔ خود بکشید دلیل که کسی بر فرزند وی ستم کند و اگر بیند که کسی خایهٔ وی سخت بگرفت دلیل که خبر مرگ
فرزند شنود و اگر او را فرزند نباشد دلیل که جاه و حرمتش کم شود و اگر بیند که خایه از بن بریده دلیل که قوتش بریده شود و اگر
بیند که خایهای وی بریسمان یا بچیزی دیگر بسته بود دلیل که کار بر وی بسته گردد مغربی رح گوید خایهٔ مردم در خواب دلیل
بر بازداشتن شدت دشمن از وی بود و اگر بیند که خایهٔ وی نقصان بود دلیل که دشمن بر وی ظفر یابد و اگر بیند که خایهٔ
وی بیرون کشیده بود دلیل که هلاک شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خایه در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند
دوم مال سوم اهل بیت چهارم عز پنجم بزرگی ششم طالب حاجت هفتم مراد یافتن خایهٔ مرغ آبی بر چهار وجه بود یکی

خایهٔ آدمی

خایهٔ مرغابی

مراد یافتن دوم زن خواستن سوم کنیزک خریدن چهارم فرزندان آوردن خبه کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بخواب بیند که خبه کرد دلیل که غمگین شود و در عملی معزول گردد و اگر بیند که او کسی را خبه کرد دلیل بر غم و اندوه بود و بعضی از
معبران گویند تنگ عیشی بود ختنه کردن ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند که ختنه کرد دلیل که سنتی بجای آورد و کرد او را
پاک گرداند از گناهان و اگر بیند که بهنگام ختنه خون از وی روان شد دلیل که در آن سنت ثابت بود و از گناهان توبه
کند و اگر بیند که چون ختنه میکرد و نظر بر ختنه داشت دلیل که غم و اندوه وی بسیار شد کرمانی رح گوید اگر بیند که او را ختنه کردند دلیل که از گناهان پاک شده اگر
کرده باشند دلیل که راه مسلمانی و سنت پس پشت انداخته باشد لیکن مالش زیادت شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید ختنه
کردن در خواب بر پنج وجه بود یکی سنت بجای آوردن دوم فرزند سوم نیکو دلی چهارم رامش پنجم جدائی از زن و فرزند خربزه
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خربزه در خواب بیماری بود و سبز و شیرین عافیت و منفعت بود و چون بوقت خود بیند و خربزه خورد
نیکوتر از بزرگ بود کرمانی رحمة الله علیه گوید خربزه سبز در خواب دلیل بر زوال غم و اندوه بود و اگر بیند که خربزه بسیار پیش وی
نهاده بود دلیل که باندوهی گرفتار گردد مغربی رح گوید خربزه در خواب چون بوقت خود بیند زنی بود با منفعت بسیار و پیش
خویش جعفر صادق رضی الله عنه گوید خربزه در خواب بر پنج وجه بود یکی بیماری دوم زن سوم غلام چهارم منفعت پنجم
عیش خوش خاصه که چون با شیرینی بود خرچنگ در خواب دلیل بر مردی دون همت بود و اگر بیند که خرچنگی بگرفت دلیل که با کسی دون
همت بدخوی مصاحب گردد و اندک مایه ازوی نفع یابد و اگر بیند که خرچنگی را بکشت یا دور انداخت دلیل که از بدخوئی دون
همت جدا گردد و اگر بیند که گوشت خرچنگ میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند کرمانی رح گوید اگر بیند که خرچنگی داشت
دلیل که دوستی با مردی خوش طبع کند و خوشخوئی باشد که ازوی نیکی باشد خر دانیال علیه السلام گوید خر در خواب دولت
و بزرگی بود و نیکی و بدی خر به بیننده خواب بازگردد اگر بیند که خری ملک وی شد یا در وثاق وی آمد و او خر را بگرفت دلیل
دلیل که در خیر بروی گشاده شود و از غم رسته گردد و اگر خر بسیار بیند دلیل که نعمت و مال او زیاده گردد و بهترین خرها آن که بخواب
بیند آنست که مطیع او بود ابن سیرین رح گوید اگر بیند که بر خری سیاه نشسته بود دلیل که مهتری و بزرگی یابد و اگر بیند که بر
خر سیاه نشست دلیل که عز و جاهش بیفزاید و اگر بیند که بر خری سبز نشست دلیل که عابد و زاهد گردد و اگر بیند که بر خری
سرخ نشست دلیل بر عیش و عشرت بود و اگر بیند که بر خری زرد نشست دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که بر خر ماده آبستن نشست دلیل که خیر ...
و اگر بیند که گوشت خر میخورد دلیل که از تجارت مال بدست آرد و اگر بیند که خر خود بکشت و گوشت او بخورد دلیل که مال خود هزینه کند و اگر
نشست و خر بمرد دلیل که او برزوی بمیرد و اگر بیند که از خر خویش بیفتاد دلیل که درویش و تنگ عیش شود و اگر بیند که از
خر که ملک او نبود بیفتاد دلیل که از کسی مضرت و زیان یابد و اگر بیند که از خر فرود آمد و دیگری بر خر نشست دلیل که مال خود را
نفقه کند و اگر بیند که از بهر کاری از خر فرود آمد دلیل که کاری و حاجتی که طلب کند زود حاصل گردد کرمانی رح گوید اگر بیند که
شیر خر میخورد دلیل که بیمار شود و زود شفا یابد و اگر بیند که خری خرید و بهای او نداد دلیل که راحتی یابد بسبب سختی که با

بلوید و اگر بیند که خری یک چشم داشت یا چشمش ضعیف بود دلیل که بدشواری طلب معیشت کند و اگر بیند که خری داشت و آن خر
بر دو چشم نداشت دلیل که مالیکه دارد ضایع شود و اگر بیند که دست و پای خروی بسیار بود و دراز شد دلیل که او را تبع بسیار شود
و اگر بیند که خروی بردوا و بر خری دیگر نشست یا خری که داشت بفروخت و خری دیگر بخرید دلیل که معیشت وی از حالی
بحالی گردد و اگر بیند که خروی استر شد دلیل که معیشت وی از سلطان بود ولیکن بظلم و اگر بیند که خری گوسفند شد دلیل که مال
حلال یابد و اگر بیند که خروی مرغی شد دلیل که معیشت وی از چیزی باشد که بدان مرغ منسوب بود و اگر بیند که خروی دزد برد
دلیل که زن وی بفساد شهوت یابد کار او با زن بفراق انجامد و اگر بیند که خروی قوی و توانا بود دلیل که کار و کسب دنیا بر وی
آسان گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که کار و کسب دنیا بر وی تنگ شود و دشوار گردد و اگر بیند که بر سر خرواری بار نهاد
و او بالای بار نشسته بود دلیل که توانگر گردد و اگر بیند که با خری مجامعت دلیل که مرادهای خود یابد و اگر بیند که خر را بر پشت
بگرفت و از آبی بگذرانید دلیل بر قوت حال و بزرگی بر بخت و اقبال بود و اگر بیند که خری بانگ کرد دلیل که نیکو نباشد قوله تعالی
إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ مغربی رح گوید اگر بیند که بر خری نشسته بود و آن خر زیر او بانگ میکرد دلیل که عیالش بد خو
باشد و اگر بیند که خری داشت و با خر دیگر بدل میکرد و از خروی بهتر بود دلیل که حالش بد گردد و اگر خروی بهتر بود حالش نیکوتر شود
بود حالش بدتر شود و اگر بیند که خر خود با اسبی یا استری بدل کرد دلیل که از پادشاه مال و منفعت یابد و اگر بیند که با دو وی بدل کرد
دلیل که از پادشاه ستمکر چیزی بوی رسد و اگر بیند که خر خود با مرغی بدل کرد دلیل که بقدر قیمت مرغ چیزی بوی رسد جعفر صادق
گوید که دیدن خر در خواب بر ده وجه بود یکی بخت دوم دولت سوم فرمان روائی چهارم ریاست پنجم مال ششم زن یا کنیزک
هفتم شادی هشتم اقبال نهم بزرگواری دهم مرتبت و خر بنده در خواب دیدن خداوند ولایت و تدبیر بود و راست کنندهٔ کار
و مهیا دارندهٔ معیشت خرگور ابن سیرین رح گوید اگر بیند که خرگوری بوی رسید دلیل که غنیمتی بوی رسد و اگر بیند که خرگور نشست
بود و آن خرگور مطیع او بود دلیل که عاصی و گنهکار بود و اگر بیند که خرگور با وی جنگ و ستیز میکرد دلیل بر سختی کار و رنجی بود که بوی
رسد و اگر بیند که خرگور بشکار بگرفت دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که دو خرگور با هم جنگ میکردند دلیل که دو مرد فاسق با یکدیگر
با همدیگر جنگ کنند و اگر بیند که خرگوری بخانه آورد دلیل که فاسقی را بخانه آورد کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن خرگور در خواب مردی
مردی جاهل احمق بود او را علم و خرد نباشد قوله تعالی أُولَٰئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ اگر بیند که گوشت خرگور میخورد دلیل که
مال بسیار یابد و اگر بیند که بر خرگوری نشسته بود و بیفتاد دلیل که کاری طلب کند و نیابد و اگر بیند بر خرگوری نابینا نشسته بود دلیل
مال بی اندازه یابد مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن پوست و گوشت خرگور در خواب غنیمت و مال بود و عز و جاه و اگر بیند که مغز خرگور
یافت دلیل که هزار درم یابد یا او را بهتری صحبت افتد و از او خیر و منفعت بیند و اگر بیند که سر خرگور می خورد دلیل که عبادت بسیار میکند
در راه دین و دنیا و اگر بیند که خرگور از وی میگریخت دلیل که از سلطان مفارقت جوید خردل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن خردل
دلیل بر اندوه و اندیشه باشد و اگر بیند که خردل خورد دلیل که نقصان مال بود یا رنج و بیماری گرفتار شود و مغربی رحمة الله علیه گوید خوردن

خوردن بود و هیچ دلیل بر مصیبت و مصیبت ... خرس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرس در خواب دشمن
دزد محتال بود و اگر بیند که بر خرس نشسته بود دلیل که از پادشاه مرادی یابد و اگر بیند که خرس را بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند
خرس میخورد و پوست و موی وی داشت دلیل که مال وی بدو رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید که خرس نر در خواب مردی بود بحیلت
و خرس ماده زنی همین شکل و صفت بود و اگر بیند که خرس را دو گرفت دلیل که زنی بدین صفت بخواهد و اگر بیند که خرس
اد اگر بخورد مردی بدین صفت در خانهٔ او در آید و دیدن خرس در همه حال نیکو نباشد خرگاه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
خرگاه در خواب نیکو بود و اگر بیند که بخرگاه نشسته بود دلیل که از متاع دنیا چیزی یابد و اگر بیند که خرگاه ملک او بود دلیل که زن
خرگاه سبز و سفید بود دلیل بر خیر و نیکوئی بود و اگر خرگاه معروف بود و سبز بود و در آن نشسته بود دلیل که ... و اگر زرد
بود دلیل که شهید گردد و خرگاه سپید دلیل بر مال و نعمت کند و اگر خرگاه سرخ بود دلیل که بلهو و طرب مشغول گردد و اگر سیاه
بود و دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود و خرگاه سیاه منفعت اندک بود و اگر خرگاه ویران بود تاویل بر عکس ... خرگوش
ابن سیرین رحمة الله گوید اگر بخواب بیند که خرگوش گرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی بد بخواهد یا کنیزکی ... و اگر بیند گوشت خرگوش
پوشید یا گوشت او خورد دلیل که چیزی از زنی بوی رسد و اگر بیند که بچه خرگوش داشت دلیل که او را مالی حاصل شود که ...
و بعضی گویند که رنج و بیماری و اندوه وی از فرزند بود و مغربی رحمة الله گوید خرگوش در خواب زنی یا بسیار خاموش بود و اگر بیند
او بمرد یا بکشت دلیل که سبب هلاک زن او بود یا بسبب عیال او را غمی برسد و اگر بیند که گردن خرگوش را زد ...
او را خبه کرد دلیل که زن خود را از راهی دیگر مجامعت کند خرما ابن سیرین رحمة الله گوید که خرما در خواب مال و خواسته بود و اگر بیند که
اگر از اهل علم است دلیل که علمش زیاده گردد و اگر بازرگان باشد دلیل که مالش زیاده شود و اگر بیند که خرما خورد و ...
دلیل که احکام شریعت بجا می آورد و بعضی از معبران گویند اگر بیند که خرما خورد دلیل که میراث یابد و اگر بیند که خرما ...
دلیل که میراث فرزند خود خورد و اگر بیند که در خانهٔ او درخت خرما بود و بار بسیار داشت دلیل که با بزرگی همنشینی کند ...
یابد و اگر بیند که از درخت خرما بن خشک شد دلیل که میان ایشان جدائی افتد و اگر بیند که در سرای او خرما خشک ...
اگر بیمار بود دلیل که شفا یابد و اگر بیند که بن خرما برید دلیل که کسی از اهل و تبار کرد ... رحمة الله علیه ... اگر بیند که خرما ...
دلیل که مال السنت حاصل کند و معبران گویند که خرما در خواب منفعت باشد که از مهتری بوی رسد و اگر بیند که در خانه و منزل
بسیار داشت دلیل که بقدر خرما متاع و مال حاصل کند و اگر بیند که خرما تازه یا خشک میخورد دلیل که ...
انعام کرد و اگر بیند که بن خرما میبرید دلیل که کاری که در دست دارد از دستش بیرون شود و مغربی رحمة الله گوید اگر بیند که خرما داشت دلیل که
خواهد و بدل دیگران باید و اگر بیند که از خرما انگور بسیار بود و فرا گرفت دلیل که ... و فرزندی آرد و اگر بیند که از خرمای خشک
... تازه و فرا گرفت دلیل که سخن لطیف از مردی بشنود و بعضی گویند که از مردی با اهل سخن مفید شنود و اگر صاحب خواب ...
... باید قوله تعالی بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خرما در خواب ...

کریم بود و خرمای خشک در خواب دلیل بر دین پاک و مال حلال باشد و خرمای تازه روشنائی چشم و مال حلال و فرزند و نیکی بود حکایت
شخصی پیش ابن سیرین رح آمد و گفت بخواب دیدم که بر در سرای سلطان چهل خرما یافتم گفت ترا همانجا چهل چوب بزنند همچنان بود
و سال دیگر همان مرد پیش ابن سیرین رح آمد و گفت که بخواب دیدم که بر در سرای سلطان چهل خرما یافتم گفت چهل هزار درم بیابی
گفت پارسال تعبیر این خواب بد کردی و دیگر نبود امسال چونست که بخلاف آنست گفت پارسال خرما بر درخت نبود و اول آن چوب بود
و امسال خرما بر درخت است و درختان سبز و تازه اند تعبیر آن چنین باشد بعد از یک هفته آن شخص هزار درم یافت **خرمن کردن**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرمن غله در خواب مردی بود که برنج و تعب مال حاصل کند و آن مال بگزاف هزینه کند و اگر بیند که کشت
و در و خرمن در آرد دلیل که مال برنج حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خرمن غله بخرید یا کسی بوی داد دلیل که زنی خواهد
و بعضی گویند که او را با مردی صحبت افتد که مال برنج و تعب حاصل کند **خرنوب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرنوب در خواب
مردی باشد که مال بسختی و رنج بدست آورده باشد اگر بیند که خرنوب خورد دلیل که مال خود برنج حاصل کرده باشد و بخورد و اگر بیند
خرنوب از دست جمع میکرد دلیل که از مردی بخیل بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که خرنوب با آتش بسوخت دلیل که پادشاه
مال و ملک بستاند **خروس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خروس داشت و دانست که ملک اوست دلیل که مرد عجمی که
بنده زاده او بود او را قهر کند و اگر بیند که خروس را بکشت دلیل که بر بنده زاده ظفر یابد و اگر بیند که با خروس جنگ میکرد دلیل که با مردی
خصومت کند و اگر بیند که از خروس او را گزندی رسید دلیل که از آن عجمی او را مضرت رسد و اگر بیند که خروس بچه یافت دلیل که غلامی
کوچک یا پسری از کنیزک او را حاصل آید و اگر بیند که بانگ خروس می شنید دلیل که نیکی و خیرات کند و اگر بیند که خروس بدو کسی
دلیل که او را از کسی غم و اندوه رسد و خانه خروس در خواب غلام بود و اگر بیند که کسی خروس بچه بوی داد دلیل که غلامی بوی بخشد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که خروسی داشت دلیل که او را پسری آید یا او را با مردی موذن صحبت افتد چنانکه رسول
صلی الله علیه و سلم فرمود الدیک یحبنی وهو یدعو الی الصلوة یعنی خروس دوست منست که مردم را بنماز میخواند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که بر خروس دست یافت دلیل که بر مهتر زاده دست یابد و بر وی غلبه کند و اگر بخواب بیند
که تخم خروس یافت و بشکست دلیل که بر مهتری و یا خردی دست یابد **خرید و فروخت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خرید
و فروخت در خواب نیک باشد زیرا که بدرم و دینار کنند و اگر کالای بکالای معاوضه کند دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد **خز**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خز در خواب جبه و دستار و کلاه و آنچه درین ماند جمله مردان را پسندیده باشد و رنگ این جامها اگر
نیک صورت بود و اگر سیاه بود غم و اندوه بود و رنگ سبز بر جامها نیک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خز در خواب
کسی را که سزای خز بود بر پنج وجه بود یکی مال و منفعت دوم خیر و برکت سوم عز و جاه چهارم مرتبت و انداز و قیمت پنجم
ریاست و بزرگی کرمانی رح گوید پوشیدن جامه خز در خواب دلیل بر مال حرام کند معبران گویند مردان را ابریشم در خواب و بدن پوشیدن
و زنان را نیک باشد و مرد خز فروش کسی باشد که دنیا را بر آخرت اختیار کند **خسته کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زن او را

کسی تخت دارد و خون بیرون آمد دلیل که خسته کنند و او را سخن رسد گوید چنانکه باشد که جواب تواند کرد و اگر بیند که او را ان جراحت
خون بسیار آمد دلیل که او را سخنی گوید که دروغ باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تیغ بر او زدند و نیم کرد او را دلیل که مثل او
بر او صعب رسد اگر کسی در خواب خستگی بسیار بر تن خود بیند دلیل که از پادشاه منفعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید خستگی بسیار
بر تن نقصان مال بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید خستگی در خواب بر سه وجه بود یکی مال دوم منفعت سوم سخن
خوش **خشت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خشت در خواب مال جمع و مجموع باشد چنانکه هر خشتی هزار درم بنا دو نیم اگر بیند که
بسیار جمع کرد دلیل که او را مال بسیار جمع شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خشت از دیوار بر شکسته دلیل که مال خداوند
دیوار ببرد و اگر بیند که خشت پاره پاره کرد و بر افکند دلیل که مال خود را پراکنده و تلف کند مغربی رحمة الله علیه گوید خشت
پخته در خواب بد بود زیرا که آتش بوی رسیده است بدان سبب دلیل بر غم و اندوه بود **خشم گرفتن** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر کسی خشم از بهر دنیا گرفت دلیل که کار دین را حقیر و خوار دارد و به دنیا مغرور شود کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که پدر و مادر بر وی خشم گرفتند دلیل که از جای بلند افتد قوله تعالی وَمَن يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ
هَوَىٰ **خصومت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کسی خصومت کرد و بر وی غالب شد دلیل که بر کار
کار غالب گردد و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که دشمن بر وی غالب شد تأویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که با والی آمد یا خصومت کرد و بر وی غالب شد دلیل که از والی بدو خیر و منفعت رسد و اگر بخلاف این بیند اندوه
رنج بیند و اگر بیند که پیش پادشاه بخصومت رفت دلیل که حاجتش روا گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با مردم
خصومت کرد دلیل که مردم از وی باز مانند و غمگین گردند زیرا که آزار مردم جوید **خصی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خود
را خصی کرد دلیل که حاجتش روا گردد و بعضی معبران گویند که فرزندش بمیرد و الا بطاعت باری سبحانه و تعالی راغب شود و
توانگر شود و اگر کسی مجهول خصی بیند دلیل که آن کس پسندیده و صالح بود و نیز گویند که فرشته باشد که او را به خیر و صلاح خواند
یا بخیرات مژده دهد زیرا که فرشتگان را شهوت نیست و اگر بیند که در سخنش علم و حکمت نیست آن کس فرشته نباشد الا آن کس که خصی بود
و معروف بود و آنچه از نیک و بد دید تأویلش بر وی باز گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خایه وی بریده شد و ناپدید
دلیل که بر دشمن ظفر یابد و بعضی معبران گویند بریدن خایه در خواب بر پدر دختران بود یعنی پس از این او را دختری نبود زیرا
که خایگان دختر بود و اگر بیند که خایه خود ببرید و آورد و به کسی داد دلیل که دختران به کسی دهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
بسببی خصی شد دلیل که او را خواری و زیان رسد و اگر قضیبش از تن بریده شد همین تأویل دارد و نامش از میان مردم
گم شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خصی در خواب بر سه وجه بود یکی دیدن مردم زاهد دوم فرشته سوم
خضاب کردن دانیال علیه السلام گوید خضاب کردن بر ریش پوشیدن کارها باشد اگر بیند که سر را به غیر حنا خضاب
کرده و رنگ نگرفت دلیل که خاطر بر مردم نماید و اگر بیند که خضاب کرد دلیل که کارش نیکو شود و کارهای او پوشیده ماند

خضاب

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خضاب چنانکه مردم آنرا میکنند میکرد دلیل که خود را بچیزهای محال و کارهای ناشایست آراید و اگر بیند که دست و پای بحنا خضاب کرد دلیل که مال از دست رفته او باز آید و اگر بیند که هر دو دست را بحنا خضاب کرد دلیل که فرزندان خود را بیازارد یا بآرایشی که خلاف شرع بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دست خود را نگار کرد و بحنا خضاب کرد دلیل که خداوند مکر و حیلت بود در کسب و عمل خویش و اگر بیند که نگار روی بهم شده بود دلیل که او را عزیزی بمیرد و یا خود هلاک شود و اگر این خوابها زنی بیند شادی و خرمی بیند اسمعیل اشعث علیه الرحمه گوید اگر بیند که دست و پای خود بحنا خضاب کرد دلیل کاری کند که مردم بروی افسوس کنند و اگر بیند که سر انگشتان را خضاب کرد دلیل که تسبیح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید خضاب کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی کار شایسته دوم آرایش حال دنیا سوم طلب عز و جاه چهارم معروف شدن بدروغ

خطبه خواندن

خطبه خواندن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر سر منبر خطبه میخواند و از اهل خطابت بود دلیل که از آنکس عز و بزرگی یابد و اگر از اهل خطابت نبود دلیل که بسفر رود و درنگ بسیار کند و بیم و خطرش بود و گویند که اگر توانگر بود درویش گردد و اگر بیند که بی دینی خطبه میخواند دلیل که مسلمان شود یا بمیرد کرمانی گوید اگر بیند که پادشاهی بر سر منبر خطبه میخواند اگر پادشاه صالح بود دلیل که عدل نماید و اگر مفسد بود دلیل که تائب گردد و اگر بیند که زنی بر سر منبر خطبه میخواند و مردم او را بیند میداد دلیل که شوهر او رسوا شود و فضیحت شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در میان خطبه ترویج میخواند دلیل که با همه کس خیر و احسان کند خیر و صلاح و منفعت یابد

خطمی

خطمی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خطمی بوقت خود در خواب دیدن منفعت بود و بیوقت غم و اندوه بود و خوردن آن مضرت و نقصان بود و سر شستن بآن دلیل بر توبه و پاک دینی بود

خفتن

خفتن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خفتن در خواب مرد را و کسی را که پوشیده بود راحت و رستگاری بود و اگر بیند که بر تختی خفته بود دلیل که بزرگی یابد و از راه دین و پرهیزگاری بجهیزد زیرا که خفتن غفلت بود در راه دین و اگر بیند که در جایگاهی بر بستر خوابیده بود دلیل بر حقارت و خواری بود کرمانی رحمة الله علیه گوید خواب ترسنده را ایمنی بود و مرده را آمرزش و بیمار را شفا و زنده را الی اخلاص بود و مغربی گوید اگر بیند که در میان مردگان خفته بود دوم او را دوتیما دلیل که در میان مردم شهرت یابد بقوله تعالی وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ

خلال کردن

خلال کردن ابن سیرین گوید خلال کردن در خواب نیکو نبود زیرا که دندان اهل بیت بود و خلال مانند جاروب که مال اهل بیت ببرد و اگر بیند که خلال میکرد دلیل که بقدر آنکه از دندان بیرون می آید نقصان اهل بیت می باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آنچه بخلال از بن دندان بیرون آورد و بکسی داد دلیل که از مال اهل بیت خویش بناحق بستاند و بکسی دهد

خلعت

خلعت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خلعت در خواب چون پاکیزه و خوب بود دلیل عزت یافتن و مرتبت ریاست و مملکت باشد و زن و کنیزک در حکم تاویل بقدر و قیمت خلعت دهنده بود کرمانی رح گوید اگر بیند که پادشاه بدو خلعت داد دلیل که از آن پادشاه بقدر آن خلعت مال یابد و اگر بیند که عالمی وی را خلعت داد دلیل که از آن عالم وی را علم و دانش حاصل گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که خلعتی بدو داد سفید بود و یا سبز دلیل که عز و جاه و دینی یابد و اگر دیبا یا جامه ابریشمین بود دلیل که عز و جاه دنیا یابد

خرقه

خرقه جامه کهنه و پوشیدن آن غم و اند

خاریدن

بود و اگر بیند که بخارید تن خود را تا خون بیرون آمد دلیل که غم و اندوه از وی دور شود و چیزهای زیانکار بخواب دیدن نیکو باشد و کرمانی گوید اگر بیند

از اربه بهتر باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب خز و فروشی کند یا بد و اگر جامه از خود بیفروشد نیکو باشد و ختنه

ختان

در خواب مردی بود که بی باز خود دور کند ختان تمام باشد که از بینی بیرون می آید اگر بیند که از بینی وی خلم می آید دلیل که مشکل از وی

شود و از غم و اندوه رسته گردد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خلم در خواب دلیل بر فرزند بود اگر بیند که خلم بر جامه وی افتاد دلیل که

در اسیری آید و اگر بیند که خلم از بینی وی بر زمین افتاد دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که خلم بر زمین انداخت دلیل که از پشت

وی فرزند در شکم میدارد و اگر بیند که از پشت قلم بر وی انداخت دلیل که بر زن همسایه فساد کند و اگر بیند که خلم خود دلیل که مال از

خلیفه

خود بوجهی نیک تخلیفه ابن سیرین گوید اگر کسی در خواب خلیفه روی گشاده بیند دلیل که خیر و نیکی در دنیا وی بوی رسد و اگر بیند

او کار بی فرمود از که مالی خاص دلیل که عزو بزرگی و مرتبت یابد و اگر بیند که خلیفه او را دینی داد از مسلمانان بود

شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که در سرای خلیفه شد دلیل که از مصرت ایمن شود و اگر بیند که خلیفه از متاع دنیا چیزی بوی داد

منزلت یابد در میان بزرگان نامدار شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خلیفه با وی خصومت کرد از هر کاری که بشرع تعلق دارد

دلیل که حاجتش روا شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که در بستر یا جای خلیفه خفته بود دلیل که خلیفه او را ذلیل گیرد یا مال دهد و اگر بیند که

بر جای خلیفه نشسته بود دلیل که در خلافت یا او شریک بود و اگر بیند که پیش خلیفه ایستاده بود یا مرتبت دلیل که مقدم در شغلها گردد

شد و اگر بیند که خلیفه با وی ترشروی بود دلیل که در دین وی خلل باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خلیفه شده است دلیل

آن باشد که دلیل که او را بکاری عزت شد و اگر بیند که خلیفه او را بکاری فرستاد دلیل که وی خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله

عنه گوید اگر خلیفه مرده را زنده بیند شادمان بود و با وی سخن گفت دلیل که مراد وی حاصل شود و عز و دولت یابد و اگر خلیفه

خم

خشمگین بیند او وحشت بخلاف این بود خم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خم در خواب زنی بود که از قبل او فایده یابد و بیند

کرمانی رحمة الله علیه گوید خم شکستن در خواب تنج بود و خم آب زن بود اما زن توانگر باشد اگر بیند که در خانه خم سرکه

بود آن مال بیعیه بود دلیل که مال بسیار یابد و اگر خم سرکه بیند مردی پرهیزکار بود و خم مسکه و روغن دلیل بیند

مال حلال بود و خم آبکامه دلیل بر مردی بیمار بود و خم نفت دلیل بر مردی فرومایه و جوان بود و خم در خواب دیدن دلیل

خمیر

کسب و روایت اصحاب سلطان خمیر کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرشتن آرد و بنا دلیل در دینی بود باشد و سرشتن

که در آن برکت بود و باشد و اگر خمیر ترش بود و خمیر ناسرشته دلیل بر فساد کند سرشتن آرد در خواب

زنگ کمر و رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خمیر گرفت با جو یا کسی بوی داد اگر خمیر جو بود درستی دین

بود و اگر خمیر گندم بود بقدر آن مال حلال از تجارت حاصل کند و اگر خمیر کارسی بود دلیل که منفعت اندک بود جعفر صادق رضی الله

عنه گوید دیدن خمیر در خواب بر سه وجه بود یکی زیادتی در دین دوم منفعت سوم مال حلال

خنجر

خنجر در خواب بعضی گویند خادم بود و بعضی گویند پیغام و نشرها بیرون آورد و بعضی گویند زن بود و اگر بیند که خنجر داشت ...

زن با طلاق دهد چنانچه مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خنجر داشت با کسی بدی داد دلیل که زنی خادمه با کیزگی بعقد خنجر داد را
حاصل شود یا او را با زنی خادمه صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که خنجر او ضایع شد تاویلش بخلاف این بود خنجر ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که خنجر بدست داشت دلیل که او را با کسی عداوت افتد و اگر بیند که خنجر او بشکست یا ضایع شد
دلیل که جنگ و خصومت و عداوت از میان ایشان برخیزد و بصلح انجامد و اگر بیند که خنجر در دست داشت دلیل کند و از کسی قوت
باشد در آن کار که خواهد و اگر با خنجر سلاح بسیار داشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و کارش نظام گیرد خنده ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
خنده در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که بقهقهه می‌خندید دلیل که غمش زیاده گردد قوله تعالی فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا
كَثِيرًا و اگر بیند که آهسته خندید دلیل که اندوهش کمتر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید خندیدن در خواب آهسته دلیل یافتن مراد و شادی
باشد قوله تعالی فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا جعفر صادق رضی الله عنه گوید خنده آهسته در خواب دلیل بر فرزند بود قوله تعالی
فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ و خنده قهقهه در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و شگفت آمدن از کار بزرگ قوله تعالی أَفَمِنْ
هَذَا الْحَدِيثِ تَعْجَبُونَ خوان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که خوانی داشت و در آن انواع بود از آن میوه دلیل
که بقدر آن غنیمت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید خوان آراسته در خواب نیک بود و چون ناخورده بردارند غم و اندوه باشد و سبب
خوردن طعام دلیل بر درازی عمر کند و اگر بیند که در خوان طعام [illegible] گونه بود دلیل که روزی او فراخ شود قوله تعالی رَبَّنَا أَنْزِلْ
عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ و بعضی گویند عز و جاه و شادی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خوان در خواب بر پنج
وجه بود یکی غنیمت حاضر دوم مردی شریف سوم قوت چهارم نظام کار پنجم عز و خرمی خود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که خود پولاد بر سر داشت دلیل که جاه و فرزندی بود و قوت او زیاده گردد بقدر روشنی خود و اگر بیند که خود بر سر داشت دلیل
از مهتری قوت گیرد و اگر بیند خود خود بکسی داد دلیل که آنکس را قوت و حشمت بود و اگر بیند که خود خود بشکست یا ضایع شد دلیل
که عمرش نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خود در خواب بر پنج وجه بود یکی قوت دوم مال سوم فرزند چهارم نفاذ
نیکوئی پنجم خود را از مکر نگهداشتن خوردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر خورشی که بوی خوش دارد در خواب خوردن آن خیر
بود و اگر بوی ناخوش بود دلیل که شر و بدی بود و سیر و پیاز و گندنا خوردن غم و اندوه بود و اگر بیند که خورشی تلخ و ناخوش بود دلیل
بر درویشی و بیچارگی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید خورش چون بطعم شیرین بود خرمی و شادی بود و چون ترش و تلخ بود دلیل بر غم و اندوه
بود و خوردنی فروش در خواب بتاویل غذا و سخن بود خوشه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوشه در خواب دیدن چون تازه بود
فرزند بود و برکت زیادتی مال و چون خوشه خشک بیند فرزندی بود بی‌عمر [illegible] اما در آن سال تنگی و قحط باشد و خوشه خرما و خوشه انگور
بهتر بود خاصه چون بوقت بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که خوشه سبز می‌چید دلیل که در آن سال او را فراخی معیشت بود و اگر
خوشها در خشک بیند دلیل که قحط و تنگی بیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید خوشه سبز در خواب دلیل بر فرزندان و برکت بود قوله
تعالی سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ الآیه و خوشه خشک قحط بود خوک ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوک بد بود مردی

تو اگر بقوت بود ولیکن درین بحث بلی خیر باشد و اگر بیند که خوکان در جایی که مباشرت رها میکرد که پراکنده گردند دلیل که مال
بسیار جمع کند کرمانی رحمة الله علیه گوید محافظت کردن با خوک دنیا را نیک بود و دین را بد و بچه خوک در خواب غم و اندوه بود و اگر
بیند که خوک میخورد دلیل کند با خورد و اگر بیند که خوکان از جای بجای میبرد دلیل که احوال دنیای وی نیک گردد و احوال آخرت او
نیک نباشد و اگر بیند که در میان خوکان میگردد دلیل که بجهت مالی که از حرام جمع کند خرم شود و گوینده که خوردن شیر خوک در خواب
غم و اندوه و مصیبت بود و گر بیند که در میان خوکان نشسته بود دلیل که دشمن غالب آید و اگر بیند که خوکی پس از وی میدوید او را بیش آمد
بیرون شد دلیل که مرادی بیابد و او را حاصل آید و اگر بیند که پوست خوک یافت یا کسی بوی داد دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که شبان
خوکان بود دلیل که برگروهی بد دینان و بد فعل مهتر گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با خوک بصحرا جنگ میکرد دلیل که با مردی کافر

خون

و ستمگار او را خصومت افتد و اگر بیند که موی خوک یا پوست یا استخوان خوک داشت دلیل که بقدر آن مال حرام یابد خون ابن
ابن سیرین گوید اگر بخواب بیند که بی جراحت خون از تن وی بیرون می آمد دلیل که زیان رسدش و اگر بر تن خود جراحتی یابد دلیل
مال و غم و اندوه بود و اگر بیند که او را نشتر زدند و خون روان شد دلیل که زیان بروی دراز گردد و او را در آن ثواب بود و اگر
بیند که خون جراحت جامه او آلوده گرد دلیل که مالی حرام حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که خون میخورد دلیل که مال
حرام خورد یا خون ناحق کند و اگر بیند که در تن او سوراخی بود که از وی خون یا ریم روان شد و جامه او را آلوده گرد دلیل که بقدر
آن مال حرام حاصل کند و اگر بیند که از قضیبش خون بیرون آمد دلیل که او را فرزندی ماده بیفتد و اگر بیند که از مقعدش خون می آید
دلیل که بقدر آن مال حرام یابد و اگر بیند که از بن دندان او خون می آید دلیل که از خویشان غم و اندوه خورد و اگر بیند که در شهر یا کوچه خون بسیار
دلیل بر خون ریختن بسیار بود در آن موضع دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که خون بسیار از بینی وی آمد دلیل بر یافتن مال حرام بود

حکایت خیار

خاصه چون جامه آلوده گشت دلیل که درویش بود و مالش نقصان پذیرد خیار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خیار در خواب اگر در وقت
خود بخواب بیند دلیل که سخن خوش شنود و یا زنی بوی رغبت نماید و اگر بیند که از آن خیار بخورد دلیل که از آن زن مرادش حاصل
و حکم خیار و بادرنگ هم برین قیاس بود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن خیار در خواب بر سه وجه بود یکی پشیمانی از کار

خیک

دوم شادی و راحت سوم منفعت از قبل خویشان و دوستان خیک ابن سیرین رح گوید دیدن خیک در خواب بسیار
مردی بود که بر وسعت مال حرام خرج کند و خیک انگبین مرد عالم بود و دانش آموزد و راه نماید و بود و اگر بیند که خیکی یافت
یا بخرید دلیل که او را با مردی چنین صحبت افتد و از وی خیر و منفعت بیند اگر بخواب بیند که خیک از وی بدزدیدند یا ضایع شد

خیری

دلیل که از صحبت چنین مردی او را جدائی افتد خیری ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خیری را بوقت خود بیند بخیر بود و اگر بغیر

خیمه

وقت خود بیند همین تاویل دارد خیمه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خیمه از بهر خود بزد یا از بهر او کسی بزد و آنجا بنشست
دلیل که اگر خیمه سیاه بود پادشاهی یابد بقدر بزرگی و کوچکی خیمه و اگر بازرگان باشد دلیل که سفر کند و مال یابد و اگر بزرگی این خواب
بیند دلیل بر غم و اندوه بود و اگر خیمه کهنه باشد مضرت بیشتر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از خیمه بیرون رفت شرف و

باید اگر بیند که پادشاه بر در خیمه نشسته بود دلیل که کارش نیکو شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که پادشاه او را در خیمه خود خواند و آنجا بنشست دلیل که از پادشاه قدر و بزرگی یابد و کارش بنظام شود **خیو** ابن سیرین گوید اگر بیند که خیو انداخت دلیل که سخنی گوید که او را حلال نبود و اگر بیند که خیو در مسجد انداخت دلیل که سخن در دین گوید و همچنین در هر موضع که خیو انداخت دلیل که سخن در اهل آن موضع گوید و اگر بیند که خیو در دیوار انداخت دلیل که مالی خرج کند که رضای خدایتعالی جل و علا در آن نبود و اگر بیند که خیو در زمین انداخت ضیاع خود بیند و اگر بیند که خیو در درخت انداخت دلیل که عهد بشکند و سوگند بدروغ خورد و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خیو گرم دلیل بر عمر درازی باشد و خیو سرد دلیل بر مرگ بود و بعکس بالعکس و خیو سیاه دلیل بر غم و اندوه بود و خیو زرد دلیل بیماری بود و آب دهن چون از دهن بیرون آمد بی آنکه جامه بیالاید دلیل که علمی باطل و دروغ تقریر کند و اگر نه اهل آن باشد و اگر بیند که بلغم از گلو برآورد و با آستین بگرفت دلیل که مال خود بر عیال خرج کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خیو کسی با خاک در روی او انداخت دلیل که در اهل و طعنه زنند و اگر بیند که خیو خون آمیخته بود دلیل که حرام خورد و دروغ گوید و بر وعده وفا نکند

حرف الدال ❊ **دارو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی از بهر بیماری دارو خورد و او را موافق بود دلیل که صلاح دین جوید و اگر بیند که دارو خورد و موافق نبود دلیل که صلاح دین از وی زائل شود و اگر بیند که دارو از بهر تندرستی خورد دلیل که بقدر موافقت دارو صلاح دنیا طلب کند و اگر بخواب بیند که از بهر مردمان دارو ساخت دلیل که بر خلق خدایتعالی احسان کند و اگر بیند که دارو خشک میشد دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دارو بخورد و اسهال پیدا آمد دلیل که او را مضرت رسد و اگر بخلاف این بیند منفعت بود و اگر بیند که دارو بخورد و عقل و هوش از وی برفت دلیل که از غم و اندوه فرج یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید هر دارو که زرد بود بیماری و رنج باشد و آنچه بخوردن مکروه بود دلیل بر بیماری کند **دارچینی** ابن سیرین گوید اگر دارچینی خورد دلیل که غم و اندوهش بیشتر شود و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دارچینی از بهر خوردن او را سود داشت دلیل بر خیر و منفعت باشد **داغ کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که داغ کردن در خواب مال و گنج بود و اگر بیند که داغ کردند دلیل که بقدر آن مال در راه خدایتعالی صرف کند و در عقبی از عقوبت رستگاری یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از نشان داغ خون و ریم می آمد دلیل که در حضرت پادشاه مقیم شود و اگر خون و ریم نیامد دلیل که از پادشاه هیچ منفعت نیابد دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که داغی بر تن کسی نهادند دلیل سخن زشت باشد که بروی تهمت نهند و اگر بیند که بجهت علتی بر پشت وی داغ نهادند دلیل بر صلاح دین و دنیا باشد و بعضی معبران گویند داغ کردن بنیاد باشد در کار پادشاه جعفر صادق رضی الله عنه گوید داغ کردن در خواب منع زکوة بود و مشغولی بابا قوله تعالی يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا **داس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که داس در دست داشت دلیل که آلتی سازد که او را از آن آلت مال حاصل آید اگر بیند که داس او ضایع شد دلیل که نقصان مال و بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که داس زرین یا سیمین داشت دلیل که از مال حرام چیزی حاصل کند و اگر بیند که بدان داس چیزی

بر در دلیل که مال و نعمت حاصل کند دام ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دام در خواب مکر و حیلت بود اگر بیند که پای
در دام گرفتار شد دلیل بخلاف این بود معبری رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که جانوری را بدام گرفت آنکس که بدان
جانور منسوب بود بمکر و حیلت بدست آرد دانها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دانها در خواب اگر پخته یا خام بیند
دلیل غم و اندوه بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دانها بر زمین ریخته بود دلیل که رخنی از زنان گردد هر
چند از دانها که دید در خانه خود برد یا دید دال کرد دلیل که چیز گران کرد و اگر بیند که مرد کان دانها بمردم میداد دلیل
که آن دانها ارزان شوند دباغی کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دباغی کردن در خواب گذاردن شغل و فرمان
بود و اگر بخواب بیند که دباغی میکرد دلیل که پیشه دباغی کند کرمانی رحمة الله علیه گوید دباغی تاویل والی بود در پوست در خم
میراث باشد مغربی رحمة الله علیه گوید دباغ در خواب مردی باشد که صلاح کار میراث بوی باشد دبه ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید دبه روغن در خواب مردی امین بود اگر بیند که دبه روغن داشت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی امین از
صحبت افتد از وی خیر و منفعت یابد بمقدار آن دبه روغن و اگر دبه چرکین و کهنه بود دلیل که بیند در اصحرت سید جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن دبه در خواب بر نه وجه بود یکی مرد امین دوم زن سیوم خادم چهارم قوام پنجم
صلاح تن ششم عمر و از هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت نهم میراث از جهت زنان دبیری ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بخواب بیند که دبیری میکرد دلیل که مال مردکان بحیلت ستاند و کارهای ناکردنی کند و اگر بیند که دبیری پادشاه میکرد
دلیل که از قوم پادشاه منفعت یابد اگر بیند که دبیری مردم عام میکرد دلیل که دلهای مردم بر خود و کرم کند دانیال علیه السلام
گوید اگر بیند که نویسنده شد دلیل که بمکر و حیلت روزی از مردم بدست آرد و اگر دبیر دانا بود که دبیری میکرد دلیل که خیر و منفعت
بسیار یابد و اگر بیند در خواب عمل از دبود دلیل که معزول شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جامع قرآن و حدیث می
نوشت دلیل که خیر و منفعت آنجهانی یابد و اگر بیند که غزل و شعر می نوشت دلیل که بعیش و طرب مشغول گردد و اگر بیند که نامه می نوشت
بمردم نیک بود دلیل که قبالهٔ ابتو لیسد اگر بیند که آنچه می نوشت خلاف شریعت بود دلیل که عاقبتش بد بود دیدن
بخواب دیدن جای اندوه بود ولیکن عاقبت بخیر بود و دلیل منفعت و بزرگی بود دجال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
دجال یا دجالی معروف دیدن دلیل که در آنجا فتنه افتد و دروغ زنان آنجا جمع شوند و در آنجا خیر و برکت نباشد
دختر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دختر بخواب دیدن فرح و شادی بود و اگر بخواب بیند که او را دختری آمد یا کسی دختر
بوی داد و یا بخشید دلیل که بقدر جمال و خوبی دختر او را مال و خرمی و نعمت حاصل گردد و اگر بیند که دختر بمرد او طمع
این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دختری چرکین و ناقص بود دلیل بر غم بود و اگر بیند که دختری برگرفته بود
دلیل بر خیر و منفعت بود اگر بیند که دختر خود بکسی داد دلیل که از وی خرمی بدانکس رسد دختن اگر بیند که وزیر خود دود
عود میکرد یا از بوی های خوش چیزی داشت دلیل که پیشه بیاموزد و از آن منفعت یابد و با مردم عیش خوش گذراند

واگر بوی ناخوش بود بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دوختن در خواب بر سه وجه بود یکی کسب و معیشت دوم
منفعت سوم بنای نیک دوکان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوکان داشت جمله خرشد ندا یکی خرشه
یکی گاو و یکی گوسپند دلیل که روزی بر وی فراخ شود لیکن او را زیان دارد واگر بیند که چهارپایان وی در دوکان شده
تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دوکان در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن دوم پادشاه
ظالم سوم زنان سلیطه چهارم همسایه مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت در دوکان میخورد دلیل که مال مردم بحیلت بستاند
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بصورت دوی شد دلیل که عقل از وی زایل گردد واگر بیند که دوکان با وی سخن گفتند
دلیل که پادشاهی یابد واگر بیند که دوکانرا بشکست دلیل که بر دشمن ظفر یابد دراج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دراج در
خواب زنی خوب روی بود بدمهر که با شوهر سازگاری نکند اگر بیند که دراجی بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی بدین
صفت خواهد واگر بیند که گوشت دراج بخورد دلیل که بمقدار آن مال زن بستاند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دراج
بسیار داشت و دانست که ملک اوست دلیل که بمقدار آن زنان و کنیزکان او را حاصل آید اگر بیند که دراج از دست وی
بپرید دلیل که زنرا طلاق دهد دراعه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دراعه نو و بزرگ و فراخ و سبز پوشیده
بود دلیل که بمقدار آن او را جاه و قوت و شرف در دین بود واگر بیند که دراعه چرکین و تنگ پوشیده بود تاویلش بخلاف
این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دراعه سپید پوشیده بود دلیل که مال و نعمت و بزرگی یابد واگر دراعه سرخ بود
دلیل که مصیبت بود واگر سیاه بود دلیل غم و اندوه باشد لیکن دراعه سیاه قاضی و خطیب را زیان ندارد واگر بیند
که دراعه از تن وی بیرون کردند دلیل که از زن جدا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دراعه در خواب بر هفت
وجه بود یکی فرح دوم قوت سوم محبت چهارم شرف و جاه پنجم منزلت و ولایت ششم عطا و کارها هفتم زن در بخواب دیدن
زن بود واگر بیند که در سرای بسته از جای معروف یا مجهول در برابرش کشادند و آن در که کشاده شد بر جانب راه بود
دلیل که مالی که دارد خرج کند واگر بیند که در سرای در برابرش کشاده شد دلیل که مالی از پادشاه بیابد و بر عیال نفقه کند
واگر بیند که در سرای او بشکست دلیل مصیبت و رنج عظیم بود وابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در سرای او کنده شد و
ببردند و کس ندانست که کی بردند دلیل بر محنت و مصیبت خداوند خانه بود اگر بیند که در سرای او نا شناختند دلیل بر
مصیبت اهل سرای بود واگر بیند که دری کوچک بود دلیل که آفت بعیال او رسد واگر بیند که در سرایش چنان فراخ
بود که هیچ دری بدان فراخی نبود دلیل که قومی بی فرمان در سرای او روند بعقوبت و مصیبت باخصومت اگر بیند که حلقه
در سرای او می جنبانید اگر جوابش دادند دلیل که دعای او مستجاب گردد و باشد که گنجی بیابد واگر بیند که چون حلقه بجنبانید
و در آن سرای را بگشادند دلیل که خدای تعالی البته دعای او اجابت فرماید و بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که در محکم ببست و قفلی بر وی نهاد دلیل که زنش بمیرد یا زنرا طلاق دهد واگر بیند که در دیگری را فرسود تا در نو

دکان

دراج

دراعه

در

خانه او نهاد دلیل که کنیزکی دوشیزه بخرد و اگر بیند که در خانه وی را غلق بود دلیل که زنی بود بخواهد معبّری رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
روان بر در خانه وی بجهیدند و بانگ میکردند دلیل که جوانان قصد عیال او کنند اگر بیند که در آسمان باز گشاده شد دلیل که برکت
آید و در خیرات بگشاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن در در خواب بر سه وجه بود یکی خداوند سرای دوم زن سوم خادم
دروازه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هرکه دروازه شهری بخواب بیند دلیل که حاجب و دربان پادشاه بود و دربان در خواب
دیدن مردی بزرگ بود دربانی کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دربانی میکرد دلیل که حاجتی که دارد روا شود
و از مردی بزرگ عز و جاه یابد و اگر بیند که دربانی میکرد و در نبود دلیل که حاجت بروی بسبب کسی بود روا شود و او را جاه نیاید معبّری
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دربانی پادشاه میکرد دلیل که مقرب پادشاه گردد در برگرفتن شرح برگرفتن در حرف الف گفته شد
درختان دانیال علیه السلام گوید درختی که بیشتر مردم خوش است بخواب دیدن آن مردی شریف و بزرگوار بود اگر درختی بیند که مردم
خوار بود دلیل بر مردی فرومایه بود و هر درختی که میوه دار بود دلیل که مردی توانگر بود و درخت بی بر دلیل بر مردم درویش بود و درختی
که در دیار عرب بود دلیل بر مرد بیابانی بود و هر درختی که در عجم باشد دلیل بر مردم عجمی باشد و درختی که در باغ بیند دلیل بر مال و بر
باغ اگر بیند که درختی از بن بکند دلیل که مردی را از جاه و نعمت بیفکند درخت خرما اگر درخت خرما بخواب بیند دلیل بر مردی شریف
و عالم بود و اگر بیند که درخت خرما در خانه داشت دلیل که با مردی بزرگ آشنا بود و خرما چون بباغ بیند دلیل که تاویل دهقان در خواب
گردد درخت آبنوس دلیل بر مردی فرومانده شود در کار خویش و بعضی گویند زن بود یا کنیزک درخت آلو مردی طبیب بود
که از وی نفع بهر کس رسد درخت بادام زنی خوبروی صاحب جمال بود درخت انار مردی توانگر بود با منفعت درخت
بلیل دلیل بر مردی شریف و بزرگ کند درخت بید دلیل بر مردی ساکن و آهسته بود درخت ترنج دلیل بر مردی مخالف خو
رأی کند درخت زیتون دلیل بر مردی اهل نسب باشد درخت حنظل دلیل بر مردی درویش بد دین کند درخت زرد آلو
دلیل بر مردی مبارک بود که نفع رساند درخت سرو دلیل بر مرد عجمی خوش طبع کند درخت سنجد دلیل بر مردی سبک روح
و منعم باشد درخت سیب دلیل بر مردی بازرگان باشد درخت شمامه دلیل بر مردی تیز دولت کند که زود جاه
شود درخت شفتالو دلیل بر مردی بزرگوار بود که نرم باشد درخت عود دلیل بر مردی نیکوروی و خوش زبان باشد
درخت فستق دلیل بر مردی توانگر بخیل بود درخت گل دلیل بر مردی شادکام باشد درخت فندق دلیل بر مردی عجمی
سخت دل بود که لهو دوست دارد درخت بلوط دلیل بر مردی بخیل منافق بود درخت جوز دلیل بر مردی شریف دو
بود درخت جوز هندی دلیل بر مردی عجمی بود که با مردم بخل کند و با عیال سخی کند اگر بیند که بالای درخت بود دلیل که بمردی
بزرگ پیوندد و از منفعت و بزرگی یابد درخت لیمون دلیل بر مردی بود که جاه کند یا منجم بود درخت مورد دلیل
بر مردی گران طبع و ناسازگار بود درخت نی دلیل بر مردی بدخوی و سخن چین بود و هر درختی که میوه دارد دلیل
میوه او بود اگر بیند که از درختی میوه ها میبرد و میخورد دلیل که بقدر قیمت آن میوه مال دخت یابد و معبران گویند دیدن

خانهٔ خود درخت در خواب زن بود و هر درخت که در خانهٔ پادشاه بیند دلیل که خدمتکار پادشاه باشد و اگر درختان بیند که ساق ندارد همچون درخت خیار و خربوزه و تاویلش بر مردان دون بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کمای درخت قوی بیند دلیل که زن کو دلیل دارد باشد و اگر بخلاف این بود و پوست درخت دلیل بر روزی بود که خداوند درخت را بود و شاخ درخت برادران و خویشان و فرزندان بود و اگر بیند که درخت برگها بسیار داشت دلیل که خداوند خوش طبع بود و اگر بیند که بارها اندک دارد تاویلش بخلاف این بود و میوهٔ درخت دلیل بر خداوندش که پرهیزکار و دین دار بود و اگر بیند که درخت ببرید و بیفتاد دلیل بر مرگ خداوندش بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند درختی بوی خوش دارد و میوهٔ خوش طعم دلیل بر مردی مصلح و پاک دین بود و اگر بیند که درختی میوهٔ ناخوش دارد و خار دارد دلیل بر مردی مفسد بی دیانت باشد و اگر بیند که در سرای او یا در سرای دیگران کوتاه درخت بود دلیل بر مصیبت بود که در آن سرای افتد و اگر بیند که در سرای خود نخلی بشکست دلیل که بقدر آن تخم چیزی بوی رسد و اگر بیند که درخت در زمین بیگانه می نشاند دلیل که با مردم بیگانه او را صحبت افتد و شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که در سرای خود درختی می نشاند دلیل که مال آورد و اگر بیند که بر بالای درختی بلند میشد دلیل که کار وی بزرگ شود و اگر بیند که برگ درختان جمع میکرد دلیل که بقدر آن درم حاصل کند و اگر بیند که از درختان میوه حاصل میکرد دلیل که فرزندان و نسل وی زیادت شود و اگر درختان میوه دار بسیار بیند و داند که ملک اوست دلیل که او را عمری دراز بود و ظفر و بندگی یابد و اگر بیند که درخت را میبرید دلیل که بیمار گردد یا از آن می کسی بمیرد و اگر بیند که در وقت خزان در باغ مجهول بود و میدید که برگ از درختان می افتاد دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که درخت با وی سخن گفت دلیل که کاری کند که مردم را از آن عجب آید و اگر بیند که درخت را زیان میکند دلیل که بیمار شود و یا ازان موضع که درخت کند کسی بمیرد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر درختان بریده یا خشک شده بیند دلیل که مردمان بدعتی باشد و هر درختی که نیکوتر بیند دلیل که دین او نیکوتر باشد و هرچه در درخت نقصان بیند دلیل بر نقصان وی بود و اگر بیند که در سایهٔ درخت نشسته بود یا خفته بود دلیل که در سایهٔ مردی رود که بدان درخت منسوب باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درخت در خواب بر ده وجه بود یکی پادشاه دوم زن سوم بازرگان چهارم مردم مبارز پنجم عالم ششم مومن هفتم کافر هشتم جوان نهم خصومت دهم مال شبهت

درد اندامها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که اندامهای وی درد میکرد دلیل که مال از دست وی برود و اگر بیند که سرش درد میکرد دلیل که گناه بسیار کرده بود و توبه کند و صدقه دهد قوله تعالى فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ و اگر بیند که پیشانی وی درد میکرد دلیل بر فساد و رنج و غم و اندوه بود و اگر بیند که چشم خود درد میکرد دلیل که او را کسی راه نماید بحق و اگر بیند که گوش درد میکرد دلیل که از هر کس سخنهای زشت شنود و اگر بیند که بینی وی درد میکرد یا در زبان وی نقصان بود دلیل که سخنی گوید که بوبال باز گردد و اگر این خواب بازرگان بیند دلیل که در تجارت دروغ گوید و اگر زبان خود بریده بیند دلیل بر صلاح و پارسائی بود و اگر بیند که کام وی درد میکرد و آماس داشت دلیل که از حق کسی منکر شود و اگر بیند که دندان درد میکرد دلیل که از خویشان باندوه یابد و اگر بیند که گردن درد میکرد دلیل که اما

گردن وی باشد شکسته بود و اگر بیند که شکمش بدرد میکرد دلیل که مال بحرام خورد و اگر بیند که پشت او درد میکرد دلیل که از عشیرت خود دانه و اگر
و اگر بیند که پهلوی او درد میکرد دلیل که بسبب خویشان درد بیند و رنجور شود و اگر بیند که جگر او درد میکرد دلیل که بر فرزندش شفقت بود و اگر
درد دست بیند دلیل که برادر حساب او جفا کند و اگر بیند که درد انگشت داشت دلیل که بیند رابود و اگر درد ناف بیند دلیل که مال از زن
و اگر بیند که عورت او درد میکرد دلیل که فساد در آید و اگر بیند که مقعد او درد میکرد دلیل که فساد و حرام کند و اگر بیند که سرین او درد میکرد دلیل که
بر خویشان و دوستان جفا کند و اگر بیند که پای وی درد میکرد دلیل که بر دوستان شفقت کند و اگر بیند که تن وی را المی میکرد دلیل که

درم

مال یابد درم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ضربهای مردم مختلف بود و مردی باشد که درم بخواب بیند دلیل بر حاصل شدن مراد
است در بیداری و بعضی معبران گویند هر که درم در خواب بیند دلیل که سخن خوش شنود با توحید باری سبحانه تعالی گوید اگر بیند که درم
بود دلیل که خوب بود و اگر درم سیاه باشد و بدان نقش و صورت بود دلیل بر جنگ و خصومت بود و بعضی از معبران گویند اگر بیند که درم
یافت دلیل بر فرزند کوچک بود و بعضی از معبران گویند اگر بیند که درم ضایع شد یا کسی از وی دزدید دلیل که از فرزندی خورد را بهره
و آید و اگر بیند که درم کوچک گم کرد و باز یافت دلیل که آن رنج از دل وی زایل گردد و اگر باز نیافت دلیل که فرزند او هلاک شود کرمانی
رحمة الله علیه گوید درم در خواب بدست داشتن سخن نیکو بود و درم شکسته سخن پراکنده بود و درم بسیار مال باشد و اگر بیند که درم
با عیال خود در میان درست قسمت کرد دلیل که میان ایشان داوری افتد و اگر بیند که درم در خانه بجید و داشت بقصد آن مال یابد
و اگر بیند که درم بسیار جمع کرد دلیل که مردم را از حق و باطل باز دارد و قوله تعالی جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ اگر
یک درم سپید در کف خود بیند دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که آن درم از وی ضایع شد دلیل که فرزندش بمیرد و اگر بیند که درم و دینار
یافت دلیل که مال و نعمت حلال جمع کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر درم سفید در خواب بیند درم سیاه دید و بسیار مردم در خواب درم
بیند در بیداری همان باشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید درم نیک در خواب صفای دین بود و درم شکسته خصومت بود و اگر
بیند که پادشاه او را درم داد دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درم در خواب بر یازده وجه بود اول سخن
درست دوم کزاردن حاجت سوم ولایت چهارم مال مجموع پنجم دوست ششم فرزند هفتم فتنه هشتم روزی فراخ نهم ایمنی دهم
کنیزک یازدهم درم یافتن خاصه که خداوند خواب مستور بود و اگر مستور نبود دلیل که خدمت فرزندان و غم و اندوه بود و اما درم
شکسته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی سخن زشت دوم جنگ و خصومت سیوم بند و زندان چهارم گفتگوی درم سنگ ابن سیرین رح گوید درم سنگ

دروغ گفتن

در خواب دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و خوردن آن دلیل بر نقصان مال و عیال بود دروغ گفتن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دروغ گفتن
در خواب دلیل بر فساد و تباهی دین بود و اگر بیند که گواهی دروغ میداد دلیل که دین وی تباه شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر

درودگری

بیند که پادشاه دروغ گفت دلیل که مردم نکوهش و بدی او گویند و حراست و آبروی او برود درودگری کردن ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید درودگری در خواب نیکوخواه مردم بود و لیکن صحبت با مردم منافق و بد مذهب باشد و بر این
دو وزر را که او را جوب کفاب و مدام بر نفاق باشد و تعالی کانَّهُمْ خُشُبٌ مُسَنَّدَةٌ حقه صلوة علیه السلام گوید

در خواب معلم کودکان باشد که مرد جاهل و نادان از دانش و فرهنگ آموزد و مدبر و مصلح کارهای مردم باشد و را نفاق و فساد از ایشان
زایل گرداند مغربی رحمة الله علیه گوید رود و گر معلم کودکان باشد و درویشی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید درویشی در خواب بهتر از
توانگری بود خاصه که در راه دین و صلاح بود و اگر ببیند که درویش شده بود دلیل بر صلاح دین بود و اگر ببیند که توانگر شده بود تا بلیس
بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر ببیند که با درویش مسلمان خیرات کرد دلیل که از غم و رنج رسته گردد و اگر ببیند که بر در بانگشت
دنان میخواست دلیل که خیر و منفعت بدو رسد دریا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دریا در خواب پادشاه بود یا عالمی بزرگ اگر
ببیند که آب دریا روشن و صاف بود و خوش طعم دلیل که پادشاه پارسا و عادل و دادگر بود و اگر ببیند که آب دریا ناخوش و تلخ بود
دلیل که پادشاه مفسد و ظالم بود و اگر ببیند که آب دریا بخورد دلیل که از پادشاه جاه و بزرگی یابد یا از عالمی بهره مند گردد و اگر ببیند
که آب دریا برگرفت و در سبوی کرد دلیل که بقدر آن از پادشاه او را منفعت رسد و اگر ببیند که در دریا فرو شد چنانکه تن او
بگل آلوده گشت دلیل که او را از پادشاه غم و اندوه رسد و اگر ببیند که تن خود را از گل بشست دلیل که غم و اندوه از وی زائل گردد
و اگر ببیند که در آب دریا شنا کرد دلیل که پادشاه او را محبوس دارد و اگر ببیند که از دریا باشنا بیرون آمد دلیل که از زندان خلاصی یابد
و اگر ببیند که در دریا غرق شد و بمرد دلیل که در کار دین غرق شود و اگر ببیند که از دور دریا دید و نزدیک نرفت دلیل که بدانچه امید
میدارد برسد و اگر ببیند که فراز دریا میرفت و پای او تر نمی شد دلیل که از آتش دوزخ ایمن گردد و کارهای دنیاوی بر وی آسان
گردد و اگر ببیند که در دریا بود بقول کرمانی رحمة الله علیه دلیل که بخدمت پادشاه رود و مطیع و فاضل گردد و اگر ببیند که در میان
دریا رفت دلیل که کار وی باخطر باشد و اگر ببیند که از دریا بیرون آمد دلیل که بیغم شود و اگر ببیند که از دریا آب خورد و سیر
بود و بیننده خواب عالم بود دلیل که بهره تمام یابد و اگر بیننده خواب عالم نبود بخلاف این بود قوله تعالی قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا
لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي و اگر بیننده خواب از مردان پادشاه بود دلیل که از خشم
پادشاه گردد و اگر ببیند که با آب دریا خود را بشست دلیل که از پادشاه ایمن گردد و اگر ببیند که آب دریا خورد و گرم بود دلیل که
گناهی کند قوله تعالی وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ و اگر ببیند که آب دریا بخورد و کند و ناخوش بود دلیل
که او را خصمی بزرگ پیش آید چنانچه او را بیم بود قوله تعالی يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
ببیند که در آب دریا میرفت دلیل که توفیق طاعت یابد و امانت گذارد و اگر ببیند که از دریا بگذشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر
ببیند که آب دریا زیادت شد دلیل که لشکر پادشاه زیادت شود و اگر ببیند که آب دریا خشک شد پادشاه و لشکر هلاک شوند
و اگر ببیند که آب دریا و رودها بهم جمع شدند در یک جای دلیل که پادشاه آندیار مال و خزانه خویش بیک جا جمع کند و اگر ببیند
که از جهان موجها برخواست و جهان از ابر تاریک شد دلیل بر گناه و عصیان اهل آن دیار باشد قوله تعالی مِنْ فَوْقِهِ
مَوْجٌ وَمِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ اگر ببیند که از دریا شکار برگرفت دلیل که روزی حلال یابد و عیش بر عیال او فراخ گردد
قوله تعالی أُحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ اگر ببیند که آب دریا شور بود دلیل که کسب حرام کند

واگر بیند که آب دریا تیره بود واز وی شکوه میگرفت دلیل بر هلاک وی باشد قوله تعالی واسئلهم عن القریة التی کا
نت حاضرة البحر واگر بیند که از دریا مرجان ویاقوت برآورد دلیل که بعلم دین آموختن مشغول گردد واز اهل علم باشد ملکش
زیادت شود واگر بیند که از دریا نهنگی را گرفت وبکشت دلیل که دشمن پادشاه بر دست وی هلاک شود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن دریا در خواب بر شش وجه بود یکی پادشاه دوم والی سوم رئیس چهارم مال پنجم عالم ششم
کاری بزرگ

دژ

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دژ بنا کرد دلیل بر صلاح وی بود واگر بیند که دژ خود را
خراب کرد دلیل بر تباهی وفساد دین وی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید دژ در خواب اگر گچ وآجر میکرد دلیل که صاحب دژ نیکو
بود واگر بیند که از گل وخشت میکرد دلیل که از عامل اهل بهشت بود واگر در دژ محکم مقیم بود دلیل بر صلاح دین بود وثبات را واگر بیند که از دژ
بیرون آمد یا از درون میشد دلیل که در کار دین کاهل باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در دژ بیند بقول مغربی دلیل بر
صلاح دین بود واگر بخلاف این بیند دلیل بر تباهی وضعف در دین وی بود

دزدی کردن

اگر بیند که مال کسی بدزدید
وچیزی خرج کرد دلیل که او را مکشند (؟) واگر بیند که نیت داشت که بدزدد ونتوانست دلیل که کسی بگروهی رساند وبعضی گویند که بها
شود اما مشتاب (؟) یابد واگر بیند که از خانه وی چیزی بدزدیدند دلیل که رنجی وآفتی بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر دزد را بیند
که او در دست درد اسیر شد دلیل که حال وی بد شود ودر غم واندوه گرفتار شود واگر بیند که دزدان بر وی راه زدند دلیل که غم
واندوه بیند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر دزدی کالای کسان برد دلیل که عیش بر خداوند خواب تباه شود جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دزدی بخواب بیماری بود ومعبران گویند آنجا که دزدی کنند دلیل ورا مادی باشد یا بیسری در وجود آید اگر خداوند خواب
عاصی دارد بسلامت باز آید دانیال علیه السلام گوید دزد در خواب دیدن خیانت وحیلت بود

دستارچه

ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که دستارچه از کتان بر دست داشت دلیل که او را از مردی پارسا ومصلح خیر ومنفعت رسد واگر بیند که دستارچه
از وی ضایع شد یا بسوخت دلیل که او را زیانی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دستارچه در خواب بر سه وجه بود یکی منفعت
دوم کنیزک سوم عطاء اندک

دستار

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دستار بخواب دیدن دین بود واگر بیند که دستار نو
یا سبز بود یا از کتان یا از پنبه بود دلیل صلاح دین بود واگر بیند که دستار سفید وپاکیزه داشت دلیل صلاح دین ودنیا بود ودستار قز
وابریشم دلیل نیکویی حال اینجهان بود واگر بیند که با دستار وی دستار دیگر پیوسته شد دلیل که بزرگی وعز او بیشتر گردد واگر بیند که دستار
از وی بیفتاد وضایع شد دلیل بر نقصان دین وبی حرمتی او باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر دستار خود دزدیده بیند دلیل بر نقصان
قدر وجاه او بود واگر بیند که دستاری پیچیده خوب داشت دلیل با اصحاب دین ودنیا سازگاری کند واگر بیند که دستار طراز داشت
دلیل کند میان سفر ومردم مشهور گردد واگر بیند که دستار وجامه اش جمله سبز بود دلیل که بشهادت از دنیا برود مغربی رحمة الله
علیه گوید هر چند که دستار بزرگتر باشد عز وجاهش بیشتر بود واگر بیند که دستار خورد وچرکین بود دلیل بر نقصان عز وجاهش بود واگر
دستار سرخ بیند دلیل که بر کسی ستم کند واگر زرد بیند دلیل که بیمار شود واگر کبود بیند دلیل که او را مصیبت رسد واگر سیاه بیند دلیل که زنان

و حضرت بیند مگر خطیب و قاضی و اگر بر سر دستار ابریشمین بیند دلیل که منصف و دادگر بود و مردم او را عزیز دارند و اگر بیند که دستار
در پیچیده بود دلیل که از سفر زود باز آید و دستار ابریشمین دلیل بر فساد دین بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دستار در خواب
بر هفت وجه بود یکی دین دوم ریاست سوم عمل چهارم ولایت پنجم مرتبت ششم توانائی هفتم سفر و دستار حمامی در حرف میم گفته
شود ان شاء الله تعالی **دست آس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دست آس بخواب از گرستن بود و اگر بیند که دست آس
داشت دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و اگر بیند که سنگ آس دست بشکست دلیل که خداوند آس دست هلاک یا در محنت
افتد و اگر بیند که سنگ آس دست بدزدیدند دلیل که بیمار شود و اگر بیند که پاس دست حنا و عنبر و خوردنی میگرد دلیل بر خصومت بود **دست**
دانیال علیه السلام گوید دست راست تاویل برادر بود و دست چپ خواهر بود و اگر بیند که دست راست وی دراز شد دلیل که
کار برادرش یا پیشکارش نیکو گردد و اگر بیند که هر دو دستش باز کرده شد دلیل که برادر و خواهر از وی روی بگردانند و اگر بیند که هر دو دستش
کوتاه شد دلیل که نفع از برادر و خواهر باز گیرد و اگر بیند که هر دو دستش بریده و افتاده بود دلیل که برادر و خواهر بزندگانی از وی جدا شوند
و اگر بیند که هر دو دست بر سینه نهاده بود دلیل که بجهت دوستان خود غم خورد و اگر بیند که میان گروهی بود و دست میزند دلیل که
در آنجا عروسی کنند و اگر بیند که بتنها دست میزد و شادی میکرد دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که قاضی یا سلطان دست راست او
ببریدند بقول ابن سیرین رحمة الله علیه دلیل که برادر یا خواهر یا فرزندش بمیرد و اگر هر دو دستش بریده دلیل که از کسب و مراد خود باز ماند
و اگر بیند که بیک دست از دست دیگر دست باز میکرد دلیل که بر کسان خود ظلم و بیداد کند و اگر بیند که دست خود را بکارد میبرید دلیل
که با کسی خصومت کند یا دل او بکسی مشغول بود قوله تعالی فَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ و اگر بیند که کف دستها بر یکدیگر میشوید دلیل که خویشی
بنکاح آرد و اگر بیند که یکی دستش بریدند و او را بردار کردند دلیل که امیران آن موضع معزول گردند و اگر بیند که مانند چهارپایی بر دست
و پای میرفت و بازگونه روی باسمان داشت دلیل که آرزو و محالی جوید و بدشواری برآید و اگر بیند که دست وی باد کرد و خشک بود دلیل که
از صدقه دادن و کار خیر فرو ماند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دستهایش بسوزن نیک کرده بود دلیل که همتش تعلیم علم
بود و اگر بیند که دستش بریده بود و ندانست که دست راست یا دست چپ بود دلیل که او را مصیبتی رسد و اگر بیند که چون دستش
بریده شد و قرآن میخواند دلیل که دستش از معصیت باز دارد و معبران گویند دست بریده دلیل که عمر دراز گردد و عصیان را ترک کردن
بکار خیر مشغول بودن و اگر بیند که دست راست وی از بهر گناهی بریده اند دلیل که دروغ گوی بود و بی دیانت بود مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که دست خویش چون چنبره گردن کرده بود دلیل بر کردار نیک و نماز و طاعت و حج و غزا کردن و کردار نیک بجای آورد
و اگر بیند که دست راست او بریدند دلیل که سوگند بدروغ خورد و اگر بیند که دست زن وی بحرز گرد بر تن پادشاهی وقت اگر آن
پادشاه مصلح بود دلیل بر خیرات و صلاح دین بود و اگر آن پادشاه مفسد بود و بد دین دلیل که شر و فساد وی در دین بود و اگر بیند که دست
وی از دست دیگر دراز تر شد دلیل که قوت و جاه و آنچه طلب میکند بیابد و اگر بیند که بر دو دست میرفت دلیل بر کار خود اعتماد نماند و معبران
گویند که از خویشان منفعت یابد و اگر بیند که دست و پای سخن گفت با او دلیل که معیشت او نیکو شود و اگر بیند که از بهر دو دست خود مردم

بسته داشت دلیل که بحلال قرآن بقا برمیخواند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دستش چون دست سلطان شد بود در کسب کار
بزرگی و پادشاهی یابد و اگر بیند که دست راست او زرین شده بود دلیل که دولتش زایل گردد و اگر بیند که دست خود با شنان
و صابون می شست دلیل که نا امید شود و اگر بیند که جانوری که در تاویل نیکو باشد از دست چپ او بیرون آمد و بدست راست
جدا شد یا از دست راست جدا آمد و بدست چپ بیرون شد دلیل که از غم رسته شود و عاقبتش محمود گردد و اگر آن جانور ناپسندیده
باشد دلیل که بر ضعیفی ستم کند و اگر بیند که دست وی خشک شد دلیل بر فساد صحبت کند و اگر بیند که دست وی در دست گرفت
یا دست در گردن او زد و آنکس زنده است یا مرده دلیل که عمرش دراز بود و اگر بیند که بدست مشرکی دستینها میکرد دلیل که آن
مشرک بدست وی مسلمان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست در خواب بر دوازده وجه بود یکی برادر دوم خادم
سوم انباز چهارم دوست پنجم فرزند ششم رفیق هفتم قوت هشتم توانائی نهم ولایت دهم مال یازدهم محب دوازدهم [illegible]

دست اورنجن

دست اورنجن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دست اورنجن در خواب زنان را شوهر بود و مردان را غم و اندوه بود و اگر بیند
که دست اورنجن سیمین داشت دلیل که اندوهش کمتر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دست اورنجن بدر داد دلیل که
او را فرزندی آید یا برادری و اگر این خواب زنی بیند دلیل که شوهری کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که هر دو
دست اورنجن داشت دلیل که او را مال و نعمت برنج حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دست اورنجن در خواب
بر پنج وجه بود یکی ریاست دوم حکمت سوم مکر چهارم غم پنجم برادر یا فرزند

دست و روی شستن

دست و روی شستن ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که دست و روی با آب صافی بشست دلیل که از غم فرج یابد و اگر بیمار بود شفا یابد اگر وام دار بود وامش گزارده شود
و اگر بیند که دست و روی ناشسته نماز میگزارد دلیل که دینش ضعیف باشد و مالی که دارد از دستش برود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که هر دو دست و روی همی شست دلیل که از دوستان خود یاری خواهد و اگر بیند که دست و روی می شست
و او را حدثی پدید آمد و وضویش باطل شد دلیل که در کار و کسب خود بیچاره گردد و اگر بیند که او را حدث افتاد و دیگر دست و روی
بشست و نماز آغاز کرد و آن نماز تمام نکرد دلیل که عمرش باخر رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که کسی دست
و روی او را بشست و او تاویل بدان میکرد دلیل که مرادش حاصل آید

دستینه

دستینه در خواب مردان را بهتر از زنان باشد ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که دستینه از آهن در دست داشت دلیل که او را توانگری و قوت بود و بر دشمن ظفر یابد خاصه که دستینه از پولاد بود
و اگر دستینه زرین یا سیمین باشد تاویلش چون دست اورنجن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دستینه در خواب بر سه
وجه بود یکی قوت و توانائی دوم ظفر یافتن بر دشمن سوم نظام کارهای دنیاوی

دشمن

دشمن اگر بخواب بیند که او بر دشمن غلبه کرد
دلیل که مرادش حاصل آید و اگر دشمن بر وی غلبه کرد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که دشمن او را بگزید دلیل که در بلا و مصیبت
افتد توبه باید کردن تا بلا دفع شود حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دشمن در خواب بر سه وجه بود یکی بستگی کارها
دوم غم و اندوه سوم خسران مال

دشنام

دشنام ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که کسی او را دشنام میداد دلیل که او را

شکو بود و آنکس بر دشنام دهنده ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را دشنام داد دلیل که آنکس بر وی چیره و کامکار شود **دعا کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دعا کردن در خواب روائی حاجت بود و اگر بیند که خود را دعا کرد و آمرزش خواست دلیل که خاتمه و کارش بخیر بود و حاجتش بر آید و اگر بیند که مصلی را دعا کرد دلیل که بظلم و فساد و منکر آید و امر معروف بجای آورد و اگر بیند که حلق او را دعا میکرد دلیل که نیکخواه خلق بود و حاجتهای وی روا گردد و اگر بیند که دعا و خاص میخواند دلیل که فرزندش آید قوله إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در تاریکی دعا میخواند اگر مصلح و پارسا بود دلیل که حق تعالی او را بیامرزد و حاجت وی روا گردد و اگر بیند که آن خواب مفسد بود او را توبه دهند و اگر کافر بود اسلام آرد **دف زدن** ابن سیرین رضی الله عنه گوید دف زدن در خواب دلیل امر معروف کردن است و اگر بیند که دف میزد دلیل که بترک کار صلاح کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دف زد استاد و استاد دلیل که زنی بدکردار بخواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید آواز دف در خواب شنیدن نشاط بود و چون از کنیزکی و زنی شنود بهتر بود و اگر از مردی شنود دولت و بزرگی یابد و چون از جوانی شنود دلیل ظاهر شدن کارها باشد **دلالی کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دلالی کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی صلح کردن در میان مردمان دوم راه راست سوم کردار نیک چهارم امر معروف بجای آوردن و دلالی مردی بود که رهنمای مردمان باشد بخیر و اگر کسی بخواب بیند که دلالی میکرد دلیل که راه خیر نماید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دلالی کردن در خواب بر چهار وجه بود که بالا ذکر رفته است **دل** بدانکه دل پادشاه شهر تن است و تن بفرمان او قایم است و دل خزانه عقل است در نهان و آشکارا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دل بخواب دیدن جمع کردن مال است که بوی رسد و اگر بیند که دل بیرون از تن وی بود دلیل بر صلاح و نکوئی بود قوله تعالی حَتَّىٰ إِذَا فُزِّعَ عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقَّ اگر بیند که دل وی تنگ شد دلیل که کار بر وی دشوار شود و اگر بیند که دل او شادمان بود دلیل که کارها بر وی گشاده گردد و اگر دل را فروبسته بیند دلیل که از گناه توبه کرد و قوله تعالی أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا اگر دل را بر دست نهاده بیند دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که دل بهر دو دست گرفته بود دلیل که کارهای وی بر آید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دلش درد میکرد دلیل که مالش زیاده گردد و اگر بیند که چشمهای دل وی گشاده بود دلیل که بکارهای بهره جهان راغب و حریص بود و اگر بیند که از دل وی خون بیرون می آمد دلیل که از کار ناکردنی توبه کند و بخداوند باریتعالی باز گردد و اگر بیند که از دل وی صفرا بیرون آمد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که بر دل وی خشکی رسید دلیل که بیغم شود و اگر بیند که از دل وی گوهر بیرون آمد و آن گوهر از دهن بیفکند دلیل که کافر گردد و اگر بیند که گوهر از زمین گرد و بخورد دلیل که با مسلمان گردد و اگر بیند که گوهر از دل بر آورد و گرد او مروارید بسته بود و مروارید بر زمین بریخت و گوهر فرو خورد دلیل که پنج نماز بگوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دل وی پاره پاره شد دلیل که دل را بهوسهای محال مشغول گرداند و اگر بیند که دل وی روشن و منور بود دلیل بر صلاح دین کند و اگر بیند که دلش تاریک بود تا دلیلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دل در خواب بر ده وجه بود یکی مال دوم ریاست سوم فرزند چهارم شجاعت پنجم جوانمردی ششم حرص هفتم قوت هشتم نصرت نهم شهوت دهم نهان شدن

دنبال

اموال خویشتن و دنبال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چون اسب خر و گاو دم داشت دلیل که مالش زیاده گردد و تمکین یابد
و راحت گردد اما در راه دین سست بود و اگر بیند که دم او چون دم سگ یا چون دم گرگ یا شغال بود دلیل که مال حرام یابد و مردم او را طعنه
زنند و اگر کسی دم اسب یا گاو یا خر داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و اگر بیند که دم دستار و دم حیوانی دیگر گرفت
و حرام برد دلیل که مال حرام یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دنبال بخواب دیدن بر چهار وجه بود یکی گنج دوم مال سوم دولت

دنبل

چهارم راحت عیش و دنبل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دنبل داشت دلیل که مالش زیاده شود و بقدر دنبل از گنجه یابد
وی بشکافت و خون آمد دلیل که چیزی از مال وی تلف شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از دنبل خون و ریم می آمد و می شکست دلیل

دنبه

که بقدر آن مال حرام یابد و اگر بیند که دنبل بنهاد و عمامه از خون بشست دلیل که از حرام توبه کند دنبه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دنبه
در خواب دیدن مال بود که بی رنج بدست آید یا مال زن بود بر قیاس زیادت و کمی او و اگر بیند که دنبه خام میخورد دلیل که مال غیبت خورد و اگر
بیند که دنبه پخته میخورد دلیل که دشمن از مال وی بخورد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را چون گوسفند دنبه بود دلیل که او را فرزندی

دندان

آید و او را دولت و اقبال بود و روزی فراخ گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دنبه در خواب دیدن مال بود دندان دانیال علیه السلام
گوید دندان در خواب دیدن اهل خاندان بود و دندانهای بالا دلیل بر نرینه بود و دندانهای زیرین دلیل بر مادینه بود و دندانهای پیشین
دلیل بر فرزندان و برادران و خواهران بود یا پدر و مادر و دندانهایی که بر جنب آن باشد دلیل بر عم و عمزادگان بود و دندانهای پسین
دلیل بر خویشان دور بود و سفیدی و بزرگی دندان دلیل بر قوت و جاه اهل بیت بود و بعضی معبران گویند که دندانهای پیشین آنچه
از سوی راست است دلیل بر پدر و خویشان او بود و آنچه از سوی چپ است دلیل بر مادر و خویشان مادر بود و اگر بیند که دندانهای پیشین
می جنبید دلیل بر این جماعت که وصف کردیم یکی بیمار گردد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که دندان پیشین او بر کف دست یا بر
کنار یا بر زمین افتاد و بخاک اندر گشت دلیل که او را فرزندی آید یا برادری یا خواهری و اگر بیند که دندان وی در خاک نهان
یا ضایع شد دلیل که از ایشان که گفتیم یکی بمیرد و اگر بیند که دندان وی بشکست یا پوسیده شد دلیل از اینها که گفتیم یکی را آفتی
رسد و اگر بیند که دندان پیشین او کوفته شد دلیل بود با خویشان خصومت افتد و اگر بیند که از دندان وی بجنبید دلیل که او با
در سختی نشست بگو بیند و از وی مع عارفت جوید و اگر بیند که دندان پیشین وی زیاده شد دلیل که از اینها که گفتیم یکی در خورش وی تا
باشد و اگر بیند که بر جنب دندان از دندان دیگر رست اگر زیر بود دلیل که او را دختری آید و اگر از بالا بود دلیل که او را پسری آید و اگر
دندان پیشین خود بر کند دلیل که مال از خود از اینها که گفتیم بستاند و اگر بیند که همه دندان بیفتاد و در جمال بدید شد دلیل که عمر اهل
خاندان او باشد و اگر بیند که دندانها بر کف دست یا در کنارش افتاد دلیل که اهل خاندانش بسیار گردد و اگر بیند که همه دندان او از نقره
زر بود اگر بیننده خواب اهل صلاح بود دلیل بر خیر و نیکویی او بود و اگر از اهل شر بود دلیل بر شر و فساد او بود و اگر بیند که دندانهای او از
یا از آبگینه بود یا از سفال دلیل بر هلاک وی بود و معبران گویند که افتادن دندان گزاردن وام بود و بعضی گویند دلیل بر جنگ و خصومت
کرمانی رحمة الله علیه گوید دندان بالا که در مقابله چشم است دلیل بر نرینه کند و دندان زیر دلیل بر مادینه کند و اگر بیند که بعد

دندانهاش در کنار افتاد و جمله در کف دست بگرفت دلیل که خویشان خود را جمع کند و نگذارد که از وی جدا شوند و اگر بیند که از
دندانها بوی خوش می آمد دلیل که خویشانش ثنا گویند و اگر بخلاف این بیند دلیل که غیبت وی کنند و اگر بیند که دندانهاش زرد گردید
دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که دندانهاش زرد بود دلیل آنکس که بدان منسوب بود بیمار گردد و اگر بیند که دندانهای او سیاه شد
دلیل که او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که دندانهاش افتاده بود و زنگ و پاره و بسته دلیل که عمرش دراز گردد چنانچه همه خویشان خود بگور
کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دندان وی درد میکرد و بدست خود برکند و بهر دو دست بگرفت دلیل که مال فراوان یابد
و اگر بیند که از دهان کسی دندان خون آلوده بدست بگرفت دلیل منفعت را یابد که دندان برگرفت اما او را مصیبت رسد و اگر بیند
که بعضی از دندانها چه پر شد دلیل که بعضی از خویشان وی بغربت روند و بسلامت باز آیند و اگر بیند که دندانهای او در میان دهان
جمع شدند و دیگر هر دندانی بجای خود باز شد دلیل که از خویشان متشکی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دندان در خواب شش وجه
بود یکی آن بیت دوم مال سوم منفعت چهارم غم و اندوه پنجم مضارعت ششم مضرت دهان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دهان
در خواب کلید کارها و فاتحه کارهای وی و هرچه از دهان بیرون آید دلیل بر جوهر کلام بود و اگر تنگ باشد و اگر فراخ باشد تنگ
در دهن بود و نیاوی بود و اگر آن بکراهیت در دهان بود دلیل بر محنت و رنج بود در معیشت و آنچه در دهان شیرین بود و با
سرور دلیل بر معیشت و راحت و عیش بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دهان وی سخت بسته بود دلیل که هلاک شود
و اگر بیند که دهانش از آرد جو یا گندم آگنده بود دلیل که اجلش نزدیک آمده باشد و اگر بیند که دهان او فراخ شد چنانکه طعام بسیار
در وی گنجید دلیل که بقدر آن او را نعمت و روزی برسد و اگر بیند که دهان او نیکو بود دلیل که سخنهای نیکو بشنود و اگر بیند که گوشت دهان
او بیفتاد دلیل که ویرا زیانی رسد و اگر بیند که از دهانش خون بیرون آمد دلیل که با کسی لنگی کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که از دهانش کرم و یا جانوری بیرون آمد دلیل که یکی از عیال وی جدا شود و اگر بیند که از دهان وی پلیدی بیرون آمد دلیل
که هرچه بجای مردم باشد بسبب منت نهادن باطل شود و اگر بیند که از دهان وی مروارید بیرون می افتاد و مردم برمیگرفتند دلیل که
مردم از علم وی بهره یابند و اگر بیند که از دهان خود پلیدی می انداخت و مردم از آن میگریختند دلیل که شاعر بود و مردم را هجو گوید
و اگر بیند که کسی دهان وی مهر نهاد و ندانست که کیست دلیل که رسوا شود قوله تعالی الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا
أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ حافظ معبر رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی خوب از دهان وی بیرون آمد دلیل که سخن گوید
نیکو معنی دار و اگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که چیزی در دهان نهاد و آن چیزی نیکو بود دلیل که چیزی حلال خورد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دهان در خواب بر هفت وجه بود یکی منزل دوم خزانه سوم گشایش کارها چهارم مال پنجم
حاجت ششم وزیر هفتم دربان دهل زدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دهل زدن در خواب کلام باطل و خبر دروغ و دروغ
و کارهای بیدار و روشن بود و تاویل این جمله زننده دهل بد باشد اگر بیند که با دهلها زد و پای کوفتند دلیل بر غم و اندوه بود
و اگر بیند که دهل تماشا میزدند دلیل که کلام باطل بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دهل زدن در خواب خبرهای مختلف بود و درین

هیچ نابود و نبود و دهلیز کرمانی رحمة الله علیه گوید دهلیز در خانه خادم بود اگر بیند که دهلیز آبادان بود و نیکو بود دلیل بر تندرستی بود و نظافت
خادم خانه بود اگر بیند که دهلیز خراب است دلیلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دهلیز خانه او بود از خشت
و گل بود دلیل که اگر از گل بود خادم خانه مفسد و بیدین بود و دوال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند دوال را دلیل خیر
و منفعت بود و بقدر قیمت آن جانور که دوال از پوست وی بود یابد و اگر بیند که دوال پاره پاره گردید یا ضایع شد دلیل که بقدر آن
مضرت بیند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوال بسیار داشت و آن دوالها از پوست جانوری بود که گوشت وی حلال است
دلیل که مال حلال یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که مال حرام یابد دوختن جامه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند
که جامه خود میدوخت دلیل که کارش برآورده شود و حالش بصلاح آید و اگر جامه عیال خود میدوخت همین تاویل دارد و اگر بیند
که جامه زنی بیگانه میدوخت دلیل که غمی و زیانی بدو رسد و اگر بیند که جامه مردی میدوخت دلیل که خیر و نیکی بیند و اگر بیند که
سوزن در دست و جامه تمام دوخت دلیل هر شغلی که پیش گیرد تمام کند و اگر بیند که جامه دوخته در خانه بسیار داشت دلیل که عیش
وی فراخ گردد و مال تمام از میراث یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پیراهنی از بهر خود میدوخت و تمام کرد دلیل که با عیال سازگار
بود و اگر بیند که شلواری میدوخت و نیفه آن تمام نکرد دلیل که زنی خواهد و عاقبت از وی جدا شود و اگر بیند که قبای میدوخت دلیل
که بخدمتی مشغول گردد و اگر بیند که جامه عیال میدوخت دلیل که بگفتگوی عیال درمانده شود و اگر بیند که از بهر جامه رشته میتافت دلیل که
عیال از جای بجای تحویل کند و اگر بیند که از بهر عیال خود جامه ابریشمین دوخت دلیل که غمگین گردد و بتهمت گناهی افتد دود جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دود در خواب دیدن کسی بود که کالای پراکنده بدست وی جمع شود و باصلاح آید دود ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید دود در خواب پادشاه ستمگر بود و اگر بیند که از جانب مشرق یا مغرب دودی عظیم بود دلیل که مردم آزار
از دست پادشاه جور و ستم کشند و اگر بیند که دود در عالم برخاسته بود و آتش با نه سبز دلیل که فتنه در عالم افتد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که در شهری یا در ولایتی بی آنکه آتش بود دود بود دلیل که آن قوم را از حق سبحانه و تعالی بیم بود و اگر بیند که از
خانها از دهان وی دود می آمد دلیل که پادشاه ظالم او را مضرت یا مصادره کند و مال وی بزور بستاند دوزخ ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دوزخ بود و بیرون نیامد دلیل که عاصی و بدکردار باشد توبه باید کردن و اگر دوزخ را دید و از آن
گرمی بوی نرسید دلیل که در رنج و غم گرفتار آید و عاقبت سلامت یابد و اگر بیند که در دوزخ مقیم بود و ندانست که کی آنجا رفت
دلیل که پیوسته در دنیا در پی روزی بود و اگر بیند که طعام و شراب اهل دوزخ میخورد و در آتش بسوخت دلیل که در دنیا گرد آرد
و در آخرت وبال بود و اگر بیند که فرشته از موی پیشانی او را بگرفت و در دوزخ انداخت دلیل که بیننده خواب را علامت بدبختی
باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در دوزخ بیند دلیل که بر گناه کردن دلیر بود و اگر بیند که از زقوم و حمیم خورد دلیل که بعلمی جاهل
مجهول مشغول گردد و اگر بیند که شمشیر برکشید و در دوزخ رفت دلیل که سخن فحش و منکر گوید و اگر بیند که در دوزخ چیزی میخورد دلیل
که مال یتیم و ربا خورد و اگر بیند که نزدیک دوزخ آتش می افروخت دلیل که کاری صعب او را پیش آید مغربی رحمة الله علیه گوید

اگر بخواب بیند که او را کسان بدوزخ میبرند دلیل که تا بتش کفر کشد قوله تعالی یَوْمَ یُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا
مَسَّ سَقَرَ و اگر بیند که بدوزخ رفت و بیرون آمد دلیل که از گناهی که کرده باشد توبه کند و اگر بیند که او را در دوزخ میبرد
و فریاد میتوانست کرد دلیل که بر کفر بود قوله تعالی قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ و اگر بیند که بانگ از دوزخ می شنید
دلیل که بهیبت و سیاست پادشاه بدو رسد و اگر بیند که نزدیک دوزخ قرار گرفت دلیل که جهان بر وی تنگ شود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دوزخ در خواب بر شش وجه بود یکی خشم حق تعالی دوم مبتلای گناه سوم جور سلطان چهارم تاش پنجم
مصیبت ششم رنج **دوشاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دوشاب در خواب مال و نعمت بود و لیکن غلبیار و اگر بیند
که دوشاب میخورد دلیل که بقدر آن او را مال حاصل گردد و اگر بیند که دوشاب میساخت دلیل که کاری کند که از آن خیر
و منفعت یابد و اگر بیند که دوشاب در دهان نهاد دلیل که از کسی سخن خوش شنود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
دوشاب سپید و پاکیزه میخورد دلیل که او را فرزندی خوب صورت آید **دوش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
دوش در خواب زینت مرد بود اگر بیند که دوش راست او ضعیف شد یا شکسته بود دلیلش بخلاف این بود کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوش وی قوی و درست بود دلیل که امانتی در گردن وی بود و مال یابد از جائی که امید
ندارد **دوشیزگی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوشیزگی زنی بنکاح بسته دلیل که مال حرام یابد و اگر زنی آن
بیند که دوشیزه است دلیل بر ستر و عفت وی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر مردی بیند که دوشیزگی
بسته دلیل که در آن سال زن خواهد یا کنیزکی خرد **دوغ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن دوغ در خواب ...
و معبران گویند که خوردن دوغ در خواب مال حرام بود زیرا که مسکه از وی بیرون کرده اند و اگر بیند که دوغ بکسی داده دلیل
آنکس غمناک گردد **دکان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که دکانی بنا کرد دلیل که زنی خواهد و اگر بیند
که دکان را خراب کرد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که دکان بیفتاد دلیل که زنش بمیرد و اگر بیند که بیرضای خداوند
دکان را برد دکان نشست دلیل که بعیال مردم تصرف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دکان در خواب بر شش
وجه بود یکی زن دوم عیش سوم عز و جاه چهارم نکوئی پنجم بلندی ششم چون دکان نو بود مرتبت باشد **دوک**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دوک در خواب دلیل بر دختر بود و اگر مردی بیند که دوکی فرا گرفت و در وی دو مهره دوک
بود دلیل که دختر بشوهر دهد و اگر بیند که دوک وی بشکست دلیل که دختر یا خواهر بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید دوک در خواب
مردی مسافر بود و اگر زنی بیند که دوکی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که مردی مسافر را شوی کند و اگر بیند که مهره از دوک
وی بیفتاد دلیل که مهرش از شوهر بریده شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر مردی بیند که دوک میرشت دلیل که اندوهگین شود
و اگر این خواب زن بیند دلیل که بیتیم گردد و نیز گویند که دوک دلاله بود **دولاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دولاب
در خواب خزانه بود و خانه پر نعمت و آبادان اگر بیند که دولابی میساخت که از اهل آن بود دلیل که خزانه از در خانه ...

یا از اهل آن باشد که خزانه خود بسپارد و اگر بیند که پادشاهی یا بزرگی وی را دولابی داد دلیل که از پادشاه یا از خاصگان خود وی بسیار
و اگر بیند که از دولاب آب میخورد یا جمع میکرد دلیل که از خزانه دار او منفعت رسد دلو کرمانی رحمة الله علیه گوید دلو در خواب
بود که مال الهانا شناخته بیرون آرد و اگر بیند که دلو پر آب کرد یا دلو آب میکشید دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آرد و اگر
و اگر بیند که دلو پر آب صافی داشت یا کسی بوی داد دلیل که او را مالی آسان بدست آید و اگر بیند که دلو آب از جوی بر میگرفت دلیل
که بقدر آن مال یابد و آن مال بمکر و حیلت بدست آرد و اگر بیند که آب از دلو بر زمین ریخت دلیل که مال بچیزی خرج کند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید اگر بیند که دلوی بزرگ داشت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی مالدار دوستی کند و از وی منفعت یابد

دوات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دواتی داشت یا کسی بوی داد دلیل که با کسی از خویشان خویش خصومت کند
و اگر بیند که بدوات می نوشت دلیل که بدی از وی بکفایت رسد و اگر بیند که دوات بشکست یا دزد ببرد یا ضایع شد دلیل
که زن بیوه بکراهیت بخواهد و اگر بیند که بقلم سیاهی در دوات میکرد دلیل که او را فرزندی نرینه شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که دوات زرین بود دلیل که متفکر شود و اگر بیند که دوات سیمین بود دلیل که زن خواهد یا کنیزکی خرد و اگر بیند که دوات او برنجین
بود دلیل که منفعت یابد و اگر دوات آهنین بود دلیل که در کارها قوت یابد و اگر دوات مسین بود دلیل که چیزی گم کرده بوی رسد

دویدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که میدوید یا ستور میدوانید دلیل که بسفر رود و هر چند دویدن او بیش
تر بود سفرش دورتر بود و اگر بیند که بر اسپ پالانی سوار بود و میدوانید دلیل که با عیال بسفر رود و مال یابد مغربی رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که در دویدن بر کسی سبق گرفت دلیل که بجز هر حال از وی سبق گیرد و اگر بیند که در دویدن مانده شد
و آرام گرفت دلیل که دنیا را ترک گیرد و قانع گردد

دیبا ابن سیرین گوید دیبا در خواب خیر و صلاح این جهانی بود و اگر زنان
بینند بهتر بود و اگر مردی بیند که قبای دیبا و پرنیان پوشیده بود و غزا کرد دلیل که عز و جاه یابد در دین و دنیا مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر زنی بیند که جبه و لباده اطلس سبز پوشیده بود دلیل که آن زن دیندار و با امانت بود و اگر بیند که اطلس سفید پوشیده بود دلیل که پارسا
بود و اگر اطلس کبود بود دلیل که او را مصیبت رسد و اگر بیند که اطلس سیاه بود دلیل که اندوهگین گردد دیبا باف در خواب مردی
مسافر بود با صلاح دنیا و فساد دین و تاویل پرنیان همین تاویل دیبا بود

دیگ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیگ
در خواب زن بود و معبران گویند که دیگ کدخدای خانه بود و اگر بخواب بیند که دیگ فرا گرفت یا کسی بوی داد و بر آتش نهاد
و خوردنی می پخت دلیل که بسبب کاری از پادشاه مال و منفعت بدو رسد و اگر بیند که دیگ مسین یا دیگ سنگین داشت
دلیل که بقدر و قیمت دیگ فائده یابد و اگر دیگ سفالین بود دلیل که کاری کند که بدان کار از مهتر خانه چیزی بوی رسد
و اگر دیگ بر آتش نهاده بود و در وی هیچ طعام نبود دلیل که در وی بکاری بدارد که در آن کار او را کراهیت باشد کرمانی رحمة الله
علیه گوید دیگ در خواب کدخدای خانه یا کدبانو بود و اگر بیند که در دیگ گوشت و خوردنی بود دلیل که روزی حلال برنج بوی رسد
و اگر بیند که دیگ وی بشکست دلیل که کدخدا و کدبانو هر دو بمیرند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دیگ در خواب

دیگدان

دینار

دیه

دیوار

بر پنج وجه بود یکی کدخدای خانه دوم کدبانو سیوم رئیس چهارم خادم پنجم موکل بر حوایج و دیگدان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیگدان
در خواب بر دو وجه بود یکی کدخدا دوم کدبانو اگر بخواب بیند که دیگدان فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که کدبانوئی بخانه آورد و اگر
بیند که دیگدان بشکست دلیل که کدخدای خانه بمیرد و مغربی رحمة الله علیه گوید دیگدان کدخدای خانه بود یا مردی قوی حال که از کس
نه اندیشد و دینار دانیال علیه السلام گوید که اگر بیند در دست دینار داشت که بعدد بیش از چهار بود دلیل که او را کراهیت رسد یا سخنی
شنود که وی را دشوار آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بعدد درم باشد دلیل که کاری پسندیده و نیکو کند و اگر او را یک دینار بود
یا هزار دینار دلیل که علمی اختیار کند که او را مال حاصل آید لیکن عدد وی باید که جفت بود و اگر بیند که دینار کسی وی داد یا ضایع شد
دلیل که از جهت فرزند او را مصیبت رسد و اگر بیند که دینارهای بسیار داشت دلیل که رنجی بوی رسد و معبران گویند که دینار در
خواب امانت بود که او را قوله تعالی وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنْهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ اگر در کف دست خود پنج دینار بیند
دلیل که پنج نماز فریضه بجای آرد و اگر بیند که دینارهای بسیار داشت و بجای محکم نهاد دلیل که امانت مسلمانان نگهدارد و اگر بیند که دینار
قسمت کرد دلیل که میان مردم امر معروف کند و امانت گذارد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که یک دینار یافت دلیل که بر وی
قباله نویسند از بهر امانتی که بدو سپارند و بسیار بود که در خواب دینار یابد و در بیداری هم دینار یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید
که دینار در خواب دیدن دین بود و راه راست مادام که بدان دینار صورت نقش نکرده باشد و اگر بیند که دینار داشت و یک روی
نام خدای عزوجل بود و بر روی دیگر صورت اگر بیند که صاحب خواب مسلمان بود دلیل که مرتد شود و اگر کافر بود مسلمان شود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دینار در خواب بر پنج نماز بود و اگر بیند که بعدد جفت بود دلیل که دین پاک و علم با منفعت بود و اگر بیند که بعدد طاق
بود تأویلش بخلاف این بود حافظ معبر رحمة الله علیه گوید دینار در خواب زن و فرزند و کنیزک بود و دینار بسیار دلیل بر مالی بود و کبر و
خصومت بدست آرد و دیه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که در دیهی بود و نام آن دیه نداند دلیل خیر و نیکی بود
و اگر نام آن دیه داند دلیل بر بدی باشد و اگر بیند که از دیه بیرون آمد دلیل بر نیکوئی باشد و اگر بیند که در دیه رفت دلیل بر بدی
باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که از شهری بدیهی آبادان شد که در وی نعمت بود دلیل خیر و برکت و غزو اقبال
کند و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و ادبار بود و اگر بخواب بیند که در دیهی کشده بود دلیل بر خیر بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که کسی دیهی مجهول بوی داد یا بخرید یا عمارت کرد دلیل که بقدر عمارت دیه خیر و منفعت بیند و اگر بخلاف این بود دلیل
مضرت یابد دیوار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که دیوار حال بیننده خواب باشد و اگر بیند که دیوار محکم و نیکو بود دلیل بر نیکوئی
حال او بود در دنیا و اگر بیند که دیوار کهنه بود و خراب میکرد دلیل که مال یابد و اگر بیند که دیوار نو بود و خراب میکرد دلیل بر غم و اندوه بود
بقدر خرابی دیوار و اگر بیند که دیوار سست و تنگ بود دلیل که حالش در دنیا ضعیف گردد و اگر بیند که بر دیوار بر پای بود دلیل که
حالش مستقیم باشد و اگر بیند که دیوار او بخته بود دلیل بر پراگندگی احوال و زوال عیش وی بود و اگر بیند که دیوار بیفتاد دلیل که از معیشت
و صنعت بیفتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دیوار شهر یا دیوار مسجد جامع بیفتاد دلیل که والی آن شهر هلاک شود و اگر بیند که

شود و دیوار از گل و خشت کرده بقول حضرت دانیال رضی الله عنه دلیل بر پاک دینی بود و اگر از گچ و آجر بود دلیل بر تباهی حال او بود و اگر
دیوار از آهک و سنگ بود دلیل که بر بنا زفتنه شود و طلب آخرت ننماید دیو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیو در خواب دشمنی بود
باشد فریبنده و مکار و اگر بیند که دیو او را وسوسه کرد دلیل که از کارهای ناصواب توبه باید کردن تا دشمن بروی ظفر نیابد لقوله
تعالی إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَائِفٌ مِنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ و اگر بیند که دیو
او را غلبه کرد دلیل که دین وی درست باشد و اگر خلاف این بود دلیل از ضعف دین باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر دیو
خرم بیند دلیل که بهوا و شهوت مشغول گردد و اگر دیو را غمگین بیند دلیل که بعبادت و صلاح دین مشغول گردد و اگر بیند که دیو با
زن وی بخسپید اگر عامل بود دلیل که از عمل معزول گردد و اگر این خواب دهقانی بیند دلیل که او را مضرت رسد مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که دیو از وی فرار شد دلیل که دشمن بروی ظفر یابد و اگر بیند که او بدست دیو اسیر شد او را بر دلیل که برسوائی مشهور گردد
و اگر بیند که با دیو صحبت کرد دلیل که گناهی بزرگ از وی صادر شود و اگر بیند که با دیو گفتگو میکرد دلیل که با دشمن با صلح کی شود
و ایزد تعالی جل و علا مراد ایشان بدهد قوله إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزُنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَلَيْسَ بِضَارِّهِمْ شَيْئًا
إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که با دیو طعام و شراب میخورد دلیل که با فسق و فساد در آمیختگی
دیو کند و اگر بخلاف این بیند دلیل که با خیر و صلاح باشد و قانع را و دین بود و اگر بیند که دیو را گرفت یا در شکم وی بود دلیل که
از زنا و فساد دور شود و توبه کند و بطاعت مشغول گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دیو در خواب بر شش وجه بود یکم
دشمن دوم فساد سوم شهوت و معصیت و هوای نفس چهارم از طاعت دور بودن پنجم از اهل خیر و صلاح دور بودن ششم
چیزهای حرام دیوانگی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیوانگی در خواب مال حرام بود بر بیننده خواب بقدر دیوانگی کرمانی رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که دیوانه بود دلیل که بحرام افتد و ربا خورد قوله تعالی الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا
يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با دیوانه هم صحبت بود دلیل که با مردی
ربا خوار مفسد مصاحب گردد و او را ملامت و بدنامی حاصل گردد

حرف الذال

ذکر دانیال علیه السلام گوید قضیب بد
خواب فرزندی مبارک و نام آور باشد و اگر کسی بخواب بیند که او را دو قضیب بود دلیل که او را فرزند بود و هم بزرگی یابد و
یابد و اگر بیند که قضیب وی بریده شد دلیل که فرزندش بمیرد و اگر بیند که قضیب وی خود ببرید دلیل که فرزندش نباشد و اگر بیند که قضیب
وی سست شد دلیل که فرزندش بیمار شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید بزرگی قضیب دلیل بر بسیاری فرزند و نام آوری بود و کوچکی
قضیب بخلاف این بود و اگر بیند که قضیب وی چون قضیبهای دیگر مانند شاخها پیدا آمد دلیل بر بسیاری فرزند و فرزند
زادگان باشد و اگر بیند که از قضیب وی ماهی بیرون آمد دلیل که او را دختری آید و زندگی آن زن از کنار رودهای مشرق باشد و اگر بیند
که از قضیب وی گربه بیرون آمد دلیل که او را فرزندی زند و در ابر زن پدید آید و اگر بیند که از قضیب وی مرغی بیرون آمد دلیل آنکه
تمیز باشد و اگر بیند که از قضیب وی موشی بیرون آمد دلیل که او را دختری نابکار آید که وی را خیر نباشد اگر بیند که از قضیب او را

بیرون آمد دلیل که او را فرزندی آید که او را دشمن باشد و اگر بیند که از قضیب او کژدم بیرون آمد همین تاویل دارد و اگر بیند که از قضیب او کرم
و مور بیرون آمد دلیل که او را فرزندی آید دون همت فرومایه و ضعیف ترکیب بود و اگر بیند که از قضیب او نان بیرون آمد دلیل که فرزند
و عیال او گرسنه و تنگدست شوند و اگر بیند که از قضیب او گنجه بیرون آمد دلیل که کسی پنهانی عیال او را دوست میدارد و اگر بیند که از
قضیب او ریم بیرون آمد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که از قضیب او منی بیرون آمد دلیل که او را بقدر آن مال و خواسته باشد و اگر بیند
که خون بیرون آمد دلیل که با زن حایض جماع کند و اگر بیند که از قضیب او آتش بیرون آمد و نیمه بطرف مشرق رفت و نیمه بطرف مغرب
دلیل که او را فرزندی آید که پادشاهی مشرق و مغرب کند و اگر بیند که از قضیب او سرگین بیرون آمد دلیل که نسلش بلواطت بود و اگر
بیند که قضیب وی برخواست و سخت شد دلیل که بخت و اقبال او قوی گردد و اگر بیند که قضیب وی سخت و دراز شد دلیل که او را
فرزندان بسیار شود و اگر بیند که پیراهن قضیب وی پیراسته بود دلیل که نامش در آن دیار مشهور گردد و حرمت و جاهش بیفزاید و اگر بیند
که بدست خود خایه بیرون کشید و باز بجای خود نهاد دلیل که فرزندش بمیرد و او را فرزندی دیگر آید و اگر بیند که قضیب خود در دهان کسی
نهاد و می مکید دلیل که از وی بدان کس منفعت رسد و اگر بیند که بر قضیبش موی رسته بود دلیل که بجهت فرزند شادمان گردد مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قضیب از وی جدا شد دلیل که فرزندش بمیرد یا مالش تلف شود و حرکت قضیب در خواب دلیل بر قوت
و فراخی نعمت کند و اگر بیند که قضیب وی بشگافت و خون روان شد دلیل بر زیان مال و مرگ فرزند بود و اگر بیند که قضیبش
آماس گرفت دلیل که مالش زیادت شود و اگر بیند که کسی بر قضیب وی میزدند دلیل بر تباهی عیش وی بود و اگر بیند که قضیب وی میل
بسته بود دلیل که گواهی که دارد ندهد و اگر بیند که زنی قضیب داشت اگر آن زن آبستن بود دلیل که پسری آرد و لیکن بمیرد و اگر آبستن نبود
دلیل که آبستن گردد و اگر بیند که قضیب او باریک بود همین تاویل دارد و اگر بیند که قضیب وی برخی بریده بود دلیل که فرزندش بمیرد
یا مال و جاه وی کم شود و اگر بیند که از سوراخ قضیب وی مروارید یا جوهری بیرون آمد دلیل که او را فرزندی عالم و پارسا آید جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن قضیب در خواب بر هفت وجه بود یکی فرزند دوم اهل خانه سوم مال چهارم عمر پنجم بزرگی ششم
طلب حاجت هفتم جاه و حرمت و نیکوئی حال **حرف الراء** * رازیانه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رازیانه در خواب
در وقت و بیوقت غم و اندوه بود و خوردنش مضرت باشد و اگر بیند که در زمینی که ملک او بود رازیانه بسیار بود دلیل که در غم و اندوه
گرفتار شود * راسو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید راسو در خواب دزدی بود و اگر بیند که راسو را بگرفت یا بکشت دلیل که دزد را ببیند
و بر وی ظفر یابد و اگر بیند که گوشت راسو بخورد یا چیزی از اندامهای وی در دست داشت دلیل که مال دزدیده از دزد بستاند کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که راسو را بگرفت و بگزید دلیل که بیمار گردد و عاقبت شفا یابد و اگر بیند که با راسو جنگ میکرد و بر وی غالب
آمد دلیل که بر دزد چیره گردد و او را قهر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید راسو در خواب دیدن بر سه وجه بود یکی دزد دوم غمّاز
سوم بیماری * ران ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ران در خواب قوت خویشان وی باشد و اگر بخواب بیند که ران او بشکست
یا بیفتاد دلیل که وی از خویشان جدا شود و تن ضعیف گردد و بغربت هلاک شود و اگر بیند که ران کسی ببرید آنکس را همین تاویل باشد

رازیانه

راسو

ران

ران

کرمانی رحمة الله علیه گوید ران راست دلیل بر خویشان پدری کند و ران چپ دلیل بر خویشان مادری کند اگر بیند که ران وی بازگشته
دلیل که از خویشان وی ضعیف شود و اگر بیند که ران وی بریده شد دلیل که از خویشان جدائی جوید و اگر بیند که ران وی شکست
دلیل که از مهتری ذل و خواری بدو رسد و اگر بیند که گوشت رانهای وی افتاده بود دلیل که مال خویشان وی ضایع شود مغربی
گوید اگر بیند که رانهایش بریسمان بسته بود دلیل که از خویشان جدا نشود و پیوستگی بنکاح کند و اگر بیند که گوشت ران خود میخورد دلیل
کند آن مال خویشان بخورد حکایت چنین گویند که مردی پیش ابن سیرین رحمة الله علیه آمد و گفت بخواب دیدم که ران مرا شکسته
شده بود و بر وی موی رسته بود و بکسی گفتم که موی ران من برکنش ابن سیرین رحمة الله علیه گفت که تو وامی داری و از خویشان
تو کسی وام ترا بگذارد و هم در آن ماه کسی از خویشان آن شخص پیدا آمد و دویست دینار وام بگذارد و جعفر صادق رضی الله
عنه گفت دیدن ران در خواب بر چهار وجه بود یکی اهل بیت دوم دوستان که بر ایشان اعتماد باشد سوم مال چهارم خشم

راه

راه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید راه بخواب دیدن دلیل دین و استقامت بود و جستن راستی در راه دین و اگر بیند که در راه
میرفت دلیل که براه دین بود و اگر بیند که گروهی را براه راست رهبری میکرد دلیل که قومی را براه راست و صلاح دین رهبری
کند و راه نماید و اگر بیند که در راه سرگشته و متحیر شد دلیل که در راه دین یا در کار دنیا سرگشته و حیران گردد و اگر بیند که دزدان
او را از راه ببردند دلیل که بقدر آنچه بردند غرامت کسی دیگر بگذارد و اگر بیند که در راهی میرفت و مانده و تشنه شد دلیل که حق خود
از کسی بستاند و اگر بیند که کسی او را از راه راست براه کج برد دلیل که بمعصیتی مشغول گردد و از راه صواب دور شود و اگر بیند که
بشب تاریک میرفت در راه و بر وی مشکل بود و گمان آن داشت که راه راست است دلیل که استقامت در راه راست یابد و اگر
راههائی ببیند و نداند که از کدام راه می باید رفت دلیل که در دین خود متحیر بود و صحبت با مردمان بد دین دارد و اگر بیند که راه
بر وی مشکل شد و ندانست که کجا میرود و بقول پیغامبر صلی الله علیه و سلم جانب دست راست گرفت دلیل که راه حق بر وی
پوشیده گردد و اگر بیند که بقصد از راه راست یکسو میرفت دلیل که بر دشمن مکر و حیلت سازد و اگر بیند که براه راست میرفت از برای
حشمت کسی بازگشت دلیل که کاری کند که دین را زیان دارد و بمحالات مشغول شود بسبب معیشت خویش و اگر بیند که در راه میرفت
زنی پیش آمد و بسبب آن زن از راه گشت و یکسو رفت دلیل که خلل در دین او پیدا شود و بدنیا فریفته شود مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که در راه وی سبزه بود و نباتهای نیکو دلیل بر نیکوئی و پاک دینی وی بود و اگر بیند که در راهی پوشیده و بیگانه میرفت دلیل
که در دین بدعت آورد یا در کار خود سرگشته شود قوله تعالی إِنَّ هٰذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ و اگر بیند که کسی راه
ببرد دلیل که بر فساد دین وی بود وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید راه راست در خواب
مسلمانی بود و راه کج بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن راه در خواب بر پنج وجه بود یکی دنیا دوم
سوم کار نیکو چهارم خیر و برکت پنجم آسانی و رحمت

راهزن

راهزن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید راهزن در خواب مردی بود که با مردم جنگ
کند اگر بیند که راهزن مال وی ببست دلیل که با مردی بپیوندد که او را عزیز و گرامی کند و از وی فایده یابد بقدر آنچه راهزن برده باشد

واگر بیند که را او زنان بر وی جمع شدند و از وی چیزی نتوانستند بردن دلیل که اگر بیمار شود شفا یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که راهزنان از وی چیزی بدزدیدند دلیل که آن رهزنان با وی دروغ گویند واگر بیند که رهزنان کلاه او را بردند دلیل که بمصیبتی آلوده گردد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که راهزنی کرد و کالای کسی را برد دلیل که آنکس با وی خشم گیرد واگر خود را راه زد و کالای کسی ببرد
دلیل که آنکس بیمار گردد و شفا یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید راهزنی در خواب بر سه وجه بود یکی جنگ دوم خصومت سوم
دروغ گفتن سیوم تباهی عیش و بیماری رهبا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رهبا در خواب بدین آنچه خوش طعم و خوشبوی
بود دلیل بر خیر و برکت بود و آنچه بخلاف این بود دلیل بر مضرت و رنج و اندوه بود و همچنین رب در خواب چون شیرین بود دلیل بر کار خیر
و منفعت بود و چون ترش بود تاویلش بخلاف این بود **رباب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رباب در خواب دلیل سخن
باطل و لهو و دروغ گفتن باشد واگر بخواب بیند که رباب میزد دلیل که سخن دروغ گوید و کسی را مدح و ستایش بدروغ کند واگر بیند
که در پیش وی رباب میزدند دلیل که بسخن باطل رضا دهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با رباب چنگ و چغانه و نای بود
جمله دلیل بر غم و مصیبت بود واگر بیند که رباب بشکست یا ضایع شد دلیل که از دروغ توبه کند واگر بیمار بیند که رباب میزد دلیل که بمیرد
یا بیماری بر وی سخت شود رخسار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رخسار در خواب روشنائی بود و مشرف مردم باشد واگر بخواب
بیند که رخساره او سرخ بود و پاکیزه دلیل که در میان مردم روشنائی گردد واگر بیند که رخساره سیاه و یا زرد گشته بود تاویلش بخلاف
این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید رخساره در خواب آرایش مردم و کدخدای بود واگر رخساره چین بیند دلیل که نقصان کدخدائی بود
واگر بخلاف این بود دلیل نیکی کدخدائی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رخساره در خواب دیدن دلیل بر نیکوئی حال و شادی مردم
بود و زشتی رخساره دلیل بر غم و اندوه و بیماری کند رز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رز در خواب دلیل زنی کریمه نیکوکار بود واگر
بیند که رزی داشت که درختان سبز و پاکیزه بود در هنگام وی دلیل که زنی نیکوکار بزنی کند و از او خیر و منفعت یابد واگر بیند که درختان
رز را هیچ برگ نبود تاویلش بخلاف این بود واگر بیند برگهای رز زرد گشته بود دلیل که بیمار شود واگر ملک دیده بود تاویلش بخلاف او
رز کرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رز در خواب دیدن بر سه وجه بود یکی زن کریمه نیکوکار دوم منفعت سیوم رنج و اندوه
واگر رز را خراب بیند دلیل بر بدی حال خداوند رز بود رستخیز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت آمده و حق تعالی
بر خواست دلیل که حقتعالی جل و علی در آن دیار عدل بگستراند واگر پادشاه آن دیار ظالم باشد دلیل که بلائی و آفتی بدیشان رسد واگر
مظلوم باشد دلیل که ایشان را بر ظالمان نصرت دهد واگر بیند که اهل آن دیار پیش خدای تعالی استاده اند دلیل که خشم خدایتعالی بدیشان
رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت بر خاست دلیل که مظلوم بر ظالم دست یابد واگر در غم و محنت باشد دلیل که خلاصی
یابد واگر بیند که علامتی از علامتهای قیامت پیدا شد چنانچه آفتاب از مغرب بر آمد یا یاجوج یا دجال علیهم اللعنة پیدا شدند دلیل
اینکه توبه کند بحقتعالی باز گردد واگر بیند که بشمار گاه رفت نشان غفلت باشد قوله تعالی اقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ
وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ واگر بیند که با وی شمار کردند دلیل که او را زیانی رسد قوله تعالی فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا

وعذبناه عذابا نكرا واگر بیند که از وی بکشید مذکور او زیادت برآمد دلیل که سرانجام او نیکو شود قوله تعالی فمن ثقلت
موازینه فاولئك هم المفلحون اگر بیند که از وی زیادت شد دلیل که حالش در دوزخ باشد قوله تعالی فاولئك الذین
خسروا انفسهم بما کانوا الآیة واگر بیند که نامهٔ کردار بدو دادند و بدست راست گرفت دلیل که بدست راست رود و او را
راهش در راه دین راست باشد قوله تعالی وانزلنا معهم الکتاب والمیزان واگر بیند که نامهٔ کردار را بدو دادند و بدست چپ گرفت
که این الحان چون با اهل صلاح بود دلیل که کارش نیکو بود واگر از اهل فساد بود کارش در خطر باشد قوله تعالی اقرأ کتابك
وکفی بنفسك الیوم علیك حسیبا واگر خود را بر صراط دید دلیل که بر راه راست باشد واگر بیند که بر صراط نتوانست رفت
دلیل که بر راه خطا بود و توبه باید کردن تا حق سبحانه وتعالی از وی خوشنود گردد رسن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رسن در خواب
عهد و پیمان بود اگر بیند که دست در رسن زده بود و از هوا معلق آویخته بود دلیل که بقدر بلندی رسن منزلت یابد واگر بیند که رسن
در دست او بماند و او بیفتاد دلیل که از قدر و منزلت بیفتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رسنی از آسمان آویخته بود و او دست
در آن زده بود دلیل که پیمانی بود میان او و حقتعالی چنانکه مثلا اگر بیمار بود و گوید اگر خدایتعالی مرا شفا بخشد چنین کنم واگر بیند
که رسن بر پای ایستاده بود دلیل که در آن پیمان بود که با وی حق سبحانه وتعالی کرده باشد واگر بیند که دست در رسن محکم
بود دلیل که دست در دین زده باشد قوله تعالی واعتصموا بحبل الله جمیعا بعضی از معبران گویند که رسن پیمان بود که با حق سبحانه
وتعالی کرده باشد و هم با خلق خدای واگر بیند که رسن در گردن وی کرده بود دلیل پیمانی که با کسی کرده باشد و در گذاردن وی
تاخیر میکند واگر بیند که مشعبدبازی میکرد دلیل که در اعتقادش خلل بود واگر بیند که از بام یا از جائی بلند خود را بر رسن فرو هشت
دلیل که بزرگ مقصود و حاجتی که دارد بگوید از ترس جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن رسن در خواب بر چهار وجه بود یکی عهد
و پیمان دوم دین سوم امانت چهارم روائی حاجت رضوان بدانکه رضوان دربان بهشت باشد ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که رضوان بجواب وی دید دلیل که از عذاب ایمن گردد واگر بیند که رضوان در بهشت ایستاده بود دلیل که از دنیا برود
و بعضی معبران گویند که رضوان در خواب دلیل خزینه دار سلطان بود که بوی صحبت افتد زیرا که رضوان خازن بهشت است
واگر بیند که رضوان یاقوت و گوهر و مروارید او را داد دلیل که او را فرزندی آید دانا و عالم چنانکه نامش بعلم مشهور گردد رفتن ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از شهر خود میرفت و ندانست که کجا میرود دلیل که بیچاره و سرگشته گردد واگر زن و فرزند
همراه داشت دلیل که مجموع سرگشته و حیران گردند اگر بیند که مانند مشتری میرفت دلیل که سعادت دنیا یابد واگر بیند که مانند زحل
میرفت دلیل که دلیلش بد باشد واگر بیند که مانند کژدم میرفت تا دلیلش همین بود واگر مانند مرغان شکاری میرفت دلیل خیر
و نیکی بود واگر مانند کسی که از تاریکی بود بروشنائی میرفت دلیل که از راه باطل براه حق گراید واگر از خرابی با آبادانی میرفت دلیل
که از تنگی بفراخی رسد واگر بیند که از آبادانی بخرابی میرفت دلیل بخلاف این بود واگر بیند که بجایگاهی بد میرفت بد بود واگر بجایگاهی
نیک میرفت دلیل بر خیر و نیکی بود رفو کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رفو کردن در خواب جامه را و دیگر چیزها را دلیل بر

جنگ و خصومت بود اگر بیند که جامه یا مقنعهٔ خود را رفو کرد دلیل که او را با کسی از خویشان خصومت افتد یا با دوستی که در وی خیر نباشد
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جامهٔ خود را رفو میکرد و نتوانست دلیل که از جهت عیال خود غم و اندیشه کند و رفوگر در خواب مرد
جنگ و خصومت بود و بجهد کار خود را با صلاح آرد و از خصومت برهد **رقص کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید پای کوفتن
در خواب غم و اندوه و مصیبت بود و بعضی معبران گویند که بیماری بود و بعضی گویند که مرد را از زندان خلاصی بود کرمانی رحمة الله
علیه گوید رقص کردن در خواب زنان را رسوائی بود و مردان را مصیبت اما صوفیان را و کسانیکه رقص بسیار کنند ایشان را غم و اندوه
نبود و رقاص در خواب مردی باشد که پیوسته در مصیبت خود و دیگران باشد جعفر صادق رضی الله گوید رقص کردن در خواب
غم و مصیبت بود **رگ کشادن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را رگ کشادند دلیل که از دوستی سخنی شنود یا مالش
تلف شود و اگر بیند که رگ کشاد و خون از وی بیرون آمد دلیل که از سلطان او را زحمتی رسد و اگر بیند که خون اندک بود دلیل
اندک زحمت باشد و بقدر خون زحمت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مالی دار رگ زد و خون بسیار آمد و در جائی گرد
دلیل که بیمار شود و مال خود را در بیماری خرج کند اسماعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رگ از دست راست کشاد دلیل زیادتی
مال و خواسته بود و اگر از دست چپ کشاد دلیل بر زیادتی مال دهقان بود و اگر بیند که معروفی در او رگ کشاد اگر زنش آبستن بود
دلیل که آبستن شود و اگر آبستن بود دلیل که دختری آرد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رگ زد و خون از تن وی بیرون آمد دلیل
که او را سخنی حق گویند جعفر صادق رضی الله عنه گوید رگ زدن در خواب دلیل بر چهار وجه بود یکی کشادن کار دوم سفر سوم خصومت
چهارم از جهت مال انبازی کردن و اگر بیند که رگ زد و خون بیرون نیامد دلیل بر خصومت بود و اگر بیند که خون بیرون آمد چنانکه
در تن خون نماند دلیل بر خصومت بود و اگر بیند که به جراحتی خون آلوده گشت دلیل که چیزی بوی رسد و معبران گویند که رگ زدن
در خواب اگر بیند و خواب ستور بود دلیل که خرمی و شادی بود و اگر ستور نبود دلیل بر شر و فساد کند **رگها** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید رگهای تن دلیل بر اهلبیت و خویشان بود و اگر بیند که رگی را از اندام وی آفتی رسید دلیل که خویشان وی غم و اندوه خورند
و هر رگی که معین است که بکسی تعلق دارد و رگهای پیشانی دلیل بر مهتران کند و رگهای دست و بازو دلیل بر فرزندان و رگهای شکم
دلیل بر خویشان مادر و رگهای پشت دلیل بر خویشان پدر کند و رگهای سرین و ران دلیل بر اهلبیت و زن و دوستان بود و رگهای
ساق دلیل بر مال و منفعت کند و اگر بیند که رگها بگشاد و برهنه و بریده شد یا خشک شده دلیل که از خویشان وی یکی که بدان
تعلق دارد از دنیا برود و بعضی از معبران گویند که غم و اندوهی از خویشان وی رسید و باشد که در عقوبت افتد و از خویشان
جدا ماند و اگر بیند که کسی او را رگ زد دلیل که از خویشان خود سخنی درشت شنود و بعضی گویند که بقدر آن خون از وی زر ستاند
مال یکی از خویشان خود تلف کند دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که رگ قیفال بگشاد دلیل که کار وی بسته گردد و اگر بیند که رگ
باسلیق گشاد همین دلیل دارد و چون سایل گوید که از رگ من خون می آید دلیل بر که باشد مال یابد و اگر گوید که از دست من خون
همی رفت دلیل که او را زیانی رسد و معبر باید که در لفظ گوینده خواب نگاه کند و تعبیر بر موجب لفظ او کند و اگر بیند که رگ او تهی گردید

بود دلیل کہ او را اندوهی رسد رکاب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر رکاب بیند که رکاب آهنین جدا بود دلیل بر فرزند ذمیم
بود و اگر رکاب بازین بود دلیل فرزندی بود که در وی هیچ خیانت نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رکاب او زرین بود دلیل آن کند که فرزند
خویشتن بین و متکبر آورد و اگر بیند که رکاب سیمین بود دلیل که فرزند با جمال نیاز نعمت شود و اگر بیند که رکاب مسین بود یا برنجین دلیل کہ
فرزند دون همت بود و اگر رکاب آهنی بود دلیل که بقدر روشنی و پاکی او را قوت در کار دنیا بود و اگر رکاب او چوبین بود دلیل که
فرزند او بدرای و فرومایه بود و رکاب دار در خواب نیکو بود زیرا که او بهتران نزدیک است رنگها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
رنگ سفید بخواب دیدن در جامه و غیر آن دلیل بر پاکی دین او بود و رنگ سرخ مردان را کراهیت و رنج بود و زنان را نیک بود و رنگ
زرد زنان و مردان را نیک باشد در دین و دنیا و رنگ سیاه مصیبت باشد مگر کسانی که پوشند و رنگ کبود زنان را و مردان را نیک نباشد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید رنگ سبز و سفید دلیل بر خیر و برکت کند و دین پاک زیرا که لباس اهل بهشت است روباه
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید روباه در خواب مردی فریبنده باشد یا زن یا کنیزک دروغ زن اگر بیند که روباه در بر وی بود
دلیل که او را با مردی خصومت افتد و اگر بیند که روباه بجست از وی از آن دلیل که ترسنده شود و اگر بیند که با روباه بازی میکرد
دلیل که زنی او را دوست دارد و دوستی او ضعیف بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روباهی سازش میکرد دلیل که با او
حیلت کند و او را بفریبد و اگر بیند که روباهی پیش او چاپلوسی میکرد دلیل که غریبی با او مکر و حیلت کند و پوست روباه مالی
که بحیلت بدست آرد و شیر روباه بخواب خوردن دلیل شفا از بیماری بود و شادی از غم و اندوه و خلاصی از زندان باشد و
بعضی از معبران گویند که شیر روباه خوردن دلیل بر بیماری بود یا ترسی که بوی رسد مغربی رحمة الله علیه گوید روباه در خواب
دیدن زن دروغگو باشد اگر بیند که روباه بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی فریبنده و دروغ زن خواهد و اگر بیند که روباه
در خانه وی آمد و قرار گرفت دلیل که زنی خواهد که دوستدار او بود و اگر بیند که روباه از وی بگریخت دلیل که وام داران او بگریزد
رود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید رود بزرگ در خواب مردی بزرگ بود و اگر بیند که در رود بزرگ صافی شد دلیل که
با مردی بزرگ با دیانت پیوندد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از رود بیرون آمد دلیل که از بلا و غم رسته گردد
و اگر بیند که در رودی بزرگ رفت و آبش تیره بود دلیل که با مردی بزرگ ستمگر پیوندد و اگر بیند که در آن رود غرق شد
دلیل که تا مرگ از آن ستمگاری یابد دانیال علیه السلام گوید رود بزرگ وزیر بود و اگر بیند که رود بزرگ خشک شد
دلیل که وزیر معزول گردد و اگر آب رود زیادت بیند دلیل که از وزیر عطا یابد و اگر آب رود تیره بیند دلیل که مال
حرام یابد و اگر آب تلخ بود دلیل که رشوت ستاند و اگر آب رود گنده بیند دلیل که بیمار گردد و اگر آب رود سرد
خوش بود دلیل که از وزیر نواخت یابد و اگر بیند که در جوی خون بود و میرفت دلیل که در آن دیار خونریزی
بسیار شود و اگر بیند که آب رود سفید و خوش بود دلیل که مردم عام ثنای وزیر گویند و اگر بیند که آب رود بر زمین فرو
رفت و هیچ نماند دلیل بر عقوبت باشد در آن دیار بقوله تعالی قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ

همانا متعین واگر بیند که باب رود خود را بشست دلیل که از شر پادشاه و وزیر ایمن گردد واگر بیند که بزیر آب غوطه میخورد دلیل که در اندوهی
گرفتار شود واگر بیند که جامه خود را بشست دلیل که او را و اهل بیت او را از پادشاه و وزیر ایمنی بود واگر بیند که در رود میرفت و جامه آلوده
گشت دلیل که از قبل بزرگانی غم خورد واگر رود دجله بخواب بیند بقول کرمانی رحمة الله علیه خلیفه بود و رود جیحون پادشاه خراسان بود
و رود سیحون پادشاه هند بود و فرات پادشاه شام بود و بعضی گویند پادشاه روم بود و رود نیل پادشاه مصر بود و رود کر پادشاه
ارمنیه بود و آب خوردن و شستن خود از آن خیر و منفعت بود بقدر آن آب از آن پادشاه چیزی بوی رسد که خورده باشد واگر خود را
در رودی از شیر بیند دلیل که در فتنه افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن رود در خواب بر هفت وجه بود یکی حج دوم بندگی سیوم
چهارم تجارت پنجم مال ششم ریاست هفتم ظفر رود و بار و وادی اگر بیند که در رود و باری شد دلیل که در غمی و اندوهی گرفتار شود
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر از رود باری بیرون آمد دلیل که از غم و اندوه بیرون آید کرمانی رحمة الله علیه گوید رود بار در خواب حج
اسلام بود قوله تعالی بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ مغربی رحمة الله علیه گوید رود بار در خواب دلیل گفتن
شعر بود وَالشُّعَرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ روده ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که روده فرا گرفت و بخورد دلیل که از خویشان خیر و منفعت بیند واگر بیند که روده ای وی از درون پیدا شد دلیل که فرزندی از وی بیاید
وی مهتر گردد واگر بیند که روده کسی میخورد دلیل که بقدر آن مال کسی بخورد کرمانی رحمة الله علیه گوید آشکارا شدن رودگان در خواب
مال نهاده بود که پیدا گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رودها از دامنش بیرون آمد دلیل که مرگ بر فرزندانش بود واگر بیند که رودگان
کسی بیرون آورد دلیل که بقدر آن مال نهان کرده کسی را بیابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید روده در خواب بر شش وجه بود یکی
مال حرام دوم حق ناشناسی سیوم دشنام چهارم فرزند پنجم زندگانی ششم کار کردن خویش روز ما ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که روز آدینه بود و روز شنبه بود دلیل که در کاری شروع کند و پندارد که در آن کار خیر است و در آن شر بود واگر بیند که روز شنبه بود و روز
آدینه بود بخلاف آن بود واگر بیند که شب است و روز باشد دلیل بر نیکی باشد واگر بیند که روز شنبه بود دلیل که دوست جهودان باشد
واگر یکشنبه بخواب بیند دلیل که دوست ترسایان باشد واگر شنبه را آدینه پندارد دلیل که هواخواه اهل نعمت و توانگر باشد جعفر
صادق رضی الله عنه گوید بهترین روزها روز آدینه بود و روز دوشنبه و روز پنجشنبه بعد از آدینه و روز هر چند روشن تر و صافی تر باشد
بهتر بود روزه داشتن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که روزه میداشت و تسبیح و تهلیل و قرآن میخواند دلیل که از
گناه و حرام توبه کند واگر بیند که روزه داشت و غیبت مردم میکرد و یا فحش میگفت دلیل که او طاعت بریا میکند و در راه دین جا
نیست کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماه روزه بود دلیل گرانی و تنگی طعام بود و بعضی گویند که دلیل بر درستی دین بود و از
غم فرج یافتن باشد و گزاردن وام خاصه که چون در ماه رمضان بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید روزه داشتن در خواب بر ده
وجه بود یکی بزرگی دوم ریاست سیوم تندرستی چهارم مرتبت پنجم توبه ششم ظفر هفتم نعمت هشتم حج نهم غزا دهم یسر اما روزه گرفتن
بفراموشی دلیل بر نیک مردی و روزی حلال بود و چون روزه بقصد گشاید دلیل بر نیک مردی و روزی حلال بود و چون روزه بقصد گشاید

و بیند که بر وی ظفر یافته بود و اگر بیند که [illegible] دست بگشت و دو گشت اگر بیند که [illegible] فتح [illegible] دلیل که [illegible]

ابر که دو اگر بیند که با [illegible] و در دست [illegible] و اگر بخواب بیند که [illegible] دست دیگری [illegible]

خصوصی بیند **روستا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر روستا خود را دید با جای بی عمل دلیل چیز بود و [illegible]

و بجای بی معروف بیند دلیل نیک نباشد و اگر بخواب بیند که از روستا بشهرستان رفت ان شاء الله تعالی [illegible]

و رفاه [illegible] و اگر بیند که از شهر بروستا میرفت دلیل آن [illegible] مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند

که بروستا ملک [illegible] دلیل که بقدر آن آبادانی روستا خیر و نیکی بوی رسد و اگر روستا خراب بیند [illegible]

[illegible] **روشنائی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید روشنائی در خواب دین [illegible] بود و اگر بیند که روشنائی [illegible]

دلیل که کسی [illegible] در خواب [illegible] بدین بود قوله تعالی اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم

مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روشنائی بسیار داشت [illegible] دلیل [illegible]

الله [illegible] وَالْأَبْصَارِ [illegible] نُورٌ عَلَىٰ نُورٍ [illegible] اگر بخواب بیند [illegible] روشنائی بود دلیل بر خیر و منفعت [illegible]

صادق رضی الله عنه گوید دیدن روشنائی در خواب بر چهار وجه بود اول [illegible] دوم علم سوم [illegible] چهارم [illegible]

روغن دانیال علیه السلام گوید روغن در خواب مال و نعمت بود و بعضی گویند که میراث باشد و اگر بخواب بیند که روغن

و از آن بخورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و میان مردم عزیز شود و اگر روغن گوسفند بیند [illegible] دلیل [illegible] روغن گاو [illegible]

از روغن [illegible] و روغن بادام و روغن کنجد مال و نعمت بود و دیگر انواع چون روغن بستان و روغن بنفشه [illegible]

زیتون دلیل که همه منفعت بود [illegible] و روغن خیری و روغن [illegible] منفعت باشد از [illegible] و روغن نرگس منفعت باشد

[illegible] ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که همه تن وی بروغن آلوده بود دلیل که بیمار شود و اگر بیند که روغن بر سر مالید

دلیل بر آرایش بود و اگر بیند که روغن خوشبوی بود چون بنفشه و یاسمین دلیل بر آرایش دنیا بود و همه روغنها چون خوش بوی

دلیل بر نیکوئی بود و اگر بوی ناخوش کند [illegible] کرمانی رحمة الله علیه گوید روغن زیت در خواب مال

بود و اگر بیند که مردی بر سر مردی روغن میمالید دلیل که آن مرد حیلت سازد مغربی رحمة الله علیه گوید روغن در خواب بر

مالیدن دلیل که آرایش بود و لیکن غم و اندوه بود و اگر بیند که بروغن سینه چرب میکند دلیل که سوگند [illegible] اسمعیل اشعث

رحمة الله علیه گوید روغنها همه [illegible] بود مگر روغن زیت که خوردن دلیل مال و مالیدن غم و اندوه بود و اگر بیند که

بروغن آلوده شد دلیل که اندوهگین گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید روغن خوش بخواب بر شش وجه بود یکی [illegible]

دوم کنیزک سیوم ثنای نیکو چهارم منفعت پنجم سخنهای خوش ششم طعامهای نیکو و روغن گنده دلیل بر سه وجه بود

[illegible] دوم فسق سیوم سخنهای زشت **روناس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید روناس در خواب دیدن دلیل [illegible]

دنیا بود و خرد [illegible] دلیل بر مضرت و رنج بود و اگر بیند که جامه خود بروناس سرخ کرد دلیل که بعشرت دنیا مشغول گردد

روی

دین فرو گذارد **روی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی روی بخواب بیند بکمال نزاکه هست دلیل که شرف و منزلت او زیاده
گردد و اگر روی خود زشت و ناخوش بیند منزلتش کم گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر گونه روی خود سرخ و پاکیزه بیند دلیل که روشنائی
گردد و اگر بیند که گونه روی او سفید شد دلیل بر قوت دین وی بود قوله تعالی وَأَمَّا الَّذِينَ ابْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ
اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ و اگر بیند که گونه روی او زرد شد دلیل که بیمار گردد و اگر گونه روی او سیاه بود دلیل که در میان خلق رسوا
گردد و اگر بیند که با سیاهی روی جامه سفید پوشیده بود دلیل که او را دختری آید قوله تعالی وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِالْأُنْثَىٰ ظَلَّ
وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ و اگر بیند که با سیاهی روی او گرد آلوده بود دلیل که مشرک بود و اگر بیند که روی خون آلوده بود دلیل
زر وا بسار زر و پیش می آمد و اور ابر روی جراحت بود دلیل که زیان مال او بود و اگر بیند که روی او کج شده بود دلیل تباهی حال وی بود
و اگر بیند که پیش روی او خال بود دلیل که وام دار شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر روی خود را بخواب نیکو بیند در آب یا در آینه یا کسی
او را گوید که روی تو خوب است دلیل که کار وی نیکو شود و اگر زشت بود ما دلیش بخلاف این بود و اگر بیند که روی او سرخ بود دلیل که او را
بکسی مناظره افتد و خشم فرو خورد و گر روی خود سپید و روشن بیند دلیل که توفیق طاعت یابد و اگر روی خود سیاه بیند دلیل غم و اندوه
و مخاطره کفر بود قوله تعالی وَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ و اگر بر روی خود جراحتی بیند دلیل
که بقدر آن غم و اندوه یابد و اگر روی خود خراشیده بیند دلیل که در کار و کد خدائی وی خلل افتد و اگر خود را دو روی بیند دلیل منافق
بود جعفر صادق رضی الله گوید دیدن روی در خواب بر هشت وجه بود یکی شرف و بزرگی دوم خواری و حقارت سیوم نظام

ریحان

کارها چهارم دین و دیانت پنجم اندوه و رسوائی ششم دوم هفتم نیکوئی هشتم توفیق طاعت **ریحان** اگر بیند که ریحان سبز
و خوشبوی بود دلیل بر فرزند بود و کندن ریحان از زمین دلیل گریستن و اندوه بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ریحان در جایگاه
خود بیند دلیل که خداوند خواب کارهای نیکو کند دانیال علیه السلام گوید ریحان بخواب دیدن اگر خوشبوی بود دلیل که خداوند خواب
کارهای نیکو کند و توفیق بکار خیر یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ریحان بخواب بر هفت وجه بود یکی زن دوم کنیزک
سیوم دوست چهارم فرزند پنجم سخن خوش ششم مجلس عالم هفتم کردار نیک اگر بیند که در سرای یا باغ او ریحان بود دلیل منفعت و خیر

ریسمان

کند مغربی رحمة الله علیه گوید ریحان فروش در خواب بوقت خوشی نیکو بود **ریسمان** در خواب سفر بود اگر بیند که ابریشم یا موی ریسمان
می رشت چنانکه زنان ریسمان ریسند دلیل که کاری حلال کند و گر ریسمان بجولاهه برد تا جامه بافد دلیل که در تدبیر کاری باشد
که او را از آن خصومت بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنی مانند موی ریسمان از ابریشم یا موی می رشت دلیل که او را
از سفر باید و اگر بیند که بوقت رشتن ریسمان او گسسته شد دلیل که غایبش در سفر دیر بماند و اگر بیند که ریسمان بسیار داشت دلیل که عمر
دراز بود و بقدر ریسمان خیر و منفعت از خویشان یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریسمان در خواب بر پنج وجه بود یکی سفر

ریواس

دوم مزد کار سوم عمر دراز چهارم منفعت بسیار پنجم حاجت و کسب حلال **ریواس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ریواس
بخواب دیدن اندوه بود و بقدر خوردن آن اگر بیند که ریواس بینداخت دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که ریواس شیرین

بود دلیل که عزت گیرد و اما علم ریش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ریش در خواب آراستگی مرد و حرمت او باشد و خبر بر آن
ایزد سبحانه و تعالی در شناخت که تسبیح او بفرشته سبحان من زین الرجال باللحی والنساء بالذوائب پس باید
آنچه اینکه بسیار است مردان را بریش و زنان را بگیسو اگر بیند که ریش او دراز شد دلیل که کار عیال او ساخته گردد و اگر چون بدانی که
گذشته باشد دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که ریش خود را باخن بیراست دلیل که عیال خود را بیازارد و اگر بیند که ریش خود را خضاب
کرد دلیل که حال خود را بر مردمان بنماید و پنهان شود و اگر بیند که ریش خود بر زمین میکشید دلیل که اجلش نزدیک بود و اگر بیند که ریش او نیمه
بود دلیل که زیان مال و خواسته دید و اگر ریش او سپید گشته بود دلیل که بردباری و آهستگی او زیادت شود ولیکن غمگین شود
و اگر بیند که ریش بدندان می برید دلیل که اهل بیت وی را زیان رسد و اگر بیند که ریش او از بیماری فرو ریخت دلیل که او را از رنج
سفاهت بیم باشد و مال و آبرویش برود و اگر بیند که ریش را شانه کرد و بجنبد و گلاب بر او ریخت دلیل که شغل کند که مردم عیب کنند
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ریش او دراز شد چنانکه بحد ناف بود دلیل که مال یابد و اگر بیند که دست بر ریش فرو آورد
و پاره ریش بدست او بماند و آنرا بینداخت دلیل که مال از دستش برود و اگر بیند که پاره ریش در چیزی نهاد و نگاه داشت
دلیل که مال نگاه دارد و اگر بیند که ریش او کوچک و کوتاه بود اگر وام دارد دلیل که وامش گزارده شود و اگر غمگین بود دلیل
که بیغم گردد و اگر بیند که ریش او بر زمین افتاده بود دلیل که بمیرد و اگر بیند که ریش او کنده شد دلیل که حرمتش بیکبار برود و اگر
بیند که موی سپید از ریش خود برکند دلیل که او مخالفت سنت پیغامبر صلی الله علیه وسلم باشد اسمعیل اشعث رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که او در حرم بموسم حج سر تراشید اگر وام دارد دلیل که وامش گزارده شود و از غم خلاصی یابد و اگر بیند که
سر و ریش را بیکبار بسترد دلیل که حرمت و آبروی او برود و اگر بیند که بی سببی اندک اندک ریش او می افتاد و نقصان
در وی ظاهر شد دلیل که از رنج و سختی فرج یابد و اگر بیند که ریش وی تمام سفید شد دلیل که اندکی در حرمتش نقصان شود
و اگر زنی بیند که او را ریش بود دلیل غمگین شود و کاری کند که از آن رسوا گردد و اگر مردی بیند که او را ریش برآمد دلیل
که او را پسر فرزند نباشد و اگر فرزند آید محتشم و قوی گردد و اگر کودکی نابالغ خود را با ریش بیند دلیل که در غم و اندوه افتد
و اگر بیند که ریش کسی بگرفت و میکشید دلیل که آنکس مال او بمیراث بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریش در خواب
بر ده وجه بود یکی تیغ دوم عز و جاه سیوم مرتبت چهارم هیبت پنجم مروت ششم نیکوئی هفتم تزویج هشتم مال نهم فرزند
دهم گرامی شدن قوله تعالی وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ اما ریش ستردن بکراب ما جایز او زوال آنها از نیکو باشد ریگ
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ریگ در خواب دلیل بر صلاح و خیر و منفعت بود و اگر بیند که در میان ریگ میشد دلیل که او بر
کسب و شغل مشغول گردد بقدر کم و بیش و اگر بیند که ریگ میخورد یا جمع میکرد دلیل که بقدر آن از مردم خیر و منفعت بیند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریگ در خواب بر چهار وجه بود یکی مشغول بودن دوم مال سوم منفعت چهارم رفعت
لیکن باید ریش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بر تن وی ریشی بود و دران ریم جمع شده بود دلیل

اگر بقدر آن ریم ازو مال حاصل شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مال ورا نقصان شود و اگر بیند که ریم از تن وی بیرون آمد و باز
بجای بیشد دلیل بر نقصان مالش بود و عاقبت نیک شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که ریم بکشید و بخورد دلیل که مال
دلیل که مال حرام خورد فی الجمله جمع شدن ریم در اندام دلیل جمع مال بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از تن وی ریم می آید
دلیل که بقدر آن مال او را نقصان شود و ریم در تن اگر جمع شود دلیل که مال بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که جراحت
ریش بود دلیل که غم و اندوه بود ریم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ریم در خواب مال بود بر خداوند خواب اگر بیند که از تن او ریم
می آمد دلیل که مال را نقصان شود و اگر بیند که ریم از تن او بیرون می آید دلیل که مال را نقصان شود و اگر بیند که ریم از تن او
بیرون می آمد و باز بجای خود میرفت دلیل که نقصان مال بود و عاقبت نیک شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ریم می خورد
و میخورد و ریم و سیم و آهن و غیره دلیل بر غم و اندوه بود ریوند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ریوند بسیار داشت
دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود و اگر بیند که از بهر علاجی ریوند خورد و از آن تندرستی حاصل شد دلیل که بر صحت و تندرستی
و خیر و صلاح بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر رنج و بیماری بود والله اعلم **حرف الزا** زن ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر زنی بخواب بیند که او را دختری بود یا دختری داشت دلیل که خیری بوی رسد و از خویشان خرم شود و اگر بیند مرد که زن
پسری زاد او را و زنش آبستن بود دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که دختری زاد دلیل که او را پسری آید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زن
پادشاهی بیند که دختری بزاد او را دلیل که شوهرش گنجی یابد و اگر بیند که پسری بزاد دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که دختری
بزاد دلیل که غمگین شود و اگر بیند که پسری بزاد دلیل که کارش خوب شود و اگر دختر دوشیزه بیند که دختری بزاد دلیل که تا ولی
آن زن دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر کسی بخواب بیند که پسری بزاد و هم در آن روز با وی سخن گفت دلیل بر مرگ
بیننده بود و اگر بیند که دختری بزاد دلیل که فرزندی از نسل وی بیاید که مهتر قوم گردد **زاغ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
زاغ در خواب مردی فاسق بد دین و دروغ زن بود و اگر بیند که زاغی را گرفت دلیل که با کسی بد دین پیوندد که صفت
او چنین باشد و بکار باطل مشغول گردد و اگر بیند که زاغی را بکشت دلیل که در آنجا دزدان و فاسدان و فاسقان
گرد آیند و اگر بیند که زاغی شکار کرد دلیل که از جائی بباطل مال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زاغ را بخواب بیند کنیزک بیند که
تاویل آن باشد و زاغهای بسیار در خواب دیدن لشکر بود اگر بیند که زاغی را بدست بگرفت دلیل که با زنی غریب زنا کند و اگر
بیند که زاغی را بکشت دلیل که اهل بیت او بحضرت رسند اگر بیند که زاغهای بسیار در هوا می آمدند و میگشتند دلیل که
دزدان و یا لشکری پیدا آید بقدر آن زاغها مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب بیند که زاغ و تذرو هر دو در شکار بودند دلیل
که با کنیزک عنا کند و اگر بیند که با زاغی مجامعت میکرد دلیل که مردی دزد را بند کند **زاکها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید از جمله
زاکها زاک سبز بهتر بود و دیگر زاک سپید و زاک زرد بیماری بود و زاک سیاه مصیبت بود و خوردن زاک دلیل بر مرگ بود
و رنگ جامه و غیره بدین تاویل باشد و دیدن زاک هیچ منفعت نبود جعفر صادق رضی الله عنه گوید زاک در خواب

[illegible] پنجم مصیبت چهارم خصومت بسبب زنان تعالی ... رحمة الله علیه
اگر بیند که ... بینی او بریده دلیل که مردم آشفته باشند از پادشاه رنج رسد و اگر بیند که بینی او بریده
او بلند بود دلیل که بر پادشاه و شغل و منزلت او افزاید کرمانی رحمة الله علیه گوید زانو در خواب دیدن دلیل بر معیشت و
روزی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید زانو در خواب دیدن بر سه وجه بود اول توانگری دوم خصومت سیم لشکر چهارم قوت پنجم
بیماری زانو ... که در آب می باشد بیماری آن زانو و جابر مغربی گوید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زانو در خواب دیدن
دشمن مطیع بود و اگر بیند که زانو خون از اندام می کشید دلیل که دشمن بر وی چیره گردد بقدر خونی که خورده باشد از مال
وی نقصان شود و اگر بیند زانو و بدن وی شد دلیل که دشمن از درون خانه بر وی مجالست کند و اگر بیند که زانو
اندام خود جدا گرد و بگشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید زانو عیالی باشد که مال گردان خورد و اگر بیند
که زانو بسیاری جمع شده و خون و ریاح می کشد دلیل که مال وی نقصان شود بقدر آن خون مغربی رحمة الله علیه اگر بیند
که زانو بر اندام وی بود و خون می کشید دلیل که از دشمن وی مضرت رسد زانو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دلیل
زانو در خواب معیشت بیننده خواب بود اگر بیند که زانوی او قوی و بزرگ بود دلیل که کار وی قوی گردد و معیشت
فراخ شود و اگر بیند که بر زانو براه میرفت دلیل که کار او ضعیف گردد و معیشت بر وی تنگ شود و اگر بیند که چشم زانو
وی ضعیف یا شکسته بود دلیل که کار وی تباه گردد و اگر بیند که چشم زانوی او را ... دلیل کی ... که ... از دست ...
کرمانی رحمة الله علیه گوید زانو در خواب کسب معیشت مردم بود و اگر بیند که زانوی وی سخت و قوی گشت دلیل که کسب
و معیشت وی زیادت گردد و اگر بیند که زانوی او ضعیف بود دلیل که کسب و معیشت وی ضعیف شود و منقطع گردد
مغربی رحمة الله علیه گوید زانو در خواب جایگاه رنج و عنا باشد و جای اندوه و هر چه زیادت و نقصان در زانو
بیند تا ویلش چنین بود که یاد کردیم زبان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زبان خود را داشت بکسی دراز
دلیل که با ادب و فرهنگ بود و مردمان مدح و ثنای او میگویند و اگر که از آن زبان بوی خوش می آمد دلیل که مردمان
نکو شکر وی کنند و اگر بیند که از آن زبان رنج بوی بیامد دلیل که با کسی نیکوئی کند که از وی منت ندارد و اگر بیند که زبان وی منقطع
دلیل که فرزندان وی با ادب و فرهنگ باشند جعفر صادق رضی الله عنه گوید زبان در خواب بر چهار وجه بود یکی ادب
دوم فرهنگ سیوم نام نیکو چهارم کردار پسندیده زبان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زبانش پیشترم
دراز گشت با آنکه با کسی خصومت داشت وقت حجت زبانش بسته شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که
زبانش بطول و عرض زیادت شده بود دلیل که زبانش بوقت حجت زیادت شود و چشم روان گردد و ظفر یابد
و اگر بیند که زبان وی دراز شده بجنگ دلیل که سخن گفتن دراز شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را دو زبان
بود دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و دانش روزی کند و اگر بیند که زبان خود ببرید چنانکه سخن نگوید دلیل که از گفتن [illegible]

توبه کند و اگر بیند که بر زبانش خط رفت دلیل که سخنی گوید که حقتعالی جل و علا از آن راضی نباشد و اگر بیند که کسی زبان او را
وی بستاند دلیل که او را از کسی قول و حجتی باشد در سخن و اگر بیند که زبان کسی می کشید دلیل که از آن کس علم و دانش حاصل کند مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زبانش گنگ شده بود دلیل بر فساد دین و دنیای وی بود و اگر بیند که زبان درویشی ببرید دلیل که
چیزی بدرویش دهد و اگر بیند که زبان زنی ببرید دلیل که بستر پوش کند و رازش آشکارا کند و اگر بیند که زبانش بکام درگرفته بود
دلیل که وام دار شود و دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که زبان وی قوی و ستبر شد دلیل که بر خصم غلبه کند و اگر بیند که زبانش
ریش گشت دلیل که بر کسی بهتانی نهد و یا دروغ گوید و اگر بیند که بر زبان وی موی بر آمده بود دلیل که از سبب گفتارش رنج و بلا
افتد و اگر بیند که زبان وی آماسیده بود دلیل که بسبب گفتارش مالی حاصل آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که زبان وی دو شاخ شده بود دلیل که منافق بود و اگر بیند که زبان نداشت دلیل که از جمیع شغلها فرو ماند و اگر کسی بیند که
زبان نداشت و بریده بود چنانکه سخن نتوانست گفت دلیل که شغل وی بدست کسی بر آید و اگر بیند که زبانش خشک شده بود
دلیل که در تاوان باشد جعفر صادق رحمة الله علیه گوید دیدن زبان در خواب شش وجه بود یکی حکمت دوم ریاست سیوم
ترجمان چهارم حاجت پنجم وکیل ششم یار و سخن گفتن در زبانها در حرف سین یاد خواهیم کرد زبرجد ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید زبرجد در خواب دیدن دلیل بر خیر و عاقبت کند و اگر بیند که زبرجد بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند
و اگر بیند که زبرجد از وی ضایع شد دلیل که در مال وی نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زبرجد در خواب
بر سه وجه بود یکی خرمی دوم مال سوم منفعت زبور ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند زبور میخواند دلیل که بر
خداوند تبارک و تعالی باز گردد و بکار خیر رغبت نماید و اگر بیند که زبور را بظاهر میخواند دلیل که زهد و خیرات بریا و نفاق کند
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زبور مینوشت دلیل که بکاری مشغول گردد که از آن منفعت یابد و اگر بیند که زبور میخواند دلیل که
کار و کردار او نیکو گردد زجر فال گرفتن ببانگ مرغان بد اگر بیند که ببانگ مرغان فال میگرفت تاویلش هر دو در باطل بنا باشد
و در خواب و بیداری از زادگی دل نکوهیده بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ببانگ مرغان فال می گرفت دلیل
که بباطل دنیا مایل بود و در راه دین ضعیف باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی ببانگ مرغان فال میکرد و اگر فرد باشد
دلیل که نیک بود و اگر بد و زوج باشد دلیل که بیمار گردد و شفا یابد زخم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر تن زخم
داشت و اثر خون پیدا نبود دلیل که بر زخم زننده ظفر یابد و خیر و منفعت یابد و اگر بیند که از زخم او خون روان و اندام او آلوده
شد دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که اندامش آلوده نگشت دلیل که زننده او را بگناهی یا تهمتی متهم گرداند و اگر بیند که زخم خورد
و تن او خون آلوده گشت بقول کرمانی رحمة الله علیه که در مال وی نقصان افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زخم در خواب
دیدن بر سه وجه بود یکی ظفر یافتن دوم خیر و منفعت سیوم نقصان مال زدن دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که او را
تازیانه زدند چنانکه اثر زدن پدید آمد یا در پوستش بشکسته و چندان زدند که خون از وی بیرون آمد تاویلش بد باشد

زبان
زبرجد
زبور
زجر
زخم
زدن

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که او را تازیانه زدند دلیل که مالی حرام بوی رسد و آنچه غنیمت است چون بیند که تازیانه
خون آمد و اندام خون آلوده گشت و اگر نقش بر تن وی پیدا شد دلیل که بقدر آن نقشها بر کسی تهمت نهد و بعضی از معبران گویند که
مال بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تازیانه بر پشت وی زدند و خون بیرون آمد دلیل که کسی او را [illegible]
و اگر بیند که بر پشت خود تازیانه میزد و ندانست که او را که زد دلیل که شغل وی [illegible] و دنیای وی نیکو باشد و اگر بیند که تازیانه بر کسی
چند از تازیانه پاره پاره گشت دلیل که از خداوند وی پراگنده گردد و اگر بیند که او را کسی تازیانه میزد دلیل که او را [illegible]
رسد و اگر کسی در خواب او را تازیانه زند دلیل که فتنه پیش شود و سبب مردی بد دین و منافق و اگر بیند که محتسب او را میزد دلیل
که رسد از اهل بد و کار بیش نیکو گردد و اگر بیند کسی را بلکچ زد دلیل که از آن کس منفعت یابد و اگر بیند که کسی بر پشت وی
زد دلیل که کسی او را نصیحت کند و اگر بیند که طپانچه بر روی وی زد دلیل که از کسی سخنی زشت شنود و مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که مرده او را میزد دلیل که در سفر منفعت یابد یا مال از دست رفته باز یابد و اگر بیند که مرده [illegible] دلیل
که قوت دین بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید زدن در خواب بر شش وجه بود یکی منفعت دوم مراد سوم [illegible]
[illegible] مشکل چهارم سفر پنجم شرف و بزرگی ششم مال حرام زر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زر بخواب دیدن مرد را دلیل غم و اندوه
بود و زنان را نیکی و پسندیدگی باشد و اگر بیند که زر یافت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که زر یا سیم میگداخت دلیل که در زبان مردم افتد و اگر بیند که زر میفروخت یا میخرید دلیل که او را غمی و اندوهی رسد
و اگر بیند که زر بجوال بخانه برد دلیل که مال یابد و اگر بیند که زر میشمرد دلیل که بقدر آن مال بر عیال خرج کند مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند در خواب مرد زاهد بود اگر کسی زر و سیم بیکجا بهم یابد دلیل که عز و جاه یابد و اگر کان سیم بیند دلیل که دختر بزرگی خواهد
و اگر بیند که زر بخواب مردی باشد دروغ زن و اگر بیند که پیش زرگری نشست و با وی معاملت میکرد دلیل که او را [illegible]
[illegible] مرد کاری [illegible] زردآلو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زردآلو بوقت خود چون شیرین بود بهر زردآلو که خورده
باشد دلیل که دیناری حاصل کند و اگر زردآلو ترش بود دلیل بیماری و غم بود و بعضی معبران گویند که زردآلو بخواب دیدن
بود یا مال کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که استخوان زردآلو بشکست و تلخ بود دلیل که اندوهی بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید زردآلو بوقت بیماری بود و بیوقت و ترش غم و اندوه بود و اگر شیرین باشد منفعت یابد زرد چوبه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
زرد چوبه در خواب دیدن بیماری بود [illegible] زرشک ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زرشک در خواب غم و اندوه
بود و خوردن آن همچنین و اگر بیند که زرشک از درخت جمع میکرد دلیل که او را با مردی بخیل خصومت افتد زرنیخ ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که زرنیخ سپید دلیل بر بیماری [illegible] بود و اگر بیند که زرنیخ فروخت یا کسی داد دلیل که از بیماری ایمن
گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زرنیخ یافت دلیل که مال بسیار بدست آرد و بیماری [illegible] و اگر بیند که زرنیخ در جایی
جمع کرد دلیل که در سفر بیمار گردد زره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زره پوشیده بود دلیل که از دشمن ایمن گردد [illegible]

بیند که زره ضایع شد دلیل که دشمن بروی چیره گردد و اگر بیند که کسی زرهی بوی داد و او پوشید دلیل که با او قهر کند یا بقهر کردن
دشمن باوی یار گردد و مدد و نصرت دهد خواهد بعضی معبران گویند که زره حصن دین است کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که زره داشت دلیل که او را از آن بیت او را ایمنی بود از شر دشمنان و اگر بیند که زره با سلاح پوشیده بود دلیل که از شر عامه دشمنان ایمن
گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زره در خواب دیدن بر شش وجه بود یکی ایمنی از دشمن دوم حصن دین سوم قوت چهارم
مال پنجم زندگانی ششم نیکوئی و زره گر در خواب مردی بود که مردمان را ادب آموزد زعفران ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر کسی بخواب بیند که زعفران داشت دلیل که مردم را مدح و ثنا گوید و اگر بیند که زعفران بر تن و جامهٔ او بود دلیل که بیمار شود
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زعفران آکوفته بود که بوی داد دلیل که زنی توانگر خواهد و اگر بیند که زعفران بخروار داشت
و سیم زر دلیل که او را مال و نعمت حاصل گردد زغن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زغن در خواب دلیل بر پادشاه آشوب جنع
کند اگر بیند که زغن مطیع او گشت دلیل که او را علامتی باشد و به بزرگی رسد و اگر این خواب زنی آبستن بیند دلیل که پسری آورد
که مقرب پادشاه گردد و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که زغن از دست بپرید اگر زنش آبستن بود دلیل که فرزندش مرده آورد
یا از و بیاید و جعفر صادق رضی الله عنه گوید زغن در خواب بر چهار وجه بود یکی متواضع بودن دوم بزرگواری سیوم فرزند
چهارم مال زفت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زفت در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که زفت داشت یا کسی بوی داد
دلیل که برنج و اندوه گرفتار آید و اگر بیند که زفت میخورد دلیل که غم و اندیشه او را از بهر عیال باشد و اگر بیند که زفت را بفروخت یا بکسی داد
یا از خانه بیرون افکند دلیل که از غم و اندوه رستگاری یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زفت در جراحت نهاد و درست شد
دلیل که از کسی خیر و راحت بیند و اگر بیند که جامهٔ وی بزفت آلوده گشت دلیل که از وی کاری آید که او را از آن زشتی و بدنامی
حاصل آید زکوة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زکوة مال بداد دلیل که مالش زیادت شود و اگر بیند که زکوة فطر بداد
دلیل که نماز و روزه و تسبیح زیاده کند و رستگاری یابد و اگر وام دارد گذارده شود و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دشمنی دارد بروی
ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زکوة مال بداد دلیل که مال او در حصن او آید و بلا از وی دفع شود و بقول حضرت رسول
الله صلی الله علیه وسلم حَصِّنُوا اَمْوَالَكُمْ بِالزَّكٰوةِ یعنی حصن سازید خود را بزکوة مال دادن مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که زکوة مال بداد دلیل بر فزون شدن مال باشد قوله تعالی وَمَا اٰتَيْتُمْ مِنْ زَكٰوةٍ تُرِيْدُوْنَ وَجْهَ اللّٰهِ فَاُولٰٓئِكَ
هُمُ الْمُضْعِفُوْنَ جعفر صادق رضی الله عنه گوید زکوة و صدقه دادن در خواب بر هشت وجه بود یکی بشارت دوم خیر و برکت
سیوم روشن شدن کار مشکل چهارم قضاء حاجت پنجم روشنائی ششم فراغ از غم هفتم زیادتی هشتم ظفر یافتن بر دشمن زنگار
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنگار در خواب دیدن مال حرام بود و اگر بیند که زنگار از کسی بستد دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند
و اگر بیند که زنگار بر آتش نهاد و آتش نیک فروخت دلیل که با پادشاه معاملت کند و از وی فایده یابد کرمانی رحمة الله علیه
گوید زنگار در خواب دلیل بر مال و خواسته بود و اگر بیند که جامه یا اندامش بزنگار رشد دلیل که او را از سلطان مضرت رسد و اگر بیند

بزنکار میشود و دلیل که مال حرام خورد و مرادکام او را از پادشاه غم واندوه رسد زکام ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
او را علت زکام بود دلیل که چند روز بیمار شود و هرچند که زکام بیشتر بود بیماری بیشتر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند او را
زکام بود دلیل که برکسی خشم گیرد و زود صلح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که زکام در خواب بر سه وجه بود یکی بیماری
دوم خشم گرفتن سیوم منفعت یافتن زلابیه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زلابیه در خواب دلیل بر گشایش بیرون از اندوه
و یافتن مال بسیار و شادی بود و اگر بیند که زلابیه داشت دلیل که بقدر آن او را مال حاصل آید و اگر بیند که اندک زلابیه بوی داد با
دهان وی نهاد دلیل که از کسی سخن خوش شنود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زلابیه زعفران می خورد دلیل که بقدر آن مال یابد
و اگر بیند که با زعفران میخورد دلیل بیماری بود زلزله ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زمین می جنبید دلیل که مردم آن دیار
را از پادشاه رنج و ملامت رسد بقدر جنبیدن زمین و معبران گویند که آفت بر مردم رسد و در آن دیار بیماری افتد و اگر بیند
که زمین برگردید و زیر و بالا شد دلیل که در آن دیار فتنه و بلا افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زمین آهسته جنبید و یک نیمه فرو رفت
دلیل که در آن دیار پادشاهی آید و اهل آن دیار را عذاب کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زلزله در خواب خسف زمین و دلیل
محنت و بلائی عظیم از قبل پادشاه بود قوله تعالی فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْاَرْضَ همه حال زلزله در خواب دلیل بر عقوبت و ملامت
بود با اهل آن دیار زمرد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زمرد در خواب دلیل بر فرزند و برادر باشد یا مال حلال اگر بیند که زمرد داشت
یا کسی بوی داد دلیل که او را فرزندی آید یا برادری که از او منفعت یابد و اگر بیند که زمردی ضایع شد دلیل که فرزندش بمیرد یا مال
تلف شود کرمانی رحمة الله علیه گوید زمرد در خواب دیدن دلیل بر مذهب دین پاک بود و هر زیادت و نقصان که در زمرد بود در
آن مذهب پاک او باز گردد مغربی رحمة الله علیه گوید زمرد بخواب دیدن سخن نیکو بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید زمرد در خواب
بر پنج وجه بود یکی فرزند دوم برادر سیوم مال حلال چهارم کنیزک پنجم غلام نیکو و هرچند که زمرد نیکوتر باشد این دلیلها که گفته شد بهتر
زمستان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زمستان در خواب پادشاه بود اگر بخواب بیند که زمستان بود چنانکه مردم را از آن مضرت رسید
دلیل که اهل آن دیار را از پادشاه مضرت رسد و اگر بیند که زمستان بود و هوا سرد بود و کسی را مضرت نرسید و کسی را زیانی نرسید دلیل که
مردم آن دیار را از پادشاه خیر و منفعت یابند و زمستان در خواب بوقت خود دیدن دلیل بر نصرت و ظفر باشد زمین دانیال علیه السلام گوید
زمین در خواب زن بود و اگر بیند که زمینی داشت فراخ و نیک و بزرگ خاک پاک دلیل که او را زنی باشد بسر صلاح چنانکه میان او زن
دوستی و منزلت باشد بقدر بزرگی و فراخی زمین و اگر بیند که در آن زمین سبزه و نبات مجهول بود و ندانست که از آن کیست دلیل که آنکس دیندار
و مسلمان باشد و سبزه در خواب اسلام بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در زمین سبزه و نبات بود و جائی معروف بود دلیل که
او از فضل و دیانت باشد و اگر در زمین بنائی نهاد و عمارتی کرد دلیل که از فضل بهره در دنیا باشد و سرانجام ثواب در آخرت یابد
و اگر بیند که او را در میان صحرا زمینی بود مانند بیابان و آن زمین را نشناخت دلیل که سفری دور کند و اگر بیند که زمین میکند و میخورد دلیل
که بقدر خوردن خاک مال یابد و اگر بیند که در زمینی فرو رفت بی آنکه چاهی یا مغاکی در آنجا بود و در آنجا ناپدید شد دلیل که بمیرد و حج

که زمین را مانند چاه و سردابه میکند دلیل که ورا اندوه و مصیبت افتد یا از قبل آن مالش تلف شود و اگر بیند که در زمینی فراخ بود و زمینی
تنگ شد و میرفت در آنجا دلیل که در آنجا از کاری نیک بکاری مجهول افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که زمین با وی
سخن گفت و بخیر و صلاح او را مژده داد دلیل که در دنیا نیکی بسیار کند و بعد از وفات او را به نیکی یاد کنند و اگر بیند که زمین با او فراخ
و بزرگ شد دلیل بر درازی عمر و فراخی معیشت او کند و اگر بیند که زمین می‌پیمود دلیل که بسفر رود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که زمین از بهر کشت بشکافت دلیل که بشغلی بزرگ مشغول گردد و از قبل آن منفعت یابد و اگر بیند که زمین خویش را آبادان میکرد
دلیل که کارش آبادان و نیکو گردد و اگر زمین را خراب بیند تأویلش بخلاف این بود و او را با کسی خصومت افتد و اگر خود را در زمین
بیند دلیل که او را با کسی انبازی بود یا زنی را بنکاح درآورد و اگر بیند که آبی آمد و زمین را غرقه کرد و آن کشته را تباه کرد دلیل که از
پادشاهی غرامت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زمین را در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن دوم دنیا سیوم مال چهارم

زنان

زنان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زن جوان در خواب شادی بود و زن پیر دنیا و شغل جهانی و نیز دیدن زنان در خواب بقدر خوبی
و جمال و فربهی و لاغری بود و بهترین زن که در خواب بیند زنی باشد معروف باشد و زن فربه و معروف فراخی روزی بود و زن زشت
و لاغر قحط و تنگی بود و زنان شادمان و آراسته مراد جهانی بود و پیره زن چرکین دلیل بر نامرادی و بدحالی بود کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر زنی بیند که او را قضیب بود همچون مردان دلیل که فرزندی آورد و آن فرزند بر قوم و خاندان بزرگ و سرور گردد و اگر زنی جوان
بیند که پیر شده بود دلیل بر خیر و صلاح و دین و دنیا کند و اگر زنی بیند که قضیب داشت مجامعت کرد دلیل که حرمت و بزرگی او
کم شود و اگر بیند که زنی جامهٔ مردانه پوشیده بود و اگر آن زن مستور بود دلیل که خیر و صلاح بود و اگر مفسده بود دلیل بر شر و فساد بود مغربی رحمة الله
علیه گوید مستی زنان در خواب اهل دنیا را زیادتی مال بود و اهل صلاح را علم و زن غریب را تأویل بهتر از زن آشنا باشد و اگر
بیند که بر زن وی کسی دست درازی کرد دلیل که اهل آن زن توانگر شوند و اگر بیند که زن وی بعصا و نزدیک بیگانه رفت دلیل که بسیری
آورد و خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زنان در خواب بر شش وجه بود یکی شادی دوم دنیا سیوم شغل
جهانی چهارم فراخی نعمت پنجم قحط ششم توانگری

زنار

زنار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زناری در دست داشت دلیل که
در دین ضعیف بود و اگر بیند که زنار بر میان بسته بود و اگر بیند مستور نبود دلیل که کافر شود و اگر بیند مستور بود انصاف خصم بستاند
و اگر بیند که زنار ببرید و بیرون انداخت دلیل که از کار بد توبه کند و بخدای تعالی باز گردد و راه صلاح اختیار کند

زنبور

زنبور ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید زنبور در خواب مردی دون و سفله بود اگر بیند که زنبور او را بگزید دلیل که از مردی دون او را رنجی رسد و اگر بیند که زنبور بسیار گرد آمده
جمع شدند دلیل که میان مردم دون گرفتار گردد و خاصه چون زنبور او را بگزید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنبور گزید دلیل که او را با
دون و سخن چین کار افتد و اگر بیند که زنبور را بکشت دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و اگر بیند که از هوا زنبوران بسیار بقیاس گرد آمده
بودند دلیل که بدان دیار لشکری برسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید زنبور در خواب بر شش وجه بود یکی غوغا دوم مرد دون
سیوم لشکر چهارم ملخ پنجم دشمن ششم فرزندان

زنبیل

زنبیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنبیل در خواب زن بود یا کنیزک و اگر بیند

زنبیل داشت دلیل که او را خادمی حاصل شود و بعضی گویند که زنبیل اهل نعمت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زنبیل بخواب
بر هشت وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیزک چهارم قوام و پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم زوال نعمت هشتم خیر و برکت
زنجبیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنجبیل بخواب دلیل بر غم و اندوه و خوردن آن مضرت و زیان و بعضی معبران گویند
زنجبیل در خواب دلیل بر حکمت و گفتگوی کند و دیدن و خوردن زنجبیل بخواب دلیل بی نفعی بود **زنجیر** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید زنجیر در خواب معصیت و گناه بود و اگر بیند که زنجیر بشکست و بیفتاد دلیل از گناه توبه کند و بخدای تعالی باز گردد مغربی رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که زنجیر در گردن داشت دلیل که در مال کسان دست درازی کند و از حرام نیندیشد و اگر بیند که زنجیر در پای
داشت دلیل که در خانهای مردم معصیت کند و دیدن زنجیر در خواب مردی عاصی و گنهکار بود **زنخ** در خواب مهتر خانه
بود و خداوند عقل بسیار اگر بیند که زنخ او بزرگ شد دلیل که از بهر اهل خانه خوار گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی زنخ
ببرید او میرود دلیل که مهتر خاندان با وی سخن گوید که از آن بجور شود و اگر بیند که از زنخ وی خون بیرون شد دلیل که بعد از آن
از مهتران خاندان او را زیان رسد و بعضی از معبران گویند که در کسب و کارش نقصان افتد **زندان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که در زندان بود و اهل زندان هرگز ندیده بود دلیل بر هلاک او بود و اگر زندان معروف بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که
زندان بر پای داشت دلیل که بر عملی که دارد دیر بماند و در غم و فکر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند در خواب مستور نباشد
از سفلهای دینی و برا غم و اندوه رسد و اگر بیند که در وی با پای بند بیرون دلیل که کار بسته او گشاده جعفر صادق رضی الله
عنه گوید زندان در خواب دیدن چون معروف باشد دلیل بر یافتن مراد و عاقبت نیکو بود قوله تعالی قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ
إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ و چون زندان مجهول بود گور باشد و غم و اندوه بود چنانکه مهتر یوسف علیه السلام فرمود
السِّجْنُ قَبْرُ الْأَحْيَاءِ وَمَنْزِلُ الْبَلْوَى وَتَجْرِبَةُ الْأَصْدِقَاءِ وَشَمَاتَةُ الْأَعْدَاءِ یعنی زندان بخواب گور زندگان
و منزل بلاست و آزمایش کردن دوستانست و خرم کردن دشمنانست و اگر بیند که در زندان شد و زود بیرون آمد
دلیل که مراد تمام بیابد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زندان در خواب گور بود **زنگله** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زنگله در خواب
جنگ و خصومت بود و اگر بیند که زنگله داشت دلیل که با کسی جنگ کند اگر بیند که زنگله زرین یا سیمین بود دلیل که با توانگری
خصومت کند و اگر بیند که زنگله سیمین بود یا برنجین دلیل که وی را با کسی عام خصومت افتد **زنا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که زنا کرد و بپنداشت که هرگز موی بنود دلیل که کار بروی بسته شود و اگر بیند که بر زنا روی بحق بود یا بر روی دلیل
که بعد رنج او را رحمت رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن زنا در خواب بر دو وجه بود یکی زن دوم مال و هر زیادت
و نقصان که در زنا بود تاویل آن بر زن و مال بازگردد **زهر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زهر در خواب خوردن مال حرام بود
یا خون باطل ناحق بریزد و اگر بیند که از خوردن زهر تن وی آماس گرفته بود دلیل که مال حرام حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که تن وی زهرآلود بود دلیل که در کاری که بود سخت حریص بود و بعضی از معبران گویند که سختی گرد و بدان اندازه

اگر بیند که تن او را از زهر گزندی رسید یا آسیب داشت دلیل که بقدر آسیب او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که زهر خورد دلیل که از کسی خشم
خورد زهر و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زهر به مردم میخورد دلیل که خشم فرو خورد و اگر بیند که زهر چهارپایی میخورد دلیل که
بر حوالی او خشمناک شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که تن وی بزهر و مردمان آلوده گشت دلیل که آزار مردمان جوید و اگر بیند که
تن وی بزهر چهارپایان آلوده گشت دلیل که لباس حرام بپوشد و اگر بیند که تن وی بزهر و دادن آلوده گشت دلیل که صحبت
با کسی دارد که بدخوی و ناسازگار بود زوبین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که زوبین در دست داشت
و چیزی دیگر غیر زوبین با وی نبود دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که با زوبین سلاحهای دیگر داشت دلیل که از پادشاه
او را خیر و منفعت رسد و بر دشمن ظفر یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زوبین انداخت دلیل که کسی را سخن بد گوید
و اگر بیند که بزوبین کسی را مجروح گردانید دلیل که بر کسی بهتان نهد زیتون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیتون
در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که زیتون داشت یا کسی بوی داد و میخورد دلیل که بقدر آن غم و اندوه خورد
کرمانی رحمة الله علیه گوید روغن زیتون در خواب دلیل خیر و برکت باشد و اگر بیند که روغن زیت می مالید و میخورد دلیل
که بقدر آن غم و اندوه خورد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زیتون تلخ نبود و با نان میخورد دلیل که او را منفعت یعنی
حاصل شود زیره باج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیره باج در خواب چون ترش نباشد میل بشیرینی دارد دلیل بر خیر
و منفعت باشد چون میل بترشی دارد دلیل غم و اندوه بود و چون زردی زعفران بود دلیل بر بیماری بود و بعضی از معبران
گویند که خوردن زیره باج در خواب دلیل مصیبت و غم و اندوه بود زیلو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیلو در خواب چون
گسترده باشد دلیل بر درازی عمر و ساختگی کار دنیا کند و هر چند که زیلو دراز باشد بهتر بود و چون زیلو پیچیده باشد دلیل
بر نقصان عمر کند و اگر بیند که بر زیلوی کوچک نشسته بود و آن زیلو در زیر وی فراخ شد دلیل که عیش و روزی فراخ شود
و اگر زیلو بدست خود پیچیده در کنج خانه نهاد دلیل که عز و دولت خود را تباه کند و اگر بیند که زیلو بر پشت نهاد دلیل که
امانت مردم بر گردن وی باشد و اگر بیند که زیلو پیچیده و بکسی دیگر داد دلیل که عمرش بآخر رسیده باشد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که زیلوی سبز داشت و پاکیزه بود دلیل که نعمت بر وی فراخ گردد و اگر بیند که زیلوی کهنه و دریده بود
دلیل که عیش بر وی دشوار شود و اگر بیند که زیلوی مجهول افکنده بود دلیل که آنچه دوست دارد از دست بدهد و اگر
بیند که زیلوی نو بدو دادند و در خانه بگسترد دلیل که دولت و اقبال یابد و عمرش دراز گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن زیلو در خواب بر شش وجه بود یکی ساختگی کار دوم عمر دراز سیوم روزی فراخ چهارم عز و دولت پنجم دشواری عیش
ششم گناه زیره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زیره در خواب چون بسیار بیند دلیل منفعت دین و دنیای وی باشد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید زیره در خواب چون اندک بیند منفعت کمتر بود زین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید زین که
چون بر پشت چهارپای نباشد زن بود و اگر بیند که بر پشت چهارپای بود دلیل که حکم نیک و بد آن برا کب باشد

واگر بیند که زره وی بدرید یا کسی بوی داد دلیل که کنیزکی بخرد یا زنی بخواهد و خداوند مال بسیار شود و باشد که میراث یابد و اگر
بیند که زین وی بشکست دلیل که زن بمیرد یا بیمار شود و اگر بیند که زین وی بزر و سیم آراسته بود دلیل که زن خویش بنا
دلتنگ بود و اگر بیند که زین وی سیاه بود و هیچ آرایش نداشت دلیل که زنش پارسا و دیندار بود و زین که در خواب زن والا بود
دولالی کار او بود والله اعلم بالصواب **حرف السین** ۞ سار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سار مرغی است و اگر بخواب
بیند که ساری داشت دلیل که مردی مکار باشد که سفر بسیار کند و اگر بیند که ساری بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی مسافر
او را صحبت افتد و اگر بیند که گوشت سار میخورد دلیل که بقدر آنچه خورده بود او را خیر و منفعت رسد مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن
سار در خواب مردی کاذب بود که سخن دروغ بسیار گوید و اگر بیند که سار بسیار بروی جمع شدند دلیل که میان کاذبان گرفتار شود
ساطور ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ساطور در خواب مردی شجاع و دلیر بود و اگر بخواب بیند که ساطور داشت دلیل که با چنین
مردی او را صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که ساطور بشکست یا ضایع شد دلیل که از چنین مردی او را جدائی افتد
مغربی رحمة الله علیه گوید ساطور در خواب مردی بود که کارهای دشوار بسبب وی آسان گردد خاصه که ساطور بزرگ بود
ساعد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ساعد دست دوست و انباز معتمد بود و اگر بیند که ساعد دستش قوی بود دلیل که او را از انباز
و دوستان خیر و منفعت رسد و اگر بیند که ساعد وی بشکست دلیل که انباز و دوست از وی جدا شوند مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که بر ساعد دست وی موی بسیار بود دلیل که دوستان از وی جدا شوند و غمگین گردند و اگر بیند که موی از ساعد خود بسترد
دلیل که وامش گذارده شود ساق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ساق در خواب مال معیشتی که مردم را بدان اعتماد بود و معبران
گویند که ساق مرد مراد از جاه باشد و اگر بیند که ساق وی قوی بود دلیل که کارش نیکو شود و اگر ساقش ضعیف بود دلیل که
حال کارش ضعیف و بی نظام بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ساقش آهنین یا روئین بود دلیل که عمرش دراز شود و دولتش
باقی بماند و اگر بیند که ساق وی بشکست دلیل که بر تن او بد باشد مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن ساق در خواب مرد از زن بود
و زن از شوی اگر بیند که ساقهای وی بر یکدیگر پیچید دلیل هم هلاک بود و اگر بر ساق او موی بسیار بود دلیل که وامدار گردد
و اگر بیند که موی از ساق بسترد دلیل که وامش گذارده شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ساق در خواب بر چهار وجه
بود یکی مال دوم معیشت سوم عمر دراز چهارم مرد از زن و زن از شوی سایه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سایه در خواب بزرگی
و هیبت بود و سایه پادشاه در تاویل هم پادشاه بود و سایه دیوار مردی بزرگ بود و سایه درخت بید دلیل بر فساد کسب
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در جائی زیر سایه نشسته بود دلیل که مرگش نزدیک بود قوله تعالی أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ
مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا جعفر صادق رضی الله عنه گوید زیر سایه نشستن در خواب بر پنج وجه بود یکی
دوم هیبت سوم پناه چهارم منفعت پنجم مرگ سایه بان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سایه بان در خواب پادشاه بزرگ
بود و اگر بیند که زیر سایه بان نشسته بود دلیل که خدمت پادشاه چنین کند و اگر بیند که سایه بان بر وی افتاد و او را گزندی رسید

دلیل که پادشاه بر وی خشم گیرد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سایبان لشکر بر سر پا کرده بود و لون آن سبز یا سپید بود دلیل کند
پادشاه ظالم گردد سپر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سپر در خواب در دست داشتن دلیل که از کسان پادشاه او را پناه بود و اگر بیند که با
سلاح دیگر بود دلیل بر مردی بود که دوستان و برادران را از شر نگاه دارد و اگر بیند که سپر در زمین نهاد دلیل که او را با مردی نااهل صحبت افتد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سپر در خواب بر شش وجه بود یکی برادر دوم یار سیوم قوت چهارم پسر پنجم ابو ششم پشت
و پناه و بقدر بزرگی سپر سپرز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سپرز در خواب دیدن مال و شادی بود و اگر بیند که سپرز گاو داشت دلیل که
او را در آن سال چیزی حاصل گردد و اگر بیند که سپرز داشت دلیل که وی را از مردی بزرگ مال حاصل آید و اگر بیند که سپرز چهارپای آدمی داشت
دلیل که او را از مردی غریب مال حاصل شود و اگر سپرز دوان داشت دلیل که بقدر آن مال زیر بیابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن سپرزهای مجموع در خواب مال بود و سپرز جانوری که گوشتش حلال بود مال حلال باشد و آنچه گوشت وی حرام باشد مال حرام
بود سبزه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبزه در خواب دین بود خاصه که در وقت خویش باشد اگر کسی بخواب بیند که زمینی داشت
و در آن سبزه بسیار بود دلیل بر صلاح و پاکی دینی وی بود و اگر بیند که در آن میان گیاه مجهول بود و آن گیاه را نشناخت تعبیر آن [illegible]
بود دانست که در آن زمین ملک دیست ابخلد و دلیل بر دین و دیانت بیننده کند و اگر بیند که در آن زمین گیاه معروف بود دلیل بر فراخی
نعمت و مال وی بود مغربی رحمة الله علیه گوید سبزه در خواب چون بوقت بیند دلیل از زهد و ورع بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبزه در
خواب نیک بود و اگر بیند که در سبزه زار مقیم شد دلیل که در راه دین مقیم شود و اگر بیند که مرده در میان سبزه زار مقیم بود دلیل بر عاقبت
ثواب آخرت او بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر سبزه زار پاکیزه و خرم بیند و داند که ملک وی است دلیل بر دین پاک و ورع و دیانت
او باشد و اگر سبزه زار زرد و پژمرده بیند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که در میان سبزه زاری بود که ملک دیگران بود دلیل که صحبت
او با مردمان پارسا و با دیانت باشد و اگر بخلاف این بیند دلیل که صحبت او با بدان مفسد بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سبزه
در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی راه اسلام دوم دین سیوم اعتقاد پاک چهارم پرهیزگاری سبل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
در چشمهای وی سبل داشت چنانکه نمی‌توانست دیدن دلیل که بقدر تاریکی در دین وی نقصان باشد و اگر چشمهای ازرق بود و سبل
داران بود دلیل که در راه بدعت باشد و اگر چشمهای شهلا دارد و سبل داران بود دلیل که فرزندش بیمار بود و اگر بیند که سبل از چشم وی برخاست
دلیل که توبه کند و بعضی گویند که فرزندش از بیماری شفا یابد و اگر در غربت بود دلیل که بسلامت در وطن خود باز رسد سبو
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبو در خواب مرد منافق بود که بر دست وی مال ضایع شود کرمانی رحمة الله علیه گوید سبو در خواب
کنیزک یا خادم بود و اگر بیند که سبوی نو خرید یا بگرفت دلیل که کنیزک بخرد یا خادمی او را حاصل شود و اگر بیند که سبو ضایع شد یا بشکست
دلیل که کنیزک یا خادم او بمیرد و اگر بیند که سبوی او را سوراخ شد دلیل که کنیزک یا خادم او بیمار شود و اگر بیند که سبو از آب صافی پر بود
دلیل که از کنیزک یا خادم منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سبو در خواب دیدن بر پنج وجه بود یکی مزدور منافق دوم زن سیوم
خادم چهارم کنیزک پنجم قوام دین سبوس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سبوس در خواب دلیل بر سازمندی بود و اگر بخواب بیند که در

سیلاب

سبوس میخورد دلیل که ویرا آزار یا خطا و تنگی افتد و اگر بیند که سبوس را از خانه بیرون برد دلیل بر نعمت و فراخی بود جعفر صادق رضی
الله عنه گوید سبوس در خواب بر سه وجه بود یکی نیازمندی دوم خطا سیوم تنگی معیشت سیلاب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سیلاب
بخواب دیدن دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که سیلاب را دشت با کسی بوی را دلیل که با کسی گفتگو کند و پیوسته غمگین باشد و اگر
که سیلاب بر وی دوشت دلیل که بقدر او ارتفاع و دنیا حاصل شود کرمانی رحمة الله علیه گوید سپید روی خدمتگار بود و اگر بینی
بیند که خدای خانه بود و نیک دیدن آن که خدای خانه باز گردد سپیده مهره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سپیده
به سپید دلیل که راز نهان وی ظاهر گردد و اگر بیند که سپیده نتوانست زدن دلیل که کاری کند که آن کار ندارد مغربی رحمة الله علیه گوید
سپید مهره در خواب دیدن مرد را از رنج و سختی بود و زنان را رسوائی و ظاهر شدن راز بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سپید مهره دیدن

ستارگان

بخواب دیدن بر چهار وجه بود یکی خبر کردن دوم سخن دروغ سیوم ظاهر شدن راز چهارم رنج و سختی ستارگان دانیال علیه السلام
گوید ستارگان در خواب دلیل بر بزرگان و امیران و آفتاب بر پادشاه و ماه دلیل بر وزیر بود و اگر زحل بخواب بیند دلیل که او را
بر دهقین شغل افتد و او را مال و نعمت از و حاصل آید و اگر مشتری را بخواب بیند دلیل که او را بمهتری پارسا و مصلح نیک خواه کار افتد
و اگر مریخ را بخواب بیند تاویل آن بر مردان خونریز و بی حشم و خادمان پیوندد و از ایشان خیر و راحت یابد و اگر عطارد را بخواب
دلیل که ویرا با مردم حکیم و منجم پیوستگی افتد و از و فایده یابد و اگر بیند که بعضی از ستارگان با وی سخن گفتند دلیل که بزرگی و منزلت یابد
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر ستارگان نامدار چون عیوق و عقیق و سهیل و کلیل بعضی از ستارگان می پرستید اگر یکی از ایشان
بخواب بیند دلیل که او را با مشرکان صحبت افتد و اگر بیند که ستاره روشن بر زمین افتاد و ناپدید شد دلیل که عالمی در آن دیار از دنیا برود قوله
تعالی وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ و اگر بیند که ستارگان میگردند دلیل که فتنه و آشوب در بزرگان افتد و اگر بیند که ستاره بشب
گرفت دلیل که او را پسری آید مقرب پادشاه گردد و اگر در خانه خود ستاره بیند دلیل که او را فرزندان بسیار شود کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که ستارگان در آسمان متفرق شدند دلیل که تفرقه در میان پادشاه افتد و اگر بیند که ستارگان سعد بهم جمع شدند
دلیل که حالش نیک شود و اگر بیند که ستارگان از خانه وی بر آمدند دلیل که فرزندان وی مقرب پادشاه گردند و اگر بیند که ستارگان
مطیع وی شدند دلیل که پادشاهی یابد و اگر بیند که ستارگان سخن میگفتند دلیل که پادشاه وقت دادگر باشد و اگر خلاف این
بیند دلیل که پادشاه ظالم و ستمگار بود و اگر بیند که ستارگان باهم جنگ میکردند دلیل که در آن دیار جنگ و کارزار باشد و اگر بیند که ستارگان
در آستین خود نهاد دلیل که مال بسیار حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از ستارگان یک ستاره در برابر او متحرک شد و در کنار
وی افتاد دلیل که ویرا فرزندی عزیز و گرامی آید و اگر بیند ستاره که خداوند طالع اوست در منزلت خویش است دلیل که نسلش پاینده شود
و اگر بیند که ستاره را می پرستید دلیل که خدمت بزرگی یا عاملی کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید ستارگان که مردم در بیابان بدان
ره برند در خواب دیدن دلیل بر خیر و منفعت کند و ستارگان که مردم آن را می پرستند دلیل بر شر و مضرت بود جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن ستارگان در خواب بر نه وجه بود یکی فقها دوم علما سیوم قضات چهارم خلفا پنجم وزرا ششم دبیران هفتم خزانه داران هشتم

حرف السین

بنگوی نهم شاگردان حکایت آورده‌اند در بغداد مردی بخواب دید که ستاره روشن بر زمین افتاد معبران گفتند که عالمی
در آن هفته امام اعظم رح از دنیا رحلت کرد ستون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ستون در خواب خداوند اقبال و دولت بود اگر
بخواب بیند که ستونی داشت و قوی بود دلیل که از مردی مقبل مالی حاصل کند و اگر بیند که ستون خانه وی بیفتاد یا بشکست
دلیل بر هلاک او بود کرمانی رحمة الله علیه گوید ستون در خواب اسلام بود اگر بیند که ستون خانه بیفتاد یا بشکست دلیل که خداوند
خانه هلاک شود و اگر بیند که ستون خانه وی باریک بود دلیل ضعف دین وی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید ستون
در خواب بر پنج وجه بود یکی خداوند دولت دوم مرد بزرگ سیوم مرد محتشم چهارم قوت در کارها پنجم ولایت سجاده ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید سجاده در خواب دیدن بخیر بود اگر بیند که در مسجدی بر سر سجاده نشسته بود دلیل که بسفر حجاز رود قوله تعالی
وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى خاصه چون بیند که در مسجدی معتکف شد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که سجاده نشین یا پنبه داشت دلیل که بطاعت و عبادت مشغول گردد و اگر بیند که سجاده او بسوخت تاویلش بخلاف این بود
و اگر بیند که سجاده وی پشمین بود دلیل که طاعت وی ریائی بود سجده ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که باری سبحانه
و تعالی را سجده کرد دلیل که بر مردی بزرگ ظفر یابد و اگر بیند که غیر خدای تعالی را سجده کرد دلیل که مرادی که دارد بر نیاید جعفر
صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که مهتر را سجده کرد دلیل که او را از سلطان زحمت رسد قوله تعالی أَفَتَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ
اللهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ سختن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ترازو در دست داشت و چیزی سخید
دلیل که میان مردم داوری کند و اگر بیند که راست می سخید دلیل که حکم براستی کند قوله تعالی وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ
اگر بیند که راست سخید اگر از اهل علم بود دلیل که قاضی گردد و اگر عالم نبود دلیل که بقاضی محتاج گردد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید راست سختن در خواب بر چهار وجه بود یکی حکم راست دوم نیکوئی سیوم محتاج شدن بداوری چهارم حاکم شدن و اگر
کج سخید تاویلش بخلاف این بود سخن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سخن گفتن در خواب و شنیدن بتاویل بر زبانها مختلف
بود و اگر بیند که بزبان عربی سخن گفت دلیل که از مهتران عز و جاه یابد و اخبار حضرت رسول صلی الله علیه وسلم
استماع کند و اگر بزبان پارسی سخن گفت یا شنید دلیل که با مهتران او را صحبت افتد و از ایشان نیکی یابد و اگر بزبان عبری سخن
گفت یا شنید دلیل که میراث یابد و اگر بزبان هندی سخن گفت یا شنید دلیل که با مردم بی اصل دون همت ویرا کاری افتد
و اگر بزبان ترکی سخن گفت یا شنید دلیل که او را با دهاقین صحبت افتد و اگر بزبان خوارزمی سخن گفت یا شنید دلیل که خبر
مکروه شنود و اگر بزبان سقلابی سخن گفت یا شنید دلیل که با مردم بی انصاف او را شغلی افتد و اگر بزبان یونانی سخن
گفت یا شنید دلیل که بمعقولات مشغول گردد و اگر بزبان رومی سخن گفت یا شنید دلیل که او را از صحبت نادان غم و اندوه
رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بهمه زبانها سخن گفت یا شنید دلیل که در همه کارها شروع کند و او را از آن منفعت
بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که بهر زبان که در خواب سخن گوید و شنود و اگر خواب خیر و صلاح بود تاویل آن خیر و صلاح

باشد و اگر سر شکسته و ... بیند دلیل بر موجب باشد اگر بیند که بر اندامهای او زخمهای ... دلیل که برای

است و خدای تعالی یَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

اگر بیند که با سر خود سخن گوید دلیل بر ستم و بیداد ... شد سراب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سر در خواب خصومت و ...

و اگر بیند که سر اسب داشت ... دلیل بر ... خصومت کند اگر بیند که سر بسیار ... دلیل ... مقرب ...

اگر بیند که سر ... شده بود ... دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که سر اسب کسی ... دلیل ... خصومت ...

... سر در خواب هیچ منفعت نباشد و دانیال علیه السلام گوید سر در خواب ... مهتر ... و اگر بیند که سر ...

... مهتری و دوست دارد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بر زخم تیغ سر ... دلیل ... باشد دلیل که ...

شود و از غم و رنج ... و اگر ... بیند دلیل که آزاد گردد و اگر ... بیند شفا یابد و اگر مهتری بیند ولایت یابد و اگر ... بیند

خواهد ... اگر ... باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر کسی سر انسانی بریده بسیار بیند دلیل که مهتران ... بسیار ... اگر بیند که

پوست یا مغز او برداشت دلیل که از آن مهتران مال یابد و اگر بیند که پوست سر او بیفتاد دلیل که از مهتران ... ستم ...

و پوست سر او مردم بخورد دلیل که مهتری او را عتاب کنند اگر بیند که سر ... معروف بخورد دلیل که سرمایه خورد ... و اگر بیند که

... بخورد دلیل که مال یابد و اگر بیند که سر ... بخورد دلیل که سرمایه کسی بخورد و اگر بیند که سر ... بخورد دلیل که ... آن مال ...

بخورد و اگر بیند که ... سر ... پیش آورد دلیل که سر ... گردد ... و از ایشان خیر و نیکی بیند ... اگر ... بیند دلیل که

... یابد و اگر بیند که سر گوسفندی بخورد دلیل که عمرش دراز گردد و مال حلال یابد و اگر بیند که سر ... بخورد دلیل که

نعمت ... رحمة الله علیه گوید اگر در خواب سر بزرگ بیند دلیل که جاه و مرتبت یابد و اگر بیند که ... سر ... دلیل که ...

و اگر سر خود بر سینه بیند دلیل که از شغلی که دارد بیفتد و غمگین شود و اگر بر سر خود جراحتی بیند ... دلیل که ...

و اگر بیند که از سر وی مغز بیرون آمد و بر زمین افتاد دلیل که سرمایه از دست وی برود و اگر بیند که مغز از جای خود ... دلیل که ...

آورد و اگر بیند که سر وی چرب بود دلیل که کار او ... اگر بیند که سر بریده بدست داشت دلیل که مال ... یابد ...

و فرمان ... و اگر بیند که سر وی سخن نیکو گفت دلیل که نیکوکار باشد در کارها ... و اگر سخن بد گفت ...

و اگر سر خود را دو نیم بیند چنانکه یک نیمه در دست ... داشت و یک نیمه در دست ... داشت دلیل که ...

سر خود بدست خود داشت دلیل که از مهتری خیر و منفعت یابد ... علیه گوید اگر بیند که سر وی چون سر ... شد دلیل که

و اگر بیند که سر وی چون سر شتر شد دلیل که ... و حرام ... و اگر بیند که سر وی چون سر اسب شد دلیل که ... شاد ...

... چون سر ... شد دلیل که ... خود ... یابد و اگر بیند که سر وی چون سر ... شد دلیل که ... خلق ... گردد و اگر بیند که

چون سر ... شد دلیل که ... غالب گردد و اگر سر خود چون سر شیر بیند دلیل که فرمان ... یابد ... و اگر ...

چون سر سگ بیند دلیل که ذل و خواری یابد و اگر بیند که سر خوک شده ... و اگر بیند که سر وی ...

دلیل بر ادراک دی بود و اگر بیند که سر او زرین یا سیمین شد دلیل که مال یابد و اگر بیند که سر او آهنین یا سنگین بود دلیل که خدمت مهتری سلطان
کند و اگر بیند که سر او چوبین بود دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که سر او سفالین بود دلیل که خدمت مردی لاف زن
کند و اگر بیند که سروی چون سر مرغان شد دلیل که بسفر رود و اگر بیند که سر خود بریده در دست داشت دلیل که او را بردار کنند و اگر بیند که سر او
از تن جدا کردند و باز بر جای نهادند و درست شد دلیل که عاقبت در درجه شهدا یابد و اگر بیند که سری داشت از نقش آبستن بود دلیل
که او را پسری آید و اگر زنی خود را سر تراشیده بیند دلیل که شوهرش بمیرد و اگر بیند که سر بریان میخورد دلیل که مال یابد و اگر بیند که سر بریان
بخرید یا کسی بوی داد و از آن بخورد دلیل که از مهتری فایده یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سر بریان نهادن پیش یا مهتری کردن
باشد و اگر بیند که سر خام میخورد دلیل که مهتری را غیبت کند و سر پخته بهتر از خام بود حافظ معتبر رحمة الله علیه گوید سر مردم بخواب اگر
پدر بود یا مهتر یا پسر و اگر سر خود را بریده بیند دلیل که از پدر و مادر بریده شود و اگر سر خود را بدست خود بیند دلیل که با ایشان پیوند دوستی
سر خود را باز بگردن خود بست دلیل که از کسی بضاعت بستاند یا وام کند و اگر بیند که سرای بریده در پیش داشت در قفس میکرد
دلیل که مهتران یا را غم دانند و مصیبت رسد و اگر سر پادشاه بر دوش خود بیند دلیل که ده هزار درم یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
سر مردم بخواب دیدن بر دوازده وجه بود یکی رئیس دوم مهتر سوم پدر چهارم مادر پنجم امام ششم مؤذن هفتم عالم هشتم ده هزار درم
نهم پسر دهم غلام یازدهم زن دوازدهم توانگری اگر بخواب بیند که سر بزرگ کرد و جامه پاک پوشیده بود دلیل که او را با مهتران صحبت
افتد و اگر جامه چرکین بود که پوشیده دلیل که از مهتری غم داند و یابد و اگر بیند که سر او در تنور نهاد دلیل که از مهتران و خادم کار سرش

سراب تأویلش سخن باطل باشد و علمی که در وی منفعت نبود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در زمین سراب مقیم شد دلیل
که بعلم باطل و سخنی که در وی خیر نباشد مشغول گردد و اگر بیند که از زمین سراب میخورد دلیل که از علم باطل مال جمع کند سراپرده ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خود را در سراپرده بیند و داند که ملک او بود دلیل که بزرگی و منزلت یابد و باشد که مهتر لشکر شود و اگر
که در سراپرده پادشاه مقیم شد دلیل که از پادشاه حرمت و جاه یابد و اگر بیند که سراپرده پادشاه بیفتاد دلیل که زوال ملکت وی بود
و اگر بیند که سراپرده پادشاه بسوخت دلیل که پادشاه بمیرد و اگر بیند که پادشاه او را از سراپرده بیرون آورد دلیل که پادشاهی
و ملک بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سراپرده در خواب بر پنج وجه بود یکی سلطنت دوم ریاست سیوم ولایت
چهارم دولت پنجم سرهنگی سرا دانیال علیه السلام گوید اگر کسی بخواب بیند که در سرای بیگانه شد و هیچ نشناخت و در آنجا مردگان دید
دلیل که آن سرای آخرت است و صاحب خواب را وقت اجلش باشد و اگر بیند که از آنجا شد و بیرون آمد دلیل بر بیماری او بود و لیکن
شفا یابد و اگر بیند که بسرای معروف شد و بنیادش از گل بود دلیل که روزی حلال یابد و اگر بیند که بنیادش از گچ و آجر بود دلیل که مال
حرام یابد و اگر بیند که آن سرای بزرگ و فراخ بود دلیل که روزی بروی فراخ گردد و اگر سرای کوچک بود تأویلش بخلاف این بود ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سرای خود میکند دلیل که راه صلاح بر خود ببندد و عبادت نکند و اگر بیند که سرای کهنه را میکند دلیل که در
خیرات بروی گشاده شود و اگر بیند که سرای نو و پاکیزه بود دلیل بر تندرستی و عمر دراز او بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بسرای نو

سیر — بگیرد و نیز شاید باشد که ذکر و بیت ... زنی که ... جعفر صادق رضی الله عنه گوید ... [illegible]

خواب ... دیدن ... جابر مغربی گوید ... بر شش وجه است ... [illegible]

سرب — سرب بخواب دیدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی به خواب بیند که سرب داشت دلیل که از متاع دنیا چیزی او را حاصل شود و اگر بیند که

... [illegible] ... سرب ... جابر مغربی ... [illegible]

اگر مردی بیند که همه جای او ... دلیل که ... دوست ... [illegible]

خواب دیدن دلیل ... مال بود و اگر بیند که ... سر ... دلیل که ... بدست آید و اگر بیند که

سرفه — کردن ... ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرفه دیدن در خواب رنج و بیماری بود ... سرفه تر و

سرفه خشک سوم سرفه بلغم چهارم سرفه که خون برآرد پنجم سرفه که صفرا برآید اگر بخواب بیند که بیکار سرفیدن بلغم برآورد دلیل

پیش کسی شکایت کند از جایی که بوی رسد یا بسبب مالی که از وی ضایع شود و اگر بیند که سرفه خشک داشت دلیل که ...

... از مال ... بود و اگر بیند که سرفه تر داشت دلیل که شکایت وی از خویشان بود و اگر بیند که سرفه خون داشت دلیل

شکایت وی از فرزندان بود و اگر بیند که سرفه صفرا داشت دلیل که مردی بود که از ... شکایت کند و اگر بیند که ...

دلیل که ... بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را سرفه می آمد دلیل ناتوانی باشد و اگر بیند که سرفه ... او را ...

دلیل که وقت ... باشد اگر بیند که او را سرفه بیرون پیدا شد چنانکه بلغم می انداخت دلیل که از غم و محنت فرج یابد جعفر صادق

رضی الله عنه گوید اگر بخواب بیند که می سرفید دلیل که از پادشاه وی را آفت رسد سرکه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرکه

... مال ... بابرکت خوردنش ... نیک باشد چنانکه حضرت رسول الله علیه الصلوة والسلام فرمود نعم الادام الخل

سرگین — بعضی معبران گفته اند که سرکه ترش در خواب غم و اندوه بود و سرکه فروش بخواب مردی خصومت طلب بود سرگین ابن سیرین

رحمة الله علیه گوید سرگین اسب و گاو در خواب مال و نعمت بود و اگر بیند که سرگین بسیار جمع آورد دلیل که او را مال و نعمت ...

و اگر بیند که سرگین مردم بود دلیل بر مال حرام بود و اگر بیند که در آب خانه سرگین می انداخت دلیل که ... بوی رسد و نفقه

مال ... بود و اگر بیند که در بستر پلیدی کرد دلیل که از مال خود بعضی بعیال دهد و اگر بیند که سرگین ... آن ... در خاک ...

دلیل که مال در زمین پنهان کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سرگین مردم بسوزد دلیل که مال حرام خورد و اگر بیند که ...

مجهول سرگین ... دلیل که مال خود بجایی خرج کند و گر بیند که تن خود را بسرگین بیالود دلیل که بد گمان ... و اگر بیند که ...

پیدا شد دلیل که مال باسراف خرج کند دانیال علیه السلام گوید سرگین مردم مال حرام بود و سرگین چهارپایان مال حلال

و سرگین ... جابر مغربی رحمة الله علیه گوید هر پلیدی که از مردم جدا شود دلیل زیان باشد و اگر بیند که

... پلیدی ... و غرق شد دلیل که ... پادشاه ... اگر بیند که پای بر پلیدی نهاد ... جامه ...

آلوده گشت دلیل که از حاکم مضرت بیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سرگین در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حرام دوم کشتن ...

سیوم نفقه کردن با عیال چهارم زوال غم **سرگین گردان** یعنی جعل باشد مردی بود که مال جمع کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که جعل بگرفت دلیل که او را با مردی حرام خوار صحبت افتد. اگر بیند که جعل را بکشت دلیل که مردی حرام خوار را بکشد و اگر بیند که بخورد دلیل که مال حرام خوار بخورد **سرما** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرما در خواب رنج و مضرت بود و اگر بیند که سرما یافت دلیل که بعد سرما درویشی و تنگدستی او را بود و اگر بیند که سرما او را مضرت رسانید دلیل که از خویشان او را مضرت رسد **سرمه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرمه در خواب مال بود و اگر بیند که سرمه در چشم کشید دلیل که صلاح دین جوید و اگر بیند که سرمه کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید سرمه در خواب مال و جاه بود مردوزن را و بعضی معبران گویند که سرمه در خواب یافتن راه حق و صواب بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سرمه فروش در خواب مردی بود که در صلاح دین جوید زیرا که چشم دین بود و سرمه روشنائی باشد **سرمه دان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرمه دان در خواب زنی بود که پیوسته با خدا تعالی باشد و مردان را براه دین خواند اگر بیند که سرمه دان وی بشکست دلیل که زن وی بمیرد و مغربی رحمة الله علیه گوید سرمه دان در خواب زن دین دار بود و اگر بیند که سرمه دان وی ضایع شد دلیل که از صحبت زنی جدا شود و اگر بیند که سرمه دانی بخرید دلیل که کنیزک و یا زن بخرد **سرنج** کرمانی رحمة الله علیه گوید سرنج در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که سرنج داشت با کسی بوی داد دلیل که غمگین و متفکر شود و اگر بیند که سرنج می‌سوزد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که سرنج بکسی داد یا بفروخت دلیل که از غم رسته گردد **سرود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرود در خواب دلیل سخن باطل و مصیبت بود و اگر بیند که سرود با نواهای دیگر چون دف و چنگ و نای میزدند دلیل که اندوه و مصیبت بیشتر بود و اگر بیند که سرود می‌شنید دلیل که سخن باطل شنود کرمانی رحمة الله علیه گوید چون بخواب بیند که سرود میگفت اگر در بازار بود دلیل که تو انگر از رسوائی باشد و درویش را غم بود معبران گویند سرود و گفتن در خواب یا شنیدن بر شش وجه بود یکی کلام باطل دوم غم و اندوه سیوم مصیبت چهارم رسوائی پنجم جنگ ششم علم و حکمت **سرو بنها** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرو بنها بخواب دیدن همه نیک باشد اگر از ان بد باشد از بزرگی خیر و منفعت بیند و اگر سرون گاو و ده بیند دلیل که در آن سال او را منفعت بسیار بود و اگر بزرگ بود حاصل بیشتر باشد و اگر بیند که سرونی در هوا معلق آویخته بود دلیل که بمردم آن دیار خیر و منفعت رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که بر سر خود دو سرون داشت دلیل که از بزرگی قوت یابد و اگر بر سر خود سرو بنهای بسیار بیند دلیل که بر غم و اندوه ... مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر سر سرون داشت دلیل که صلاح در کارش باز پدید آید و عمر در خرمی بگذارند و اگر بیند که مردم بدان سرو و میزد دلیل که بمردم بدی رساند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سرو بنهای چهار پایان وحشی دلیل بر خیر و منفعت بود و سرون چهار پایان شهری دلیل بر خلاف این بود **سریش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سریش در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و خوردن آن مضرت نقصان باشد و اگر بیند که بسریش چیزی می‌چسبانید دلیل که کاری کند که باز بصلاح آورد **سریشم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سریشم داشت با کسی بوی داد دلیل که بقدر آن وی را راحت رسد و اگر بیند که سریشم میخورد دلیل که بسبب مال کاری کند که محکم و استوار باشد **سرین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سرین در خواب دیدن یکی از خویشان

بود و بعضی گویند که سرین راست دلیل بر پسر کند و سرین چپ دلیل بر دختر کند و اگر بیند که سرین وی محکم و قوی بود دلیل که
فرزندش نیک حال بود و اگر سرین ضعیف و کوچک بیند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که سرین وی بشکست دلیل که
فرزندش بمیرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سرین در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم قوت سوم باغ چهارم یکی از
خویشان سطل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سطل در خواب دلیل بر خدمتگار بود و اگر بیند که سطلی نو بخرید دلیل که کنیزک بخرد و اگر
بیند که سطل وی سوراخ شد دلیل که عیبی بر کنیزک ظاهر شود سعتر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سعتر در خواب غم و اندوه بود و
خوردن آن خصومت و بعضی گویند که خوردن آن نقصان مال باشد و دیدن سعتر در خواب خیر نباشد سفر کردن ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سفر کرد و دانست که آن مقام بهتر از جاییست که بود دلیل که حالش نیکو شود و الا بخلاف این
بود و اگر بیند که سفر کرد و ندانست که کجا رفت دلیل که از عیال خود دور گردد و یا از آن سرای نقل کند و اگر بیند که با
قومی میرفت یا گروهی بوی او همی آمدند دلیل که مال حال و کار بر وی متغیر گردد و باز به حال خویش آید مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که با برگ و ساز تمام بسفر رفت دلیل که کارش نیک شود و اگر بخلاف این بیند کارش بد شود سفره
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سفره نو و پاکیزه داشت یا بخرید دلیل که کنیزک زشت روی بود و اگر بیند که سفره
بر نان و نعمت بود دلیل که از آن کنیزک منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید سفره بخواب سفری با منفعت باشد
و اگر سفره کوچک و تهی باشد دلیل که منفعت کمتر بود و اگر بیند که سفره او بسوخت یا ضایع شد دلیل که کنیزکش بمیرد
یا مالش تلف شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سفره در خواب بر چهار وجه بود یکی کنیزک دوم خدمتکار
سوم سفر چهارم کسب معیشت سفوف خوردن آن در خواب غم و اندوه بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که سفوف خورد و از خوردن آن خیر و منفعت یافت دلیل بر خیر بود سقا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سقا
مردی بود که بر دست وی خیرات بود خاصه که اگر بیند که بر مردمان آب بی طمع میداد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که سقائی میکرد بی طمع دلیل که بکار حضرت راغب باشد و اگر بیند که مشک پر آب کرد و بکسی نداد دلیل که مال
جمع کند و الا راحت از آن نیابد و اگر بیند که آب بخانه کسان میبرد دلیل که بجهت کسان مال جمع کند و از آن
تمتع نیابد سقنقور ماهی ایست که در میان ریگ پیدا شد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند سقنقور
داشت دلیل که او را کارهای نیک حاصل شود و بکام دل برسد اما در دین ضعیف بود و معبران گویند که سقنقور
در خواب مکروه باشد سقمونیا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سقمونیا در خواب دلیل بر غم و اندوه و نقصان مال
و اگر بیند که از بهر علتی خورد و از آن شفا یافت دلیل بر خیر و منفعت بود و اگر بیند که از خوردن سقمونیا مضرت دید
دلیل بر نقصان مال بود سگ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سگ در خواب دشمنی فرومایه بود و مهر او
و سگ سیاه دشمنی از عرب بود و سگ سفید دشمنی از عجم باشد و اگر بیند که سگی او را بگزید دلیل که از دشمن گزند

واگر بیند که جامه او باب دهن سگ آلوده شد دلیل که از دشمن بسخن خسته گردد واگر بیند که سگ جامه او بدرید دلیل که در مال نقصان
آید واگر بیند که گوشت سگ میخورد دلیل که دشمنی را دفع کند واگر بیند که نان بسگ داد دلیل که روزی بر وی فراخ شود واگر بیند که سگ
با وی نزدیکی کرد دلیل که دشمنی بوی طمع کند واگر بیند که سگ بر وی تکبیر کرد دلیل که بر دشمنی فرومایه اعتماد کند واگر بیند که شیر سگ میخورد
دلیل که ترسی و بیمی بوی رسد واگر بیند که سگ از وی بگریخت دلیل که دشمنی بر حذر باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماده سگی در
خانه وی آمد دلیل که زنی دون همت و فرومایه بزنی کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید سگ شکاری دشمن ظاهر باشد اگر بیند
که بسگ شکاری شکار میکرد دلیل که او را از دشمن که دعوی دانش کند خیری بوی رسد واگر بیند که گوشت سگ شکاری میخورد دلیل
که مبرات یابد واگر بیند که سگ شکاری از وی دور گشت دلیل که از دشمن با منفعت جدا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید
سگ در خواب بر چهار وجه بود یکی دشمن دوم پادشاه طامع سوم دانشمند چهارم مرد غماز سکبا ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید سکبا اگر بگوشت گوسپند و حوایج نیکو پخته بود دلیل بر عیش خوش و عز و جاه بود واگر بگوشت گاو پخته بود دلیل بر یافتن مال حرام
بود واگر بگوشت مرغ پخته بود دلیل بر عیش خوش و بزرگی و فرمان روائی بود سکوره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سکوره
نو بدید و داند دلیل که سخنی لطیف شنود واگر بیند که سکوره بشکست یا ضایع شد دلیل که سخن باطل شنود و بعضی از معبران گویند
که سکوره در خواب کنیزک بود واگر بیند که سکوره نو خرید دلیل که کنیزک نو می خرد واگر بیند که سکوره بشکست دلیل که کنیزک او هلاک شود جعفر
صادق رضی الله عنه گوید که سکوره در خواب بر نه وجه بود یکی زن دوم خادم سیوم کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال هشتم
سخن خوش نهم میراث از جهت زنان سکنجبین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سکنجبین در خواب چون شیرین باشد دلیل بر مال بود روزی حلال الی
که آسان بدست آید واگر ترش بود دلیل بر غم و اندوه بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیماری بیند که سکنجبین خورد اگر شیرین بود دلیل که شفا
یابد واگر ترش بود دلیل که بیماری او دراز گردد سلاح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سلاح پوشیده در میان خلقی بیگانه بود
دلیل که عوام زبان بر وی دراز کنند ولیکن مکروهی بوی نرسد اگر بیند که گروهی آشنا بودند دلیل بر دشمنان ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را
با تیر و کمان بیند دلیل که بزرگی یابد واگر بیند که از آن آلتهایی که بدان جنگ کنند چیزی بشکست یا ضایع شد دلیل بر نقصان بزرگی بود
واگر بیند که با کسی جنگ و نبرد میکرد دلیل که در جنگ و خصومت افتد واگر بیند که کسی را زد بود دلیل که آنکس را مضرت رساند مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که کسی او را زخمی بزد و نداند که آنکس که بود دلیل که او را مضرت رسد اگر بیند که در آن زخم ریم جمع شد دلیل که بقدر آن مال حاصل
شود واگر بیند که بدان زخم که زد گوشت و استخوان ببرید دلیل که از آنکس مال و نعمت رسد واگر بیند که در حرب دست کسی ببرید دلیل که او را سخنی
سخت گوید و میان ایشان جدائی افتد واگر بیند که سر یکی ببرید دلیل که مالش بستاند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سلاح در خواب بر شش
وجه بود یکی قوت دوم بزرگی سیوم دولت چهارم ولایت پنجم ریاست ششم حصن و سلاح گرد در خواب پادشاه بزرگ داد گر بود
سلام کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوستی بر وی سلام کرد دلیل که آن دوست از وی شادی بیند واگر
بیند که دشمنی بر وی سلام کرد دلیل که دشمن دوست وی شود واگر بیند که کسی مجهول بر وی سلام کرد که او را ندیده بود دلیل که غریبی

سلام

بادی دوستی و آشنائی گیرد و اگر بیند که پیری بروی سلام کرد کرا و را مدید بود دلیل که از عذاب حق تعالی ایمن گردد و اگر بیند که پیری کافر بروی سلام کرد دلیل که زنی خوبروی خواهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دوستی بروی سلام کرد و جواب سلام او باز نداد دلیل که میان ایشان جدائی افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنی جوان بروی سلام کرد دلیل که اقبال دنیا یابد و اگر بیند که در نماز بود و سلام بجانب چپ داد دلیل که کارش شوریده گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سلام در خواب بر چهار وجه بود یکی ایمنی دوم شادی سیوم اقبال چهارم منفعت

سلطان

سلطان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سلطان در سرای یا در مسجدی یا در شهری یا در ده شد دلیل که رنجی و مصیبتی بدان مقام رسد قوله تعالی ان الملوک اِذَا دَخَلُوْا قَرْيَةً اَفْسَدُوْهَا اگر بیند که در جنگ سلطان غلبه کرد دلیل آنکه حاجتیکه دارد روا شود و بمقصود برسد و اگر بیند که سلطان دست راستش ببرید دلیل که سوگندش دهند و اگر بیند که سلطان از تخت بیفتاد یا تخت بشکست یا اسپ او را لگد زد یا شمشیر وی بشکست یا کاردی بسر وی بروی زد و او را مجروح گردانید همه دلیل بر زوال مملکت وی بود و اگر سلطان را دگر بیند دلیل بر شرف و بزرگی وی بود بقدر آنکه عمل کند و اگر بیند که سلطان با سپاه بزرگ بگسترد دلیل که ملک دنیا او را شود و عمرش دراز گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر سلطان بحال خویش نیکو بیند دلیل که عمر و جاهش زیادت گردد و اگر سلطان مرده را گشاده روی و خرم بیند و با وی سخن گفت دلیل که کار او نیکو شود و مشغلهای مرده او زنده گردد

سماروغ

سماروغ گیاهیست که او را کماغ خوانند دیدن وی بخواب زنی بود که در وی خیر نباشد و اگر بدان داد و از آن سماروغ بیند دلیل بر آن نعمت بود که از زنی بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر سماروغ بزرگ بود دلیل که او را پسری آید و اگر کوچک بود او را دختری آید

سماق

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سماق در خواب دیدن دلیل بر جنگ و خصومت بود و اگر بیند که سماق خورد دلیل که با کسی گفتگو کند و در خوردن سماق هیچ خیر نبود

سمانه

سمانه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سمانه در خواب پسری غلام بود و اگر بخواب بیند که سمانه بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که غلامش را فرزندی آید و اگر بیند که سمانه در دست وی بمرد فرزند و غلامش بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید سمانه در خواب مال و روزی حلال بود قوله تعالی وَاَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوٰى و اگر بیند که گوشت سمانه میخورد دلیل که روزی حلال یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید سمانه در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند غلام دوم روزی حلال سیوم منفعت چهارم خیر و مال

سمور

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سمور در خواب مردی کافر ظالم راهزن بود و اگر بیند که با سمور نبرد میکرد دلیل که با مردی بدین صفت خصومت کند و قوت او را بود که غالب آید و اگر بیند که گوشت سمور میخورد دلیل که مال مردی ظالم بخورد کرمانی رحمة الله علیه گوید سمور در خواب مردی غریب توانگر بود و گوشت و پوست و موی وی در خواب مال و خواسته بود و اگر بیند که سمور را بکشت و گوشت او بر زمین بیفتاد دلیل که مال مردی غریب تلف کند

سنان

سنان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سنان بر تن خصم زد و او را بیفکند دلیل که خصم را بحجت غلبه کند و بروی ظفر یابد و اگر بیند که سنان وی بشکست یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سنان پولاد در فشنده داشت اگر از اهل آن باشد دلیل که ولایت یابد و اگر از اهل آن نباشد از بزرگی منفعت بیند و اگر بیند که سنانش زنگ گرفته بود دلیل که نفعش اندک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سنان در خواب بر شش وجه بود یکی حجت

دوم ولایت سوم عمر دراز چهارم نفع پنجم ریاست ششم منفعت بقدر قیمتش سنب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سنب در خواب فرزند
اگر بیند که سنبی فراگرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که سنبی داشت و از وی ضایع شد دلیل که فرزندش غایب شود
یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید سنب در خواب مال بود و اگر بیند که سنبها فراگرفت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند
اگر بیند که بر پای او سنب بود دلیل که عمرش بخوشی و خرمی گذرد و اگر بیند که سنب بیفتاد دلیل بخلاف این بود سنبل ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سنبل داشت دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که سنبل خشک داشت و کشت
بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سنبل تازه میخورد دلیل که مال حلال بدست آرد یا فرزندی آیدش که در آن دیار مشهور
گردد و اگر بیند که سنبل بر آتش بسوخت دلیل بر نقصان مال بود سنجاب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سنجاب در خواب مردی غریب
توانگر و نا آمیزنده بود و پوست و موی و استخوان وی مال و خواسته بود و گوشت وی مال غریبی بود و اگر بیند که سنجاب را بکشت
و گوشت او بخورد و بیفکند و پوست او را برکرد دلیل که مال مردی غریب تباه کند و یا بغصب بستاند کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که سنجاب را خفه کرد و از گردنش خون روان شد دلیل که دوشیزگی دختری ببرد سنجد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سنجد
در خواب مالی صالح بود که برنج بدست آرد و اگر بیند که سنجد خرید یا کسی بوی داد دلیل که مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که سنجد
میخورد دلیل که مال را بر عیال نفقه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید سنجد در خواب بر سه وجه بود یکی مال برنج دوم مال بی رنج سیوم
منفعت از مردم بدخوی سندان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سندان بخواب دیدن رئیس بزرگ بود و اگر بیند که سندان فراگرفت
یا کسی بوی داد و دانست که ملک اوست دلیل که از رئیسی خیر و منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید سندان در خواب دلیل
با مهتری صحبت افتد و از وی راحت یابد و اگر بیند که سندان بکسی داد یا ضایع شد دلیل که از صحبت مردی بزرگ جدا شود جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن سندان در خواب بر پنج وجه بود یکی مهتری دوم منفعت سیوم قوت چهارم ولایت پنجم اقبال کارها
سنگها کرمانی رحمة الله علیه گوید در خواب دیدن سنگها بر دو وجه بود یکی مال دوم مهتری و هر سنگی که نرم بود منفعت بیشتر باشد
و اگر بیند که سنگی سپید بگرفت دلیل که با مهتری خوش خلق او را صحبت افتد و از وی منفعت یابد و اگر بیند که سنگی سیاه برگرفت
دلیل که با مهتری از عرب او را صحبت افتد و اگر بیند که سنگی سرخ برگرفت دلیل که از مهتری مفسد او را راحتی باشد و اگر بیند که از کوه
برفت و سنگهای بسیار در دامن کرد و برگرفت و بیاورد و بنگریست اگر آن سنگها سپید یا سیاه بود دلیل بر منافق کند ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید دیدن سنگها در خواب سختی باشد و اگر بیند که سنگ از زیر آب جمع میکرد دلیل که مالی بمکر و حیلت جمع کند و اگر بیند که سنگ
از کوه میتراشید دلیل که مال از بزرگی جمع کند و اگر بیند که سنگ از بیابان جمع میکرد دلیل که از سفر مال جمع کند و اگر بیند که سنگ
انداخت دلیل که بکراهیت از مال خود بکسی چیزی دهد و اگر بیند که کسی سنگ بر وی انداخت دلیل که بقدر آن مال یابد مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که بر کسی سنگ انداخت دلیل که بر وی تهمت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سنگ در خواب بر چهار وجه بود یکی
مال دوم مهتری سیوم سختی و کارها چهارم کسب برنج سنگ خواره مرغیست که سنگ ریزه میخورد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید

اگر بیند که سنگ خوار و گرفت دلیل که در کار دشواری افتد و از آن خیر نه بیند یا او را با مردی ابله کار افتد و اگر بیند که سنگ سخو
دستش بپرید یا در دستش ببرد دلیل که از کاری دشوار بزودی خلاصی یابد و اگر بیند که گوشت خنگ خوار و خورد و ا
کسب بر شواری چیزی بدست آرد سواری کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سواری میکرد دلیل که از ا
اسپ و سلاح و نعمت یابد و اگر بیند که با سواران میگشت و سواران مطیع او بودند دلیل که بر گروهی فرمان روائی یابد
گر سواران مجهول از متاع دنیا چیزی بوی دادند دلیل که او را از کسی غریب منفعت رسد و اگر بیند که سواران معروف چیزی بوی د
کا او را از آشنائی یا دوستی منفعت رسد و اگر سواران را با جامه کبود و بر سیاهان ناهموار کین بیند تاویلش خلاف این بود سوره ام
خواندن در خواب سورة الفاتحة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفاتحة میخواند دلیل که عمرش دراز باشد
کارش با ایمان بود سورة البقرة اگر بخواب بیند که سورة البقرة میخواند همین تاویل دارد و از شر دشمنان ایمن گردد جعفر
رضی الله عنه گوید میان خلق راست گوی باشد و اگر درویش باشد توانگر گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر غمگین بود شاد گ
بنده بود آزاد گردد سورة آل عمران ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سورة آل عمران میخواند دلیل که از همه بیمها ایمن گرد
شود و عاقبت خیر گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که آیه شهد الله میخواند دلیل که بقضای حق بحال راضی باشد ر
الله علیه گوید اگر گواهی دارد بگذارد و مردم او را عزیز دارند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آیه قُلِ اللّٰهُمَّ مالِکَ الـ
در خواب میخواند دلیل که بزرگی و عز و جاه یابد و حاجتهای او روا گردد سورة النسا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سو
میخواند دلیل که میراث یابد و خویشان و اهل بیت او بسیار شوند کرمانی رحمة الله علیه گوید مال و نعمت او بسیار شود سورة المائ
جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که سورة مائده میخواند دلیل که شرف و بزرگی یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید خواندن س
مائده دلیل بر زیادتی مال و نعمت بود و معبران گویند که خواندن سورة مائده در خواب دلیل صحت و سلامتی بود سورة الانعام ابن سیرین ر
اگر کسی بخواب بیند که سورة الانعام میخواند دلیل که سعادت دنیا و آخرت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید چهار پایان بسیار حاصل کند جع
رضی الله عنه گوید که باحسان و سخاوت توفیق یابد سورة الاعراف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الا
میخواند دلیل که دیندار و مؤمن بود و عاقبتش محمود گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید خواندن سورة اعراف در خواب دلیل که ...
جعفر صادق رضی الله عنه گوید خواندن سورة اعراف در خواب دلیل که همه آرزوی خلق خوشنود گردد و امانت نگاه دارد سورة الانفال ابن سیرین ر
علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الانفال میخواند دلیل که بخیر و صلاح بود سورة التوبة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سو
دلیل که از گناه توبه کند کرمانی رحمة الله علیه گوید سرانجام کارش بخیر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دولت و دین نگاه دارد سورة یونس
گوید اگر بخواب بیند که سورة یونس میخواند دلیل که روزی او فراخ گردد و کارش مراد شود کرمانی گوید که گرفتاران کید جاه و او را رفع شود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید لفظ و عبادتش نیکو شود سورة هود ابن سیرین گوید اگر بیند که سورة هود میخواند دلیل که روزی او از کسب حلال گردد
و بکارش نیکو گردد و در کارها اقبال یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در راه دین یگانه شود سورة یوسف ابن سیرین رح

حاکم گوید اگر بخواب بیند که سورهٔ یوسف میخواند دلیل که سفر بسیار کند و مال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید پس از رنج و محنت عزیز و بزرگی یابد و کارش بالا گیرد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید بهشت مأوای او باشد سورة الرعد ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند که سورة الرعد میخواند دلیل که پیوسته بعبادت و قرآن خواندن مشغول
بود کرمانی رح گوید که بکار خیر و طاعت راغب گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دلیل که عمرش کوتاه باشد سورهٔ ابراهیم ابن سیرین رح گوید بخواب بیند که سورهٔ
ابراهیم میخواند دلیل که مدام بطاعت و کارهای خیر مشغول باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نزد حقتعالی عزیز و گرامی بود و عاقبتش محمود گردد سورة الحجر ابن سیرین رح
گوید اگر بخواب بیند که سورة الحجر میخواند دلیل که نزد حقتعالی جل علا بلند پایه بود کرمانی رح گوید که هر امیدی که دارد حاصل آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید حضرت
باری سبحانه و تعالی او را علم روزی گرداند و حاجتش بیفزاید سورة النحل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النحل میخواند
دلیل که روزی حلال یابد و دوستان را ایمن باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید از محنت و آفت ایمن گردد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید حق سبحانه و تعالی او را علم روزی کند سورهٔ بنی اسرائیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورهٔ بنی اسرائیل میخواند
دلیل که نزد حقتعالی قرب یابد و در دنیا جاه و منزلت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید بر دشمن ظفر یابد و بکام دل برسد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که دین و اعتقادش پاک شود سورة الکهف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورهٔ الکهف
میخواند دلیل که از همه بلا ایمن گردد و در راه دین یگانه و مخلص بود کرمانی رحمة الله علیه گوید عمرش دراز گردد و سعادت عقبی
یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که چندان عمر یابد که براو رسد سورة مریم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند
که سورهٔ مریم میخواند دلیل که در قیامت از عذاب در کنف باریتعالی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید راه خیرات گیرد و سنت
پیغامبر صلی الله علیه و سلم بجای آورد سورهٔ طه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورهٔ طه میخواند دلیل که با دشمنی
سخن گوید و دشمن را قهر کند کرمانی رحمة الله علیه نامش در دیار بخیرات منتشر گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید در راه دین یگانه
و نامدار گردد سورة الانبیا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سورة الانبیا میخواند دلیل که حقتعالی جل و علا او را بسیرت
انبیا بخشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اقبال دو جهانی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید عالم و دانا شود و از مشقت ایمنی
یابد سورة الحج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الحج میخواند دلیل که مال خود را در راه خدایتعالی صرف کند
کرمانی رحمة الله علیه گوید کردارهای پسندیده اختیار کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید در زهد یگانه و در راه دین مجتهد بود
سورة المؤمنون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المؤمنون میخواند دلیل که با مؤمنان در بهشت بود
کرمانی رحمة الله علیه گوید درجات دینش قوی گردد و سیرت پسندیده اختیار کند سورة الفرقان ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بخواب بیند که سورة الفرقان میخواند دلیل که براستی حق از باطل جدا شود کرمانی رحمة الله علیه گوید میان خلق منصف
و داور گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید از او باطل براه حق گراید سورة النور ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که سورة النور میخواند دلیل که دلش بعلم و حکمت منور گردد سورة الشعرا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الشعرا
میخواند دلیل که در پناه حقتعالی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید از گناه پاک شود و در راه دین مجتهد گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید

سوره یوسف
سوره الرعد
سوره ابراهیم
سوره الحجر
سوره النحل
سوره بنی اسرائیل
سوره الکهف
سوره مریم
سوره طه
سوره الانبیاء
سوره الحج
سوره المؤمنون
سوره الفرقان
سوره النور
سوره الشعرا

باری سبحانه و تعالی او را از خواص نگاه دارد سوره النمل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره النمل میخواند دلیل که پادشاهی
یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید دولت بخشش ساعد گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید مال و نعمت فراوان یابد سوره القصص
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره القصص میخواند دلیل که مال و نعمت یابد و بذکر حق تعالی مشغول گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید
پیوسته در راه دین و صلاح کوشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید درهای رحمت بروی گشاده گردد سوره العنکبوت ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره العنکبوت میخواند دلیل که تا بوقت مرگ در امان خدای تعالی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید
مرد با دین گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خلق را از صلاحیت و نعمت او نصیب بود سوره الروم ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بخواب بیند که سوره الروم میخواند دلیل که بر دست وی شهری از روم گشاده گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید در کار دین
مجتهد گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مردم را از دین و صلاح وی بهره باشد سوره السجده ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بخواب بیند که سوره السجده میخواند دلیل که در سجده باشد که از دنیا برود کرمانی رحمة الله علیه گوید که سجود حق تعالی بسیار کند جعفر صادق
علیه السلام گوید که عاقبت کارش محمود باشد سوره الاحزاب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الاحزاب میخواند
دلیل که مال یابد و بخصم [illegible] کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوره الاحزاب میخواند دلیل که صد دینار یابد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید اگر بیند که سوره الاحزاب میخواند متابعت باری سبحانه یابد سوره السبا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره
السبا میخواند دلیل که زاهد و عابد گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید پیوسته در عبادت باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت صالح گزیند
سوره فاطر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره فاطر میخواند دلیل که عاقبتش محمود گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید
پیوسته در طاعت مشغول گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در نعمت بروی گشاده گردد سوره یس ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره یس میخواند دلیل که عاقبتش بخیر باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید که عمرش دراز باشد و از حق تعالی
رحمت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دوستی حضرت رسول صلی الله علیه وسلم در دلش مستقیم شود سوره الصافات
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره الصافات میخواند دلیل که بهدایت دین از باری سبحانه و تعالی توفیق یابد کرمانی
رحمة الله علیه گوید که براه صلاح درآید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که فرزندی صالح آید سوره ص ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بخواب بیند که سوره ص میخواند دلیل که مالش زیاده گردد و بزرگ شود سوره الزمر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که
سوره الزمر میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی گناهش عفو کند کرمانی رحمة الله علیه گوید عاقبت کارش بخیر باشد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دینش قوی گردد سوره المؤمن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره مومن میخواند دلیل که مومن و صالح
بود کرمانی رحمة الله علیه گوید شریعت نگاه دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید رحمت و غفران باشد سوره فصلت ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره فصلت میخواند مقربان حق گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید پیوسته در صلاح و دین گردد جعفر
صادق رضی الله عنه گوید داعی بود و حق دعا اجابت کند وی را سوره حم عسق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که

سوره حم عسق میخواند دلیل که در آخرت از عذاب رسته گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید تا عمرش ایمن باشد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید عمرش دراز گردد **سورة الزخرف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الزخرف میخواند دلیل که نماز و طاعت بسیار
کند و پیوسته روزه دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید راست قول و خوب افعال بود **سورة الدخان** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الدخان میخواند دلیل که شب طاعت کند کرمانی رحمة الله علیه گوید راست گوی باشد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید توانگر گردد **سورة الجاثیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الجاثیه میخواند دلیل که توبه کند
و بخداوند تعالی باز گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بزه کار بود توبه کند **سورة الاحقاف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند
که سورة الاحقاف میخواند دلیل که فرمان مادر و پدر بجای آورد کرمانی رح گوید با مادر و پدر چنان کند عجایبها بسیار بیند **سورة محمد علیه السلام** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة محمد علیه السلام میخواند دلیل که بر دشمنان ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید از آفت و بلا ایمن گردد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید در جهان توفیق یابد **سورة الفتح** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفتح
میخواند دلیل که همه بابها در فتح و نصرت باشد **سورة الحجرات** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الحجرات
میخواند دلیل که مردم را بالقاب نخواند و غیبت نکند کرمانی رحمة الله علیه گوید که آزار کس نجوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با
مردم پیوند **سورة الذاریات** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سورة الذاریات میخواند دلیل که بطاعت و عبادت مشغول
گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که با خلق خدای جود و احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بروی روزی فراخ گردد سورة
قاف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوره قاف میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را بکارهای خیر و صلاح توفیق بخشد
کرمانی رحمة الله علیه گوید که کارهای دشوار بروی آسان گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از کسب خود بهره یابد **سورة الطور**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الطور میخواند دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید که حقتعالی حج
او را یاری دهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در مکه مجاور شود **سورة النجم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة
النجم میخواند دلیل که حقتعالی جل و علا در رحمت بروی گشاده گرداند کرمانی رحمة الله علیه گوید که بر دشمن ظفر یابد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید که حق سبحانه و تعالی او را پسری صالح دهد **سورة القمر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القمر میخواند
دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید کارهای دشوار بروی آسان گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که جادو بر وی
کار نکند **سورة الرحمن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الرحمن میخواند دلیل که از دروغ و حرام اجتناب
کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که سیرت نیکو دارد و دین گزیند جعفر صادق رضی الله عنه گوید در این جهان مال یابد و در آن جهان
نعمت **سورة الواقعه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الواقعه میخواند دلیل که از گناهان توبه کند کرمانی
رحمة الله علیه گوید که توفیق طاعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که در طاعت سبقت کند **سورة الحدید** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الحدید میخواند دلیل که روزی برنج و سختی یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید که راه آخرت

رتبه و رضای حق تعالی جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید در راه دین بسیار بکوشد سورة المجادله ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة المجادله میخواند دلیل که او را با زنان خصومت افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید
در راه دین با خلق مجادله کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با اهل خود خصومت کند سورة الحشر ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الحشر میخواند دلیل که حشر وی با مسلمانان باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید که صحبت
او با مردان و اهل صلاح باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بر دشمن ظفر یابد سورة الممتحنه ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الممتحنه میخواند دلیل که از آزمایش تا بر هستی کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که صحبت
او با اهل صلاح باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بمحنتی گرفتار شود که هلاک او در آن باشد سورة الصف ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الصف میخواند دلیل که در راه خدای عز و جل جهاد کند کرمانی رحمة الله
علیه گوید که پیوسته در رضای خدای تعالی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که آخر عمر شهادت یابد سورة الجمعه
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الجمعه میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی او را توبه روزی کند کرمانی
رحمة الله علیه گوید که توفیق خیرات یابد سورة المنافقون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة
المنافقون میخواند دلیل که منافق باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از منافقی توبه کند سورة التغابن ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة التغابن میخواند دلیل که صدقات بسیار دهد کرمانی رحمة الله علیه گوید
که دستگیری ضعیفان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که راست قول و مقیم احوال باشد سورة الطلاق
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة الطلاق میخواند دلیل که با زنان گفتگوی کند کرمانی رحمة الله علیه
گوید که سیرت حق نگاه دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گفتگوی از بهر کار دین کند سورة التحریم ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة التحریم میخواند دلیل که در خانه خود سخن نفاق کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید از نفاق
توبه کند و دور باشد سورة الملک ابن سیرین رحمه گوید اگر خواب بیند که سورة الملک میخواند دلیل که او از مذنب بر بنا شد کرمانی گوید که آخر کار
محمود باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که شرف و بزرگی یابد سورة القلم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب
بیند که سورة القلم میخواند دلیل که صدقه و خیر کردن دوست دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید با همه کس احسان کند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که خدای عز و جل او را علم روزی کند سورة الحاقة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة
الحاقة میخواند دلیل که فریضهای خدای تعالی گذارد کرمانی رحمة الله علیه گوید که سیرت حق گزیند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید که بر جاده شرع باشد سورة المعارج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة المعارج میخواند دلیل که
خیر و نیکی بسیار کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که بخیرات و حسنات گراید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از ترس بیم این گردد
سورة نوح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر خواب بیند که سورة نوح میخواند دلیل که توبه کند و تقبل شود گرا

کرمانی رحمة الله علیه گوید که تاویلش همین بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که امر معروف کند سورة الجن ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الجن میخواند دلیل که توبه کند و از آفت جن ایمن باشد جعفر صادق رضی
الله عنه گوید که دیو و پری مضرت او را نرساند سورة مزمل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المزمل
میخواند دلیل که نماز شب دوست دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید که توفیق طاعت یابد سورة مدثر ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المدثر میخواند دلیل که عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که سیرت پاک
و راه راست یابد سورة القیمه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القیمه میخواند دلیل که بشهادت
از دنیا برود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که تایب گردد سورة الانسان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که سورة الانسان میخواند دلیل که درویشان را طعام دهد در رضای حقتعالی عز و جل جوید کرمانی رحمة الله علیه گوید که بر نعمت
و شکر نعمت توفیق یابد سورة المرسلات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المرسلات میخواند دلیل که
از دروغ گفتن توبه کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که راه راست جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که روزی بروی فراخ گردد
سورة النبأ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النبأ میخواند دلیل که رستگار و متوکل بود کرمانی
رحمة الله علیه گوید که کار خیر میکند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کارش بزرگ شود سورة النازعات
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النازعات میخواند دلیل که بوقت جان کندن از مرگ نترسد کرمانی
رحمة الله علیه گوید که توبه کند و از عقوبت ایمن گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دلش از مکر و حیلت و خیانت پاک
گردد سورة عبس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة عبس میخواند دلیل که بر مردم روی ترش
کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که روزه بسیار دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خیرات کند سورة التکویر
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة التکویر میخواند دلیل که از درد چشم نترسد کرمانی رحمة الله علیه گوید
که سفر بسیار کند از جانب مشرق جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از آنچه میترسد ایمن شود سورة الانفطار ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الانفطار میخواند دلیل که از خدایتعالی ترسد کرمانی رحمة الله علیه گوید که میل
وی بمال دنیا باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نزدیک ملوک عزیز و محترم باشد سورة المطففین ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة المطففین میخواند دلیل که کیل و پیمانه راست دارد کرمانی رحمة الله علیه
گوید که راستی جوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید که با همه کس منصف بود سورة الانشقاق ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الانشقاق میخواند دلیل که در قیامت نامهٔ اعمال وی در دست راست وی
دهند کرمانی رحمة الله علیه گوید که حساب و شمار قیامت به آسانی و صدق بر وی آسان گردد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید که نسلش بسیار گردد سورة البروج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة البروج میخواند دلیل

در دنیا اندوهگین باشد و عاقبت کارش محمود گردد و کرمانی رحمة الله علیه گوید که در آخرت رفیع الدرجات باشد جعفر صادق رضی الله عنه
گوید که از همه فرح یابد **سورة الطارق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الطارق میخواند دلیل که او را فرزندی صالح
آید کرمانی رحمة الله علیه گوید او را فرزندی خوبروی آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید بسبب فرزند مقبل و خرم شود **سورة الاعلی**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الاعلی میخواند دلیل که تسبیح و تهلیل بسیار خواند کرمانی گوید بتن خویش تندرست
گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که کار دشوار بروی آسان گردد **سورة الغاشیة** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب
بیند که سورة الغاشیة میخواند دلیل که از هول قیامت بترسد و توبه کند و از آن ترس ایمن گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که در رضای
حق تعالی عز و جل ثابت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قدر و محل او بزرگ شود **سورة الفجر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بخواب بیند که سورة الفجر میخواند دلیل که بکارهای نیکو مشغول گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که حج اسلام گذارد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید که هیبت و شکوه او کم شود **سورة البلد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة البلد میخواند دلیل که رفیقان
او را بروی واجب باشد و دوست دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید که با همه کس احسان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر
بخواب بیند که سورة البلد میخواند دلیل که از آفات حیات ایمن گردد **سورة الشمس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند
که سورة الشمس میخواند دلیل که بر دست او کاری فاسد رود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از بلا ایمن گردد **سورة اللیل**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة اللیل میخواند دلیل که سائل را منع نکند و زکوة مال بدهد **سورة الضحی** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الضحی میخواند دلیل که چیزی بخواهندگان بدهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خوبان را
عزیز دارد **سورة الم نشرح** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الم نشرح میخواند دلیل که دشواری بروی آسان گردد
کرمانی رحمة الله علیه گوید که کارهای بسته بروی گشاده گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد دو جهانی یابد **سورة التین**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة التین میخواند دلیل که نیک سیرت و خوبروی و خوب کردار گردد کرمانی رحمة الله
علیه گوید که خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که از سختی فرج یابد **سورة العلق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند
که سورة العلق میخواند دلیل که حق سبحانه و تعالی ورا علم و قرآن روزی کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که عالم و فصیح گردد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید که متواضع و نیکو خصال بود **سورة القدر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القدر میخواند دلیل که از دنیا بیرون
نرود تا ثواب شب قدر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید که عمرش دراز گردد و مراد یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که جاه و قدرش عالی گردد
سورة البینة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة البینة میخواند دلیل که با توبه از دنیا برود کرمانی رحمة الله علیه گوید که مرد
را خیر و صلاح دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که همت والا دارد **سورة الزلزلة** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة
الزلزلة میخواند دلیل که او را باکسی کارزار افتد و عدل و انصاف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که قومی از کافران هلاک کند **سورة**
العادیات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة العادیات میخواند دلیل که اهل بیت او او را دوست دا

کرمانی رحمة الله علیه گوید که بعنا رود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که غزا کند و مظفر گردد سورة القارعة
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القارعة میخواند دلیل که در قیامت ترازوی اعمال
وی از کردار نیک گران آید کرمانی رحمة الله علیه گوید که در کار خیر کوشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مردم را گرامی دارد سورة
التکاثر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سورة التکاثر میخواند دلیل که زیارت جمعی صالحان کند کرمانی رحمة الله علیه گوید
که او را با قومی دروغ زن صحبت افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دوست از دنیا دارد سورة العصر ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بخواب بیند که سورة العصر میخواند دلیل که در کارها صابر و شکیبا بود کرمانی رحمة الله علیه گوید که او را زیانی رسد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که از تجارت کارش نیک شود سورة الهمزة ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الهمزة میخواند
دلیل که سخن بسیار گوید و پیش مردم رو شناس گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که بمال حریص بود و از عاقبت نیندیشد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که در راه خدای تعالی مال نفقه کند سورة الفیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفیل
میخواند دلیل که ظالم را یاری دهد کرمانی رحمة الله علیه گوید که بر دشمن ظفر یابد و مرادش حاصل گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
که بر دست وی فتحی بر آید و بر دشمن ظفر یابد سورة القریش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة القریش میخواند
دلیل که از ترس و بیم ایمن گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که با کسی صحبت دارد که او را نصیحت کند در راه دین جعفر صادق رضی الله
عنه گوید که با خلق احسان کند سورة الماعون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که اگر بخواب بیند که سورة الماعون میخواند دلیل که از
گناه کناره کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که حذر باید کردن از صحبت بددینی جعفر صادق رضی الله عنه گوید که بر دشمن ظفر یابد سورة الکوثر
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الکوثر میخواند دلیل که مال و نعمت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید که از بزرگان عطا
یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که خیرات بسیار کند سورة الکافرون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که
سورة الکافرون میخواند دلیل که براه بدعت رود و بدنیا مغرور گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید که اگر در غم بود فرج یابد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید که اجلش فرا رسیده باشد زیرا که چون این سوره منزل شد حضرت رسول صلی الله علیه وسلم آخر عمر بود سورة
النصر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة النصر میخواند دلیل که در راه خدای تعالی متوکل گردد سورة تبت
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة تبت میخواند دلیل که مکار و فریبنده بود و از عقوبات خدای تعالی بر خطر
کرمانی رحمة الله علیه گوید که او زانی و بدکردار باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گروهی به بدی وی کوشند سورة اخلاص
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الاخلاص میخواند دلیل که در راه دین موحد و یگانه گردد و توفیق طاعت
کرمانی رحمة الله علیه گوید که پاک دین و نیک اعتقاد باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید که مراد دو جهانی یابد و عیش وی
خوش گردد سورة الفلق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الفلق میخواند دلیل که جادو و پری کار نکند
کرمانی رحمة الله علیه گوید که از شر بدکرداران ایمن گردد سورة الناس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سورة الناس

بخورد دلیل که از حقتعالی از چشم بچه باز دارد و بر وی روزی فراخ گردد و اگر بیند لا حول و لا قوة الا بالله میخواند
دلیل که مال بخواسته یابد و اگر بخواب بیند که آیتی از قرآن بخواند تاویل آن بحرف تو قبیان کنیم ان شاء الله تعالی سوزن ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوزن داشت و چیزی بدوخت دلیل که شغلهای پراگنده وی جمع شود و کارش نیکو گردد و اشوا گرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که جامه سپید دوخت دلیل که احوال او نیکو گردد و اگر بیند که سوزن ناگم کشته دلیل که حوالش بد بود مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که کسی سوزنی بوی بخشید دلیل که کسی مشفق احوال او باشد و اگر بیند که سوزن بسیار داشت دلیل بر خیر و منفعت
کار او بود سوسمار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوسمار را بگرفت دلیل که مضرت یابد و اگر بیند که سوسمار را بکشت
دلیل که دشمن را قهر کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که خوردن گوشت سوسمار در خواب دلیل بر منفعت بود که بوی رسد و اگر بیند
که سوسمار در خانه وی بانگ کرد دلیل که از خانه وی آواز شیون برآید سوسن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سوسن در خواب
بوقت خود دیدن دلیل که چیزی بوی رسد او را فرزندی آید و بیوقت دیدن دلیل بر غم و اندوه بود و اگر زنی بیند که سوسن
از درخت بکند و بغلام داد دلیل که غلامش بگریزد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی دسته سوسن بوی داد دلیل
میان ایشان گفتگوی خیزد مغربی رحمة الله علیه گوید که درخت سوسن در خواب کنیزک بود سوگند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که سوگند خورد دلیل که کاری نیک بر دست وی برآید یا امانتی گذارد یا خیراتی کند از آنچه میسر شد این گردد و اگر بیند
که سوگند بدروغ خورد دلیل بر خشم خدای تعالی بود و از رحمت افتد مگر توبه کند و در دام غرق شود و از پادشاه زیان بیند کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سوگند راست خورد دلیل که او را توبه باید کرد از گناه و خطا تا رستگار شود و اگر بیند که سوگند بدروغ
خورد دلیل که دینش تباه شود و اعتقادش خلل پذیرد قوله تعالی وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سوگند براست خورد دلیل که از وی مضرت بیند سوراخ ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که سوراخی بود و در آن سوراخ شد دلیل که از راز پادشاه آگاه گردد و اگر بیند که در اندام وی سوراخ
بود و از آن چیزی بیرون آمد دلیل که او را زیانی رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شکم وی سوراخی بود دلیل که از عیال
خود نا ایمن بود و اگر بیند که در سنگی سوراخ میکرد دلیل که در مسلمانی پایدار بود و اگر بیند که در درختی سوراخ میکرد دلیل
بخلاف این بود و معبران گویند که بقدر آن سوراخ مال او نقصان شود حکایت در خبر است که مردی پیش امیر المؤمنین
ابو بکر صدیق رضی الله عنه آمد و گفت بخواب دیدم که از سوراخی کوچک گاوی بزرگ بیرون آمد و هر چند خواست که باز
بسوراخ رود نتوانست رفت گفت آن سوراخ دهن است و آن گاو سخن است چون گفته شد باز بجای خود نرود سوهان
در حرف میم بیان کنیم سیب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید سیب بخواب دیدن چون سبز باشد دلیل بر فرزند بود و چون ترش
باشد منفعت پادشاه بود و چون سفید بود منفعت از بازرگان بود و چون زرد و ترش بود دلیل
بر بیماری بود و اگر بیند که سیبی سپید بدو نیم کرد دلیل که شرکت با کسی کند و از وی جدا شود

واگر بیند که سیبی سرخ از درخت باز کرد و خورد دلیل که او را دختری آید کرمانی رحمة الله علیه گوید سیب در خواب دلیل خیر بود و اگر سیب
ترش بود دلیل خبر ناخوش باشد و اگر بیند که سیب شیرین بود دلیل که خبر خوش شنود دانیال علیه السلام گوید اگر بخواب بیند که
سیب داشت و خورد دلیل که نفع یابد و سیب همت بیننده خواب باشد در شغل و صنعت وی و اگر پادشاه سیب بخواب بیند
دلیل که مملکت یابد و اگر بازرگان بیند دلیل که تجارت نیک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سیب در خواب بر هفت وجه بود
یکی فرزند دوم منفعت سوم مهاری چهارم کنیزک پنجم مال ششم فرمان روائی هفتم همت خداوند خواب و خبر غایب و حاجت
سیر ابن سیرین رح گوید خوردن سیر بخواب مال حرام بود کرمانی رح گوید خوردن سیر در خواب خبر زشت بود و کار نیم دوم گویند اگر بیند که سیر پخته میخورد
دلیل که از سخن زشت توبه کند مغربی رح گوید که سیر در خواب رنج و گریستن باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیر در خواب
بر پنج وجه بود یکی مال حرام دوم سخن زشت سیوم غم و اندوه چهارم گریستن پنجم سختی و بدی سیری ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر کسی خود را در خواب سیری بیند دلیل که بی نیاز شود ولیکن در راه دین ضعیف بود و اگر خود را گرسنه بیند دلیل که معصیت
کند کرمانی رحمة الله علیه گوید بهترین خواب آنست که خود را نه گرسنه و نه سیر بیند زیرا که هر دو خلاف طبع اند و آنچه خلاف طبع بود
از وی مزاج رنج آید سبزی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که سبزی داشت دلیل که نامش بخیر و نیکی منتشر گردد و اگر بیند
که در زمین او سبزه بود و بوقت خود دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر خلاف این بیند دلیل بر مضرت باشد سیکی ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید سیکی در خواب مال حرام بود و اگر بیند که در میان سیکی بشد دلیل که در فتنه افتد و اگر بیند که سیکی میخورد دلیل که بقدر آن
مال حرام یابد و اگر بیند که سیکی می پخت و میخورد دلیل که مال حرام برنج و سختی بدست آورد و اگر بیند که در خانه سیکی بسیار داشت
دلیل که بقدر آن از دهقان منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سیکی می آمیخت و میخورد دلیل که مالی یابد که بعضی حلال
باشد و بعضی حرام بود و اگر بیند که سیکی میفروخت دلیل که چیزی حرام فروشد و رباده و در سیکی خوردن خیر نباشد و والی را
دلیل بر عزل بود و سیکی خمر ناغم و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید سیکی در خواب بر سه وجه بود یکی مال حرام دوم
تزویج کردن سیوم نعمت اینجهانی و سیکی فروش در خواب مردی بود که جنگ و فتنه طلب کند سیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
سیل در خواب دشمنی بزرگ باشد یا پادشاه ظالم بود و اگر بخواب بیند که سیل را از خود دفع کرد و بجائی دیگر افتاد دلیل که بر دشمن ظفر
یابد و غم و اندوه وی کم شود و اگر بیند که از سیل میگریخت دلیل که از دشمن بگریزد کرمانی رحمة الله علیه گوید که سیل در خواب درد و بیماری
سر و غم و اندوه بود و در دیار گرم سیل دلیل بر منفعت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر جهان پر سیل بیند و نداند که این سیل از کجاست
دلیل که حق سبحانه و تعالی وبائی بدان دیار فرستد قوله تعالی فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ و بعضی از معبران گویند که چون بخواب
بیند که سیل جائی خراب میکند دلیل که مردم آنجا را از پادشاه ترس و بیم حادث بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن سیل در خواب
بر چهار وجه بود یکی دشمن بزرگ دوم پادشاه ستمگر سوم لشکر غایب چهارم بلا و فتنه و سختی سیماب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بخواب بیند که در معدن سیماب درون شد یا از آنجا سیماب برگرفت دلیل که زنش در کار بد افتد و اگر بیند که سیماب بفروخت کسی را

دلیل که از مکر و حیلت زن ایمن گردد و اگر بیند که در چشمه سیماب غرق شد دلیل که تا آن بر وی چه دو گفته سیم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
بسیار مردم باشند که در خواب سیم بینند و در بیداری سیم یابند و بسیار بود که در خواب سیم بینند در بیداری غم و اندوه بود و بعضی

سیم

[illegible] کرمانی رحمة الله علیه گوید سیم درست در خواب خبر راست باشد و سیم شکسته خبر دروغ باشد اگر سیم در کیسه بود دلیل که
کیسه میش او در بعضی هند دانیال علیه السلام گوید اگر کاسه یا آفتابه یا طشت سیمین بخواب بیند که به اندازه آلات سیمین بیابد دلیل که
آن گنج یابد و اگر بیند که از معدن سیم پاره بیافت دلیل که از آن زن مال خواهد و سیم پاره در خواب سخن بی بود که در حق وی سخن زشت گویند

سیمرغ

سیمرغ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر در خواب سیمرغ نر بیند دلیل که با مردی خوش طبع بزرگوار دوستی کند اگر سیمرغ ماده بیند
دلیل که زنی با جمال خوبروی بود و اگر بیند که سیمرغ با وی سخن گفت دلیل که وزیر پادشاه گردد و اگر بیند که با سیمرغ جنگ میکرد دلیل
با مردی بزرگ خصومت کند و اگر بیند که گوشت سیمرغ میخورد دلیل که بقدر آن از مردی بزرگ مال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
که سیمرغ را در کشت دلیل که دوشیزگی دختری بستاند و اگر بیند که سیمرغ از دست وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که بچه سیمرغ
گرفت دلیل که او را فرزندی آید مغربی رحمة الله علیه گوید سیمرغ در خواب پادشاه بود و اگر بیند که سیمرغ در کوچه فرود آمد از کوچه
سیمرغ را بکشت دلیل که پادشاه آن دیار هلاک شود و اگر بیند که از سیمرغ مستتر سید دلیل که پادشاه او را عطا دهد

سینه

سینه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که سینه در خواب شریعت بود قوله تعالی أَفَمَن شَرَحَ اللّٰهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ اگر بخواب بیند که سینه وی فراخ
شد دلیل که کارهای وی ساخته گردد و اگر بیند که سینه وی تنگ شد دلیل که در دینش خلل بود و اگر بیند که بر سینه وی خطی سبز
بود دلیل که حق با وی کرامت کند و اگر بیند که بر سینه وی خطی کبود نقش بود دلیل که در دین او خلل افتد و لی شهادت بیرد و اگر
بیند که از سینه موی استرده بود دلیل که وامش گذارده شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سینه وی ورم گرفته بود چنانکه ورم نتوان
زدن دلیل که دین و دنیا بر وی گشاده شود و اگر بیند که سینه وی گرم بود و باقی اندام سرد دلیل که مال و متعلق کسی بود دانیال علیه السلام
گوید اگر بیند که سینه او تنگ بود دلیل که تنگدل گردد و اگر سینه خود فراخ بیند دلیل که خرم و شاد گردد و بعضی معبران گویند اگر کافر سینه
خود را فراخ بیند دلیل که مسلمان شود فَمَن يُرِدِ اللّٰهُ أَن يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن سینه در خواب بر هفت وجه بود یکی علم و حکمت دوم سخاوت سیوم ایمان چهارم کفر پنجم امان ششم مرگ هفتم بخل

شادی

حرف الشین شادی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر شادی در خواب بیند غم و اندوه بود و اگر بیند که کسی شادمان
شد دلیل که آن کس غم و اندوه رسد و اگر مرده را در خواب شاد و خرم بیند دلیل که حالش نیکو گردد و خاتمتش بسعادت بود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید اگر بخواب بیند که بی سببی شادمان بود دلیل که اجلش فرا رسیده بود قوله تعالی حَتّٰى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْ

شادروان

بَغْتَةً شادروان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شادروان نو و فراخ در خواب اگر گسترده بود دولت است که ملک او دست دلیل
بقدر بزرگی و فراخی آن عیش و عمر دراز یابد و اگر بیند که شادروان با دوستان در شهر خود یا جای بیگانه نشسته بود دلیل بر مال نعمت
و درازی عمر و روزی بود و اگر بیند که در جایگاهی بیگانه از بهر او شادروان گسترده بودند و ندانند که شادروان از آن کیست دلیل که از دنیا

ری متغیر گردد و عزت بپیرد و اگر شادروان کوچک در خواب بیند دلیل که بر روزی اندک و عمر کوتاه بود و اگر بیند که شادروانی خریده
بر خود گرفته بود دلیل که از جای خود بجای دیگر رود و اگر بیند که بر شادروان صورت مردی نگاشته بود و آنرا میشناخت و با وی سخن
گفت دلیل که آن مرد را به دروغ ستایش کند و اگر بیند که شادروان بغرض بکسی داد تاویلش بد بود دانیال علیه السلام گوید اگر بیند
که شادروان گسترده بود دلیل که بر درازی عمر و ساختگی کار او بود و اگر بیند که شادروان کوچک بود و در زیر او فراخ شد دلیل که روزی
بر وی فراخ گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که روزی او تنگ شود و اگر بیند که شادروانی فراخ گسترده بود و بدست خود در نوشت
و بکنج خانه نهاد دلیل که دولت و اقبال خود تباه کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شادروان کهنه و دریده بود دلیل که بعشرت
دنیا مشغول گردد و اگر بیند که شادروان سیاه و یا کبود بود دلیل که غم خواهد دید و اگر بیند که شادروان زرد بود دلیل بر بیماری بود و
اگر شادروان سپید بیند دلیل بر نعمت و فراخی روزی حلال بود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شادروانی مجهول
در جایگاهی مجهول افکنده بود دلیل که آنچه دارد از دستش برود و اگر بیند که شادروان معروف در خانه کسی گسترده بود دلیل که خداوند
خانه را روزی و نعمت بود و اگر بیند که در خانه مجهول شادروانی انداخته بود و او بران نشسته بود دلیل که بسفر رود و دران سفر مال
و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شادروان در خواب بر چهار وجه بود یکی روزی حلال دوم عمر سوم
منفعت چهارم معیشت شاخ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن شاخها در خواب بر خداوند خواب دلیل بر برادران و
فرزندان و خویشان بیننده خواب کند و اگر بیند که شاخهای درخت بسیار و انبوه بود دلیل که خویشان او بسیار بوند و اگر
او بسیار گردند و اگر بیند که بخلاف این بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که شاخ از درخت خود ببرید دلیل که از اهل بیت خود کسی را دور
کند و اگر بیند که شاخ درختی خشک شد دلیل که از خویشان او یکی هلاک شود و اگر بیند که درخت از آن دیگران بود تاویلش بر
باز گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاخ درخت خرما بوی داد و یا بیافت دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که از شاخ چیزی
بخورد دلیل که بقدر آن مال فرزند خورد شانه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شانه در خواب مردی بود که او را حسب و نسب نبود و
و نفاق باشد اگر بخواب بیند که سر و ریش را شانه میکرد دلیل که از غمها فرج یابد و وامش گزارده شود و مراد او برسد کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بخواب بیند که ریش را شانه میکرد و یکان موی بر دن می آورد دلیل که زکوة مال بدهد مغربی رحمة الله علیه گوید شانه در خواب
یاران موافق در کار خیر باشند و موی را شانه کردن یافتن مراد بود و شانه تراشیدن مردی بود که غم و اندوه از دلش ببرد و وام بگزارد
و بعضی معبران گویند که مردم خوبروی باشند که از دیدارشان چشم روشن گردد و شانه آدمی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شانه
آدمی در خواب دیدن زن بود اگر بیند که شانه وی قوی و بزرگ بود دلیل که زنی نیکو یابد و اگر بیند که شانه گاو یا گوسفند یافت هم او را
زنی حاصل شود و اگر بیند که و دشمن وی بشکست دلیل که زنش بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت شانه باز میکرد و میخورد
بود دلیل که دران سال رنج بسیار برد و اگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند دران شانه سیاهی بود دلیل که در آن سال
آفت و بلا باشد و اگر دران سرخی و یا سیاهی بیند دلیل در آن سال رنجها از زنان باشد و اگر دران شانه زردی بیند دلیل بر بیماری بود

که رنج باشد و نصرانی بسیار بیند دلیل که در آن سال مرگ بسیار بود شاهرود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شاهرود در خواب دیدن [illegible]
ضرب دشنام و سخن دروغ و محال بود اگر بیند که شاهرود میزد دلیل که دروغ بشنود و اگر بیند که با شاهرود چنگ چنانچه [illegible]
دلیل بر معصیت بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاهرود بشکست یا بشکند دلیل که از سخن دروغ توبه کند و از غزل [illegible]
علیه گوید اگر بیند که شاهرود میزد دلیل که با زنی بزرگ پیوند و دوازده هزار جامه یا به شاه اسپرغم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که شاه اسپرغم سبز و پاکیزه و خوشبوی بود دلیل بر بزرگی باشد و اگر زرد و پژمرده بود دلیل بیماری بود و جعفر صادق [illegible]
شاه اسپرغم در خواب بر شش وجه بود اول عز و بزرگی دوم فرزند سیوم دوست چهارم سخن نیکو پنجم مجلس ششم نام نیکو و شاهین
شاهین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شاهین را بگرفت یا کسی وی را داد آن شاهین مطیع وی بود دلیل که [illegible]
بزرگی تمام و منفعت وی را رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید شاهین به خواب مردی بسیار دان بود و اگر بیند که شاهین بگریخت یا کسی
بربود دلیل که او را با مردی دانا صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شاهین به خواب بر چهار وجه بود
اول قدر و منزلت دوم فرزند سوم مال و نعمت چهارم فرمان و والی شب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند شب تیره و تاریک
بود تاویل آن غم و اندوه بود و اگر بخواب بیند که شب روشن و مهتاب بود دلیل که عیش و خرمی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که در شب تیره می‌رفت و راه بر وی مشکل بود و به نیت راه راست میرفت دلیل که او را در دین استقامت بود و شب یلدا
که آن را که سیه گویند دلیل آن در خواب غم و اندوه بود و خوردن آن دلیل بر هلاک بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر شب یلدا
را روشن چون آفتاب درخشنده بیند دلیل بر خیر و گشایش در کارهای وی بود و اگر بخلاف این بود دلیل بر مضرت و بستگی کار
بود شبان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که چنانچه شبان گاو و گوسفند و اسب و خر و امثال آن گردد بر خیر [illegible]
تاویل بود و شبان اسپ دلیل بر ولایت و بزرگی بود و شبان خر دلالت بر محنت کند و شبان گاو دلالت بر سالت و نعمت
و فراخی بود و شبان گوسفند دلیل بر روزی حلال و مال و نعمت بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شبانی میکرد و گرگ از گله
وی گوسفندی ببرد دلیل که پادشاه آن دیار را خراب کند و احوال رعیت تباه گردد دانیال علیه السلام گوید شبانی گوسفندان
دلیل که بر عدد آن گوسفندان او را جمعی مهتران مهتری بود و اگر بیند که شبانی چیزی بوی داد دلیل که او را از بزرگی فایده و منفعت رسد
امام جعفر صادق رضی الله عنه گوید شبان در خواب مردی ناصح بود و حافظ مال مردمان باشد چنانکه صواب کار هر کسی
نماید شب بازی کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شب بازی کردن در خواب لهو و طرب با دروغ و محال [illegible]
بیند که شب بازی با بربط و نای میکرد دلیل غم و اندوه بود شب پرک ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شب پرک در خواب [illegible]
گمراه و محروم بود و اگر بیند که شب پرک داشت دلیل که او را با گمراهی صحبت افتد و اگر بیند که شب پرک میپرید دلیل که از کار [illegible]
شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شب پرک از دست وی بپرید یا بمرد دلیل که از صحبت مردی گمراه و راه بیدانی باز ماند و [illegible]
رهان باشد شپش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شپش را بکشت دلیل که دشمن را قهر کند و اگر بیند که شپش [illegible]

دلیل که دشمن او ضعیف باشد و اگر بیند که شپش بسیار بروی جمع شد ندا و را بگزند دلیل که در زبان مردم افتد یا او را نقصان در مال او بود
اگر شپش خون مردم میخورد و خون تباه ویل مال او بود شیشه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیشه جانوری بود که در تابستان در جامه
پشمین در پوستین افتد و تباه کند و بر سوسن بیم خوانند و دیدن وی همسایه بود و اگر بیند که شیشه جامه وی بخورد دلیل که در مال او
نقصان افتد و اگر بیند که شیشه اسباب پشمین تباه کرد دلیل که از خانه وی دزد چیزی ببرد و اگر بیند که شیشه رکشت دلیل که دردا گیرد
و مال بستاند شبه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شبه داشت با بجزیه و سوراخ کرده بود دلیل که او را دختری آید
و اگر دختر نباید غمناک شود و دیدن شبه کبود و سیاه خیری نبود مغربی رحمة الله علیه گوید شبه سپید و سبز بخواب دیدن دلیل بر خیر و منفعت
کند و بعضی گفته اند که شبه زرد دلیل بر بیماری بود شتافتن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بکاری می شتافت دلیل که از آن
کار پشیمانی یابد و اگر بیند که از آن پشیمان شده و شتافتن دلیل که در آن کار شتاب کند مغربی رحمة الله علیه گوید و همه کاری شتافتن
دلیل درنگ بود و درنگ دلیل شتافتن بود شتالنگ یافتن در خواب جنگ و خصومت بود و اگر بخواب بیند که با شتالنگ
بازی میکرد و با نگ و شغب میداشت دلیل که او را خصومت افتد و اگر بهنگام بازی خاموش بود و مال حرام یابد شراب ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید خوردن شرابهائی که بطعم شیرین بود چون شراب سیب و شراب انار و شراب ترنج و مانند این بر شش وجه بود
یکی دین دوم منفعت سوم علم مفید چهارم عمر دراز پنجم عیش خوش ششم ذکر حقتعالی اما شرابهائیکه بوی آن ترش بود چون
شراب لیواس و شراب لیمو و شراب نارنج و مانند آن خوردن آن در خواب غم و اندوه بود و اما شرابهائیکه تلخ باشد چون
شراب موزه و شراب ز و فا خوردن آن در خواب دلیل بر فایده دین و دنیا بود و اما شرابهائیکه بطعم معتدل خوشبو
بود چون شراب عود و شراب بنفشه و شراب گل خوردن آن در خواب دلیل بر خیر و خرمی بود و ستایش کند مغربی
رحمة الله علیه گوید شرابهائیکه از برای دارو خورند در خواب خیر و صلاح دینی بود و آنچه بجهت دارو بکار ندارند دلیل بر صلاح و خیر
و دنیا وی کند شرابی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که شرابی بخرید دلیل که کنیزک بخرد و معبران گویند که شرابی
در خواب خادم خانه بود و اگر بیند که شرابی وی بشکست یا ضایع شد دلیل که کنیزک یا خادم او بمیرد و جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن شرابی در خواب بر نه وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح
دنیا ششم عمر دراز هفتم مال و نعمت هشتم خیر و برکت نهم مال از قبل زنان شرم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شرم از
ایمان باشد چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه وسلم فرمود اَلْحَیَاءُ مِنَ الْاِیْمَانِ مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که در کاری شرم داشت دلیل که در آنکار خیر و صلاح بود و زیادتی ایمان و شرم داشتن از کاریکه در آن شرف بود
دلیل بر نقصان ایمان بود شستن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شستن در خواب با آب جوی و کاریز و حوض و دریا و بلیت
بر نجات از غم و اندوه و اگر این خواب محبوس بیند دلیل که از زندان خلاصی یابد و اگر وام دارد و امش گذارده شود و اگر
بیمار بیند شفا یابد و اگر تن خود تمام نشست دلیل که کارش تمام نشود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده خود را

شست دلیل که خویشان را از غم و اندوه و خصومت برهاند و اگر بیند که به آب شور خود را شست دلیل که رنجی بوی رسد و اگر بیند که جامه را به
آب چرکین بشست دلیل بر تباهی کار و فساد دین بود و اگر بیند که به آب سرد و یا آب چرکین خود را بشست دلیل که توبه کند نصرانی گوید
شستن با آب سرد بر چهار وجه بود اول توبه دوم عافیت سوم خلاصی از زندان چهارم ایمنی از ترس و شستن با آب گرم غم و اندوه
بود و دست و روی شستن در خواب بر هشت وجه بود اول حصول مراد دوم شفا از بیماری سوم رهائی از حال چهارم ... پنجم ...
ششم ایمنی هفتم دین پاک هشتم روا شدن حاجت

شش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شش در خواب شادی و خرمی بود و اگر بیند
که کسی شش به وی داد و آن کس معروف بود دلیل که از وی خرمی بیند و اگر او شش کسی بخورد دلیل که خیر بدان کس رساند مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شش مردم یا بچه میخورد و از جانوری که گوشت وی حلال بود دلیل که بقدر آن مال حاصل کند

شطرنج ابن سیرین رح گوید شطرنج باختن در خواب بهتان و سخن دروغ بود و اگر بیند که شطرنج باخت جعفر صادق گوید دلیل که با جمعی ...
و بهتان ... کرمانی رح گوید اگر بیند که شطرنج می باخت دلیل که جنگ و منازعت کند و معبران گویند که شطرنج باختن بیم و منفعت بود

شعر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شعر یا غزل میخواند یا مدح کسی یا هجوی میخواند دلیل که سخن باطل گوید قوله تعالی والشعراء
یتبعهم الغاوون اگر توحید یا نعت یا سخن حکمت میخواند پسندیده بود و بزرگی شود

شغال ابن سیرین رح گوید اگر بیند که
شغال میگشت و متحیر بود و نتوانست گرفت دلیل که بیمار شود و اگر بیند که شغال را بازی کرد دلیل که برزنی عاشق شود و اگر بیند
که گوشت شغال میخورد دلیل که بیمار شود و شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گزارده شود و موی و پوست و استخوان شغال ...

شفتالو ابن سیرین رح گوید شفتالو در خواب اگر زرد بود دلیل بیماری بود و اگر سرخ باشد منفعت کمتر بود و اگر بیند شفتالو ...
... کنیزک باشد اگر وقت خود بود و مال باشد که بوی رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شفتالو در خواب بر پنج وجه بود اول
کنیزک دوم پسر سیوم علت چهارم مال پنجم منفعت از جهت مردی غریب اگر بیند که استخوان شفتالو بشکست و مغز وی بخورد دلیل
بر غم و اندوه بود و اگر شیرین بود دلیل که از مردی با اصل بقدر آن مال منفعت یابد

شکار کردن ابن سیرین رح گوید اگر بیند که
با سگ و یوز یا مانند این شکار میکرد و گوشت وی میخورد دلیل نیکوئی بود و اگر بیند که شکار بیفکند دلیل که غنیمت یابد
کرمانی رح گوید شکار کردن به دام گرفتن یا بچاه فکندن دلیل که زیان بود و بعضی معبران گویند که شکار گیر در خواب چه بیند دام و مکر بود

شکر ابن سیرین رح گوید پاره شکر در خواب سخن لطیف بود یا بوسه که کسی بدهد چون شکر ... و اگر ... شکر بسیار بود دلیل
مال و روزی حلال بود مغربی رح گوید شکر بسیار گرد کرده بود و فروختن آن نیک باشد یا قند و خریدن آن ... جعفر صادق
رضی الله عنه گوید شکر در خواب بر پنج وجه بود اول سخن لطیف دوم بوسه دادن سوم منفعت چهارم فرزندان پنجم مال

شکر گزاردن
ابن سیرین رح گوید اگر بیند که شکر خدای تعالی میکرد دلیل بر درستی دین و قوت جاه و مال و سعادت دو جهانی بود قوله تعالی
لئن شکرتم لازیدنکم

شکستن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی شکست دلیل که بقدر آن زیان رسد و اگر
بیند که شکست آن به گوهری بود دلیل که حسرت ... و اگر بیند که ظرفی یا آئینه شکست دلیل غم و مصیبت ...

مدام تعلق دارد بود و اگر بیند که از آلات چون چنگ و رباب و طنبور و مانند این چیزی بشکست دلیل خرمی بود **شکم** در تعبیر معبران سه قول است دانیال علیه السلام گوید شکم ظاهر و باطن مال بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فرزند بود و کرمانی رحمة الله علیه گوید شکم در خواب دلیل بر خویشان باشد اگر بیند که شکم وی بزرگ شد دلیل بر زیادتی مال و فرزند و یا خویشان کند و اگر بیند که شکم وی کوچک بود و از پوست وی چیزی نقصان شد دلیل بر نقصان مال و فرزند بود و اگر بیند که هر چه در شکم بود جمله بیرون آمد و بشست و باز بجای نهاد دلیل که حال او نیکو شود و مقصودش حاصل گردد و اگر مردی بیند که از شکم وی فرزندی بیرون آمد دلیل که از قبل وی کسی پدید آید که از بیت و را حاجت بفزاید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی شکم خود را آماسیده بیند دلیل که او را مال بسیار حاصل شود و اگر کسی شکم خود را شکافته بیند دلیل که او را مصیبتی رسد و اگر کسی بر شکم خود موی رسته بیند دلیل که او را از قبل عیال وام افتد و اگر کسی از شکم خود موی سترده بیند دلیل که وامش گذارده شود و اگر کسی بیند که سوراخی در شکم داشت دلیل که عیال مال او بخورد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید شکم در خواب بر چهار وجه بود یکی جای علم دوم خزینه سیوم نظام معیشت چهارم فرزند **شکنبه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شکنبه در خواب از جانوری که گوشت او حلال بود دلیل بر مال حلال بود و اگر بیند که شکنبه پر سرگین بود دلیل مال حرام بود و اگر بیند که شکنبه پخته خوردی دلیل که خیر و منفعت بیند **شکنجه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شکنجه در خواب دلیل بر خواری و بیچارگی بود و اگر بخواب بیند که او را از شکنجه المی رسید دلیل بر همین بود و اگر بیند که او را از شکنجه رحمت برسید تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که پادشاه او را در شکنجه کرد دلیل که از پادشاه گزند بیند **شکوفه درختان** شکوفه درختان بتاویل بوقت خویش بهتر بود و شکوفه زرد بتاویل کمتر از سرخ و سپید بود و گلنار در خواب عروسی نیکو بود و شکوفه درختان ببقدر کوتاهی و بلندی درخت سخن لطیف بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که هنگام شکوفه درختان سیم رد از گروهی که بدان درختان نسبت دارند سخن لطیف شنود و از ایشان خیر و منفعت بیند و اگر بیند که شکوفه می بوئید دلیل که مردم او را مدح و ثنا گویند **شل شدن** ابن سیرین رح گوید اگر بیند که اندامی از ان وی شل شد و یکنج خانه افتاده بود و نتوانست خواست دلیل که از کارهای بد توبه کند و شر خود از مردم باز دارد و اگر بیننده خواب مفسد بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که اندامهای او اندامهای وی خسته بود دلیل آنکس را از خویشی که بدان اندام نسبت دارد آفتی رسد **شلغم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شلغم در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که شلغم بکسی داد دلیل که بدانکس رنج رساند مغربی رحمة الله علیه گوید شلغم پخته در خواب به از خام بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شلغم از خود دور کرد دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد **شلوار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شلوار در خواب کنیزک عجمی بود با زن دون که بخواهد و اگر بیند که شلوار نو بخرید و بپوشید دلیل که کنیزک عجمی بخرد و اگر زنی بیند که شلوار پوشیده بود دلیل بر زنی مستوره بود و اگر بیند که او را شلوار بخشیده اند دلیل که او را خادمی زیادت شود و اگر بیند که شلواری نو یافت دلیل که خادمی نو یابد و اگر بیند که شلواری چرکین داشت دلیل که عقوبت حق تعالی جل و علا یابد قوله تعالی سَرَابِيلُهُم مِّن قَطِرَانٍ وَتَغْشَىٰ وُجُوهَهُمُ النَّارُ اگر بیند که شلوار سرخ در پای داشت دلیل که زنی با حرمت یابد و اگر بیند که شلوار زرد داشت دلیل که بیمار شود و اگر بیند که شلوار سبز داشت دلیل که مردم او را ملامت کنند و زرد و شلوار رنگین نیکو باشد اگر زنی بیند که شلوار نو خرید دلیل که شوهر کند و اگر بیند که شلوار وی گم شد دلیل که کنیزک یا خادم او بگریزد و اگر بیند که شاد

وبا وی برداشت دلیل که او را فرزندی خوبروی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید شلوار در خواب بر شش وجه بود زن و کنیزک و
شلوار بند دلیل بر دست ... برود و اگر بیند که شلوار بند سخت محکم داشت دلیل بر تحفظ و حکم طلب کند و اگر شلوار بند گسسته بیند
ازین عیب باشد شاکردان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کسی شمشیر میگردد دلیل که در میان ایشان خصومت بود
و هر شمشیر که در خواب بیند ... بود ... او را ... و دانیال علیه السلام گوید ... اما خواب گذار شمشیر را بر احوال ... تعبیر کرده
شمشیر در نیام بودن ... باشد و با نیام دلالت بسته و فرمانروائی بود و اگر بیند که شمشیر در دست داشت دلیل که او را پسری آید و
بیند که شمشیر از نیام بیرون بود دلیل همچنین بود و اگر بیند که شمشیر در نیام بود و نیام بشکست و شمشیر بسلامت بود دلیل بر فرزند
بسلامت بود و مادرش بمیرد و اگر بیند که شمشیر برهنه در دست داشت و با مردم کسی ... دلیل سخنی از وی شنیده بود که کسی را
و اگر بیند که شمشیر کسی بزد و کار گرفتند دلیل که زبان در حق آن کس گشاده باشد و اگر بیند که شمشیر کسی بزد و کار گر بود دلیل که آنکس را
ضرر باشد نسلش منقطع شود و اگر بیند که شمشیر در گردن حمایل داشت دلیل که والی شهر ... بود و اگر حمایل شمشیر دراز بود دلیل
احتمال ولایت دارد و اگر بیند که حمایل شمشیر کوتاه شد دلیل که ولایت وی بسیار زند و اگر حمایل شمشیر کوتاه ... کسب ...
اندست وی برود و اگر بیند که بی آنکه جنگ بود کسی را شمشیر زد دلیل که آن کس مشهور گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دست
آلوده بود دلیل که او را فرزندی آید و اگر فرزند موجود و فرمانروائی یابد و اگر بیند که کسی وی را شمشیر داد دلیل که توانگر گردد و اگر بیند که شمشیر
از نیام بر دو بشکست دلیل که فرزند وی بمیرد و بمیرد و اگر بیند که کسی او را شمشیر زد و خون از وی روان شد و جامه وی آلوده گشت
دلیل که او را مال حرام حاصل کنند و اگر بیند که شمشیر از وی بستدند دلیل بر عملی که دارد از وی بستانند و اگر بیند که شمشیر بر میان بست
دلیل که عمرش دراز گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شمشیر آهنین داشت دلیل که کارش قوی گردد و اگر بیند که شمشیر از چوب داشت
دلیل که از زنی بزرگ خیر یابد و اگر بیند که شمشیر از مروارید داشت دلیل که از علمای اهل دین قوت یابد و اگر بیند که شمشیر از چوب داشت دلیل
که کارش ضعیف شود و اگر بیند که شمشیر سفالین داشت دلیل که از زنان پادشاه قوت یابد و اگر بیند که نیام شمشیر شکسته بود دلیل که زن او
بمیرد و اگر بیند که شمشیر وی دو دم بود دلیل که کارش میان دو گرده و اگر بیند که شمشیر وی چوبی بود دلیل که کارش باطل باشد و اگر بیند
که چون آیینه بود و ... دلیل که از مهتری نواخت و حرمت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شمشیر در خواب بر پنج وجه بود
فرزند دوم ولایت سیوم حجت چهارم منفعت پنجم ظفر یافتن بر دشمن و شمشیر کند در خواب مردی بود قوی و فصیح زبان شمع ابن سیرین
گوید شمع در خواب دولت و عز و جاه و فراخی عیش و نعمت بود و اگر بخواب بیند که شمع افروخته داشت دلیل که دولت و نعمتش زیادت شود و اگر بیند
که شمع افروخته در خانه خود نهاده بود و همه خانه از نور روشن بود دلیل که در آن سال نعمت بروی فراخ گردد و تجارت وی روان شود
و بعضی گویند که او را زن با جمال مستور باشد و اگر بیند که شمعی افروخته او را دادند دلیل که عز و دولت یابد و اگر بیند که او را شمعی
با شمعدان سیمین بود دلیل که زنی بجهد که اصل نیک باشد و اگر بیند که شمعدان زرین بود دلیل که زنی توانگر با ... بخواهد
و اگر شمعدان از آهن بود دلیل که زنی از قبیله متوسط خواهد و اگر بیند که شمعدان از مس بود دلیل که زنی با اصل خواهد و اگر بیند که شمعدان ...

بود و دلیل که زنی از اهل کار خواهد و اگر بیند که شمعدان از آهن بود دلیل که زنی از اهل قوی خواهد و اگر بیند که شمعدان از سفال بود دلیل که
زنی از مردمان عامه باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شمعی افروخته بر دست داشت ناگاه بمرد زنش بمیرد و اگر بیند که شمع افروخته
در دست داشت و کسی بکشت دلیل که آنکس حسد برو برد و اگر بیند که روشنی شمع کم شد دلیل که عز و دولتش کم شود دانیال علیه السلام
گوید که اگر بیند شمع افروخته در دست داشت دلیل که اگر زن دارد او را پسری آید و اگر در شهری شمعهای افروخته بسیار بیند دلیل که پادشاه
آنجا عادل و دادگر باشد و قاضی منصف و دانشمند و زاهد و خرمی در آن شهر بسیار بود و اگر در مسجد شمع بسیار بیند دلیل که مردمان آن محله
بطاعت و تعلم علم مشغول باشند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شمع در خواب بر چهارده وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم
فرزند چهارم عروس پنجم فرمان روائی ششم مهتری هفتم سرای هشتم شادی نهم توانگری دهم علم یازدهم عیش دوازدهم
سیزدهم زن چهاردهم دلیل بر بیننده **شنا کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شنا کردن در خواب در آب صافی طلب
کردن بحیلت و تدبیر بود و اگر بیند که در آب صافی شنا کرد و غرق شد دلیل که در مال دنیا غرق شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
که در دریا شنا کرد و بکنار نتوانست رفت دلیل که پادشاه او را از عمل باز دارد و اگر بیند که شنا کردن بروی آسان بود دلیل که
کار وی آسان گردد و اگر بیند که شنا بروی دشوار بود دلیل که کار وی دشوار گردد و اگر کنار دریا نبیند دلیل که در حبس افتد
و اگر بیند که آب غلبه کرد و او در میان آب بمرد دلیل که در دست خصمان هلاک شود و اگر بیند که از غرق شدن امان یافت دلیل که از شغلهای
اینجهانی سلامتی یابد و در کار آخرت در آید و اگر بیند که آب او را بزمین فرو برد دلیل که او را غمی پیش آید و اگر بیند که از زیر آب بزمین
آمد از غم فرج یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از دریا شنا و بیرون آمد و جامه در پوشید دلیل که از شغلهای پادشاه خلاصی
یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که تاویلش بازگونه بود و اگر بیند که از مردی بزرگ شنا و بکنار آمد دلیل که از شغلی بزرگ رستگار گردد
و اگر بخلاف این بیند دلیل که در آن شغل بماند **شنگرف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شنگرف در خواب غم و اندوه بود و اگر
بیند که شنگرف داشت دلیل که اندوه یابد و اگر بخواب بیند که شنگرف خورد دلیل که بیمار شود و اگر بخواب بیند که بشنگرف سوره
می نگاشت دلیل که بلهو باطل دنیا فریفته شود و اگر بیند که بشنگرف چیزی می نبشت اگر قرآن یا دعا یا توحید بود دلیل نیکوئی بود و اگر
بخلاف این بیند دلیل که مضرت یابد **شهادت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شهادت بر می آورد دلیل که از غمها
فرج یابد و عاقبت کارش محمود بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر مصلح بود و بیند که شهادت بر می آورد دلیل که بوقت مرگ شهادت
یابد و اگر بیند مفسد بود دلیل که توبه کند و از گناه پشیمان شود و اگر بیند در خواب مشرک بود دلیل که مسلمان گردد و عاقبت بخیر بود
شاه بلوط ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاه بلوط داشت و میخورد دلیل که غمگین گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که شاه بلوط داشت یا بکسی داد دلیل که بقدر آن از مردی بخیل منفعت یابد **شهد** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
شهد با موم بود و تاویل میراث بود یا غنیمت حلال بود و اگر بیند که شهد داشت دلیل که بقدر آن از جائی میراث حلال یابد
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شهد داشت دلیل که بقدر آن علم و دانش حاصل کند و اگر بیند که از آن شهد مردم را اطعام

شهد

و میخورند دلیل که مردم از علم او فایده یابند و اگر بخلاف این بیند منفعت نیابد و معبران گویند که شهد دلیل بر غنیمت
جعفر صادق رضی الله عنه گوید در خواب شهد دلیل بر پنج وجه بود یکی میراث دوم غنیمت سیوم علم چهارم قرآن پنجم روزی فراخ بود

شهرستان

شهرستان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بشهرستان اندر شد دلیل که در بیم و خوف بود و عاقبتش بهتر گردد و اگر بیند
که در شهرستانی ساکن شد دلیل که بخدمت پادشاه شود و خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید شهرستان در خواب
بر هفت وجه بود یکی پادشاه دوم رئیس سیوم عامه چهارم قوت دین پنجم ایمنی ششم ظفر یافتن هفتم دلیل رستگاری کارها

شهر

شهر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شهری شد دلیل که دینش قوی گردد و اگر کافر بود در خیر او باید تمام شود و برا
برسد و اگر بیند که از شهر بیرون آمد یا او را کسی از شهر بیرون کرد دلیل که اندیشه بخلاف این بود و اگر کسی خود را بر کنگره یا بر برج
شهر بیند دلیل بر بزرگی او بود و اگر بیند که از شهری بشهری او را گردند دلیل که زن را طلاق دهد و زن وی شوی دیگر کند و اگر بیند
که در شهری مقیم شد دلیل که زن از وی جدا شود و اگر بیند که از شهر مسلمانان بشهر کافران تحویل کرد دلیل که از دین به بدعت
باطل گراید و باشد که زنی کافر را بزنی کند و اگر در شهری گرم سیر برف و یخ بیند دلیل بر قحط و تنگی بود و اگر در شهری سردسیر بیند دلیل
فراخی و ارزانی نعمت بود و اگر بیند که در شهری رفت و آن شهر او را خوش آمد دلیل که عز و جاه یابد و اگر بیند که از روستا بشهری رفت
دلیل که خیر و منفعت بدو رسد و اگر بیند که از شهر بروستا رفت دلیل که مرادش بر نیاید لقوله تعالی رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَٰذِهِ الْقَرْيَةِ
الظَّالِمِ أَهْلُهَا و اگر در شهری گشت و بدو نادیدش نیکو بود و اگر بیند که زنان در شهری رفتند دلیل که در آن شهر فتنه و ...
و اگر بیند که زنان در آراسته شهری رفتند دلیل که در آن دیار نعمت و فراخی بود و اگر بیند که زنان بشهر درون شدند دلیل که
پادشاه آنجا رود و بر اهل آنجا ظلم و بیداد کنند و اگر بیند که روی بسته بشهری درون شدند دلیل که در آن شهر خبرهای ...
و اگر در خواب در شهری جانب مشرق بیند دلیل که بهتر باشد از جانب مغرب مغربی رح گوید اگر خواب خود را بشهر هندوستان بیند
دلیل که بد باشد و اگر خود را در شهرهای ترکستان بیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر خود را در شهرهای بلغار و سقلاب بیند دلیل
که بروی خیانت بود و کارها بروی پوشیده گردد و اگر خود را در شهرهای ماوراء النهر بیند دلیل که عز و جاه و ایمنی یابد و اگر خود
را در خوارزم بیند دلیل که کارش بسته گردد و اگر خود را در شهرهای عراق بیند دلیل که دولت و کامرانی یابد و اگر خود را در شهرهای
خراسان بیند کار او بآسانی تمام گردد و اگر خود را در شهر فارس بیند دلیل که صحبت او با مردمان پارسا بود و اگر خود را در شهر
کرمان بیند دلیل که عیالش بسیار شود و اگر خود را در شهرهای حجاز بیند دلیل که حج کند و اگر خود را در شهر یمن بیند دلیل بر سکینت
و ایمنی بود و اگر خود را در شهرهای مصر بیند دلیل که شادمان و خرم گردد و اگر خود را در شهرهای آذربایجان بیند دلیل که در
کارها رنج و بلا کشد و اگر خود را در شهر ارمنیه بیند دلیل که مرادش بر آید و اگر خود را در شهرهای مغرب بیند دلیل که ...
افتد و اگر خود را در شهرهای فرنگ بیند دلیل که کار دنیای او نیک گردد اما در دین ضعیف باشد و اگر خود را در شهرهای ...

شهرهای معروف

بیند دلیل که کار او نیکو باشد شهرهای معروف دیدن کرمانی رح گوید اگر خود را در مکه بیند دلیل که عز و نصرت یابد و اگر خود را در

بیند دلیل که او را با تجار صحبت افتد و از ایشان منفعت یابد و اگر خود را در شهر سن[?] بیند دلیل که از ترس و بیم ایمن گردد و اگر خود را
بطایف بیند دلیل که سفر بسیار کند و نیک باشد و اگر خود را به بصره بیند دلیل که از علما بهره مند گردد و اگر خود را بواسط بیند
دلیل که دیندار و پارسا شود و اگر خود را بکوفه بیند دلیل که از عام نیکوئی یابد و اگر خود را به بغداد بیند دلیل که توانگر شود و بازرگانی فتح
او را خیر رساند و اگر خود را بحلوان بیند دلیل که معیشت خوش گذراند و اگر خود را باصفهان بیند دلیل که او را با بزرگی صحبت افتد
و اگر خود را بموصل بیند دلیل که بمراد رسد و اگر خود را بدمشق بیند دلیل که روزی بروی فراخ گردد و اگر خود را بحلب بیند دلیل که از بزرگی
منفعت یابد و اگر خود را بانطاکیه بیند دلیل که از مهتری منفعت یابد و اگر خود را به بیت المقدس بیند دلیل که عز و کامرانی یابد
و اگر خود را باخلاط بیند دلیل که کارش شوریده شود و اگر خود را بقیصر بیند دلیل که منفعت یابد و اگر خود را در زرقند[?] بیند دلیل که کارش
بسته گردد و اگر خود را به تفلیس بیند دلیل که کارش نقصان گیرد و اگر خود را بگنجه بیند دلیل که نعمتش زیادت گردد و اگر خود را بخوی بیند
دلیل که مالش کم شود و اگر خود را بمراغه بیند دلیل که امان و راحت یابد و اگر خود را به تبریز بیند دلیل که از رنج رسته گردد و اگر خود را بزنجان
بیند دلیل که اندوهگین شود و اگر خود را بهمدان بیند دلیل که جاه و منفعت یابد و اگر خود را بقزوین بیند دلیل که او را با مهتری صحبت افتد
و اگر خود را در ری بیند دلیل که او را سود کلی[?] افتد و اگر خود را بگرگان [بیند] دلیل که او را خصومت افتد و اگر خود را به بهستان[?] بیند دلیل که [illegible]
شود و اگر خود را به بسطام بیند دلیل که خرمی یابد و اگر خود را بساوه بیند دلیل که مالش نقصان یابد و اگر خود را بمرو بیند دلیل که شغلش
ساخته بود و بجائی بماند و اگر خود را بنیشاپور بیند دلیل که با مردی بزرگ او را صحبت افتد و اگر خود را بطوس بیند دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر
خود را به بلخ بیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر خود را بسمرقند بیند دلیل که در میان مردم نامدار شود و اگر خود را بغزنین بیند دلیل که از بزرگان
خیر و منفعت یابد و اگر خود را بکاشغر بیند دلیل که اندوهگین شود و اگر خود را باسکندریه بیند دلیل که کاری در پیش گیرد و از آن پشیمان شود
و اگر خود را باندلس بیند دلیل که با وی خیانت کند و اگر خود را در حصاری بیند دلیل که کارش فرو بندد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
شوربا در خواب بر چهار وجه بود یکی دین دوم آشکارا شدن سیوم عیش خوش چهارم زنیکه جفت وی باشد شوربا ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید شوربا در خواب اگر بگوشت باشد و طعم و بوی خوش داشته باشد دلیل منفعت بود و اگر بخلاف این بود دلیل بر غم و اندوه بود
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر شوربا با گوشت باشد و خوب پخته باشد نیکو باشد و اگر گوشت غلیظ باشد دلیل که غم و اندوه بود شونیز ابن سیرین
گوید شونیز در خواب دلیل غم و اندوه و کسیکه خوردنش دلیل بر مضرت کند و نقصان بود و اگر بیند که شونیز بسیار داشت دلیل که در اندوه گرفتار
شود شیراز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیراز در خواب غم و اندوه بود و هر چه ترش بود دلیل که اندوه صعبتر باشد و اگر بیند که شیراز بفقرو[?]
با کسی داد و از آن هیچ نخورد دلیل که خرمی بیند کرمانی رح گوید خوردن شیراز در خواب سخنی بد بود که از آن برنجد شیر دانیال علیه السلام
گوید شیر در خواب هر چند که تازه تر و خوبتر و شیرین تر باشد دلیل بر زیادتی مال کند و چون ترش بود تاویلش بخلاف این باشد و اگر
بیند که شیر تازه میخورد دلیل که بقدر آن مال حلال یابد و اگر زنی بیند که شیر در پستان وی جمع شد دلیل که او را فرزندی آید و اگر مردی
بیند که زنی که شیر وی ریخت دلیل که او را فرزندی آید و اگر مردی بیند که [illegible] سپید و شیده و عوض وی شیر خون می آمد دلیل که

شوربا

شونیز

شیراز

شیر

ی حرام باشد و اگر بیند که از پستان خود شیر میدوشید دلیل که کسب و معیشت خود زیان کند و اگر مردی بیند که گوشت شیر بخورد
میخورد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر زنی بیند که در پستان شیر بسیار دارد دلیل که از پادشاه مال یابد و اگر زنی بیند که گوشت شیر
شیر دوشید دلیل که زیان کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که شیر جمله چهارپایان که گوشت ایشان حلال بود و اگر خواب بیند که شیر گوسپند میدوشید دلیل که
و سود جستن کند و اگر بیند که شیر شتر میدوشید دلیل که از بزرگی مال یابد و اگر بیند که شیر آهو میدوشید دلیل که زنی بر وی فراخ گردد و اگر بیند که شیر
میدوشید دلیل که از زن مال و نعمت یابد و اگر بیند که شیر پلنگ میدوشید دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که شیر سگ میدوشید دلیل که از مردی
بزرگ مال حرام یابد و اگر بیند که شیر گاومیش میدوشید دلیل که مال یابد و اگر بیند که شیر خر میدوشید دلیل که بیمار شود و شفا یابد و اگر بیند که
شیر خرگوش میدوشید دلیل که اندکی منفعت یابد و اگر بیند که شیر خوک میدوشید دلیل که ابله و بی خرد گردد و اگر بیند که شیر روباه میدوشید
با کسی مکر و حیلت سازد و اگر بیند که شیر گرگ میدوشید دلیل که عیالش با وی خیانت کند و اگر بیند که شیر گربه میدوشید دلیل که مال یتیم
اسمعیل بن اشعث رحمة الله علیه گوید شیر دوشیدن در خواب از جانوری که گوشت حلال بود دلیل بر مال حلال کند و از جانوری که گوشت حرام
دلیل بر مال حرام بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید شیر در خواب بر سه وجه بود یکی روزی حلال دوم مال فرزند سیوم [illegible]

شیره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیره انگور در خواب خیر و منفعت دنیاوی بود قوله تعالی یغاث الناس و فیه یعصرون
اگر بیند که شیره انگور میفشرد دلیل که بپادشاهی بزرگ نزدیک شود و اگر بیند که شیره تازه میخورد دلیل که بی تکلف روزی حلال یابد و اگر
بیند که شیره بطعم ترش بود دلیل که روزی برنج و محنت آورد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شیره داشت دلیل که خیر و منفعت یابد
و اگر بیند که انگور و شیره می درشید و تلف میکرد دلیل که مال بسیار یابد و شیره هرچند که تازه و تر و شیرین بود منفعت آن بیشتر است
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیره در خواب بر چهار وجه بود یکی مال حلال دوم نعمت بسیار سوم علم و حکمت چهارم منفعت
شیر برنج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیر برنج در خواب شادی و خرمی و روزی حلال باشد و اگر بیند که کسی شیربرنج بوی
بخشید دلیل که از آن کس روزی یابد و اگر بیند که شیرینی خورد دلیل که منفعت یابد کرمانی گوید شیرینی در خواب کنیزک نیکو بود و اگر بیند که شیرینی
بود دلیل که پارسا بود و اگر شیرینی سرخ بود دلیل که طرب و عشرت دوست دارد و اگر زرد بود دلیل که کنیزک بیمار شود و جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن شیرینی در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم مال حلال سیوم علم و ادب و فرهنگ و حکمت و خوشی

نیکو چهارم کنیزک خوبروی **شیر** ابن سیرین گوید شیر در خواب دشمن بود و اگر بیند که با شیر جنگ میکرد دلیل که با دشمن جنگ کند
و از هر دو آنکه ظفر یابد و غالب باشد و اگر بیند که بر پشت شیر سوار شد دلیل که از پادشاه و بزرگ رسد و اگر بیند که از شیر میگریخت و شیر او را
طلب میکرد دلیل که از آنچه میترسد ایمن گردد و اگر بیند که گوشت شیر میخورد دلیل که از پادشاه مال یابد و بر دشمن ظفر گردد و اگر بیند که گوشت
شیر میخورد دلیل که از پادشاه خلعت یابد کرمانی رحمة گوید شیر در خواب پادشاه بود و اگر بیند که از اندام شیر چیزی بیافت از کسی بوی رسد
و خورد دلیل که از مال دشمن چیزی بخورد و اگر بیند که با شیر مجامعت میکرد دلیل که از جهانی به رسد گردد و مال یابد و اگر بیند که شیر
بر گرفت دلیل که با دشمنی آشتی کند و اگر بیند که شیر ماده با وی مجامعت کرد دلیل که از پادشاه خواری بیند و اگر بیند که شیر

از پیش وی بیرون شد دلیل که از پادشاه او رنج و مضرت رسد و اقبال علیه السلام گوید اگر بخواب بیند که سر شیر یافت دلیل که پادشاهی یا بد
و اگر بیند که پادشاهی او از شیر دادند دلیل که پادشاهی خود بدو دهد یا ولایتی از آن خود او را پادشاه گرداند و اگر بیند که بر شیر نشست
دلیل که دولت و رفعت او را زیادت گردد مغربی رحمة الله علیه گوید شیر نر در خواب پادشاه بود و شیر ماده زن پادشاه بود و اگر
که از شیر بسید و بشید دلیل که دبیر پادشاه گردد و اگر زنی بیر این خواب بیند دلیل که دایه پسر پادشاه شود و اگر بیند که شیر او را بر پشت گرفت
بود دلیل که دشمن بر وی ظفر یابد و اگر بیند که شیر او را بگزید دلیل که از دشمنی مضرت رسد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که شیر او را در بر گرفت دلیل که مقرب پادشاه گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل خشم پادشاه بود و اگر بیند که با شیر طعام خورد دلیل که سفله
پادشاه شود و اما پوست و گوشت و استخوان شیر در خواب جمله دلیل بر دشمن بود و اگر بیند که گوشت شیر میخورد دلیل که دشمن را باسانی
بدست آرد و اگر بخلاف این بیند تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر در خواب بر سه وجه بود یکی پادشاه
دوم مرد دلیر سوم دشمن قوی **شیر خورشت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیر خورشت در خواب روزی حلال بود و اگر در خواب
بیند که شیر خورشت جمع میکرد دلیل که از سفر مال حاصل کند و اگر بیند که شیر خورشت میخورد دلیل که مال بر عیال نفقه کند
و عوض باز یابد و اگر بیند که شیر خورشت داشت دلیل که مال از بازرگانی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیر خورشت
در خواب بر سه وجه بود یکی مال حرام دوم فراخی معیشت سیوم کام دل یافتن **شیشه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید شیشه در خواب
زن باشد و گویند خادمی بود که خدمت زنان کند و لیکن ثباتش نباشد و اگر بیند که شیشه خالی بود که بوی داد دلیل که زنی
درویش خواهد و اگر بیند که دران شیشه روغن بود مثل روغن گل و بنفشه دلیل بر زنی دیندار باشد مغربی رحمة الله علیه گوید زن
توانگر باشد و اگر بیند که از آن روغن چیزی بسر مالید دلیل که از مال زن چیزی بوی رسد و اگر بیند که از شیشه شرابی میخورد چون آب
سیب و شراب انار و غیره دلیل که بقدر آن مال زن خورد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شیشه آبگینه داشت و سپید و پاکیزه بود
دلیل که زنی خوبروی و پارسا خواهد و اگر بیند که شیشه بشکست دلیل که زن او هلاک شود و اگر بیند که شیشه ضایع شد دلیل که زنش را
طلاق دهد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شیشه داشت و در وی جلاب یا چیزی شیرین بود دلیل که زنی سازگار
خوش طبع خواهد و اگر جلاب ترش بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که در شیشه چیزی خوش بود دلیل که زنی مستوره و خوبروی
خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن شیشه در خواب بر سه وجه بود یکی زنی با جمال دوم کنیزک سیوم خادم خانه **شیلطج**
را دوست که در خوردن آن هیچ ضرر نباشد **حرف الصاد** **صابون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند
که جامه خود را بصابون می شست دلیل که از کارهای بد باز گردد و اگر بیند که جامه کسی بصابون می شست دلیل که کسی را از کار
بد باز دارد و اگر بیند که صابون میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر بیند که صابون بکسی داد که بخورد دلیل که مال خود را بخورد کسی دهد
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صابون بسیار داشت و جامه خود در شست دلیل که او را خواسته حاصل گردد و اگر بیند که تن
خود بصابون بشسته دلیل که از مردمان باز ماند مغربی رحمة الله علیه گوید صابون در خواب خریدن براز عروس بود اگر صابون

شیب بود و از آتش بوی خوش می آمد بیت بنگرید و صابون گرانی معتبر بود و حسن الحالی گردان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
صابون صابون در خواب مال بود و اگر کسی بخواب بیند که تن را بصابون بشوید دلیل که آسیا از دست گرفته و مستور و پوشیده
گایکرکه موافقت این بود آزو غضب کند و کسی را چیزی نشستن نماند و بعضی گفته اند که در وی نعمت بسیار شود و مشغول
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که تن را بصابون میشست دلیل که بخیانت و غیبت مردم مشغول بود و اگر بیند صرف در خواب دید
گری باشد که بدان کسیکه او ... **صاروج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صاروج کرد دلیل که با مردم سخن
او بود و صاروج کردن در خواب بوی خوش بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صاروج از بهر کسی کرد دلیل که آن کس با او
صادق رضی الله عنه گوید صاروج کردن در خواب بر سه وجه بود یکی سخن لطیف دوم مال کردن سیوم رضای آنکس
صاعقه صاعقه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صاعقه آتشی بود که از ابر جهد اگر بخواب بیند که از ابر صاعقه فتاد دلیل که عذاب
عذاب حق تعالی اهل آن مقام رسد قوله تعالی وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا پس
توبه باید کرد تا عذاب از ایشان رفع شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آتش از هوا مانند باران می بارد دلیل بر فتنه و ترس
از جهت پادشاه بود و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صاعقه بیفتاد و مال او را بسوخت دلیل که عقوبت پادشاه بدو رسد **صبح**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صبح صادق بدمید و جهان روشن شد دلیل که اهل آن دیار را ایمنی حاصل شود و اگر بیند
که بعد از صبح تاریکی پیدا شد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صبح دمید و سرخ بود چنانکه زمین از
عکس آن سرخ شد دلیل که در آن دیار قتل و خون ریختن شود و اگر رنگ صبح زرد بود دلیل بیماری بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن صبح در خواب دلیل بر قوت صلاح دین مردم آن دیار بود **صبر** صبر در خواب عالمی بود که غرض از علم و جذب مال بود و اگر بیند
که صبر میخورد دلیل که عالمی بدین نوع شود و اگر نخورد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید صبر خوردن بخواب دلیل غم
بود که بوی رسد **صحبت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر صحبت با مردم مصلح و پارسا میداشت دلیل بود با منفعت
زندگانی او باشد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر فساد و تباه کاری او باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که همراهی
با پادشاه میکرد دلیل که از پادشاه او را خیر و منفعت برسد و اگر بیند که همراهی با مردی عالم میکرد دلیل که علم و دانش
یابد و کارش بنظام شود و اگر بیند که با مشرکی همراهی میکرد توبه باید کرد و اگر بیند که با بزرگی همراهی میکرد دلیل که مهتر
شود **صحرا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن صحرا در خواب خرمی و نیکو دلی بود از قبل پادشاه و بقدر بزرگی صحرا اگر
صحرائی آمد او بیند و در آن خار و خس بسیار باشد و او در آنجا میگشت دلیل که او را با پادشاه و لشکری کار
صحبت افتد و مقرب وی شود و اگر صحرائی بیند که در او سبزه بود دلیل که با مرد فاضل و عالم صحبت افتد و نعمت
یابد **صحف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که صحف ابراهیم علیه السلام میخواند دلیل که او را در کسی با ثواب
نامه که از کتاب خدای بود و اگر بیند که صحف ... میخواند دلیل که صحبت با مردم منافق و ریا ... مغربی گوید اگر بیند که ... اگر

علیه السلام میخواند دلیل که اعتقادش در دین مسلمانی بود و کبران و جهودان را دوست دارد و میل تمام با ایشان بود صحیفه بمعنی
دار دیکی نامه و دوم دوتم کاغذ سوم پرده ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر صحیفه چیزی مینوشت دلیل که میراث یابد
و اگر بیند که بر صحیفه کسی از بهر خود چیزی مینوشت دلیل که از مردی دین دار با امانت چیزی یابد و اگر بیند که بر صحیفه بخط سبز چیزی
نبشت دلیل که از مصیبت زود چیزی یابد و اگر بر صحیفه چیزی ننوشت دلیل که میراث نرسد صدف کرمانی رحمة الله علیه گوید
صدف در خواب زن بود و اگر بخواب بیند که صدفی داشت دلیل که زنی خواهد یا کنیزکی خرد و اگر بیند که صدف ضایع شد دلیل که
خادم او بگریزد صدقه دادن خلاف است معبرانرا درین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که عالمی صدقه میداد
دلیل که از علم وی بمردم نفع رسد و اگر بیند که پادشاه صدقه داد دلیل که منفعتش بسیار بود و اگر بیند که پیشه وری صدقه داد
دلیل که شاگردانرا کار آموزد کرمانی رحمة الله علیه گوید صدقه دادن در خواب ایمنی بود و خلاصی از رنج و سختی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر وامداری بیند که صدقه داد دلیل که وامش گذارده شود و اگر بنده بیند که صدقه داد دلیل که آزاد گردد و اگر زندانی بیند که صدقه داد
دلیل که آزاد گردد و اگر زندانی بیند که صدقه داد دلیل که خلاصی یابد و اگر ملحد بیند که صدقه داد دلیل که مسلمان شود فی الجمله صدقه
دادن در خواب بر سعادت دو جهانی باشد صراط ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بر صراط ایستاده بود
دلیل که کارهای کج بر دست وی راست گردد زیرا که صراط راه راست است قوله تعالی وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا
اگر بیند که از صراط بگذشت دلیل که از بلای مرگ و بزرگ ایمن گردد و اگر بیند که از صراط در دوزخ افتاد دلیل که در رنج و بلا و مصیبت
افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از صراط بگذشت دلیل که راه آخرت گزیند و عمل صالح کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن صراط در خواب بر شش وجه بود یکی راه راست دوم صحبت کار سوم ترس چهارم رحمت از قبل سلطان پنجم گناه ششم نفاق
صفه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صفه در خواب مادر و پدر بود اگر کسی بیند که صفه سرایش نو و پاکیزه و بلند بود دلیل که بر
درازی عمر و سلامتی نفس مادر و پدر باشد و اگر بیند که صفه بیفتاد و خراب شد دلیل بر هلاک پدر و مادر مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که صفه از جانب راست خلل کرد و در آن رخنه افتاد دلیل که پدر بیمار شود و اگر بیند که رخنه از جانب چپ بود دلیل که مادرش
بیمار شود و اگر مادر و پدر ندارد دلیل که او را غم و اندوه رسد صلوات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که صلوات
بر حضرت رسول صلی الله علیه و سلم میداد دلیل که حاجتهایش روا گردد و روزی بر وی فراخ گردد و خاتمت کارش بسعادت
بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صلوات بسیار میداد دلیل که حج کند و گوید که پیغامبر صلی الله و سلم را بخواب بیند دلیل که
سنتهای پیغامبر صلی الله علیه و سلم بجای آورد صمغ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که صمغ از درخت آنچنانست که فضله آن چیز
و اگر بخواب بیند که صمغ داشت یا بوی کسی داد دلیل که بقدر آن از فضله مال کسی بخورد و اگر بیند که صمغ بکسی داد دلیل که از فضله
مال خود چیزی بکسی دهد مغربی رحمة الله علیه گوید صمغ در خواب منفعتی اندک بود که از مردی بوی رسد که بدان درخت منسوب است چنانچه
اگر صمغ بادام خورد دلیل که از مردی بخیل منفعت یابد اگر صمغ زردآلو خورد دلیل که از مردی بیمار منفعت یابد و اگر صمغ مغیلان داشت

دلیل که از مردی بیابانی منفعت یابد صنج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صنج درخواب مکروه و کلام باطل و دروغ بود و اگر بیند که
در پیش او صنج میزدند دلیل که بدروغ و باطل رضا دهد و اگر بیند که صنج یا چنگ چغانه میزدند دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود که باهل او
رسد و اگر بیند که صنج بشکست یا بینداخت دلیل که از کلام باطل و دروغ توبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید صنج زدن درخواب
بر پنج وجه بود یکی خبر مکروه دوم کلام باطل سوم متاع چهارم دنیا پنجم غم و اندوه صندل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر دید
که صندل داشت یا کسی بوی داد دلیل که مدح و ثنای او گویند و اگر بیند که صندل سپید داشت دلیل که از مردی بزرگوار عطا
یابد و هر چند که بوی صندل بیشتر بود منفعت او بیشتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن صندل درخواب بر چهار
وجه بود یکی ثنا و آفرین دوم خیر و برکت سوم جاه و منزلت چهارم منفعت و صندل سپید بهتر از صندل سرخ بود صندوق
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صندوق درخواب زن بود و بعضی معبران گویند که عز و جاه بود و اگر بخواب بیند که صندوق
بزرگی نو بخرید یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن عز و جاه یابد و اگر بیند که صندوق وی ضایع شد یا بشکست دلیل که جاه وی
کم شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صندوق پاکیزه داشت دلیل که زنی خوبروی و پاکیزه بود و اگر بیند که صندوق کهنه بود
تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن صندوق درخواب بر سه وجه بود یکی عز و جاه دوم بلندی
و مرتبت سوم زن بود صورت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که چهره او بصورت دیگر بدل گشت دلیل که
احوالش مانند آنکه دیده باشد بگردد و اگر بیند که بصورت خود باز گشت دلیل که بخدای تعالی باز گردد و اگر درخواب صورت
خود باژگونه بیند دلیل که هر کس روی از وی بگرداند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صورت آدمی یا صورت جانوری
شد دلیل که بمذهب دروغ زن بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید که صورت درخواب کسی بیند که بر خدای تعالی دروغ گوید
صوف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید جامه صوف درخواب خیر و منفعت دنیا بود خاصه که مردم مصلح را و اگر بیند که
صوفیان بیرون آمد دلیل که میل بخطا و گناه بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که صوفی شده مرقع پوشیده و در میان
صوفیان مقام داشت دلیل که همین به بیداری بیند و اگر بیند که صوفیان او را از میان خویشتن بیرون کردند تاویلش
این بود و اگر بیند که صوفی شد یا با صوفیان نشست دلیل که طاعت بنفاق کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید صوفی
شدن درخواب بر چهار وجه بود یکی دست از دنیا برداشتن دوم از خلق کناره گرفتن سوم پیوسته بعبادت مشغول بودن
چهارم طمع کسی نداشتن صیقل ابن سیرین رح گوید صیقل درخواب پادشاه بود و بعضی گویند وزیر پادشاه بود و اگر
بیند که صیقلی میکرد اگر از اهل صلاح بود دلیل که پادشاهی یابد یا مقرب پادشاه شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید
که صیقلگر درخواب مردی باشد که بدست خود حق از باطل جدا کند صینی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید صینی آلت زنان
بود و اگر صینی روشن و پاکیزه بیند دلیل که زن خادمه با جمال بود و اگر تیره بیند دلیل که زن خادمه زشت روی بود و
و اگر بیند که آلات صینی داشت یا فرا گرفت دلیل که زنی خادمه بخانه آورد یا کنیزک یا زن بمیرد یا بگریزد جعفر صادق

گوید دیدن آلت در خواب بر سه وجه بود یکی زن خادمه دوم کنیزک سیوم منفعت از زنان حرف الضاد ضرابی ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید ضرابی در خواب مردی باشد که سخنان خود را بیاراید و بفخر باز گوید اگر بخواب بیند که ضرابی میکرد
دلیل که سخنی چند بی اصل بیاراید و لطیف و شیرین بگوید و اگر بیند که درم در روی بیزد دلیل که بر سخنان درشت و ناخوش
بود که مردم از آن سخنان برنجند ضعیف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ضعیفی در خواب نقصان جاه بود و اگر بیند که سر وی ضعیف
شد دلیل که قدر و جاهش کم شود و اگر بیند که چشم وی ضعیف شد دلیل که در دین ضعیف باشد و اگر بیند که گوشت وی
ضعیف شد دلیل که زنش یا خادمش بیمار شود و اگر بیند که بینی وی ضعیف شد دلیل که جاه و منزلتش کم شود و اگر بیند که زبانش
ضعیف شد دلیل که سخنان باطل گوید و اگر بیند که گردنش ضعیف شد دلیل که امانت کم گذارد و اگر بیند که قفای وی ضعیف شد
دلیل که غیبت مردم کند و اگر بیند که دست وی ضعیف شد دلیل که زنش بیمار شود و اگر بیند که ساعدش ضعیف شد دلیل که او بیمار گردد
بیمار شود و اگر بیند که بازوی وی ضعیف شد دلیل که تدبیر و رای وی محال گردد و اگر بیند که پستان او ضعیف شد دلیل بهینی و دل دارد
و اگر بیند که انگشتش ضعیف شد دلیل که دخترش بیمار شود و اگر بیند که شکم وی ضعیف شد دلیل که آنکس که پشت و پناه او باشد ضعیف گردد
و اگر بیند که سرین وی ضعیف شد دلیل که حال بهتری از خویشان وی بگردد و اگر بیند که ران وی ضعیف شد دلیل که کسی از خویشان وی
بیمار گردد و اگر بیند که زانوی وی ضعیف شد دلیل که مال او نقصان پذیرد و اگر بیند که تن وی ضعیف شد دلیل که اندوهگین گردد ضیاع
زمینهای املاک بود و اگر بیند که در زمین خود تخم میکاشت دلیل که احوالش نیکو باشد و اگر بیند که ضیاع وی بوقت خود رسته بود دلیل که
در راه دین نیکو باشد و اگر بیند که جمله ضیاع خود بفروخت و بهاء بستد دلیل که در رنج و غم افتد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر خیر و صلاح
بود و اگر بیند که ضیاع خود آبادان میساخت دلیل که بقدر عمارت مال بنا حاصل کند و اگر بخلاف این بیند دلیل که او را نقصان مال رسد
اگر بیند که سیل ضیاع او را خراب کرد دلیل که از قبل پادشاه مضرت رسد حرف الطاء طاس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طاس در خواب
زن خادمه بود یا کنیزک خدمت خانه کند اگر بیند که طاسی داشت کسی بوی داد دلیل خادمه بخانه آورد یا کنیزکی بخرد و اگر بیند که طاس وی بشکست دلیل که
آن زن از وی جدا شود یا بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید طاس در خواب کنیزک با سیرت بود و اگر بیند که طاس آب بوی دادند و بخورد دلیل که از آن کنیزک
آید و اگر بیند که طاس بشکست و آب بماند دلیل که کنیزک بمیرد و فرزندی که باشد بماند و اگر بیند که آب بریخت و طاس بسلامت بود دلیل که فرزند بمیرد و
کنیزک بماند جعفر صادق رضی الله عنه گوید که طاس در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کنیزک سیوم فرزند چهارم منفعت از زنان طالع ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که طالع بد و داده اند تا خزانه خود مهر کند دلیل که عز و جاه و شرف یابد زیرا که طالع بهتر و قوی تر از انگشترین بود کرمانی گوید اگر بیند که طالع
با امیری طالع بدو داده اند تا خزانه او مهر کند دلیل که مال خود بدو سپارد و اگر بیند که سزاوار نبود دلیل که بقدر خود جاه و بزرگی یابد جعفر صادق گوید
طالع در خواب بر سه وجه بود یکی بزرگی و جاه دوم خزانه سیوم مال جمع کردن طاعون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن
طاعون دلیل بر فتنه و بلا باشد و اگر بخواب بیند که بر تن وی علت طاعون بود دلیل که در فتنه و بلا افتد مغربی رحمة الله گوید طاعون
در خواب جنگ و کارزار بود طاوس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طاوس نر در خواب پادشاه عجم بود و اگر بیند که طاوس نر را داشت

ضراب
ضعیف
ضیاع
طاس
طالع
طاعون
طاوس

دلیل که از پادشاه جاه و مال حاصل کند و اگر بیند که طاوس او ببرد و از دستش برفت دلیل که زنی عجمی بزرگ با جمال بخواهد و از وی
فرزندان حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طاوس با کبوتر جفت شد دلیل که قوادگی کند دانیال علیه السلام گوید
طاوس در خواب زنی مفسده بود و اگر بیند که طاوس نر با وی سخن گفت دلیل که ولایت یابد و اگر بیند که نر و طاوس با وی بر
دلیل که بیگانه با عیال او فساد کند و اگر بیند که طاوس از خانهٔ وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که طاوس را بکشت دلیل که دنیا
دختری روشنگی بستاند و اگر بیند که طاوس در دست داشت دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بیند که بچه طاوس را بگرفت دلیل که
ورا دختری آید و اگر بیند که طاوس نر از دست وی بپرید دلیل که از پادشاه جدا افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید طاوس
در خواب بر دو وجه بود یکی پادشاه عجم دوم زن [illegible] و مال **طباخ** در خواب مردی حریص بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که طباخی میکرد و آن طبخ بطعم خوش بود دلیل که خیر و نیکی بیند و اگر بخلاف این بیند دلیل که مضرت یابد **طبق** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید طبق در خواب خادمی بود که کار مجلس سازد وقت شادی و هر که در او بیند شاد گردد و اگر بیند که طبقی بزرگ داشت
دلیل که بدین صفت او را خادمی حاصل آید و اگر بیند که طبق بشکست دلیل که خادم او بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند طبق
در آتش افتاد و بسوخت دلیل که کنیزک وی یا پرستارش بیمار شود و بطاعون و سرسام گرفتار آید جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن طبق در خواب بر چهار وجه بود یکی خادم خانه دوم مجلس سوم کنیزک چهارم هدیه **طبل** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید طبل در خواب سخن باطل و دروغ بود و اگر بیند که با طبل نای و رقص بود دلیل بر غم و مصیبت باشد و اگر بیند که طبل
سفر و میزد دلیل که سخنی باطل گوید یا چیزی مشهور بدو رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طبل میزد دلیل که کاری باطل
کند و طبال در خواب مردی بود که دروغ آراسته کند **طبیب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طبیبی بیمار را علاج کرد و درست
شد دلیل که یکی را از راه فساد براه صلاح آورد و اگر بیند که بیماری بر آنکس صعبتر شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که مرهم
او را داد و نافع آمد دلیل که علم گوید و پند دهد و مردم پند وی پذیرند و بعلم وی کار کنند و اگر داروی وی نافع نبود تاویلش
بخلاف این بود و طبیبی کردن در خواب مردم مصلح را دین و راه راست آخرت بود و مردم مفسد را اصلاح تن و کسب معیشت
بود **طعام** دانیال علیه السلام گوید هر طعام و شراب که آنرا رسیده باشد تاویلش بد بود مگر پالوده و غیره زیرا که جواهر حلوا از عسل
روغن و انگبین باشد و این بهر دو در تاویل مال بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر طعام که بخوردن دشوار و بمزه باشد تاویلش
رنج و اندوه بود و هر چه ترش باشد دلیل بر بیماری بود و طعام شیرین تاویلش خوش بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طعام از زر
و سیم بستد دلیل بر زیان مال باشد و اگر بیند که طعامی در خانه داشت و همه بخورد دلیل که عمرش بسر آمده باشد و اگر بیند که چندان
بخورد که طاقت نداشت که برخیزد دلیل بر مرگ وی بود و اگر بیند که مرده طعام میخورد دلیل که آن طعام گران شود جعفر صادق رضی الله
عنه گوید اگر بیند که درویشی را طعام داد دلیل که از غم و رنج و ترس و بیم رسته گردد و اگر بیند که کافر را طعام داد دلیل که در کار دشمنان
حق تعالی او را یاری دهد **طعنه** نیزه زدن بود و اگر بیند که کسی را نیزه زد و نیزه در تن وی درون شد دلیل که آنکس بقدر آن جرم

فصل الطاء

دشمنی اینکس و دل دارد مغربی رحمة الله علیه گوید طعنه زدن در خواب سخن زشت گفتن باشد اگر بیند کسی را طعنه زد و جای او درست
دلیل که از سخنی که در حق وی بگوید او را در حاصل آید و اگر درو نگذرد تاویلش بخلاف این بود **طلاق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که زن را طلاق داد و او را یک زن بود دلیل که از شرف و بزرگی افتد و اگر او را زنی دیگر بود بغیر این زن دلیل که از شرف و جاه بعضی
نقصان پذیرد و جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که زن را طلاق داد دلیل که کاری کند که از آن پشیمان شود و خلع کردن در حد
توانگری بود و قوله تعالی وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِ **طلع** ابن سیرین رحمة الله علیه طلع بار خرما بود اگر بیند
که یک طلع یا دو باشه فراگرفت دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که طلع خورد دلیل که مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر بیند که طلع بسیار
داشت و از آن نخورد و بکسی بداد دلیل که پادشاه مالش بستاند و عاقبت خشنود شود و جعفر صادق رضی الله عنه گوید طلع
در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم رحمت سوم منفعت چهارم ستدن مال بغصب **طلق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
طلق اندک مایه سختی بود که در کارها زیراکه جوهری از سنگ است اگر بیند که از جائی طلق بسیار جمع میکرد دلیل که او را بمکر و حیلت
از سفر مال حاصل گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طلق محلول بر تن بمالید و در میان آتش رفت و از آتش هیچ رنج بوی نرسید
دلیل که شر پادشاه از وی دفع شود و اگر بیند که طلق میخورد دلیل که مال برنج و سختی حاصل کند و اگر بیند که طلق از وی ضایع شد
دلیل که مالش تلف شود **طنبور** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در خانه و منزل خود طنبور میزد دلیل که در آنجا غم و مصیبت
بود و اگر بیند که طنبور وی بشکست دلیل که توبه کند و اگر بیمار بیند که طنبور میزد دلیل که مرگش نزدیک بود و اگر کسی بیند که آواز
طنبور می شنید دلیل که سخن باطل شنیدن رضا دهد **طوطی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طوطی در خواب فرزند یا غلام بود اگر
کسی بخواب بیند که طوطی از دستش بپرید دلیل که فرزند یا غلام او بسفر رود و اگر بیند که طوطی با وی سخن گفت دلیل که سخنی
گوید یا کاری کند که مردم از آن عجب آید و طوطی ماده دختر دوشیزه بود و طوطی نر مردی پاک دین بود یا غلامی جلد و پارسا بود
اگر بیند که طوطی ماده را بکشت دلیل که دوشیزگی دختری ببرد و اگر بیند که طوطی از دهان یا از مقعد او بیرون آمد دلیل که او را فرزندی
آید که در شان وی سخنان ناخوش گوید جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طوطی در خواب بر سه وجه بود یکی فرزند دوم غلام سوم
دختر دوشیزه و سوم شاگرد پارسا **طوق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در گردن او طوق بود از زر یا از سیم دلیل که تقلد
آن ولایت یابد و در آن انصاف نگاه دارد و اگر بیند که از آهن بود دلیل بر بی امانتی و فساد در دین بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
طوق در گردن خود بیند دلیل که دعوی بدروغ کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر در گردن خود طوق زرین بیند دلیل که ولایت
یابد و اگر از مس یا از آهن بود دلیل که با کسی خصومت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طوق در گردن در خواب بر شش
وجه بود یکی حج دوم ولایت سیوم خصومت چهارم امانت پنجم غلام ششم کنیزک و اگر طوق در گردن اسب خود بیند دلیل که
از پادشاه مال و بزرگی یابد **طیلسان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید طیلسان در خواب قدر و بزرگی و جاه بود اگر بیند که طیلسان
نو و پاکیزه بود دلیل که قدرش نیکو بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که قدرش کم شود و اگر بیند که طیلسان بدرید یا بسوخت دلیل که عز

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن طیلسان در خواب امانت و دیانت و قوت دین بود و اگر بیند که طیلسان نو پوشیده

دلیل که امانت بگذارد و اگر طیلسان چرکین بود دلیل که امانت در گردنش باشد و اگر بیند که طیلسان ندارد دلیل که امانت

مغربی رحمة الله علیه گوید طیلسان سپید در خواب فرزند صالح بود و اگر سرخ بود دلیل که فرزندش عاشق طرب دوست باشد

و اگر سیاه باشد فرزندش عالم یا قاضی یا خطیب شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن طیلسان در خواب بر ده وجه بود یکم

جاه دوم دیانت سوم فرزند چهارم دولت پنجم بزرگی ششم مال هفتم منفعت هشتم علم نهم دین دهم شرف حرف الظاء

ظفر کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر دشمن ظفر یافت دلیل که بر خصم ظفر کند و نصرت یابد و اگر بیند که او بر کسی ظفر کرد

کسی بر وی ظفر یابد و اگر بیند که پادشاه بر وی ظفر کرد دلیل که پادشاه بوی محتاج شود و اگر بیند که او بر پادشاه ظفر کرد دلیل

بر پادشاه ظفر یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بزرگی بیند که بر بیچاره ظلم کرد دلیل که آن بیچاره را نفرین کند و اگر خواب

بیند که بر بنده ظلم کرد دلیل که از خواجه او را رنج و محنت رسد ظلمات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در ظلمات بود

و بر روشنائی حاصل شد دلیل که راه دین بر وی گشاده گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در ظلمات بود و بر روشنائی آمد دلیل

در ظلمات رفت دلیل که منافق باشد قوله تعالی وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ الآیه مغربی رحمة الله علیه گوید

ظلمات در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که در میان ظلمات ظاهر شد دلیل که از اندیار غم و اندوه برهد جعفر صادق

رضی الله عنه گوید ظلمات در خواب بر پنج وجه بود یکی غم دوم تحیر سوم فرو بستن کار چهارم وحشت پنجم ضلالت اگر توانگر بیند

که بدرویشی آمد دلیل که زیادت شود و اگر درویشی بیند که بتوانگری رفت دلیل که کارش بد بود حرف العین عاج

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عاج در خواب دولت بود و اگر بیند که عاج داشت دلیل که از پادشاه مال یابد و اگر بیند که عاج از دست او

ضایع شد دلیل که مالش ضایع شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عاج در صندوق داشت دلیل که یکی از خویشان وی زن

بزرگ خواهد و اگر بیند که دواتی از عاج داشت دلیل که پادشاه او را بزرگی عطا دهد و جاه یابد و اگر بیند که عاج بشکست یا ضایع

شد دلیل که زن پارسا هلاک گردد و هر چند که عاج سپید تر و پاکتر باشد مال بیشتر بود عاریت کردن ابن سیرین رحمة

الله علیه گوید اگر بیند که کسی چیزی بکسی عاریت داد و اگر آن چیز از نوعی بود که دوست دارند دلیل که نایب شود و اگر چیزی بود

که دوست ندارند تاویلش بخلاف این بود عاشق ابن سیرین رح گوید اگر بخواب بیند که عاشق است و معشوق بد دلیل فساد

بود و بدی کند و اگر چیزی حلال بود و خوب بود دلیل بر خیر و صلاح باشد و اگر بیند که بر کسی خوبروی عاشق شده بود و اگر در آن

عشق نیت حرام بود دلیل بر شر و فساد کند و اگر در آن عشق نیت حلال بود دلیل خیر و صلاح بود اسمعیل اشعث رحمة الله

علیه گوید اگر بیند که از معشوق کام دل یافت دلیل بر خیر و منفعت بود عالم اگر بیند که عالم یا فقیه شده در محل عالمان بود

دلیل که مردم سخن بگفته و در زبان مردم افتد به بدی و اگر عالم یا فقیه بود دلیل که علمش زیادت شود و اگر بیند که قاضی یا حکیم

یا خطیب بود یا عالمی زنده یا مرده از موضعی بگذشت که در آنجا ترس و بیم بود دلیل که مردم آن موضع از ترس و بیم ایمن شوند

يشان عادل گردد و كرمانى رحمة الله عليه گويد اگر بيند كه مردم را علم ميگفت از اهل علم نبود دليل كه از آنها بگريزد و اگر عالم بود دليل كه عز و جاه يابد و اگر بيند كه بعلم گفتن عتاب است دليل كه او را رشوت دهند جعفر صادق رضى الله عنه گويد عالم در خواب بر نه وجه بود يكى دولت دوم قاضى سوم حكيم چهارم خطيب

عبادت ابن سيرين رحمة الله عليه گويد اگر بيند كه عبادت خداى تعالى ميكرد تا وليش بخلاف اين بود معبّر كرمانى رحمة الله عليه گويد اگر بيند كه عبادت در مسجد يا در صومعه ميكرد دليل كه خير و نيكى يابد و اگر بيند كه جاى عبادت كرد كه مكروه بود تا وليش بخلاف اين بود عجوزه و پير شدن است در حرف كاف بيان كنيم

عدد ابن سيرين رحمة الله عليه گويد اگر بيند كه يكى از درم يا از دينار يا جامه يا غير آن بوى دادند دليل كه خير و نيكوئى بيند قوله تعالى مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا يعنى يك طاعت را ده پاداش است بنابرين معبّران گويند كه اصل ده يكى است كرمانى رحمة الله عليه گويد عدد يكى نيكو بود و دو غم و اندوه و ليكن بر دشمن ظفر گردد ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ اگر عدد سه شمار بيند بد باشد از كاريكه در آن بود برخوردارى نيابد قوله تعالى قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ و لفظ سه دلالت بر فرقت كند زيرا كه طلاق است و اگر عدد چهار بيند نيكو باشد چون چيزى ديگر و مضاف نباشد مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ و اگر عدد پنج باشد نيكو بود زيرا كه صاحب خواب پنج نماز بپاى دارد و اگر عدد شش بيند نيك باشد خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ و اگر عدد هفت بيند باشد سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا و چون با هفت با هشت باشد بد بود قوله تعالى سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ حُسُومًا اگر نه بيند بد باشد قوله تعالى تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ و اگر عدد ده باشد نيكو باشد و مراد دين و دنيا او را حاصل گردد قوله تعالى تِلْكَ عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ و اگر عدد يازده بيند دليل كه شغلهاى وى بروزگار برآيد و اگر عدد دوازده بيند نيكو باشد قوله تعالى إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا و اگر عدد سيزده بيند بد باشد و كارش بد شود و اگر عدد چهارده بيند نيك باشد و اگر عدد پانزده بيند كارهاى پراكنده وى برآيد و اگر عدد شانزده بيند حاجتش دير برآيد و اگر عدد هفده بيند بد باشد و اگر عدد هجده بيند اميدش برنيايد و اگر عدد نوزده بيند او را با مردم كار افتد قوله تعالى لَوَّاحَةٌ لِلْبَشَرِ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ و اگر عدد بيست بيند نيك باشد و بر دشمنان ظفر يابد قوله تعالى عِشْرُونَ صَابِرُونَ و اگر عدد سى بيند او را با كسى داورى حاصل گردد قوله تعالى وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ و اگر عدد چهل بيند كارش بسته گردد و اگر پنجاه بيند دليل برنج و سختى بود قوله تعالى أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ و اگر شصت بيند دليل كه او را اسير كنند بگردن افتد و او را دو ماه پيوسته روزه بايد داشت يا شصت درويش را طعام بايد داد قوله تعالى شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ و اگر عدد هفتاد بيند دليل كه بتأخير برآيد و اگر عدد هشتاد بيند دليل كه او را تهمت كنند و چوب بزنند قوله تعالى فَاجْلِدُوا ثَمَانِينَ

عدد جالیۃ واگر عدد نود بیند دلیل که چندین از بزرگان بکوچ کند قوله تعالی تسع و تسعون نعجۃ ولی نعجۃ
واحدۃ واگر عدد صد بیند دلیل که نصرت و ظفر یابد قوله تعالی مایۃ تغلبوا مایتین واگر ست ن خود را
بیند که صد سوار با وی بود دلیل که بر دشمنان ظفر یابد واگر کسی بیند که ویرا صد درم دادند دلیل که تخم ترا بارز
نهند واو را صد چوب بزنند قوله تعالی فاجلدوا کل واحد منهما مایۃ جلدۃ واگر بیند که کسی اورا
صد دانه گندم یا جو یا چیزی از انها داد دلیل که مال خیر و برکت بود و معیش بروی فراخ گردد قوله تعالی فی کل
سنبلۃ مایۃ حبۃ والله یضاعف لمن یشاء واگر عدد دویست بیند دلیل که دشمنان بر وی
ظفر یابد واگر عدد سیصد بیند دلیل که بروزگار مرادش حاصل شود قوله تعالی ولبثوا فی کهفهم ثلث مایۃ
سنین وازدادوا تسعا واگر عدد چهار صد بیند دلیل که بر خصمان ظفر یابد چنانکه حضرت رسول صلی الله علیه
وسلم فرمود که خیر الجیوش اربعة الف یعنی بهترین سپاهها چهار صد و بهترین لشکرها چهار صد هزار و گر عدد پانصد
بیند دلیل که کارش موقوف باشد واگر عدد ششصد بیند دلیل که شاد شود و بمقصود رسد واگر عدد هفتصد بیند
دلیل که کارش سخت گردد و عاقبت برآید واگر عدد هشتصد بیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد واگر عدد نهصد بیند دلیل که دشمن
بر وی ظفر یابد واگر عدد هزار بیند دلیل که بزرگی یابد و بر دشمن قهر کند قوله تعالی وان یکن منکم الف یغلبوا
الفین باذن الله ۰ اگر عدد دو هزار بیند دلیل که بد باشد واگر عدد سه هزار بیند دلیل بر فیروزی بود قوله تعالی
بثلثة الاف من الملئکة منزلین واگر عدد چهار هزار بیند دلیل بر قوت و نصرت باشد واگر عدد پنج هزار بیند
دلیل که مبارک و فرخنده بود واگر عدد شش هزار بیند همین تاویل دارد واگر عدد هفت هزار بیند دلیل که کارهای او تمام
گردد واگر عدد هشت هزار بیند دلیل که کارش تمام شود واگر عدد نه هزار بیند دلیل که بد باشد واگر عدد ده هزار بیند دلیل
که نصرت و فیروزی بود واگر عدد بیست هزار بیند همین تاویل دارد واگر عدد سی هزار بیند دلیل که نصرت و ظفر
یابد واگر عدد چهل هزار بیند دلیل که نصرت و ظفر یابد واگر عدد پنجاه هزار بیند دلیل که رنج و سختی و عجز فرو ماند شود قوله تعالی
فی یوم کان مقداره خمسین الف سنۃ واگر عدد شصت هزار بیند دلیل که خرم و شادمان گردد واگر عدد هفتاد هزار بیند
دلیل که دشمن بر وی ظفر یابد واگر عدد هشتاد هزار بیند دلیل که کارها بر وی پوشیده گردد واگر عدد نود هزار بیند دلیل که
دشمن بر وی ظفر یابد واگر عدد صد هزار بیند دلیل که بر دشمن ظفر یابد قوله تعالی وارسلناه الی مایۃ الف او یزیدون

عدس معبران تاویل عدس خلاف است ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن عدس در خواب نیک است زیرا که حضرت
ابراهیم علیه السلام او را دوست داشتی کرمانی رحمة الله علیه گوید خوردن عدس در خواب بد است زیرا که چون قوم بنی اسرائیل
را از من و سلوی ملال گرفت از حق جل و علا عدس و سیر و پیاز خواستند مغربی رحمة الله علیه گوید خوردن عدس در خواب
مال بود که از زنان بوی رسد خاصه که پخته بود واگر خام بود دلیل بر حسرت و اندوه باشد

عرق عرق دیدن ابن سیرین رحمة الله علیه

گوید اگر بیند که عراده در شهر کافران می انداخت دلیل که کافران سخت را دشمن دارد و اگر بیند که عراده
در شهر مسلمانان می انداخت دلیل که در دین مسلمانان سخنان ناهموار گوید و باشد که اهل اسلام را دعای بد کند
و اگر بیند که عراده می انداخت دلیل که اهل آن موضع را غیبت کند یا دشنام دهد **عرش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
عرش در خواب امیری بزرگ یا مالی خواسته بسیار بود و اگر بیند که عرش آراسته بود دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت
افتد و عزت و نصرت یابد و اگر عرش را حقیر بیند دلیل که پیش مردم خوار گردد و اگر خود را بر عرش نشسته بیند دلیل که
او را با مردی بزرگ پیوند دو از وی حرمت و جاه بیند. اگر بیند که از عرش بزیر آمد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن عرش در خواب بر پنج وجه بود یکی صاحبی بزرگ دوم رفعت سوم مرتبت چهارم عزت پنجم بزرگواری
عرعر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که عرعر داشت دلیل که با مردی اصیل در صحبت افتد و درخت
عرعر بتاویل مردی باشد که نیکی کمتر کند **عرق کردن** اگر کسی بخواب بیند که عرق از تن وی روان شد دلیل که بقدر
عرق وی را زیان افتد خاصه اگر عرق وی بزمین بچکید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که جامه وی از
عرق تر شده بود دلیل که بقدر آن مال بر عیال خرج کند و اگر بیند که عرق خود بسیوزد مال خود بخورد و اگر بیند که عرق
سپید بود و بوی خوش داشت دلیل که مالش حلال بود و اگر بخلاف این بیند دلیل که مالش حرام بود کرمانی رحمة
الله علیه گوید عرق کردن در خواب دلیل بر حاجت روائی کند. اگر بیند که عرق میکرد دلیل که حاجتش روا شود
و اگر بیمار بیند که عرق کرد دلیل که شفا یابد **عروسی** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند که عروسی بخواست و لیکن او را
ندید و نامش ندانست دلیل که بمیرد یا کشته شود و اگر بیند که عروسی بخانه آورد و با وی بخفت دلیل که بزرگی یابد و چیزی که
ملک او نباشد ملک او شود کرمانی رحمة الله علیه گوید عروسی که در آنجا چنگ و چغانه و نای باشد دلیل بر مصیبت
بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر زنی بخواب بیند که عروسی شد و او را بنزد شوهری بردند دلیل که عمرش بآخر رسیده
باشد و اگر بیند که شوهر او را بستد و با وی نیکی کرد دلیل که خیر و منفعت یابد **عزل** دور کردن انکاری بود و اگر بیند که
میر را معزول کردند دلیل که خواری و بیحرمتی بیابد و اگر بیند جای معزول کردند تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة [الله]
علیه گوید اگر بیند که مهتر را معزول کردند دلیل بر صلاح دین بود و اگر از کاری کرد دلیل بر کسب معیشت کند تاویلش
نقصان معیشت وی باشد و اگر کارش عملی بد بود که او را عزل کردند دلیل که دست زدی کوتاه کند و راه صلاح گیرد
عس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با عسس میگشت و ایشان مردمان مصلح بودند دلیل که او را خیر و منفعت
رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و مضرت بود و اگر بیند که عسس او را بگرفت و بزندان رسانید دلیل که از مردم پادشاه
بوی رنج رسد و اگر بیند که آن عسس بوی دلالت نرسید دلیل بر خیر و نیکی کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عسس جامه
وی برکند یا وی را به زندان کرد دلیل که از مردم پادشاه او را زیان رسد و بیحرمتی بیند و اگر بیند که از عسس بگریخت کسی او را

بتوانست گرفت دلیل که اندک چیزی بوی رسد عصا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که عصای نیکو داشت دلیل
بکاری مشغول گردد که او را ستایش گویند و نام نیکی و خیر برد عصا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عصا در خواب مردی بزرگ
باشد بود و اگر بیند که عصا بر دست داشت یا کسی بوی داد دلیل که او را از مردی بزرگ قدر و جاه پدید آید و اگر بیند که
عصای وی بشکست تأویلش بخلاف این بود و اگر بیند که تکیه بر عصا کرد دلیل که بمعاونت مردی بزرگ آنچه مقصود
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عصا در دست دراز شد دلیل که بمراد رسد و اگر کوتاه شد تأویلش بخلاف این بود و اگر
بیند که عصای خود بکسی بخشید دلیل که هلاک شود و اگر بیند که عصا با وی سخن گفت دلیل که او را فرزندی آید و از وی منفعت
یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عصا در خواب بر سه وجه بود اول مردم بزرگوار دوم پادشاه سوم قوت عصیده
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عصیده نوعی از حلوا است و آن بهتر که زعفران بود و دیدن او در خواب مالی بود که بمشقت
بدست آید و اگر بیند که لقمهٔ عصیده در دهان نهاد دلیل که سخنی خوش شنود و اگر بیند که عصیده بسیار خورد دلیل که مال
بخصومت حاصل کند عطا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که چیزی او را عطا دادند معتبر باید که بپرسد
و این عطا بی که داد چه نوع بود زر و یا سیم یا جامه بود و عطا دهنده معروف بود یا مجهول زن یا مرد و چون جمله بدانست آنگه
تعبیر کند اگر نیکو باشد آن چیز مردم آنرا دوست میدارند دلیل که از آن عطا بوی راه نیکی بوی رسد و اگر عطا دهنده مجهول بود
دلیل که بسبب دنیا او را خواری رسد و اگر عطا بوجه خطا بود و یا بحیله دروغ بود و اگر بیند که عطا بستد و دیگر باز داد دلیل که نیکی
آن بعطا دهنده باز گردد و اگر بیند که او را میوه و یا جامه یا چیزی شیرین عطا دادند دلیل که با آن کس میوه نیکی کند و اگر عطا دهنده
جهود یا ترسا بود و آن عطا چیزی نیکو بود و او برغبت ستد دلیل که ایمان او در خطر باشد و اگر جهود یا ترسا بخواب بیند که مسلمانان
ایشانرا عطا داد و برغبت بستد دلیل که مسلمان شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را عطا داد و او شکر گفت دلیل
که زیادتی مال و تندرستی بود و اگر شکر نگفت تأویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عطا چیزی نیک بود
و عطا دهنده دون بود تأویلش بد بود عطر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با خود بوی خوش داشت و عالم
بود دلیل که مردم را از علم وی منفعت بود و اگر توانگر بود دلیل که از مال نفع رساند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که با
خود عطر داشت دلیل که مردم او را آفرین کنند و ثنا گویند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عطر در خواب بر نه وجه بود
ثنای نیکو دوم سخن خوش سوم علم نافع چهارم طبع نیکو پنجم مجلس عالم ششم مرد کریم هفتم مرد با فرهنگ هشتم دین پاک نهم
خوش عطار اگر بخواب بیند که عطاری میکرد دلیل که مردم او را شکر گویند و اگر بیند که بمردم بوی خوش میفروخت دلیل که
وعده و وعید لیکن خلف کند اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با مردم عطار دوستی و آشنائی شد دلیل که او را
مدح و ثنا گویند و نامدار شود عطسه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که عطسه داد و الحمد گفت
دلیل که اگر بیمار است او را از طبیب احتیاج افتد و اگر تندرست بیند دلیل که کسی حاجتش روا کند و بر وی منت نهد و اگر بیند

عطسه

گریسته باشد عطسه داد دلیل بر نیکی و خرمی بود و اگر بیند که عطسه بسیار داد دلیل که مرادش بدشواری برآید و اگر بیند که عطسه داد و آب منی
باز گشتن گرفت دلیل که فرزندش آید و اگر بیند که چون عطسه داد و مغز از بینی باز گرفت و روان شد دلیل که در وی سخنی زشت گویند و اگر
بیند که عطسه آمد و جهنده ای بیرون آمد دلیل که از جوهر آن جهنده او را فرزندی آید که بدان حیوان منسوب باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید

عقل

اگر عطسه در خواب بآسانی داد دلیل که مال بآسانی بدست آید و اگر عطسه بدشوار داد دلیل که مال بدشواری بدست آورد عقل
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید که من عقل توام و داند که عقل وی است اگر بیند خواب اهل
آن باشد دلیل که او را با فرزند پادشاه صحبت افتد و از وی خیر بیند و پادشاه زاده او را دوست دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی
عقل خود را بصورت بیند دلیل که بخت روی بوی نهد و عز و جاه یابد و توانگر شود دانیال علیه السلام گوید عقل در خواب بخت
و دولت بود و اگر عقل خود را بصورت آدمی بیند چنانکه گوید که من عقل توام دلیل که بخت و دولت یار او شود مغربی رحمة الله علیه گوید
عقل و جان در خواب مادر و پدر بود و اگر غایب باشند و زنده بوند دلیل که دیدار ایشان باز بیند و اگر مرده باشند دلیل که دعا
و صدقات از وی بدیشان رسد و در خبر است که مردی پیش حضرت رسول صلی الله علیه وسلم آمد و گفت بخواب دیدم که مال جان
من از من جدا شدند و هر دو بصورت آدمی بودند و بخانه من در آمدند و برهنه بنشستیم و بشراب مشغول گشتیم رسول صلی الله علیه وسلم
فرمود که عقل قیمت این جهان است و جان قیمت آن جهان کار تو بمراد شود و اگر بیند که عقل و جان ستیزه و لجاج میکردند دلیل که با سلطان
ولایت منازعت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید عقل و جان در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی بخت و دولت دوم مادر و پدر

عقیق

سیوم فرزند پادشاه چهارم مال و نعمت عقیق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که عقیق داشت با کسی بوی داد دلیل که
با بزرگی مصاحب شود و از وی خیر یابد و اگر بیند که عقیق از وی ضایع شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که بجزو عقیق داشت و از آن

علک

چیزی می بخورد دلیل که او را فرزندی آید که شرف و بزرگی و جاه یابد علک کند بود و اگر بیند که علک بر آتش نهاد دلیل که بقدر آن

علم

در مال او نقصان شود و اگر بیند که علک میخائید دلیل که مالی بخصومت و گفتگو یابد علم در خواب مردی دانا یا امام یا زاهد بود که شخصی که مردم
بوی اقتدا کنند و اگر بیند که علم در دست داشت دلیل که از این نوع مردم که صفت کردیم با کسی آشنا شود و از وی راحت یابد و اگر بیند
که علم از دست وی بیفتاد یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن علم در خواب دلیل بر سفر بود و اگر بیند
که علمی بوی دادند یا لشکری بر وی جمع شوند جاه و بزرگی یابد خاصه که علم سپید یا سبز باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که علمی سپید بزرگ در دست داشت دلیل که با مردی توانگر صالح او را صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که علمی سبز
داشت دلیل که زاهد و دیندار شود و اگر بیند که علمی سیاه داشت دلیل که قاضی یا خطیب شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن

عمارت

علم در خواب بر چهار وجه بود یکی مهتری دوم سفر سیوم جاه چهارم نیکی احوال عمارت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند
که در جایگاهی خراب عمارت چون مسجد و مدرسه و خانقاه کرد دلیل بر صلاح دین و ثواب آنجهان بود و اگر بیند که بر زمین حرام
شده بود و از بهر خود عمارت میکرد چون سرای و دکان و مانند این دلیل که فایده اینجهانی یابد و اگر بیند که جایی معروف بود خراب

شد دلیل که درد و مصیبت افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در جائی معروف و مشهور و معمور مقیم شد دلیل که آن مقدار خیر و
صلاح و منفعت بقدر عمارت آن مقام یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمارت در خواب بر چهار وجه بود یکی صلاح و خوشی
دوم خیر و منفعت سوم کامرانی چهارم برکت و گشایش کارهای بسته **عماری** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند
که در عماری نشسته بود و عماری وی بر اشتر یا بر اسپ بود و میرفت دلیل که قدر و بزرگی یابد و اگر بیند عماری بیفتاد و یا از عماری
بیرون شد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را در عماری نشاند دلیل که با بزرگی پیوندد
و کارش بالا گیرد و قدر و جاه او زیادت گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عماری در خواب بر هفت وجه بود یکی
بزرگی دوم عزت سوم مرتبت چهارم ریاست پنجم رفعت ششم ولایت هفتم پیوستن با مهتری **عمود** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید عمود در خواب مردی درشت و راست بود و معبران گویند که سخنهای سخت باشد. اگر بیند که عمودی بر کسی زد دلیل
که سخنی سخت بکسی گوید و اگر بیند که عمود آهنین داشت دلیل که او را از پادشاه قوت و یاری بود و اگر بیند که عمود از دستش
بستدند تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عمود در خواب بر سه وجه بود یکی مرد راست دوم کار
سخت درشت سوم مهتری بزرگ **عناب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عناب داشت و میخورد دلیل که بقدر
آن مال حاصل کند و اگر بیند که عناب بکسی داد دلیل که از وی بدانکس مال رسد مغربی رحمة الله گوید اگر بیند که عناب از درخت جمع
میکرد دلیل که بقدر آن مالی حاصل کند **عنبر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که عنبر داشت دلیل که بقدر آن منفعت یابد و اگر
بیند که عنبر بسیار جمع میکرد و یا بر سیافت دلیل که بقدر همت خویش ولایت یابد و اگر بیند که عنبر بکسی داد دلیل که از وی بدانکس منفعت
رسد و اگر بیند که عنبر از وی ضایع شد دلیل که مال وی نقصان پذیرد و اگر بیند که بر عارض کسی عنبر مالید دلیل که بجای او نیکی کند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن عنبر در خواب بر چهار وجه بود یکی منفعت دوم ولایت سوم کامرانی چهارم ثنای نیکو
عنقا نوعی از نوا بود چون چنگ و بربط و مانند این ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عنقا میزد دلیل که بباطل سخن محال
رضا دهد و اگر بیماری بیند که عنقا بشکست یا بیفکند دلیل که از دروغ و محال توبه کند و اگر بیند که عنقا میزد دلیل که زود بمیرد
عنکبوت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید عنکبوت در خواب مردی ضعیف و گمراهی و عاصی بود و بعضی معبران گویند که جولاه
بود و اگر بیند که عنکبوت از وی دور شد دلیل که از مردی جولاهه دور شود **عود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عود بر آتش
میسوخت دلیل که از وی خیر و منفعت یابد و عود در خواب مردی خوب روی و لطیف طبع بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عود نام
داشت و با کسی بوی داد دلیل که از پادشاه خلعت یابد و هر چند که عود خوشتر باشد عطا بیشتر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید عود در خواب
بر چهار وجه بود یکی مردی خوبروی دوم سخن خوش سوم ثنا و آفرین چهارم مال منفعت **عودسوز** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید عودسوز در خواب کنیزک با فرهنگ یا غلام زیرک و دانا بود و اگر عودسوز سپید روی باشد دلیل که غلام یا کنیزک آشنا
پارسا باشد و اگر از مس بود دلیل که از اصل جهود باشد اگر از آهن بود از اصل کبران باشد و اگر بیند که عودسوز بشکست یا ضایع شد

دلیل که غلام یا کنیزک پاک شود **عورت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که عورتش تمام ظاهر شد چنانکه مردم او
دیدند دلیل که سر او در میان مردم ظاهر شود و اگر بیند که عورت خود زود باز پوشید دلیل که ستر او دریده و پوشیده گردد و معبران
گویند اگر بیند که بعضی از عورت خود برهنه بود و پوشید و کسی ندید دلیل که اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دارد دلیل که وامش گذارده
شود و اگر ترس دارد دلیل که ایمن گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که عورت وی برهنه بود و بیدار شد و از ان شرمنده
شد دلیل که از حال بد بحال نیک آید و اگر بیند که قصدا عورت خود برهنه کرد دلیل که کاری کند که از ان مستوجب عقوبت گردد
یا آفتی بوی رسد که باعث عبرت خلق گردد **عید** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عید قربان بود دلیل که او را با مردی اهل
کار افتد و اگر بیند که عید رمضان بود دلیل که او را با مردی عابد زاهد صحبت افتد و منفعت دینی باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر کسی بیند که عید بود و مردم آراسته بیرون آمدند دلیل که اگر زندانی بود خلاصی یابد و اگر از اهل عز و شرف بود دلیل که شرف او زیاده
گردد **عاشورا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی روز عاشورا بخواب بیند دلیل که کامگاری یابد بقوله تعالی اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ
دِيْنَكُمْ وَاَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِيْ و اگر در خواب سر سال و ماه و روز بیند سال و ماه و روز بروی خجسته و مبارک بود دلیل بر خیر و صلاح بود

حرف الغین **غار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در غاری رفت و در آنجا مقیم شد دلیل که در کاری سخت گرفتار شود
و اگر بیند که در غار شد و زود بیرون آمد دلیل که در کاری صعب گرفتار شود و خلاصی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در غار شد
و آن غار روشن بود دلیل که او را بزندان کنند و بعضی گویند که در کاری سخت گرفتار شود و اگر بیند که از غار بیرون آمد دلیل که بحجت
شود و شفا یابد **غارت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مال و نعمت وی غارت کردند دلیل که غم و مصیبت بود
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لشکر اسلام دیار کفر را گرفت و غارت کرد دلیل که اهل کفار را غم و مصیبت بود و اگر بیند که
لشکر کفار اهل اسلام را غارت کردند دلیل که غم و اندوه بمسلمانان رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غارت در خواب
بر چهار وجه بود یکی جنگ دوم زیان سوم غم و اندوه چهارم نرخ ارزان **غالیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غالیه در خواب
فرهنگ و نام آور بود و اگر بیند که غالیه بکسی داد دلیل که آنکس را از وی ادب و فرهنگ آموزد کرمانی رحمة الله علیه گوید غالیه نشان
حج بود و معبران گویند که غالیه مالی باشد که از مهتری بوی رسد و اگر بیند که غالیه یافت دلیل که از زنی یا از مردی بازرگان منفعت یابد
و اگر بیند که کسی بر چشم وی غالیه مالید دلیل که بجای وی حق گذاری کند و مردم او را دعا گویند و اگر بیند که کسی بر بنا گوش وی غالیه مالید دلیل
که او را ستم بد رود غمازی کنند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن غالیه در خواب بر پنج وجه بود یکی ادب و فرهنگ دوم ثنا
و آفرین سوم حج اسلام چهارم مال و خواسته پنجم خیر و منفعت **غایب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غایبی از سفر
نزدیک وی آمد دلیل که نامه یا خبر از غایب برسد و اگر از خانه خود غایب شد دلیل که نامه و خبر نزد خویشان وی برسد مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غایبش از سفر باز آمد دلیل که کار بسته بروی گشاده گردد و اگر بیند که غایبش ترسنده و
متفکر بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که غایبش سواره از سفر باز آمد دلیل که غایبش زود با نعمت و مال باز آید و اگر

تا بیابان و صحرا برو برهنه بیند دلیل کند راه تا بیابان قطاع الطریق بزنند و مفلس شود

باب غبار

باب آید غبار ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غبار بر چیزی که حرکت و بود نشست دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که غبار میان
آسمان و زمین میشد دلیل که مردم آن موضع از آنکه دارند بیرون آیند و اگر بیند که بر چیزی که حرکت و بود نشست دلیل که
بقدر آن مال حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روی او پر غبار بود دلیل که او را رنجی و عقوبتی رسد قوله تعالی
وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ و اگر بیند که بر زمین که خاک اوست غبار بود دلیل که بقدر آن مال

غربال

حاصل کند غربال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غربال در خواب خادمی بود و همین اگر کسی بخواب بیند که غربال داشت
دلیل که او را خادمی حاصل آید و اگر بیند که غربال وی بشکست دلیل که خادم وی بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
غله بغربال پاک میکرد دلیل که کاری کند که مردم را از آن منفعت باشد و او را مضرت رسد و اگر بیند که گندم پاک میکرد از برنج
میکرد دلیل که منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید غربال در خواب بر سه وجه بود یکی خادم دوم بازرگان سوم شاگرد

غرق شدن

زیرک غرق شدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دریا غرق شد و بمرد دلیل که پادشاه او را [illegible]
و اگر بیند که آب او را فرو برد و باز بالا آورد و نمرد دلیل که از کار دنیا دست بدارد و صلاح دین و راه آخرت جوید مغربی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چهارپایانی در سرای یا دکانی یا باغی غرق شد دلیل که بکار صعب درماند و سرانجام رهائی یابد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید غرق شدن در خواب بر چهار وجه بود یکی مال بسیار دوم اقبال سوم صحبت با مردم بزرگ

غزا کردن

چهارم منفعت غزا کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در راه خدایتعالی غزا میکرد دلیل که کار خود
و عیال او نیکو شود و بی نیازی یابد قوله تعالی وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً
اگر بیند که از غزا روی بگردانید دلیل که از خویشان روی بگرداند قوله تعالی فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ
وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بغزا رفت دلیل که دولت و نعمت و بزرگی یابد قوله تعالی
وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا و اگر بیند که مردم آن دیار بغزا بیرون شدند دلیل که عز و جاه
یابد و مردم را قهر کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کافران تنها جنگ میکرد دلیل که بر دشمنان ظفر یابد و در روز [illegible]
و عمرش دراز گردد قوله تعالی وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ
فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ جعفر صادق رضی الله عنه گوید غزا کردن در خواب بر شش وجه بود یکی [illegible]
دوم سنت رسول صلی الله علیه وسلم گزاردن سوم بر دشمن ظفر یافتن چهارم شفا از بیماری پنجم اطاعت پادشاه ششم [illegible]

غسل کردن

یافتن غسل کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در آب دریا غسل کرد دلیل که غم و اندوه وی [illegible]
و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گزارده شود و از ترس ایمن گردد و اگر محبوس باشد خلاصی یابد و اگر بیند که بآب
گرم غسل میکرد و آنگه دست و روی بشست دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بیند که دست و پای بشستن مشغول گردد [illegible]

که درمیان ایشان فرقت افتد و اگر بیند که خود را از جنابت بشست دلیل که شغلش تمام شود مغربی رحمة الله علیه گوید غسل کردن از
جنابت دلیل بر پاکی خود از دروغ بود و بهتر زیارت و نقصان که نشستن از جنابت پدید آید دلیل بر دین و دروغ شود **غل** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید دیدن غل در خواب کفر باشد و مسلیش ناحق بود و اگر بیند که غل در گردن داشت دلیل که کافر میرد و اگر بیند که غل در
گردن بند سکت شده بود دلیل که منافق بود و اگر بیند که غل در گردن و بند بر پای داشت دلیل که کافر بود و دعوی مسلمانی بدروغ
کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غل بر دستها داشت دلیل بر بخل او کند قوله تعالی وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ
غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا و مقصود از غل بخل است ابن عباس رضی الله عنه معبران گویند چون مرد صالح غل در گردن
بیند دلیل که دست از کار شر بدارد **غلاف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غلاف در خواب زن بود و اگر بیند که غلاف شمشیر شکست
و شمشیر او بسلامت ماند دلیل که فرزند بسلامت از مادر بیرون آید و مادر هلاک شود و غلاف کارد همین حکم دارد **غلام** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غلام شد بود دلیل که بکاری سخت افتد و در آن رنجور شود و اگر بیند که غلامی بگریخت یا بمرد دلیل که در آنکار نیکوکام
بود کرمانی رحمة الله علیه گوید غلام در خواب شادی بود قوله تعالی وَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ و در جای دیگر فرمود يَا بُشْرَىٰ هَٰذَا
غُلَامٌ جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که غلام یا کنیزک بفروخت دلیل که نیک بود و اگر بیند که بخرید بد باشد و اگر بها
غلام و کنیزک اگر زر و سیم ستاند بد بود و اگر اجناس ستاند نیکو باشد **غلبه کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که بر خصم
غلبه کرد دلیل که بر خصم غالب شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که خصم بر وی غالب شود **غم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غم در خواب فرح
و شادی بود و اگر بیند که غمگین شده بود دلیل که فرح یابد و بمراد برسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که اندوهگین شده بود دلیل که
بقدر آن مال یابد و اگر بیند که از غم رسته بود تا و لیکن بخلاف این بود **غنیمت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید غنیمت یافتن از اموال
اگر مال کافران بود دلیل که نرخها گران گردد و اگر بیند که مسلمانان از دیار کافران غنیمت آوردند دلیل که در آن دیار که غنیمت بجا
برده اند نعمت شود و نرخها ارزان شود و اگر بیند که کافران از دیار مسلمانان غنیمت آوردند دلیل که بقدر آن ادرار منفعت حاصل گردد
غواص ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بدریا فرو رفت و مروارید بدر آورد دلیل که بقدر آن علم و دانش آموزد
و از مال سلطان راحت یابد و اگر بیند که بدریا رفت و هیچ نیاورد دلیل که بعلم آموختن مشغول گردد و لیکن فایده نیابد و اگر بیند که گوهر
از قعر دریا برآورد دلیل که عالم و فاضل شود و از پادشاه منفعت یابد **غوره** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که غوره
بوقت خود میخورد دلیل که بقدر آن چیزی برنج و مشقت بدست آورد و لیکن پایدار نبود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که غوره
میخورد دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که غوره بفروخت یا بکسی داد و از آن هیچ نخورد دلیل که اندوهش کمتر بود و اگر غوره بگوشت
پخته بود بهتر باشد غوک و وزغ در حرف واو شرح آن گفته شود **حرف الفاء** **فاخته** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فاخته
در خواب زنی ناقص دین بدمهر بود که با کسی سازگاری نکند و اگر بیند که فاخته داشت دلیل که زنی بد دین بدمیان بخواهد و اگر
بیند که بچه فاخته گرفت دلیل که او را فرزندی آید و اگر بیند که گوشت فاخته میخورد دلیل که بقدر آن مال زنان ستاند و خرج کند کرمانی رحمة

علیه گوید خفته فرزندی در وجود آید و اگر بیند که فاخته بر بام وی بانگ یک بار کرد دلیل که خبر غایب شنود و اگر دو بار بانگ کند دلیل …
بود و اگر سه بار بانگ کرد … بود و اگر بیند که فاخته با زاغ … دلیل که … آید و …

جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن فاخته در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم فرزند سیوم خادم **فال گرفتن** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فال گرفت و فال نیک آمد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که فال گرفت بد آمد دلیل که اندوه
بسیار خورد جعفر صادق رضی الله عنه گوید فال گرفتن در خواب بر سه وجه بود یکی بر دشمن ظفر یافتن دوم مراد سوم حاجت
روا شدن اگر فال نیک بود و اگر بد باشد تاویلش بخلاف این بود **فالوده** اگر زعفران بود بیماری بود و … فالوده
رنج و خصومت بود … آن آتشی که بر وی رسیده باشد اگر بیند که فالوده … دلیل که سخن لطیف گوید و اگر بیند که فالوده
بکسی داد دلیل که با آن کس سخنی خوش گوید یا از بهر وی کاری کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید فالوده در خواب بر چهار وجه
بود یکی سخن خوش دوم مال سیوم منفعت چهارم … کار … دشواری بود **فام** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که فام بر وی بود دلیل که رنج کشد … شد … و اگر … باز رساند …
دلیل که بگذارد **فتنه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فتنه از جایگاهی زایل شد دلیل که … بود
… کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر … دلیل … دوم آتش سوم …
… آفتاب … ماهتاب … دهم …

فراخی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از جایگاهی تنگ بفراخی آمد یا از سختی باسانی رسید دلیل که از غم بیرون شود و از
اندوه فرج یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خانه بر وی فراخ شد دلیل که روزی … بر وی فراخ گردد و اگر بیند که خانه بر وی
تنگ شد دلیل که روزی بر وی و عیال او بر وی تنگ گردد و اگر بیند که خانه بر وی تنگ شد و باز فراخ شد دلیل که راه دین و
خیر … بر وی … فراخ شدن چیزهای تنگ دلیل بر گشایش کارها بود و برکت در چیزها **فراش** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید فراش در خواب دلیل بود که از بهر کسی نان خواهد **فرج** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که …
… فرج بود دلیل که … و اگر بیند که کسی با وی مجامعت کرد دلیل که حاجت روا شود و اگر …
بیند که ایشان را یک فرج است دلیل که هر دو زن از یک کس باشند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر زنی بیند که فرج وی از آهن …
… بود دلیل که … و اگر مردی بیند که فرج … دلیل که از زن چیزی دوست دارد که رضای
حق تعالی در آن نباشد و اگر زنی بیند که فرج وی بریده شد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر زنی بیند که از فرجش مرغی بیرون آمد دلیل که
او را دختری آید و اگر زنی بیند که از فرج او گربه بیرون آمد دلیل که او را فرزندی … و اگر زنی بیند که از فرج …
بیرون آمد دلیل که او را دختری نابکار آید و اگر زنی بیند که از فرج او … بیرون آمد دلیل که او را فرزندی آید که دشمن … گردد و اگر بیند
که از فرج وی کژدم بیرون آمد دلیل که او را … و اگر بیند که از فرج وی کرم … بیرون آمد دلیل که او را فرزندی …

بستا آید واگر بیند که از فرج وی نان بیرون آمد دلیل که مفلس و تنگدست گردد واگر بیند که از فرج وی کنجد بیرون آمد دلیل که شوهرش
او را دوست دارد واگر بیند که از فرج او خون بیرون آمد دلیل که شوهرش در حالت حیض با وی مجامعت کند واگر بیند که از فرج وی
سیم بیرون آمد دلیل که او را فرزندی صالح پارسا آید واگر بیند که از فرج او آبی تیره بیرون آمد تاویلش بخلاف این بود واگر بیند
که از فرج وی قی بیرون آمد دلیل که بقدر آن مال بد واگر بیند که از فرج وی آتش بیرون آمد دلیل که فرزندانش ملک جهان گیرند
واگر بیند که کسی فرج وی ببرید دلیل که از آنکس منفعت یابد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر فرج وی موی
رسته بود و بسیار بود دلیل که بسبب فرزند خود اندوهگین شود واگر بیند که بر فرج وی موی نبود دلیل که شاد شود واگر بیند که
فرج وی آماسیده بود دلیل که مال یابد واگر زنی بیند که او را بجای فرج قضیب بود اگر آبستن بود دلیل که پسر آرد و نماند واگر آبستن
نبود دلیل که پسرش بمیرد واگر بیند که از فرج وی گوهر یا مروارید بیرون آمد دلیل که او را فرزندی عالم و پارسا آید **فرجی** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که فرجی پاکیزه داشت دلیل که از غم فرج و بزرگی یابد واگر فرجی چرکین و کهنه بود تاویلش بخلاف این بود
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرجی از دیبا بود که پوشیده بود دلیل که نیک باشد ولیکن با مردم پارسا بود و دیبای نیک
از زنان بود و فرجی کرباس و ابریشم دلیل بر زیادتی دین بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرجی زنان پوشیده بود دلیل
که او را ملامت رسد واگر بیند که در آن فرجی با کسی مجامعت کرد دلیل که حاجتش روا شود از آنکس که با وی مجامعت کرد اسمعیل اشعث
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرجی سرخ پوشیده بود دلیل که بر دینداری و امانت و پارسائی کند واگر بیند که فرجی سیاه پوشیده
بود اگر عالم بود دلیل بر راحت و منفعت بود واگر عالم نبود دلیل که خوب نباشد اگر فرجی زرد پوشیده بود یا در بر داشت دلیل بر
مصیبت و غم و اندوه بود **فرزند** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند او را دختری آمد دلیل که خیر و راحت یابد و از اهل
بیت شادمان شود واگر بیند که پسری آمد دلیل که دختری او را آید واگر بیند که دختری آمد دلیل که پسری آید مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که او را فرزندی بود و فرزند او را کسی بستد دلیل که بیمار شود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در جائی طفلی
رها کند و بیافت یا کسی بوی داد دلیل که از جائیکه امید ندارد چیزی بوی رسد **فرعون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که یکی از فرعونیان متقدم یا از پادشاهی متقدم بلشکر در شهری درآمد و در آن شهر مقام گرفت دلیل که سیرت فرعون علیه اللعنة در آن دیار ظاهر گردد واگر بیند که پادشاه
متقدم یکی در شهری رفت دلیل که سیرت عدل آن پادشاه در آن دیار ظاهر گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فرعون عطائی بوی داد
یا خلعتی او را بخشید دلیل که بقدر آن از پادشاه ظالم مال حاصل کند یا از مردی بزرگ مالی حرام یابد **فرمودن** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را گفت که بایست بنه دلیل که در کاری که هست ایستادگی نماید واگر کسی گوید که دیگ بگردان تا نسوزد
یعنی پرهیز باش واگر بیند که بدو گفتند که نان بشکن یعنی برادر را خوش دارد واگر بیند که کسی گوید که گندم بفروش یعنی نان
بده واگر بیند که گویند سیاه را در بند یعنی نماید و برگیر از کار واگر بیند که گویند توقف کن یعنی بر دشمن ظفر خواهی یافت واگر بیند
که کسی گوید با آتش کم باش یعنی مال نگهدار تا درویش نشود واگر بیند که گویند چراغ برافروز یعنی مال خرج کن واگر بیند که گویند

بشنود بشیر یعنی بخواهد و اگر بیند که گریست تعجب بینی یا نقش بنای نیکوئی کن و اگر بیند که کسی وی غسل کن بینی [illegible]
بر زده و بیند که اگر بیند چیزی نیکو یعنی نقصان بکند. **فرود آمدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از جای بلند فرود آمد
دلیل که شرف و بزرگی از وی زایل گردد و مالش نقصان شود و اگر بیند که از پایه نردبان بزیر آمد دلیل کند و معیشت نقصان شود
خاصه که نردبان از گل بود و اگر نردبان از چوب و سنگ باشد دلیل که مالش نقصان شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که از کوه فرود آمد اگر پیش رو شاد بود دلیل که اندوه پدید شود و در حرمت و جاهش نقصان پذیرد و اگر از جای فرود آمد دلیل که
بندی از نعمت و نقصان شود. **فروختن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر چه در شرع روا و دین عزیز بود فروختن آن
بد بود و اگر بخواب بیند که مصحف کلام الله فروخت دلیل که دین به دنیا فروخت و خوار بود و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که بنده خود را بفروخت دلیل که حرمت و بزرگی او از زنان باشد و زشت نام گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی
بفروخت آن چیز حقیر شود. **فزول** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر فزولی خیر و صلاح بود و نیک بود ولیکن چیزی که در شرع
و فساد [illegible]
[illegible] دلیل که نقصان و رنج و بلای بود. **فستق** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فستق در خواب مال و نعمت بود اگر بیند که مغز فستق داشت
و بخورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت بود و اگر بیند که مغز فستق داشت دلیل که از مردی بزرگ منفعت یابد و مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که مغز فستق بود داشت دلیل که مال و نعمت یابد. **فقاع خوردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فقاع
خوردن در خواب دلیل بر خیر و منفعت بود از قبل خادم [illegible] رسد و اگر بیند که فقاع میخورد دلیل که از زنان خیر و منفعت
یابد و اگر بیند که فقاع کسی داد دلیل که آن کس منفعت رساند و اگر بیند که کوزه فقاع بیفتاد و بشکست دلیل که [illegible]
زیانی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید فقاع خوردن در خواب خدمت کردن مردم بود و اگر بیند که فقاع خورد دلیل که خدمت
مردی سفله کند و اگر بیند که فقاع خورد و شیرین بود دلیل که از او منفعت یابد و اگر ترش و ناخوش بود دلیل که او را زیان
و مضرت رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید فقاع خوردن در خواب بر چهار وجه بود اول منفعت دوم [illegible]
سوم خدمت کردن چهارم مرد سفله. **فقیه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که فقیه و فاضل شد و بود و سخن او
نزد خلایق قبول بود دلیل که شرف و بزرگی یابد و نامش در آفاق به نیکی منتشر گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر مرد
امی خود را بخواب فقیه بیند دلیل که عوان شود و اگر خود را بخواب عالم تمام بیند دلیل که چنین شود. **فلاخن** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که فلاخن بکسی انداخت دلیل که بر آن کس نفرین کند و اگر بیند که کسی سنگ فلاخن بروی انداخت دلیل که کسی
بروی نفرین کند و اگر بیند که اندام از سنگ فلاخن خسته شد دلیل که از نفرین آن کس بروی رنج رسد. **فلوس** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید فلوس در خواب جنگ و خصومت بود و اگر بیند که فلوس داشت دلیل که با کسی خصومت کند و اگر بیند که فلوس
بسیار داشت دلیل که در دشمنی سخت گرفتار شود و اگر بیند که فلوس را از خانه بیرون انداخت دلیل که از غم و اندوه رسته گردد مغربی گوید

علیه گوید فلوس در خواب دیدن دلیل بر مفلسی بود فندق در خواب دیدن مال بود و اگر کسی بخواب بیند که فندق داشت دلیل
که از مردی بخیل منفعت یابد و اگر بیند که بخورد فندق داشت دلیل که او را با کسی خصومت افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مغز فندق
شیرین بود که داشت دلیل که مال حلال یابد فنک ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فنک در خواب مردی غریب توانگر و آمیزنده
با خلق بود و پوست و موی و استخوان از وی مال و خواسته بود و گوشت وی مال مردی غریب و توانگر بود و اگر بیند که فنک صید کرد
بود دلیل که فایده نیابد و اگر بیند که فنک را بکشت و پوست وی را برکند و گوشت وی را بیفکند دلیل که مال مردی غریب تلف کند
و اگر بیند که فنک را شکار کرد و از گردن او خون روان شد دلیل که دوشیزگی دختری غریب بستاند و اگر بیند که فنک بسیار بر وی جمع شدند
و از ایشان گزندی نرسید دلیل که در میان گروهی افتد و از ایشان منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند مضرت یابد فواق ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر کسی بخواب بیند که فواق آمد دلیل که خشم گیرد و دشنام دهد و سخن ناسزا گوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که هنگام نان خوردن
او را فواق پدید آمد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که او را فواق بسیار می آمد دلیل که بی جهتی بر کسی خشم گیرد و اگر بیند که فواق او با بانگ و آواز
بود دلیل که دروغ گوید و بهتان و دروغ او را ملامت رسد و اگر بیند که فواق نرم و آهسته بود دلیل که بر کسی خشم گیرد ولیکن زود باز آید
و اگر بیند که فواق میکرد و بهر حیله بود برآورد دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد فوده خمیر خشک باشد که از آن آنگاه سازند دیدن
وی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که فوده میخورد دلیل که بسبب کاری متفکر گردد و فوده در خواب جنگ و خصومت با خویشان بود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن فوده در خواب بر پنج وجه بود یکم بیماری دوم غم و اندوه سیوم خصومت چهارم نجات پنجم ناسازگاری
با عیال فوطه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید فوطه و جامه فوطه در خواب شادی و آسانی بود و اگر بیند که فوطه از پنبه بود که داشت
دلیل بر راحت دین و دنیاوی بود که یابد خاصه چون نو و فراخ بود و اگر فوطه کهنه و دریده بود تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة
الله علیه گوید فوطه در خواب لباس مردم صالح است و اگر بیند که جامه فوطه پوشیده بود و بیننده مستور بود دلیل بر زیادتی
ستر او بود و اگر بیننده خواب مفسد بود دلیل که توبه کند و راه صلاح جوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر جامه فوطه پادشاه بیند
دلیل که عدل و داد آورد و اگر قاضی بیند که جامه فوطه پوشید دلیل که حکم براستی کند و اگر مشرک بیند مسلمان شود و اگر فاسق بیند
تائب گردد و اگر دزد بیند توبه کند و راه صلاح جوید حرف القاف قاضی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند
که قاضی شده و میان خلق داوری میکرد و از اهل قضا نبود دلیل که در رنج و بلا گرفتار شود و مالش از دست برود و اگر بسفر رفته
باشد او را قطاع الطریق بزنند و مالش تلف شود و اگر عالم و دانا بود قاضی شود و اگر بیننده خواب عالم نبود و جوان بود از سفر
بسلامت باز آید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی قاضی معروف بخواب بیند دلیل که بمنزلت علما و بزرگان دین برسد و اگر قاضی
مجهول بیند که نشسته بود و او بکسی داوری داشت و در میان ایشان حکم کرد هر حکمی که رفته باشد آن بود قوله تعالی وَاللّٰهُ
يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ و در جای دیگر فرموده يَقْضِي الْحَقَّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ مغربی رحمة الله علیه گوید ا
گر بیند که قاضی بر وی حکم کرد همان بود که دیده باشد و اگر بیند که قاضی ترازو در دست داشت دلیل که در میان خلق حکم [illegible]

اگر بیند که زنی مر او را شفقت برد هیچ اگر در بادی عجب ... سخن گفت دلیل که در آن نزدیکی خبر مسرت رسد و شود ...

قالب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قالب فرسودی نو شدی آمد دلیل که کار بسته وی گشاده گردد و اندیشان دور شود قالب
... ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر قالب کفش ... دلیل که زن وی ... او وی رست ...
اگر ... و اگر بیند که قالب شکست یا بسوخت دلیل که خرم خانه او ... شود ...
... اگر بیند که قالب بسیار داشت دلیل که او را از فایده خیر و منفعت رسد و اگر بیند که کفش ...

قالی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قالی بزرگ ... دانست که آن ... دلیل که ...
و فراخی روزی بود و اگر بیند که بر قالی نشسته بود در جایی بیگانه دانست که آن جایگاه کیست دلیل که بنا بروی متغیر شود و ...
... کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر قالی تنگ و کوچک نشسته بود دلیل که عمرش کوتاه و روزی تنگ بود و ... رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که قالی در پیچیده بود و بر دوش داشت دلیل که از جایی بجایی دیگر برود و عمرش اندکی مانده بود و اگر بیند که قالی ...
... معیشت و روزی بیشتر و بهتر بود و اگر بیند که بر قالی کوچک نشسته بود و ناگاه بروی فراخ شد دلیل که معیشت و روزی وی فراخ ...
و اگر بخلاف این بیند دلیل که معیشت و روزی بروی دشوار گردد و اگر بیند که قالی گسترده بود و دست خود ... نوشت ...
دلیل که دولت و اقبال خود تباه کند و اگر بیند که قالی بر پشت نهاده می‌برد دلیل که ... بسیار کند دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که قالی
کوچک و سبز بود دلیل که روزی بروی تنگ شود و عمرش دراز شود و اگر بیند که قالی بزرگ بر گرفت و برداشت دلیل که روزی ...
و اگر بیند که قالی در خانه کسی افکنده بود دلیل که خداوند آن خانه را دولت و اقبال بود و اگر بیند که در خانه مجهول قالی افکنده بود دلیل که ...

... **قبا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قبای کرباس در خواب پناه و قوت و سفر بود و اگر بیند که قبای کرباس
فراخ پوشیده بود دلیل که از غمها فرج یابد و اگر بیند که قبای حریر پوشیده بود در خواب مکروه بود و دیگر ... پوشیده بود ...
مردی بزرگ شرف و منزلت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند قبا پوشیده ... بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که قبای
سبز پوشیده بود دلیل که روشنایی یابد و اگر کبود بود مصیبت باشد و اگر سیاه بود غم و اندوه باشد و اگر ملون بود ...
و اگر قبای کهنه دریده و شوخ بود دلیل که ... مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قبای ... داشت اگر این قبا باشد دلیل ...
... بود و اگر بیند که قبای پوستین سیاه و سپید پوشیده بود دلیل که زنی توانگر بزنی کند و اگر بیند که قبا از پوست ...
... کنده و اگر قبا از پوست سمور بود دلیل که زنی توانگر خواهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قبا در خواب بر شش وجه بود
یکی پناه دوم قوت سوم حجت چهارم منفعت پنجم حکمت ششم ریاست

قباله ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی ...
که قباله خط داشت دلیل که ... و قباله او را حکمت حاصل شود و اگر بیند که پادشاه خط و قباله بوی داد دلیل که ...
... و اگر بیند که دشمن قباله بوی داد دلیل که ... حاصل شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید قباله در خواب بر شش وجه
بود یکی ... ریاست دوم حکمت سوم منفعت چهارم ولایت پنجم حجت ششم قوت

قبان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قبان در خواب ...

بنجار بود و گفته قبان در خواب ترازوی بود و زبانه اش عزول بود و وقت گذاردن حکم مغربی رحمة الله علیه گوید قبان در خواب قاضی بود اگر
بیند که قبانی داشت دلیل که با وکیل قاضی او را صحبت افتد و اگر بیند که قبان چیزی می سخت دلیل که قاضی را با او صحبت افتد
قبله ابن سیرین رحمة الله گوید اگر بیند که قبله بگذاشت و بجانب مشرق نماز گذارد دلیل که بر او حضرت رسول علیه السلام میل ندارد و اگر بیند که
قبله نشناخت دلیل که در راه دین سرگشته و متحیر گردد **قبه** گنبد بود و در حرف کاف بیان کنیم **قدح** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی
بخواب بیند که قدح آب یا جلاب داشت و از آن بخورد دلیل که زن بخواهد یا کنیزک خرد و فرزند صالح و پارسا بیارد و اگر بیند که آب
بریخت و قدح بماند دلیل که فرزند بمیرد و زن بسلامت باشد و اگر بیند که قدح شکست و آب بریخت دلیل که فرزند و زن هر دو بمیرند
و اگر بیند که قدحی بود و از آن بخورد دلیل که او را فرزندی بد کردار آید و از و محنتی بدو رسد و اگر قدحی تهی بخواب بیند دلیل که او را فرزند
نیاید جعفر صادق رضی الله عنه گوید قدح در خواب بر سه وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم خادم که تیمار حوائج خانه بود
قدید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قدید در خواب اگر گوسپند بود دلیل بر غنیمت بود و اگر گوشت اسب بود دلیل که غنیمت مردم
سپاه بود و اگر گوشت چارپایان دشتی بود غنیمت مردم بیابانی بود و خوردن گوشت قدید خیر نباشد **قرآن خواندن** در خواب
دلیل بر حاکم است اگر بخواب بیند که آیت رحمت و بشارت از حق سبحانه و تعالی پس واجب بود که خیرات کند و شکر حقتعالی جل علا
گذارد و اگر بیند که آیهٔ عذاب میخواند دلیل که بر خشم و غضب خدایتعالی عز و جل بود توبه کردن باید و بخداوند تبارک و تعالی باز
گردیدن و اگر بیند که آیت از قصص و امثال میخواند دلیل که معصیت کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که نیمه قرآن میخواند
دلیل که یک نیمه از عمر گذشته بود و اگر بیند که حافظ قرآن شد دلیل که امانت نگهدارد و اگر بیند که آواز قرآن می شنید دلیل که کارش
در راه دین نیکو گردد و اگر بیند که کسی قرآن وی میخواند و او از آن هیچ فهم نکرد دلیل که غم و اندوه بخاطر وی رسد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که همه قرآن ختم کرد دلیل که مراد ها بیابد و بعضی از معبران گویند عمرش بآخر رسیده باشد و اگر بیند که قرآن باواز
بلند میخواند دلیل که کارش بلند شود و میان مردم معروف گردد و اگر بیند که یاد دارد که کدام آیه میخواند دلیل که تفسیر آیه تعبیرش
باشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چهار یک قرآن میخواند دلیل که کار وی نیکو گردد و اگر بیند که از اعراف تا مریم
بخواند دلیل که در میان خلق مشهور گردد و اگر بیند که از زمر تا سورة الناس خواند همه حاجات وی بر آید و اگر بیند که تمام سی پاره
قرآن خواند دلیل که سال و ماه بر وی مبارک باشد و اگر بیند که هفت سی پاره قرآن خواند دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر
کسی قرآن خوان نبود و بخواب بیند که قرآن میخواند دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد قوله تعالی اِقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ
الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا اگر بیند که برهنه بود و قرآن میخواند دلیل که هوادار بود و اگر بیند که بجایگاه پاک و پاکیزه نمیخواند دلیل که در اعتقادش
خلل پیدا شده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید قرآن خواندن در خواب بر چهار وجه بود یکی سلامتی یافتن از قهر دوم
توانگری بعد از درویشی سوم مراد و کام دل یافتن چهارم بیداری و پرهیزگاری فرمودن کسانی را که مستحق باشند و در قیامت
حجت بر ایشان را بعذاب و عقوبت **قربان کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که اشتر یا گاو یا گوسپند قربان

مراد دلیل که بیند و بوی آن داده شود و اگر بیمار بود شفا یابد و گر [illegible] بود خاصه [illegible] و اگر درویش بود توانگر شود و اگر [illegible]
زمین گیرد و اگر وام دارد وامش گزارده شود و اگر حج نکرده باشد حج گزارد و اگر بیند که بجهت قربانی فرستاده بود دلیل که خرم
چیزی ترسد ایمن گردد و اگر محبوس باشد خلاصی یابد و اگر قحط و تنگی بود بفراخی مبدل شود خاصه که این خواب نزدیک عید
باشد و دلیلش بود ترا زکنه کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت قربانی بمردم قسمت میکرد دلیل که مردی محتشم آنجا بمیرد و
قسمت کنند و اگر بیند که گوشت قربانی بخورد دلیل که بر خداوند تعالی عزوجل بود و حج گوید قربان در خواب بشارت بود لقوله تعالی
وبشرناه باسحق نبیا من الصالحین وبارکنا علیه وعلی اسحق اگر زنده و در خواب زن بود ماده پسر [illegible] جعفر
صادق رضی الله عنه گوید که دیدن قربان در خواب بر شش وجه بود یکی ایمنی از ترس دوم حاصل شدن مراد سیم نجات سوم [illegible]
چهارم بشارت پنجم زوال قحط و تنگی **قرابه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قرابه در خواب کنیزک پیری بود که مال و خواسته بسیار [illegible]
در قرابه آب یا جلاب یا چیزی که خوردنش حلال بود بیند دلیل که آن کنیزک پیر حلال خوار بود و اگر بیند که در قرابه چیزی بود که [illegible]
دلیل که آن کنیزک پیر حرام خوار بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قرابه داشت دلیل که او را با کنیزک پیری صحبت افتد و اگر بیند
که از قرابه آب یا جلاب خورد دلیل که او را از کنیزک پیر خیر و منفعت رسد و اگر از قرابه چیزی ناخوش خورد دلیل که غم و اندوه خورد
[illegible] خیر و شر رسد و اگر بیند که قرابه بشکست دلیل که از آن کنیزک پیر جدا گردد **قفل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
قفل در خواب [illegible] نیکو بود و اگر بیند که قفل بسیار داشت و هر کس عطا داد دلیل که اهل [illegible] ثنا گویند نامش بنیکی منتشر
گردد و اگر بیند که قفل میسوخت دلیل که او را غم و اندوه و مصیبت رسد **قز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قز ابریشم چون سپید باشد دلیل
بر نعمت و جهانی باشد و اگر زرد بود دلیل بیماری کند و دیدن ابریشم پخته بهتر از خام بود و اگر بیند که ابریشم یا قز او بسوخت یا [illegible]
شد دلیل که ویرا زیانی رسد و اگر بیند که قز و ابریشم داشت و سفید بود و ملک وی بود دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر سبز بود بهتر باشد
سرخ بود مردانرا بد باشد و اگر سیاه یا کبود بود دلیل بر غم و اندوه باشد و اگر بیند که از هر رنگی ابریشم داشت دلیل که او را از هر رنگی [illegible]
بود ابریشم مردانرا در دین مکروه بود و زنانرا نیک باشد **قسط** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قسط عنبر خود میسوخت و دود
میکرد دلیل که مردم آن ولایت او را مدح و ثنا گویند و نامش در آفاق به نیکی منتشر گردد و اگر دود کند و ناخوش بود تاویلش بخلاف
این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قسط میخورد دلیل که غمگین شود **قسمت کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مال یا
چیزی قسمت میکرد دلیل که میان خلق انصاف نگاه دارد و اگر بیند که مال خود بخیر و صلاح قسمت کرد دلیل که او را فرزندان آید و مال [illegible]
قسمت کنند و اگر بیند که مال خود بشر و فساد قسمت میکرد دلیل که مال وی تباه شود و اگر بیند که مال کسی برضای او قسمت کرد و اگر بخیر
یا بفساد دلیل که خیر و شر آن بوی باز گردد **قصاب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قصاب چون مجهول باشد ملک الموت بود و اگر بیند
که قصاب در سرای او یا در کوچه در آمد دلیل که در آنجا کسی بمیرد و اگر بیند که او قصاب است و قصاب نبود دلیل که کسی را بکشد و اگر بیند
که با قصاب همراهی کرد دلیل که او را با ظالمی صحبت افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قصابی کرد و قصاب نبود دلیل که غم و اندوه

ازوی زایل شود واگر بیند قصاب بود خون حق بریزد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قصاب مجهول در خانه وی درآمد با کارد و[illegible]
دلیل که در آن موضع مرگ مفاجات پیدا شود **قصه گفتن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قصه مجهول میخواند دلیل
که از ترس وبیم ستمکاران ایمن شود قوله تعالی فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ
الظَّالِمِينَ کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردم را قصه میگفت دلیل بر خیر وصلاح بود واگر نیک میگفت واگر بد میگفت دلیل
بر شر وفساد کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قصه میگفت دلیل که کارش نیکو شود و مرادش حاصل گردد و قصه گوی در خواب
مردی نیک معبر بود **قضیب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قضیب شاخ درخت بود که در خواب بیند اگر کسی بخواب بیند که
شاخ درخت تازه وباریک بود و بدو دادند و آنکس معروف بود دلیل که او را از آنکس بقدر آن خیر ومنفعت رسد واگر بیند
که شاخی باریک وخشک بود دلیل که چیزی بوی برسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شاخ درختی که برش میوه او بود
بدو دادند دلیل که از آنکس بدو غم واندوه رسد واگر از درخت شیرین بود دلیل که خیر ومنفعت یابد **قطایف** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قطایف بشکر وبادام کسی بوی داد واز آن بخورد دلیل که او را مال ونعمت آسان بدست آید واگر
بمغز خورده وشاب بود دلیل که منفعت اندک بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید قطایف در خواب بر چهار وجه بود
یکی سخن خوش دوم مال حلال سوم منفعت چهارم منفعت بیع **قطران** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قطران در
خواب مال حرام بود واگر بیند که قطران داشت واز آن همی خورد دلیل که بقدر آن مال حرام حاصل کند واگر بیند که تن یا جامه
وی بقطران آلوده بود دلیل که لباس حرام بپوشد وبعضی گویند بسبب مال در بلا ومحنت افتد واگر بیند که قطران از
خانه بیرون انداخت دلیل که توبه کند **قفا خوردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بر قفای خود موی بیند
دلیل که وام دار شود واگر بیند که موی از قفا سترده بود دلیل که وامیکه دارد گذارده شود واگر بیند که بر قفای آدمی
کسی زد چنانکه آماس کرد دلیل که هم او را وهم کسان او را منفعت بود واگر بیند که بیگانه بر قفای او سیلی زد دلیل که منفعت
از بیگانه یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی چندان سیلی بر قفای او زد که خون روان شد دلیل که او با کسی داوری
کند وزیانش رسد واگر بیند که قفای خود بدرید دلیل که عیالش بروی خیانت کند واگر بیند که بر قفای خود حجامت کرد
دلیل چیزی که خریده باشد قباله نویسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که رویش بقفا گشت دلیل که با مردم منافقی کند
قفص ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قفصی داشت دلیل که در جایی گرفتار شود ومعبران گویند که او را با کسی
از خویشان در زندان کنند واگر بیند که قفص بشکست یا ضایع شد دلیل که از تنگی زندان خلاصی یابد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن قفص در خواب بر سه وجه بود یکی زندان دوم جایی تنگ سوم سرای نخاس **قفل** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید قفل در خواب دلیل بر راست شدن کارهای دینی ودنیاوی بود واگر بیند که قفل زود بگشاد دلیل که کار
بروی گشاده شود وشاید که حج اسلام بگذارد واگر بیند که قفل نتوانست گشود دلیل که کارش دیر گشاده شود مغربی رحمة

صیه گوید اگر بیند که قفلی محکم بر جائی نهاد دلیل که مال خود مصلح سازد و اگر بیند که قفلش سست و ضعیف بود [illegible]
بخلاف این جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن قفل در خواب بر شش وجه بود یکی ساختن کار دوم قوت سوم حجت چهارم
شفقت پنجم زن ششم اعتماد بر کسی مصلح داشتن قلعه بود در حرف دال ذکرش رفته است قلم معبران در تاویل
قلم خلاف کرده اند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قلم امر حق است و خدای تعالی را بقلم و لوح محفوظ نیاز نیست مغربی رحمة الله
علیه گوید قلم فرشته ایست که بفرمان خدای تعالی جل و علی کار کرده اگر کسی قلم را بدان صورت که هست بیند دلیل
که او را با پادشاهی عاقل کار افتد و حقتعالی جل و علا قلم را یاد کرده است والقلم وما یسطرون اگر بیند که قلم بر دست
گرفت دلیل که او را فرزندی فاضل عالم آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر آن قلم که در دست داشت چیزی
نبشت دلیل که علم آموزد قوله تعالی علم الانسان ما لم یعلم جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن قلم در خواب بر پنج
وجه بود یکی امر حقتعالی دوم فرشته سوم توانگری چهارم حقیقت کردار پنجم علم را خامه گویند و شرح آن در حرف خا یاد کرده
قلیه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قلیه که با آب پخته باشد بهتر از آنکه بی آب پخته باشد هر چند که قلیه بطعم خوشتر بود منفعت آن کمتر
باشد و اگر قلیه از گوشت گاو و فربه باشد و خورد دلیل که در آن سال از ترس و بیم ایمن بود و اگر از گوشت بره یا بزغاله خورد دلیل که مال [illegible]
یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قلیه از گوشت اسب خورد دلیل که مال از پادشاه برنج و سختی بدست آرد و اگر از گوشت اشتر
خورد دلیل که مال از مردی بزرگ بدست آرد و اگر قلیه از گوشت ماهی خورد دلیل که از جهت زنان بکر مال بدست آرد و اگر چنانکه
خواب معتبر بود دلیل بر غم و اندوه کند و اگر بیند که قلیه از گوشت چهارپائی خورد که گوشت وی حرامست دلیل که مال حرام خورد قمع
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قمع کوچک در خواب غلام و کنیزک بود و قمع بزرگ بی مرتبه کنند و بود و اگر بیند که قمع کوچک بکسی
یا کسی بوی داد دلیل که غلام یا کنیزک کوچک بخرد و اگر بیند که قمع او بشکست یا ضایع شد دلیل که او را از صحبت چنین مردی
مفارقت افتد و اگر بیند که قمع او سیمین بود دلیل که او را با مردی نیک رای و خردمند صحبت افتد و اگر بیند که قمع او آهنین
بود دلیل که با مردی قوی رای و شجاع صحبت افتد و از وی خیر و منفعت یابد قند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قند خورد
دلیل که تعجیل کاری کند که از آن کار پشیمان شود و اگر بیند که کسی پاره قند در دهان او نهاد دلیل که او را بوسه دهد و اگر بیند که قند خرید
قند داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که قند میفروخت دلیل که او را زیان رسد و خریدن قند بهتر از فروختن
قندیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید قندیل افروخته توفیق عبادت بود خاصه که روشن بود اگر کسی بخواب بیند که در خانه
قندیل افروخته آویخته بود دلیل که زنی صالحه پارسا بخواهد و اگر این خواب زنی بیند طاعت و عبادت بسیار کند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید قندیل افروخته در خواب دیدن بر چهار وجه بود یکی زن خواستن دوم توفیق سوم خرد و دولت چهارم گشایش
در کارهای بسته و قندیل نا افروخته دیدن منفعت اندک بود قنوت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که قنوت
خواند دلیل که مردم مدح و ثنا گویند و حاجتش روا گردد و اگر مرد مصلح و پارسا در خواب خواند دلیل که همه حاجتش روا شود و اگر بیند

که صلح بود و از درگاه حق تعالی حاجتهای او برآید و اگر بیند که مفسد بود دلیل که از بزرگی کارهای دنیای وی برآید **قنینه** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید قنینه در خواب خادمی بود که کلید خانه بدو سپارد اگر کسی بخواب بیند که قنینه داشت و در وی آب بود یا
یا چیزی که خوردن آن حلال بود و آن بخورد دلیل که مال حلال یابد و اگر در قنینه چیزی حرام بود و از آن بخورد دلیل که او را از خادم
چیزی حاصل شود و اگر بیند که قنینه بشکست یا ضایع شد دلیل که خادم او بگریزد کرمانی رحمة الله علیه گوید قنینه در خواب جاریه
بود که چیزها بر دست وی باشد **قیامت** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که قیامت بود دلیل که حق سبحانه و تعالی
ود آن دیار را عمر گستر ده گرداند و اگر اهل آن دیار ظالم باشند دلیل که آفتی و بلائی بدیشان رسد و اگر اهل آن دیار مظلوم باشند دلیل که حقتعالی
عزوجل ایشان را نصرت دهد و اگر بیند که اهل آن دیار پیش حقتعالی جل و علا ایستاده بود دلیل بر خشم و خدای حقتعالی جل و علا باشد کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیامت برخاست اگر مظلوم باشد دلیل که بر ظالم دست یابد و از غم رسته گردد و اگر بیند که علامتی پیدا
چنانکه آفتاب از مغرب برآمد یا دجال و یاجوج و ماجوج پیدا شد باید که توبه کند و بحقتعالی گراید و اگر بیند که گورها بشگافت و مردمان
بیرون آمدند دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که او را برانگیختند باید که از گناه توبه کند و رضای حق تعالی جل و علا جوید و اگر بیند که در شمار
گاه بود دلیل که در غفلت بود قوله تعالی اِقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُعْرِضُونَ اگر بیند که با وی شمار کردند دلیل
که او را زیان رسد قوله تعالی فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُكْرًا و اگر بیند که کردارها بسنجیدند
و وی نیکی زیادت آمد دلیل که سرانجام کار وی نیکو شود قوله تعالی فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
و اگر بیند که بدی وی بیشتر از نیکی بود دلیل که سرانجام کار وی بد بود قوله تعالی وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا
أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ و اگر بیند که ترازوی وی سنگین بود و نامه وی بدست راست داشت دلیل که وی بر راه راست
بود قوله تعالی وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ و اگر بیند که نامه کردار وی دادند و گفتند
که برخوان اگر از اهل صلاح بود کار وی نیکو شود و اگر از اهل فساد بود بر خطر باشد قوله تعالی اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ
اگر بیند که بر صراط است دلیل که براه راست میرود و اگر بیند که بر صراط نتوانست گذشت هم راه راست بود جعفر صادق رضی
الله عنه گوید قیامت در خواب اهل صلاح را بر چهار وجه بود یکی رستگاری دوم فرج از غم سیوم ظفر یافتن بر دشمنان چهارم اقبال
و خانت با سعادت و اهل فساد را بخلاف این بود **قیر** ابن سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بیند که قیر داشت دلیل که بقدر آن نعمت
در روزی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قیر بسیار داشت و بخانه برد دلیل که بقدر آن نعمت بخانه برد و اگر بیند که قیر از خم
بیرون افکند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که در دیگر آتش افتاد و بسوخت دلیل که پادشاه او را مصادره کند مالش بستاند و اگر
بیند که قیر میخورد دلیل که چیزی حرام خورد و بعضی معبران گویند که او را غم رسد **قی کردن** ابن سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بیند
که قی میکرد و آسان بر می آمد دلیل که توبه کند و اگر بیند که قی نتوانست کردن یا در وقت برآمدن باز جای رفت دلیل که از توبه
باز گردد و سرانجام عقوبت یابد و بعضی گویند که او را مصیبت و زیان افتد اگر بیند که قی میکرد و میخورد دلیل که از بخل چیزی عیال

[illegible] گوید اگر کسی بیند که [illegible]

[illegible] دلیل [illegible]

[illegible] و اگر بیند که [illegible]

[illegible] دلیل [illegible]

[illegible] و اگر بیند که [illegible] دلیل که [illegible]

کاجی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کاجی [illegible] و اگر بیند [illegible]

[illegible] و اگر بیند که [illegible] دلیل که چندان نعمت یابد و اگر بیند که کاجی [illegible]

اگر کسی [illegible] اگر بیند که کاجی [illegible] ترش بود دلیل [illegible] کرمانی رحمة الله علیه گوید [illegible]

اگر کاجی [illegible] شیرین بود دلیل که [illegible] بدست آید و اگر بیند که [illegible] ترش بود دلیل که غم [illegible]

کاردی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید [illegible] و اگر کسی بخواب بیند که کارد در دست [illegible]

دارد [illegible] دلیل که [illegible] منزلت یابد [illegible]

[illegible] دلیل [illegible] اگر کسی [illegible] و اگر [illegible]

علیه گوید اگر بیند که [illegible] دلیل که [illegible] و اگر بیند که [illegible] شکست دلیل که [illegible]

[illegible] دلیل که [illegible] و اگر بیند که [illegible]

[illegible] یابد و اگر بیند که [illegible] دلیل که [illegible]

جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن [illegible] در خواب [illegible] سیوم ظفر چهارم [illegible]

[illegible] ولایت کارزار کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کارزار کردن در خواب [illegible] طاعون [illegible]

بخواب بیند که کارزار میکرد دلیل که او را از [illegible] طاعون [illegible] بود و اگر در کارزار دشمن را قهر کرد دلیل که [illegible]

یابد و اگر در کارزار دشمن بر وی چیره گشت دلیل که [illegible] کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که [illegible]

با کسی بشمشیر جنگ میکرد و یکی از ایشان [illegible] دلیل [illegible] و اگر [illegible]

میکرد [illegible] بتیر و کمان کارزار میکرد دلیل که میان ایشان [illegible] کارزاری ابن سیرین [illegible]

[illegible] گوید اگر بیند که کارزاری میکرد [illegible] دلیل [illegible] توفیق خیرات یابد [illegible]

[illegible] کند و [illegible] دلیل [illegible] تعالی بود و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که [illegible]

دلیل که توبه [illegible] و اگر بیند که [illegible] دلیل که [illegible] توبه کند و اگر بیند که [illegible] سپید شد دلیل [illegible]

[illegible] یابد و اگر بیند که [illegible] سپید [illegible] دلیل [illegible] گناه [illegible]

که بدست وی خیرات و حسنات برود و بر دو داند کفارت گناهان جعفر صادق رضی الله عنه گوید کاز در خواب مردی با
بر غم و اندوه و از دل مردم برد و از این سبب معبران گویند چون کسی بخواب بیند که جامه میشوید دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد
و از گناهان توبه کند خاصه که جامه را سپید بشوید **کار دنیا کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کار دنیا
میکرد دلیل بر فساد و نقصان دین وی بود و اگر بیند که کار دین میکرد دلیل بر صلاح دین بود و بر احوال آنجهانی نیک بود
و اگر بیند کارهای دنیاوی آراسته شد دلیل که اجلش نزدیک باشد و اگر بخلاف این بیند عمرش دراز بود و اگر بیند که بکاری
مشغول بود که او را و غیر او را از آن منفعت نبود دلیل که بکاری مشغول شود که در آن خیر و منفعت نباشد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید اگر بیند که با مردی بکاری میشد و در راه نشست دلیل که مخالف دین بود بقوله تعالی فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ
رَسُولِ اللهِ **کاروان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که با کاروان در راه بود و اهل آن کاروان مصلح
و پارسا بودند دلیل بر خیر و صلاح کار وی بود و اگر بیند که مردم کاروان مفسد و بدخوی بودند تاویلش بخلاف این بود و اگر
بیند که سوار بود و برگ تمام داشت دلیل که او را نعمت حاصل شود و اگر بیند که در کاروان پیاده بود و برگ نداشت تاویلش بخلاف
این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کاروان بخانه می آمد دلیل که کارها بروی گشاده گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که کارها بر وی
بسته گردد **کاریز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در جایگاهی معروف کاریزی میکند دلیل که با کسان خود مکر
و حیلت سازد و این تاویل وقتی بود که بکندن کاریز آب پیدا نشود و چون آب پدید آید و روان گشت حکم کاریز کندن معین نگاه دا
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کاریز آب می ستد دلیل که بمکر و حیلت مال جمع کند خاصه که کاریز وی کنده باشد منفعت
بقدر آنکه از وی بر دارد بوی رسد و اگر بیند که آب از کاریز بر داشت و در خم ریخت یا در سبو کرد دلیل بر مالی باشد که خرج کند و اگر بیند که
کاریز افتاد دلیل که در مکر و حیلت افتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که باغ را از کاریز آب میداد دلیل که با زن خود مجامعت کند و
کاریز دیدن در خواب مردی بود که کارهای دنیا بمکر و حیلت سازد کند **کاسه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کاسه چوبین چیزی بدوی خوردنی
بود و بخورد بقدر آن از سفر روزی حلال یابد و کاسه سفالین در خواب روزی بود و کاسه خالی فقر و ماندگی و بیچارگی بود کرمانی رحمة الله
علیه گوید کاسه طعام خادمی بود با برکت و منفعت که بر دست وی خیرات رود و مال بوقت صلاح قسمت کند و کاسه زرین و سیمین که در وی
خوردنی بود روزی حرام باشد و کاسه سفید روی رفیع روزی اندک بود که شبهتی بود و کاسه آبگینه دلیل بر آن کند و کاسه چینی دلیل
مفلسی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کاسه خود چیزی خوردنی خوش طعم و شیرین داشت دلیل که نعمتی و مالی یابد و اگر چیزی ترش
و ناخوش بیند دلیل بر غم و اندیشه بود **کاغذ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کاغذ در خواب مال و بزرگی بود اگر بیند که کاغذ سفید و پاکیزه داشت
دلیل که بقدر آن مال و بزرگی یابد و اگر بیند که کاغذ وی در آب بزیان رفت یا بسوخت دلیل که بقدر آن از بزرگی و مال وی نقصان
شود کرمانی رحمة الله علیه گوید کاغذ در خواب علم و دانش بود اگر خداوند خواب پارسا بود و اگر بیند که کاغذ بسیار داشت دلیل که در فضل و
علم شهرت یابد و اگر خداوند خواب مفسد و جاهل بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کاغذ در خواب بر چهار وجه

بود یکی زن دوم بندگی سوم دولت چهارم کر و حیلت کافور ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کافور در خواب دلیل بر نفس پاک بود
بود و زر راحق اگر بیند که کافور بسوخت و از آن بوی ناخوش می‌آمد دلیل که شکوی کند با کسی و از آن منت نداند و اگر بیند که کافور کم گشت
دلیل که بشارت شادی یابد و اگر که کافور بسیار یافت دلیل که مال و منفعت بسیار یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کافور در خواب
بر هفت وجه بود یکی مرد عالم دوم زن سوم دوست چهارم کنیزک خوبروی پنجم مال بسیار ششم ثنا و آفرین و سخنهای خوب هفتم
نفس کافور سپرغم نباتیست که شکوفه او زرد بود و از وی بوی کافور آید و اگر بیند که از زمین او رسته بود دلیل که مدح و ثنای او در
مجمع مردم باشد و اگر بیند که کافور سپرغم از جائی برکند دلیل که از آن موضع ثنای او منقطع شود و اگر بیند که کافور سپرغم میخورد دلیل که او را
غم رساند و رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کافور سپرغم در خواب بر سه وجه بود یکی ثنا و آفرین دوم نفع اندک سوم سخن
لطیف شنیدن و گفتن کافر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کافر شده است دلیل که او را بلیت کفر باشد و اگر بیند
که گبر شده و آتش میپرستید دلیل که بخداوند تعالی عاصی شود و اگر بیند که آتش نور و شعاع داشت دلیل که مال حرام جمع کند و بخورد اما بال
حرام نخورد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کافر در خواب بر سه وجه بود یکی میل بکفر داشتن دوم صحبت با مردم دشمن و بد اعتقاد
داشت و خواست کردن سوم خذلان خداوند تبارک و تعالی بر وی کام ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کام وی چنان
دراز شد که گلوی او دراز بسته شد دلیل که بدنیا حریص بود و مردم را غیبت کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کام او بالائی
بزیرین چسبیده بود دلیل که کار بر وی بسته گردد و اگر بیند که کام او دراز شده بود و ببرید و بینداخت دلیل که ترک حرص و آز بگوید و مردم
را غیبت نکند کاسه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کاسه در خواب جمله دلیل بر غم و مصیبت بود و اگر بیند که کاسه میشکست دلیل که بقدر آن
رنج و انده بوی رسد و اگر کاسه بکسی داد و او بخورد دلیل که آن کس از وی رنجور دل گردد و غم و اندیشه کشد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید کاسه خرد خوردن بر سه وجه بود یکی غم و اندوه دوم مضرت سوم خصومت و گفتگوی کاه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
کاه در خواب مال و نعمت بسیار بود خاصه که کاه گندم باشد و اگر بیند که کاه بسیار داشت و در خانه میکشید دلیل که مال و نعمت
بسیار حاصل کند و اگر بیند که کاه جو بود آنچه گفتیم کمتر از آن باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کاهدانی رفت و اندکی کاه
دلیل که توانگر شود و مراد و حاجت او روا گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آتش در کاهدان او افتاد و کاه او بسوخت دلیل که پادشاه
او را مصادره کند و مال و خواسته از وی بستاند و اگر بیند که چهارپائی کاه میخورد دلیل که بجهد مال خود تلف کند جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن کاه در خواب بر سه وجه بود یکی مال حلال دوم کسب معیشت سوم کام دل و شادی کاهو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر کسی بخواب بیند که کاهوی شیرین بوقت خود میخورد دلیل بر غم و اندیشه بود و اگر بیند که کاهوی تلخ بود دلیل که مضرت و زیان بیند
و اگر بیند که کاهوی تلخ و نیکو نبود دلیل که با کسی جنگ کند کاورس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کاورس میخورد دلیل که مال
و خواسته یابد و اگر بیند که کاورس بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال برنج حاصل کند و اگر بیند که کاورس بفروخت دلیل که او را نقصان
رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کاورس پخته بود دلیل که مال اندک یابد و خیر و نفع او را اندک باشد کاو دانیال علیه السلام گوید

اگر کسی بخواب بیند که بر گاو نشسته بود و گاو از آن وی بود دلیل که از پادشاه عمل گیرد و نفع بسیار از وی بیابد خاصه چون گاو فربه
باشد و اگر گاو نر زرد بیند دلیل که بیمار بود و اگر بیند که گاو نر از در خانهٔ وی در آمد دلیل که حقتعالی در خیر و روزی بر وی گشاده گرداند
لیکن اندوهش سپری نگردد و اگر بیند که گاوان نر بسیار داشت دلیل که غلامان بسیار زیر دست وی شوند و او در کار ایشان تأمل
کند اگر بیند که گاو نر او را بیرون برد و از منزلش بیرون برد دلیل که از غلامان او را مضرت رسد و او خود را معزول گرداند
و اگر بیند که گاو او را بسرون بزد و سرش بموضع سر بود دلیل که بعد از سر وی غلامش یکسال عمل وی کند و اگر بیند اندامی از اندام
وی افزون بیند دلیل که عمل او افزون شود و اگر نقصان بیند تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید گاو نر
در خواب عمل بود و پوست او میراث عامل بود و دم گاو و خریدن و فروختن نیز عامل بود و اگر بیند که دنبال گاو نر در سرای
در آمد دلیل که مال بسیار یابد و روزی او فراخ شود و اگر در کوچهٔ خویش گاوان بسیار بیند دلیل که محتشم گردد و در کار او خیرات
و برکت پدید آید و اگر گاو نر او را بیرون برد و بینداخت اگر بینندهٔ خواب صاحب عمل بود دلیل که معزول گردد و اگر
بازرگان بود دلیل که زیان کند و اگر پادشاه بود از ملک بیفتد و اگر بیند که گاو بیرون برد و او بیفتاد دلیل که کسی بر وی تشریف
و بزرگی کند تا در عمل وی کوشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گاو نر از میان گاوان بکشتند و قسمت کردند گاو
عامل بود دلیل که مردی بزرگ از آن کوچه بکشند و اگر بیند که گاو را بکشت و گوشتش را بخورد دلیل که خداوند گاو را هلاک کنند
و مالش بستانند و اگر بیند که گاوی بکشت که نه گاو او بود دلیل که مردم محتشم در آن موضع بمیرند و اگر گاوان بسیار نر و ماده مختلف
بیند که در آن موضع آمد و شد میکردند دلیل که مردم آن موضع در آنسال بیاری کشند چون لاغر باشند و اگر گاو فربه باشد دلیل فراخی
و ارزانی بود و اگر بیند که گاوان زمین را میشکافتند دلیل که او را مالی بی اندازه بدست آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر
که با گاو جنگ میکرد دلیل که او را با مهتری جنگ افتد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گاو در خواب سال بود و اگر ماده گاو بیند دلیل که در
آنسال فراخی و نعمت بود و اگر ماده گاو لاغر باشد تاویلش بخلاف این بود و گوشت ماده گاو مال و فراخی در آنسال بود و پوست وی
خیر باشد و اگر بیند که ماده گاو را میدوشید و شیر میخورد دلیل که مالش افزون گردد و اگر این خواب بنده بیند آزاد گردد و اگر درویش بیند توانگر
گردد و اگر آزاد بیند از مردم بی نیاز شود و اگر خواری بیند عزیز گردد و اگر بیند که ماده گاو را آبستن بود دلیل بر امیدواری بود دانیال معبر رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که گوشت گاو فربه بخورد دلیل که در آنسال زن توانگری بزنی کند و اگر بیند که ماده گاوی میدوشید و از آن شیر میخورد دلیل که مال الیا جمع کند
و از آن خیری بخورد و اگر بیند که ماده گاو با وی سخن گفت دلیل که عیش بر وی فراخ گردد و اگر بیند که ماده گاو در پیش آمد دلیل که سال بر وی مبارک بود و اگر بیند که ماده گاو
از وی دور افتاد دلیل که آنسال بر وی بد باشد و اگر بیند که بر ماده گاو نشسته بود و بیفتاد دلیل که حال بر وی متغیر گردد و اگر بیند که با ماده گاو جنگ میکرد دلیل که زن او با وی
خصومت کند و اگر بیند که ماده گاو در زمین او زمین را میکرد دلیل که در آنسال او را نعمت بود و اگر بیند که ماده گاو او را بزد دلیل که عیالش با وی خیانت کند و اگر بیند که
ماده گاو ناگاه در خانهٔ او در آمد دلیل که ناگاه مالی بدو رسد بیرنج جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماده گاو در خواب بر شش وجه است
یکی فرمان توانگری دوم مال سوم بزرگی چهارم ریاست پنجم نیکوئی ششم سال نیکو **گاو دشتی** کرمانی رحمة الله علیه گوید گاو دشتی در خواب

مردی توانگر بود و مال بسیار و اگر بیند که در شکارگاه گاو وحشی بگرفت دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و اگر بیند که دو گاو وحشی با یکدیگر
جنگ میکردند دلیل که دو دوست با هم جنگ کنند و ماده گاو وحشی نشان زن بود و اگر بیند که گوشت ماده گاو وحشی میخورد دلیل که از
جهت زن مال حاصل کند و اگر بیند که نر گاو وحشی بگرفت دلیل که او را فرزندی آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت گاو وحشی
میخورد دلیل قوت و دولت یابد و اگر بیند که گاو وحشی شاخهای بسیار داشت دلیل که بهر شاخی او را دولتی و قوتی بود **کاو وحشی**

کوشت

ابن سیرین رح گوید که کاو میش در خواب مردی با فیه بود که از وی بمردم منفعت رسد خاصه چون مطیع بود **کاو میش** که با بسیار بین
آن در خواب کنیزک نیکو بود و ابن سیرین رحمة الله گوید اگر زنی بیند که شکوفه گاو چشم از درخت بکند و بشوهر داد دلیل که او را طلاق دهد و اگر
بیند که شکوفه گاو چشم کند و بغلام داد دلیل که غلام بگریزد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر گاو چشم بوقت خویش بر درخت بیند دلیل که او را
فرزندی آید و اگر بیوقت بیند بد باشد و اگر زرد بیند فرزندش بیمار شود و اگر فرزند نبود غمگین شود و باشد که ماداین سخن و بنا

کباب

از انواع نباتات و رگهای وی درشت باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن گاودزبان در خواب جنگ و خصومت بود و خوردن
آن خیر نبود و گوشت پخته ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گوشت پخته در خواب بهتر از گوشت کباب بود و اگر بیند که کباب از گوشت
گوسفند میخورد دلیل که بقدر آن مال برنج و سختی بدست آورد و اگر کباب گوشت گاو بود دلیل که از ترس و بیم ایمن گردد و اگر کباب
از گوشت میخورد دلیل که از مردی بزرگ منفعت یابد و اگر بیند که از گوشت حیوانهای وحشی کباب میخورد دلیل که او را منفعت خرم
از بزرگان بیابد برسد کرمانی رحمة الله علیه گوید گوشت کباب و بریان در خواب دلیل منفعت کند **کبر** ابن سیرین رحمة الله

کبر

علیه گوید اگر بیند که کبر جمع میکرد دلیل که اندوهگین شود خاصه که بهنگام خود بود و اگر بیند که کبر میخورد دلیل که غم و اندوه و منفعت میرسد
و در خوردن کبر هیچ منفعت نبود **کبر شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کبر شد دلیل که خواهشگاه دنیا بود
نه طالب آخرت مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کبر شد و در کنشت جای گرفت دلیل که صحبت با اهل بدعت و بد دینان دارد
و تابع اهل فساد و هوای نفس باشد و اگر بیند که از کبری پشیمان شده و مسلمان شد دلیل که توبه از گناه کند و بخدای تعالی باز گردد

کبک

و بکار خیر مشغول شود **کبک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کبک در خواب زنی خوبروی بود و یا کنیزک با جمال اگر بیند که کبکی را بگرفت
دلیل که زن خواهد و اگر بیند که کبکی را بوی بخشیدند دلیل که از بهر وی زنی خوبروی بخواهند و اگر بیند که کبکی بسیار بگرفت دلیل که کنیزکی
خوب بدست آورد و اگر بیند که گوشت کبک میخورد دلیل که او را لباس نو حاصل شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کبکی بکشت
دلیل که دوشیزگی کنیزک ببرد مغربی رحمة الله علیه گوید کبک نر پسر باشد و کبک ماده زن و کنیزک ناموافق و اگر بیند که کبک
از دست وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد و یا کنیزکش بگریزد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کبک در خواب بر چهار وجه بود یکی

کبوتر

پسر دوم دوست سوم رامش چهارم کام دل و مراد **کبوتر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کبوتر در خواب زن بود یا کنیزک اگر کسی
بیند که کبوتر بگرفت دلیل که زن خواهد و او را دختر آید و اگر بیند که کبوتر بسیار بگرفت دلیل که بعدد کبوتر زنان خواهد یا کنیزک بخرد و اگر بیند
از گوشت کبوتر میخورد دلیل که از مال زنان فایده یابد و اگر بیند که کبوتر بچگان بگرفت دلیل که از زنان منفعت یابد بعضی معبران گویند

اگر کبوتر بچه غم و اندوه و بود از قبل زنی که بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که کبوتر بسیار در خانه او بود دلیل که اورا
فرزندان بسیار شوند و نیز گویند که اورا مال بسیار از جهت زنان حاصل شود مغربی رحمة الله علیه گوید کبوتر در خواب زنان آزاد بوند اگر بیند
که کبوتر کسان بحیلت بگرفت دلیل که بقدر آن مال بمکر و حیلت حاصل کند و اگر بیند که کبوتر از هوا پیش وی آمد و مطیع وی شد دلیل که
از جائی که امید ندارد بدو منفعت رسد و اگر بیند که کبوتر را طعام داد دلیل که زنی را سخن تلقین کند و اگر بیند که کبوتران بسیار جمع شدند
و دانست که ملک وی است دلیل بر ریاست و سروری کند و بهترین کبوتران در خواب آن باشد که سفید بود و اگر سبز فام باشد
و خداوند خواب زن باشد دلیل که شوهری کند او را دختری زاید و کبوتر بازی در خواب کار باطل بود و نیز گویند که کبوتر خانه در خواب
جای زنان باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کبوتر در خواب بر پنج وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم مال چهارم نامه غائب
پنجم ریاست و معتبران گویند کبوتر در خواب هر کبوتری درم بود و که بیاید به **کتاب خواندن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی
بخواب بیند که کتاب تفسیر میخواند دلیل که در راه دین و زهد گراید و کارهای بسته بروی گشاده گردد و اگر بیند که کتاب فقه میخواند دلیل که
از کارهای ناکردنی باز ایستد و اگر بیند که کتاب اخبار میخواند دلیل که نزد پادشاه صاحب رای شود و اگر بیند که کتاب اصول میخواند دلیل که
بکاری مشغول شود و منفعت بیرنج حاصل کند و اگر بیند که کتاب توحید میخواند دلیل که بعلمها مشغول شود که در آن فایده دینی باشد
و اگر بیند که کتاب فضایل میخواند و تسبیح و تهلیل میخواند دلیل که بر زبان وی سخن خیر و صلاح رود و اگر بیند که کتاب قصص میخواند دلیل که
بسخن اولیا و انبیا حریص بود و اگر بیند که کتاب نجوم میخواند دلیل که صلاح اینجهانی او را حاصل شود و اگر بیند که کتاب نحو و آداب میخواند
دلیل که بشغل دنیا مشغول گردد و مردم او را شکر و ثنا گویند و اگر بیند که کتاب مسائل میخواند دلیل که بصلاح کدخدائی مشغول گردد و اگر بیند
که کتاب طبایع میخواند دلیل که در طلب چیزها و بشناختن چیزها مشغول گردد و اگر بیند که کتاب شعر میخواند اگر غزل و مدح بود دلیل که بکاری
مشغول شود که مردم او را ملامت کنند و اگر لغت و توحید میخواند دلیل که نیک باشد و اگر بیند که کتاب تعبیر میخواند دلیل که بحدیثی نزدیک
بر مهتری منت نهد و از وی چیزی یابد و اگر بیند که کتاب هدایه میخواند دلیل که بعملی مشغول شود که مردم او را دانا خوانند و لیکن وی را
سود ندارد و اگر بیند که کتاب مصاحب و قضا میخواند دلیل که بسفر رود و از آن سفر منفعت یابد و اگر بیند که کتاب حساب میخواند دلیل که
همواره اندوهگین بود و اگر بیند که کتاب مضاحک و فساد میخواند دلیل که کاری کند که از آن زشت نباشد اگر بیند که کتاب هجو و عیب میخواند
دلیل که عیب مردمان کند و در میان مردمان بدنام گردد **کتان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کتان در خواب مال حلال بود بقدر
آنکه دیده باشد و منفعت کمتر از پنبه باشد چنانکه در حرف جیم یاد کردیم جامه کتان در خواب مبارک بود و اگر بیند که تخم کتان میخورد
دلیل که مالی تمام حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کتان در خواب بر سه وجه بود یکی مال حلال دوم منفعت سوم
کتف در خواب آهستگی مرد و جمال وی بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کتف وی درست بود دلیل بر زیادتی مال و جمال
و اگر کتف شکسته و ضعیف بیند تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کتف را درست و قوی بیند امانت گذارد و اگر
ضعیف بیند در امانت گذارده ماند و اگر کتفهای وی موی بسیار بود دلیل که امانت و حق مردم در گردن او باشد و اگر کتفها زرکی

پاک بیند دلیل که امانت بگذارد و بعضی معبران گویند اگر بیند که بر گنف سوی داشت از جائی که خبر ندارد مال یابد و لیکن ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که گریبان داشت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن فضله از مردی بخیل بوی رسد و اگر بیند که گریبان بخورد دلیل که مال اگر
جعفر صادق رضی الله عنه گوید که گریبان در خواب بر سه وجه بود یکی فضله مال مردم دوم نفع اندک سوم کاری بود که اندک منفعت بخود
خواب بر سد گچ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گچ در خواب جنگ و خصومت بود و اگر بیند گچ داد دلیل که در جنگ و خصومت
و اگر بیند که گچ کسی داد تا ویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید گچ در خواب سختی باشد و هر بنیاد که از گچ درست بیند همه
زیرا که همه با آتش پخته اند و اگر بیند که گچ میخورد دلیل که بیم هلاک او بود گل حال هر که گل را بخواب بیند دلیل بر صلاح کار گذشته کند
و را و نمودن بکارهای که در آن گراه باشد و اگر بیند که گل میکرد و دار روی او بر چشمها نافع بود دلیل که خلق را براه صلاح خواند و گل
را و نماید و مردم را از وی منفعت حاصل شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گل میکرد دلیل که دوستانی که از هم جدا باشند جمع کند
و میان مردم صلاح جوید و اگر دار روی وی نافع نبود تاویلش بخلاف این بود گدائی کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی
بخواب بیند که گدائی میکرد و چیزی میخواست دلیل که او را خیر و منفعت بسیار برسد و با هر کس زندگانی بلطف کند الا مردم را دو
و اگر بیند که مردم را چیزی میخواست و کسی او را چیزی نداد دلیل که کار بروی بسته گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید گدائی کردن
خواب بر چهار وجه بود یکی خیرات دوم منفعت سوم معیشت چهارم عز و جاه کند و ابن سیرین رح گوید که وقت خود اگر کسی
بیند که در خانه او درخت کدو بود دلیل که جاه و نعمتش افزون شود و اگر بیمار بیند شفا یابد و اگر بنده بیند آزاد گردد و اگر کافر بیند مسلمان
گردد و اگر مسافر بیند بسلامت بوطن خود برسد و اگر فاسق بیند توبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که کدوئی داشت
دلیل که از زنی بار سا منفعت یابد و اگر بیند که درخت کدو از بن بر کند دلیل که از زنی بزرگ منفعت یابد و اگر بیند که کدوئی پخته
میخورد دلیل که حاجتش روا گردد و توفیق طاعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید کدو در خواب بر سه وجه بود یکی عز و جاه دوم نعمت
و مال سوم نظام کار ما کرابن سیرین رحمة الله علیه گوید کر در خواب مال و خواسته بود و اگر کسی بخواب بیند که بر تن وی کر پدید آمد و او را اندک
خارش میکرد و در کرم بود دلیل که مال بیخ و بسختی حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کر داشت و جمله از تن وی فرو ریخت
و ناپدید شد دلیل که مال جمع کرده او تلف شود و بعضی معبران گویند که اگر اندام وی تیره و سیاه بود دلیل بر مالی که جمع کند از حرام
گرباسو جانوریست دیدن وی در خواب مردی بود که در میان خلق و مردم فساد اندازد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی
بیند که گرباسو را گرفت دلیل که مردی بزرگ بخویشتن نزدیک کند و اگر بیند که گرباسو از وی بگریخت دلیل که آن مفسد از وی دور
و اگر بیند که گرباسو را بکشت دلیل که آن مفسد حالی تباه شود و اگر بیند که گوشت گرباسو میخورد دلیل که بقدر آن مال حرام از مردی
مفسد خورد گربه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گربه در خواب دزد مفسد بود اگر کسی بخواب بیند که گربه معروف بخانه او در آمد دلیل
که دزدی معروف بخانه او درآید و اگر گربه مجهول بود دزدی بیگانه بود و اگر بیند که از خانه چیزی بخورد یا ببرد دلیل که دزد از خانه
وی چیزی ببرد و اگر بیند که گربه را بکشت دلیل که مفسد را قهر کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت گربه و یا پوست او بستد

دلیل که بقدر آن مال وزدی او را حاصل شود و اگر بیند که با گربه جنگ میکرد و گربه او را بخراشید دلیل که بیمار شود و اگر گربه را قهر کرد دلیل
که از بیماری شفا یابد و اگر بیند گربه او را بگزید دلیل که بیماری بروی دراز گردد و بعضی از معبران گویند گربه بتاویل خادم بود دانیال علیه السلام
گوید کسی را نشاید که گربه بخواب بیند بعد از صبح الا شش روز بیمار شود و اگر بیند بخواب بیند که گربه بروستید و شیر وی بخورد
دلیل که آزاد گردد و از آن خانه که آزادی یافته باشد زنی را بزنی کند و اگر آزادی بیند که شیر گربه خورد دلیل که او را با کسی خصومت
افتد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گربه در خواب بر هفت وجه بود یکی دزد دوم غماز سوم خادم چهارم بیمار
پنجم زنی مشفق ششم حسود هفتم جنگ و خصومت گرته جامه کوتاه باشد که مردم آنرا قرطق خوانند و پوشیدن آن در خواب
قوت و سفر بود و اگر گرته وی سبز بود از مردی پناه و قوت یابد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گرته سپید پوشیده
بود دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد و اگر بیند که گرته زرد پوشیده بود دلیل بر بیماری بود و اگر بیند که گرته کبود پوشیده بود
دلیل که او را مصیبت رسد و اگر سرخ بود دلیل که بعشرت دنیا مشغول گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرته
بریشمین پوشیده بود دلیل که از مردی بزرگوار شرف و بزرگی یابد اما در دین ضعیف بود و اگر بیند که گرته بسوخت
یا ضایع شد دلیل که در پناه و دولتش نقصان شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید پوشیدن گرته در خواب بر چهار
وجه بود یکی قوت دوم پناه سوم سفر چهارم نظام کارها گرد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرد بر چیزی که
ملک او بود نشست دلیل که بقدر آن او را مال حاصل شود و اگر بیند که میان آسمان و زمین گرد جمع شده بود دلیل که کار
پوسیده در آن موضع بود که از آن چگونه بیرون آید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که روی او گردآلوده بود دلیل که او را
رنج و عقوبت رسد و اگر بیند که گرد و خاک بر زمینی که ملک او بود نشست دلیل که بقدر آن مال بخواسته یابد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید گرد در خواب دیدن بر سه وجه بود یکی مال دوم بلا و فتنه سوم عقوبت حق تعالی گردن دانیال علیه السلام
گوید گردن در خواب جایگاه امانت و جای دین بود اگر بیند که گردن آن ستبر شد دلیل که او را قوت در امانت گذاردن
و صلاح دین و نگاه داشتن دیانت بود و اگر بیند که گردن او کوتاه و ضعیف بود دلیل که در امانت گذاردن عاجز بود
و اگر بیند که ماری در گردن وی حلقه شده بود دلیل که زکوة مال ندهد قوله تعالی سیطوقون ما بخلوا به یوم
القیمه اگر بر گردن خود گرانی بیند بی آنکه چیزی بر گردن داشته باشد دلیل که بیمار شود و اگر باری بر گردن خود بیند
و هیچ گرانی پیدا نبود دلیل بر درستی دین و درازی عمر وی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردن وی ستبر و قوی
شده بود دلیل که امانت نیکو گذارد و کار بر وی گردد و اگر گردن خود دراز بیند دلیل که امانت گردن وی دیر بماند
و از گواهی دادن خود باز ماند و اگر گردن خود کوتاه بیند دلیل که امانت از گردن خود دور کند و اگر گردن خود سیاه
بیند دلیل که در امانت خیانت کند و اگر گردن خود شکسته بیند دلیل که از مراد خود باز ماند و در دین وی خلل افتد زیرا که امانت
بزرگتر از دین نیست و اگر گردن خود را کوتاه بیند دلیل که در امانت خیانت کند و اگر بر گردن خود موی بیند دلیل که او را

بیان گردن

ازجهت امانت گذاری وامی یافت واگر موی از گردن خود بسترد دلیل که وامش گذارده شود واگر گوشت از گردن بریده بیند
دلیل که مال کسی با وی بود و ضایع شود واگر گردن خود را کوته بیند دلیل که مالی در پیش وی نهاده باشند خیانت کند مغربی رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که گوشت گردن وی میخورد تاویلش بخلاف این بود واگر بیند که بر گردن کسی نشسته بود دلیل که بر دشمن
ظفر یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردن در خواب بر پنج وجه بود یکی امانت دوم توانائی سوم خیانت چهارم
وام پنجم تجارت گردن بند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردن بند از مروارید سفید داشت دلیل که حق سبحانه
و تعالی عز وجل وی را علم و کلام خود روزی گرداند و هر چند که جوهر گردن توتیر بود علم و دانش او بیشتر بود کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که گردن بندی از زر بود یا از سیم مرصع بگوهرهای گرانمایه دلیل که بقدر آن شرف و بزرگی یابد و باشد که
امانتی در گردن گیرد واگر گردن بند او دراز شد دلیل که امانت بگذارد واگر کوتاه بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که گردن بند خود بجواهر مرصع کرده بود یا مرصعه در گردن داشت دلیل که جاه و ولایت یابد واگر گردن
بندی دراز بود دلیل که منزلت یابد واگر کوتاه بود تاویلش بخلاف این بود واگر بیند که گردن بندهای بسیار داشت
دلیل که در علم بسیار کامل شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردن بند زرین در خواب بر شش وجه بود یکی
حج دوم ولایت سوم جنگ و خصومت چهارم امانت پنجم معالجت ششم کنیزک و هم او گوید گردن بند زرین حج باشد

بیان گردن زدن

و از آن سیمین کنیزک گردن زدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را گردن زدند و سرش از تن جدا شد اگر بنده
بود دلیل که آزاد شود واگر بیمار بود شفا یابد واگر وام دارد وامش گذارده شود واگر خوف دارد ایمن گردد واگر کافر بود مسلمان
شود واگر بوقت گردن زدن سرش از تن جدا نشد تاویلش بخلاف این بود واگر آنکس که گردن زد معروف باشد بخیر آنک
گفته شد از گردن زننده بدو رسد واگر گردن زننده کودک نابالغ بود دلیل که اگر بیمار بود بمیرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر آنکس که
گردن او بزد تندرست است و آزاد و توانگر بود دلیل که از نیکبختی به بدحالی افتد و مال و نعمتش نماند و درویش شود و سر
کارها هلاک شود علی الجمله گردن زدن در خواب مر درویشان و خداوندان محنت را نیک باشد و مر توانگران و خداوندان

گرده

نعمت را بد باشد گرده در خواب مال نهان کرده باشد که بیاید و خرج کند واگر بیند که گرده پخته یا بریان کرده بسیار داشت
دلیل که بقدر آن مال نهان کرده بیابد واگر گرده از جانوری که گوشتش حلال بود داشت دلیل بر یافتن مال حلال بود واگر
از جانوری که گوشتش حرام باشد دلیل که مال حرام بود کرمانی رحمة الله علیه گوید گرده یافتن در خواب مال نهان بود و
بعضی معبران گویند که گرده در خواب عزیز بود بسبب آنکه مایه فرزند منی است و از و بوجود می آید اسمعیل اشعث رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که گرده اسب داشت و پخته میخورد دلیل که از مردی بزرگوار مال یابد واگر بیند که گرده گاو داشت دلیل که
در آن سال مال و نعمت حاصل کند واگر گرده گوسپند داشت دلیل که در آن سال مال و نعمت حلال یابد از قبل دشمن واگر بیند که

گردون

گردهای خام میخورد دلیل که مال حرام یابد واگر گردهای پخته وانچه گفتیم کمتر بود گردون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که

اگر بیند بر گردون نشسته بود و گردون نیک میرفت دلیل که شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که گردون بی گاوان ایستاده بود و او در گردون بود
دلیل که در رنج و سختی و بیماری افتد و اگر بیند که پادشاه او را گردون نهاد و خود گردونی بود واو دلیل که از پادشاه منزلت و بزرگی یابد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گردون در خواب دلیل بر هشت وجه بود یکی ولایت دوم عز و جاه سوم مرتبت چهارم
بزرگی پنجم هیبت ششم خرمی هفتم رفعت هشتم آسان کردن کارها **گرسنگی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گرسنگی در خواب بهتر از سیری
بود و سیری آب بهتر از تشنگی بود و اگر بیند که گرسنه شده بود و چیزی نداشت که بخورد دلیل که حرص و آزش در مال دنیا کمتر باشد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرسنه بود دلیل که بقدر گرسنگی او را معصیت بود و اگر بیند که گرسنه بود و چیزی خورد و سیر شد
دلیل که از گناه توبه کند و اگر آنچه خورد بطعم شیرین و خوش بود دلیل که بر توبه ثابت قدم بود و اگر ترش و ناخوش بود دلیل که بر توبه
ثابت قدم نماند و توبه بشکند و بر سر معصیت رود جعفر صادق رضی الله عنه گوید گرسنگی در خواب بر چهار وجه بود یکی حسرت دوم
حرص و آز سوم معصیت و گناه چهارم طمع داشتن بر مردم **کرسی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن کرسی بخواب علم است
و از اخبار چنین واجب کند که ایزد تبارک و تعالی جل و علا در کلام قدیم بیان فرموده است وسع کرسیه السموات
والارض ابن عباس رضی الله عنه گوید وسع یعنی علم و ابراهیم کرمانی رحمة الله علیه گوید کرسی طاعت و قدرت خدای تعالی است
و بعضی از معبران گویند تاویل کرسی آن بود که کامل و عاقل باشد مغربی رحمة الله علیه گوید تاویل کرسی امام مطیع بود یا زاهد که تقوی
کامل دارد یا پادشاهی عادل و پرهیزگار و راعی و چنانکه در اخبار آمده است دلیل که اهل دین و علما را نیک بود و منفعت خواب
از سلطان عادل خیر و نیکی بیند و مالش زیاده گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرسی در خواب بر شش وجه بود یکی عدل
دوم انصاف سوم عز و شرف چهارم مرتبت پنجم ولایت ششم قدر و جاه و اگر کسی بیند که بر آسمان بکرسی نشسته بود دلیل که کار او
بالا گیرد و قدر و مرتبت و جاه یابد و بهمه مرادها برسد و در میان مردم بزرگ و عزیز و مکرم شود و عدل و انصاف در میان خلق
پیدا شود و اگر این کرسی که درودگر میسازد در خواب بیند دلیل که زن باشد و اگر بیند که کرسی بزرگ و پاکیزه بیند و بر وی نشست
دلیل که زن خواهد و از آن مال و نعمت حاصل کند و اگر بیند که بر کرسی نشست دلیل که دختری دوشیزه بخواهد و اگر بیند که از زیر
بروی کرسی بشکست دلیل که زن وی بمیرد و اگر بیند که کرسی وی کوچک و کهنه بود دلیل که زن وی درویش و حقیر و درمانده بود
و اگر بیند که کرسی داشت اما بر وی نشست دلیل که از بهر خدمت کردن زنی بجا نیاورد **کرفس** ابن سیرین گوید اگر کسی بخواب بیند
که کرفس بخورد و بوقت خود بود دلیل که غمگین شود و بعضی از معبران گویند که چیزی مکروه خورد و اگر بیند که کرفس داشت اما نخورد
آنچه گفتیم کمتر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کرفس در خواب بر سه وجه بود یکی غم و اندوه دوم خصومت و گفتگوی سوم خوردن
چیزی مکروه **کرک** مرغی بود بقدر کبوتر و تاویل آن بزن کنند اگر کرک در خواب بیند و عزب بود دلیل که زن کند و اگر کنیزک
خرد و اگر بیند که از دست وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد و اگر کنیزک دارد بگریزد و اگر بیند که او را بکشت و گوشت او بخورد دلیل که بقدر
آن میراث زن یابد **کرکس** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کرکس مهتر مرغان بود و قوی و تیز بین و دراز عمر از مرغان بود و اگر بیند که

راست و دلیل که از مردی بزرگ منفعت و بزرگی یابد و از پادشاه و الی خواسته حاصل کند اگر بیند که مرغان با زبان کرکس گرفت کرکس
بیند که او را بدارد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کرکس او را بگرفت و در هوا برد نزدیک آسمان رسید دلیل که بسفری
دراز رود و مال و نعمت بسیار حاصل کند اما دین وی تباه بود و بسبب آنکه بمیرد و کرکس بآسمان برفت و اگر بیند که کرکس او را
بهوا برد و بیفکند یا خود از چنگال کرکس بیفتاد دلیل که از شرف و بزرگی بیفتد و کارش خراب شود و اگر بیند که کرکس او را با آسمان
برد و آنجا مقیم ماند دلیل که بسفر رود و در آن سفر بمیرد و اگر مقیم نشد و باز بر زمین آمد از پادشاه بزرگی یابد و اگر بیند از پادشاه بر جای
یا از خویشان خود بزرگی یابد و اگر کرکس بی چنگال در خواب دیدن فرشته بود زیرا که فرشتگان حملة العرش بصورت کرکس اند
و اگر بیند که کرکسی بالای سر وی شکار میکرد دلیل که بیند در خواب بازرگانی کند و اگر بیند که با کرکس جنگ میکرد و او بر کرکس
غالب شد دلیل که با مردی بزرگ خصومت کند و بر وی غالب شود و اگر بخلاف این بیند دلیل که دشمن او را قهر کند و اگر بیند
بچه کرکس بیند اگر زن دارد دلیل که او را فرزندی آید و اگر زن ندارد دلیل که دختری دوشیزه بزرگ کند و اگر بیند که کرکس بر سر وی
نشسته بود دلیل که او را بردار کنند دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که در آن کوچه کرکس فرود آمد دلیل که پادشاهی بدان کوچه فرود
آید و اگر بیند که در آن کوچه کرکس را بکشتند دلیل که پادشاه آنجا معزول گردد یا هلاک شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن
کرکس در خواب بر شش وجه بود یکی بزرگی دوم فرمان روائی سوم ریاست چهارم شادمانی پنجم مرتبت ششم امر و نهی
دیدن گرگ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گرگ در خواب پادشاهی دروغ زن ستمگر بود و اگر بیند که با گرگ جنگ و نبرد میکرد دلیل
که او را با پادشاه یا کسی دشمنی بود و خصومت کند و اگر بیند که شیر گرگ میخورد دلیل که ترس و بیم رسد یا کاری بازوی کفایت شود
و اگر بیند که گوشت گرگ میخورد دلیل که از پادشاه ستمگر بقدر آن مال یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرگ بکشت دلیل
که اهل اسلام از وی روی بگردانند و در وی هیچ خیر نباشد و بعضی گویند دشمن هلاک کند و اگر بیند که سر گرگ بیافت بکسی بداد
دلیل که شرف و بزرگی یابد بقدر وی و اگر بیند که گرگ در خانهٔ وی درآمد و زیانی انداخت دلیل که او را از پادشاه مضرت رسد
و اگر بیند که زیانی نکرد دلیل که پادشاه مهمان او آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گرگ در بستر او کمین کرد دلیل که پادشاه با
وی خیانت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گرگ در خواب بر سه وجه بود یکی پادشاه ظالم دوم زن دروغ زن
مخالف صفت دیدن گرگ دو باشد گرمابه ابن سیرین رحمه گوید گرمابه در خواب غم و اندوه بود و خویشتن شستن شادی و خرمی بود و آب گرمابه
و آب سخت گرم بود باشد و اگر بیند که در گرمابه برفت و غسل کرد و خود را پاک شست دلیل که از رنج و فکر رستگاری یابد و اگر بیند که بگرمابه رفت
خود را نشست دلیل غم و اندوه بود که مال وی بسبب زنان کم گردد ابن سیرین رحمه گوید اگر بیند که در گرمابه رفت و آهک بر خود مالید و خود را پاک بشست
دلیل که ایمن شود و اگر غمگین بود شاد گردد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر وام دار بود وامش گذارده شود و اگر بیند که توانگر است زنش
چیزی اگر گفتم خالی ماند تنزر و مالش نقصان شود و اگر بیند که آهک بکار برد و مالید و خود را نشست دلیل که کارش تمام نگردد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که بگرمابه رفت و دست و روی و سر و تن را بشست و بیرون آمد دلیل که از غم بیرون آید و اگر بیند که در گرمابه

گریختن

گوید اگر بیند که از دشمن پنهان میگریخت چنانکه دشمن او را ندید دلیل که متفکر شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کسی
میگریخت دلیل که او را از بزرگی تهمت رسد قوله تعالى يَوْمَ تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ اگر بیند
که مردان از زنان میگریختند اگر زنان مصلح و پارسا بودند دلیل که بد باشد و اگر مفسد بودند نیک باشد جعفر صادق رضی الله

گریستن

عنه گوید گریختن در خواب شادی بود چنانکه بانگ مصیبت شنوده بود و آنچه بر گریستن اگر بیند که گریستن بر روی کسی
نشان بود دلیل که بکردار نیک او طعنه زنند کرمانی رحمة الله علیه گوید گریستن در خواب شادی بود و آمرزش از حق سبحانه و تعالی
اگر در خواب بیند بر گناه گریست یا در مجلس علما یا در قرآن خواندن و آنچه بدان ماند دلیل که بر کرم باریتعالی باشد که بفضل خود
بروی رحمت کند و گناهان وی عفو کند و اگر بیند که میگریست و اشک از چشم وی نمی آمد دلیل که ناکردن انکاری گذشته
حسرت خورد و توبه کند و اگر از بهر معصیتی میگریست که کرده است بی نوحه و زاری دلیل که شادی و خرمی بیند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید اگر بیند که میگریست و بعد از آن بخندید دلیل که اجلش فرا رسیده باشد قوله تعالى هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَى

گره

گره در خواب در معیشت بدحالی و فرو بستگی کارها بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گره در خواب تباهی و غم و اندوه
و کارها بروی بسته گردد و مرادش بر نیاید قوله تعالى صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ کرمانی رحمة الله علیه گوید گره در
خواب دلیل بر بینوائی و بستگی کارها کند و اگر بیند که گره وی بگشود دلیل که کار بسته بروی گشاده شود و مراد و کام و حاجت
او از رحمت حق تعالی نصیب باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید گره در خواب بر چهار وجه بود یکی درویشی دوم تباهی دین سوم غم

گز

و اندوه چهارم بستگی کارها و نامرادی گره در خواب مردی منافق بخیل بود و بعضی از معبران گویند دیدن گز در خواب بی تکلف اعمال باشد
که بی منت خلق بدو رسد قوله تعالى وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى اگر بیند که گز انگبین بسیار داشت و بخورد و بکسی داد دلیل

قزاکند

که مالی حلال بوی رسد و از آن خیر بیند و اگر خلاف این بیند دلیل که از آن مال خیر و راحت بوی رسد اگر کند ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که قزاکندی پوشیده بود دلیل که زنی بخواهد و بر دشمنان چیره گردد و اگر در خواب بیند دلیل که شوهر کند
بار شوهر خیر و منفعت بیند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که قزاکندی نو پوشیده بود دلیل که زنی توانگر و پارسا بزنی کند و اگر بیند که قزاکند
سبز پوشیده بود دلیل که آن زن مصلح و دیندار بود و اگر بیند که قزاکندی سرخ پوشیده بود دلیل که زنی معاشر و طرب دوست بود و اگر
قزاکند سیاه پوشیده بود و بیننده قاضی یا خطیب بود دلیل که نیک باشد و الا بد باشد و اگر قزاکند نو بود دلیل که آن زن جوان و مصلحه

کژدم

بود و اگر قزاکند کهنه بود دلیل که آن زن پیره و نابکار بود کژدم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کژدم در خواب دشمنی ضعیف بود که مردم را بسخن
دوست و دشمن نزد او یکسان است اگر کسی بخواب بیند که کژدم او را بگزید دلیل که دشمن او را سخت گوید که از آن رنجور دل شود و اگر
بیند که کژدم را بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که بعد از کشتن کژدم کژدم زنده شد و باز قصد وی کرد دلیل که بعد از این
بر دشمن ظفر یابد و دیگر باره دشمن قصد او کند و اگر بیند که در دست او کژدم بود دلیل که او مردم آزار بود و از پس مردم بد گوید و
مردم او را بگذارند و در فتنه نگیرد و اگر بیند که کژدم پخته یا بریان کرده میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و اگر بیند که کژدم در

دامن

و آن نهاد بجز و دلیل که دشمن را بخانه دارد و با وی مجالست و خفت و خیز کند و اگر بیند که گژدم در درون جامه داشت همین
تاویل دارد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از گژدم بترسید و گژدم او را گزید دلیل که از دشمن گزند یابد و بعضی از معبران گویند
با زن مجامعت نتواند کرد و اگر بیند که گژدمی در پیراهن وی بود دلیل که از دشمن او در مضرت رسد و اگر بیند که در شلوار وی
گژدم بود دلیل که دشمنی با عیال وی یا با کنیزک وی فساد کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گژدم در خواب بر سه
وجه بود یکی دشمن دوم حاسد سوم سخن چین گژدم خواره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گژدم خواره در خواب چیزیست
که در خورستان در میان آب می باشد و دم بر زمین میکشد و چون کسی زخم آن ... فی الحال هلاک شود کرمانی رحمة الله علیه گوید
دیدن گژدم خواره در خواب دشمنی باشد با خرد و حلیم و آرمیده و فروتن و شیرین سخن و در دشمنی صعب بود و اگر بیند که
گژدم خواره او را بگزید دلیل که از چنین دشمنی که صفت کردیم بلا و محنت بدو رسد و اگر بیند که او را از گژدم خواره گزندی
نرسید دلیل که از دشمن ایمن گردد و اگر بیند که چیزی مانند گژدم خواره بود و از وی بترسید دلیل که از کسی اندیشه دشمنی دارد
و او نه دشمن وی باشد گز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گز در خواب غم و اندیشه بود و اگر کسی بخواب بیند که گز بستد و بخورد
دلیل که اندوه بسیار بوی رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گز شیرین بود دلیل که غم و اندوه کمتر باشد و اگر گز در
گوشت پخته باشد دلیل بر منفعتی بود که برنج و سختی بدست آید و بعضی معبران گویند خوردن گز در خواب بیماری بود و اگر
از بریان بیند هم نیک نباشد و بهتر آن بود که بگوشت پخته بود گزیدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند
که کسی او را گزید دلیل که مهر و هوای آنکس در دل وی زیادت گردد و اگر بیند که کسی او را در خشم و کینه بگزید دلیل که بقدر آن از وی زیانش
برسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را جانوری بگزید دلیل که کارش از نخست در خطر بود و اگر بیند که اشتر او را بگزید دلیل که او را
ز سفر زیان برسد و اگر بیند که گاو او را بگزید دلیل که در آن سال مضرت بیند و گزیدن جمله ددگان در خواب بر چهار وجه بود
اول مضرت دوم دشمن سوم خصومت چهارم جاه و مال گشتی گرفتن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با کسی گشتی میگرفت
آنکس او را بینداخت دلیل که حال وی نیکو گردد و بر آنکس غالب شود و اگر بیند که خود بیفتاد تاویلش بخلاف این بود و اگر هر دو
قایم بودند دلیل که احوال هر دو در خیر و شر میانه باشد اما بظاهر با همدیگر دوستی کنند کاسنی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن
کاسنی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که کاسنی بوی دادند و بخورد دلیل که اندوهگین شود مغربی رحمة الله علیه گوید خوردن کاسنی در خواب منفعت
و مضرت بود کشت ورز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشت ورز در خواب توکل بخدای تعالی جل و علا بود و روزی حلال طلب کردن و نیکی
بمردی فاضل و نیک محضر باشد و اگر بیند که از بهر تخم کشتن زمین بشکافت دلیل که خیرات و صدقات کند و استادان این صنعت [illegible]
بیند اگر بیند که کشت ورزی میکرد دلیل بر بیماری بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زمین بشکافت و تخم می انداخت و بارش جمع میکرد
دلیل بزرگی و جاه و نعمت یابد و اگر بیند که کشته بود و بارش سبز و تازه از آنچه گفتیم بهتر و نیکوتر بود و اگر بیند که از آن کشته خیری حاصل نشد و ندانست
بار شود ... هست دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که گندم کشت ... دلیل ...

مال بسیار حاصل شود و اگر بیند که در زمین میکشت دلیل که مال اندک یابد و دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که در زمین خود تخم میکشت دلیل
که زن خواهد و کارش ساخته گردد و اگر با زرکانی زمین خود کشته بیند دلیل که زیان بیند یا با کسی خصومت کند و اگر بیند که بجای جو
زمین میشگافت و تخم می انداخت دلیل که بر غزا و صدقات و خیرات کردن راغب بود و اگر در زمین خود که کاشته بود کشت بیند دلیل که
نعمت بر وی فراخ گردد و اگر گندم یا جو درخت در زمین خود کشت دلیل بر عز و جاه کند بقدر آنکه کشته باشد بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشت
در خواب بر پنج وجه بود یکی روزی حلال طلبیدن دوم خیر و منفعت سوم جاری چهارم عز و جاه پنجم معیشت کشت زار ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید کشت زار سبز چون معروف بود و در جای معروف بوقت خود بیند دلیل بر زنان مردم بود و اگر بیند که کشت همی نوبید دلیل
مردم در جنگ کشته شوند دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که در کشت زاری معروف بود دلیل که عمل کند که در دین و دنیا نیکو باشد و اگر بیند که
گرد درو بدرو خرمن کند دلیل امیدی که دارد بر آید و اگر بیند که در میان کشت زار میرفت دلیل که با غازیان بغزا رود و مغربی رحمة الله
علیه گوید کشت و درو بخواب دلیل بر حرب و خصومت بود و بعضی از معبران گویند اگر بیند که در میان کشت زار رفت و بسبز بود
دلیل که در میان مصاف رود و اگر بیند که آتش در میان کشت زار افتاده بود و همه بسوخت دلیل که در آنجا قحط پیدا شود و اگر بیند که
کشت زار خود را آب بیداد دلیل که کاری باز دست وی بر آید که دنیا و عقبی را منفعت دهد و اگر بیند که آتش بیامد و کشت وی را بسوخت
دلیل که ورا از پادشاه مضرت رسد و اگر بیند که در میان کشت زاری درو بزرگ می آمد دلیل که در آنجا قحط و تنگی پیدا شود و اگر
کشت زار خوشهای گندم دانها بر زمین می افتاد دلیل که بقدر آن خداوند کشت را زیان رسد و اگر داند که آن ضیاع از آن کیست دلیل که
آن خداوند خواب بود قوله تعالی فَنِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَكُمْ فَأْتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ و اگر کشت زار در وقت خویش سبز بیند دلیل که
در آن دیار نعمت فراخ گردد و اگر زمین ملک او بود دلیل که حاجتش روا گردد و اگر بوقت خویش کشته باید درود و خوشها بزیر
بود و اگر بیند که در میان کشت زار با یاران میرفت دلیل که بغزا رود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشت درو دیدن خوشه رسیده
خواب بوقت خود دلیل بر نیکوئی و منفعت کند و چون نارسیده و سبز بود دلیل بر وبا و بیماری بود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید
کشت درو دیدن بوقت خویش دلیل که امر خدای تعالی بجای آورد و توفیق یابد و با درویشان خیرات کند قوله تعالی وَآتُوا حَقَّهُ
يَوْمَ حَصَادِهِ و اگر این چیز که رسیده و درو رود دلیل که عاقبت کارش محمود باشد کشتن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
کسی را بکشت بی آنکه سرش ببرید دلیل که از وی توانگر خیر و نیکوئی بوی رسد و معبران گویند که کشنده بر کشته ظلم اندیشد و اگر بیند
که وی را بکشتند دلیل که عمرش دراز بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی وی را بکشت دلیل که خیر و منفعت بیند و اگر بیند که
که وی را بظلم بکشتند دلیل که عمرش دراز بود و از سلطان خیر و منفعت بدو رسد قوله تعالی وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا
فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفْ فِي الْقَتْلِ و اگر بیند که کسی را بظلم بکشت دلیل که عاصی و ظالم باشد حق تعالی
جل و علا کسی را بر گناه روا داشته قوله تعالی وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ الآیه و بعضی گویند که بیند که [illegible] فرزند کردن
باشد و اگر بیند که کسی با گوسفند خود را ترو ... دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر تن خود را خون آلوده بیند دلیل که از مال خود چیزی یابد

وجه و اگر بیند که خون روان شد دلیل که دین شد و بر وجه جعفر صادق رضی الله گوید اگر بیند که ستوری یا چیزی را حسرت بکشت
دلیل که بر خصم خود ظفر یابد و کسانیکه بر این جنس منسوب باشند قهر کنند و کشند و خون آورد و دیدن خدا و بیداو بستد **کشتی** دانیال علیه السلام
گوید کشتی دیدن در خواب غم و اندیشه بود و یا زندان یا کاری کند که از آن رنج و بلا بدو رسد خاصه که از دریا کشتی بیرون آمده بیند
یا کشتی در دریا فرو ماند و بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در کشتی بود و بسلامت از آنجا بیرون آمد دلیل که از
رنج برهد قوله تعالی فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ اگر بیند که بدریا کشتی هلاک شد دلیل که بدست مردی هلاک
شود و اگر بیند که کشتی وی بر زمین بماند دلیل که در رنج و بلا گرفتار شود و رستگاری دیر دست دهد و اگر بیند که کشتی غرق شد و او بسلامت
بماند دلیل که مالش تلف شود و او بسلامت بماند و اگر بیند که کشتی بشکست جمله غرق شد دلیل که مصیبتی عظیم کند که بدو رسد و اگر بیند که در کشتی بر جای ایستاده
کشتی در میان آب میرفت دلیل که او را از پادشاه و بزرگان قربی و منزلتی پیدا شود و اگر بیند که در میان دریا کشتیها و کاروان میرفت دلیل که بسفر رود قوله تعالی
الْجَوَارِ الْمُنْشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ و اگر بیند که کشتیها ایستاده بودند دلیل که در سفر رود و دین بماند بلکه در آن سفر مقیم شود و اگر
که در کشتی نشسته بود و بادی خوش می آمد و کشتی را خوش میبرد دلیل که از غم وا رهد و فرج یابد و اگر بیند که کشتی ایستاده بود و از همه جانب
کشتی موج می آمد دلیل که او را سختی پیش آید که بیم هلاک وی باشد قوله تعالی وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ اگر بیند که کشتی از
پیش میرفت و او نتوانست رسیدن دلیل که در کاری دشوار افتد و عاقبت خلاصی یابد قوله تعالی فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ
اگر بیند که در پهلوی کشتی در دریا رفت دلیل که بسفر رود و او را منفعت بسیار حاصل شود قوله تعالی يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ
لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ اگر بیند که در میان کشتیها چیزی بود و همی میرفتند دلیل که پادشاه رسولان از جائی فرستد و اگر بیند که کشتیها
غرق شدند دلیل که آن رسولان را باز دارند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کشتی بدریا غرق شد و دانست که آن کشتی ملک او بود
دلیل که او را هلاک اندیشه بود و اگر بیند که در کشتی نشسته بود و از پادشاه برسید دلیل که مقرب پادشاه شود و بقدر بزرگی کشتی در او منفعت رسد
و اگر در کشتی ایمن نشسته بود دلیل که او را از پادشاه بیم بود و اگر بیند که در دریا کشتیها و جامهای ملون آراسته بود دلیل که پیش پادشاه مقرب
شود و اگر بیند که کشتی در قعر دریا فرو شد دلیل که او را از پادشاه قوتی عظیم باشد و اگر بیند که کشتی تیز رفت و لیکن بخلاف این بود اسمعیل
اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کشتی کوچک نشسته بود و در دریا میرفت دلیل که از غم وا رهد و از بلا رسته شود و اگر بیند که کشتی بر آب
روان بود دلیل که بسفر رود و زود باز آید و اگر کشتی خود را در خشک ایستاده بیند دلیل که کاری در ماند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن کشتی در خواب بر هشت وجه بود یکی فرزند دوم پدر سوم زن چهارم مرکب پنجم فرج ششم ایمنی هفتم معیشت هشتم توانگری **کشف**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشف سنگ پشت را گویند و کشف آبی در خواب دیدن مردی زاهد عالم باشد و از صحبت او منفعت
رسد اگر کسی بخواب بیند که کشف داشت یا بخانه او درآمد دلیل که او را با زاهدی صحبت افتد و اگر بیند که گوشت کشف می خورد دلیل که
بقدر آن علم حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کشفی در سرگین دانی بیافت دلیل که بصحبت عالمی رسد و اگر بیند که کشفی در موضع
جائی عزیز بیافت دلیل که نام شود و نزدیک بزرگان و علما او را حرمت باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کشف در خواب

بر سه وجه بود یکی زاهد دوم مردی عالم سوم مردی صانع در کارها کشکاب ابن سیرین رح گوید اگر بیند که کشکاب عناب بخورد
بخورد دلیل که او را مالی حلال اندک بدست آید و رنج و غم از دلش ببرد و اگر بیند که کشکاب بینوا است خوردن تا دلش ...
بود کشمش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشمش در خواب دلیل بر مال و نعمت کند اگر بیند که کشمش داشت یا کسی بوی داد و بخورد
دلیل که بقدر آن خیر و منفعت بدانکس رساند و اگر بیند که از آن کشمش جدا کرد و بخورد و اگر عالم بود دلیل که علمش زیادت شود و اگر بازرگان
بود مالش زیادت شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کشمش بخورد و اگر داشت اگر عالم بود دلیل که مالش زیادت شود و اگر بیند که
بود دلیل که مال تمام از کسب حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید کشمش در خواب خوردن بر سه وجه بود یکی منفعت دوم
مال حلال سوم کسب کشنیز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کشنیز در خواب دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که کشنیز داشت و خورد دلیل
که بقدر آن وی را غم و اندوه بود کعب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن کعب بخواب بتاویل مقام بود و اگر بیند که با کعب بازی
میکرد دلیل بر جنگ و خصومت کند و اگر بیند که کعب بسیار داشت دلیل که بقدر آن غم و اندوه برسد و اگر بیند که کعب پای او
بشکست دلیل که فرزند او بمیرد یا غمی بوی رسد که بتاویل منازعت بود و کعبتین خصومت و مکر و حیلت باشد مغربی رحمة الله علیه
بازی کردن با کعبتین دلیل بر دشمن حقیر و جنگ و خصومت بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کعب در خواب بر پنج وجه بود یکی
دوم زن سوم فرزند چهارم مال پنجم گنگری قوله تعالی وَكَوَاعِبَ أَتْرَابًا وَكَأْسًا دِهَاقًا اگر بیند که کعب جانوری داشت
اگر گوشت وی حلال بود دلیل بر مال حلال کند و اگر حرام بود بر مال حرام بود کعبه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کعبه در خواب بیند
خلیفه بود و هر کسکه قبله وی کعبه بود بر زیادت و نقصان که در کعبه بیند دلیل بر خلیفه بود و اگر بیند که طواف کعبه میکرد دلیل بر صلاح دین
وی بود و از خلیفه راحت یابد و اگر بیند که احرام گرفته بود و در وی کعبه داشت دلیل بر زیادتی صلاحیت او بود و اگر بیند که
شده بود و مردم زیادت میکردند دلیل که امانت نیکو نگهدارد و حرمت منزلت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر پادشاه بیند که کعبه
میرفت دلیل که از خلیفه بزرگی یابد و اگر بیند که کعبه بیفتاد یا آتش بسوخت دلیل که احوال خلیفه بگردد و اگر بیند که از کعبه چیزی برگرفت
دلیل که او را از خلیفه فایده برسد و اگر بیند که در کعبه نماز میگذارد دلیل که از خلفا کارش نیکو گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن کعبه
و یا امنیت و مسلمانی بود و اگر خود را در کعبه بیند دلیل که از شر دشمن ایمن گردد و دعایش مستجاب گردد قوله تعالی وَمَنْ دَخَلَهُ
كَانَ آمِنًا و اگر بیند که روی بحجر الاسود نهاده بود و بوسه میداد دلیل که حج گذارد و اگر بیند که بزیارت قبر حضرت رسول صلی الله
علیه وسلم بود یا در مقام ابراهیم علیه السلام دید دلیل که بحج رود و بسلامت باز آید اگر خود را بر بام کعبه بیند دلیل که بدمذهب بود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید کعبه در خواب بر چهار وجه بود یکی خلیفه دوم امام سوم ایمان و مسلمانی چهارم ایمنی از بیم کفتار
در خواب زن زشت پلید و بدکردار باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفتار بسته بود دلیل که زنی زشت پلید بخواهد اگر دید
اگر گوشت کفتار بخورد دلیل که بر وی جادو کنند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که شیر کفتار بخورد یا از پوست یا از استخوان او چیزی
داشت دلیل که از آن زن فایده یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفتار با وی سخن گفت دلیل که زن او را بی زبانی ...

جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کفتار در خواب بد باشد کفچه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کفچه در خواب کارفرمای خانه بود
اگر بیند که کفچه نو و پاکیزه داشت دلیل که خادم وی پارسا باشد و اگر کفچه کهنه و شکسته بود تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که کفچه وی بشکست دلیل که خادم وی بمیرد یا بیمار شود و اگر ضایع شود یا بسوخت نیز خادم بمیرد کفچه آتش [illegible]
گوید سلاطین و ملوک چون بینند دلیل که نایب وی باشد و آنکس که غیر ازین دو بیند دلیل بر خدمتگاری خانه و اهل وی باشد
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفچه آتش داشت دلیل که او را خدمتگاری حاصل شود و اگر انظام بگشت یا ضایع
دلیل که خدمتکارش برود یا بمیرد کفش ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کفش در خواب زن باشد اگر بیند که کفش نو داشت
و در پای کرد دلیل که زن خواهد یا کنیزک خرد و اگر بیند که کفش دیگر در پای کرد دلیل که زنی بیوه بخواهد و اگر کفش سیاه بود دلیل که
زنی ستیزه کار بود و اگر کفش سرخ بود دلیل که زنی معاشر و طرب دوست دارد و اگر کفش زرد بود دلیل بر زنی بیمارگون بود و اگر
کفش سپید بود دلیل که زنی خوبروی خواهد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کفش از پوست گاو بود دلیل که زنی با اصل بخواهد و اگر از پوست
گوسپند بود دلیل که زنی از اصل عرب بود که بخواهد و اگر بیند که یک کفش از پای وی بیفتاد و ضایع شد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر
بیند و اگر کفش در پای او تنگ بود دلیل که زن او تباه کار بود و نیز گویند که کفش کهنه در خواب دیدن بهتر از کفش نو باشد جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن کفش در خواب بر هفت وجه بود یکی زن دوم خادم سوم کنیزک چهارم قوت پنجم معیشت
ششم مال هفتم سفر و کفشگر در خواب مردی بود که قسمت میراثها کند کف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی در
کف داشت دلیل که بقدر آن چیزی بوی رسد و اگر بیند که کفهاء دست بر هم می سود دلیل که آنجا عروسی و شادی بود
و اگر بیند که کفهاء او خسته یا ریش بود دلیل که از سفر و تحویل باز ماند و اگر بیند که کفهای وی کشاده و قوی بود دلیل بر فراخ دستی
بود و اگر بخلاف این بیند دلیل بر نامرادی و تنگدستی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کف در خواب بر شش وجه بود
یکی دست فراخی دوم مال سوم ریاست چهارم فرزند پنجم دلیری ششم با زن بحرام درشدن کف دریا ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید کف دریا در خواب منفعت از پادشاه یا از مردی بزرگوار بود کفن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از بهر مرده
یا زنده کفن بساخت اگر آنکس معروف بود دلیل که از آنکس بوی رنجی رسد و اگر بیند که کفن مرده معروف کند دلیل که در دنیا طریق
آن مرده جوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کفن مرده سپید دید معبران گویند اگر بیننده صالح و پارسا بود و طالب علم
سخنهای باریک گوید دلیل که دنیا روی بوی نهد و مال حرام جمع کند و اگر بیند که مردگان را کفن میکند و از جائی بجائی میبرد دلیل
که مالهای حرام بدست وی روان شود و اگر بیننده مفسد بود دلیل که منافق و غماز باشد و بغضاء مردم گواهی دهد گلاب
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گلاب در خواب تندرستی بود و اگر بیند که گلاب بر روی ریخت دلیل که تندرست بود و مردم او را
مدح و ثنا گویند و اگر بیند که گلاب بر کس میداد دلیل که نامش در آفاق منتشر گردد و اگر عالم بود دلیل که خلق از علم وی بهره
مند گردند گلازه مرغیست و آنرا عقعق گویند در خواب دیدن وی دلیل بر مردی بی وفا و بد دین بود و اگر بیند که گلازه

بگرفت دلیل که با مردی بدین صفت که گفته شد یاری و دوستی گیرد و اگر بیند که با کلاغ نبرد میکرد دلیل که با مردی بدین صفت
که گفتیم خصومت کند و اگر بیند که کلاغ از دست وی بپرید دلیل که ترک صحبت آن مرد کند و اگر بیند که کلاغ را بکشت و گوشت
وی بخورد دلیل که دشمن را قهر کند و بقدر آن مال وی بخورد کلاغ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کلاغ در خواب مردی فاسق
و بدعهد بود و اگر کسی بخواب بیند که کلاغی را بگرفت دلیل که غنیمتی از کسی بحیلتی و دروغ حاصل کند و اگر بیند که بر سر شاخ درختی نشسته
بود و بانگ میکرد دلیل بد و وبال وی باشد اگر در کلاغ بیند دلیل بر رنج و مشقت بود و وعده دیدن کلاغ در خواب خیر نبود کلاه دا
نیال علیه السلام گوید کلاه در خواب دیدن عز و جاه بود و بقدر قیمت کلاه و اگر بیند که کلاه خانبان بر سر داشت دلیل که بر خصم چیره شود
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کلاه ترکان بر سر داشت دلیل که بسبحی منفعت یابد و اگر بیند که کلاه رهبان
بر سر داشت دلیل که ترا بنهانی یابد و الا در دین ضعیف باشد. اگر بر سر کلاه پادشاه بیند دلیل که حرمت و جاه یابد و اگر بیند
که کلاه حشابی داشت دلیل که شادمان گردد و منفعت یابد و اگر کلاه بر روی برده داشت دلیل که خیر دینی و دنیاوی حاصل کند
و اگر کلاه بر سر و دستار نهاده بود دلیل که او را کاری افتد که آنکار از مردمان پنهان باید داشت و اگر کلاه ابریشمین داشت
دلیل که منفعت بیند و اگر بیند که کلاهی از زر بر سر داشت دلیل که از مردم منفعت یابد و اگر از مروارید بیند دلیل که پیش مردم
عزیز گردد و صحبت با کسی دارد که دین دار و غازی بود و اگر از آهن بود دلیل که از پادشاه عز و جاه و قوت بیند و یابد و اگر
از چوب بود دلیل که خود را نزد مردمان خوار پندارد و دروغ و محال گوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلاه تابستانی بر سر
بر سر نهاد دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که از مراد باز ماند و اگر بر سر کلاه سیاه بیند و در بیداری همان پوشیده
دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر کلاه از سر وی بیفتاد دلیل که از عمل معزول گردد یا غمی سخت بوی رسد و اگر بیند که کلاهی ازین کلاهها
که صفت کردیم بر سر دیش نهادند دلیل که بقدر و قیمت کلاه از مهتری جاه و منزلت یابد و اگر بیند که کلاه از سر وی برگرفته بود دلیل که از
عز و جاه بیفتد و اگر زنی بیند که کلاهی دو گوشه بر سر نهاد دلیل که از زنا پسری آید و آن پسر پادشاه شود و اگر بیند که کلاه در زیر سر
نهاد دلیل که آنکس بد دین بود اما پادشاه بر او نیک بود مغربی ح گوید اگر بیند که کلاهی پوشیده داشت دلیل که شرف و منزلت
زیادت گردد و اگر بیند که کلاه دریده و کهنه بود دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که بیگانه کلاه از سر وی در ربود دلیل که از مراد
بزرگ دور شود و اگر کلاهش از پوست سمور بود یا از پوست روباه یا مانند این دلیل که شرف و بزرگی یابد از مردی که کار [illegible]
و اگر بیند که کلاهی بر سر داشت که در بیداری هرگز نپوشیده بود و اگر سفید باشد دلیل بر نیکوئی وی کند و اگر سبز بود دلیل بر [illegible]
مگر آنکه ازین نوع کلاه داشته باشد در بیداری و اگر کلاه سرخ بود دلیل بر بیماری باشد اسمعیل اشعث ح گوید اگر بیند که کلاهی [illegible]
پوشیده بود دلیل که بقدر و قیمت آن کلاه شرف و بزرگی یابد لیکن در دین او نقصان بود و اگر بیند که کلاهی آتشین افتاده بود دلیل
که پادشاه او را [illegible] کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید کلاه در خواب دلیل بر شرف و بزرگی کند و دیدن آن در خواب بر شش وجه
بود یکی ولایت دوم ریاست سوم بزرگی چهارم عز و جاه پنجم مقدار ششم منزلت کلاه دوزه در خواب کسی بود که خدمت بزرگان کند

گل شدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سروی گل شده بود دلیل که مال و خواسته بسیار یابد و بعضی از معبران گویند که غم و
اندوه از وی زایل گردد و اگر وام دارد وامش گزارده شود و اگر بیند که او را با مردی گل صحبت بود دلیل که با مردی توانگر دوست
و آشنا شود و اگر بیند که سروی گل بود و بعد از آن سوی بر آورد دلیل که مال وی تلف شود و وام دار شود **گل** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید حکم بر گل در خواب بر دو نوع بود یکی آنکه گل بر درخت بود و یکی آنکه گل از درخت ستده باشد، گلی که آن را بقائی نبود دلیل غم
و اندوه بیننده خواب بود و اگر کسی گل سرخ بوقت خویش بر درخت بیند دلیل که او را فرزندی آید و چون بی وقت بیند دلیل که
بسبب فرزند او را مصیبت بود و درخت گل در خواب مهتری و سخن روائی بود و درخت گل زرد زنی بود با زرگان حاجت
روا کننده و درخت گل سفید دلیل بر عز و دولت و جاه بود و اگر در سرای خویش درخت گل بیند دلیل که دختری را نکاح او در
و اگر در سرای خود گل صد برگ بیند دلیل که بسبب فرزند شاد شود و اگر گلها از هر گونه شگفته بیند دلیل که از خویشان و اهل
بیت شادمان شود و اگر بیخ درخت گل از زمین کنده بیند دلیل که مردم سرایش کاهل باشند مغربی رحمة الله علیه گوید گل در خواب دو
دون همت و بد عهد بود که با کس وفا نکند و اگر بیند که گل کسی را داد یا از دست بیفکند از صحبت چنین مردی دور افتد اسمعیل اشعث
رحمة الله علیه گوید گل در خواب نامه بود که از غایبی بدو رسد یا آمدن غایب بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گل در خواب
بر شش وجه بود یکی فرزند دوم دوست سیوم مرد دون همت چهارم کنیزک پنجم غلام ششم نامه غایب **گلشکر** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید گلشکر در خواب گل انگبین در خواب غنیمت و مال حلال بقدر آنکه خورده باشد و اگر بیند که گلشکر یا گل انگبین
داشت و آن را بخورد و اگر توانگر بود دلیل که مالش زیادت شود و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر غمگین بود شادمان گردد و اگر وام دارد
وامش گزارده شود **گل خوردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که گل میخورد دلیل که از پس مردگان بد گوید
و اگر بیند که گل با خاک میخورد دلیل که مال خود بر عیال نفقه کند و اگر بیند که از خاک تربت حضرت مصطفی صلی الله علیه وسلم میخورد دلیل که
حج گزارد و اگر بیند که خانه بگل می اندود دلیل که غمگین شود مغربی رحمة الله علیه گوید دیدن گل سفید در خواب حلال بود و گل زرد
بیماری بود و گل سرخ لهو و طرب بود و گل سیاه غم و اندوه و اندیشه بود و گل آب تیره دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که در میان گل
غرق شده بود دلیل که در محنتی عظیم افتد که رهائی نیابد و اگر بیند که از میان گل بیرون آمد و خود را و جامه خود را پاک بشست دلیل که از غم
و اندوه رهائی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گل در خواب در سرد سیر بهتر بود که در گرم سیر **گلبتین** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید گلبتین در خواب خادمی بود که بجز مال از دست پادشاه بدر آرد و بر مردم نفقه کند و اگر بیند که گلبتین بدست داشت دلیل که او را مال و نعمتی حاصل شود
و اگر بیند که گلبتین وی ضایع شد دلیل که او را زیانی رسد کرمانی رحمه گوید اگر بیند که گلبتین چیزی از میان آتش بیرون آورد دلیل که بمدد آن پادشاه [illegible]
کلم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کلم داشت و بخورد دلیل که از وی منفعت یابد و چون بی دشت خورد دلیل که
کمتر بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر گوشت و کلم با هم پخته خورد دلیل که منفعت بسیار یابد و اگر خام خورد منفعت کمتر باشد و اگر کلم سوخته
میخورد دلیل بر غم و اندیشه بود و اگر شیرین بود منفعتش بیشتر باشد **گلنار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن گلنار در خواب عروسی

پاکیزه بود و یا کنیزکی خوب خاصه که بهنگام خود بر درخت بیند اگر بیند که گلنار از درخت بچید دلیل که از زنی یا عروسی پاکیزه یا کنیزکی خوب
ماند **کلنگ** در خواب مردی غریب بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلنگی گرفت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی
غریب پیوندد و با وی نیکوئی کند و اگر بیند که پر کلنگ یا گوشت او داشت دلیل که از مردی غریب راحت بیند کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که کلنگان را [illegible] دید دلیل که بر گروهی غریبان و درویشان مهتر گردد و اگر بیند که خانه کلنگ داشت دلیل که غمش کم
شود **گلو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گلوی وی بسلامت است هیچ المی ندارد دلیل که امانت و وام
گذارد و اگر بیند که رنج و آفتی بگلوی وی پدید آمد تاویلش بخلاف این بود و اگر گلوی خود را فراخ بیند دلیل که روزی بر وی فراخ
گردد و اگر تنگ بیند بخلاف این بود و گر گلوی خود را درست و قوی بیند دلیل که امانتها را نیک نگهدارد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که گلوی او را ببرید دلیل که بر وی ظلم کنند یا در دینش طعنه زنند و بر جانوری که کشتن او روا باشد چون بیند
گلوی او را ببرید دلیل بر مردی بود که بدان نسبت دارد که بدان مردم را ستم کند و اگر بیند که بهیمه را گلو ببرید دلیل که کار بر وی آسان
گردد و اگر بیند که گلوش را بضرورت ببرید و گوشتش بخورد و اگر گوشت آن جانور حلال باشد دلیل که مال حلال یابد و اگر حرام بود
مال حرام یابد و اگر بیند که گلوی آدمی ببرید دلیل که بر آنکس بیداد و ستم کند یا در دینش طعنه زند و اگر بیند که گلوی کسی [illegible]
کرد دلیل که از شرف و بزرگی معزول گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید گلو در خواب دلیل بر دخل و خرج مردم کند اسمعیل اشعث
رحمة الله علیه گوید گلو فشردن در خواب دلیل بر تنگ شدن معیشت منقلب بود **کلیچه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کلیچه در خواب دلیل
معیشت خوش و نعمت و مال کند که بدست آید و اگر بیند که کلیچه میخورد دلیل که او را مال و نعمت آسان بدست آید و اگر بیند که کلیچه
بخروار داشت دلیل که مال و نعمت بسیار حاصل کند و اگر بیند که کلیچه در دهان نهاد و نتوانست خوردن دلیل که مال و نعمت او
دیگران باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید خوردن کلیچه در خواب بر چهار وجه بود یکم مال حلال که بآسان بدست آید دوم روزی
فراخ سوم نعمت چهارم معیشت خوش **کلید** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کلید در خواب مردی گشاینده کار بود و اگر کسی بخواب بیند که
قفلی را بکلید باز کرد و در بگشاد دلیل که کار دنیایی بسته بر وی گشاده شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که در دست کلید بسیار داشت
دلیل که بزرگی و منزلت یابد قوله تعالی لَهُ مَقَالِيدُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ الآیة کرمانی رحمة الله علیه گوید کلید در خواب گشایش
در خیر بود و بستن شر و بعضی گویند که کلید در بستن تزویج بود و اگر بیند که کلید در بهشت در دست داشت دلیل که در دین
سلطان بود و عاقبت کارش نیکو و محمود بود دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که کلید آهنین داشت دلیل بر قوت و نیکوئی بود و اگر بیند
که کلید برنجین یا مسین در دست داشت دلیل که او را سخن روائی بود و اگر بیند که کلید چوبین داشت دلیل که بر نیکوئی کمتر بود و اگر کلید
زرین یا سیمین داشت دلیل که سخن او روائی یابد و دیگر گویند که گنج یابد مغربی رحمة الله علیه گوید چند اگر کلید بسیار بود مال بیشتر بود و تعبیر
کلید دعا و استغفار و حاجت خواستن از درگاه باری سبحانه و تعالی بود و اگر بیند که کلید بر قفلی نهاد و در را باز کرد دلیل که مهمش
و کار بسته بر وی گشاده شود و اگر بیند که کلید در کلیددان بشکست دلیل که مراد وی حاصل نباشد اگر بیند که یک کلید و قفل بدست

ودر ما باز کرد دلیل که زنی خوبروی بخواهد حافظ معبر رحمة الله علیه گوید اگر کسی دست خود را کلید بیند دلیل که نماز گذارنده بود و اگر کلید وی شبها و
دلیل که کاهل نماز بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید کلید در خواب بر هشت وجه بود یکی گشادن کارها دوم فراغ از غم سوم شفا از بیماری چهارم
یافتن مراد پنجم قوت دین ششم گذاردن حج هفتم اجابت دعا هشتم دانستن علم **کلیددان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلیددان
زر و بگشاد و رحمت نماد دلیل که کارهای دینی و دنیاوی گشاده گردد و اگر بیند که کلیددان بدشواری بگشاد تاویلش بخلاف این بود
و اگر بیند که کلیددان نتوانست گشود و در بسته بماند دلیل که کارها بروی بسته گردد و از حال نیک بحال بد افتد مغربی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که کلیددان زود باز کرد و اگر غمگین بود دلیل که زود فرج یابد و اگر بیمار بود زود شفا یابد و اگر بنده بود آزاد گردد و اگر حاجتی دارد
روا شود و اگر دعا کند مستجاب شود و کارهاش بنظام گردد **کلیسا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کلیسا رفت و در آنجا سوی
قبله نماز گذارد دلیل که آنکس از گناه توبه کند و در دین قوی شود از بهر آنکه کلیسا جای عباد است کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در
کلیسا بود دلیل که میل او با بت پرستان باشد خاصه چون نماز سوی قبله ایشان بگذارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که در کلیسا گشت
شد اگر بیننده خواب پارسا باشد دلیل بد بود خاصه که بیند در آنجا مقیم شد **کلیم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کلیم در خواب نیک
و سرور بود و اگر بیننده خواب مهتر بود دلیل که بزرگی و جاه او بیفزاید و بعضی از معبران گویند مردی صالح و گزیده بود و از دنیا
و بیدار بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کلیمی بیافت دلیل که زنی توانگر بزنی کند و اگر این خواب زنی بیند دلیل که شوهر کند و از او
خیر و منفعت بیند و اگر بیند که کلیمی کوته نشسته بود دلیل که زنی خوبروی و پارسا و موافق بزنی کند و اگر بیند که کلیمی سبز بود دلیل که زنی ستیزه کار
و بیدار بود و اگر بیند که کلیم سرخ بود زنی معاشر و طرب دوست بود و اگر کلیم زرد بود زنی بیمارگون باشد و اگر کلیم سیاه بود آن زن
که باشد زاهد و عابد بود و اگر کلیم ملون بود این همه که گفتیم در زن موجود بود و اگر بیند که کلیمی پوشیده بود دلیل که در پناه مهتری پارسا
و از او منفعت یابد و اگر کلیم از خود دور افکند و ضایع شد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کلیم در خواب
بر پنج وجه بود یکی زن درویش دوم مهتر و پارسا سوم زنی توانگر چهارم کنیزک پنجم خیر و منفعت **کمان** دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که
کمان او بی تیر میکشید دلیل که بسفر رود و با فایده باز گردد و اگر بهنگام کشیدن زه کمان ببرید دلیل که سفرش تمام نشود و باشد که
رسد و اگر بیند که کسی کمانی بوی داد دلیل که پسر یا برادر آرد و اگر بیند که کمان وی بشکست دلیل که از شرف و بزرگی افتد یا چیزی از
مال او تلف شود و اگر بیند که از کمان تیر می انداخت دلیل که از بزرگی نامه بدو رسد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کمانی تیر می
انداخت دلیل که سخن حق و باطل گوید بنسبت و بجز فتن تیر و اگر بیند که از بهر خود کمانی ساخت دلیل که او را از پادشاه عجمی شرف و بزرگی حاصل شود
یا زنی عجمی بخواهد و او را پسری آید و اگر بیند که از کمان تیر نتوانست انداخت دلیل که او را از پادشاه یا از زن فایده نباشد و اگر بیند که کمان از خود
بکسی داد دلیل که نقصان شرف و بزرگی او باشد و بعضی گویند که کمان تا دلیل درازی عمر بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کمانی نو
و پاکیزه داشت دلیل که زن خواهد و اگر بیند که کمان بکشید دلیل که زن پایدار بود و اگر بیند که کمان ضایع شد دلیل که از زن جدا شود و اگر بیند که کمان
او سخت بود و در وقت کشیدن نرم باشد دلیل که زنی بنکاح بخواهد و کار او آسان برآید و اگر سفری کند مبارک باشد و از آن سفر مراد برساند

اگر بیند که کمان سست بود و سخت شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که کمانی بدست خویش از بهر خود بساخت دلیل که کار را ساخته
گردد و اگر بیند که کمان بفروخت و از بهای آن درم و دینار بستد دلیل که دنیا را بر دین اختیار کند و اگر بهای کمان بجز درم چیزی دیگر
بستد دلیل که مراد وی حاصل شود و اگر بیند که کمانی عطا بوی دادند دلیل که دوز تراخواهد و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که کمان خمیده و کشیده
بوی دادندی آنکه کمان را بکشید دلیل که عمر وی دراز بود و اگر بیند که کمان در کمان دوان شاد دلیل که از دنیا برود و اگر بیند که کمانهای
بسیار داشت دلیل که او را دوستان بسیار باشند که بکار و سعی او بمراد وی رسند و اگر بیند که کمانی پاکیزه و نیکو داشت دلیل که کردار او
نیکو و خیرات و طاعات و حسنات کند و حج گذارد و آنچه بیند با خداوند تعالی نزدیک بود قوله تعالی فکان قاب قوسین او ادنی
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کمان در خواب بر شش وجه بود یکی سفر دوم فرزند برادر سوم زن چهارم قوت پنجم کردار
نیک ششم مرد درست در کارها **کمان حلاجی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کمان حلاجی در خواب بتاعت نشده بود و اگر بیند
که کمان حلاجی در دست داشت دلیل که منافقی کند و اگر بیند که کمان حلاجی داشت و ندانست که از کیست دلیل که شفیع
خواهد **کمانه آسمان** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کمانه آسمان زرد بود دلیل بر بیماری مردم آید و کرمانی رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که سبزی کمانه آسمان بیشتر از سرخی بود دلیل که در آن دیار نعمت فراخ گردد و اگر بیند که سرخی بیشتر از سبزی بود
تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که آسمان علامت سرخی گرد او ظاهر شد دلیل که پادشاه را آن دیار راحت و
کامگاری رسد و اگر کمودهای سیاه بیند تاویلش بخلاف این بود **کمان گروهه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کمان گروهه
در خواب کار پادشاه بود با غم و اندوه و اگر بیند که کمان گروهه در دست داشت و گلوله می انداخت دلیل که کسی را سخن زشت
گوید و دشنام دهد زیرا که کمان گروهه در راه دین ناپسندیده بود و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بکمان گروهه گلوله بر مردم انداخت
دلیل که بسبب آن مردم غمگین شود و اگر بیند که کمان گروهه وی بشکست یا ضایع شد دلیل که آن کس را بخوبی مکر بند **کمر** ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در میان کمری بسته بود دلیل که از مردم او را پشت و پناه بود و بعضی گویند که او را پشت و
پناه فرزند بود یا خویشان و اگر بیند که کمر بند به زر و جواهر مرصع بود دلیل که بقدر قیمت آن مال حاصل کند و بدان پشت و پناه
وی قوی گردد و باشد که فرزند آرد و محتشم قبایل گردد و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سه یا چهار بار کمر در میان بسته داشت
دلیل که او را مال و حشم بسیار باشد و نیز گویند که عمرش دراز باشد و اگر بیند که کمری بوی دادند و در میان بست دلیل که بسفر رود و اگر
کمرش بشکست و بیفتاد و ضایع شد دلیل که در مال و بزرگی او نقصان شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کمر زری بجواهر مرصع
بود دلیل که مهتر قومی شود و از بیت المال بسبب وی توانگر شود و اگر بیند که کمر شمشیر بر میان آن کمر بود دلیل [illegible] ولیکن کمتر و اگر بیند که
او را کمر شمشیر بخشید دلیل که از بهر پادشاه سفر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کمر در خواب بر شش وجه بود یکی منفعت از جانب
پدر یا برادر یا خویشان دوم فرزند سوم بزرگی دنیا چهارم عمر دراز پنجم انصاف دادن و یافتن مراد ششم پاکی دین و اگر بیند که کمر
بسته داشت دلیل که انصاف از خصمان بستاند تا آخر عمر گذشته بود **گم شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که

دلیل کی درآن قطع کرا بود ضایع شود زیرا که او را بمعرفت نشناسد و قریب و نماند و اگر بیند که عیال یا فرزند او گمشد دلیل کی از جهة ایشان
اندوهگین شود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که چیزی از وی گمشد اگر آنچیز بتاویل نیک بود دلیل که بقدر آن غم و اندوه و مضرت
از وی زایل شود و کارش بنظام گردد و اگر آنچیز بتاویل بد بود غم و مضرت از وی زایل نشود و کارش نظام نشود · کمند ابن سیرین رح
گوید اگر کسی بخواب بیند که کمندی بینداخت و مردی را گرفت دلیل که باندازهٔ کمند از بزرگی یاری خواهد و اگر بیند که کمندش از
رسن بود دلیل که از مردی مومن یاری خواهد و اگر بیند که کمند از موی خوک بود دلیل که از مردی کافر یاری خواهد و اگر بیند که کمند
انداخت و در گردن مردی آمد دلیل که از مردی ضعیف یاری خواهد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در دست آن مرد افتاد دلیل که از
مردی مسلمان یاری خواهد و اگر بیند که کمند انداخت و خصم را نتوانست گرفت دلیل که هیچکس او را یاری ندهد · کنار ابن سیرین رح
گوید کنار در خواب مال بی رنج بود و از میوها هیچ میوه را خاصیت آن نبود و گویند که میوهٔ حضرت آدم علیه السلام در بهشت کنار بود
و اگر بیند که کنار بخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند خاصه چون بوقت خویش باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید کنار در خواب
مال حلال بود و روزی فراخ باشد و اگر بیند که بخروار کنار داشت دلیل که مال بسیار یابد · گناه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که گناه میکرد و ندانست که آن گناه چه بود دلیل که در گناه و فتنه افتد کرمانی رحمة الله علیه گوید گناه کردن در خواب هم معصیت
و گناه بود توبه باید کرد تا از عقوبت حق تعالی عز و جل ایمن شود و کارش بصلاح آید · گنبد ابن سیرین رح گوید گنبد در خواب زن
بود و اگر گنبدی پاکیزه بیند و داند که ملک او است دلیل که زنی خوبروی خواهد کرمانی رح گوید گنبد در خواب بشرف و بزرگی بود و اگر بیند
که در گنبدی بزرگ بود دلیل که خیر و منفعت بدو رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گنبد در خواب بر چهار وجه بود
یکی زن دوم کنیزک سوم منفعت چهارم عز و جاه · گنج ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گنج بیافت دلیل که بیمار گردد
یا رنجی بدل او رسد و اگر بیند که گنج او ضایع شد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید گنج یافتن در خواب در جایگاه
خراب بیمار یا هلاک شود و اگر بیند که در جایگاه آبادان یابد دلیل که بیمار شفا یابد · گنجد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گنجد در خواب
مالی بود که هر روز زیادت باشد و اگر بیند که گنجد داشت و میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که گنجد بکسی داد
دلیل که بقدر آن از مال خود او را منفعت رساند و اگر بیند که گنجد خورد و طعم آن ناخوش بود دلیل که بقدر آن مال حرام یابد و بعضی
از معبران گویند که او را غم و اندوه رسد · گنده پیر ابن سیرین رح گوید گنده پیر در خواب دنیا باشد و گنده پیر مسلمان که بجامهٔ آراسته
باشد دلیل که مال حلال یابد و گنده پیر که بجامهٔ چرکین باشد کافر بود بتاویل مال حرام بود و گنده پیر خوبروی و نیکو جامه بتاویل
این جهان و آن جهان باشد و اگر بیند که گنده پیر فربه و مسلمان بزنی خواست و دانست که ملک او است دلیل که مال حاصل کند
و اگر بیند که زنی پیر داشت و او را از خانه بیرون کرد یا طلاق داد دلیل که ترک دنیا بگوید و راه آخرت جوید و اگر بیند که با گنده
پیری مجامعت کرد دلیل که مراد این جهانی او را حاصل شود · گندرو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گندرو میخورد یا فشاند
دلیل که با کسی خصومت کند یا شکایت بود بقدر خائیدن مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گندرو داشت دلیل که غمگین شود

تستوی نعجة ولی نعجة واحدة اگر بیند که ماده میشی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که زنی بدین صفت که گفتیم او را مصاحب و خویشکار
شود و از وی مال حاصل کند. اگر بیند که ماده میش بضایع شد دلیل آن زن از وی جدا شود و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که ماده میشی را گلو برید دلیل که زنی مستوره را بهتان کند و اگر ماده میش سیاه بود دلیل که آن زن از عرب بود و اگر سفید
بود از عجم باشد و پوست گوسپند غنیمت مال حلال بود و دیدن گوسپند در خواب بر پنج وجه بود یکی مهتری دوم زنی
سوم مال چهارم فرمان پنجم جاه و منفعت گوشتها دانیال علیه السلام گوید گوشتها بتاویل هر چند پخته خورد دلیل
بر مال و منفعت کند که آسان بدست آید و گوشتهایی که خام خورد دلیل که مال برنج و سختی بدست آید و خرید و فروخت
گوشتها در خواب غم و اندوه بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید خوردن گوشت پخته بهتر از بریان باشد و خوردن گوشت
بریان بهتر از خام باشد و اگر بیند که گوشت تن خود را میخورد دلیل که غیبت اهل خانه کند و بعضی از معبران گویند کاری کند
که از آن کار پشیمانی خورد و اگر بیند که گوشت مردم میخورد دلیل که غیبت مردم بناحق کند قوله تعالی أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ
لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ و اگر بیند که مردی را بردار کرده بودند و او گوشت او میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر
بیند که گوشت گوسپند فربه پخته بود و میخورد دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بیند که گوسپندی مسلوخ بخانه آورد دلیل که کسی
بزرگوار در آنجا بمیرد و اگر بیند که برخی از اندام گوسپند در خانه آورد دلیل که در آن خانه کسی هلاک شود مغربی رحمة الله
علیه گوید گوشت فربه بهتر از گوشت لاغر بود و اگر بیند که گوشت تازه کسی را میبرد دلیل که او را بزبان بخورد گرداند یا او را
غیبت کند و اگر بیند که گوشت بریان میخورد دلیل که بقدر آن روزی با غم و اندوه یابد و اگر بیند که از قصاب گوشت
بخرید و بهایش بداد و بمنزل خود برد دلیل که هلاک شود و اگر بیند که گوشت اژدها میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن
بستاند و خرج کند و دشمن را قهر کند و اگر بیند که گوشت اسب میخورد دلیل که در میان خلق نیکنام شود و از پادشاه
چیزی بدو رسد و اگر بیند که گوشت اشتر میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن بدست آورد و بخورد و اگر بیند که گوشت
اشتر بچه میخورد دلیل که بقدر آن مال یتیمی بخورد و بعد از آن بیمار شود و شفا یابد و بعضی از معبران گویند که از مردم پادشاه
او را منفعت رسد و اگر بیند که گوشت شترمرغ میخورد دلیل که بقدر آن از مردم بیابانی او را منفعت رسد و اگر بیند
که گوشت اله میخورد دلیل که از پادشاه ستمگر او را درم و دینار حاصل شود و اگر بیند که گوشت آهو میخورد دلیل که بقدر آن
از زنی خوبروی او را مال حاصل آید و اگر بیند که گوشت بز میخورد دلیل که او را صفت مال دشمن بدست آرد و خرج
کند و اگر بیند که گوشت پرستو میخورد دلیل که او را مصیبت رسد یا بیمار شود و بعضی از معبران گویند که مال دشمن بخورد و اگر
بیند که گوشت نهنگ میخورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت یابد و اگر بیند که گوشت پلنگ میخورد دلیل که در جنگ نام آور و با
شرف و بزرگی یابد و اگر بیند که گوشت گنجشک میخورد دلیل که از مال مردی ثروتی یا از مال فرزند بقدر آن او را مال حاصل شود
و اگر بیند که گوشت بوزنه میخورد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که گوشت پیل میخورد دلیل که بقدر آن از سلطان مال یابد و اگر

بیند که گوشت چرغ میخورد دلیل که از پادشاه ستمگار او را منفعت رسد و اگر گوشت تذرو میخورد دلیل که مال مردی غدار خورد و اگر
بیند که گوشت جغد میخورد دلیل که مال دزدیده خورد و اگر بیند که گوشت چکاوک میخورد دلیل که چیزی از مال بنده خورد
و اگر بیند که گوشت خر میخورد دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که گوشت خرگوش میخورد دلیل که از مال زن چیزی اندک یابد
و بعضی از معبران گویند که میراث یابد و اگر بیند که گوشت خروس میخورد دلیل که بقدر آن از مردی عجمی منفعت یابد و اگر بیند
که گوشت خرچنگ میخورد دلیل که بقدر آن مال حرام خورد و در طاعت سستی کند و اگر بیند که گوشت دراج میخورد دلیل که مال
زن بستاند و خرج کند و اگر بیند که گوشت راسو میخورد دلیل که بیمار شود و اگر نه ترس و بیم یابد و اگر بیند که گوشت زاغ میخورد دلیل
که بقدر آن از مال فاسقی بخورد و اگر بیند که گوشت سنگ خاره میخورد دلیل که از مال مردی ابله منفعت یابد و اگر بیند که گوشت
سوسمار میخورد دلیل که از مردی که سفر بسیار کند خیر و منفعت یابد و بعضی گویند خوردن گوشت سوسمار دلیل بر کمال قوت
ایمان یا فعل باشد و اگر بیند که گوشت سگ میخورد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که گوشت سنجاب میخورد دلیل که مال
مردی غریب خورد و اگر بیند که گوشت سیمرغ میخورد دلیل که مال مردی بزرگوار بدو رسد و اگر بیند که گوشت شاهین میخورد دلیل که از
مال مردی ستمگر نفع یابد و اگر بیند که گوشت بره میخورد دلیل که با کسی که او را محرم پیوندد و اگر بیند که گوشت شیر میخورد دلیل که
تجارت با خویشان خصومت کند و اگر بیند که گوشت طاوس میخورد دلیل که مال و نعمت یابد و اگر بیند که گوشت طوطی میخورد دلیل که علم آموزد
و وی را منفعت نکند و اگر بیند که گوشت فنک میخورد دلیل که بقدر آن مال زن بستاند و اگر بیند که گوشت قمری میخورد دلیل که از زنی
خوب منفعت یابد و اگر بیند که گوشت ماده گاو میخورد دلیل که مالی فراوان حاصل کند و کارش منتظم گردد و اگر بیند که گوشت کبک میخورد
دلیل که بقدر آن او را از مال زن یا کنیزک نفع رسد و اگر بیند که گوشت کبوتر میخورد دلیل که از مال زن او را بهره رسد و اگر
بیند که گوشت گربه میخورد دلیل که منفعت یابد و اگر بیند که گوشت کرگ میخورد دلیل که از پادشاه ظالم مال حرام یابد و اگر بیند
که گوشت کشف میخورد دلیل که از عالمی علم حاصل کند و اگر بیند که گوشت کفتار میخورد دلیل که پیرزنی بر وی جادو کند و اگر بیند
که گوشت کلاژه میخورد دلیل که مال مردی بیابانی خورد و اگر بیند که گوشت گوزن میخورد دلیل که مال و منفعت یابد و اگر بیند
که گوشت ماکیان میخورد دلیل که او را مال از کنیزک یا از خادم جمع شود و اگر بیند که گوشت ماهی میخورد دلیل که چیزی از مال زن خورد
و اگر بیند که گوشت مرغابی میخورد دلیل که بزرگی و ولایت یابد و اگر بیند که گوشت مرده میخورد دلیل که آن مرده را به بدی یاد کند و اگر بیند
که گوشت نهنگ میخورد دلیل که رنج و بلا بدو رسد و اگر بیند که گوشت هدهد میخورد دلیل که از مردی زیرک و بزرگ منفعت یابد و اگر بیند
که گوشت همای میخورد دلیل که از پادشاه او را راحت رسد و کارش بلند گردد و اگر بیند که گوشت هزاردستان میخورد دلیل که از مال
زن یا فرزند یا غلام او را منفعت رسد و اگر بیند که گوشت واشه میخورد دلیل که از مال دشمن بخورد و اگر بیند که گوشت یوز میخورد هم از مال دشمن
بخورد جعفر صادق رضی الله عنه گوید گوشت جانوران دیدن بر چهار وجه بود یکی مال دوم میراث سوم توانگری چهارم مصیبت و اندوه
گوشت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گوشت وی بیفتاد یا بریده شد دلیل که زن را طلاق دهد یا دخترش میرد یا

گوید گورستان در خواب دیدن صحبت با جاهلان بود که دین و دنیای ایشان را فساد گردد و غم و بستایی بود کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که اهل گورستان را زیارت میکرد دلیل که اهل زمانه او را زیارت کنند و اگر بیند که در گورستان باران بارید دلیل که اهل گورستان را
رحمت از حق سبحانه و تعالی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر توانگر بیند که در گورستان همی رفت و بر گورها سلام میکرد دلیل که درویش گردد
و از مردمان گدائی کند زیرا که گورستان جای مفلسانست و اگر بیند که در گورستانی معروف بود و مردگان از گورها برخاسته بودند
دلیل که اهل آن جایگاه را بلا و محنت رسد و اگر بیند که در گورستان گورها باز میکرد و بعضی مرده دید و بعضی زنده دلیل که در آن
ولایت محنت و تنگی پدید آید جعفر صادق رضی الله عنه گوید گورستان در خواب بر سه وجه بود یکی زندان دوم غم سوم
محنت و بلا کوزه در خواب مالی بود که بمحنت و بلا و رنج و سختی حاصل گردد و اگر بیند که با کوزه بازی میکرد یا کوزه در دست
دلیل بر جنگ و خصومت بود کرمانی رح گوید کوزه که مغز آن تباه شده باشد دلیل که مال حرام بدو رسد بقدر کمی و بسیاری
مغز کوزه بطعم خوش بود مال حلال بدو رسد و اگر بیند که کوزه بشکست دلیل که از مردی عجمی مال گیرد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کوزه
راست دلیل که او را جنگ و خصومت افتد و اگر بیند که کوزه تلخ و ناخوش بود دلیل که از مردی بخیل سخن ناخوش شنود و اگر بیند
که از مغز کوزه روغن بیرون آورد دلیل که از مردی بخیل او را منفعت رسد کوزه هندی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی کوزه هندی
بوی داد دلیل که سخن فال گیرد و منجم شود و اگر بیند که کوزه هندی میخورد دلیل که سخن ایشان راست پندارد و بعضی از معبران گفته‌اند
کوزه هندی در خواب مردی و دون با کنیزک هندی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کوزه هندی میخورد دلیل که سخنان منجمان راست
پندارد و اعتقاد بر آن داشته باشد کوزبوا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کوزبوا در خواب صلاح دین بود و دانش علم شرع اگر
بیند که کوزبوا خورد دلیل که مصلحت او دین اختیار کند و علم شریعت بیاموزد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کوزبوا بسیار داشت
و میخورد و بمردم میداد دلیل که در علم و حکمت یگانه شود و از آن علم او را و دیگران را منفعت بود و اگر بیند که کوزبوای که داشت از آن
بکسی نداد دلیل که از آن علم منفعت نه او را و نه دیگران را باشد و بعضی گویند که خوردن کوزبوا دلیل بر تعلیم علم نجوم کند گوی
زمین ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گوی زمین در خواب مالی بود که بمکر و حیلت بدست آرد و اگر بیند که بگوی پنهان بود
که از آنجا او را بیرون آمدن نبود دلیل که بمکر و حیلت خود را در کاری افکند که از آن بدشواری برآید و هر چند که گوی دورتر بود کار
صعبتر بود و اگر بیند که آن گوی مانند سردابه بود دلیل که دزد از وی چیزی ببرد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوی [illegible] کند
دلیل که از بهر کسی بمکر و حیلت سازد و اگر از آن گوی آب بیرون آمد دلیل که در آن گوی بمکر و حیلت چیزی بدست آورد و بدان
معیشت کند و اگر بیند که گوی از بهر کسی دیگر بود دلیل که آنچه گفتیم آن کس را باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در
گوی افتاده بود و از آن بیرون نتوانست رفت دلیل که در کاری مستور مانده باشد و از آن خلاصی نیابد و اگر بخلاف این بیند
دلیل که رستگاری یابد کوزه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کوزه از سفید و چینی یا از مس بود در خواب خادم باشد و اگر
سفالین بود و داشت دلیل که او را کنیزکی حاصل شود بقدر خوبی کوزه و اگر بیند که از کوزه آب خورد دلیل که با کنیزک جماع کند

واگر بیند که کوزه بشکست دلیل که کنیزش بمیرد مغربی رحمة الله علیه گوید کوزه در خواب مال و نعمت باشد و اگر بیند که کوزهٔ زرین داشت دلیل
ورا مال خواسته حاصل شود اما دران مال تهمت باشد و اگر بیند که کوزه سفید و چینی یا رخامی داشت دلیل مال و نعمت باشد و اگر
کوزهٔ آهنین داشت دلیل بر مال بود امام جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کوزه در خواب بر نه وجه بود یکی زن دوم خادم سوم
کنیزک چهارم قوام دین پنجم صلاح تن ششم عمر دراز هفتم مال هشتم خیر و برکت نهم میراث از قبل زنان و کوزهٔ آب را اراده خواب
تاویلش بجواب نی بزرگ زاده و مهتر بود گوساله ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گوساله نر فرا گرفت یا کسی بدو داد
دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که گوساله ماده بود دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که گوساله نجار ببرد و بر دوست مالید دلیل که
اندوهگین شود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوساله در منزل او در آمد و شد میکرد دلیل بر غم و اندوه بود و اگر بیند که گوساله
دشتی فرا گرفت دلیل که او را پسری آید و اگر بیند که بر پشت گوساله سوار بود دلیل که با پادشاه عجمی پیوندد و از وی بزرگی یابد جعفر
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوساله وی ببرد دلیل که فرزندش بمیرد و اگر گوساله وی ضایع شد دلیل که فرزندان از وی مفارقت کنند
و اگر بیند که گوساله داشت و از گوشت وی بخورد دلیل که میراث فرزند بخورد و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوساله
سپید بود دلیل که فرزندش مبارک و مستور و توانگر بود و اگر بیند که گوساله ابلق بود دلیل که میانه بود و اگر گوساله وی فربه و قوی
بود دلیل که فرزندش تندرست و نیک حال بود و اگر ضعیف و لاغر بود تاویلش بخلاف این بود گوسپند ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید گوسپند در خواب غنیمت بود و اگر بیند که گوسپند میچرانید دلیل که بر گروهی بزرگی و مهتری یابد و اگر بیند که گوسپندان
بعضی سپید و بعضی سیاه بودند دلیل که آن گروه بعضی عرب باشند و بعضی عجم و اگر بیند که گوسپند بسیار جمع شدند و دانست که ملک
اوست دلیل که او را مال بسیار حاصل آید و اگر بیند که گوسپندی بر گردن گرفته بود دلیل که مؤنت کسی بر گردن گیرد و اگر بیند که گوشت
گوسپند بچه میخورد دلیل که بقدر آن او را غنیمت باشد و اگر بیند که گوشت بریان کرده میخورد دلیل غم و اندوه باشد و اگر بیند
که از بهر خوردن گوسپند را بکشت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و مال وی بخورد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند نر میشی فرا گرفت
یا کسی بوی داد دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد و از وی بزرگی و مال یابد و اگر بیند که نره میشی را گلو ببرید و پاره کرد دلیل
که بر مردی بزرگ ظفر یابد و مالش بستاند و خرج کند و اگر بیند که بر نره میش نشست و مطیع و فرمان بردار او بود دلیل که بر مردی
بزرگ چیره گردد و اگر بیند که نره میش بروی غالب بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که سر و پای نره میش شکست دلیل
که بر آن مرد که صفت کردیم غالب شود و اگر بیند که سر و پای نره میش دراز و قوی بود دلیل که ایمن و قوی و توانا شود و اگر
که پشم بر تن نره میش دراز بود دلیل که بقدر آن مال و نعمت زیادت شود و اگر بیند که پشم نره میش بسیار حاصل شد و دانست که
اوست دلیل که بقدر آن بر مردم فرمان دهد و ایشان را زیر دست خود گرداند و از ایشان مال و نعمت بسیار یابد و بعضی گویند
که بعدد هر نره میشی او را سالی بزرگی و شرف یابد مغربی رحمة الله علیه گوید ماده میش در خواب زنی بزرگ و کریمه بود چنانکه
حق سبحانه و تعالی در کلام مجید خود در قصهٔ داود علی نبینا و علیه السلام فرموده قوله تعالی اِنَّ هٰذَا اَخِیْ لَهٗ تِسْعٌ وَّ

زیرا که تلخ است و در تاویل اندوه بود کندس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کندس بسیار داشت دلیل که بیماری دراز کشد و عاقبت
شفا یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کندس میخورد دلیل که در رنج و بلا گرفتار شود و اگر بیند که کندس به بینی فرا گرفت و عطسه داد دلیل
حاجتش به دشواری برآید گندم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گندم در خواب مال حلال بود که برنج بمردم رسد و اگر بیند که گندم میخورد دلیل
که صالح و دیندار بود و اگر پخته میخورد دلیل که غمگین شود و اگر بیند که دانه گندم از شکم او برآمد یا گندم خشک شده بود دلیل که عمرش آخر رسیده باشد
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خوشهای گندم میخورد دلیل که در آن دیار قحط و تنگی پدید آید قوله تعالی سَبْعَ سُنْبُلَاتٍ خُضْرٍ
وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ و اگر بیند که گندم میکشت دلیل که در آن دیار حق سبحانه و تعالی نرخ غله ارزان کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید گندم
در خواب بر سه وجه بود یکی معزول شدن از ولایت دوم نصرت سوم غریبی اسمعیل اشعث رح گوید اگر بیند که گندم بریان میخورد دلیل که
هیچ منفعت نیابد و اگر بیند که گندم بوقت خود میدرود دلیل که مالی بسیار برنج حاصل کند و گندم فروش در خواب مردی بود که دین بدنیا
اختیار کند گندنا دانیال علیه السلام گوید گندنا در خواب مردی بود که مردم او را بدوستی یاد کنند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گندنا در خواب
مال حرام بود و گفتار زشت بود اگر بیننده خواب مستور و مصلح نباشد دلیل که مال حرام حاصل کند و پیوسته سخنان زشت گوید و در خوردن گندنا
هیچ منفعت نباشد گنده و انگبین بود اگر بیند که گنده و انگبین فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که رسول میان او در آید و او را شادمان کند
و کرامت یابد و بعد از چهار روز از قبل آن مقصود و مراد یابد خاصه که بوقت روز دیده باشد کنشت ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که در کنشت نشست و از سوی قبله نماز گذارد دلیل که عاقبت توبه کند و بخداوند تعالی بازگردد و در دین قوی گردد و بسبب آنکه کنشت جای
عبادت است و اگر نماز سوی قبله جهودان گذارد دلیل که هوای جهودان دارد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در کنشت بیند دلیل کند
مردم بیدین کار کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کنشت و کلیسا در خواب مردم مصلح را خیر و نیکوئی بود و مردم مفسد را
شر و فساد بود کنگر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بوقت خود کنگر سبز دید دلیل که غم و اندوه بوی رسد و خوردن کنگر در خواب
نفع نبود و اگر بیند که کنگر داشت و میخورد دلیل که غم و اندوه و کمتر باشد گنگی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند
که گنگ شده بود دلیل که درویش و بدحال گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در خواب گنگ بیند دلیل تباهی و نقصان دین کند
چنانکه حق سبحانه و تعالی فرموده و قوله تعالی صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ جعفر صادق رضی الله عنه گوید گنگی در خواب بهفت
وجه بود یکی درویشی دوم بدحالی سوم غم و اندوه چهارم نقصان پنجم بیم ششم مصیبت هفتم نقصان مال هفتم نقصان دین و اگر گنگ را
بیند که زبانش گشاده شد دلیل که کار بسته بروی بگشاید کنه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کنه در خواب عیال مردم بود اگر بیند
که کنه اندام او میخورد دلیل که بقدر آن عیال از مال او بخورند و اگر بیند که کنه بسیار در چهارپایه بود دلیل که مردم از چهارپایان او فایده
ببینند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کنها از خود دور می انداخت دلیل که عیال از خود دور کند و اگر بیند که کنه از چهارپای خود میگرفت
و می انداخت دلیل که هیچکس را فایده نرساند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کنه در خواب بر سه وجه بود یکی عیال دوم فرزند
و خشم سوم مال و خواسته فراوان و اگر بیند که کنها میکشت دلیل بدانچیزها که گفتیم نقصان بود کنیز ابن سیرین رحمة الله

علیه گوید کنیزک در خواب خیر و نیکی بود بقدر جمال و اگر کسی بخواب بیند که کنیزک خوبروی فربه داشت دلیل که چیزی پنهان بوی رسد
و از آن چیز مستظهر گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید کنیزک در خواب مال بود و اگر بیند که کنیزکی بخرید دلیل بر خیر و نیکی بود و اگر بیند که کنیزک
بفروخت تا ویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کنیزک بفروخت و بهای او بستد دلیل که او را غم رسد و اگر
بد کنیزک بخرید دلیل که خرم و شادمان گردد و مال و نعمت یابد و اگر بیند که کنیزک برهنه بود دلیل که زیانی بدو رسد و اگر بیند که کنیزک
خوبروی بسته بود و در خانهٔ وی در آمد دلیل که شادی و منفعت بدو رسد کهربا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید کهربا در خواب بیماری بود
اگر کسی بخواب بیند که کهربا داشت دلیل که بیمار شود و زود شفا یابد و بعضی گویند که بیماری او دراز کشد گوارش ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید گوارش در خواب چون شیرین بود دلیل منفعت و خیر و شادی کند و اگر تلخ و ناخوش باشد دلیل غم و اندوه و رنج و فساد
بود و هر گوارش که بوی خوش بود دلیل مدح و ثنا بود و هر چه بوی او ناخوش باشد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید
گوارش شیرین خوردن غم و اندوه بود و گوارش دارو با خوشبو و ارخوردن دلیل ستایش کند گوال ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
گوال در خواب دلیل بر مردی عالم باشد و چیزهایی که در وی خیر و شر بود و بدین قول دلیل از امیر المومنین علی کرم الله وجهه می آرند که گفت
فی قوله تعالی الْقَافِلَةَ وَعِيَةٌ مغربی رحمة الله علیه گوید گوال چون بزرگ و نو و پاکیزه و فراخ بود دلیل منفعت بسیار بود و اگر
اندک باشد گوداب‌ها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید گوداب‌ها که در خواب بیند بهتر از گوداب خرما بود و بعد از آن گوداب حیص
بادام و بعد از آن گوداب نان و بعد از آن گوداب خشخاش را ابتدا و بی منفعت از اینها کمتر باشد و اگر بیند که گوداب حیص میخورد دلیل که
بقدر آن مال و نعمت از مردی بخیل بدست آرد و اگر بیند که گوداب خشخاش میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل شود اما با بیم و ترس و اگر
گوداب نان میخورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت از مردی پارسا او را بدست آید و اگر بیند که این گوداب‌ها گفتیم داشت و از آن چیزی
میخورد و آنچه گفتیم بدو رسد مغربی رحمة الله علیه گوید گوداب‌ها آنچه شیرین و خوش طعم بود دلیل بر نیکی کند و آنچه تلخ و ناخوش بود دلیل
بر بدی کند گور دانیال علیه السلام گوید گور بنا و بن زندان بود و اگر بیند که گوری از بهر خود کند دلیل که احوال بر وی تنگ شود و بعضی
گویند در آن موضع که گور باشد از بهر خود سرای نو سازد و اگر بیند که او را در گور کردند دلیل که احوال بر وی دشوار شود قوله تعالی
ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ و اگر بیند که او را در گور کردند و خاک بر سر او کردند دلیل که دین پر از نقصان بود و بیشتر
از دنیا برود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خود را در گور نهاد دلیل که او را در زندان کنند و اگر بیند که در گور بمرد دلیل که در زندان
بمیرد و اگر بیند که بر بام او گوری میکندند دلیل که زندگانی او دراز بود و اگر بیند که بر سر گور ایستاده بود دلیل که بر گناه مقیم و پشیمان
نیم کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر خود را در گور مرده دید و منکر و نکیر از وی سوال کردند دلیل که پادشاه آزار او را مطالبه کند و اگر جواب
منکر و نکیر خطا داد دلیل که در عذاب پادشاه عاجز ماند و اگر بیند که او را از گور بیرون آوردند و برابر کردند و دیگر باره در گور نهادند
دلیل که پادشاه او را بنوازد و خلعت بپوشاند و بعد از آن بزندان کند اما اگر این خواب بازرگان دیده باشد حساب او با بازرگانان
بود و شمار هر کس با جنس خود و معبران باید که قیاس از چیزهای نیک بدانند تا خطای نیفتد گورستان ابن سیرین رحمة الله علیه

جدا شود و بعضی معتبران گویند که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که او کر شد چنانکه هیچ شنیدن نمی تواند دلیل بر فساد دینش
بود و باشد و بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گوش در خواب بر هشت وجه بود یکی زن دوم خبر سوم دستیار
زن پنجم پسر ششم غلام هفتم مال خواسته هشتم ترسم **گوشوار** و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در هر دو گوش
گوشوار داشت دلیل که او را پیش آرایش و جمال افزون گردد و اگر بیند که در هر دو گوش مروارید گرانمایه آویخته بود دلیل که علم قرآن
بیاموزد و عالم و دانا شود و اگر بیند که در یک گوش مروارید بود و در دیگر نبود دلیل که علم و قرآن بیاموزد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که هر دو گوشوار داشت دلیل که بزرگی جاه یابد و اگر مردی زن خود را بیند که حلقه در گوش داشت یا آن زر دلیل [illegible]
دلیل که زن را طلاق دهد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن گوشواره در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند با جمال و کمال
دوم آموختن علم و قرآن سوم بزرگی چهارم غم و اندوه بسبب طلاق دادن زن **کوشک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی
بخواب بیند که در کوشکی شد دلیل که او را مال خواسته حاصل آید خاصه که کوشک از خشت خام و گل بود و اگر بیند که از گچ و سنگ بود
دلیل که مال او حرام بود و دین را نقصان بود و اگر بیند که پادشاه را کوشکی بود دلیل که از پادشاه مال حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که کوشک خراب شد دلیل که مال او تلف شود و اگر بیند که در کوشک او آتش افتاد دلیل که پادشاه او را مصادره کند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن کوشک در خواب بر هشت وجه بود یکی نعمت دوم ولایت سوم مرتبت چهارم ریاست پنجم بزرگواری ششم
پادشاهی هفتم راحت هشتم شادی و خرمی بقدر بلندی و نیکوئی کوشک **کور** و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که کور در خواب غم
و اندوه بود و در دیدن کور خیر و منفعت نبود **کودک** دانیال علیه السلام گوید که کودکی در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که او
شده بود و در کتاب چیزی پیش معلم میخواند دلیل که در غم و اندوه گرفتار گردد زیرا که کودک صلاح از فساد نداند و معتبران گفته اند که
خود را کودک بیند دلیل که کارش ضعیف شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کودکی بریان کرد و پیش او نهاد
و میخورد دلیل که از وی خیر بسیار یابد و آن کودک با حشمت بسیار برسد کرمانی رحمة الله علیه گوید کودک خوب روی بشارت نعمت
بود و کودک زشت روی منفعت باشد و اگر مردی بیند که شیرخواره شده بود دلیل که از مقصود باز ماند و اگر مردی بیند که کودکی
شیر میداد دلیل که بوقت زادن بسلامت بود **کوه** دانیال علیه السلام گوید اگر خود را بکوهی بلند بیند و داند که آن کوه را گشت
دلیل که مردی بزرگ را او پناه خود گیرد و اگر بیند که کوه را از جای خود برکند دلیل که مردی بزرگ را قهر کند و اگر بیند که بر کوه منتها
گرد دلیل که از مردی بزرگ عز و جاه یابد و اگر بیند که بر بالای کوه همی شد دلیل که بزرگی و جاه یابد و بعضی از معتبران گویند اگر خود را
بر بالای کوه میشد دلیل که غم و اندوه بدو رسد اگر بیند که از کوه بزیر آمد دلیل که بزرگی و جاه او نقصان شود و اگر بیند که بر سر کوهی مقام
دلیل که او را پادشاه حرمت یابد و مقرب شود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر سر کوهی نماز میگذارد و یا بانگ نماز میداد دلیل که
و نیکو شود و مغربی رحمة الله علیه گوید بالای کوه و کوشک رفتن در خواب دلیل بر مقصودی که دارد و میابد و اگر بزیر آمد تا ویلش خلاف
این بود و اگر بیند که بر دامن کوه بیفتاد دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که بر دامن کوه نماز میگذارد دلیل که کاری کند که موافق دین باشد

واگر بیند که بر کوه مردی را کشتن پادشاه را بوی بود دلیل که از پادشاه حرمت یابد واگر بیند که کوه بجنبید و بعد از ان قرار
گرفت دلیل که از مردی بزرگ بدو انجا رنجور شود و شفا یابد واگر بیند که کوه را میکند و کوه کندن بروی آسان بود دلیل که بزودی عطا
یابد واگر بیند که کوه از خاک بود دلیل که او را با مردی خسیس طمع باشد واگر بیند که بر کوه قاف نشسته بود دلیل که اجلش فرا رسیده باشد
واگر بیند که بر کوه طور سینا بود دلیل که پادشاه را بروی اعتماد بود و مرادش حاصل آید واگر بیند که بر کوه عرفات بود دلیل که توبه کند
واز گناه پشیمان شود واگر بیند که بر کوه لبنان بود دلیل که با علما و صلحا صحبت دارد واگر بیند که بر کوهی تاریک بود دلیل که او را
بیم هلاک باشد واگر بیند که بدره شد دلیل که اجلش نزدیک آید یا بزندان گرفتار آید واگر بیند که بر کوهی روشن بود دلیل که مال [illegible]
اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کوهی خراب بود که در و سنگها افتاده بود و بدشواری میرفت و تیر می انداخت دلیل که
او را از پادشاه سنگ و بیم بود واگر بیند که میان دو کوه میرفت و تیر می انداخت دلیل که میان دو مرد بزرگ توسط کند واگر بیند که در کوه
سوراخی بود و دران سوراخ شد دلیل که از راز پادشاه آگاه شود واگر بیند که از ان سوراخ چیزی بیرون آورد دلیل که از ان پادشاه عطا
یابد مانیطا معبر گوید اگر بیند که بر کوهی بالا میرفت دلیل که بخدمت مردی بزرگ مشغول گردد واگر بیند که از کوه بها سنگ میگرفت
و هر یک بجائی می انداخت و او بر میگرفت و بر کوه می‌نهاد دلیل که مال الطالعه جمع کند واگر بیند که از کوه بها رکنار گرفته بود دلیل
که شود از کسی بزرگ بند رواز وی خیر و منفعت یابد واگر بیند که از کوه بزیر افتاد دلیل که مرادش بر نیاید واگر بیند که بر کوه نردبانی از گچ
و آجر بسته بود و بدان نردبان بر سر کوه شد دلیل که مرادش زود حاصل شود واگر بیند که نردبان از گل و خشت خام بود دلیل که بهتر باشد
واگر از مس بود بد باشد واگر از برنج بود مرادش بر نیاید واگر بیند که بر سر کوهی بلند المیناء بود دلیل که خاص و مقرب پادشاه گردد و
مال بسیار یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن کوه در خواب بر پنج وجه بود یکی پادشاهی دوم دبیری سوم ظفر چهارم مکر
پنجم رئیسی یافتن گوهر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن گوهر بخواب زن با جمال توانگر بود واگر بیند که گوهری داشت دلیل که
دارد و طلاق دهد واگر بیند که گوهر بسیار داشت دلیل که مال بسیار حاصل کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوهر میفروخت دلیل
که بشغل زنان مشغول گردد و دلالی کند واگر بیند که بعضی گوهرها سوراخ داشت و بعضی نداشت دلیل که دلالی دختران دوشیزه و زنان
بیوه کند مغربی رحمة الله علیه گوید گوهر سفید در خواب فرزند بود واگر بیند که گوهر سفید داشت دلیل که او را فرزندی آید جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن گوهر در خواب بر هشت وجه بود یکی مال دوم علم سوم فرزند معروف چهارم چیزی گران بها پنجم زن با جمال
ششم سخن سفید هفتم خیر و برکت هشتم کار نیکو کردن و چون خداوند خواب ستوده نباشد دلیل پشیمانی بود و گوهر فروش در خواب داننده
علم و حکمت بود کوچه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که در کوچه آبادان بود دلیل که خیر و منفعت بوی رسد خاصه
که در و مردم مصلح باشند واگر بخلاف این بیند دلیل که شر و مضرت بدو رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در کوچه فراخ مقیم شد
دلیل که غم و اندوه بوی رسد کفگیر اگر کسی بخواب بیند که کفگیر داشت یا کسی بوی داد دلیل که اندوهگین شود واگر بیند که کفگیر خورد
دلیل بر غم و اندوه صعب بود واگر بیند که کفگیر بکسی داد دلیل که غم و اندوه بوی رساند و دیدن کفگیر هیچ منفعت نباشد

لباچه

والله اعلم حرف اللام لباچه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید لباچه در خواب دیدن نیکوئی و پایندگی دین بود و دنیا
که سبز باشد و اگر بیند که لباچه سمور یا سنجاب داشت دلیل که پناه مردی با دیانت بود و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که لباچه سبز داشت دلیل که او را از مردی دیندار با امانت منفعتی رسد و اگر بیند که لباچه سفید بود دلیل که از مردی مصلح
توانگر او را نفعی رسد و اگر لباچه سرخ بود و پوشید دلیل که از مردی معاشر بقدر بهای آن او را منفعت رسد و اگر
لباچه زرد داشت دلیل که بیمار گردد و اگر لباچه بیند که پوشیده بود دلیل که اندوه و مصیبت یابد و اگر لباچه سیاه پوشیده بود
اگر قاضی یا خطیب بود دلیل که خیر و نیکی یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که مضرت و بیحرمتی یابد اسمعیل اشعث رحمة الله
علیه گوید لباچه دیبا مرد را از نقصان دین بود و زنان را شادی بود و لباچه عتابی مرد را و زنان را نیک باشد خاصه که
سفید و فراخ بود دلیل بر خیر و نیکی بود و تنگی لباچه در خواب نقصان مال بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید لباچه کرباسین زنان
و مردان را نیک بود و لباچه در خواب بر چهار وجه بود یکی زنان دوم امانت داری سوم صلاح کار چهارم خیر و منفعت
لباس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لباس تابستان بزمستان پوشیده بود دلیل که مالش زیادت شود و
از مردم عظیم بوی رسد لیکن بخاصش نیکو باشد و اگر زنی بیند که لباس مردان پوشیده بود دلیل که بشوهرش خیری رسد
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی لباس خود را بدتر از آن بیند که در بیداری بود دلیل که کارش بد شود و اگر بهتر بیند نیکو شود
و اگر بر خود لباس بهتر از آن بیند دلیل که بهتر شود و اگر بر خود لباس فاسقان بیند دلیل که گناه بسیار کند و اگر بیند که لباس
سلاطین داشت دلیل که از پادشاه خیر و منفعت یابد و اگر بیند که لباس علما پوشیده بود دلیل که از علم بهره یابد و اگر پوشیده
صوفیان داشت دلیل که از دنیا دست بدارد و اگر بیند که لباس توانگران داشت دلیل که بجمع کردن مال حریص بود و اگر بیند که لباس جهودان یا ترسایان
داشت دلیل که در دین ایشان مایل بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لباس در خواب بر هفت وجه بود یکی دین پاک دوم توانگری سوم
عز و جاه چهارم منفعت پنجم عیش خوش ششم عمل نیکو هفتم عمل خواه

لب

لب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید لبها در خواب
خویشان دلیل بر برآمدن حاجات بود و لب زیرین بهتر از لب بالا باشد و بعضی از معبران گویند لب در خواب خویشان
و قرابات بود و اگر بیند که لب بالای وی باز جا زایل شد دلیل که مال وی در زوال شود و لب زیرین همین تاویل دارد و اگر
بیند که لب بالای وی ببریدند دلیل که زن را طلاق دهد یا زن او را هلاک کند و اگر هر دو لب فتاده بیند دلیل که او را مصیبتی
رسد از جهت مادر و پدر و نیز گویند که غماز بود و اگر لبهای خود را دو مند بیند دلیل که مسکین شود و اگر بیند که لبهایش بهم
دوخته بود چنانکه باز نتوانست گشود دلیل که کارش بسته گردد و اگر زنی بر لب خود خالی سیاه بیند دلیل که عزاوی بزاید
گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لب خود را بدندان گرفت و خسته کرد دلیل که در میان وی خصومت افتد چنانکه
بیم هلاک وی بود و اگر بیند که لبهاش آماسیده بود دلیل که مال وی زیادت شود و اگر بیند که لبهاش سرخ شده بود دلیل که نیکو
گردد و اگر بیند که لبهاش سبز یا سفید بود دلیل که بسبب دوستان غم خورد و اگر بیند که لبهاش سست و ضعیف

دلیل که حالش بد بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید لب بالا دلیل بر پسران بود و لب زیرین دلیل بر دختران بود
لحاف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید لحاف در خواب زن بود اگر کسی بخواب بیند که لحاف نو داشت دلیل که زن
نو خواهد و اگر بیند که لحاف نو بخرید دلیل که کنیزکی و دوشیزه بخرد و اگر بیند که لحاف او ضایع شد دلیل که زن را طلاق دهد
و اگر لحاف دریده و چرکین بود دلیل که عیالش سلیطه و ناسازکار بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لحاف
نو داشت دلیل که زنی دیندار و توانگر خواهد و اگر بیند که لحاف سفید بود دلیل که زنی توانگر
و پارسا او را بود و اگر بیند که لحاف سرخ بود دلیل که زنش طرب را دوست دارد و اگر لحاف
زرد بود دلیل که بر زنی بیمارگون باشد و اگر لحاف او ملون بود دلیل که زنش مکاره بود و فریبنده بود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لحاف در خواب چون نو باشد بر سه وجه بود یکی زن عالم
دوم دختر و دوشیزه سوم لرزیدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گردنش میلرزید
دلیل که در امانت داری ضعیف بود و اگر بیند که سر وی میلرزید دلیل که از حاکمش زیان رسد
و اگر بیند که قفایش میلرزید دلیل که زینت و آهستگی ندارد و اگر بیند که دستهای وی میلرزید
دلیل که بیاب معیشت بود و اگر بیند که سینهٔ وی میلرزید دلیل که سختی بشنود و اندوهگین شود و اگر بیند که شکم وی میلرزید دلیل که
از مردی که قوت او بود و پناه او بود رنجی بوی رسد و اگر بیند که پایش میلرزید دلیل که در سفر رنجی بوی رسد و اگر بیند که اندامش
میلرزید دلیل که بسبب مرادی که در دل آن بود در رنج و سختی بیند دانیال علیه السلام گوید لرزیدن اندامها در خواب ترس و غم بود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید لرزیدن اندام در خواب بر چهار وجه بود یکی ضعف حال دوم ترس سوم غم و اندوه چهارم
مضرت بیماری لرزیدن چیزها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که آسمان لرزید دلیل که در آن دیار
ظلم و فساد بسیار شود و اگر بیند که آفتاب و ماه لرزید دلیل که پادشاه آن دیار را رنج و مضرت رسد و اگر بیند که ستارگان
لرزیدند دلیل که آشوب در نزدیکان پادشاه افتد و اگر بیند که زمین میلرزید دلیل بر فتنه و آفت بود و اگر بیند که کوه میلرزید
دلیل که پادشاه آن دیار را مضرت رسد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که عرش میلرزید دلیل بر فساد و بی دیانتی علما بود
و اگر بیند که لوح و قلم میلرزید دلیل بر بدحالی و بیراهی اهل علم بود و اگر بیند که هفت آسمان لرزید دلیل که عذاب و خشم باری
تعالی بسبب فساد بر اهل دیار بود و اگر بیند که ماه و آفتاب بیجهت ستارگان میلرزیدند دلیل بر جنگ و خصومت
پادشاه آن دیار بقتل و خونریختن بود و اگر بیند که کوشک یا سرای پادشاه لرزید دلیل که محنت و آفت بر اهل آن موضع رسد و اگر
بیند که تره‌ای لرزید دلیل بر معصیت و فساد بود لشکر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لشکر در جایگاهی بود یا قراری
دلیل که اهل آن موضع را گزندی رساند و اگر لشکر آراسته بیند دلیل بر قوت و نصرت آن دیار که لشکر بود و نیز قوت آن پادشاه بود
که لشکر از آن او بود و اگر لشکر با صلاح بود دلیل بر ضعف و عجز آن پادشاه و مردم آن شهر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن

لشکر در خواب بر پنج وجه بود یکی گنج دوم سبیل سوم بادخت چهارم جنگ و خصومت پنجم باز گشت لعل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
لعل در خواب زن با جمال و توانگر بود و اگر بیند که لعل آتشی فرا گرفت یا کسی بوی داد یا بخرید دلیل که بر صفت که گفتیم زنی بخواهد و اگر لعل
پاکیزه و صره و اگر زنش باشد دختری با جمال لطیف صورت آید و اگر بیند که لعل بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند لیکن در دین
کم و بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی آشنا پاره لعل بوی داد دلیل که بقدر و قیمت آن زنی توانگر از خویشان خود خواهد و اگر بیند
که بیگانه او را پاره لعل داد دلیل که زنی مجهول بر صفت خواهد و اگر بیند که جوالی پاره لعل با وی داد دلیل که مال حاصل کند جعفر صادق
رضی الله عنه گوید دیدن لعل در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم منفعت چهارم مال دنیا و دختران لعوق
لیسیدن بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که طعم آن شیرین و خوشبوی بود دلیل بر خیر و منفعت کند و اگر بیند که چون لعوق
و لعوق حلوه و لعوق خشخاش و آنچه بدان ماند و اگر تلخ و ترش بود و بوی ناخوش داشت دلیل بر شر و مضرت باشد مغربی رحمة
الله علیه گوید لعوق در خواب آنچه شیرین بود دلیل خیر و منفعت باشد و اگر ترش بود تاویلش بخلاف این بود لفاح الشام
دستنبویه اگویند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دستنبویه بخورد دلیل که بیمار شود و اگر کسی بداد آن کس بیمار گردد و اگر بیند که
لفاح را بوی میکرد دلیل که سخنهای خوش شنود و اگر بیند که لفاح بسیار داشت دلیل که مال و خواسته یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
لفاح در خواب بر شش وجه بود یکی سخن خوش دوم مال سوم فرزند چهارم دوست پنجم رفیق ششم غلام لقلق ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید لقلق در خواب مردی با حسب و نسب آزاده و عاقبت اندیش بود و اگر بیند که لقلقی گرفت یا کسی بوی داد دلیل که با
کسی بدین صفت صحبت افتد و اگر بیند که لقلقی را بکشت دلیل که دشمنی بزرگ بر دست وی هلاک شود و اگر بیند که لقلقی با وی
سخن گفت دلیل که کاری کند که مردم را از آن عجب آید و از مهتری بار منفعت رسد و اگر بیند که لقلقی بر بام وی نشست
دلیل که مهتری در خانه وی فرود آید و اگر بیند که لقلق از دست وی بپرید دلیل که از صحبت مردی دهقان جدا شود و اگر بیند
که گوشت لقلق میخورد دلیل که بقدر آن مال دهقان خورد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لقلق در خواب بر چهار وجه بود یکی
مردم دهقان دوم پادشاه ضعیف سوم پاسبان چهارم غریبی و درویشی بود لقمه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که لقمه شیرین از طعام کسی در دهان وی نهاد دلیل که آن کس سخن خوش بدو گوید و اگر آن لقمه غلیظ و ترش بود تاویلش بخلاف این باشد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که لقمه لذیذ و شیرین در دهان وی نهاد و مصلح بود دلیل که مال حلال یابد و اگر بیند که لقمه شیرین
گرم در دهان وی نهاد دلیل که از سخن کسی در رنج افتد و اگر لقمه در دهان وی آسان شد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید لقمه در خواب در دهان نهادن بر سه وجه بود یکی بوسه دادن دوم سخن لطیف گفتن سوم منفعت بقدر آن
لقوه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که روی وی از علت لقوه کج شده بود دلیل که نزد مردم حقیر و خوار شود و اگر
بیند که رویش پاکیزه و نیکو بود دلیل که نزد خلق عزیز و گرامی باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لقوه در خواب دلیل بر سخن بد
گفتن میان مردم و سخن نفاق گوید و اگر بیند که لقوه شده بود دلیل بر آشکارا شدن علت و نقصان دین بود لگام ابن سیرین رحمة

علیه گوید اگر بیند که لگام بشکست یا ضایع شد دلیل که شرف و بزرگی او نقصان شود و اگر بیند که لگام بر سر داشت چنانچه سهان
را باشد دلیل که روزه دارد و از گناه توبه کند و امیر المؤمنین علی کرم الله وجهه فرمود که هر کسیکه با کار و بد سکال تر بود لگام در
دهانش بود و مغربی رحمة الله علیه گوید لگام در خواب بر سر بینده نیکو بود که پیوسته بفرمان خواجه باشد و بر سر آزاد نیکو نبود و گویند
که بیننده خواب با ادب و فرهنگ باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لگام در خواب بر سه وجه بود یکی شرف و بزرگی
دوم روزه داشتن سوم ادب و فرهنگ و لگام فروش در خواب مدبر کارهای ولایت باشد لگد زدن ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که کسی را لگد زد دلیل که از وی یا از خویشان وی او را زیان رسد و اگر بیند که اسپ وی را لگد زد دلیل که در
شرف و بزرگی او نقصان پدید آید و بعضی از معبران گویند بفساد مشغول گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که زنی او را لگد زد
دلیل که بسبب زنی غمگین شود و اگر بیند که گوسفند یا بزی لگد زد دلیل که مالش تلف شود و اگر بیند که اشتر او را لگد زد دلیل که از مردی
محتشم او را زیان رسد و اگر بیند که خری وی را لگد زد دلیل که در سفر او را زیان و مضرت رسد و اگر بیند که گاو او را لگد زد دلیل که در دهقانی
او را زیان رسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لگد زدن در خواب بر چهار وجه بود یکی نقصان دوم مضرت سوم غم و اندوه چهارم
فساد عیال لک ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که لک داشت دلیل که از کسی فرو ماید و منفعت رسد و اگر بیند
که لک را بر آتش نهاده و می گداخت دلیل که نامش در آفاق به نیکی منتشر گردد و اگر بیند که لک میخورد دلیل که غمگین شود و اگر بیند که لک
در دست وی بود و بلک محکم میکرد دلیل که در میان دو کس صلح پیوند کند لوبیا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که لوبیا در خواب اگر
بوقت خود و اگر بیوقت پخته یا خام دلیل غم و اندوه بود لوح محفوظ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید که لوح محفوظ بتاویل عالم
با امانت بود که مال خود را در راه حق تعالی صرف کند کرمانی رحمة الله علیه گوید که لوح محفوظ بتاویل علم و حکمت و قرآن باشد اگر
بیند که لوح محفوظ کوچک و حقیر بود دلیل که حال وی بد بود و اگر بیند که بقلم بر لوح محفوظ چیزی مینوشت دلیل که کارش نیکو گردد و اگر
بیند که بر لوح محفوظ برفت دلیل که او را با پادشاهی بزرگ شغل افتد و بدان فرمان روا گردد و اگر بیند که نام وی بر لوح محفوظ نبشته
بود دلیل که اجلش رسیده باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن لوح محفوظ در خواب بر شش وجه بود یکی زیادت دوم بشر سوم
علم چهارم هدایت پنجم فرمان روائی ششم علم و حکمت لوزینه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که لوزینه بشکر در دهان
نهاد دلیل که از کسی سخنی لطیف شنود و اگر بیند که لوزینه بسیار خورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که لوزینه بکسی داد دلیل که
او را سخنی خوش گوید یا از بهر او کاری نیکو کند مغربی رحمة الله علیه گوید لوزینه خوردن در خواب دلیل مال و نعمت بود و اگر بیند که لوزینه خرید
یا خرید یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال و نعمت از حلال یابد و خرج کند و اگر بیند که لوزینه بکسی داد دلیل که از وی بر کسی مال و نعمت
رسد و اگر بیند که لوزینه ضایع شد یا بدزدیدند دلیل که آن نقصان مال بود لنگ شدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که لنگ شده بود دلیل که کارها طلب کند اخیر و شهر دوست و ضعیف بود و توانائی ندارد و بعضی از معبران گویند اگر کسی خود را
لنگ و حقیر بیند دلیل که بچشم مردمان خوار و حقیر گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را لنگ بیند دلیل که در دین و دنیا شکسته

بود و مقصود وی بر نیاید و اگر بیند که خود را بعمدا لنگ ساخت دلیل که از کسی بجهت کار معیشت خویش یاری خواهد و اگر بیند که
لنگ شده بود و بعصا میرفت دلیل که از کسی یاری خواهد که مردم بر وی اعتماد کنند و مراد وی حاصل شود و اگر بیند که
بقصد خود را لنگ ساخت دلیل که بظاهر بر کسی اعتماد کند و اعتقاد وی حقیقی نبود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی
خود را دو پای لنگ بیند چنانکه بدو دست چوب گرفته بود و میرفت دلیل که بشغل که خدای درویش و عاجز و دردمند بود
و اگر بیند که از بهر خاری که در پای او رفته بود راست نتوانست رفت دلیل که از شغل کس این گردد و اگر بیند که از بهر
پای وی خار بود و آماسیده بود و همی لنگید دلیل که دشمن بر وی حسد برد و مال و جاه وی زیادت شود اسمعیل اشعث رحمة
الله علیه گوید اگر لنگ بخواب بیند که پای او درست شد چنانکه همی لنگید دلیل که کارهای بسته بر وی گشاده گردد و اگر
که نومید شده باشد بیابد و کارش بنظام گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید لنگی در خواب بر پنج وجه بود یکی سستی در کارها
دوم نامرادی سوم درویشی چهارم غم و اندوه پنجم نقصان عیش **لوید** در خواب خدمتکار خانه که اصلش ترسا بود و اگر
و اگر بیند که در دست لویدی نو و بزرگ بود دلیل که خدمتکارش با امانت بود و باشد و اگر لویدی کهنه و چرکین
و کوچک بود تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که لوید بیفتاد و بشکست دلیل که خدمتکارش بمیرد کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که لوید او سوراخ شده بود دلیل که خدمتکارش بیمار شود و اگر بیند که لوید پر از آب صافی بود دلیل که خدمتکار او را
منفعت رسد و اگر بیند که لویدش پر خوردنی بود دلیل که بقدر آن او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که لوید بخورد دلیل که
از خدمتگارش خیر و منفعت رسد **لیمو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن لیمو در خواب بوقت خود یا بیوقت چون زرد
بود دلیل بیماری و درد و رنج بود و چون سبز بود غم و اندوه کمتر باشد و در دیدن و خوردن لیمو خیر و منفعت نبود والله
اعلم بالصواب **حرف المیم** **مار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن مار در خواب دشمن بدخواه پنهانی بود و اگر
بیند که در خانه وی مار بود دلیل بر دشمن خانگی بود و اگر در صحرا بیند دلیل بر دشمن بیگانه بود و اگر بیند که با مار جنگ
و ستیزه میکرد دلیل که با دشمن خصومت کند و اگر بیند که مار بر وی چیره شد دلیل که بر دشمن ظفر نیابد و اگر بیند که مار
او را بگزید دلیل که از دشمن مضرت یابد و اگر بیند که مار را بکشت دلیل که دشمن را قهر کند و اگر بیند که گوشت مار خورد
دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و خیر و خرمی بیند و اگر بیند که مار پاره پاره کرد دلیل که از دشمن داد خود بستاند و اگر بیند
که سر و نیمه را فرا گرفت دلیل که مال دشمن فرا گیرد و اگر بیند که مار با وی بلطف سخن گفت دلیل که وی را عجب کاری پدید آید
که از آن شاد و خرم گردد و اگر بیند که مار بر وی به تندی و زشتی سخن گفت دلیل که دشمن بر وی ظفر یابد و اگر پای مرده بیند
دلیل که حق سبحانه و تعالی شر و آفت از وی بگرداند آنکه رنجی بوی رسد و اگر بیند که مار مطیع او بود دلیل که جاه و بزرگی یابد
و اگر بیند که مار از وی بگریخت و نتوانست گرفت دلیل بر ضعف دشمن باید و اگر بیند که ماری سبز بود دلیل که دشمنی دیندار و با
امانت بود و اگر بیند که ماری سیاه و ماران دیگر بود دلیل لشکری بود و اگر ماری زرد بود دلیل بر دشمنی بیمار گون باشد

بود دلیل بر دشمنی طرب دوست معاشر بود و اگر بیند که با ایشان دوستی دارد دلیل که دشمن او قوی دل و دلاور باشد و اگر بیند که با بسیار
مار پیش وی جمع شده بودند و گزند و آزار رسانیدند دلیل که او را دشمن از خویشان خود بود و بسیار باشند ولیکن از ایشان مضرت نبیند
و اگر بیند که ماران سر و تن او را و ندانها وانشتند دلیل که دشمن کینه دار و بد سیرت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماری
از بینی یا از گوش یا از پستان یا از قضیب یا از مقعد او بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد و اگر بیند که مار از دهان وی بیرون
آمد دلیل که سخنی گوید که وی را از آن وبال شد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید مار سفید دشمن بود و مار سیاه سرهنگ لشکری
باشد و اگر بیند که از مار میگریخت و مار او را ندید دلیل که رامش و خرمی یابد و اگر بیند که مار او را بگرفت و گزندی نکرد دلیل که بزرگی یا
و از دشمن ایمن گردد خلف اصفهانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماری سبز او را مطیع شد دلیل که گنجی یابد و اگر بیند که از استین او
ماری بیرون آمد دلیل که فرزندش دشمن او باشد و اگر بیند که ماری بکشت و خون او در خود مالید دلیل که مال دشمن یابد و اگر بیند که بر بستر خود ماری [بکشت]
دلیل که زنش بمیرد و اگر بیند که مار از گریبان یا از دهان او بیرون آمد و بزمین فرو شد دلیل که هلاک گردد و خار مار در خواب دشمن ضعیف بود [جعفر]
صادق رضی الله عنه گوید دیدن مار در خواب بر ده وجه بود یکی نهادی دوم زندگانی سوم سلامت چهارم پادشاهی پنجم سپهسالاری ششم زن [هفتم]
دولت هشتم مرگ [نهم] پسر دهم سیلاب **مارچوبه** اگر بیند که مارچوبه از زمین جمع میکرد و بوقت خود دلیل که بقدر آن او را
منفعت رسد و اگر بیند که مارچوبه خام میخورد دلیل بر مضرت و رنج بود **[مار] قشیشا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن مار [قشیشا]
در خواب دلیل بر رنج و مضرت و بیماری بود و دیدن او در خواب خیر نباشد **مازو** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از
درخت مازو جمع کرد دلیل که برنج و سختی مال حاصل کند و اگر بیند که بجز دار مازو داشت دلیل که مال گرد بود و اگر بیند
که مازو میخورد دلیل که مال حرام خورد و اگر مازو زرد بود دلیل که بر بیماری بود و اگر سبز و سیاه بود دلیل غم و اندوه بود جعفر صادق
رضی الله عنه گوید مازو در خواب بر چهار وجه بود یکی مال بکروه دوم غم و اندوه سوم بیماری چهارم رنج و سختی **مازریون**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مازریون در خواب در وقت و بیوقت دلیل غم و اندوه بود و خوردن آن نقصان مال و
هلاک تن بود و دیدن وی خیر نباشد **ماست** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماست شیرین در خواب دلیل خیر و منفعت
و ترش غم و اندوه بود دانیال علیه السلام گوید ماست مالی بود که در سفر حاصل شود و اگر بیند که ماست بخورد دلیل که مال [از سفر]
حاصل کند خاصه که شیرین بود و اگر بیند که از ماست مسکه بیرون آورد دلیل که بقدر آن او را مال حاصل شود کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که ماست شیرین میخورد دلیل که مال حلال بدست آرد و ماست ترش غم و اندوه بود **ماش** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید ماش در خواب اگر پخته بود دلیل که اندک خیر بدو رسد و اگر خام خورد اندوهگین شود و اگر بیند که ماش در خانه گذاشت
ویرا دوم داد دلیل که منعم گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن ماش در خواب چه خشک و تر و خام یا پخته دلیل غم و اندوه
باشد **ماکیان** مرغ خانگی بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماکیان در خواب دلیل بر خادم و کنیزک بود و اگر بیند که مرغ
خانگی بخرید یا کسی بوی داد دلیل که کنیزک بخرد و یا خادمی بزرگ گیرد و اگر مرغهای خانگی بسیار و بیقیاس داشت دلیل که ریاست و سروری

باید و اگر بیند که گوشت کیان خورد دلیل که بقدر آن مال و نعمت از خاندان یابد و اگر بیند که کیان را گشت دلیل که کنیزک شبیه
بست نه و اگر بیند که بچه کیان یافت دلیل که فرزندان یا فرزند غلامش یا کنیزک او مبتلا گرفتار شود کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که خایه کیان یافت دلیل که او را دختری آید یا مالی از خاندان حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید کیان زرد
زنی با جمال بود و کیان سیاه بهتر از کیان ابلق بود و اگر بیند که کیان در خانه وی بچه برد رسم نگشت کرد دلیل سخن خوش
شنود و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید بچه کیان در خواب بر سه وجه بود یکی زن با جمال دوم کنیزک سوم خادم ماه ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید ماه دیدن در خواب دلیل بر بیماری کند که ویرا از آن خیر و صواب حاصل شود ماه دیدن ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید ماه دیدن در خواب اگر بوقت یا بیوقت دلیل بر غم و اندوه بود و دیدن ماه تمام بخواب خیر باشد ماه دانیال علیه السلام گوید ماه
در خواب وزیر پادشاه بود و اگر بیند که ماه را از آسمان فرا گرفت یا در کنار خود دید دلیل که نزدیک پادشاه شود یا وزیر گردد
و اگر بیند که با ماه جنگ میکرد دلیل که با وزیر خصومت کند و اگر بیند که بجایگاه ماه مقیم شد دلیل که او وزیر پادشاه
گردد و اگر بیند که نور ماه پست دلیل که وزارت یابد و اگر بیند که ماه از آسمان فرا گرفت و نور و شعاع نداشت و تیره و تاریک
بود دلیل که اندوهی با فرح یابد و اگر بیند که تیره و تاریک بود و بجای خود نبود دلیل که وزیر پادشاه بکار محتاج وی گردد ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید ماه در خواب دیدن پادشاه بود خاصه که بدر بود و اگر بیند که ماه بدر و تمام شد دلیل که وزیر پادشاه و
و اگر بیند که ماه با وی سخن گفت دلیل که مردم از وی تظلم کنند و داد خود خواهند و اگر بیند که ماه با وی سخن گفت دلیل که ولایت یابد
و اگر که دو ماه با یکدیگر جنگ میکردند دلیل که دو پادشاه با همدیگر جنگ کنند و اگر بیند که از آن دو ماه یکی بیفتاد و پاره پاره و نقصان
شد دلیل که از آن دو پادشاه یکی پادشاهی بیفتد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماه در دست یا در کنار گرفته بود دلیل که
زن خواهد و اگر ماه هلال بود دلیل آن زن به اصل و نسب از وی کمتر باشد و اگر ماه با یک نیمه شد دلیل که زن از اهل موالی زادگان باشد
و اگر ماه بدر بود دلیل که آن زن با اصل و نسب از وی بهتر بود و اگر این خواب زنی بیند دلیل که شوهری بر صفت بخواهد اگر بیند
که ماه روشن و پاکیزه بود و در خانه وی تافت دلیل که اهل آن خانه زن خواهد و منفعت از وی یابد و اگر بیند که چیزی ماه را بپوشانید دلیل
که پادشاه بر وزیر متغیر شود و اگر بیند که ماه منخسف شد و بود دلیل که حال وزیر بد باشد و معزول گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر ماه بدر و منور بیند بموضع خویش و نورش مقابل خانه وی تافت دلیل که اهل آنخانه از پادشاه یا وزیر خیر و منفعت بینند
و اگر ماه بدر بود و تاریک بیند دلیل که او را رنج و کراهیت رسد و اگر ماه هلال از مطلع خویش برآمد لیکن نه با قوت و نورش نه
شد یا برگشت دلیل که او را فرزندی آید که پادشاه یا وزیر گردد و اگر ماه هلال نه از موضع خود برآمد دلیل که او را فرزندی آید
کاری صعب افتد که مردم از آن غمگین و اندوهگین باشد و بعضی از معبران گفته اند که اگر کسی ماه در خواب بیند دلیل که پادشاه
و یار را پسری آید و اگر نور ماه زاید بیند دلیل که آن پسر با کمالی بود و اگر ماه را در بیند دلیل که عمرش میانه بود و اگر ماه را نقصان
بیند دلیل که بخدمت پادشاه یا وزیر مشغول شود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماه را بدست گرفت یا کنیزی آید

دلیل که فرزندی عالم و دانا او را آید و اگر این خواب کسی از مقربان پادشاه بیند دلیل که او پادشاه شود و اگر بیند که ماه و آفتاب و جمله ستارگان فرا گرفته همه تیره و سیاه بودند دلیل که جنینده خواب بلاک شود و اگر مصلح بود در غم وانده و تو افتد یا بیننده بیمار گردد و عاقبت شفا یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماه در خواب بر هفده وجه بود یکی پادشاه دوم وزیر سوم ندیم چهارم رئیس پنجم شرف و جاه ششم دوست هفتم کنیزک هشتم غلام نهم کار باطل دهم زوال یازدهم عالم مفسد دوازدهم مهتر بزرگ سیزدهم پدر چهاردهم مادر پانزدهم زن شانزدهم فرزند هفدهم بزرگواری

ماهی دانیال علیه السلام گوید ماهی در خواب خرد یا گرم سیر بلا و سختی بود و در سرد سیر تاویلش بخلاف این بود چون ماهی تازه و بزرگ بسیار دید دلیل بر مال و غنیمت کند و اگر ماهی خورد میبیند غم و اندوه یابد و اگر در شکم ماهی مروارید یافت دلیل که او را پسری آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماهی خشک یا شور کسی بوی داد دلیل که از پادشاه یا بزرگی او را مضرت رسد و اگر ماهی شور خورد دلیل که غلام بوی مضرت رساند و بعضی گویند که ماهی شور بریان کرده بتاویل سفر در طلب علم یا صحبت مردی باشد و خوردن ماهی خرد خصومت باشد و اگر بیند که چیزی از اندام ماهی چون خون و استخوان و آنچه در شکم ماهی باشد بیافت دلیل که بقدر آن مال خیر و برکت باشد یا غلام خرد و اگر بیند که در دریا ماهی بگرفت و بزرگ بود دلیل که از اهل کسی زنی بخواهد که او را مال بسیار باشد مغربی رحمة الله علیه گوید ماهی تازه بریان کرده بخواب مال و نعمت باشد زیرا که ماهی تازه از جمله طعامهای بهشت است و بر خوان بود که از بهر عیسی علیه السلام از آسمان آورده اند قوله تعالی رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ اگر بیند که از دهان ماهی بیرون آمد دلیل که سخنی دروغ در کاری گوید و اگر ماهی از قضیب وی بیرون آمد دلیل که او را دختری آید و اگر زنی بیند که از دهان وی ماهی بیرون آمد دلیل که انگبین شود و اگر بیند که از دریا ماهی بگرفت دلیل که از مردی بزرگوار مال و نعمت یابد و اگر بیند که ماهی تازه میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند اسمعیل رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ماهی فروشی میکرد دلیل که او را و کسان او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که ماهی از حوض یا از جوی میگرفت دلیل که از مردی عامه بمکر و حیلت چیزی بستاند و اگر بیند که ماهیان در دریا با او سخن درآمدند دلیل که راز پادشاه آشکار گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ماهی در خواب بر شش وجه بود یکی وزیر دوم لشکر سوم دختر دوشیزه چهارم غنیمت پنجم غم و اندوه ششم کنیزک

ماهی خواره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ماهی خواره در خواب زن بود و اگر بیند که ماهی خواره را بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که زن خواهد و اگر بیند که ماهی خواره از دست وی بپرید یا ضایع شد دلیل که زن را طلاق دهد و اگر بیند که گوشت ماهی خواره میخورد دلیل که بقدر آن مال صرف کند مغربی رحمة الله علیه گوید ماهی خواره بتاویل غم و اندوه باشد

مبرد و سوهان باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مبردی داشت و زنگ بدان میزد دلیل که کاری مشکل بروی گشاده گردد خاصه که آهن ملک او باشد و اگر بیند که آهن روشن و پاکیزه را در آنجا بچیزی میزد دلیل که کاری کند که در آن زیان و مضرت بیند و بعضی گفته اند که مبرد سخن نرم باشد و اگر بیند که مبرد او بشکست یا ضایع شد دلیل که کاری طلب کند و بدست وی باصلاح نیاید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی از آشنا و خانه مبرد روشن میکرد دلیل که چیزی از وی بخادم خانه وی رسد یا شغل خادمش بسبب او بازخلاصی یابد

مطهره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مطهره نو داشت دلیل که از سفر او را خیر و منفعت رسد و اگر بیند که مطهره کهنه و دریده
بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مطهره در خواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم مال سوم زندگانی معیشت
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مشت چوبی یا درختی سوراخ میکرد دلیل که بمکر و حیلت از وی چیزی بستاند و بعضی از معبران گویند
که مقصود وی حاصل شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بمشت اندام کسی را سوراخ میکرد دلیل که بمکر و حیلت از کسی مال او ببرد
مجلس علم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مجلس علم نشسته بود و عالم بر کرسی قرآن میخواند و تفسیر قرآن و اخبار و توحید
میگفت دلیل که از آن جایگاه و از عمارت محکم کنند که خلاف شریعت مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مجلس علم [illegible]
با اهل دنیا مشغول شود و از آن شادمان گردد و اگر بخلاف این بیند دلیل که غمگین شود و اگر او را در مجلس علم حالی پدید آید و بیهوش گردد
چنانکه عقل از وی برمید دلیل که او را کاری پیش آید که در آن کار سرگشته و متحیر شود و سرانجام آن بخیر بود مجلس شراب ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بمجلس شراب بود و شراب میخورد دلیل که بفساد و حرام مشغول شود با مفسدان و اگر بیند که در مجلس شراب [illegible]
و جنگ و جفا نه بود دلیل که او را عمر دراز بود و باشد یا با کسی خصومت کند مجمره عود سوز بود و شرح آن در حرف عین گفته شد
مجمره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مجمره در خواب بیند دلیل بر زنی پاک دین و عالمه بود و اگر بیند که مجمره داشت دلیل که
زنی عالمه بزنی کند و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که مجمره بشکست یا ضایع شد دلیل که زنش بمیرد و اگر زن خود را مجمره دید
او یکی بمیرد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که بمجمره چیزی می نوشت اگر آنچه نوشت قرآن یا اسمای خدای تعالی باشد دلیل
بر صلاح و منفعت بود و اگر بخلاف این باشد دلیل بر شر و فساد بود محراب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در محراب نماز
میگذارد دلیل که او را فرزند صالح بشارت بود چنانکه حق سبحانه و تعالی در قصه مهتر زکریا علیه السلام فرموده و هو قائم یصلی
فی المحراب الی آخر الآیه اگر بیند که نماز بوقت خویش گذارد دلیل که او را فرزندانش صالح بوند و اگر بیند که در محراب نشسته بود [illegible]
کرد نماز کامل بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که محراب را عمارت میکرد دلیل که او را فرزند عالم و امام بود و بعضی گویند که مال
خود را صرف کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن محراب در خواب بر پنج وجه بود یکی امام دوم پادشاه سوم زنی چهارم
پنجم میانجی مردمان بود مخنث ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مخنث شده بود و بزینت زنان خود را بیاراست دلیل
که بعد از آن او را ترس و بیم افتد و بلا رسد و اگر بیند که جامه زنان از تن بیرون کرد و جامه مردان بپوشید بکمال مردان باز آمد دلیل
که ترس و بیچارگی و بلا از وی زایل گردد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مجالست با مخنثان داشت دلیل که با مفسدان صحبت
کند و اگر بیند که در میان ایشان او مقیم شود دلیل که از صحبت مفسدان جدا شود مداد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مداد
بخواب دید دلیل که معیشت بر وی فراخ شود و اگر بیند که مداد از وی ضایع شد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که مداد بر جامه وی ریخت دلیل که او را از زبانی برسد اگر دبیر بود و مهتری یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن دوات
در خواب بر چهار وجه بود یکی مهتری دوم منش سوم معیشت چهارم شادی مذکر بیند و بنده و ناصح باشد اگر بیند که مر[illegible]

دلیل که او را شادی رسد و اگر بیمار بود شفا یابد و اگر دشمن دارد قهر کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرد مرا ببیند سپید او دلیل کی دین
بیند صلاح دین و رستگاری آخرت بود و بشارت خیر دینی و دنیاوی باشد و اگر بیند که مرد مرا ببیند دهنده و دیو بود دلیل که او را بحق
تبارک و تعالی پناه باید گرفت و توبه باید کردن تا او را از شر و فتنه نگاه دارد و مذی آب نشاط بود چون کسی شهوت بازی کند
اول آب مذی از قضیب او فرود آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن مذی در خواب شادی و خرمی بود بمقدار آنچه دیده باشد
مرجان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مرجان در خواب فرزند بود اگر سرخ بود فرزند خوبروی بود و اگر مرجان با جواهرهای بسیار ببیند
دلیل که بمقدار آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرجان در خواب بر چهار وجه بود یکی زن یا فرزند دوم
زینت سوم جمال چهارم مال از جهة خادم **مرد معروف** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مردی معروف را بخواب ببیند در بیداری
همچنان ببیند یا هم نام او دیا کسی که ماننده باشد و اگر مجهول و جوان بود دلیل که دشمن وی باشد و اگر پیری مجهول بیند دلیل که بخت
باشد و خیر و بزرگی یابد و اگر جوانی بیند که مویش سپید شده بود دلیل بر دیانت و آهستگی در دین وی بود و اگر پیری معروف بیند که
مویش سیاه شده بود و ریشش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر در خواب پیری را بیند دلیل بر زیادت دیانت و آهستگی و نیکوئی
او در دین بود و اگر مردی جوانرا ببیند دلیل که از بزرگی زحمت و کراهیت رسد و اگر مردی ضعیف بیند که با وی سخن سرد میگفت دلیل
که با مردی بدان صفت در خصومت افتد و بروی ظفر یابد و اگر مردی بیند که کودک شده بود دلیل که کاری بجهل کند که او را همه مردم
ملامت کنند و اگر مردی بیند که زن ویرا قضیب بود چنانکه مردان را باشد دلیل که او را پسری آید که مهتر اهل بیت گردد و اگر مردی بیند
که او را فرج بود دلیل بر ذل و خواری و بدحالی وی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرد پیر در خواب دولت و بخت بود
مرد مراد و دیدن مرد جوان مکر و حیلت چیزی یا مکروه بود **مرداسنگ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مرداسنگ در خواب بیماری بود
و اگر بیند که مرداسنگ میخورد دلیل که بیمار شود چنانکه بیم هلاکت باشد و اگر بیند که مرداسنگ بکسی بخشید یا بفروخت دلیل که از رنج
و بیماری ایمن شود و مرداسنگ زرد بیماری و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرداسنگ در خواب بر سه وجه بود یکی رنج
دوم بیماری سوم عقوبت و شکنجه **مردن در خواب** دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که بمرد و مردم بروی میگریستند و زاری
میکردند یا ویرا بستند و در کفن پیچیدند یا بر جنازه نهادند و بگور کردند این جمله دلیل بر فساد او در دین بود مگر آنکه بیند که او را از گور
برانگیختند و بیرون آوردند بعد از آن که دفن کرده بودند و اگر بیند که او را دفن کردند و گورش از خاک پر کردند و مردم از سر گورش
باز گشتند دلیل که دینش هرگز با صلاح نیاید و بعضی گویند اگر بیند که بمرد و بر جنازه نهادند و حمال جنازه اش بر داشتند و خلق
بسیار از پس جنازه وی میرفتند دلیل که شرف و بزرگی یابد و فرمان روا گردد اما بر ایشان ظلم کند و اگر بیند که مرده بود و زنده شد دلیل
کند گناهی که کرده بود از آن توبه کند و بعضی گویند که عمرش دراز باشد و اگر بیند که کسی او را گفت که تو هرگز نمیری دلیل که شهید و غزا
شود و اگر بیند که بمرد و کسی بروی نگریست و از پس جنازه او کسی نبود دلیل که آنچه از خانه او خراب شده باشد هرگز آبادان
نشود و اگر در خواب خود را در میان ببیند و او را تصور باشد که وی راست که او مرده است دلیل که با مردمان جاهل سفر

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر که خواهد که بداند که حال وی نزدیک اهل صلاح چگونه است اگر مردگان صلاح و برادران
پیش او آیند و با وی سخنان نیکو میگفتند و گشاده روی بودند دلیل که حال آدمی نزدیک حق سبحانه و تعالی نیکو بود و اگر بیند که
مردگان با وی سخن ناخوش گفتند و روی از وی بگردانیدند دلیل که حال وی نزدیک باریتعالی بد باشد مغربی رحمة الله علیه
گوید مرگ مفاجات در خواب دیدن دلیل بر راحت مؤمن و عذاب کافر بود و اگر مفاجات نبود فساد دین بود و جمیع
دعاکنندگان خود سخت ترسند عذاب و عقوبت معتبر بود و اگر بیند که بمرد و کسی او را بشست دلیل که تائب گردد و اگر بیند که از پس جنازه وی
بسیار میرفتند دلیل که بزرگی از آن شهر و سفر نمیرد کرمانی رح گوید اگر بیند که بمرد و او را بر جنازه نهادند و خلق در پس جنازه او میرفتند دلیل که
جاه و بزرگی یابد و اگر مرده بر جنازه گران بود دلیل که بر مردم قهر و ستمگار بود و اگر بیند که بر جنازه سبک بود دلیل که با خلق نیکوئی کند و اگر بیند که بر
بر داشت و می برد دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که زنده بمرد و او را بر تخت خوابانیدند و آن تخت بر کف نهادند دلیل
که بخدمت پادشاه رود و جاه و منفعت و راحت یابد و اگر بیند که بمرد و زنده شد دلیل که آن شهر خراب گردد و اگر بیند که
پدر بمرد دلیل که از فرزندان او کسی بمیرد و اگر بیند که فرزندی از آن او بمرد دلیل که توانگر شود و نیز گویند که از دشمن ایمن شود
و اگر بیند که پدر و مادر وی بمردند دلیل که کارش شوریده شود و اگر زنی بیند که آبستن بود و بمرد و مردم بر وی میگریستند
دلیل که او را پسری آید اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده بار دیگر بمرد و بر وی گریه نبود و بلکه آهسته میگریستند دلیل
که از اهل بیت وی یکی را بزنی کند و شادی و خرمی بود و اگر بیند که بمرگ وی زنان و مردان فغان بر داشتند و نوحه میکردند دلیل
که اهل بیت او را غمی و اندوهی رسد و اگر زنی بیند که بمرد و او را بشستند و بر جنازه نهادند دلیل که سخن نیکو گوید و اگر بیند که او را
دفن کردند دلیل که بد باشد مرده زنده شدن کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده زنده شد دلیل که حال وی
نیکو شود خاصه که مرده را شاد و گشاده روی بیند و اگر زنده را مرده بیند دلیل که حال بر وی بد باشد خاصه که ترش روی
بود و اگر کسی بیند پدر خود را که مرده است زنده و خرم و گشاده روی و با جامه پاکیزه بیند دلیل که دولت و اقبال
و کارش ساخته گردد و اگر مادر را زنده بیند دلیل که از غم فرج یابد و اگر زنی بیند که پسری زنده شد دلیل که غایبش از سفر باز آید
و اگر بیند که مرده بیگانه زنده شد دلیل که احوال خویشان آن مرده نیکو شود و اگر بیند که زنده بمرد تاویلش بخلاف این بود
و اگر بیند که مرده را زنده کرد دلیل که کافری بدست وی مسلمان شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر کسی پدر و مادر خود را ترش روی
و غمگین و با جامهای چرکین بیند دلیل که دولت و اقبال وی نقصان گیرد و زیرا که در سرای حق است بهر صفت کسی ایشان را
در خواب بیند دلیل احوال زنده بود و اگر کسی پدر خود را یا پدر و مادر خود را گشاده روی با جامهای پاکیزه بیند دلیل که خیر
بسیار یابد و اگر برادر خود را بدین صفت که گفتیم زنده بیند دلیل که شرف و بزرگی و جاه یابد و اگر بخلاف این بیند تاویلش
بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر کسی مرده را در خواب دید و پرسید که تو مرده گفت نه بلکه زنده ام دلیل که حال
مرده نیکو در آن جهان باشد و حق سبحانه و تعالی از وی خوشنود باشد قوله تعالی وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللهِ أَمْوَاتًا

مرده

زنده شدن مرده

بَلْ اَحْیَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُوْنَ فَرِحِیْنَ بِمَا اٰتٰهُمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهٖ واین دلیل است بر آنکه هرچه مرده گوید راست
گوید. اگر بیند که مرده دژم و شادمان بخانهٔ خود دررفت دلیل که صدقه و دعا بدو میرسد جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که
مرده بخانهٔ خویش درکنار گرفت دلیل که تندرست و بسلامت بود و اقبال و دولت یابد و اگر آن مرده از خویشان او
بود دعا و صدقه از وی چشم دارد و اگر کسی مردهٔ از اهل بیت خود شادمان بیند دلیل که حال اهل بیت وی بشادی و
خرمی بود و اگر مرده را ترشروی و غمگین بیند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که مردهٔ از اهل بیت خود بروی جست و
با وی مناظره میکرد دلیل یا روی از وی بگردانید دلیل که آمرزیده و وصیت کرده باشد و وصیت او بجا نیاورده باشند و اگر
بیند که مرده شاد و خندان بنزدیک وی آمد دلیل که دعا و صدقه بوی رسیده است و اگر بخلاف این بیند دلیل که در حق وی کم
تقصیر کرده باشند و اگر بیند که مرده با وی نیکو گفت دلیل که حال وی نیکو گردد و اگر سخن بگفت با او وصیت کرد تاویلش بدشمار
و اگر مرده با وی سخن از علم و حکمت گفت یا او را موعظه کرد و پند داد دلیل بر خیر و صلاح دین و دیانت خداوند خواب بود و اگر
راه بهتر و نیکوتر میدانم آنکه در زندگانی بود و جامهٔ پاکیزه داشت دلیل که خاتمت کارش بخیر و سعادت بود و اگر بخلاف این بیند
دلیل که مرده از عذاب خدای تعالی ایمن باشد و عاقبت محمود بود حافظ معبر گوید اگر بیند که مرده دست در گردن او آورد و در کنار
گرفت دلیل که عمرش دراز بود و اگر بیند که مرده التفات نکرد و سخن نگفت دلیل که بیننده را از بهر وی صدقه باید داد و او را بدعا
یاد کند و اگر مرده را ترشروی و غمناک بیند دلیل که عاصی و گنهگار بود و اگر مرده بخندید و باز بگریست دلیل که آن مرده مسلمان نمرده
و اگر مرده سیاه روی بیند دلیل که کافر مرده باشد قوله تعالی فَاَمَّا الَّذِیْنَ اسْوَدَّتْ وُجُوْهُهُمْ اَکَفَرْتُمْ بَعْدَ اِیْمَانِکُمْ فَذُوْقُوا
الْعَذَابَ بِمَا کُنْتُمْ تَکْفُرُوْنَ و اگر مرده را درمانده و بیچاره بیند دلیل که حال مرده بد باشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که مرده در نماز بود دلیل که آمرزیده و در زندگی استغفار بسیار کرده باشد و معبران گفته‌اند که مرده را بجای جماعت ثواب بهشت
دلیل که بیننده خواب بطاعت و نماز کاهل باشد و اگر مرده را در جائیکه بزندگی نماز کردی در نماز دید دلیل که باک دینی مرده و صلاح
عاقبت زنده بود **مرده چیزی دادن** دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که مرده وی را چیزی از متاع دنیا داد دلیل که از جائی
که امید ندارد چیزی بوی رسد و اگر بیند که مرده چیزی از خوردنی و آشامیدنی بوی داد و بخورد دلیل که روزی حلال یابد و اگر نخورد تاویلش
بخلاف این بود و اگر بیند که مرده از جامهٔ خود چیزی بوی داد و درپوشید دلیل که او را از مال و نفس غم و اندوه رسد و اگر جامه بپوشید
همچنان مرده درپوشید دلیل که از دنیا رحلت کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده جامه بستد و به وی داد و او آن جامه
درپوشید و باز بیرون کرد و بمردم داد دلیل که او را هیچ زیان نبود بلکه مالش زیادت گردد و اگر بیند که جامهٔ خود بمردم داد و گفت
که جامه بدوز یا بسوز یا نگاهدار دلیل که او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که مرده جامهٔ خود را بعاریت بدو داد و دیگر باره از وی
طلب میکرد دلیل که آن مرده را کردار بد باشد و اگر مرده جامهٔ کهنه بدو داد دلیل که خداوند خواب درویش گردد و اگر جامهٔ نو بود دلیل
دلیل که عزت و بزرگی یابد و اگر مرده او را جامع کلام الله یا کتاب فقه و آنچه بدین ماند داد دلیل که توفیق خیرات و طاعات یابد و اگر

مرده چیزی دادن

ابن سیرین

کرده با مرده میفروخت دلیل که انبار گران گردد و اگر چیزی برده و می بخشید و قبول کرد دلیل که او در حضرت و زیان رسد هر دو مرده ابن
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی مرده را بدحال و نالیده بیند دلیل که از کردار بد که در دنیا کرده باشد از وی سوال کنند و اگر مرده
را بیمار بیند دلیل که او را از دین و ایمان سوال کنند و اگر مرده از درد سر بنالید دلیل که از تکبر که در دنیا کرده باشد او را سوال
و بعضی گفته اند که تقصیری که در حق مادر و پدر کرده است او را سوال کنند و اگر از درد دندان می نالید دلیل که از غیبتی که در حق
مردم کرده باشد او را سوال کنند و اگر از درد چشم بنالید دلیل که نظر بر عیال مردم در دنیا کرده باشد از آن سوال کنند و اگر از درد گوش بنالید دلیل که
سخن فحش شنفته باشد در دنیا او را از آن سوال کنند و اگر از درد دست بنالید دلیل که آنچه در دنیا در حق زنان و برادران کرده باشد از او سوال کنند
و اگر از درد پهلو بنالید دلیل که آنچه در دنیا در حق زنان کرده بود از او سوال کنند و اگر از درد پشت بنالید آنچه در حق مادر و پدر کرده باشد از او
سوال کنند و اگر از درد عورت بنالید دلیل که آنچه در دنیا از زنا و فساد کرده باشد از وی سوال کنند و اگر از درد سرین بنالید دلیل که آنچه در حق
درویشان از سفر و حضر کرده باشد از وی سوال کنند و اگر از درد ساق و پایها بنالید آنچه در دنیا کرده باشد از وی سوال کنند

مجامعت کردن با مرده جعفر صادق رضی الله عنه گوید اصل این خواب آنست که اگر با مرده مجامعت کند که
منی از وی بیرون نیاید و جدا نشود تاویل آن خواب بر صواب و درست آید و چون غسل واجب شد تاویلش باطل باشد
و اگر بیند که با مرده مجامعت کرد دلیل که از جائی که امید ندارد امیدش بر آید و اگر با مادر و خواهر که مرده بودند مجامعت
کرد دلیل که از جائی که امید ندارد امیدش بر آید و اگر با مادر و خواهر که مرده بودند مجامعت کرد دلیل که صدقه و ثواب
بدان مرده برسد و اگر بیند که با مرده که اهل حرمت بود مجامعت میکرد دلیل که از آن مرده چیزی بوی رسد و اگر مرده را
بشهوت بوسه میداد دلیل که وی زن خواهد و از بهر مرده خیری کند یا او را بدعا یاد کند و اگر با مرده مجامعت کرد دلیل که از مال
مرده چیزی بوی رسد **از پس مرده شدن** کرمانی رحمة الله علیه گوید از پس مرده شدن دلیل که اگر مصلح و پارسا
بود راه او گزیند و اگر فاسق بود راه و سیرت او گیرد و اگر بداند که مرده مصلح بود یا مفسد و از پی وی میشد دلیل که بیمار
شود و عاقبت شفا یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده وی را بانگ جواب داد و مرده را ندید دلیل که از دنیا
زود برود و اگر بیند که در پس مرده بسرائی مجهول در شد دلیل که بمیرد و اگر مرده را گفت که فلان وقت پیش من بیا و گفت
که بیایم دلیل که در فلان وقت رحلت کند و تحقیقکه مرده مصلح و راست گوئی بوده باشد و اگر بیند که مرده او را بسرای خویش
خواند او را منع نتوانست کرد دلیل بر وفات او بود و اگر بیند که مرده را بسرای خود خواند و در سرای مرده رفت دلیل
که بیمار شود و شفا یابد و اگر بیند که مرده او را به بازار برد دلیل که کسب و معیشت او نیکو گردد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه
گوید اگر کسی خود را در میان مردگان بیند دلیل که امر معروف و نهی منکر کند و از وی نشنوند و اگر بیند که با مرده دوستی گرفت
دلیل که بسفر رود و وی را در آن سفر دولت و اقبال و شادی و خرمی یابد و اگر بیند که میان مردگان بود چنانکه غیر از میان ایشان
کسی دیگر زنده نبود دلیل که با گروهی مجالست کند که دین ایشان بفساد بود و اگر بیند که او بر سر ایشان [illegible]

دلیل که در دین او نیز فساد بوده اگر بیند که گروهی مردگان طعام خورند دلیل کند که آن دیار طعام گران شود حافظ معبر رحمة الله علیه
گوید اگر کسی بیند که پاره از تن مرده میخورد دلیل که از زمین گنجی یابد و اگر بیند که مردگان مجهول را بشمشیر گردن میزد اگر مصلح
بود دلیل که مردم بدست وی توبه کنند و از کردار بد باز آیند و بعضی معبران گویند که با مرده مباحثه و مناظره کند و همه را بدلیل
و حجت غلبه کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که مرده داد و ما را وی نمود دلیل که راه شریعت دریابد و اگر بیند که مرده خود را می
دلیل که خویشان او از غم رسته گردند و اگر بیند که مرده را بر زمین میکشید دلیل که از کسب حرام خورد و مال بسیار یابد و اگر بیند که مرده
را بر داشت دلیل که مال حرام یابد و اگر بیند که مردگان را زنده میکرد دلیل که داد باغی کند و اگر بیند که با مرده در یک خانه خفته بود
دلیل که عمرش دراز بود و مرده را جامها ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده جامه سبز پوشیده بود دلیل که با شهادت
از دنیا رفته باشد و اگر بیند که جامه سپید داشت دلیل که درجه او نیکو باشد و اگر بیند که جامه سیاه پوشیده بود دلیل که حال
بد باشد و جامه دوزخیان سیاه باشد و اگر بیند که جامه سرخ پوشیده بود دلیل که بد باشد و اگر بیند که جامه زرد یا کبود پوشیده
بود دلیل که بیننده خواب را غم و مصیبت بود و اگر جامه زنده پوشیده بود دلیل که بوقت زندگانی بیننده را با او خصومت
باشد و حق بجانب مرده بود و اگر بخلاف این بیند حق بجانب زنده بود و بعضی از معبران گویند زنده در خواب چون مرده را
جامه بپوشانید دلیل که اجلش رسیده باشد **تاویل کفن مرده** کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرده معروف را
کفن کند دلیل که در دنیا طریق آن مرده بجوید اگر عالم بود بعلم و اگر مالدار بود بمال و اگر بخواب بیند که مرده را کفن میکند دلیل که
آن مرده در گور زنده بود و حال آمرزیده در گور نیک بود و اگر بیند که مرده را کفن کرد دلیل که از خویشان آمرزیده یکی را حاجت کند
جعفر صادق رضی الله عنه گوید مرده در خواب بر سه وجه بود یکی مال دوم ظاهر شدن کار مشکل سوم فساد دین و اگر بیند که
مرده زنده گشت دلیل که عمرش دراز بود و لیکن در سرایش خرابی افتد و اگر بیند که مرده زنده شد دلیل که کار مشکل بر وی آسان
گردد چنانکه اگر معزول بود عمل یابد و اگر پادشاه بود علم و حکمت زیادت گردد و امید که دارد و اگر درویش بود از شغلی برود و بود یا
بآید قوله تعالی فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ الآیه مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مهتری یا عالمی زنده شده
بود دلیل که مذهب یا سیرت او زنده شود اگر نیک باشد یا بد باشد و اگر بیند که مرده او را در آغوش گرفت دلیل که عمرش دراز شود
و کارش بالا گیرد و اگر بیند که چیزی بمرده داد دلیل که آن چیز عزیز گردد و نرخ او گران شود و نیز گویند که مرده آمرزیده و شهید بود و اگر بیند
که مرده از وی طعام میخواست دلیل که مرده از وی صدقه چشم دارد **مرزنگوش** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرزنگوش
می بوئید دلیل که او را پسری آید مبارک و مومن که از خداوندان علم و فرهنگ باشد و اگر بیند که مرزنگوش از جای کند در بستان
دلیل که پسرش بیمار گردد و اگر فرزند ندارد او را غم و اندوه رسد و اگر بیند که در زمینی که ملک وی بود مرزنگوش بسیار رسته بود دلیل
که وی را مردم مصلح بسیار باشند کرمانی رحمة الله علیه گوید درخت مرزنگوش در خواب کسی بود که اهل خانه را دوستدار بود و اگر بیند
که مرزنگوش سبز بود و در زمین او رسته بود دلیل که کسی از اهل بیت او دوستدارش شود و اگر بیند که مرزنگوش زرد و پژمرده بود دلیل

آنکس مفسد و بدبخت بود مرغ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر چند که مرغ در خواب بزرگتر بود دلیل که منفعت آنجا طلب کند از گر
عظیم‌تر باشد و اگر بیند که مرغان بسیار در جایگاهی بانگ میکردند دلیل که اهل آن موضع را غم و مصیبت رسد و اگر بیند که ماده مرغ
داشت دلیل که او را فرزندی آید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرغ با وی سخن گفت دلیل که کارش بلند شود و اگر بیند
که مرغ بر دست او بمرد دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که باز بر پشت مرغ نشسته بود دلیل که بدانکس که بدان مرغ منسوب بود
از معضرت رسد و اگر بیند که مرغی تازه گوشت از اندام وی ببرد دلیل که مال او بزور بستانند و اگر بیند که گوشت از اندام خود میبرید
پیش مرغ می افکند دلیل که از مال خویش چیزی بکسی بخشد و اگر بیند که مرغی پاره گوشت با استخوان در پیش وی افکند دلیل که مال آن
و بدانکه تاویل سر مرغی دلیل کند برآنکس که مرغ بدو منسوب بود و این را اول بیان کرده‌ایم مغربی رحمة الله علیه گوید مرغ در خواب
نخاس بود که غلام و کنیزک فروشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرغان مختلف در شهری گرد آمدند دلیل که
لشکری بیگانه در آنجا رسد و اگر بیند که مرغ خایه‌های وی برکند دلیل که در دین او از کسی تباهی رسد و اگر بیند که خون مرغ
بخورد دلیل که بقدر آن خون نقصان مالش رسد

مرغ آبی

مرغ آبی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مرغابی در تعبیر بهتر از مرغان دیگر است
و اگر بیند که مرغ آبی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که مال و نعمت و بزرگی یابد و بکام دل برسد و اگر بیند که مرغ آبی بسیار در گرفت
ستد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و بر دشمن ظفر یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید مرغ آبی معیشت بود و اگر بیند که مرغ آبی بخرید
یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال و بزرگی یابد و استخوان وی همه مال و نعمت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرغ آبی
جائی میداشت دلیل که در آنجا مصیبت و غم بود و اگر بیند که بچه مرغ آبی را بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را فرزندی آید جعفر
صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرغ آبی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم بزرگی سوم ریاست چهارم فرمانروائی زیرا
که مرغ آبی گاهی در هوا و گاهی در زمین و گاهی در آب باشد چنانکه خواهد ازین سبب است که هر که مرغابی در خواب بیند هر
مرادی که خواهد بیابد

مردمان

مردمان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردمان بسیار جامه‌های سبز داشتند دلیل بر راستی
و پاک دینی وی بود و اگر بیند که مردمان جامه‌های سیاه و چرکین داشتند تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که جامه‌های کبود داشتند
دلیل بر مصیبت و اندوه بود و اگر بیند که جامه‌های نو و فراخ داشتند دلیل عیش و فراخی نعمت بود

مرغزار

مرغزار ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید اگر کسی بخواب مرغزاری بیند که جوهر نباتهای او نشناسد دلیل بر دین و اسلام او بود و اگر بیند که میان مرغزار
بود و آن مرغزار ملک او بود بقدر مرغزار دلیل بر اعتقاد و دین پاک وی باشد و اگر مرغزار ملک دیگران بود و او تماشا میکرد
دلیل که صحبت او با بندگان باشد و اگر بیند که در مرغزاری خوش و خرم میگشت دلیل که عیش بروی فراخ شود و کار او بنظام گراید
و مرغزار در خواب مردی بزرگوار بود بقدر بزرگی و نیکوئی و اگر مرغزار سبز و پاکیزه بیند و داند که ملک او است دلیل که او را
با مردی بزرگ پیوندی بود و از وی خیر و منفعت یابد و اگر بیند که بوقت بهار در میان مرغزاری بود خوش و خرم و گلها و ریاحین
در وی شکفته بود و جوی آب در وی روان بود دلیل که مرگ وی با شهادت بود و اگر بوقت بهار مرغزاری بیند با شهد

معروف یا مجهول که گل و ریاحین از وی سبز شده بود دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد که آنمرد از خدم و حشم خویش جدا
مانده بود و اگر مرغزاری خوش خرم بیند از سبزها و گلها و آب روان بیاید و آن مرغزار را از بیخ بر کند و خراب کرد دلیل که
پادشاه آن دیار را مرگ مفاجات رسد مغربی گوید اگر بیند که در مرغزاری درون شد و در آن جا شیران دید دلیل که پادشاه آن دیار ظالم
و ستمگر بود و اگر در آن مرغزار گوسفندان دید دلیل که پادشاه آن دیار را مال بسیار حاصل شود و اگر در آن مرغزار گاوان و خران دید دلیل که لشکر پادشاه و سپاه
و بر ایشان اعتماد نشاید و اگر بیند که در مرغزار گل و ریاحین جمع کرد و بخانه برد دلیل که او را از پادشاه خیر و منفعت رسد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید
مرغزار در خواب زن بود و اگر بیند که در مرغزاری سبز و خرم رفت و در آنجا مقام کرد دلیل که در آنجا زنی ستیزه و خوبروی بزنی کند و اگر بیند که مرغزار سبز و خرم
بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مرغزار در خواب بر هفت وجه بود یکی دین دوم اعتقاد سوم معیشت و نظام
چهارم پادشاه پنجم مرد بزرگوار ششم خیر و منفعت هفتم یافتن مراد ها مرهم ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که مرهم بر اندام
خسته و ریش نهاد دلیل بر خیر و صلاح کار دین او باشد و اگر بیند که مرهم میخورد دلیل که حرام خورد یا اندوه و مضرت بدو رسد
و اگر مردی بیند که مرهم بکسی داد دلیل که فرزندان مردم را خیر و منفعت رساند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مرهم بر اندام خسته یا
ریش نهاد و آن مرهم گوشت میخورد دلیل بر نقصان مال وی بود **مروارید** دانیال علیه السلام گوید مروارید در خواب فرزند غلام
یا فرزند کنیزک بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مروارید در خواب کنیزک خوبروی بود یا زن با جمال اگر بیند که مروارید بسیار
چنانکه در شمار نیاید دلیل که بقدر مروارید او را منفعت رسد و بعضی معبران گویند که چون مروارید پراکنده بیند دلیل سخن علم و حکمت
بود و بعضی گفته اند دلیل بر پسران و دختران بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر چنین بیند دلیل بر زنان و دختران کند و اگر
که مروارید بسیار داشت دلیل که بقدر آن مال یابد و اگر بیند که از دهان وی عقد مروارید بیرون آمد دلیل که از دهان وی کلام منظوم
از علم و حکمت و مثل آن بیرون آید و اگر بیند که مروارید میسفت دلیل که علم و توحید و سخن حکمت را بسفت نماید یا قرآن را فراموش کند و اگر
بیند که در منزل او اندر راه عقدهای مروارید گسترده است دلیل که وی را در علم و حکمت تصنیف و تالیف بسیار بود و مردم از کلام وی
علم و دانش حاصل کنند و اگر بیند که بجای هیزم مروارید میسوخت دلیل که علم و حکمت بسیار بمردم آموزد که سزای علم و حکمت
و اگر بیند که مروارید بسیار داشت و او دیندار و پارسا بود دلیل بر زیادتی دین و دیانت وی کند و اگر توانگر بود مالش زیادت شود
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مروارید داشت دلیل که او را فرزندی خوبروی آید چنانکه حق سبحانه و تعالی در کلام مجید فرموده
است كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ و اگر مروارید بزرگ بیند چنانکه از حد گذشته بود دلیل که مال بسیار او را حاصل گردد و اگر بیند
که مروارید را بفروخت دلیل که علم و قرآن فراموش کند و اگر بیند که مروارید در دهان انداخت و فرو برد دلیل که او را حق تعالی
علم و حکمت روزی کند و اگر بیند که مروارید را بجای مجهول بینداخت دلیل که در حق کسی کاری کند که آنکس قدر آن کار نداند و اگر
بیند که عقد مروارید در دست بسته داشت دلیل که وی را دختری آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مروارید بسیار داشت
دلیل که حق سبحانه و تعالی او را علم و قرآن و حکمت روزی گرداند و اگر بیند که از دهان وی یک یک مروارید گرانمایه بیرون می آمد دلیل که

مروارید — مخزن بامی اینکه گوید مروارید آنکه در سینه در گردن که عقد مروارید ز دوست و بیفتاد و بشکست دلیل که بسیار گوید و تحصیل شفقت
علیه گوید اگر بیند که مروارید بسفت و آن را بیاویخت دلیل که علم و حکمت و پیش مردمان گوید و اگر بیند که مروارید آن
بشکست دلیل که کاری کند که خلاف شرع بود و اگر بیند که مروارید در زیر پای وی بشکست دلیل که فرزندش بمیرد و اگر بیند
مروارید از جیب وی بیرون آمد و آن مروارید مسلم نداشت دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که عقد مروارید
دلیل که از بر کند علم مسلمانان و اگر در گردن کسی بست دلیل که کسی را علم و حکمت آموزد و اگر بیند که گوشواره از مروارید
بست دلیل که قرآن حفظ کند و اگر بیند که مروارید بجزوار و داشت دلیل که بقدر آن مال حاصل کند مانند مغربی جعفر صادق رضی الله عنه گوید
بیند که مروارید فروشی میکرد دلیل که آن کس را بسیار مطیع بود و از علم او را بهره باشد و اگر آن کس از اهل علم بود دلیل که مال
بسیار حاصل شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مروارید در خواب بر شش وجه بود یکی قرآن دوم حکمت سوم
چهارم زن پنجم کنیزک با جمال ششم فرزند نیک و مروارید فروش در خواب کسی بود که فرزندان و مال بسیار دارد و علم
مزدوران — مزدوران ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مزدوران در خانه وی کار میکردند دلیل که ویرا با خویشان با شادی
افتد و از ایشان مفارقت جوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در خانه کسان مزدوری میکرد دلیل که بکاری مصیبت زده
شود و فساد و خانه با کسی خصومت افتد و اگر بیند که مزدوران در خانه وی کار میکردند دلیل که غمگین شود و تحصیل شفقت
علیه گوید اگر بیند که مزدوران در خانه وی خاک بکشیدند دلیل که بقدر آن ورا مال و نعمت حاصل شود و اگر بخلاف این بیند
دلیل که مال وی نقصان شود
مژگان — مژگان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مژگان در خواب نگهداشتن دین باشد اگر کسی بخواب بیند که
مژگان وی بجنبید دلیل که بیمار شود و اگر بیند که مژگان چشم فرو ریخت دلیل که در دین وی فساد بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که مژگان چشم وی بازگونه گشت دلیل که بقدر آن ورا زیان مال بود و اگر بیند که مژگان چشم وی بجنبید دلیل که بیمار شود
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مژگان در خواب بر چهار وجه بود یکی نگهداشتن دین دوم دوست سوم دانش
مزور — بود روزی چهارم خرمی بقدر فرزند فی الجمله هر خیر و شر که بر مژگان بیند دلیل بر این چهار وجه بود مزور ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید مزور را چون ترش و ناخوش بود و دران حیلی باشد دلیل بر خیر و منفعت کند و چون ترش و ناخوش بود دلیل
مس — مضرت و غم بود مس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مس از جنبه چهودان باشد و اگر بیند که مس داشت دلیل که بقدر آن
مال حاصل شود کرمانی رحمة الله علیه گوید آوندهای مس چون مشربه و آفتابه و آنچه بدین ماند جمله دلیل که خدای بود و مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که مس میگداخت و صاف و پاکیزه گردانید دلیل که کاری مشکل بر دست وی گشاده گردد و اگر بیند که مال بدان
مستی — بدست آمد و مستی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مستی در خواب مال حرام بود و در نماز کاهلی کردن چنانکه در کلام مجید فرموده
قوله تعالى يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ الآية کرمانی رحمة الله علیه گوید مستی در خواب بی
شراب بود دلیل که بقدر مستی ترس و بیم عظیم بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مستی در خواب بر چهار وجه بود یکی مال دوم ترس

سوم ناتوانی و نقصان چهارم ترس و بیم بقدر آن مسجد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مسجد آبادان تاویل وی عالم بود که
مردم بخیر و برکت او بسیار آیند از بهر صلاح و حقتعالی در کلام قدیم فرموده قوله تعالی وَمَسَاجِدُ یُذْکَرُ فِیهَا اسْمُ اللهِ کَثِیرًا
اگر بیند که مسجد بنا کرد دلیل که از بهر مسلمانان خیر و نیکی کند و از آن او را اجر و ثواب بود یا قومی بر کار خویش جمع آورد و یا قومی بر دین
و شریعت بدارد و مغربی رحمة الله علیه گوید بنای مسجد در خواب بنهادن زن خواستن بود و اگر بیند که مسجدی بنا کرد و اگر بنیاد تمام کرد
دلیل که زن حلال خواهد و از آن زن دیندار و پارسا بود و اگر بیند که چراغ مسجد بکشت دلیل که فرزندانش بمیرند و اگر بیند که در مسجد جامع
نشسته بود و پیراهن سبزی رسته بود دلیل که بروی ملکی بنا برند که در وی نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی او را از
مسجد باز داشت دلیل که آنکس بروی ستم کند و اگر بیند که در مسجد نماز میگذارد و روی سوی قبله نبود تاویلش بد بود و اگر
بیند که در مسجد دست و روی می شست دلیل که مال خویش دران مسجد صرف کند و مرادش حاصل شود و اگر بیند که مسجد ویران
دلیل که عالمی بمیرد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید که بنا کردن مسجد در خواب خواهش بود و جمع کردن مردمان
که در ضلالات باشند باز بصلاح آمدن و منیت کردن اعداء چنانکه حق تعالی جل و علا فرموده قال الذین غلبوا علی امرهم
لنتخذن علیهم مسجدا و اگر بیند که جایگاهی از ملک وی مسجد گشت دلیل که در دین شرف و بزرگی یابد و خلق را
بدعوت حق خواند و اگر بیند که با قومی مسجد میرفت دلیل که زنی ستیزگی برزنی کند و اگر بیند که در مسجد چراغی برافروخت دلیل که او را
فرزندی صالح آید و اگر بیند که در مسجد مکه یا در مسجد مدینه درون شد دلیل که از همه ترس ایمن گردد جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن مسجد در خواب بر دوازده وجه بود یکی پادشاه دوم قاضی سوم عالم چهارم رئیس پنجم امام ششم خطیب
هفتم مؤذن هشتم مسجد نهم امیر دهم خیر و برکت یازدهم زن خواستن دوازدهم نیکوکردن و اگر بیند که مسجد آذین
می آراست دلیل که مردم عالم از وی خیر و برکت یابند و اگر بیند که مسجد را عمارت میکرد دلیل بر درستی دین و ایمان وی بود و اگر
بیند که در مسجد شد دلیل که از خوف ایمن شود قوله تعالی وَمَن دَخَلَهُ کَانَ آمِنًا مسح ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که مسح موزه میکرد دلیل که او را فرزندی عالم و فاضل آید و مردم تابع او شوند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مسح موزه
میکرد دلیل که بسفر رود و دران سفر مال بسیار بدست آورد و کارهای وی بنظام گردد مسکه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
روغن تازه بتاویل مال و نعمت حلال بود و اگر بیند که مسکه فرا گرفت یا کسی بوی داد و از آن بخورد دلیل که بقدر آن مال حلال
یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید مسکه خوردن در خواب گواهی راست دادن بود و اگر مسکه گوسپند در خواب بخورد دلیل که او را
مال و نعمت حاصل شود و مسکه گاو دلیل که آن سال بروی مبارک باشد و بقدر آن خیر و برکت یابد فی الجمله مسکه جانوری که
گوشت وی حلال بود دلیل بر مال حلال کند و آنچه گوشت وی حرام باشد دلیل بر مال حرام کند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید مسکه در خواب دلیل بر چهار وجه بود یکی مال حلال دوم گواهی راست سوم علم و دانش چهارم معصیت مسواک
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که مسواک کرد دلیل که مال بخیرات خرج کند که دران هیچ ثواب نباشد مغربی

رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بتنهای خویشتن مسواک کرد دلیل که با برادران و خواهران خیرات و احسان کند اگر بیند که همه دندانها
مسواک کرد دلیل که با همه خویشان نیکی کند **مشرق و مغرب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن مشرق در خواب دلیل بر درگاه
است و برآمدن آفتاب بر حاجت روائی و دیدن مغرب دلیل بر دو فروشدن آفتاب بخلاف این بود و اگر بیند که بجای
صلاح بمشرق بود دلیل بر نعمت کند و اگر جای خود بد بیند دلیل که مرادش بر نیاید و همه حال بروی برآمدن آفتاب بهتر از فرو
شدن باشد و بروی آفتاب برآمدن دلیل بر اقبال و بزرگی بود و جای فروشدن آفتاب دلیل بر ادبار و فرومایگی بود **مشرک**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر مشرک بیند که مسلمان شد دلیل که در مسلمانی اسیر بود و اگر بیند که مشرک سوی قبله نماز میگذارد حق
تعالی بنگرد دلیل که مسلمان شود و نعمت بروی زیادت گردد چنانچه الله تعالی فرموده قوله تعالی الله نور السموات
والارض مثل نوره کمشکوة الخ اگر بیند که مشرک در خانهٔ مسلمانی آمد همین دلیل کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
اگر کسی مشرکی را بخواب بیند و بیننده خواب مستور باشد دلیل که طالب علم گردد و بر دشمن ظفر یابد و اگر مستور نباشد دلیل که با دین
بد مذهب دوستی افتد **مشک** دانیال علیه السلام گوید اگر بیند که مشک با خود داشت دلیل که با ادب و فرهنگ بود و همه
کس بروی آفرین کنند و ثنا گویند و اگر بیند که بوی مشک از وی می آمد یا کافور دلیل که یقین وی پاکیزه و صاف گردد و در دل
حق در آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مشک می بوید دلیل که نیکوئی با کسی کند و اگر بیند که نافهٔ مشک بیافت و لیکن
مشک بوی ناخوش می آمد دلیل بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مشک در خواب بر شش وجه بود یکی
زن دوم دوست سوم عیش خوش چهارم کنیزک خرم پنجم مال بسیار ششم سخن خوش **مشک آب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مشک
سفر باشد و اگر بیند مشک آب داشت و نو بود دلیل که بسفر رود و سود بسیار کند و اگر بیند که مشک آب کهنه بود و دریده بخلاف
این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مشک آب در خواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم مال سوم زندگانی **مصحف**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مصحف در خواب بتاویل علم و حکمت بود و اگر بیند که مصحف بخرید دلیل که طالب علم بود و دانشمند شود و اگر
بیند که مصحف را با آتش بسوخت دلیل بر فنای دین او بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مصحف گشاده در سر دوید و بنام
دلیل که بر چه کند بقدر آن کار کند و والی آن شهر گردد و اگر بیند که مصحف قرآن با وی سخن گفت اگر خیر گفت دلیل بر خیر کند و اگر شر
گفت دلیل بر شر بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مصحف در خواب دلیل بر پنج بود یکی علم و حکمت دوم میراث سوم
امانت چهارم روزی حلال پنجم دین و دیانت **مصطکی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که مصطکی می خائید دلیل که وی را گفتگوئی بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مصطکی می
همی خائید دلیل که بقدر خائیدن با کسی شکایت کند و اگر بیند که مصطکی با آتش بخور میکرد دلیل که وی را از پادشاه رنج رسد
مطبوخ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مطبوخ از بهر بیماری بخورد و آن مطبوخ موافق بود دلیل که صلاح دین وی بود
و اگر مطبوخ موافق نبود دلیل که صلاح دین نا دوی بجوید و اگر بیند که مطبوخ بخورد و در وی اثر کرد دلیل صلاح و تندرستی و خیر بود

بخلاف این بیند دلیل که رنج و زیان باشد **مطرب** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مطربی میکرد و چیزی از سرود و رباب
میزد دلیل که بچیزهای حرام گراید چون فساد و طبل آنچه بدین ماند میزد دلیل که اندوهگین شود و مطربی کردن در خواب خیر و منفعت
معبر خواب گذار بود و مروی باشد که چون قاضی و مفتی و دو احتلاف زیرا که این هر سه قوم خداوند گریه و زاری باشند و تعبیر دلیل فنا
شد **معجون** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که معجون از بهر دارو و بیماری می ساخت دلیل که مردم را از وی خیر و منفعت باشد و اگر بیند
که معجون از بهر کسی ساخت بود دلیل که از دیگر مردمان خیر و منفعت رسد **معده** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که معده وی قوتی و نیکی
داشت دلیل که زندگانی وی دراز بود و اگر بخلاف این بیند عمرش کوتاه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید معده در خواب بر شش
وجه بود یکی مال حرام دوم شناعت سوم سخنهای ناخوش چهارم فرزند پنجم زندگانی دراز ششم کار کردن و شغلی که از وی حاصل شود
بودن **معزول شدن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از کاری معزول شد یا کسی وی را معزول کرد دلیل که زن را طلاق
دهد اگر زن ندارد در تجارت زیانی کند **معصفر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن معصفر در خواب بر سه وجه بود یکی بیماری دوم
اندوه سوم کارهایی که از آن کار کردن رنج و سختی او را رسد **معلم** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید معلم در خواب مهتر و دانا بود
و اگر بیند که معلمی میکرد و کودکان را علم می آموخت دلیل که با مردمان سخن حق گوید کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که معلمی میکرد و
کودکان را علم می آموخت دلیل که شایسته پادشاهی شود و در موضع خود او را سخن روا گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید معلمی
کردن در خواب بر چهار وجه بود یکی فرمانروائی دوم عز و جاه سوم بزرگی چهارم حکم کردن **مغز** دانیال علیه السلام گوید مغز سر شتر
در خواب مالی بود که به ذخیره نهاده بود و اگر بیند که مار و گژدم مغز سر وی بخورد دلیل که بقدر آن مال مردم بخورد اسمعیل بن اشعث
رحمة الله علیه گوید مغز سر در خواب مال دفینه بود اگر بیند که مغز گندیده و ناخوش خورده بود دلیل که مال وی حرام بود یا زکوة نداده باشد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن جمله مغز در خواب بر سه وجه بود یکی مال پنهان کرده دوم عقل سوم صبر **مبتلا شدن**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مبتلا شده بود چنانکه نمیتوانست خواستن دلیل که در کارها ضعیف و سست بود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که کسی را مبتلا گردانید عیش بر آنکس تباه کند و مضرتی بوی رساند **مقراض** ناخن گیر بود و حرف نون [illegible]
مقعد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مقعد در خواب دیدن شغل کسب می بود اگر کسی مقعد خود را در خواب بیند که بیرون آمده دلیل
که کسب و کار وی تباه گردد و اگر بیند که سوراخ مقعد وی بسته شد دلیل که کار و کسب بر وی بسته گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن مقعد بخواب بر سه وجه بود یکی کسب و کار دوم منفعت مال سوم معیشت **مقنعه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مقنعه در خواب زنان را
شوی و مرد را زن بود اگر بیند که مقنعه از سر وی جدا شد دلیل که شوهرش طلاق دهد و اگر مقنعه سیاه بیند دلیل که شوهرش فاسق بود
و اگر سرخ بود شوهر وی معاشر و طرب دوست بود و اگر کبود بیند دلیل که شوهر وی مصیبت زده بود و اگر زرد بیند دلیل که شوهرش
بیمارگون بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مقنعه در خواب بر چهار وجه بود یکی زن دوم کنیزک سوم خادم چهارم منفعت
از زنان و اگر مقنعه کرباسین یا پشمین بود دلیل که شوهر وی مصلح و پارسا و دیندار بود **مسلمان شدن** ابن سیرین رحمة الله

علیه گوید اگر مسلمانی بخواب بیند که دیگر بار مسلمان شد دلیل که از رنج و آفتها ایمن گردد و اگر کافری بیند که مسلمان شد دلیل که حق
تعالی مسلمانی روزی کند و اگر بیند که مسلمانی بود و گفت که مسلمان شد دلیل که کار دین وی مستقیم شود مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که مسلمانی کافر شد دلیل که مرد اگر فقیر شود و نعمت کار وی تغییر شود و اگر بیند که کافری بدست وی مسلمان شد
دلیل که کسی را از فسق و فساد باز دارد **مسمار** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب مسمار بیند دلیل بر وی بزرگ بود
که بکار او ایستاده باشد و بهم پیوندد و بعضی معبران گویند که مسمار بخواب پادشاه و یا امیری بزرگ بود اگر بیند که مسماری بر زمین
فرو داشت دلیل که او را با مردی بزرگ صحبت افتد و اگر بیند که چیزی بمسمار بدوخت دلیل که بسبب وی حال بزرگی کار او
بصلاح آید و جمع شود اگر بیند که مسمار بشکست یا ضایع شد تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مسمار
بخواب بر چهار وجه بود اول مردی بزرگوار دوم مردی که با قرآن پیوند سوم میراث چهارم کرد و حضرت کار **مگس**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مگس در خواب مردم سفله و درویش بود و اگر بیند که مگسان بر وی جمع شدند یا در شکم و دهان وی
دلیل که از کسی سفله مال حاصل کند اما مضرت یابد و اگر بیند که مگس در گوش وی شد دلیل که از کسی سفله سخن زشت شنود که او را تنگ
خاطر گردد و اگر بیند که بانگ مگس می شنید دلیل که از مردم غوغا بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید مگس در خواب وی حاسد و فرومایه
بود و اگر بیند که بر سر او مگسان جمع شوند دلیل که با مردم حاسد در شغل افتد و اگر در خواب بیند که مگس بسیار در خانه وی بکشت دلیل
که مردم سخن وی گویند و اگر بیند که مگسان او را میگزند دلیل که مردم دون بر خویشان او حسد برند و اگر بیند که مگس بکشت دلیل
که حاسد از او قهر کند و اگر بیند که مگسان در زمین جمع شدند دلیل که حاسدان از مال پنهان گردد و وی بتاسند و حرمت کنند و برا
مضرت رسد **مگس انگبین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مگس انگبین در خواب مردی فراخ روزی و روزی کسب کند
و اگر بیند که مگس انگبین فراگرفت یا کسی بوی داد دلیل که بقدر آن مال و غنیمت حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
مگسان انگبین بر وی جمع شدند و او را میگزیدند دلیل که بر وی مال و نعمت جمع کند و اگر بیند که مگسان انگبین میزدند
دلیل که او را بقدر آن زیان و مضرت رسد و اگر بیند که انگبین از مگسان می ستد دلیل که ستمکاری با خیر و منفعت
او از آن فایده بیند **مکه مبارک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی خود را در مکه بیند دلیل که زیارت کعبه
کند و حج دریابد و اگر بیند که بمکه از بهر تجارت رفته نه از بهر حج دلیل که حرص مال دنیا دارد و مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که در مکه بصلاح و زهد بود و بعبادت مشغول بود دلیل که در منفعت دنیا باشد
و اگر مکه را آباد و پر جمعیت بیند دلیل که مال و نعمت بر وی فراخ شود و اگر خراب بیند تاویل بر
بخلاف این بود **ملخ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ملخ زنده در خواب لشکر بود و ملخ پخته درم و دینار بود و اگر بیند که
شهری یا در موضعی ملخ پدید آمد و درخت را مضرت رسانید دلیل که بقدر آن ملخ در آن جای لشکر جمع شود و مال آنجا رسد
و تاوان و زحمت رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ملخ بسیار جمع کرد و در ظرفی می انداخت دلیل که مال جمع کند

ن دهد و اگر بیند که ملخ بیقیاس در دریایی جمع شدند و نبات انجا خوردند دلیل که مال بیقیاس در انجا جمع شود و بهما
بتاراج ببرند دلیل که خراب کنند منادی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بخواب بیند که منادی گذشت و کلامش
موافق علم و حکمت بود و بر نفس خود صالح و پارسا بود دلیل بر خیر و بشارت کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
منادی بصلاح آنجهانی کرد دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر منادی بخیر دنیاوی کرد دلیل که مراد اینجهانی بیابد و اگر بشر
و فساد بود تاویلش بخلاف این بود مناره ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مناره درخواب مردی بود که مردمانرا بر
دین خوانند و اگر بخواب بیند که مناره بنا کرد دلیل که کار خیر کند و جماعتی از اهل اسلام جمع دارد و اگر بیند که مناره
خراب کرد دلیل که مسلمانان متفرق شوند و بعضی گویند که مؤذن آن مناره از دنیا برود کرمانی رحمة الله علیه گوید مناره
درخواب پادشاه یا مردی بزرگ بود و اگر در کوچه مناره بیند دلیل که بزرگی در ان کوچه برسد و اگر مناره از گچ و آجر بود
دلیل که از مهتر سلطان بود و اگر مناره از خشت خام بود دلیل که آن بزرگ از رعیت بود و اگر مناره متواضع باشد و اگر مناره
از سنگ و آهک بیند دلیل که آن مهتر پادشاه ستمگر بود و اگر مناره از چوب بیند دلیل که آن مهتر سفله و دون همت باشد و اگر
مناره و بر در مسجد دید دلیل که آن مهتر عالم و فاضل بود و خلق را بکارهای شریعت خواند و اگر بیند که مناره مسجد افتاد دلیل
دلیل که یکی از بزرگان دین هلاک شود و میان خلق تشویش و پراکندگی افتد و اگر بیند که میان شهر مناره بود دلیل
کند و اگر بیند که سر آن مناره از مس یا برنج بود دلیل که پادشاه ظالم و ستمکار بود و اگر بیند که سر او از زر یا از سیم بود دلیل که
پادشاه دروغ زن و بیقول و غدار بود و اگر مناره از خشت پخته بود دلیل که پادشاه گردنکش و متکبر بود و اگر خود را بر سر مناره
آمده بیند دلیل که مقرب پادشاه شود و کارش بنظام شود و اگر بیند که بر مناره طعام نهاده بود دلیل که در آن دیار
پدید آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مناره بود و بانگ نماز میگفت دلیل که پادشاه خلق را وعده نیکو دهد و اگر
بیند که در مناره مسجد جامع بانگ نماز داد دلیل که عمره آرد و اگر بیند که مناره بجنبید دلیل که پادشاه بیمار گردد و اگر بیند که
پادشاه مناره را بیفکند دلیل که پادشاهی بیاید و آن پادشاه را قهر کند و ولایت از وی بستاند جعفر صادق رضی الله
عنه گوید دیدن مناره درخواب بر چهار وجه بود یکی پادشاه دوم مرد بزرگوار سوم امام چهارم مؤذن منبر ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید منبر درخواب سلطان اهل اسلام بود و خیر و شر که در منبر بیند تاویلش بر سلطان کند و اگر بخواب بیند که بر
منبر شد و علم و حکمت و خطبه میخواند اگر از اهل نه بود دلیل که فرزندش یا کسی از خویشان او عالم شود و اگر بیند که بر منبر شعر
میخواند یا سخنی خلاف شریعت میگفت دلیل که درمیان اهل اسلام به بد دینی و بدعت رسوا گردد و بعضی از معبران گویند که وبال
بر او کنند و اگر پادشاهی بیند که بر منبر بود و آن منبر بیفتاد و یا بشکست دلیل که از پادشاهی معزول گردد کرمانی رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که بر منبر شد و خطبه تمام بخواند و از منبر فرود آمد دلیل که از خطابت معزول گردد و اگر زنی بیند که بر منبر
کلام و حکمت و علم درمیان مردم میگفت دلیل که رسوا شود زیرا که زنان را علم گفتن و خطبه خواندن درمیان مردان روا نباشد

منبر وزیر را از خواندن هم میان زنان بد باشد و اگر بیند که از منبر فتاد اگر عالم بود یا جاهل دلیل که از حرمت بیفتد و در میان مردم خوار
و حقیر شود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر منبر شد دلیل که عالم و مصلح در بیند رسد و بزرگی و عز و جاه یابد و اگر مفسد بود دلیل
که او را بدزدی بگیرند و بردار کنند و هر چند که منبر بزرگتر و بلندتر بیند منزلت و جاه بلندتر بود جعفر صادق رضی الله عنه
منجم گوید دیدن منبر در خواب بر پنج وجه بود اول پادشاه دوم قاضی سوم امام چهارم خطیب پنجم بردار کردن منجم ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که منجم شد دلیل که پیش پادشاه و بزرگان عزت یابد و منزلت و بالا گیرد و اما سخن دروغ و محال گوید
کرد خواب سخن از احکام نجوم گفته باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که سخن علم نجوم و هیئت افلاک میگفت دلیل که پادشاه و
بزرگان او را حرمت دارند و اگر بیند که سخن در احکام نجوم میگفت تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید منجم
منجنیق در خواب مردی دروغ زن باشد که شکر خدای تعالی نکند منجنیق ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در شهری در قلعه سنگ
سنگ منجنیق می انداخت دلیل که در پس مسلمانان سخنهای بد گوید و اگر بیند که در شهر یا در قلعه کافران سنگ منجنیق می انداخت
دلیل که ایشان را دشمن دارد و پیوسته سخنان ایشان میگوید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر این شهری منجنیق نهاده بودند
و بناهای آن شهر را خراب میکردند دلیل که آن شهر را از دشمن خطر بود و اگر بیند که منجنیقها بشکست یا به آتش بسوخت دلیل که اهل
مندیل آن شهر بر دشمنان مظفر و منصور شوند و اهل آن شهر از ترس و بیم ایمن شوند مندیل دستار بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مندیل
خادم بود و هر زیادت و نقصان که در وی بیند بخادم بازگردد و اگر بیند که مندیل نو داشت یا کسی بوی داد دلیل که او را خادمی حاصل شود
و اگر مندیل سپید بود دلیل که خادم وی با دیانت بود و اگر مندیل سرخ بود دلیل که خادم وی معاشر و سرکش بود و اگر مندیل زرد
بود دلیل که خادمش بیمار گردد و بگرد دلهش بیمار گون بود و اگر سیه بود دلیل که خادمش صحبت زنان دوست دارد و نگهبان بود و اگر مندیل
فرطه بود دلیل که خادمش زاهد بود و اگر بیند که مندیل ابریشم یا پنبه بود دلیل که خادمش با امانت و دیندار بود و اگر از کتان نیکو
باشد و اگر از قز یا ابریشم بود دلیل که خادمش وفادار و متکبر بود و اگر چرکین یا کهنه یا دریده بود دلیل که از آن خادم نیکوئی نبیند و اگر مندیل
منشور ضایع شد دلیل که خادم از وی جدا شود و اگر مندیل بسوخت دلیل که خادمش بمیرد منشور ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
مردم عالم یا زاهد یا مصلح منشور بدو داد ندکه در آن نامها نبشته بود دلیل که صلاح وی در دین و نجات آخرت باشد و سعادت
دنیا و آخرت یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل که رستگاری نیابد و اگر بیند که پادشاهی منشور بوی داد دلیل که شرف و بزرگی یابد
مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که پادشاه منشور بدو داد و مردم آن شهر مردمان مصلح بودند دلیل که از پادشاه بزرگ منزلتی عظیم یابد
و کارهای وی بنظام شود و اگر بیند که آن شهر خراب و ولایتی ویران بود تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه
گوید اگر بیند که فرشته یا پیغامبر منشور بکتابت نبشته بدو داد دلیل که حق تعالی او را بیامرزد و از وی خوشنود و راضی شود و اگر نامه
منقار سیاه بود تاویلش بخلاف این بود منقار ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را بسان مرغ منقار بود دلیل که بقدر
منقار مال حاصل کند و اگر بیند که مرغی بزرگ چون الله و کرکس و مانند این او را منقار بزد و او را درد کرد دلیل که ویرا رنج و سختی

و نقصان مال سی بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که منقار مرغی داشت دلیل که بقدر و قیمت آن مرغ او را بزرگی و نعمت و خیر و
رسد و اگر بیند که منقار داشت و مردم را به منقار گزند رسانید دلیل که مردم را از وی گزند و زحمت رسد منی آبی بود که از وی فرزند
پدید آید ابن سیرین رحمة الله علیه گوید دیدن منی در خواب مال بود که بیابد و از آن شاد شود و اگر بیند که یک سبوی از آب منی
داشت دلیل که مال بسیار حاصل کند و اگر بیند که از قضیب وی منی بسیار بیرون آمد دلیل که مال بسیار از کسب خویش حاصل کند اما بقدر
منی کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از قضیب وی آب منی همی رفت دلیل که بقدر آن مال از بیگانه بدو رسد مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که منی از وی فرو آمد دلیل که مال یابد چنانکه باری تعالی عز و جل فرموده انا خلقنا الانسان من نطفة امشاج
نبتلیه الخ جعفر صادق رضی الله عنه گوید منی در خواب بر چهار وجه بود یکی فرزند دوم زیادتی مال سوم نقصان مال
چهارم بزرگی و چون خداوند خواب بیند که منی از وی بیرون آمد معتبر را باید که تعبیر بر زیادتی مال کند و اگر منی کم آمد نقصان مال
بود مهد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در مهد نشسته بود و خداوند خواب سزاوار مهد بود دلیل بر راحت و آسایش
و عیش خوش می بود و از ترس و بیم ایمن گردد و اگر بیند که از مهد بیفتاد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر
بیند که در مهد نشسته بود دلیل که زنی مهربان خواهد یا کنیزکی خوبروی خرد و بعضی معبران گفته اند که مهد در خواب
عز و مرتبت بود کسی را که سزاوار باشد و اگر آنکس سزاوار نباشد زندان و جای حبس بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مهد
در خواب دیدن بر هشت وجه بود یکی آسانی و راحت دوم عیش سوم عز چهارم دولت پنجم مرتبت ششم ایمنی هفتم
کنیزک مهربان هشتم زن و دیدن مهد درویشان را بر چهار وجه بود یکی زندان دوم جایگاه تنگ سوم غم و اندوه
چهارم رنج و محنت مُهر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر گل مهر انگشترین نهاد دلیل که خداوند انگشترین منفعت
و بزرگی یابد و اگر بیند که بر نامه مهر نهاد دلیل که معاینه چیزی بدو رسد و اگر بیند که پادشاه یا بزرگی انگشترین بوی داد که بدان
در خزینه را مهر کن اگر سزاوار بود دلیل که خزینه بوی سپارند و اگر سزاوار خزانه پادشاهی نباشد دلیل که از بزرگان یکی
مال خود بدو سپارد و اگر بیند که پادشاه مهر خود بدو داد و سپرد دلیل که از وی بزرگی و منزلت یابد و اگر بیند که پادشاه
بر نامه مهر نهاد چنانکه رسم است دلیل که زود ولایت یابد و حاجت وی روا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید مهر
نهادن بر نامه و کیسه و آنچه بدین ماند بر هفت وجه بود یکی بر تمامی عمل دوم قوت و دین سوم ریاست چهارم حقیقت
و اخبار و دین پنجم مال ششم دولت و بزرگی هفتم کامرانی بقدر مرتبت بیننده خواب مُهره ابن سیرین رحمة
الله علیه گوید اگر بیند که مهره یافت یا بجزیه یا کسی بوی داد دلیل که بقدر و قیمت آن مهره مال بدو رسد یا او را خدمتگاری
حاصل شود و اگر بیند که مهره پاکیزه و سفید بود دلیل که آن خدمتگار مصلح و پارسا بود و اگر مهره سبز بیند دلیل که خدمتگارش
مبارک روی بود و اگر زرد بود دلیل که خدمتگارش بیمار گون باشد و اگر سیاه بود خدمتگارش سخت دل و بدخو باشد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مهره در خواب بر هفت وجه بود یکی زن دوم خدمتگار سوم کنیزک چهارم مال پنجم اد

دو بیت مشک فروشند چنین ... و زیان ... نقصان که به مردم جنید ... هیزم و عصیان ... مشک سود
که میوه و خواب نیکو و چیزی بود اگر بیند که قرص را بجای خود ... دلیل که کاری کند که آنکه با او ... مشغول شود
بیند که در بوستانی مهمانی می‌کند و آن باغ پر از میوه‌های الوان و آب روان بود دلیل که عمرش دراز شود و کارش
اما کیفیت دیدن شراب کرمانی رحمة الله علیه گوید دیدن مهمانی در خواب که در آن چیزها خورده می‌شود و فرح بود
دلیل بر غم و اندوه و مصیبت بود و اگر از مهمانی خیر و برکت و فرحی باشد مغربی رحمة الله علیه گوید مهمانی در خواب
تمام بدان و آن غالب بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که عروسی یا نکاح خواست و مهمانی کرد دلیل که او را غم و اندوه
مور دیدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید مور دیدن مردم ضعیف بود و اگر بیند که مور چه بسیار و حقیری شد دلیل که مردم بسیار
وی را زار شوند و اگر بیند که موران بسیار از سرای او بیرون آمدند دلیل که مردم آن سرای تحویل بجای دیگر کنند و اگر بیند که مور چه
بیگانه در خانه وی شد دلیل که روزی بخانه وی رود و اگر بیند که بر تن وی موران بسیار جمع شدند یا بر اندام وی
بیرون آمدند دلیل که زود هلاک شود مغربی رحمة الله علیه گوید مور چه در خواب دشمن ضعیف باشد و اگر بخانه خود مور چه
بسیار بیند دلیل که نسلش بسیار شود و اگر بیند که موران از سرای او بیرون آمدند دلیل که نسلش کم شود اسمعیل اشعث رحمة الله
علیه گوید مورچه خورد و سرخ دلیل بر مردم ضعیف و سست باشد و موران سیاه بزرگ دلیل بر دزد و مال زابل بیت
و اگر بیند که موران از سرای او بیرون آمدند و در هوا می‌پریدند دلیل که خویشان از سفر باز آیند جعفر صادق رضی
الله عنه گوید دیدن این تاویل است بیننده خواب بود و اگر بیند که مورانی از خانه او بیرون شدند دلیل که احوال آنجا پریشان و سود ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید مور در خواب مردم آزاده و خوش طبع و خوبروی و کامل عقل بود و چنانکه دوستی داشتی باید و اگر بیند که مور در دست
او را با چنین مردی صحبت افتد و از وی منفعت یابد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که درخت مور دست
یا از جایی برکند دلیل که از صحبت چنین مردی مفارقت کند مغربی رحمة الله علیه گوید مور در خواب مال و نعمت
بسیار بود و بعضی از معبران گویند که مور فرزند صالح بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن مور در خواب
بر چهار وجه بود یکی مردان عاقل دوم فرزند صالح سوم مال بسیار چهارم منفعت اگر زنی بیند که دسته مور بسته
از شوهر داد دلیل که نکاح ایشان پایدار بود موز ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موز توانگر از مال بود و بیند از انکه
و برگ موز بهترین برگ درختها بود و اگر بیند که موز فرا گرفت یا کسی بوی داد آنکس توانگر بود دلیل که مالش بود
گردد و اگر بیند که موز می‌خورد دلیل که منفعت دینی و دنیاوی یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید موز در خواب بر سه وجه
بود یکی زیادتی مال دوم زیادتی دین سوم روزی حلال و عیش خوش و بعضی از معبران گویند اگر وقتی بیند که موز بخورد
کرد زنی خوبروی و توانگر بزنی کند و از وی منفعت یابد موز دیدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید موز در خواب زنان مفسده
دلیل بر خیر و نیکویی کند و در تابستان غم و اندوه بود و اندر موز معبران خلاف کرده‌اند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید

مور

بینی که ... بود و حسان گفته موی میان ابرو ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موی میان ابرو دارد دلیل که غم و اندوه برد
اگر موی میان کسی بخشید دلیل که بیرون از آفت دینی گر غم و اندوه رهایی یابد و متوکل رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ریش
دارم موی میانی خود در دست یافت درویش گشت این بود موی و دانیال علیه السلام گوید موی در خواب مرد را عز و قوت
و از ... و موی چهار پای مال انکه بود و اگر موی بیند که موی سر دراز دارد دلیل که دیانت و صلاح یابد و ریش
بود و دلیلی که غم و اندوه بود ... و اگر بیند که موی سر او سپید شده دلیل که غم و اندوه وی زایل شود
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند موی سر را ستره کرد دلیل صلاح دین و کفارت گناهان بود و اگر ...
جمله بیند بی حرام ... و اگر بیند دلیل که دیش گناه زدوده شود و از غم فرج یابد و اگر بیند که موی
سترده دلیل که ... و اگر ... بیند که موی سر سترده دلیل که تو بهره ...
... اگر رعیت بیند دلیل بر زیادتی غم و اندوه بود و زیادتی موی تن
... دلیل بر زیادتی دین و نقصان او بود و اگر موی سر خود
... نیز تر و اگر سر خود را صلع بیند دلیل بر زیادتی عیش و شادی بود و اگر بیند که ...
... دلیل که ... و اگر بیند که موی خود را میکند دلیل که ... مال تلف کند و اگر بیند
که موی خود را شانه میکرد دلیل که کارهای ... و منفعت بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که موی ...
صلاح دین وی باشد و موی ... دلیل بر یافتن مال و مراد بود و ناستردن موی ... دلیل بر زیادتی ... بود و اگر
بیند که در سینه وی موی بود دلیل که وام بر وی جمع شود و موی بر تن وام ... بود و اگر بیند که موی از تن خود بسترد دلیل بر نقصان
مال وی بود و اگر ... درویش و وام دار بود و دیش گذارده شود و از غم وا رهد و فرج یابد و اگر بیند که ... بر تن خود
و موی از تن خود بسترد اگر توانگر بود دلیل که درویش گردد و اگر درویش بود توانگر گردد و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر
کسی بیند که موی زار بجنت اگر توانگر بود دلیل بر نقصان مال وی باشد و اگر درویش بود توانگر گردد و اگر وام دار باشد وامش گذارده
شود و اگر بیمار بود دلیل که شفا یابد و اگر بیند که موی راست او بمشرق رفت و موی چپ او بمغرب دلیل که او و پسرانش
در مشرق و مغرب نام ایشان مشهور گردد جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر ... بیند که موی او جعد بود دلیل بر حشمت
و دولت وی بود و ... دلیل که نعمت و عزت یابد و اگر بیند که موی میکند دلیل که امانت گذارد و اگر بیند که موی ...
... بود و دلیل که او را زیان رسد ... باشد اگر بیند که موی زهار خود می سترد دلیل که دین وی نقصان پذیرد
جعفر صادق رضی الله عنه گوید که دیدن ستردن موی در خواب بر پنج وجه بود یکی حج گذاردن دوم سفر کردن سوم ...
چهارم ایمنی پنجم دولت و ... در کلام مجید فرمود مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ الآية اگر ... در خواب موی ...
عادت بود دلیل ... آن ... باشد ... ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ... مال حرام بود و اگر کسی ...

از می خورد و مست شد دلیل که بقدر مستی آن جاه و منزلت یابد و اگر بیند که بی می پخته و خمر مست شد دلیل که ترس و بیم عظیم بود بسبب
قوله تعالی وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَىٰ الخ مغربی رحمة الله علیه گوید مستی از می پخته یا شراب مویز بقدر خوردن با مال و نعمت گم شود
و اگر بیند که می پخته داشت و پنهانی می خورد دلیل که با مردم جنگ و خصومت کند و اگر بیند که در میان می پخته غرق شد دلیل که
در خصومت هلاک شود و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که می پخته میخورد دلیل که مال حلال بحرام مبدل گرداند و اگر بیند
که می پخته با آب صافی بود دلیل که مالی بدست آرد که بعضی حلال و بعضی حرام باشد و نیز گویند که مال از زنان بستاند و اگر بیند که می
پخته میفروخت دلیل که چیزی حرام فروشد **میخ** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید میخ در خواب برادر بود و اگر بیند که میخ در دیوار
زد دلیل که برادرش در آنجا که میخ زد مردی فرا گیرد زیرا که دیوار بنا دلیل مرد باشد و اگر بیند که میخی بر سینی ببست دلیل که برادر
بروی بپیوندد و اگر بیند که میخ بر پشت زد دلیل که از پشت او فرزندی آید که پادشاه بود یا بشرف و بزرگی تمام برسد یا از
شود که نام او در تمام عالم منتشر گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید میخ در خواب بهر چیزی بزرگی و شرف دین و دنیا بود و اگر
بیند که میخی بر در خانهٔ او بود دلیل که بزرگی و شرف یابد و اگر بیند که میخ از خانهٔ خود بکند و بینداخت تاویلش بخلاف این بود
و اگر بیند که میخی از چوب یا از آهن یا از نقره یا از مس یا از استخوان داشت دلیل که آن هر دو نوع بود یکی آنکه زن خواهد یا
گیرد و اگر بیند که میخی در ستون یا در چوب زد دلیل که دوستی با کسی کند که موافق باشد و اگر بر درخت زد و قرار گرفت مهیا طا کند
دران که چه درست بود تاویل از آن درخت کنند بدرستی یا بنکاح یا بعطا و صلت مغربی رحمة الله علیه گوید اگر میخ از برنج
یا از مس بود بنا دلیل نیکو باشد و اگر از آهن یا از استخوان بود دلیل نیکوئی و قوت کند و اگر بیند که در دست وی میخ آهنین بود
دلیل که او را فرزندی آید که شایستهٔ پادشاه بود و اگر فرزند ندارد دلیل که حقتعالی او را علم و دانش روزی گرداند و اگر از اهل علم باشد
دلیل که اهل علم او را دوست دارند و اگر بیند که میخ زرین یا سیمین در زمین زد دلیل که از کسب خود توانگر گردد جعفر صادق رضی
الله عنه گوید دیدن میخ در خواب بر چهار وجه بود یکی برادر دوم فرزند سیم دوست چهارم زن خواستن **میش** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید میش در خواب زنی بزرگوار بود و شرح آن در حرف کاف بیان کردیم و اینجا نیز اندکی ذکر کنیم اگر بیند که بر نره
میشی نشسته بود و مطیع او بود دلیل که مردی بزرگ فرمان بردار او شود و اگر با نره میشی در جنگ بود و آن نره میش بروی
چیره گشت دلیل که خصم بروی غالب گردد و اگر بیند که شاخهای نره میش بزرگ و قوی گشته دلیل که آنکس قوی و توانگر شود
و اگر بیند که نره میشی فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که از مردی بزرگ مال و نعمت یابد و اگر بیند که پوست نره میش بکند و گوشتش
جدا کرد دلیل که بر شخصی غالب گردد و مال وی بستاند و اگر بیند که نره میش را از کشتن باز رهانید دلیل که از غم برهد کرمانی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که ماده میش با وی جنگ کرد دلیل که زنی با وی مکر و حیلت کند و اگر بیند که گوشت ماده میش از خانهٔ وی بجای دیگر
شد دلیل که زن وی بعشق کسی دیگر مشغول گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نره میش در خواب بر شش وجه بود یکی
امام دوم خلیفه سوم امیر چهارم رئیس پنجم مال ششم فرزند **میوه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید میوه که ترش و شیرین بود دلیل

میخ

میش

میوه

خیر و منفعت بود و هر میوه که خام و ترش و ناخوش بود دلیل بر سخنهای بیهوده و بیسر و پا باشد و انگور سیاه و انگور زیتون دلیل
بر غم و اندوه بود و اگر بیند که از درخت میوه می‌چید دلیل که بقدر آن میوه از مردی بزرگوار مال یابد و اگر بیند که نشسته بود و از درخت
میوه می‌چید دلیل که آنچه یابد حلال و شایسته بود و اگر بیند که بی آنکه دست بر درخت زد میوه بیفتاد دلیل که بی رنج و تعب وی را
مال حاصل شود و اگر بیند که از درخت لختی میوه فرا گرفت اگر بوقت باشد باکی نباشد و دلیل بر روزی حلال بود و اگر بی وقت
باشد تاویلش بخلاف این بود دانیال علیه السلام گوید هر میوه که در وقت خود بخواب بیند و بخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند
و اگر میوه بوقت خود نباشد دلیل که مالش پراکنده شود و تاویل هر میوه باصل درخت باز گردد خواه نیک یا بد بود و میوه آنچه
زرد بود دلیل بیماری بود و گفته رنج و غم بود و الوکه این بر سرها دین بیان ندارد و میوه‌های ترش غم و اندوه بود و میوه‌های تر چون سیب و شیرین باشد
دلیل روزی حلال بود و میوه‌های بی‌ریشه خوش در خواب دلیل بر مال حرام و اندوه و مصیبت باشد و اگر بیند که میوه تابستان بزمستان میخورد دلیل که
بیمار شود کرمانی رحمة الله علیه گوید میوه شیرین در خواب اگر بی وقت بیند دلیل بر غم و اندوه بود و میوه کالوگیر اگر بیوقت خورد دلیل بر تنگی کارها
و تنگی معیشت بود فی الجمله هر میوه که سبز و تر و خوشبوی و شیرین بود تاویل خیر و منفعت بیشتر باشد اسمعیل اشعث رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که میوه میفروخت اگر میوه باشد که مردم آنرا دوست دارند دلیل که بشغلی بزرگ مشغول گردد و اگر میوه ترش
و ناخوش فروشد دلیل که غم و اندوه و رنج بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید میوه فروش در خواب چون میوه خوش و شیرین
فروشد دلیل بر تر و مضرت بود و معبر باید که نیک و بد بعضی و جنس داند که کدام را چگونه باید گفت و خوابهای هر کسی را باید آن

نوع فرق تواند کردن و تاویل آن ساختن تا از اصل خطا نیفتد و الله اعلم

حرف النون

نابینا ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که نابینا شده است دلیل که از دین و اسلام گمراه باشد و اگر بیند که یک چشم وی کور گشت دلیل
که نیمه دین وی بشود یا گناهی بزرگ کرده باشد و یک اندام از اندامهای وی مصیبت رسد یا شکست کرمانی رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که نابینا را دست گرفت و برد دلیل که گمراه گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نابینا شد دلیل که کارهای جهان
بسته وی بگردد و اگر بیند که یک چشم کسی را کور کرد دلیل که آنکس را از راه دین ببرد و اگر بیند که چهارپای را کور کرد دلیل
بر کسی بود که بدان چهارپای منسوب باشد و وی را گزند و مضرت رساند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نابینائی در خواب
بر هفت وجه بود تنگی درویشی دوم بدحالی سوم غم و اندوه چهارم نقصان تن پنجم مصیبت ششم نقصان مال هفتم تباهی دین
قوله تعالی صُمٌّ بُكْمٌ عُمْيٌ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ و اگر نابینائی بخواب بیند که نابینا شد دلیل که کارهای دنیا بروی گشاده
شود و از آنچه نومید گشته باشد امیدوار گردد و از رحمت حقتعالی نصیب یابد قوله تعالی لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا

ناخن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناخن در خواب دلیل بر سخاوت و قوت مردم بود و بعضی از معبران گفته‌اند
که خداوند سلاح را ناخن سلاح بود و اگر بیند که ناخن را بمقراض ببرید دلیل که دین وی قوی گردد کرمانی رحمة الله علیه گوید ناخن
در خواب عزت و توانائی و حاصل کردن مال دنیا بود و اگر بیند که ناخنهای وی بشکست دلیل که مال نتواند حاصل کردن و اگر ناخن

که ناخن از بن بیفتاد دلیل که قدری از مال وی ضایع شود و اگر بیند که ناخن بیفتاد و دیگر بار و برست و زیادت شد دلیل که کار وی نیکو
گردد و مال بسیار بدست آرد و اگر بیند که ناخنهای او سیاه و کبود شد و کبود شده بود دلیل بر مصیبت او بود و اگر بیند که ناخنهاش
چنان دراز شده بود که هم شکستن خواست دلیل بد باشد و اگر بیند که ناخنهاش از بن بریده بود و متغیر گشته دلیل بر تنگی کار وی
باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناخنهای او بحد اعتدال بود دلیل بر صلاح دین و دنیای وی بود و اگر بیند که ناخنهای
دست میبرید دلیل که مال بسیار یابد و ناخن پای و دست را یک تاویل بود و بعضی از معبران گفته اند تاویل ناخنهای دست
حاصل کردن مال بود و از آن پای هم حاصل کردن مال بود اما در سفر جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن در خواب بر شش
وجه بود یکی قوت و توانائی دوم مقدار مردم در دنیا سوم دلیری چهارم فرزندان پنجم منفعت ششم بنده زادگان یا برادرزادگان
ناخن پیرا یعنی مقراض بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناخن پیرا در خواب مردی بود که قسمت کند اگر بیند که موی سر یا ناخن
را ببرید یا با ناخن پیرا جامه ببرید دلیل که این جمله نیکو بود و اگر بیند که کسی ناخن پیرا بوی داد و یا بخرید اگر پسری دارد دلیل که پسر دیگرش
آید و اگر دختر دارد دختری دیگرش آید و اگر ناخن پیرا دو پاره بود همین تاویل بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی ناخن پیرا
بدو داد یا بخرید یا بیافت اگر اسپی دارد دلیل که اسپی دیگر بخرد یا بیابد و اگر ملکی دارد ملکی دیگر حاصل کند و همه تاویل بر یکی
باشد از چیز نیکو یکی باشد دیگر حاصل کند مغربی رحمة الله علیه گوید مقراض در خواب مردی نیکنام و نیک اصل باشد که با ایشان
دوستی کنند و دین و دنیای وی زیادت گردد جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناخن پیرا در خواب بر سه وجه بود
یکی مرد قسمت کننده دوم مرد نیک اصل سوم دوست ناموافق **نار یا** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نار یا در خواب خوردن
چون شیرین بود و بگوشت گوسپند یا بگوشت مرغان پخته بود دلیل بر خیر و منفعت باشد و اگر بگوشت گاو یا گوشتی غلیظ پخته
باشد دلیل بر غم و اندوه بود **نارمشک** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در زمین او نارمشک رسته بود دلیل
که نامش بخیر و خرمی و خوبی در اندیار منتشر گردد و اگر بیند که نارمشکها از زمین بر کند تاویلش بخلاف این بود کرمانی
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دسته نارمشک تازه داشت و بوقت خویش بود دلیل که خیر و منفعت یابد **نارنج** دانیال علیه
السلام گوید نارنج گونه زرد است اما بوی خوش دارد و بدیدار نیک و پاکیزه است و از میوهای بهشت است لاجرم
در خواب نیکو باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نارنج در خواب از یکی تا سه فرزند بود و اگر بیشتر از سه بود مال باشد لکن
آن نارنجها و نارنج سبز بخواب بهتر باشد و نارنج زرد بوقت خود بد نباشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نارنج سبز
بود و بعضی از معبران گفته اند که نارنج سبز در خواب دلیل بیماری و غم و اندوه بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید نارنج
در خواب بر چهار وجه بود یکی دوست دوم منازعت سوم فرزند چهارم منفعت بود از مردمان **ناطف** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناطف بسیار داشت و از وی میخورد دلیل که او را مال و نعمت بسیار بدست آید و خیرات
و احسان بسیار کند مغربی رحمة الله علیه گوید ناطف انگبین و ناطف دوشاب دلیل بر نعمت و مال بسیار بود الا آنکه

انگشت کهین بهتر باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید انگشت کهین در خواب بر سه وجه بود یکی سخن بهترین دوم ...
سوم معیشت. ناف ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناف در خواب زن بود و کنیزک که دوست می دارد اگر بیند
که ناف وی بیفتاد دلیل که زن را طلاق دهد یا کنیزک بمیرد و اگر بیند که ناف بریده است دلیل که عیال وی بمیرد و
وی تباه گردد و اگر بیند که ناف وی کوچک شد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که ناف وی سوراخ شد دلیل که مال
قلیل بدو آید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناف تا سینه او همچو خطی موی بر آمده بود دلیل که سنتهای پیغمبر صلی الله
علیه وسلم را عیب گرداند و اگر بیند که اصل ناف وی بریده بود دلیل که از مادر و پدر خود جدا گردد و اگر ناف وی
شکافته بود دلیل که دانا و عالم گردد و لیکن مالش برود اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناف کسی ببرید
دلیل که بقدر آن مال وی ضایع شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن ناف در خواب بر پنج وجه بود یکی مال
خویشی دوم کنیزک سوم مال و روزی چهارم پسر پنجم مادر و پدر. ناقوس ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناقوس
در خواب مردی منافق دروغ زن بود و در وی هیچ خیر نباشد و اگر بیند که ناقوس زد دلیل که با مردی منافق نشیند
و بنفاق سخن دروغ گوید و رضا دهد و اگر ناقوس بشکست تاویلش بخلاف این بود و جعفر صادق رضی الله عنه
گوید دیدن ناقوس در خواب بر سه وجه بود یکی دروغ گفتن دوم منافقی سوم مهر اهل کفر در دل داشتن. نام
گردانیدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نام گردانیدن بخواب اگر نام او از نام بهتر باشد چنانکه محمد و احمد
و سعید و صالح و آنچه بدین ماند دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر آن لقب بهتر از نام و لقب او باشد دلیل بر
... جعفر صادق رضی الله عنه گوید نام نیکو و کنیت نیکو در خواب شنیدن چون ابو الخیر و ابو الفضل و ابو
البرکات و مانند این دلیل بر خیر و صلاح کند و آنچه بخلاف این بیند چون ابوجهل و ابولهب و عتبه و شیبه و
اخبها لعنهم الله دلیل بر شر و مضرت کند چنانکه در اول کتاب یاد کردیم. نامه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که نامه سر بسته داشت دلیل که چیزی پوشیده بشنود و اگر نامه سر گشاده داشت دلیل که چیزی فاش بشنود و اگر بیند
که نامه سر بمهر داشت دلیل که مهر نامه آن خیر بود که بوی رسد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی نامه بوی داد
که روی آن نامه بخواند دلیل که از کسی خیر بوی رسد و اگر آن نامه را عنوان نبود دلیل که غم و اندوه بود و اگر بیند که نامه
نبشته بود و مهر برداشت و کسی بگشاد دلیل که او را شغلی پیش آید که بظاهر نیکو نماید و بباطن غم و اندوه و قضا کند و اگر بیند
که مهر نامه بگشاد و بخواند دلیل که عز و جاه او زیادت گردد و اگر بیند که خواب خواننده بود و دید که نامه بخواند دلیل
که عز و جاهش زیاده تر گردد و بعضی از معبران گویند که اجلش نزدیک آمده باشد قوله تعالی اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ
بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نامه پادشاه بود و اگر بگشاد و بخواند
دلیل که غم و اندوه بود و اگر برگشاد و بخواند بشارت نبشته بود دلیل بر شادی و خرمی و منفعت بود و اگر سخنهای زشت

خوش نبشته بود دلیل بر عیش ناخوش و ترس و تشویش بود و اگر بیند که نامه مهر بیافت و بپادشاهی راه دلیل بر خیر و
بود و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نامه از آسمان بدست او آمد دلیل خیر و امیدواری بود و کارهای وی
بدان حاجتی که خواهد و اگر بیند که سخنهای ناخوش نبشته بود دلیل که کارهای او بر نیاید نانها و دانیال علیه السلام گوید دیدن
نانهای پاکیزه در خواب معیشت باشد و اگر نان پاکیزه نباشد دلیل که معیشت ناخوش بود و اگر بیند که نان خرید و بخانه برد دلیل بر خیر
و منفعت بود و روزی فراخ از مال حلال بود و اگر بیند که نان بکسی داد دلیل که راحت بدانکس رساند ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید اگر بیند که درستهٔ نان یافت دلیل که از غم و اندوه برهد و شادی و راحت یابد و اگر بیند که در جائی مجهول نیم نان یافت
دلیل که نیمه عمر او گذشته بود و اگر بیند اندکی نان بیافت و نتوانست خوردن دلیل که اجلش نزدیک رسیده باشد و اگر بیند که
نانهای بسیار داشت و میخورد دلیل که بقدر آن مال حاصل کند و اگر بیند که نان گرم میخورد دلیل که اندوهی بوی رسد کرمانی رحمة
الله علیه گوید نان گرم بخواب دیدن دلیل بمعیشت و راحت کند و نان خشک بخلاف این بود و سبوس خوردن دلیل قحط و تنگی
بود و نان گرم و پاکیزه خوردن دلیل بر عدل و انصاف پادشاه بود و نان کاورس دلیل بر تنگی عیش و پرهیزکاری بود و نان
جوین خوردن دلیل بر زهد و ورع بود و نان برنجین دلیل سختی و بستگی کارها کند و نان عدس و نان باقلا دلیل بر غم و اندوه
کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نان خشک میخورد دلیل که روزی بروی فراخ گردد و بعضی گفته‌اند که خوردن نان تنک
در خواب دلیل بر کوتاهی عمر کند و اگر بیند که نان کرده بر پیشانی آویخته بود دلیل که درویش گردد و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید تاوکل
نان برامرا و مردم بزرگ درخورانست و اگر سلطان یک نان بخواب بیند دلیل که ملکش زیادت گردد و اگر بازرگان بیند دلیل
که مالش زیادت شود و یک نان از یکدرم تا هزار درم باشد بقدر شخص و اگر رعیت بیند ضیاع و عقارش زیادت شود در مال
که هیچ چیزی بخواب دیدن بهتر از نان نباشد زیرا که نان در خواب مال حلال بود که بی رنج بدست آید و نان پختن در خواب
بتاویل کار کردن باشد در طلب معیشت و تعجیل کردن و نان خوردن بزرگی حاصل کردن باشد امام جعفر صادق رضی الله عنه گوید
نان در خواب بر چهار وجه بود یکی عیش خوش دوم مال حلال سوم ولایت شهری چهارم خیر و برکت و باشد که نان در خواب
کسی بود که طلب مال کند و اگر بیند که نان روا شد دلیل که بسیار مال بجنگ و خصومت جمع کند و بعضی از معبران گفته‌اند که نان
در تاویل پادشاه عادل بود ناخواه ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ناخواه دلیل غم و اندوه بود و اگر بیند که ناخواه بکسی داد
یا بیند خورد دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و در دیدن و خوردن ناخواه هیچ منفعت نباشد بجز غم و اندوه ناودان ابن
سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بی ناودان آب از بامها فرود می آمد دلیل که در آن مقام جنگ و خصومت و
خونریختن پدید آید و اگر بیند که باران بنی آمد و از ناودانها آب فرود می آمد دلیل که مردم آن موضع را از پادشاه مصادره
و رنج رسد و اگر بیند که ابر باران بود و از ناودانها آب فرود می آمد دلیل که از حق تعالی جل و علا مر اهل آن موضع عنایت و رحمت
باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ناودان بر بام خود نهاد دلیل که از بزرگی منفعت یابد و اگر بیند که ناودان خانه او

باب نشستن

ت و شکست دلیل که او بیش مخوف این بود و اگر بیند که نای او بشکست آبستن بود دلیل که غلام یا [illegible]
او از ناودان کسی آب فرا گرفت دلیل که بقدر آن از کسی منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید ناودان در خواب بر سه وجه [illegible]

باب نای زدن

رنجش خیر و دوم منفعت سوم خیر و منفعت اندک تا ی زدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نای زدن در خواب دلیل غم و اندوه [illegible]
بود و شنیدن آواز نای دلیل غم و تفکر بود و اگر بیند که نای میزد دلیل غم و اندوه و گرفتار شود کرمانی رحمة الله علیه گوید نای [illegible]

باب نبات

اگر تعبیر بود و مر بر ساقه بود نای زدن خبر نبات شد نبات ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر نباتی که بوقت خود بیند که او [illegible]
دلیل بر خیر و منفعت کند هر نباتی که او ساق و بیخ مستحکم دارد دلیل بر افزونی مال و نعمت و جاه بیند بیشتر و کوتاه [illegible]
بود یکی شاخهای وی بود و اگر بیند که برخی وی نبات و گیاه و درخت برست دلیل که بقدر آن خیر و منفعت یابد و هر چند [illegible]
بیشتر بیند خیر و منفعتش بیشتر باشد و چون بیند که بر چشم و گوش و زبان وی نبات رسته بود دلیل که دنیا بزرگی یابد و اگر [illegible]
رحمة الله علیه گوید نبات زمین در خواب نعمت و مال بود و خواسته مردم خاص و عام را و اگر بیند در زمینی که ملک او بود نبات [illegible]
بود دلیل که بیننده خواب دین دار و مسلمان بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید نبات در خواب بر چهار وجه بود یکی مال و دوم

باب نبات جلاب

منفعت و زندگی و جاه سوم معیشت خوش چهارم زیادتی دولت نبات جلاب ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نبات جلاب [illegible]
و سخن خوش بود و چون بسیار بیند دلیل بر مال و نعمت کند و اگر بیند کسی نبات در دهان وی نهاد دلیل که از آن کس سخن [illegible]
یا چیزی بوسه و کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بجز از نبات [illegible] دلیل که بقدر آن مال و نعمت حاصل کند جعفر صادق [illegible]

باب [illegible]

گوید نبات جلاب در خواب بر پنج وجه بود یکی سخن خوش دوم بوسه دادن سوم منفعت و مال چهارم [illegible] پنجم [illegible] [illegible]
[illegible] مردمان بخشد چندی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که [illegible] شد اگر آن کس از اهل علم بود دلیل که [illegible]
و حسب و نیای [illegible] باشد و هنر خود در آن صنایع صرف کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر [illegible] بیشه کند [illegible] دلیل [illegible]

باب نوشتن

شود و علم و حکمت حاصل کند و بعضی از معبران گفته اند که مال حرام جمع کند و از مردم [illegible] و سرزنش یابد نویسنده [illegible]
گوید اگر بیند که چیزی می نویسد و نویسنده باشد دلیل که بمکر و حیلت مال کسی بستاند و کار زیادی بجنبد و اگر بیند که [illegible]
می نوشت دلیل که مال و نعمت بسیار یابد و اگر بیند که از بهر مردم عامی نوشت دلیل که دل مردم بخویشتن بمکر و حیلت [illegible]
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نامه نویسنده شد دلیل که بمکر و حیلت روزی از مردمان بدست آرد و اگر مردی [illegible]
و بیند که نویسندگی میکرد دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بیند که شعر و غزل عاشقانه می نوشت دلیل که بشغل دنیا مشغول [illegible]
و شغل آخرت فرو گذارد و اگر بیند که قرآن و توحید و دعوات می نوشت دلیل که خیر و منفعت یابد مغربی گوید اگر بیند [illegible]
نوشت و مداد [illegible] خون بود دلیل که بقیامت با ذنب [illegible] رحمة الله علیه گوید اگر دبیری بخواب بیند که خط بهتر از آن نوشت [illegible]
دین و دیانت او صحیح گردد و اگر [illegible] بود تایب گردد و اگر بیند که بسرخی می نوشت دلیل بر عیش و عشرت دنیا کند و اگر بیند که [illegible]
نوشت دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که بسبزی می نوشت دلیل که دانش بخیر و خیری [illegible] مستفید گردد و اگر بیند که بزر و سیم می نوشت [illegible]

پادشاه خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نشستن در خواب بر چهار وجه بود یکی خیر و منفعت دوم مال و نعمت سوم مکر و حیلت
چهارم معزول عمل **نبید** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نبید در خواب مال حرام بود که بجنگ و خصومت بدست
آرد و اگر بیند که در نبید غرق شد دلیل که در فتنه عظیم افتد و اگر بیند که در خانه او نبید بسیار بود دلیل که بقدر آن از دهقانی بدو منفعت رسد
کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که خورد و مست شد دلیل که خوفی و ترسی بدو رسد و اگر بیند که نبید با دیگران میخورد دلیل که بقدر آن که
خورده بود جنگ و خصومت کند و اگر بیند که در جوی یا بر روی نبید میرفت و او در میان شنا میکرد دلیل که در فتنه افتد و اگر بیند که پیاله نبید
در دست او بود ندیم او بستد دلیل که بسبب معیشت دنیا جنگ و خصومت کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نبید آب آمیخته
بود و میخورد دلیل که مال بدست او افتد که بعضی حلال و بعضی حرام باشد و اگر بیند که نبید میفروخت دلیل که مال بر باد دهد و خوردن
نبید والی را دلیل بر عزل بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید نبید در خواب بر سه وجه بود یکی تزویج پنهانی دوم مال حرام سوم نعمت
پنهانی اگر بیند که نبید میمالید دلیل که بر سلطان و رئیس نزدیک شود و از ایشان مال یابد **نخاسی** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که نخاسی میکرد دلیل که سخنهای محال گوید و سوگند دروغ خورد و نخاسی در خواب هیچ فائده نبود **نخجیر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
اگر بیند که نخجیر او را مطیع و رام شد دلیل که مهتر و بزرگ شود و بعضی از معبران گویند که سالار روزوان شود و اگر بیند که نخجیر از دست او بگریخت
تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که بصورت نخجیر شد دلیل که بی دین شود و بباطل گراید مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نخجیر بتیر یا بدام
گرفت دلیل که بقدر نخجیر او را از مردی بیابانی بمکر و حیلت فایده رسد و اگر بیند که گوشت نخجیر میخورد دلیل که از مال مردی بیابانی خیر بیند
و اگر بیند که در میان نخجیران مقیم شد و از آن نخجیران او را گزند نرسید دلیل که در میان گروهی بیابانی مقام سازد و از ایشان خیر و منفعت او را
رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل که او را از ایشان خیر و منفعت نرسد و اگر بیند که نخجیران با وی سخن گفتند و وی را مطیع شدند اگر از اهل علم و فضل بود
دلیل که پیش پادشاه مقرب گردد و مال یابد و اگر جاهل بود دلیل که کاری کند که مردم از آن کار عجب آید **نخود** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
نخود در خواب خواه تر و خواه خشک دلیل بر غم و اندوه بود و اگر کسی بخواب بیند که نخود از کسی بستد و بخورد دلیل که بسبب کسی بدو غم
و اندوه رسد و اگر بیند که نخود بکسی داد و آنکس بستد و بخورد تاویلش بخلاف این بود و اگر بیند که نخود بخروار داشت دلیل که در غم و اندوه
گرفتار شود و اگر بیند که نخود بشوربا یا بگوشت پخته میخورد دلیل که غم و اندوهش کمتر بود **نرد باختن** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید نرد باختن در خواب باطل و فریب دنیا بود و اگر کسی بخواب بیند که نرد می باخت و بخصم غلبه کرد دلیل که بسبب کاری
باطل و فریب دنیا بر کسی غلبه کند و اگر بیند که آنکس بر وی غالب آمد تاویلش بخلاف این بود **نردبان** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بر نردبان بالا میشد و آن نردبان از گل و خشت بود دلیل بر خیر و صلاح کند و دین وی زیادت گردد
و نیکوئی بدو رسد و اگر نردبان از سنگ و آهک بود دلیل که سنگدل و بیرحم بود و اگر از چوب بود دلیل بر ضعف دین او کند
و اگر بیند که بر نردبان بالا شد اگر از آهک باشد دلیل که پادشاه شود و اگر از آهک نباشد دلیل که خیر و منفعت یابد و اگر بیند
که از نردبان بزیر آمد تاویلش بخلاف این بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از نردبان بزیر افتاد دلیل که از جاه و بزرگی بیفتد

و از حضرت جعفر صادق رضی الله عنه گوید ریحان در خواب صلح و یار پارسا بود و بر دشمن ظفر یابد و [illegible]
بود **نرگس** دانیال علیه السلام گوید نرگس در خواب مردی ظریف و خوبروی و لطیف بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
نرگس در خواب سخن شیرین باشد و اگر زنی بیند که نرگس تازه فرا گرفت یا کسی بوی داد دلیل که او را فرزندی خوبروی آید و اگر
شوهر ندارد دلیل که شوهری خوبروی کند و اگر بیند که نرگس از زمین بر کند دلیل که زن را طلاق دهد یا فرزندش [illegible]
که نرگس از درخت بر کند و غلام دارد دلیل که غلامش بگریزد و اگر زنی بیند که دسته نرگس شوهر را داد دلیل که شوهرش [illegible]
جعفر صادق رضی الله عنه گوید که نرگس در خواب بر سه وجه بود یکی مرد ظریف خوبروی دوم فرزند سوم [illegible]
آدمی و دیر ماند و اگر بیند که نرگس گرفت دلیل که با جهان نیکوئی کند و در خیر مشهور گردد و اگر بیند که نرگس او در دنیا برفت شد دلیل که عیالش [illegible]
نرم ساعات خوانند اگر بیند که نرم او گرفت دلیل که بعد از آن ضلالت گمراهی آمده در دین و اگر بیند که نرم بود و در دستها او بدل شد دلیل که [illegible]
و اگر بیند که نرمش بود و با نرمش شد دلیل که منافق بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند که نرم تاریک شد دلیل
واند و بود و کارهای شان بسته گردد و اگر بیند که هوا روشن بود و ناگاه نرم پدید آمد دلیل که مرگ مفاجات [illegible]
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نرم در خواب بر چهار وجه بود یکی تاخیر دوم پوشیدن کارها سوم بدعت چهارم [illegible]
اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که از نرم بر روشنائی آمد دلیل که از درویشی بتوانگری آید و از بدعت [illegible]
او دور باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نرم در خواب خوب نباشد **نسترن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نسترن [illegible]
اگر بوقت خود بود دلیل که چیزی بوی رسد و نیز گویند که او را فرزندی آید و اگر نسترن از درخت دور باشد دلیل غم [illegible]
بود و اگر بیند که کسی دسته نسترن بوی داد دلیل که میان ایشان گفتگوی پیدا شود و اگر گل نسترن بر درخت بیند دلیل که
خرمی بوی رسد و باشد که از کسی چیزی اندک یابد **نشاسته** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نشاسته گندم در
خواب مال حلال بود که از تجارت برنج بدست آید اگر بیند که نشاسته میخورد دلیل که اندوهگین شود و بعضی معبران گفته اند
بیمار گردد و اگر بیند که از نشاسته حلوا کرد و بخورد دلیل که مال و نعمت بدست آورد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که [illegible]
نشاسته میکرد دلیل که از کسب خود برنج و سختی چیزی حاصل کند **نشستن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که بر
سریر نشسته بود و قرار گرفته بود دلیل که در سفر کارش نیکو شود و اگر بیند که بیاز خفته بود [illegible] جعفر صادق رضی الله عنه
نشستن بر اسب یا بر استر یا بر شتر دلیل بر چهار وجه بود یکی بخت دوم دولت سوم رفعت چهارم فرمانروائی و نشستن بر [illegible] دلیل
کند چنانکه یار مطیع او باشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که با مردم مصلح بمعرفت در راه بنشست دلیل که مراد یابد و بر مخالفان [illegible]
چنانکه حق تعالی در کلام مجید فرموده قوله تعالی فرح المخلفون بمقعدهم و اگر بیند که با مخالفین بود و معرفت [illegible] بنشست
تاویلش بخلاف این بود اسمعیل اشعث گوید اگر بیند که با گروهی مصلحان و پارسایان نشسته بود دلیل که خیر و صلاح او بیابد [illegible]
گردد و اگر بیند که با فاسقان نشسته بود تاویلش بخلاف این بود **نعل** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نعل در خواب مال بود [illegible]

برسد و اگر بیند که نعل ستر و داشت دلیل که از پادشاه منفعت یابد و اگر بیند که نعل خران داشت دلیل که بقدر آن مال از بزرگان حاصل کند
و اگر بیند که نعلبندی میکرد چهارپایان خود را دلیل که بسفر رود و نعلبندی کسی بود که میان مردم دوستی جوید **نعلین** ابن سیرین
رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که دوال نعلین بشکست دلیل که روزگاری در سفر باز ماند و اگر بیند که نعلین او سوراخ داشت
دلیل که بسبب کاری از سفر باز ماند و رنج کشد و اگر بیند که نعلین او سبز بود دلیل که سفرش از برای آخرت باشد و اگر بیند که نعلین تنگ بود
بدان سبب از سفر باز ماند دلیل که کنیزکی یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نعلین او سیاه بود دلیل که از زن مالدار باشد و اگر
سرخ بود و زن معاشر بود و طرب دوست دارد و اگر بیند که نعلین او سفید بود دلیل که از زن پارسا و پاکیزه روی بود و اگر بیند که
نعلین او ملون بود و این صفتهایی که گفتیم از هر یکی بهرجی روی بود و اگر بیند که نعلین را از پوست گاو بند داشت دلیل که آن زن از
اهل عجم بود و اگر بیند که بند نعلین او از پوست اشتر بود دلیل که از اهل عرب بود اگر بوقت رفتن نعلین او بیفتاد در ضبط [illegible]
احتیاط کند و آن نعلین او از پوست چه بود اگر از پوست اشتر بود دلیل که زنش بیمار شود و اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند که
نعلین او بدزدیدند همین تاویل دارد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نعلین در خواب بر سه وجه بود یکی سفر دوم زن سوم کنیزک **نعناع**
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نعناع در خواب غم و اندوه بود اگر کسی بخواب بیند که در زمین ملک او نعناع بود دلیل که در غم و
اندوه گرفتار شود و اگر بیند که نعناع میخورد دلیل که اندوهش بیشتر بود و اگر بیند که نعناع در زمین دیگران بود دلیل که خداوند زمین
را غم و اندوه بود و اگر بیند که نعناع از زمین خود بر کند و بینداخت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد **نفت** ابن سیرین رحمة الله علیه
گوید نفت در خواب زنی ابکار بود و اگر زنی بخواب بیند که نفت در خود مالید دلیل که با زنی ابکار جمع شود و بعضی از معبران گفته اند که
چیزی حرام خورد و اگر بیند که نفت بسیار داشت دلیل که مال حرام جمع کند مغربی رحمة الله علیه گوید نفت در خواب بر سه وجه بود
یکی زن ابکار دوم مرد غماز عوان سیوم مال حرام **نفرین** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که بر ظالمی نفرین میکرد
دلیل که بر آن ظالم نصرت یابد و اگر بیند که او ظالم بود و مظلوم او را نفرین میکرد تاویلش بخلاف این بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند
که بناحق بیگناهی را نفرین میکرد دلیل که بر کسی ظلم کند مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که مردی را بناحق نفرین کرد دلیل که کار او
بد شود و بعضی از معبران گویند که نفرین بناحق در خواب بخداوند خواب باز گردد و اگر نفرین بحق کند تاویلش بر آنکس باشد
که او را نفرین کند و نفرین مصلح را زودتر اثر کند از مفسد و مفسد اگر نفرین بحق یا ناحق کند بخصم باز گردد **نقاد** در خواب عالم
و دانا و حکیم بود زیرا که اختیار کننده هر چیزیست بهترینها باشد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کسی دیندار صالح نقاد
شد دلیل که از خود علوم دین و قرآن حاصل کند و اگر خواستگار دنیا بود دلیل که از بهر خود شرف و بزرگی حاصل کند و مال حسب [illegible]
کند مغربی رحمة الله علیه گوید نقاد در خواب مرد عاقل و متمیز بود و در میان چیزهای نیک و بد و در میان مصلح و مفسد جعفر صادق
رضی الله عنه گوید نقاد در خواب بر چهار وجه بود یکی مرد دانا دوم حکیم سوم خردمند چهارم دریابنده کار **نقره** دلیل زنان
آزاد کند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که نقره از کار خود فرا گرفت دلیل که از آن موضع و ولایت که او بود زنی از [illegible]

نعلین
نعناع
نفت
نفرین
نقاد
نقره

[illegible] اگر بیند [illegible] فرو برد [illegible] نقصان شود. جعفر صادق [illegible]
[illegible] رحمة الله علیه گوید اگر بیند [illegible] دلیل [illegible]
[illegible] بخواب [illegible] نقصان ابن سیرین رحمة الله علیه گوید [illegible]
بیند [illegible] نقصان [illegible] دلیل [illegible] نقصان شود [illegible]
[illegible] رحمة الله علیه گوید اگر بیند [illegible] نقصان [illegible] دلیل [illegible]
تکار کرد ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند [illegible]
[illegible] باشد [illegible] رحمة الله علیه گوید [illegible] بخواب [illegible]
[illegible] قوله تعالی ما هذه التماثیل التی انتم لها عاکفون [illegible] رحمة الله علیه [illegible]
[illegible] اسمعیل اشعث رحمة الله علیه گوید اگر بیند [illegible]
[illegible] دلیل [illegible] جعفر صادق رضی الله عنه گوید [illegible]
[illegible] ابن سیرین رحمة الله علیه گوید [illegible]
بخواب شرف و بزرگی [illegible] باشد و اگر بیند که نگین انگشتری [illegible]
[illegible] نقصان [illegible] و اگر بیند که نگین انگشتری بشکست [illegible]
[illegible] دلیل [illegible] نگین [illegible] رحمة الله علیه گوید نگین [illegible] پادشاه [illegible]
[illegible] جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن نگین انگشتری در خواب بر [illegible] وجه بود [illegible]
[illegible] ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند [illegible]
جانب مشرق [illegible] دلیل [illegible] و اگر [illegible] باشد [illegible] جانب [illegible] باشد و اگر بیند [illegible]
[illegible] دلیل [illegible] دین اسلام [illegible] باشد و اگر بیند که [illegible] نماز [illegible]
[illegible] باشد [illegible] و اگر بیند که نماز [illegible] دلیل [illegible]
[illegible] دلیل [illegible] رحمة الله علیه گوید اگر بیند که [illegible] دلیل [illegible]
[illegible] و اگر بیند که وقت نماز [illegible] نماز [illegible] دلیل [illegible]
بیند که نماز [illegible] دلیل [illegible] باشد [illegible] و اگر بیند [illegible]
است [illegible] دلیل [illegible] و اگر [illegible] بود و اگر بیند [illegible]
[illegible] دلیل [illegible] رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نماز [illegible]
[illegible] دلیل [illegible] حق تعالی [illegible] باشد [illegible] دلیل [illegible]

بر آمید که دارد بر آید و اگر بیند که فریضه شام میگذارد دلیل که با عیال خود معامله کند و از ان شاد و خرم گردد و اگر بیند که نماز
میگذارد دلیل که بسفر رود و اگر حیض زنی بیند ما نقص شود و اگر بیند که بی وضو نماز میگذارد دلیل که بیمار شود و اگر بیند که فریضه عشا
میگذارد دلیل که ایمن شود و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که در باغ نماز میگذارد دلیل که از گناه توبه کند و اگر بیند که در کشتیها نماز میگذارد
دلیل که دانش گذارده شود و اگر بیند که بجای نماز تهی نبود و نماز گذارد دلیل که مفسد و بدکردار باشد و اگر بیند که نماز کرد و روی
بصحرا نهاد دلیل که زیارت تربت مبارک حضرت رسول صلی الله علیه وسلم بکند و اگر بیند که در کعبه نماز گذارد دلیل که کارش خلیفه
منتظم شود چنانکه خاطر وی خواهد و اگر بیند که بعد از نماز سجده کرد دلیل که بر مردی بزرگ و از محتشم ظفر یابد و بر وی مسلط شود
و اگر بیند که بجز خدای تعالی کسی را سجده کرد دلیل که مرادش حاصل شود و اگر بیند که بر سر دیواری سجده میکرد دلیل که با و از
بزرگان رنج و خواری رسد و اگر بیند که نماز میگذارد و انجمن میخورد دلیل که با عیال خود نزدیکی کند و اگر بیند که در نماز تحیات
نشسته بود دلیل که از غم فرج یابد و حاجتش روا گردد و اگر بیند که سلام نماز اول بدست چپ داد دلیل که احوالش شوریده شود
و اگر بیند که نماز نشسته میگذارد دلیل که بر دشمن ظفر یابد و بعضی گویند فرزندی گوید که از وی بیند برند و اگر بیند که در نماز خود را دعا کرد
دلیل که وی را فرزند آید قوله تعالی اذ نادی ربه نداءً خفیا اگر بیند که در تاریکی نماز گذارد دلیل که از غمها فرج یابد و اگر بیند که نماز
شب میگذارد دلیل که از همه ترسها ایمن گردد و نعمت و بزرگی و فرمانروائی یابد و اگر بیند که نماز بر پهلوی میگذارد دلیل که بیمار گردد
و اگر بیند که نماز جمعه میگذارد دلیل که در سفر رود و روزی حلال یابد و اگر بیند که در بیت المقدس نماز میگذارد دلیل که میراث یابد و روزی
بر وی فراخ گردد و اگر بیند که در کعبه نماز میگذارد یا در بام کعبه دلیل که روی بکعبه آورد و عاقبت کارش بخیر گردد حافظ معبر رحمة الله علیه
گوید نماز گذاردن در خواب بر سه وجه بود یکی فریضه دوم سنت سیم تطوع و اگر بیند که نماز فریضه میگذارد دلیل که حق سبحانه و تعالی جل جلاله
او را حج روزی گرداند و از فواحش نگاه دارد قوله تعالی إِنَّ الصَّلٰوةَ تَنْهٰى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ و اگر بیند که نماز سنت میگذارد
دلیل بر صبر کردن کارها و آشکارا شدن نام نیکو و شفقت بر خلق بود و اگر بیند که نماز تطوع میگذارد دلیل بر گرامی داشتن عیال
و سعی کردن در کارهای دوستان و مروت کردن با هر کسی بود و اگر بیند که بر ستور نماز میگذارد دلیل که او را همی عظیم رسد و اگر بیند
که در کار خانه یا در دکان نماز میگذارد دلیل که حق تعالی در کار و کسب او برکت کند و اگر بیند که نماز آدینه گذارد دلیل که کار وی بهم گردد خالد
اصفهانی گوید رکوع و سجود در خواب بحضرت باری تعالی عز و جل دلیل تقرب بود قوله تعالی كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ
و معبران گفته اند اگر بیند که در نماز رکوع نکرد دلیل که زکوة مال ندهد و اگر بیند که نماز بجای آورد دلیل که ایزد تبارک و تعالی عبادات او را
روا کند و دعای او مستجاب کند و بر وی رحمت کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید نماز گذاردن در خواب بر هفت وجه بود یکی ایمنی
دوم شادی سوم عز و جاه چهارم مرتبت پنجم رستگاری ششم مراد یافتن هفتم نقصان در قضا همراه گوید که رکوع و سجود در خواب بر پنج
وجه بود یکی مراد یافتن دوم دولت سوم نصرت چهارم ظفر یافتن پنجم امر حق تعالی بجای آوردن قوله تعالی يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا
وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَاتِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ و اگر بیند که بر مرده نماز گذارد دلیل که او را دعا و ثنا گوید و اگر بیند که نماز

بریان

یا بر گناه ... و درویش خلاف این بود و هر چند بیشتر و لذیذتر بهتر ... بیند نان سپید و پاکیزه درست دلیل که مال حلال بود و اگر ...
سپید و نان ... منفعت باشد و اگر بیند که نان بسیار داشت دلیل که چند آن از کسب مال حاصل کند و اگر بیند که نان بسوخت ...
یغما ... کند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نان نرم و تازه یا مانند سپید داشت دلیل که زن تو انگر خواهد ... کی ...
بود و اگر بیند که نان ... بهتر بود دلیل که از پادشاه منفعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نان در دست داشت ... و ضایع شد ...
... شود و ... در خواب مردی بود که بجدال ... و از حرام پرهیز نماید نمک ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نمک ...
... و کاری نیکو کردن بود و اگر کسی بخواب بیند که نمک سپید داشت دلیل که بقدر آن درم ... سلکند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر ...
بیند که نمک خورد دلیل که ... گیرد و کار ... و نمک ... سیاه دلیل جنگ و خصومت بود جعفر صادق رضی الله عنه
گفته که نمک در خواب بر پنج وجه بود یکی درم ... دوم آبروی سوم نیکوئی چهارم مال بسیار پنجم خادم نیکو و نمک ...
در خواب بر چهار وجه بود یکی درم ... دوم سخنهای ناخوش سوم غم و اندوه چهارم خورسندی نمک سود
ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که گوشت نمک سود فربه بود و خورد دلیل که نعمت و روزی بود و میراث یابد و اگر گوشت
نمک سود لاغر بود دلیل که زیانی بدو رسد و هر چند که شور تر و لاغرتر بود دلیل مضرتش بیشتر بود و گوشت قدید خوردن ...
دلیل بر غلبت کردن بود مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت قدید است لاغر بود دلیل که از مردم یا پادشاه او را زیان رسد
اگر گوشت ... بود دلیل که از جهتی منفعت یابد و اگر نمک سود از گوشت چهار پایان رسمی ... لاغر بود دلیل که از ...
... منفعت بیند فی الجمله در گوشت لاغر منفعت نباشد نهنگ ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نهنگ در خواب دزد باشد و ستمگر
و ستیزنده بود و اگر کسی بخواب بیند که نهنگ او را سوی آب کشید و غرق شد دلیل که در آب هلاک شود و اگر بیند که نهنگ او را
بگزید دلیل که بقدر گزند او را از دشمن مضرت رسد و زحمت بیند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که او را آب فرو برد دلیل که ...
هلاک کنند و اگر بیند که نهنگ بر او غالب شد تاویلش خلاف این بود و اگر بیند که گوشت یا پوست یا استخوان نهنگ
داشت دلیل که از دشمن منفعت یابد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نهنگ او را در آب کشید دلیل که در دست دشمن شهید شود
نو دیدن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هر چیز که نو باشد پسندیده بود و دلیل بر خیر و خرمی بود و گفته ام در حرف کاف بیان کرده ...
نوحه کردن ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی در خواب بیند که نوحه میکرد دلیل که آن موضع بد و مبارک نباشد
و مردمان ... آن موضع متفرق شوند و اگر بیند که والی آن شهر بمرد و مردم بر او نوحه میکردند دلیل که ایشان از آن والی رنج و ستم
رسد و بعضی از معبران گویند که والی را ضرر باشد و اگر بیند که با نوحه میگریستند دلیل که بر ایشان بیداد و ستم کنند ...
وی غمگین و مستمند شوند کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نوحه میکرد و فغان میداشت دلیل که او را غم و اندوه بود
و از ... رسد و اگر بیند که میگریست و آهسته نوحه میکرد دلیل خرمی و شادی بود و اگر بیند که با زنان در ماتم ... بود
و نوحه با آواز میکردند دلیل که بسبب پادشاه در آن موضع غم و اندوه رسد نوشادر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید ...

در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند نوشادر داشت دلیل که غمگین گردد و اگر بیند که نوشادر میخورد دلیل که غم و اندوه صعبتر بود **نیزه** و **مسند** ابن سیرین رح

گوید اگر کسی بخواب بیند که بر مسند تراران شد که در بیداری بود دلیل بر نیکوئی احوال او در دنیا و آخرت بود اگر مصلح بود و اگر مفسد بیند

دلیلش بخلاف این باشد **نیزه** ابن سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بیند که نیزه و سلاح دیگر داشت دلیل بر بزرگی و کامرانی یابد چنانکه در

ولایتها فرمانش روا گردد و اگر بیند که بغیر نیزه هیچ سلاحی نداشت دلیل که او را فرزندی یا برادری آید و اگر بیند که نیزه وی بشکست دلیل که فرزند

یا برادرش بمیرد و اگر بیند که نیزه او کسی ببرد دلیل که کار وی دشوار گردد و اگر بیند که کسی او را نیزه زد و زخمی کرد دلیل که غیبت مردم گوید نیزه

در خواب دلیل قوت و ظفر یافتن بر مردم بود و اگر بیند که سر نیزه در دست داشت دلیل که او را با مردی غریب نیکوکار صحبت افتد و از وی

خیر و منفعت یابد جعفر صادق رضی الله عنه گوید نیزه در خواب بر هشت وجه بود یکی قوت دوم سفر سوم ولایت چهارم زن پنجم فرزند ششم

یمنی هفتم توانائی هشتم راستی بمقدار نیزه و نیزه گر در خواب مردی بود که با مردمان یاری کند و از وی هر کس قوت رسد **نبشتن**

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که می نبشت با کسی بوی می آموخت دلیل که دانش خواهد آموزد و اگر بیند که چیزی می نبشت دلیل

بر شر و فساد بود و اگر بیند که از قرآن و احادیث و توحید و دعوات می نبشت دلیل خیر و صلاح بود و اگر چیزی از شعر و غزل می نبشت دلیل

بر شر بود **نیشکر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که نیشکر بمکید دلیل که بکاری مشغول گردد که در آن کار رنج بسیار کشد و از گفتگوی

خصومت باشد و اگر بیند که نیشکر بکسی داد دلیل که از گفتگوی خلاصی یابد **نیکو کردن** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید نیکی کردن در خواب دلیل

بزرگواری در دین بود و بدان قدر که نیکی کند رستگاری یابد از عذاب آخرت خاصه که مؤمن و پارسا بود کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر

بیند که با مردی نیکوئی کرد و او خوار داشت دلیل که در همه کارها ناسپاس بود قوله تعالی ولا تنسوا الفضل بینکم ان الله بما

تعملون بصیر اگر بیند که نیکی با اهل شرک کرد دلیل که مال خود تصرف بهر کسانیکه حاجت باشد بر خیزد و جهانی ماملک **نیل** ابن سیرین رح

گوید دیدن نیل در خواب غم و اندوه بود و اگر بیند که نیل داشت دلیل که بقدر آن او را غم و اندوه بود و اگر بیند که نیل بکسی داد یا از وی ضایع

شد دلیل که از غم و اندوه رسته گردد و اگر بیند که جامه خود را بنیل رنگ کرده بود دلیل که او را غم و اندوه رسد و دلیل مصیبت از سبب

خویشان و دوستان بود و اگر بیند که نیل میسوزد دلیل که دزد یا آفتی بوی رسد **نیلوفر** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب نیلوفر

بجای خود بوقت خود بر درخت بیند دلیل که از کسی چیزی بوی رسد یا او را فرزندی صالح آید و چون از درخت جدا بود دلیل غم و اندوه بود

کرمانی رح گوید اگر زنی بیند که نیلوفر از درخت بشکست و بغلام داد دلیل که غلامش بگریزد و اگر بیند که دوستی دسته نیلوفر بوی داد دلیل که میان

ایشان جدائی افتد دانیال علیه السلام گوید درخت نیلوفر در خواب دلیل کنیزکی بود که از وی او را زیان رسد **حرف الواو** **واشه**

ابن سیرین رحمة الله علیه گوید چون واشه را مطیع و فرمان بردار خود بیند چنانکه از دست بر دو بانگ کند و را باز آید دلیل بر مال حلال بود

و منزلت خداوندش بود و اگر بیند که واشه سپید و پاکیزه بود که بر دستش نشسته بود و مطیع او بود دلیل که از مردی بزرگ قدر و جاه و منزلت

یابد و اگر بیند که واشه بپرید و رشته در دست وی بماند دلیل که قدر و منزلتش زایل گردد مغربی رح گوید واشه در خواب پادشاهان را ملک

بزرگواری بود و توانگران را مال باشد و درویشان را فرزند بود و اگر بیند که واشه از دستش بیفتاد و بمرد و اگر صاحب خواب پادشاه بود دلیل که

اگر بیند که امیر بود یا سروری بود دلیل که از جاه و مرتبت بیفتد و اگر تواگر بیند درویش گردد و اگر درویش بیند توانگر شود بیمار و خصم
بیند اگر که واشه مردی بشیرم بود و اگر بیند که گوشت واشه میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن خورد و اگر بیند که واشه بسیار در حالی است
دلیل که عیاران وی آشوب و جنگ شوند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن واشه در خواب بر چهار وجه بود یکی قدر و منزلت دوم فرمان
سوم مال چهارم منفعت **والی** کارداری و فرمان روائی بود و اگر بیند که کارداری از تخت بیفتاد و تخت او بشکست یا کسی از وی
بستد یا سرای او خراب گشت یا دامی گرفتار شد و گستر شد یا چهارپائی بسر آمد و بیفتاد یا کسی او را بکشد همه دلیل که اگر آنکه از شرف
و بزرگی بیفتد و معزول گردد و ابن سیرین رح گوید اگر کارداری بیند که دستار خویش با دستار کسی بپوشد دلیل که بزرگی و سیرت نیکو بر وی
بماند و بماند و اگر بیند که بندی بر پای او است دلیل که شرف و بزرگی او زیادت گردد و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که کاردار شد و عمل
منصف و بیداد بود چنانکه مردم از وی خوشنود بودند دلیل که خیر و صلاح یابد و اگر بخلاف این بیند دلیل بر شر و فساد بود و گر بیند
مفسد و بدسابود **وحوش** چهارپایان دشتی باشند هر چند از ایشان بزرگتر بود دلیل بر مردان کند و هر چند خرد بود دلیل
بر زنان بود و ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که وحوش صید میکرد یا کسی از وحوش صید بدو داد دلیل بر مال و نعمت و منفعت
و گوشت و پوست او همین دلیل بود کرمانی رح گوید اگر بیند که وحوش مطیع و فرمان بردار او شده چنانکه سلیمان علیه السلام بود دلیل
گروهی از مردمان بیگانه فرمان بردار شوند مناسب که بیننده خواب مستور بود **ورق** در حرف صاد گذشته است
و روغن نان هر دو در خواب ابتدا و شفقت بکند بیگر بود و اگر بیند که روغن نان کسی بری داد دلیل که او را ابتدا کرده
و مستور و مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که درو داشت دلیل که با کسی صحبت کند که او را حق بر وی بود و باطل و رکند و اگر بیند که
او بشکست دلیل که از صحبت چنین کسی جدا شود جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن وی در خواب بر سه وجه بود یکی منفعت دوم
اتباع بکار عیب کند سوم کار دشوار که بر وی آسان گردد **ورد** ابن سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بیند که بر دست
دشمن و دوستی دست دلیل که بر دشمن غالب گردد و او را قهر کند کرمانی رح گوید اگر بیند که در دو حیز و دست چون غلام و کنیزک دلیل
بر حیر و منفعت بود و اگر بیند که صدر او از کار بسته نانی خرید دلیل بر باشد مغربی رحمة الله علیه گوید اگر برده غلام بود که خریدی دلیل
بر باشد اگر فروخت دلیل که نیک باشد و اگر غلام که فروخته بود باز خرید دلیل که بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که صد و داشت و از دوم
بگریخت اگر غلام بود دلیل نیک باشد و اگر کنیزک بود دلیل بد باشد و نقصان مال بود و برده فروش مردی بود که خیانت مردان کند
ورسان بازوی بود که خراسان آن کبوتر خوانند و ریشه وی در خواب زن یا کنیزک بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر
کسی بخواب بیند که کبوتر بگرفت یا کسی بدو داد دلیل که زن خواهد و اگر بیند که ورسان بخرید یا گراز دست وی بپرید دلیل که زن را
طلاق دهد یا کنیزک فروشد کرمانی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که ورسان بکشت و گوشت او بخورد دلیل که بقدر آن مال از
بستر بیابد و اگر بیند که ورسان بسیار داشت دلیل که کنیزک بسیار گرد و بیز قوی خواند جعفر صادق رضی الله عنه گوید
دیدن وی در خواب دلیل بر سه وجه بود یکی منفعت دوم صحبت سوم غم و اندوه **وزغ** ابن سیرین رح گوید وزغ در خواب

او دعا به بود واگر کسی بخواب بیند که زاغی بگرفت دلیل که با مردی بدین صفت مصاحب شود واگر بیند که با زاغ جنگ کرد دلیل که با چنین
مردی خصومت کند واگر بیند که زاغ بسیار در جائی جمع شدند و فریاد میکردند دلیل که در آن موضع عذاب خدای تعالی فرا رسد مغربی رح
گوید اگر بیند که زاغ را بکشت و از گوشت وی بخورد دلیل که مردی زاهد را قهر کند و بقدر آن مال او بستاند و غرامت کند واگر بیند که
زاغ او را بگزید دلیل که از مردی زاهد وی را رنج رسد واگر بیند که زاغی را از آب بگرفت و بر خشک انداخت دلیل که زاهد را از کار
باز دارد و مضرت رساند وزیر ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که وزیر پادشاه را کاری نیکو بود دلیل که آن وزیر را کار
نیکو شود و دولتش زیادت گردد واگر بخلاف این بیند تاویلش بد بود واگر کسی بیند که وزیر شد و منصف و دادگر بود
دلیل که بعدل و انصاف خویش شرف و بزرگی یابد واگر بیند که وزیر بساط بگسترد دلیل که جاه و نعمت و مال بروی فراخ گردد و عمرش
دراز بود واگر بیند که وزیر وی را خلعت و کلاه داد دلیل که مردم وی را والی گردانند واگر بیند که وزیر در سرای او آمد دلیل که او را
بسبب پادشاه غم و اندوه رسد کرمانی رح گوید اگر بیند که با وزیر طعام خورد دلیل که از وی شرف و بزرگی یابد واگر بیند که
خانه وزیر افتاده بود یا بیمار بود یا پادشاه او را معزول کرده بود یا اسپ وی را بیفکند یا کالای او را بیرون نزد اینند دلیل
بر عزل وی بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید وزارت دیدن در خواب بر چهار وجه بود یکی آنکه اگر بیند که چشم او نابینا
گشته بود دوم آنکه چون بیند که چشم او و جمله بینا گشته بود سوم آنکه چون بیند که پادشاه کمری بر میان او بست چهارم آنکه
از چهار یاران رسول صلی الله علیه وسلم یکی تاجی بر سر او نهاد این همه دلیل بر یافتن وزارت کند **وسمه** ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید وسمه در خواب غم و اندوه بود واگر بیند که زمینی داشت و در آن زمین وسمه بسیار بود دلیل که در غم و اندوه بود واگر
بیند که زمینی داشت و در آن زمین وسمه بسیار بود دلیل که در غم و اندوه گرفتار شود واگر بیند که وسمها از زمین برکند و
بینداخت دلیل که از غم و اندوه خلاصی یابد واگر بیند که وسمه بچید دلیل که بسبب عیال در رنج و محنت افتد واگر کسی بیند
که دسته وسمه بدو دادند دلیل که میان ایشان خصومت افتد مغربی رح گوید اگر بیند که دسته وسمه بدست عیال خود داد دلیل
که از همدیگر جدا گردند و در دیدن وسمه خیر نباشد **وشه** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید وشه در خواب غم و اندوه بود واگر بیند
که وشه بر جامه داشت دلیل که غم و اندوه زیادت گردد واگر وشه بکسی داد دلیل که از غم و اندوه خلاص شود مغربی رحمة الله
علیه گوید اگر بیند که چیزی بوشه بپوشانید دلیل که کار پراکنده او جمع شود واگر بیند که وشه بسوزانید دلیل که غیبت مردم بسیار
گوید **وضوی نماز** ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که دست و روی با آب صافی بشست دلیل که کاری جوید که تمام
کار یابد و مقصودش حاصل گردد واگر بیند که با آب پلید روی می شست تاویلش بخلاف این بود کرمانی رح گوید اگر بیند که
روی خود را می شست دلیل که از همه یاران خود یاری خواهد واگر بیند که دست و روی شست دلیل که مرادش حاصل شود
وکیل ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر کسی بخواب بیند که وکیل پادشاه شد و در شغل خود منصف بود دلیل که خیر و اقبال
دنیا یابد واگر وکیل قاضی شد همین تاویل دارد واگر در شغل وکالت منصف و دادگر نبود تاویلش بخلاف این بود مغربی

رحمة الله علیه گوید اگر کسی بیند که صلیب را بنواخت دلیل که او را با مردی سخن لطیف گفته شود و اگر صلیب را گشاده و روان
ببیند دلیل که او را از صلیب منفعت رسد و اگر بخلاف این بیند دلیل که بد بود وارثی علت حرام بود دیدن او در خواب
مالی بود که بوی رسد خاصه که در تن آبله سفید ببیند ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که در تنش وارثی بسیار شده بود
دلیل که او را کاری زشت پیش آید و بعضی از معبران رح گفته اند که او را معروف کرداند جعفر صادق رضی الله عنه
گوید وارثی در خواب درویش را توانگری و نعمت بود و توانگر را ایستادن از گناه و اگر بیند که چنان شده که همه تنش گرفته
افتاده بود دلیل که کارهای نیکو کند و باشد که فرزند یا برادرش از دنیا برود ویرانی ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
ویرانی خانه و دکان و آنچه بدین ماند دلیل گمراهی بود در دین و اگر بیند که ویرانه آبادان میکرد تاویلش بخلاف این بود
کرمانی رح گوید اگر بیند که جایگاه آبادان خراب شد دلیل که اهل آنجا در بلا و مصیبت افتند و اگر بیند که ویرانه کهنه آبادان
میکرد دلیل بر صلاح کار خداوندش بود و بیننده از گمراهی براه صلاح آید مغربی رح گوید اگر ویرانی از کردار خالق است
دلیل که بیننده را نفع بود و اگر از کردار مخلوق است تاویلش بخلاف این بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید اگر بیند
که مدرسه یا مسجد ویران کرد دلیل بر نقصان کار وی باشد حرف الهاء هاون ابن سیرین رحمة الله علیه گوید
هاون و دسته هر دو شریک باشند که ایشان را از یکدیگر ناگزیر بود و چون هر دو بهم باشند کاری کنند و فایده رسانند
و اگر از ایشان یکی ببیند فایده نباشد و اگر بیند که در هاون چیزی میکوفت و آن چیز خوردنی بود دلیل که بقدر و قیمت
آن او را برنج و سختی نفع رسد و اگر آنچیز دارو بود و اگر داروی امساک بود دلیل بر زیادتی مال بود مغربی رحمة الله علیه
گوید اگر آنچه در هاون میکوفت شیرین بود دلیل که برنج و سختی فایده یابد و اگر تلخ بود دلیل بر غم و اندوه بود و اگر جوهرها بود که در
هاون میکوفت و می سود دلیل که بقدر آن منفعت بیند و عاقبت مال خود تلف کند هبا بدانکه گرد و ذره آفتاب
بود ابن سیرین رحمة الله علیه گوید هبا در خواب سخن باطل و کردارهای پراکنده بود که در آن خیر و منفعت نباشد چنانکه حقتعالی
در کلام مجید فرموده است وجعلناه هباء منثورا جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که هبای سرخ در هوا پیدا
دلیل که در آن دیار بیمار شوند و اگر سیاه بود دلیل بر مصیبت بود و اگر سفید بود دلیل که هیچ غم نباشد هدهد ابن سیرین رحمة الله
علیه گوید هدهد در خواب مردی زیرک و دانا بود که انکار رسانی بر وم خبر و هدهد اگر بیند که هدهد بگرفت یا کسی بوی داد دلیل که با مردی
دانا زیرک ببیند صفت که گفتیم او صحبت افتد و از وی فرهنگی حاصل کند و اگر بیند که هدهد بکشت دلیل که بر مردی دانا و بزرگ ظفر یابد و هدهد
اگر بیند که گوشت وی بخورد دلیل که بقدر آن مال از مرد عالم حاصل کند کرمانی رح گوید هدهد بخواب دیدن صاحب خبر بود یا رسول نیک
اگر بیند که هدهد با وی سخن گفت دلیل که از آن کس خبر کند جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن هدهد در خواب بر چهار وجه بود اول خبر خوش شنیدن
دوم بزرگی سوم بر دشمن ظفر یافتن چهارم در آنکار که باشد زیرک و دانا باشد چنانکه حقتعالی فرمود هدیه مغربی رح گوید اگر بیند که کسی
وا و اگر آن هدیه چیزی نیکو باشد که لایق و پسندیده بود دلیل که هر دو را منفعت بود و اگر چیزی نیکو نبود دلیل که

هیزم دوا منفعت بود و اگر چیزی تنگ شود دلیل که هر دو یا از یکدیگر منفعت شود و بگاه تر و فساد بود ابن سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بیند که چیزی او را بهیم
ارزند که آنچیزرا دوست دارد دلیل بر خیر و صلاح بود و اگر آنچیز دوست ندارد دلیل بر شر و فساد بود و اگر بیند که مردی پیر یا زنی پیر او را هدیه داد دلیل
بر خیر و منفعت باید و اگر مردی جوان یا زنی جوان هدیه دهد تاویلش بخلاف این بود هریسه ابن سیرین رح گوید اگر کسی در خواب بیند که هریسه میخورد دلیل که از
آن خیر و منفعت بدو رسد و حاجت وی روا شود و بعضی از معبران گفته اند که او را فرزندی آید که چشم و دل بدان فرزند روشن شود زیرا که حضرت رسول
صلی الله علیه وسلم فرمود که الهریسة اطعمة الجنة مغربی رح گوید خوردن هریسه در خواب دلیل بر اندیشه بود و جهت اعمال جعفر صادق رضی الله
عنه گوید اگر هریسه بگوشت گوسپند فربه بود دلیل بر خیر و منفعت بود و آنچه بگوشت ضعیف باشد و طعم ناخوش بود دلیل که بقدر آن از حضرت پادشاه [illegible] هزار دستان
ابن سیرین رح گوید هزار دستان در خواب فرزند خوش آواز و خوب سخن بود الا ضعیف احوال شود و مرد او را علم و ادب و فرهنگ بود و نزدیک مردمان محبوب
باشد و اگر بیند که او را هزار دستان عطا دادند دلیل که او را فرزندی بدو صفت آید و اگر بیند که هزار دستانی از باغ بگرفت دلیل که او را با مردمان نیکو
خلق و خوب سخن همنشینی شود کرمانی رح گوید هزار دستان در خواب زنی خوش آواز بود و اگر بیند که هزار دستانی بخرید دلیل که کنیزکی خوش آواز و مطربه بخرد و اگر
بیند که هزار دستان از دست وی بپرید دلیل که زن را طلاق دهد یا کنیزک وی بمیرد یا بگریزد جابر مغربی رح گوید هزار دستان در خواب فرزند و غلام بود و سخن شیرین
شنیدن آواز خوش بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید هزار دستان در خواب دیدن بر پنج وجه بود یکی زن دوم فرزند سوم غلام چهارم حکیم پنجم غلام
هلیله ابن سیرین رح گوید هلیله کابلی در خواب دیدن دلیل غم و اندوه بود و هلیله زرد دلیل بیماری بود و هلیله سیاه دلیل مصیبت بود و اگر بیند که هلیله
از بن هلیله میخورد دلیل که اندوهش بیشتر باشد و اگر بیند که از بن هلیلها بی تا شکر یا با انگبین میخورد دلیل که اندوهش کمتر باشد و در دیدن هلیله هیچ منفعت
نبود هما ابن سیرین رح گوید همای در خواب دولت و عزت و بزرگی و ظفر باشد و اگر بیند که همای داشت دلیل که بقدر همای عز و دولت
یابد و اگر بیند که همای از دست وی بپرید دلیل که در جاه و حرمتش نقصان شود کرمانی رح گوید همای در خواب پادشاه بود یا رئیس یا مردم بزرگوار و اگر
که همای را بکشت و گوشت وی بخورد دلیل که بر مردی بزرگوار قهر کند و مال وی بستاند و بخورد و اگر بیند که همای داشت دلیل که از این کسان که گفته شد
خیر و منفعت یابد و اگر بیند که همای را به تیر یا بسنگ بزد دلیل که از این مردم چنین سخن بد گوید و اگر بیند که همای را پر بخراشید دلیل که ازین کسان او را مضرت
جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن همای در خواب بر هفت وجه بود یکی پادشاه دوم رئیس سوم مرد بزرگوار چهارم دولت پنجم بزرگی ششم فرمانروائی هفتم
دولت و اقبال هوا ابن سیرین رحمة الله علیه گوید اگر بیند که هوا روشن و صافی بود دلیل که مردم آن دیار را استراحت و معیشت نیکو و راحت بود و علما و اهل حکمت
را دولت و اقبال زیادت شود و اگر بیند که هوا تاریک و تیره بود دلیل که اهل آن دیار را غم و اندوه بود و اگر بیند که هوا سرخ رنگ بود دلیل که در آن دیار جنگ
و فتنه بود و اگر بیند که هوا سبز بود دلیل که در آن دیار کشت و غله و نبات زمین بسیار پیدا شود و اگر بیند که سپید و پاکیزه شد دلیل که بقدر آن اهل آن دیار
نعمت و فراخی کسب و معیشت بسیار بود کرمانی رح گوید اگر بیند که هوا از گرد و باد پر بود و باد سخت میجست دلیل که پادشاه بدان دیار آید و رنج و زحمت
بمردمان رساند و اگر بیند که چیزی از هوا بر سر شهری یا محلتی روشن و صافی گشت دلیل که در آن سال اهل آن موضع را نعمت و فراخی و خیر و منفعت رسد و اگر بیند که هوا
مختلف بود دلیل که اهل آن دیار را حال پراکنده شود جعفر صادق رض گوید دیدن هوا در خواب بر پنج وجه بود یکی بزرگی دوم منفعت سوم تندرستی چهارم ایمنی پنجم
معیشت این پنج وجه دلیل بر هوای روشن و صافی بود در هوام بدانکه هوام و جنبندگان بی نهایت بود ابن سیرین رح گوید اول جنبندگان [illegible] بقدر

در صحبت ایشان باشند و اگر هیزم تر بود دلیل علم تعبیر دشمن نیز بود و اگر بیند که هیزم داشت جعفر صادق رضی الله عنه گوید دیدن هیزم
در خواب نیکو باشد که باید که آن شمار رسد و اگر دید هیزم ابن سیرین رح گوید هیزم تر و خشک در خواب جنگ و خصومت و سخن چینی بود و اگر بیند
که هیزم در خانه خود آورد دلیل که بقدر هیزم او را در آن شهر و خانه جنگ و خصومت بود و اگر بیند که کسی بکار هیزم بود و سخت دلیل که او را با مردم
بقدر هیزم جنگ و خصومت افتد کرمانی رح گوید اگر بیند که از بیشه یا صحرا هیزم جمع میکرد دلیل که او ایمن گردد و حاسد و سخن چینی بود زیرا
که از مار شود و قوله تعالی حمالة الحطب فی جیدها حبل من مسد اگر بیند که از درختان هیزم جمع میکرد دلیل که در میان محتشمان و بزرگان از او
کنند و سخنهای بی اصل گویند و اگر بیند که از آن درختان هیزم از آن جمع میکرد و میوه دار بود دلیل که میان بزرگان بزرگی بهت برد و محتشم باشد
دیدن هیزم تر و خشک خوب نباشد جعفر صادق رض گوید هیزم خشک در خواب منافقی و سخن چینی باشد و هیزم تر در خواب جنگ و خصومت و گفتگوی باشد
و هیزم و مال هیزم تر در خواب بد باشد **حرف الیاء** یاره در خواب جنسی بود از جنس دست ابن سیرین رح گوید اگر مردی بیند که یاره زرین در دست
داشت دلیل که مکروهی بدو رسد و اگر یاره سیمین داشت دلیل که غم و اندوه بوی کمتر رسد و جمله پیرایه زنان مردان را نیک نباشد و آن مردان را نان
و طوق و گوشواره و غیره که زینت پادشاهی باشد مردان را زن بود و زنان را شوهر بقدر قیمت آنچه دیده باشد و شرح هر یکی از پیرایه ها در آن که با
بیان کردیم **یاسمین** ابن سیرین رح گوید اگر بیند که دسته یاسمین مرد را دلیل که میان ایشان گفتگوی افتد و از هم جدا شوند و اگر زنی بیند که
درخت یاسمین بشوهر او دلیل که شوهر او را طلاق دهد و اگر بیند که یاسمین بغلام داد دلیل که او از غلام گریزد و درخت یاسمین در خواب مرد زاهد و بدخوی بود
و علاء و حاسد است و اگر یاسمین در دستبوی بود دلیل که از زن با وجود حسان بود **یافتن** ابن سیرین رح گوید اگر کسی بیند که چیزی یافت اگر خداوند خواب
و صالح بود دلیل که در بیداری چیزی یابد و اگر صالح و مستور نبود دلیل که او را غم و اندوه رسد کرمانی رح گوید اگر بخواب بیند که دو چیز یافت هر دو یکجنس بود
دلیل سیر و منفعت بود و حج عمره کند و اگر بیند که دو چیز یافت هر دو یکجنس نبود دلیل خیر و منفعت و روزی حلال یافتن بود و شمار دیگر بر این قیاس
و اگر آنچه یافته از یک جنس نباشد دلیل ... باشد **یافتن کان** ابن سیرین رح گوید اگر کسی بخواب بیند که کوه کند و کان زر یافت دلیل که بقدر آن
ولایت یابد و اگر بیند مصلح و پارسا بود و اهل دین که حقیقت او در اعلم و حکمت از آن زیادت دارد و اگر بیند که کان سیم یافت دلیل که زنی از بزرگان خواهد
که با جمال و مال بود و بعضی از معبران گویند که او را فرزندی مبارک پدید آید و اگر بیند که کان سرب یا برنج یافت دلیل که او را با مهتری مکر و ایشم صحبت افتد
و اگر بیند که کان ارزیز یافت دلیل که زنی خوبروی بزنی کند و اگر بیند که کان آهن یافت دلیل که او را با مهتری قوی صحبت افتد و از وی مال یابد و اگر بیند
که کان بلور یافت دلیل که از پادشاه یا زن او منفعت رسد و اگر بیند که کان زبرجد و زمرد یافت دلیل که صاحب مال و جاه گردد و اگر بیند که کان یاقوت
یافت دلیل که عز و مال و نیز زیادت گردد و اگر بیند که کان پیروزه یافت دلیل که بر دشمن ظفر یابد و او را قهر کند و اگر بیند که کان عقیق یافت دلیل که
از پادشاه نفع یابد و اگر بیند که کان شبه یافت دلیل که با مهتری گفتگوی کند و اگر بیند که کان لعل یافت دلیل که جاه و حشمت یابد و اگر بیند که کان
نوشادر یافت دلیل که اندوهگین شود و اگر بیند که کان نمک یافت دلیل که از بزرگی منفعت یابد و اگر بیند که کان سرمه یا کان زاک یافت دلیل غم و
درد و اگر بیند که کان گل زرد یافت دلیل که بیمار گردد و اگر بیند که کان گل سفید یافت دلیل که با مهتری او را صحبت افتد **یاقوت** ابن سیرین رح گوید اگر
بیند که یاقوت سرخ یا سبز یا کبود داشت دلیل که زنی یا کنیزکی نیکو او را حاصل آید یا او را دختری خوبروی آید و اگر بیند که یاقوت معیب داشت دلیل که آن کنیزک

از زن گیرد و بر وی حرام گردد و کرمانی رح گوید اگر بیند که یاقوت سبز داشت دلیل که زنی خوب با اصل و نسب بخواهد و اگر زن دارد دلیل که فرزندی آید اگر بیند که
یاقوت مغشوش داشت دلیل که فرزندش سفید بود و اسمعیل اشعث رح گوید اگر بیند که یاقوت سرخ داشت دلیل که زنی توانگر با جمال بخواهد و اگر بیند که یاقوت
سبز بود دلیل که زنی پارسا و نیک سیرت بخواهد و اگر بیند که یاقوت زرد داشت دلیل که آن زن بیمار گون باشد و اگر بیند که یاقوت سفید بود دلیل که زنی مستوره و
مصلحه باشد جعفر صادق رضی الله عنه گوید یاقوت در خواب بر شش وجه بود یکی مال دوم کنیزک سوم علم چهارم پسر پنجم مرد نیک ششم دست زور و مرتبت
یبروح بدانکه یبروح را بر صنم نیز خوانند بصورت مردم باشد ابن سیرین رح گوید اگر بیند که بر صنم داشت یا کسی بدو داد دلیل که بجهد
مردی فرومایه دون قدر مشغول گردد و از وی زحمت یابد و اگر بیند که یبروح خورد دلیل که از مال مردی بد منفعت بخورد و دیدن یبروح در خواب
یخ دانیال علیه السلام گوید یخ در خواب غم و اندوه بود خاصه که بر وقتی بیش بیند و اگر بیند که یخ میخورد دلیل که روزی بسیار یابد مگر آنکه بسیار بیند
بیند بوقت خویش یعنی زمستان و اگر بیند که یخ صافی بخانه میبرد دلیل که بقدر آن مال جمع کند کرمانی رح گوید اگر بیند که در تابستان یخ صافی برد
دلیل که مال حلال جمع کند و اگر بیند که یخ تیره و تلخ بود دلیل که مالی جمع کند از حرام بود و اگر در زمستان یخ پاکیزه بخواب بیند دلیل که عیش خوش گذارد و منفعت
از روزگار خود ببیند و دل دوستان بروی شاد گردد جابر مغربی رح گوید یخ در سردسیر و زمستان بخواب دیدن دلیل بر خیر و منفعت و تندرستی بود و در
گرمسیر دلیل قحط و تنگی و اندوه بود و بعضی معبران گفته اند یخ و برق در خواب دیدن در دیار سردسیر دلیل فراخی نعمت بود و در گرمسیر دلیل قحط و غم
بود جعفر صادق رضی الله عنه گوید یخ در خواب بر شش وجه بود یکی روزی فراخ دوم زندگانی سوم مال چهارم نرخ ارزان پنجم غم و اندوه ششم قحط و تنگی
یشم ابن سیرین رح گوید دیدن یشم در خواب دلیل زنی بی اصل بود و اگر بیند که انگشترین یشم داشت یا کسی بدو داد یا خرید دلیل که زنی بی اصل خواهد
و اگر زن دارد دلیل که او را دختری آید و اگر بیند که یشم داشت دلیل که از قبل زنان خیر و منفعت یابد یل بدانکه یل مبارز بود ابن سیرین رح گوید اگر
بیند که او مبارز بود دلیل که در پادشاهی قوت و شوکت یابد و اگر عالمی بیند که فاضل و یگانه در بحث بود دلیل که بر خصم غالب گردد و اگر بازرگانی بیند که مبارز
شد دلیل که به تجارت مال بسیار حاصل کند و اگر سپاهی بیند دلیل که توانگر شود و مال یابد بقوله تعالی یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ارْکَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا
رَبَّکُمْ وَافْعَلُوا الْخَیْرَ لَعَلَّکُمْ تُفْلِحُونَ و اگر بیند که با کسی مبارزت کرد و بر وی غالب آمد دلیل که بر دشمن چیره گردد و اگر بیند که خصم بر وی غالب
آمد و یلش بخلاف این بود و اگر بیند که با زنی مبارزت کرد و زن بر وی غالب شد دلیل که عاقبتش بد بود و خوار و مستمند گردد یوز ابن سیرین رح گوید
یوز در خواب دشمن بود و دشمنی بر وی ظاهر گردد و اگر بیند که با یوز جنگ و نبرد میکرد و اگر بر یوز چیره شد دلیل که بر دشمن ظفر یابد کرمانی رح گوید اگر بیند
که یوز را گرفت دلیل که با دشمن صحبت کند و اگر بیند که یوزان وی بگریخت دلیل که دشمن از وی بگریزد و اگر بیند که یوزان بسیار مطیع او بودند
دلیل که دشمنان وزبون شوند جابر مغربی رحمة الله علیه گوید اگر بیند که گوشت یوز میخورد دلیل که بقدر آن مال دشمن بستاند بعضی از معبران گفته اند
اگر بیند که گوشت یوز را بکشت دلیل که در وی هیچ خیر نباشد و اگر بیند که یوز بر گردن نهاد و میبرد دلیل که بار دشمن کشد و اگر بیند که یوزان در خانه
ها و موضعی بانگ میکردند دلیل که از سبب دشمنان رنج و مضرت یابد بقدر آنکه دیده بود والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب
اولاً و آخراً والصلوة علی نبیه محمد و آله و اصحابه اجمعین

خاتمهٔ کتاب

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و سپاس مر حکیمی را که بر ساحت حق قطعی بنیاد و [illegible] و صدیقان و شهدا و انبیا خود را بمدیحه
رؤیا بنیاد بشارت و نذارت آگاه گردانید و درود نامحدود بر خاتم النبیین شفیع المذنبین که گرامی لقد صدق الله رسوله
الرؤیا بالحق بیان رؤیای اوست بر آل و اصحاب و اولیاء اوست [illegible] اما بعد علم تعبیر الرؤیا علمیست شریف
و ندای آسمانی و مفسر الهامات ربانی کاشف رموز عالم مثال [illegible] مبشرات و سرمایه علوم [illegible] کتاب
[illegible] و مختص بنبوت علیه الصلوة والتحیة کما قال الله تعالی حکایة عن کلام یوسف علی نبینا و علیه السلام رب قد
آتیتنی من الملک و علمتنی من تاویل الاحادیث ای تعبیر الرؤیا
رؤیای صادقه مرد صالح یکی جزو است از چهل و شش جزو از نبوت گفته اند که غالب [illegible]
جهت قلت تمکین شیطان [illegible] رؤیا جزو نبوت [illegible] بعد از وفات نبی علیه السلام [illegible]
[illegible] این جزو است از اجزاء نبوت [illegible] اجزاء نبوت [illegible] تشبیه [illegible] نبوت
منقطع شد [illegible] الا المبشرات [illegible] رؤیا [illegible]
[illegible] نبوت [illegible] در حدیث [illegible] مبشرات [illegible]
[illegible] تعبیر رؤیا مبشرات [illegible] غالب است [illegible] این [illegible] تعبیرات [illegible]
[illegible] منقول از لطایف تعبیر و غرایب [illegible] حصر آن نتوان کرد [illegible]
[illegible] معجزات پیغمبر صلعم [illegible] بعد از آن [illegible]
[illegible] امام ابن سیرین [illegible] تعبیر [illegible] حضرت صلعم [illegible]
[illegible] نقل کرده [illegible]
[illegible] علیه [illegible]
[illegible] صادق [illegible] یوسف علی نبینا و علیه السلام [illegible]
[illegible] احادیث صحیحه [illegible] تفصیل [illegible] ابن سیرین [illegible]
[illegible] کتب [illegible] آسمانی [illegible] دانیال [illegible]
[illegible] این نسخه متبرکه معتبره [illegible] امام همام [illegible] جعفر بن الصادق و محمد بن
سیرین رضوان الله تعالی علیهم اجمعین و از متاخرین مانند کرمانی و اسمعیل اشعث السجستانی و معبرین
و غیرهم بود باهتمام خود جناب قاضی احمد صاحب [illegible] مطبوعه ایران
و غیره تصحیح و تنقیح کنانیده در مطبع گلستان کشمیر [illegible] شهر محرم الحرام ۱۳۲۱ [illegible]